

مطالعات اقتصاد اسلامی

۳۱

دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی
سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیر مسئول: محمدهادی زاهدی وفا

سر دبیر: محمد مهدی عسکری

مدیر داخلی: محمد قاندامینی

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

کریم اسلاموئیان استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل) دانشگاه شیراز
مسعود درخشان استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی و بهینه سازی) دانشگاه علامه طباطبایی
حسینعلی سعدی استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمد مهدی عسکری استاد (تخصص: اقتصاد ریاضی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
محمدعلی فلاحتی استاد (تخصص: علوم اقتصادی) دانشگاه فردوسی
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
کاظم یاوری استاد (تخصص: اقتصاد بین الملل و توسعه) دانشگاه تربیت مدرس
محمدهادی زاهدی وفا دانشیار (تخصص: اقتصاد) دانشگاه امام صادق علیه السلام
عباس عرب مازار دانشیار (تخصص: اقتصادسنجی و توسعه) دانشگاه شهید بهشتی
حسین عیوضلو دانشیار (تخصص: اقتصاد پولی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* بر اساس مجوز شماره ۳/۱۸/۳۵۹۲۴ مورخ ۱۳/۰۳/۱۳۹۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دوفصلنامه «مطالعات اقتصاد اسلامی» از شماره ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰) دارای درجه علمی است.

مقالات نشریه در پایگاه های ذیل نمایه می شود:

پایگاه دواج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noormags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

مقالات این نشریه لزوماً بیان کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۴۱۶ صفحه | ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال | چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۴۶۵۵-۱۵۹

مدیریت امور فنی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۸۸۰۹۴۹۱۵ (۰۲۱)

مدیریت امور علمی و تحریریه: دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تلفن: ۸۸۰۸۱۴۰۴ (۰۲۱) و دورنگار: ۸۸۵۷۹۹۸۸ (۰۲۱)

نشانی وبگاه نشریه: <https://ies.isu.ac.ir>

E-mail(1): ies@isu.ac.ir

Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com

اهداف و سیاست‌های دوفصلنامه علمی مطالعات اقتصاد اسلامی

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی» با هدف تولید ادبیات در حوزه اقتصاد اسلامی به منظور ارتقاء و تحول این حوزه دانشی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصاد، ماحصل پژوهش‌های صاحب نظران و اندیشمندان این حوزه را منتشر می‌نماید. با توجه به رویکرد تخصصی و پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، اصلی‌ترین محورهای موردنظر برای انتشار آثار علمی در زمینه اقتصاد اسلامی عبارتند از:

الف) موضوعات بنیادین اقتصاد اسلامی:

- ارزیابی انتقادی مبانی و بنیان‌های اساسی علم اقتصاد از منظر معارف اسلامی؛
- فلسفه و روش‌شناسی علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی؛
- مطالعات تطبیقی و انتقادی مکاتب اقتصادی و اقتصاد اسلامی؛
- تحلیل اندیشه‌های اقتصادی اندیشمندان مسلمان؛
- نسبت اخلاق و اقتصاد.

ب) کاربردها و تجربیات:

- بررسی تجربه سایر کشورها در تدوین و اجرای اقتصاد اسلامی؛
- بررسی عملکرد سازمان‌ها و نهادهای اجرایی از منظر میزان مطابقت با آموزه‌های اسلامی؛
- بررسی ابعاد اقتصادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
- تبیین ربط و نسبت اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی؛
- ارزیابی مسائل اقتصادی ایران با ملاحظه رهیافت‌های اقتصاد اسلامی.

ج) موضوعات بخشی

- ماهیت و نقش دولت اسلامی، منابع مالی و مخارج دولت اسلامی، انفال و...؛
- پول، بانکداری، بیمه، ازارها و بازارهای مالی؛
- کاربردهای فقه در تحلیل مسائل اقتصادی کلان؛
- بازار و رفتار بخش خصوصی از منظر اسلامی؛
- تجارت بین‌الملل و تعاملات اقتصادی بین کشورهای اسلامی؛
- مباحث رفتاری و شناختی در حوزه اقتصاد اسلامی.

هـ) سایر موضوعات مرتبط.

فهرست مقاله‌ها

- بررسی مالیت انواع رمزارزها و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس معیارهای اقتصاد اسلامی ... ۱
مهدی حاج‌آقا بزرگی* و حسین عیوضلو
- ارزیابی نحوه مواجهه با بی‌ثباتی ذاتی بانکداری ذخیره جزئی در بانکداری اسلامی ۴۷
میثم خسروی*
- تحلیل قابلیت پوشش ریسک بازار سهام ایران در بازار صکوک بین‌المللی ۷۹
وحید نکونئی* و مهدی قائمی اصل
- پیش‌بینی اقتصادی در مواجهه با سنت‌های الهی، از دشواری تا امکان ۱۱۳
قاسم ترخان، علی اصغر هادوی نیا* و علی اصغر قائمی نیا
- زکات در مسیر رونق اقتصادی اسلامی، تحلیل محتوای مقالات ۱۳۹
حمیدرضا رادفر* و نیره جعفری‌فر
- قیمت عادلانه به مثابه یک نهاد الهیاتی: تجربه متفکران مدرسی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی ۱۷۱
محمدحسین بهمن‌پور خالصی* و محمدجواد شریف‌زاده
- بررسی اثرات نامتقارن مؤلفه‌های ریسک مالی و پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در ایران (رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL)) ۱۹۹
بهمن خانعلی‌زاده، اشکان رحیم‌زاده*، محمد دالمن‌پور و مجید افشاری‌راد
- برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی به عنوان یکی از نهادهای اقتصاد مقاومتی و عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر آن ۲۳۷
کیومرث سهیلی و مریم نفیسی مقدم*
- مرور نظام مند مطالعات داخلی مردمی سازی اقتصاد ۲۶۷
سعید سید حسین‌زاده*
- بررسی و رتبه‌بندی مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) ۳۲۳
مصطفی کاظمی نجف‌آبادی و مهدی رعایانی*
- نقش دینداری در سواد مالی و تاثیر آن بر رضایت مالی و ناامیدی دانشجوی معلمان ... ۳۵۷
عباس رمضان، آنتیا امید نیا* و لادن حاجی‌انوری
- مدل‌سازی تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان در چارچوب نظام مالی اسلامی .. ۳۸۱
عبدالمحمد کاشیان*



Investigating the Asset Status of Different Cryptocurrencies and Their Classification Based on Islamic Economic Criteria

Mahdi Hajaghabozorgi: PhD Student in International Oil and Gas Contract Management, Faculty of Finance and Accounting, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

Mh.bozorgi@ut.ac.ir | 0009-0003-5938-4774

Hossein Eivazlou: Associate Professor in Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

ayvazlou@isu.ac.ir | 0000-0002-4147-4654

Abstract

The types of cryptocurrencies have differences from each other. These differences make it impossible to issue a general verdict about the trade value of all of them, and it is necessary to first identify the nature of each type of cryptocurrency and then check its trade value. Considering the nature of unstable and stable cryptocurrencies without support, until if they do not have the characteristics of money, they cannot have trade value because they don't have the criteria of property in Islamic jurisprudence. When they reach this stage, they have credit trade value. About physical asset backed cryptocurrencies because they are just document at first they don't have trade value by themselves, but if their support has trade value, their transaction will not be a problem. If these cryptocurrencies also reach a stage where they acquire the characteristics of money apart from being a document they are valued as credit property. The situation is also the same for cryptocurrencies that are backed by fiat money. They are a document that shows the owner's ownership of a credit asset. About the cryptocurrencies backed by another currency it's necessary to see what stage the cryptocurrency is in. Whether it has reached the time when it becomes a property or not. If it has reached the cryptocurrency that is supported is a document indicating the owner's ownership of a credit property. Of course it may eventually be used by the people or the government as money. In this case in addition to being a document it becomes an independent asset.

Keywords

Cryptocurrency; Trade value; cryptocurrency's different; the nature of cryptocurrencies.

بررسی مالیت انواع رمزارزها و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس معیارهای اقتصاد اسلامی

مهدی حاج آقابزرگی: دانشجوی دکتری مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، دانشکده علوم مالی و

حسابداری، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Mh.bozorgi@ut.ac.ir

حسین عیوضلو: دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

ayvazlou@isu.ac.ir

چکیده

رمزارزها دارای انواع مختلفی می‌باشند که هریک دارای ویژگی‌های مخصوص خود هستند. وجود این تفاوت‌ها باعث می‌شود تا نتوان به‌طور کلی برای مالیت همه‌ی رمزارزها یک حکم کلی صادر کرد. برای این منظور لازم است تا ابتدا ماهیت هر نوع از رمزارز شناسایی شده و سپس مالیت آن مورد بررسی قرارگیرد. به نظر می‌رسد باتوجه به ماهیت رمزارزها از نظر بی‌ثبات و باثبات بودن یا بدون پشتوانه بودن، تا زمانی که حائز ویژگی‌های پول نباشند، مالیت هم نمی‌توانند داشته باشند چراکه هیچ یک از ملاک‌های مال در فقه اسلامی را بدون این ویژگی ندارند. زمانی هم که به این مرحله رسیدند دارای مالیت اعتباری می‌باشند. اما رمزارزهای باثبات دارای پشتوانه فیزیکی چون عملاً نوعی سند الکترونیکی هستند که حاکی از مالکیت صاحب آن بر مقدار مشخصی از پشتوانه آن رمزارز می‌باشند، در ابتدا به خودی خود مالیت ندارند، اما اگر پشتوانه‌ی آن‌ها مالیت داشته باشد، معامله‌ی آن‌ها مشکلی نخواهد داشت. هرچند که اگر این رمزارزها نیز به مرحله‌ای برسند که ویژگی‌های پول را به‌دست بیاورند، جدا از اینکه سند هستند به‌عنوان مال اعتباری مالیت پیدا می‌کنند. در مورد رمزارزهایی که دارای پشتوانه‌ی پول فیات هستند نیز وضعیت همین‌طور است. در واقع آن‌ها سندی هستند که نشان دهنده‌ی مالکیت دارنده، نسبت به یک مال اعتباری یعنی پول فیات می‌باشند. اما درمورد رمزارزهایی که پشتوانه‌ی آن‌ها رمزارزهایی دیگر مثل بیت‌کوین و اتریوم هستند باید دید آن رمزارزهایی که پشتوانگی می‌کنند در کدام مرحله قرار دارند و آیا به دورانی که حائز مالیت شوند رسیده‌اند یا نه. اگر رمزارزی که به‌عنوان پشتوانه است خود مالیت داشته‌باشد آنگاه رمزارزی که پشتیبانی می‌شود، سندی است که حاکی از مالکیت دارنده آن نسبت به یک مال اعتباری می‌باشد. البته در نهایت ممکن است توسط مردم یا دولت به عنوان پول نیز اعتبار شوند. در این حالت نیز علاوه‌براین که سند هستند خودشان نیز مستقلاً دارای مالیت اعتباری می‌شوند. اما مالیت خود می‌تواند به عنوان یک شاخص جهت رتبه‌بندی انواع رمزارز از نظر ملاحظات اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار گیرد. چراکه نحوه احراز مالیت نتایج مهمی دارد که می‌تواند از حیث معیارهای بنیادین حق، عدل و قوام مورد بررسی قرارگیرد. دلیل استفاده از این معیارها آن است که در حال حاضر فتاوی‌ی زیاد و مشخصی در مورد انواع رمزارزها نداریم لذا استفاده از این معیارها که مبتنی بر روش تأسیس است می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: رمزارز، مالیت، تفاوت رمزارزها، ماهیت‌شناسی رمزارزها.

مقدمه

یکی از مسائل مهم مورد بحث در مکاتب مختلف اقتصادی، موضوع «ارزش» است. در تبیین ماهیت، علت و معیارهای ارزش نظرات گوناگونی ارائه شده‌است. در اقتصاد اسلامی نیز می‌توان ذیل مباحث مطرح شده در مورد مالیت، مطالب مرتبط با ارزش اقتصادی و ارزش مبادله‌ای را جست و جو کرد. از طرفی با بحث پیرامون مالیت به عنوان یک موضوع مبنایی، می‌توان نتایج کاربردی ارزنده‌ای را نیز به دست آورد. اساساً برای طراحی هر زیرنظامی در حوزه اقتصاد باید به چارچوبهای کلی مکتبی مورد نظر توجه شود تا بتوان مبتنی بر آن‌ها نظامات اقتصادی را بنا نهاد. مالیت یکی از این مبانی است که نحوه‌ی احراز آن آثار مهمی بر اقتصاد دارد. از طرفی رمزارزها به عنوان یک پدیده‌ی نو ظهور دارای ماهیت جدیدی هستند. علاوه بر این دارای انواع گوناگونی نیز می‌باشند که از نظر ماهوی بایکدیگر متفاوت‌اند. این مسئله ابهاماتی را در مورد مالیت آن‌ها ایجاد می‌کند که باعث می‌شود اصل احراز مالیت آن‌ها به صورت جداگانه نیاز به بررسی داشته‌باشد. به طور خلاصه می‌توان گفت پیرامون مالیت و انواع آن و هم چنین شرایط احراز آن مباحث فراوانی مطرح است که باید در مورد انواع رمزارزها بررسی شود. موضوع مورد اهمیتی که با بررسی مالیت انواع رمزارزها می‌توان به آن رسید، آثار و تبعات هر کدام از آن‌ها به جهت نحوه‌ی احراز مالیت‌شان می‌باشد. در این جا هم می‌توان از تناظری که بین انواع رمزارزها و انواع پول یا دارایی از حیث مالیت برقرار می‌گردد استفاده نمود زیرا می‌توان از مطالعات و تجارب گذشته در مورد این پدیده‌ها بهره برد.

در این راستا فرضیه اصلی این مقاله این است که می‌توان با توجه به کیفیت احراز مالیت انواع رمزارزها آن‌ها را از حیث معیارهای اقتصاد اسلامی و سه معیار حق، عدل و قوام در اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار داده و رتبه‌بندی نمود.

۱. بیان مسئله

نظرات مختلفی تاکنون در مورد مالیت رمزارزها بدون توجه به وجود تفاوت‌های ماهوی بین انواع آنان بیان شده‌است. عده‌ای آن‌ها را دارای مالیت دانسته و عده‌ی دیگری نیز معتقدند که رمزارزها حائز مالیت نیستند. این مسئله خصوصاً خود را در فتاوی‌ای شرعی

مراجع تقلید نشان داده‌است به این صورت که سؤال در مورد عنوان کلی مالیت رمزارزها مطرح شده و پاسخ‌دهنده هم فتوای خود را در مورد همین عنوان کلی صادر کرده‌است. در نتیجه به‌طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت تصور براین بوده که رمزارز یک پدیده بسیط است و انواع مختلفی ندارد یا حداقل تفاوت‌های بین انواع آن باعث تغییر ماهیت نمی‌گردد، لذا به‌طور کلی می‌توان در مورد آن حکم شرعی صادر کرد. اما واقعیت آن است که در طی سالیان اخیر انواع مختلفی از رمزارزها ایجاد شده‌اند که از شکل اولیه و مطرح آن یعنی بیت‌کوین فاصله گرفته و تفاوت‌های ماهوی پیدا کرده‌اند. از طرفی با گذشت سال‌ها از ایجاد اولین رمزارز هنوز نگاه واحدی در مورد این که آیا رمزارزها پول هستند یا دارایی یا اوراق بهادار یا توکن‌های کاربردی و یا چیز دیگر وجود ندارد. وجود انواع گوناگون از رمزارزها نیز بر پیچیدگی این مسئله افزوده‌است. عدم وجود نگرش واحد به این مسئله کاملاً به قوانین کشورها نیز سرایت پیدا کرده‌است.

بعضی از کشورها مثل آلمان و ژاپن در قوانین خود رمزارزها را به‌عنوان پول در نظر گرفته‌اند. بعضی دیگر مانند مکزیک و دانمارک رمزارزها را به‌عنوان دارایی‌های مالی غیرقانونی که بستر فعالیت‌های سفته‌بازانه را فراهم می‌آورند در نظر گرفته‌اند. این مسئله در داخل کشورها نیز مورد اختلاف است. بارزترین نمونه‌ی این اختلاف در ایالات متحده آمریکا مشهود است. در آغاز، کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۱ (SEC) رمزارزها را به‌عنوان نوعی از اوراق بهادار تعریف کرد. استدلال این کمیسیون آن بود که بسیاری از این رمزارزها عملاً مکانیزمی برای تجارت دارایی‌ها هستند که با ماهیت اوراق بهادار انطباق دارد. لذا اعلام کرد هرچیزی که در یک پلتفرم مبادلاتی به‌عنوان نوعی از اوراق بهادار معامله می‌شود را تنظیم‌گری می‌کند در نتیجه وظیفه‌ی تنظیم‌گری رمزارزها را نیز برعهده دارد. اما تلقی دیگر نهادها و مقامات آمریکایی مخالف این بود. مدتی پس از اظهار نظر این کمیسیون، یک قاضی فدرال در ایالت نیویورک حکم داد که کمیسیون کالاها و تجارت آتی^۲ (CFTC) می‌تواند در امر تنظیم‌گری رمزارزها ورود کند. لذا با این رأی خود رمزارزها را در ردیف کالاهایی چون طلا، نفت و قهوه قرار داد. هم‌چنین در سال ۲۰۱۴ نهاد خدمات درآمد داخلی^۳ (IRS)

1. Securities and Exchange Commission
2. Commodity Futures Trading Commission
3. Internal Revenue Service

رمزارزها را ذیل دارایی‌های مشمول مالیات تعریف کرد. نهاد دیگری که نگرش متفاوتی از رمزارزها ارائه داد، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی ایالت متحده^۱ (OFAC) آمریکاست که مسئولیت پیگیری تحریم‌های آمریکا علیه دیگر کشورها را برعهده دارد. این نهاد اعلام کرده است تحریم‌هایی که علیه ارز فیات اعمال شده‌اند، علیه رمزارزهای ملی نیز صادق می‌باشد. به عنوان مثال تحریم‌هایی که علیه پول ملی ونزوئلا اعمال شده‌اند، شامل رمزارز پترو نیز می‌باشد. لذا این نهاد با این تصمیم رمزارزها را به عنوان پول در نظر گرفته است. نهاد دیگری که رمزارزها را نوعی پول به‌شمار می‌آورد، شبکه جرائم مالی غیرقانونی^۲ (FinCEN) می‌باشد که به جرائم پولی مثل پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و امثال آن نظارت می‌کند. این نهاد در سال ۲۰۱۳ مقررات خود را به‌روزرسانی کرده و رمزارزها را نیز ذیل قوانین مقابله با جرائم پولی خود آورده است. البته در آمریکا تلاش‌هایی در حال صورت‌گرفتن است که این اختلاف تعبیرها را حل کند اما هنوز به نتیجه‌ی مشخصی نرسیده است. دیگر کشورها نیز تلقی‌های گوناگونی از ماهیت رمزارزها دارند. مثلاً آژانس درآمد کشور کانادا، رمزارزها را به‌عنوان کالا به حساب می‌آورد و قوانین مربوط به معاملات کالایی را در مورد آن‌ها اجرا می‌کند. اما پارلمان این کشور قانونی را به تصویب رسانده که در آن عنوان کسب و کار خدمات پولی را بر روی رمزارزها گذاشته است. از طرف دیگر مسئولین بورس اوراق بهادار کانادا رمزارزها را اوراق بهادار می‌دانند و معتقدند قوانین اوراق بهادار باید در مورد آن‌ها اجرایی شود. در مکزیک نیز رمزارزها به عنوان کالا در نظر گرفته می‌شود. اما وضعیت در کشورهای اروپایی کمی فرق می‌کند. اکثر این کشورها به جز سوئیس و آلمان با قاطعیت رمزارز را پول نمی‌دانند اما تعریف دقیق و خاص دیگری نیز از رمزارزها ارائه نمی‌دهند. بعضی از آن‌ها مانند انگلستان رمزارز را پدیده‌ای خاص تعریف کرده‌اند که نمی‌توان آن را با هیچ یک از کالاها، ارزها، اوراق بهادار و سایر ابزارهای مالی مقایسه کرد. در سایر نقاط دنیا نیز تعاریف و تعبیر از رمز ارز متفاوت است. مثلاً در چین، دولت طی بیانیه‌ای در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد بیت‌کوین یک کالای مجازی خاص است و نه یک ارز، لذا قوانین مربوط به پول در مورد آن موضوعیت پیدا نمی‌کند. اما ژاپن تعریف

1. The Office of Foreign Assets Control
2. Financial Crimes Enforcement Network

خاص تری از رمزارز ارائه داده است. توضیح آن که در ابتدا ژاپن رمزارزها را پول نمی دانست سپس موضع خود را اصلاح کرد و آن را نوعی پول به شمار آورد اما برای این که بفهماند رمزارز نوع خاصی از پول است آن را " ارزش دارایی " توصیف می کند که می شود در جهت خرید کالا و خدمات از آن استفاده نمود. کره جنوبی نیز رمزارزها را به عنوان دارایی با ارزش قابل اندازه گیری معرفی می کند. بعضی کشورها هم به طور کلی رمزارزها را پدیده ای غیر قانونی اعلام کرده اند. مثلاً ترکیه به علت عدم انطباق رمزارزها با اسلام و قوانین جاری کشور، استفاده از رمزارزها را به عنوان پول الکترونیکی رد می کند. (Chandler, 2018).

با بررسی رویکرد کشورها در مورد تعریف رمزارزها کاملاً مشخص شد که این موضوع بسیار مبهم و اختلافی است. از طرفی همان طور که گفته شد امروزه رمزارزها انواعی دارند که بایکدیگر بسیار متفاوت هستند. در نتیجه نمی توان بدون شناخت این تفاوت ها برای مالیت همه ی رمزارزها یک حکم کلی صادر نمود. در واقع لازم است تا برای تبیین درست مالیت رمزارزها ابتدا ماهیت هریک از انواع آن ها به درستی شناخته شود و سپس با توجه به این مطلب مشخص شود که آیا مالیت آن رمزارز احراز می شود یا خیر.

۲. روش شناسی

ما در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش های متداول در فقه فردی، به بررسی مالیت رمزارزها خواهیم پرداخت و سپس با بهره گیری از روش تأسیس در استنباطات اقتصاد اسلامی و بکارگیری سه معیار حق، عدل و قوام سعی میکنیم تا نحوه احراز مالیت را به عنوان یک شاخص در نظر گرفته و به کمک معیارهای سه گانه فوق میان انواع مالیت، یک رتبه بندی ایجاد نماییم. از آنجا که نحوه احراز مالیت انواع رمزارز نیز تفاوت هایی با هم دارند و مالیت آن ها مشروط به شرایطی گوناگون است، می توان از این طریق بین انواع آنان نیز رتبه بندی ایجاد نمود.

علت اینکه ما از معیارهای سه گانه استفاده می کنیم آن است که این معیارها مبتنی بر روش تأسیس می باشد که بر اساس اصول و موازین اسلامی تعیین گردیده اند. در این روش از اصول تکوینی و تشریعی به سمت تعیین معیارها و قواعد حرکت

می‌کنیم. خاصیت اصلی این روش در برابر فقه‌النظریه مبتنی بر نظریه‌های شهید صدر این است که آن روش مبتنی بر فتاواست تا بر اساس آن‌ها به قواعد کلی احکام دست یابیم. در واقع در روش فقه‌النظریه ما به دنبال کشف قوانین کلی در زمینه‌های گوناگون هستیم تا احکام را از عرصه فردی به حوزه اجتماعی تسری دهیم. پژوهشگر فقه‌النظریه معتقد است احکام به صورت یک کل منسجم می‌باشند و جدای از هم جعل نشده‌اند لذا یکسری خطوط کلی بر آن‌ها حاکم است که می‌توان آن‌ها را کشف نمود. (عیوضلو، ۱۳۹۸) اما در موضوعاتی همانند بحث رمزارزها ما فتواهای مشخصی از فقهای عظام نداریم لذا نمی‌توان صرفاً با استفاده از احکام صادر شده توسط فقها همه‌ی ابعاد شرعی این پدیده را بررسی نمود تا بر اساس آن خطوط کلی را کشف کرد. لذا لازم است تا بر اساس تطبیق دادن موضوع با اصول و موازین اسلام و به تعبیری دقیق‌تر با بهره‌گیری از سه معیار یاد شده جهت به دست آوردن نظرات اقتصاد اسلامی در مورد رمزارزها استفاده نمود.

این سه اصل بر اساس ارکان اقتصاد اسلامی که متشکل از پیش‌فرض‌ها، قضاوت‌های ارزشی و قضایای اثباتی است که به نوعی جوهره اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند به دست آمده‌است: (عیوضلو، ۱۳۹۷)

حق: "حق در مقابل باطل به معنی انتساب به امر حقیقی و وجودی است. حق مال به معنای استفاده صحیح از مال است که منجر به رشد و نمو ثروت در جامعه می‌شود. همچنین بیانگر برنامه و کتاب آفرینش است که تجلی آن در اصول تکوینی بیان می‌شود." هم‌چنین بر اساس این معیار و طبق اصل تشریعی تبعیت نمو از اصل، کلیه ارزش افزوده کسب شده توسط افراد و عواملی که در ایجاد آن نقش داشته‌اند لزوماً می‌بایست به خود آنان بازگردد. (عیوضلو، ۱۳۹۷)

یکی از نمودهای عدم رعایت این اصل در اقتصاد موضوع خلق پول و وام دادن بعضی از بانک‌ها از هیچ است. یعنی اگر بانک بخواهد بدون در اختیار داشتن وجه کافی اقدام به اعطای وام نماید، این امر خلاف معیار حق است، چرا که این کار به یک امر حقیقی انتساب ندارد.

عدل: عدالت به معنای وضعیتی که مطلوب است قلمداد می‌گردد و به بیان دیگر

وضعیت بایسته‌ی جامعه می‌باشد. اصولاً می‌توان گفت " عدل، مشروعیت روابط مالی را در مرحله انتقال مالکیت تحقق می‌بخشد" (عیوضلو، ۱۳۹۷)

از سوی دیگر حق ریشه در مبانی دارد و عدل نهادهای اقتصادی جامعه را در یک وضعیت بایسته از حیث اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و روابط بین نهادها را تعیین میکند. همچنین از آنجاکه نظام تکوین بر مبنای حق و عدل قرار دارد، هرگونه تصرف انسانها بر اموال باید مبتنی بر حق و عدل باشد. (عیوضلو، ۱۴۰۰) قوام: به این معنا است که اموال باید عامل سامان‌یابی جامعه قرار بگیرد. منظور از قوام وضعیتی است که در آن عناصر کل اقتصاد و نیز بخش‌های مختلف آن به صورت "هماهنگ و منسجم و متناسب با هدف نظام اقتصادی مستقر می‌شوند" حال این موضع قوام در دو سطح مطرح است. اول در سطح تولید است که به معنای حداکثر کردن کارآیی و کسب بیشترین بازدهی است. دوم در لایه‌ی مصرف است که خود را در تخصیص بدون تبعیض برخورداری‌ها و "توازن در درآمدها و رضایتمندی‌ها" نشان می‌دهد. (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۰)

در واقع اقتصاد اسلامی و نهادهای مرتبط با آن به یک جهت مشخص توجه دارند، همه فعالیت‌های عوامل و کارگزاران اقتصادی در این مسیر در طول مأموریت تکوینی برای عمران و آبادانی در زمین و ایفای رسالت توحید افعالی معنی و جلوه می‌یابند. براساس دلالت آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» یکی از ویژگی‌های بایسته و حق مال در جامعه آن است که اموال سبب استواری و قوام جامعه شوند، لذا اقتصاد اسلامی یک اقتصاد قوام یافته است. در این اقتصاد ثروت رشد و نمو دارد و ارزش افزوده حقیقی ایجاد می‌گردد و عمران در جامعه افزایش می‌یابد. (عیوضلو، ۱۴۰۰)

بر اساس آنچه اشاره شد، این سه معیار را می‌توان به عنوان مبنای بررسی کیفیت مالیت رمزارزها از منظر اقتصاد اسلامی قلمداد کرده و انواع آن را از حیث این سه معیار مورد بررسی قرار داد و رتبه‌بندی نمود.

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. منابع داخلی

رضایی صدرآبادی، محسن، (۱۳۹۹) در رساله‌ی دکتری (تبیین ماهیت پول‌های مجازی و تحلیل آن از منظر اقتصاد اسلامی) یک دسته‌بندی از ارزش‌های مجازی بر اساس پشتوانه و پروتکل اجماع ارائه می‌دهد. در ادامه ارزش‌های مجازی را به دو دسته باثبات و بی‌ثبات تقسیم می‌نماید. ارزش‌های باثبات نیز خود ۴ نوع می‌باشند که ویژگی‌های خاص خود را دارند.

عیوضلو و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله "تحلیل فقهی-حقوقی ارزش‌های قابل استخراج در اقتصاد اسلامی" ضمن ارایه دسته‌بندی فوق از انواع رمزارزها به تحلیل رمزارزهای قابل استخراج از حیث فقه‌المعاملات می‌پردازند. ایشان ضمن تأکید بر مستحذبه‌بودن رمزارزها خصوصاً در مورد رمزارزهایی که از روش اثبات کار استخراج می‌شوند به بررسی سه موضوع "مالیت و عوضین در مبادلات"، "معلومات و معین‌بودن موضوع عقد" و "اهلیت متعاملین" در مبادله‌ی ارزش‌های قابل استخراج می‌پردازند. درنهایت تأکید می‌کنند با فرض احراز سیره عقلاء برای مالیت این ارزش‌ها اگر ماهیت آن‌ها با شرایط عام فقهی در عقود در تعارض باشد، این سیره فاقد اعتبار است. لذا سیره عقلایی مفروض در مالیت این رمزارزها با توجه به عدم معلومات آن‌ها با ابهام مواجه است و از اعتبار ساقط می‌گردد. عیوضلو و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله "تحلیل فقهی-اقتصادی ارزش‌های مجازی در نظام اقتصادی اسلام (مطالعه‌ی موردی بیت‌کوین)" ضمن تبیین ماهیت فنی و اقتصادی ارزش‌های مجازی به تحلیل فقهی-اقتصادی ارزش‌های مجازی از منظر فقه فردی و حکومتی پرداخته‌اند. از حیث فقه فردی حالت‌های ممکن برای ماهیت حقوقی استخراج این ارزش‌ها را بر شمرده‌اند که عبارت‌اند از: شرکت سهامی و شرکت معدنی، حیات مباحات و جعالة. ایشان حالت اول و دوم را قابل انطباق با استخراج ارزش‌های مجازی نمی‌دانند ولی استخراج بیت‌کوین را حائز کلیه شرایط حاکم بر جعالة می‌دانند زیرا نفس احراز مالیت و وجود ارزش اجمالی بدون مشخص‌بودن اطراف ماهیت این رمزارزها، در جعالة کفایت می‌کند.

نواب پور، علیرضا (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ی "تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری

شده (مطالعه موردی بیت‌کوین)" ذیل مبحث مبانی نظری فقهی، به موضوع مالیت می‌پردازد. وی گفتار فقها در مورد مفهوم مالیت را به چهار دسته تقسیم کرده و در نهایت به این سؤال اساسی پاسخ می‌دهد که آیا شارع می‌تواند چیزی را که نزد عرف و عقلا مال محسوب می‌شود از مالیت ساقط کند. از نظر وی ضرورت پشتوانه داشتن یا نداشتن ارتباطی با دستگاه فقه ندارد و همین که مالیت بالفعل و مقبولیت عمومی و عرفی پول‌های رمزنگاری شده اثبات می‌شود، برای مالیت داشتن کافی است. اما وی به تفاوت‌های موجود در انواع رمزارزها نپرداخته است.

وجه تمایز پژوهش پیش‌رو با دیگر تحقیقات انجام‌شده آن است که به دنبال انتراع نتایج عملی و کاربردی از یک مسئله فقهی برای اعمال سیاست ترجیحی در مورد انواع رمزارز از منظر معیارهای اقتصاد اسلامی: حق، عدل و قوام می‌باشد. بدین معنا که رمزارزهایی که از نظر این معیارها دارای اولویت هستند، بیش‌تر مورد توجه و حمایت قرار گیرند.

۳-۲. منابع خارجی

کی لیون و دیگران (۲۰۲۰) در مقاله "چه چیزی استیبل‌کوین‌ها را باثبات نگه می‌دارد" ضمن ارائه معرفی نسبتاً جامعی از رمزارزهای باثبات، به بررسی شش رمزارز با ثبات و پیش‌رو در بازار می‌پردازند. آن‌ها در ابتدا بررسی می‌کنند که چه عامل یا عواملی این رمزارزها را با ثبات نگه می‌دارد، برای واضح‌شدن این مطلب، فرآیند باثبات‌سازی را با نحوه عملکرد بانک‌های مرکزی در مورد پول رایج مقایسه می‌کنند. در مرحله بعد به بررسی اصول محاسبه میزان پاداش و تنزیل در این رمزارزها می‌پردازند.

فاتاس، آنتونیو (۲۰۱۹) در کتاب اقتصاد فین‌تک و ارزش‌های دیجیتال، مقالاتی را پیرامون این دو موضوع جمع‌آوری کرده‌است. در فصل هشتم با عنوان "استیبل‌کوین: در خواستی برای رمزارز کم‌نوسان" که توسط الکساندر برتسن و فیلیان شر نوشته‌شده ابتدا به دلیل اصلی پیدایش رمزارزهای باثبات یعنی نوسانات قیمتی بیت‌کوین و آلت‌کوین‌ها اشاره شده‌است. سپس رمزارزهای باثبات را به سه دسته تقسیم می‌کنند: ۱- الگوریتمی مثل

بیسس^۱ ۲- وثیقه‌گذاری شده در چارچوب بلاک‌چین مثل رمزارز دای^۲ ۳- وثیقه‌گذاری شده در خارج از چارچوب بلاک‌چین مثل رمزارز تتر^۳. آنها در ادامه به توضیح و بررسی هریک از این انواع می‌پردازند.

فالک همنوی، برت؛ هامر، سارا (۲۰۲۲) در مقاله‌ی "دستیابی به اهداف سیاست عمومی از طریق استاندارد کریپتو" ضمن معرفی نحوه کار رمزارزها به یک نقطه ضعف کلیدی آنها اشاره می‌کنند که همان فقدان نهادی مرکزی است که بتواند در فضای نظارتی اقدامات مناسب را انجام دهد و یا به عنوان تنظیم‌گر عمل کند. آنها برای بررسی این موضوع توجه خود را معطوف به استیبل‌کوین‌ها می‌کنند، جایی که "قراردادهای هوشمند"^۴ در بستر بلاک‌چین موضوعیت پیدا کردند. قراردادهای هوشمند برنامه‌هایی کامپیوتری هستند که عملاً به عنوان ناظر کنترل‌کننده می‌توانند عمل کنند. حال برای حل مشکل نظارتی و فقدان نهاد مرکزی، پیشنهاد ایجاد استانداردهای رمزنگاری جدیدی را می‌دهند که در چارچوب همین قراردادهای هوشمند امکان اجرا دارند. آنها در ادامه مثال‌هایی از استانداردهای تنظیم‌گری در مقررات مالی می‌آورند که به دنبال ایجاد بازار منصفانه، ایمن، کارآمد و دارای ثبات می‌باشند از جمله: ۱- سازمان تنظیم مقررات صنعت مالی (FINRA)^۵ در آمریکا که سازمانی غیردولتی است و برای کارگزاران و معامله‌گران قوانینی را می‌نویسد، اجرا می‌کند و بر آن نظارت می‌نماید. ۲- هیئت مقررات اوراق بهادار شهرداری (MSRB)^۶ که از سوی کنگره آمریکا اجازه تنظیم‌گری در زمینه اوراق بهادار شهرداری را گرفته است. آنها همچنین مثال‌هایی از تنظیم‌گری در دنیای دیجیتال ارائه می‌دهند. از جمله پروتکل انتقال ابرمتن^۷ (HTTP) و استاندارد زبان نشانه‌گذاری فرامتن (HTML)^۸. آنها پس از بررسی استاندارد تنظیم‌گری در دو فضای مالی و دیجیتال به‌طور جداگانه، به بررسی استاندارد تنظیم‌گری در قلمروی

1. Basis

2. Dai

3. Tether

4. Smart contract

5. Financial Industry Regulatory Authority

6. Municipal Securities Rulemaking Board

7. Hypertext Transfer Protocol

8. Hypertext Markup Language

مشترک این دو یعنی بلاک چین می‌پردازند و این استاندارد همان استانداردهای قراردادهای هوشمند می‌باشد که حداقل‌هایی را برای عملکرد قراردادهای هوشمند مشخص می‌کند که مهمترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- ERC-20 که ناظر به چگونگی رفتار قراردادهای هوشمندی است که توکن‌های قابل تعویض را در اتریوم پیاده‌سازی می‌کنند. ۲- ERC 721 که رفتار توکن‌های غیرقابل تعویض را مشخص می‌کند. به طور کلی این مقاله توانسته راه حل مشکل عدم نظارت را بدون بر هم زدن خاصیت تمرکززدایی و با استفاده از پتانسیل قراردادهای هوشمند ارائه دهد البته به طور کامل نتوانسته است راهکار عملی و اجرایی را پیشنهاد دهد.

سیفونتنس، آندرس اف (۲۰۱۹) در مقاله‌ی بیت‌کوین در اقتصادهای مشکل‌دار: "پتانسیل ارزهای دیجیتال آرژانتین و ونزوئلا" به بررسی چرایی گسترش رمزارز در این دو کشور و دیگر کشورهایی که از نظر اقتصادی، خصوصاً تورم در شرایط نامساعد و بی‌ثباتی به‌سرمی‌برند می‌پردازد. وی علت اصلی گسترش روزافزون رمزارزها در این کشورها را ظرفیت آن‌ها برای محافظت مردم در مقابل نوسانات شدید اقتصادی می‌داند. در واقع وقتی ارز ملی یک کشور امکان ذخیره ارزش را ندارد، رمزارزها گزینه مناسب‌تری برای شهروندان این کشورها می‌باشند. این مزیت رمزارزها در شرایط وخیم اقتصادی کشورهایی مثل ونزوئلا و آرژانتین، سبب می‌شود که دولت‌هایشان نیز عملاً نتوانند از گسترش روز افزون استفاده از رمزارزها جلوگیری کنند. لذا رمزارزها حتی ممکن است آنقدر کاربرد پیدا کنند که وارد معاملات کالایی شده و مکمل یا حتی جایگزینی برای ارزهای فیات در این کشورها باشند. این وضعیت در نهایت به فراملی شدن این فناوری منجر می‌شود چون در تبادلات با خارج از کشور نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت. فراملی شدن رمزارزها یک چالش حقوقی برای این کشورها خواهد بود که نیازمند مداخله سیاستگذاران و تنظیم‌گری آن‌ها در جهت تطبیق با شرایط جدید است.

۴. معرفی انواع رمزارزها

به‌طور کلی می‌توان رمزارزها را به دو دسته تقسیم نمود: رمزارزهای بی‌ثبات^۱ و رمزارزهای باثبات^۲. رمزارزهای باثبات مدتی پس از شکل‌گیری بازار رمزارزها و برای رفع دغدغه‌های ناشی از ریسک و نوسان قیمت به‌وجود آمد. این نوع از رمزارز ارزش خود را به یک پدیده با ارزش دیگر وابسته می‌کند تا از این طریق نوسانات را محدود نماید. رمزارزهای باثبات خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند. (رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹)

۱. رمزارزهای با پشتوانه پول فیات

۲. رمزارزهای با پشتوانه رمزارز دیگر

۳. رمزارزهای با پشتوانه دارایی فیزیکی

۴. رمزارزهای باثبات بدون پشتوانه

می‌توان گفت رمزارزهای باثبات برای این ایجاد شده‌اند تا بتوان علاوه بر استفاده از مزیت‌های رمزارزها از مزیت پول سنتی که ثبات بیشتری دارد نیز بهره برد. (Lee, 2019) در واقع رمزارزها در کنار نقاط قوتی مثل بی‌نیازی از سیستم تسویه متمرکز، شفافیت و... یک نقطه ضعف جدی دارند و آن نوسانات شدید آنها نسبت به پول سنتی است. مثلاً نوسانات ارزش بیت‌کوین نسبت به ارزش دلار آمریکا، به طور "تقریبی ده برابر نوسانات ارزهای ملی نسبت به یکدیگر است." (K.lyons, 2020) شاید بتوان علت اصلی این نوسان را فقدان وجود نهادی مثل بانک مرکزی در مورد رمزارزها دانست. در مورد پول رایج بانک مرکزی با اتخاذ سیاست‌های پولی سعی می‌کند که ارزش پول را حفظ کند اما در مورد بیت‌کوین و سایر رمزارزهای شبیه به آن چنین سیاست‌هایی را نمی‌شود اعمال نمود. مشکل نوسانات شدید باعث می‌شود در مورد پذیرش رمزارزها در بین مردم تردید به‌وجود بیاید. به‌علاوه این نوسانات به‌طور منطقی مانع ایجاد بازار اعتباری و بازار بدهی در بستر رمزارزها می‌شود. همه‌ی این مسائل باعث پیدایش انواع مختلفی از رمزارزها شده‌است که می‌توانند خود را از نوسانات شدید مصون‌دارند و علاوه بر ویژگی‌های مثبت رمزارزهایی چون بیت‌کوین، از ویژگی‌های مثبت پول رایج و سایر دارایی‌های

1. unstablecoin
2. Stablecoin

باثبات تر بهره‌مند می‌باشند. (Al_Naje,2017)

در نمودار زیر روند نوسانات ارزش بیت‌کوین به‌عنوان برجسته‌ترین رمزارز بی‌ثبات، ارائه می‌شود. همانطور که ملاحظه می‌کنید، نوسانات بسیار شدید بوده‌است.



نمودار ۱: روند نوسانات ارزش بیت‌کوین

منبع: coinmarketcap.com

۴-۱. رمز ارز با پشتوانه پول فیات

در این نوع از رمزارزها، به‌ازای هر رمزارز تولیدشده باید پول رایج در یک حساب بانکی وجود داشته‌باشد. این پول رایج ممکن است بنابر تصمیم توسعه‌دهندگان آن رمزارز دلار، یورو و یا هر پول دیگری باشد. درواقع علی‌القاعده دارنده رمزارز میتواند اگر بخواهد، رمزارز خود را به مقدار معادل پول فیات تبدیل کند. (رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹) نکته مهم در مورد این نوع رمزارز آن است که امروزه از آن به‌عنوان ارز حامل^۱ استفاده زیادی می‌شود و تقاضای زیادی برای این منظور دارد. برای توضیح بیشتر باید گفت که در تجارت‌های بین‌المللی در اکثر اوقات طرفین به جای معامله با ارز ملی خود از یک ارز مورد پذیرش طرفین که معمولاً دلار است استفاده می‌کنند. (B.Devereux,2013) اما با ظهور رمزارزهای باثبات، از آن‌ها جهت این کار استفاده می‌شود. حال ممکن است سؤال شود که چرا بسیاری مایل می‌باشند از یک رمزارز باثبات که پشتوانه‌اش همان دلار است

1. Vehicle Currency

جهت این مبادلات استفاده‌کنند. جواب این سؤال را باید در مسائل نهادی جست‌وجو کرد. برای مثال می‌توان به هزینه‌های واسطه‌گری و کندی تراکنش برای برداشت دلار اشاره نمود. (K.lyons,2020) همچنین در اقتصادهای بی‌ثبات با تورم‌های بسیار بالا (مثل ونزوئلا) طبیعی است که به جای پول رایج بی‌ثبات، رمزارزی باثبات تقاضا شود. (Al_Naji,2017)

نمونه این نوع از رمزارز تتر^۱، اولین رمزارز باثبات است. پشتوانه تتر، دلار آمریکا می‌باشد. رابطه‌ی تتر با دلار به صورت یک به یک^۲ است. یعنی هر سکه تتر که تولید می‌شود، توسط یک دلار به صورت صددرصد از سوی ذخایر تتر پشتیبانی می‌شود. (سایت رسمی تتر) قبلاً اشاره شد که رمزارزهای بی‌ثبات خصوصاً بیت‌کوین، اگرچه سودآوری خوبی در مقاطع مختلف داشته‌اند، اما واقعیت این است برای کسانی جذاب هستند که اصطلاحاً به دنبال فعالیت "سوداگرانه" می‌باشند. چرا که می‌توانند از نوسانات بازار برای کسب سود بیشتر استفاده‌کنند. اما این نوسانات اگر دائمی باشد برای معامله‌گران ایجاد مشکل می‌کند. لذا در ابتدا به نظر رسید: "تنها راه برای کاهش ریسک نوسان، تبدیل دارایی‌های رمزنگاری شده به یک پول فیات است." مبدعین تتر در جهت رفع این مشکل برآمدند. لذا استفاده از تتر برای کسانی جذاب می‌باشد که می‌خواهند تراکنش‌هایی سریع و بدون سخت‌گیری‌هایی مثل قوانین پولشویی را انجام‌دهند و در عین حال از نوسانات هم در امان باشند چون همانطور که اشاره شد ارزش هر USDT (که همان نماد تتر است) با یک دلار برابر است. اما مشکلی که تتر با آن مواجه بود، اقناع مردم در مورد یک‌به‌یک بودن ارزش آن با دلار بود، که تا کنون علی‌رغم بعضی ابهامات توانسته این اقناع را ایجاد کند. تتر در بین رمزارزهای باثبات، بیشترین سهم از بازار را دارد. (Sokolov,2020)

در نمودار ۲ روند ارزش تتر را مشاهده می‌کنید، کاملاً واضح است که نوسانات آن به علت وابستگی به دلار، کمتر از بیت‌کوین می‌باشد. به طوری که حول یک دلار با اختلاف چند سنت نوسان دارد.

1. Tether
2. 1 to 1



نمودار ۲: روند نوسانات ارزش تتر

منبع: coinmarketcap.com

۴-۲. رمزارز با پشتوانه رمزارز دیگر

نمونه این رمزارز، دای می باشد. این رمزارز نیز به صورت یک به یک (1to1) نسبت به دلار می باشد. این رمزارز براساس "مجموعه ای از قراردادهای هوشمند در بستر بلاک چین اتریوم بنا نهاده شده است." اتریوم^۱ رمزارزی است که در سال ۲۰۱۵ راه اندازی شد. می توان گفت از پیشتازترین بلاک چین های قابل برنامه ریزی است. نقطه ی قوت جدی اتریوم در امکان ایجاد قراردادهای هوشمند^۲ می باشد. قراردادهای هوشمند "کدهای کامپیوتری هستند که روی بلاک چین ذخیره می شوند و می توانند به طور خودکار دفتر کل بلاک چین را به روز رسانی کنند. کد یک قرارداد هوشمند می تواند نمادی از توافق بین طرفین یا مکمل یک قرارداد سنتی باشد." اگر چه نام آن ها قرارداد هوشمند است اما در واقع یک قرارداد به معنای مصطلح قانونی نیستند، بلکه برنامه های کامپیوتری می باشند که برنامه نویسی شده اند. (Hammer, 2022) بنابر گفته ی بنیاد اتریوم، قراردادهای هوشمند، اپلیکیشن هایی هستند که دقیقاً طبق برنامه ریزی شان عمل می کنند و طوری طراحی شده اند که امکان فریب، خرابی، یا دخالت افراد ثالث در آن ها کاملاً منتفی است (Mohato, 2019) حال که این مفهوم مهم توضیح داده شد بهتر می توانیم به معرفی ماهیت و چگونگی کار

1. Ethereum
2. smart contracts

دای بپردازیم. برای این که بتوان این رمزارز را تولید کرد، کاربر باید اتر را به یکی از قراردادهای هوشمند ارسال نماید. این مقدار اتر که به حساب‌های قرارداد هوشمند ارسال می‌شود، به عنوان وثیقه برای وامی در نظر گرفته می‌شود که به صورت سکه دای به کاربر داده می‌شود. نرخ بهره این وام نیز خیلی کم است. به دلیل آن که وام دای با پشتوانه وثیقه اتر می‌باشد، و اتر نیز رمزارزی بی‌ثبات است، برای ایجاد ثبات در مورد دای به ناچار باید بیش از وامی که گرفته می‌شود وثیقه‌گذاری صورت گیرد. حداقل نسبت وثیقه به وام دریافتی ۱۵۰ درصد می‌باشد. یعنی اگر کاربر قصد اخذ وام دای به ارزش ۱۰۰ دلار را داشته باشد، باید به اندازه ۱۵۰ دلار، اتر وثیقه‌گذاری کند. اگر میزان وثیقه کمتر از ۱۵۰ درصد بشود به‌طور خود کار وثیقه‌ی CDP^۱ کاربر منتفی و تسویه می‌شود. در نتیجه اتری که قبلاً توسط کاربر، به عنوان وثیقه گذاشته شده بود، به صورت خودکار در مقابل دای فروخته می‌شود. (Sihombing, 2020)

در واقع به‌طور خلاصه می‌توان گفت افزایش عرضه دای مانند بیت‌کوین نیست که بر اثر تکمیل بلوک‌ها اتفاق بیفتد، بلکه در اثر وثیقه‌گذاری اشخاصی است که می‌خواهند وام بگیرند. شخصی که اتریوم را در قراردادهای هوشمند وثیقه می‌گذارد، کماکان دارنده آن است، اما اتریوم وثیقه‌گذاری شده، قفل می‌شود و تا زمانی که کاربر وام خود را به علاوه بهره‌اش تسویه نکرده باشد، آزاد نمی‌شود. اما در مورد نحوه ایجاد ثبات در رمزارز دای باید گفت که مجموعه‌ای به نام "Maker DAO" یا سازندگان DAO (سازمان خود مختار توزیع شده، Distributed Autonomous Organization) ثبات دای در طی زمان را پایش می‌کند. نحوه‌ی کار آن‌ها چیزی شبیه به نحوه عملکرد فدرال رزرو آمریکا یا دیگر بانک‌های مرکزی دنیا است. یعنی همان طور که بانک‌های مرکزی از سیاست‌های پولی جهت حفظ ثبات ارزش پول‌های ملی استفاده می‌کنند، Maker DAO نیز تقریباً از همان الگو تبعیت می‌کند. یا به‌طور مثال با تغییر نرخ پس انداز باعث افزایش یا کاهش تقاضای وام دای می‌شوند. (Babmbenek, 2020) البته این مسئله تا حدی ویژگی تمرکززدایی را از این رمزارز می‌گیرد. ولی به هر حال دای توانسته موفقیت‌هایی را در

۱. Collateralized Debt Positions: "نوعی سیستم وام است که توسط فناوری بلاک‌چین تسهیل می‌شود و کاربران آن می‌توانند از دارایی‌های دیجیتال خود برای تولید رمزارز باثبات استفاده کنند. (Crypto dictionary)

بازار رمز ارزها به دست آورد. هم‌اکنون دای رمزارز یازدهم از جهت حجم بازاری در بین رمزارزهای ثبت شده در coinmarketcap می‌باشد. همان‌طور که در نمودار ۳ مشاهده می‌کنید، دامنه نواسان دای به شدت پایین بوده و همواره نزدیک به یک دلار بوده است. به‌علاوه هرچه از آغاز فعالیت دای گذشته، همان نوسانات خیلی محدود نیز به خوبی توسط DAO کنترل شده است.



نمودار ۳: روند نوسانات ارزش دای

منبع: coinmarket.com

۳-۴. رمزارزهای دارای پشتوانه فیزیکی

نمونه‌ی آن پی‌ام‌جی‌تی^۱ رمزارزی طلاپایه است که پشتوانه آن طلاهای ضرابخانه پرت در استرالیا می‌باشد. هر سکه پی‌ام‌جی‌تی ارزشی معادل یک اونس تروا از طلاهایی را دارد که در انبار ضرابخانه پرت نگهداری می‌شود. فرآیند طلاپایه شدن پی‌ام‌جی‌تی به این صورت است که ابتدا طلاهای موجود در ضرابخانه پرت، گواهی‌سازی می‌شوند، به نحوی که هر گواهی گلدپاس^۲ به‌میزان یک اونس طلا می‌باشد. سپس همین گواهی گلدپاس، توکنیزه شده و تبدیل به یک پی‌ام‌جی‌تی می‌شود. حال پی‌ام‌جی‌تی تولیدشده به طور کامل توسط گواهی‌های گلدپاس صادرشده پشتیبانی می‌شود. خود این گواهی‌ها نیز

1. Perth Mint Gold Token

۲. Gold Pass: گلدپاس، پلتفرم سرمایه‌گذاری طلاست که شرکت توسط شرکت TROVIA به منظور سهولت معاملات طلای ضرابخانه پرت ایجاد شده است که با تضمین دولت استرالیا غربی همراه است. (سایت رسمی پی‌ام‌جی‌تی)

بررسی مالیت انواع رمزارزها و طبقه‌بندی آنها براساس... / مهدی حاج آقازرگی و حسین عبوضلو مطالعات اقتصادی ۱۹

به طور کامل توسط طلاهای موجود در ضرابخانه پرت، پشتیبانی می‌گردد. کیفیت این طلاها از نظر وزن و خلوص به طور کامل تحت نظارت دولت استرالیای غربی است و تضمین می‌شود. (سایت رسمی پی‌ام‌جی‌تی)



نمودار ۴: نحوه پشتیبانی رمزارز پی‌ام‌جی‌تی توسط طلا

منبع: PMGT.io سایت رسمی پی‌ام‌جی‌تی

همان طور که در نمودار زیر مشاهده می‌کنید پی‌ام‌جی‌تی توانسته ویژگی باثبات بودن خود را به خوبی نشان دهد. وبه جز یک مقطع زمانی کوتاه، کاملاً با ثبات بوده است.



نمودار ۵: روند نوسانات پی‌ام‌جی‌تی

منبع: Coinmarketcap.com

۴-۴. رمزارزهای باثبات بدون پشتوانه

این نوع از رمزارزهای باثبات عموماً الگوریتمی^۱ می‌باشند. در واقع پشتوانه یا وثیقه‌ای ندارند. در این نوع رمزارز برای حفظ ثبات ارزش بازاری، عملیاتی مشابه عملیات بازار باز صورت می‌گیرد. اگر تقاضا برای رمزارز افزایش یابد توسعه دهنده، رمزارز بیشتری تولید کرده و به فروش می‌رساند تا قیمت رمزارز بر اساس پول رایج، مثلاً دلار حفظ شود. در صورتی هم که تقاضا کاهش یابد اقدام به انتشار اوراق قرضه یا دیگر اوراق مالی کرده و آن را در قبال این رمزارز به فروش می‌رساند، در نتیجه عرضه رمزارز در بازار کم‌شده و از افت قیمت آن جلوگیری می‌شود. مشهورترین نوع این رمز ارز، بیسیس است. (fatas, 2019) هر چند این رمزارز نتوانست به موفقیت برسد و توسعه دهندگان آن به دلیل آنچه مشکلات قانونی در ایالات متحده آمریکا نامیدند، از ادامه کار منصرف شدند.

۵. معنای اصطلاحی مال

بعد از بررسی انواع رمزارزها در دنیای امروز می‌توان به بررسی مالیت آنها پرداخت. ابتدا لازم است معنای مال را تبیین کنیم.

در منابع حقوقی آمده است که در ابتدا تنها طلا و نقره به عنوان مال شناخته می‌شدند اما به تدریج این مفهوم در مورد سایر چیزهایی که نفعی به انسان می‌رسانند و قابلیت تملک هم دارند، موضوعیت پیدا کرد. (بروجردی عبده، ۱۳۲۹، ص ۲).

فقه‌های امامیه نیز عموماً در خلال کلامشان پیرامون شرایط مبیع، نظراتی در مورد مال و مالیت ابراز داشته‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت معیار مالیت داشتن یک چیز از نظر فقه‌های امامیه وجود انتفاع عقلی آن چیز نزد عقلا است به این شرط که از نظر شرعی هم آن چیز مباح شمرده شده باشد. (کاشف الغطاء، ۱۳۴۰، ص ۳۱) قسمت اول تعریفی که ارائه شد را می‌توان در بیان شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد» نیز مشاهده کرد. در قاعده‌ی ۲۴۰ این کتاب بیان می‌شود مبیع باید چیزی باشد که قابلیت تمول داشته باشد و عقد بیع در مورد چیزی که قابلیت تمول ندارد جایز نیست. ایشان در ادامه دلیل غیرقابل

1. Algorithmic cryptocurrency

تمول بودن یک چیز را عدم وجود منفعت در آن می‌داند. منفعت نداشتن هم دودلیل می‌تواند داشته باشد. یا به این دلیل است که آن چیز اساساً ارزشی ندارد که افراد بخواهند در ازای دریافت آن چیزی پرداخت کنند مانند: پسماند غذا. یا آن چیز آنقدر زیاد است که با وجود انتفاع، کسی حاضر نیست در ازای آن چیزی بدهد. مثل آب در مجاورت رود. (شهید اول، بی تا، ص ۲۴۰ و ۲۴۱) البته ذکر این نکته ضروری است که نافع دانستن یا ندانستن یک چیز ممکن است در طول زمان متغیر باشد. مثلاً احتمال دارد یک گیاه که در گذشته صلاحیت تملک را نداشته‌است و مال به حساب نمی‌آمده، امروزه به علت کشف یک اثر دارویی و درمانی، مال شناخته‌شود.

با بررسی آراء فقها متوجه می‌شویم که آنان با تعبیر مختلفی از مالیت یادکرده‌اند اما به‌طور کلی می‌توان گفت در مقام بیان چیستی مالیت به دنبال ارائه‌ی یک مفهوم بودند و آن هم "ارزش مبادلاتی" است. (موسوی بجنوردی، ندوشن، ۱۳۹۳) در ادامه تعاریف بیشتری از مالیت در منابع مختلف را بررسی می‌کنیم تا بتوانیم به یک تعریف جامع از آن برسیم.

تعریف اول را از مرحوم نائینی ارائه می‌کنیم. ایشان در ذیل بحث پیرامون شرایط عوضین در بیع، اولین شرط را مالیت داشتن ذکر کرده و می‌فرماید مال، چیزی است که افراد حاضرند در ازایش چیزی را بدهند. ایشان در ادامه دلیل بذل مال در ازای یک پدیده را که سبب مالیت آن می‌شود دو چیز می‌دانند: ۱. قابلیت انتفاع از آن با وجود بقاء عین‌اش مانند "عقارات" ۲. قابلیت انتفاع از آن که متوقف بر از بین رفتن آن می‌باشد مانند حبوبات، میوه‌ها و... (الغروی النائینی، ۱۳۷۳؛ ج ۱: ۳۳۹)

در تعریفی دیگر، صاحب مفتاح‌الکرامه برای مشخص کردن مال، آنچه را که صلاحیت مالیت ندارد از دایره تعریف خارج می‌کند. ایشان هرآنچه که منفعت ندارد را مال نمی‌داند. وی ذیل بحث در مورد شرط "صلاحیت تملک مبیع" بیان می‌دارد که چیزی که در آن منفعتی وجود ندارد مال نیست و گرفتن مال در ازای آن حرام است زیرا از مصادیق "اکل مال به باطل" می‌باشد. همچنین دلایل عدم وجود منفعت را قلت (ناچیز بودن، مثل یک دانه گندم) و خست (بی ارزش بودن، مانند پسماند غذا) می‌داند. [البته همان‌طور که قبلاً هم

ذکر شد] نافع دانستن یا ندانستن یک چیز می تواند در طول زمان تغییر کند. (حسینی - عاملی، ج ۸: ۱۳)

تعریف دیگر را می توان در بیان شیخ انصاری ملاحظه کرد. ایشان در توضیح مالیت علاوه بر منفعت، بعد دیگری را نیز مورد توجه قرار می دهد و آن هم "محلله بودن از نظر شارع" هست. در نتیجه شرط مالیت در این تعریف دو چیز است: ۱. منفعت عقلایی ۲. مشروعیت داشتن. از نگاه ایشان مثال آنچه مورد اول را دارا نیست سوسک و کرم می باشند و آنچه حائز شرط دوم نیست چیزهایی مانند شراب و خوک هستند. (شیخ انصاری، ج ۴: ص ۹)

شهید مطهری نیز در کتاب "نظری به نظام اقتصادی اسلام" ضمن ارائه و نقد تعبیر و تعاریف مختلفی که از ارزش اقتصادی توسط مکاتب و نگاه های مختلف صورت گرفته است، تعریفی از مال ارائه کرده اند. ایشان معتقدند مالیت و مراتب آن نه ذاتی محض اشیاء است و نه اعتباری و قراردادی محض. ایشان سبب ایجاد مالیت را در دو چیز می دانند:

۱. مفید بودن که در واقع مبدء و منشاء ایجاد تقاضا برای یک چیز است. البته باید توجه داشت که مالیت مساوی مفید بودن نیست. در واقع مفید بودن عین مالیت نیست. چرا که اگرچه با خاصیت تکوینی اشیاء ارتباط دارد اما از طرفی دیگر با انسان و نوع احتیاج و نگرش او به اشیاء نیز مرتبط است. به همین دلیل گفته شد نه ذاتی محض است و نه اعتباری محض.

۲. ندرت وجود، "البته ندرت وجودی که مبدأش قابلیت تملک و انحصار باشد" (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷ - ۱۳۰)

می توان تمامی شرایط مالیت داشتن یک چیز را در وجود چهار مشخصه زیر خلاصه کرد:

۱. نافع بودن. در واقع باید آن چیز نیازی از نیازهای انسان را برطرف کند. ملاک تشخیص این منفعت نیز عقلای جامعه می باشند. البته نافع بودن ممکن است با توجه به شرایط مکانی و زمانی متغیر باشد. مثل بسیاری از مواد دارویی که در گذشته به علت عدم دانش کافی بشر، از نظر عقلایی منفعتی نداشته اند اما امروزه این شرط را دارا می باشد.

۲. قابلیت تملک‌داشتن. به بیان دیگر باید این امکان وجود داشته باشد که آن چیز را تحت سیطره و تصرف قرار داد و دیگری را از آن منع نمود. نداشتن قابلیت تملک ممکن است به دو جهت باشد. یکی عدم امکان عقلایی و دیگری عدم امکان شرعی (مانند زمین‌های مفتوح العنوه که ملک عموم مسلکین است).
۳. ندرت وجود. درواقع نباید آن قدر زیاد باشد که افراد بدون پرداخت هزینه و زحمت خاصی آن را به دست آورند.
۴. محله بودن. همان طور که قبلاً نیز گفته شد، همه موارد فوق در صورتی موضوعیت پیدا می‌کند که پدیده مورد بررسی، مشروعیت داشته باشد. مثلاً شراب ممکن است در بعضی مواقع شرایط فوق را داشته باشد، اما چون معامله‌اش مشروعیت ندارد، مطلقاً مالیت هم ندارد.

۱-۵. مالیت حقیقی و اعتباری

تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی از مالیت ارائه شده است. اما بر اساس هدف مقاله به دلیل رعایت معیارهای حق، عدل و قوام می‌باشد، آنچه مد نظر این پژوهش حقیقی بودن یا اعتباری بودن مالیت است.

۲-۵. مالیت حقیقی و مالیت اعتباری

مالیت حقیقی: نوعی از مالیت است که به جهت وجود ارزش ذاتی در یک شیء احراز می‌شود. یعنی آن شیء به خودی خود منفعت استعمالیه دارد. نه این که برایش منفعتی اعتبار شده باشد. به همین جهت می‌توان به آن "مالیت ذاتیه" نیز گفت. به عبارت دیگر این مالیت ذاتاً باعث "تنافس العقلاء فی تحصیل الشیء" می‌شود. یعنی به جهت منفعت حقیقی یک چیز افراد در به دست آوردن آن رقابت می‌کنند نه این که از سوی دولت یا گروهی از مردم، منفعتی برای آن وضع شده باشد. (شهیدی، درس خارج، ۱۳۹۸)

مالیت اعتباری: نوعی از مالیت است که به جهت مصالحی برای یک شیء توسط حاکمیت یا مردم، وضع می‌شود. یعنی در اثر اعتبار عقلا یا حاکمیت، مالیت می‌یابد.

حال اگر بخواهیم از حیث حقیقی و اعتباری بودنشان آن‌ها را دسته‌بندی کنیم، می‌توانیم سه گروه را ذکر کنیم:

۱. اموالی که مالیت حقیقی دارند: این گروه همان اعیان مشخص هستند، چرا که اعتبار از آن‌ها ساقط است و تنها به سبب ارزش ذاتی‌شان مالیت می‌یابند.

۲. اموالی که مالیت اعتباری دارند اما دارای مصداق یا پشتوانه خارجی هستند که آن پشتوانه مالیت حقیقی دارد: می‌توان گفت اکثر اموال در این گروه جای می‌گیرند. اعیان کلی از این قسم‌اند. درست است که اعیان کلی از هر نوعی که باشند به صورت بالفعل وجود خارجی ندارند اما حاکی از وجود یک عین می‌باشند که به صورت بالقوه وجود دارد و ارزش آن نیز اعتباری نیست بلکه حقیقی است. به عنوان مثال اگر در مورد کلی مشاع می‌گوییم ۲۰ درصد از یک عین (مثلاً یک خانه) متعلق به زید است، درست است که این سهم از مال را اعتبار می‌کنیم، ولی ۲۰ درصد از یک چیزی مد نظر است که واقعاً وجود خارجی دارد. بسیاری از منافع و حقوق نیز در این دسته جای می‌گیرند.

۳. اموالی که در تمامی شئون، مالیت‌شان اعتباری است: بارزترین مثال این نوع از اموال پول اعتباری است که اساساً چیزی جز اعتبار حاکمیت و عقلاً به آن ارزش نمی‌دهد و هیچ پشتوانه حقیقی نیز ندارد. برای تبیین ماهیت این نوع از مال خوب است تا به تبیین ماهیت پول کنونی در چارچوب نظریه اعتباریات علامه طباطبائی بپردازیم:

مرحوم علامه (ره) در تفکیک علوم به علوم کاشف از خارج و علوم اعتباری و ذهنی، دسته اول را حقایقی می‌داند که مصداق خارجی آن با مصداق ذهنی آن عیناً برابر است. اما دسته دوم را مفاهیمی می‌داند که فقط در ظرف ذهن تحقق دارند و دردنیای خارج، مصداق عینی ندارند، مثل رئیس بودن زید. رئیس بودن مانند توصیفی است که یک شاعر در مرام شاعرانه از زید و به خاطر شجاعتش او را شیر بنامد. همان طور که زید حقیقتاً شیر نیست، حقیقتاً رأس (سر) کسی هم نیست. اما این مفهوم برای او اعتبار شده است. (علامه طباطبائی، بی تا)

حال خود این اعتباریات به دودسته تقسیم می‌شود: ۱- اعتباریات پیش از اجتماع. ۲- اعتباریات بعد از اجتماع. اعتباریات پیش از جامعه مربوط به فرد می‌شوند و ربطی به روابط اجتماعی وی ندارند. مثل اعتبار وجوب یا اعتبار حسن و قبح. اما اعتباریات بعد

از اجتماع در بستر جامعه و بر اساس نیازهایی که در روابط اجتماعی احساس می‌شوند، ایجاد می‌گردند. مثل اعتبار ریاست و مرئوسیت و اعتبار ملک. (افشار کرمانی، قوانلو، ۱۳۸۹) پول جزء این دسته از اعتباریات می‌باشد. زیرا همان‌طور که پیشتر ذکر شد در اثر نیازهای مبادلاتی جامعه شکل گرفت به تدریج در اشکال مختلف درآمد.

به بیان بهتر از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اعتبارها و قراردادهایی که جوامع انسانی وضع کرده‌اند، مفهوم پول است. این موضوع در عصر حاضر که اکثر حجم پول فقط به صورت اعداد الکترونیکی در بانک‌ها وجود دارد، بیش‌تر نمود پیدا می‌کند. چراکه دیگر همان پول کاغذی بدون پشتوانه هم که حالت فیزیکی داشت، وجود ندارد. (توسلی، ۱۳۹۶)

اما اعتبار پول یک سیر مشخصی را طی نموده‌است. ابتدا در اعتباریات پیش از اجتماع اصل اختصاص وجود داشته‌است. پس از آن به واسطه نیازی که بشر احساس کرد لاجرم "تبدیل" را اعتبار نمود. چرا که انسان‌ها در اجتماع، بنابر نیاز مجبور بودند کالاهای یکدیگر را باهم مبادله کنند. سختی و مشقت مبادله کالا به کالا سبب اعتبار "پول" شد. پول فیزیکی که خودش دارای ارزش بود مثل طلا و نقره از جهت جسمی یک امر حقیقی بود، اما حتی همین نوع پول هم برای واسطه مبادله بودن اعتبار شده بود. (سبحانی، قائمی‌نیا، ۱۳۹۵)

در حال حاضر که پول کنونی هیچ ارزش ذاتی نداشته و فقط به عنوان واسطه مبادله در نزد مردم اعتبار شده‌است، بدیهی‌است که اصل وجودش در همه‌ی مراتب، اعتباری‌است. به عبارت بهتر همه انواع پول چه کالایی، چه کاغذی و چه الکترونیکی دارای مراتبی از اعتبار هستند. با این تفاوت که پول کالایی از یک جنبه اعتباری و از جنبه‌ی دیگر حقیقی‌است. از جهت واحد سنجش ارزش اعتباری‌است چون معیارش توسط قانون و حکومت وضع می‌شود. اما از جهت وسیله‌ی مبادله بودن حقیقی‌است و به عبارت بهتر ارزش مبادلاتی‌اش به دلیل ماهیت فیزیکی‌اش بوده‌است. بنابراین می‌توانیم بگوییم مالیت آن حقیقی‌است. اما بقیه انواع پول در همه مراتب خصوصاً مالیت، تا حدی اعتباری می‌باشند. اولین اعتباری که صورت می‌گیرد تعیین یک واحد پول توسط قانون - گذار به عنوان پول رایج ملی است. دومین اعتبار، انتخاب یک حد مشخص از قدرت خرید و سپس تعیین برابری ارزش مبادله‌ای واحد پول ملی با آن قدرت خرید از طریق

برابری ارزش مبادله‌ای واحد پول با یک کالا مثل طلا است. لازم به ذکر است این برابری به صورت این‌همانی نیست و تنها براساس قدرت خرید، در قانون اعتبار می‌شود [البته باید گفت قدرت خرید صرفاً در قانون تعیین نمی‌شود، بلکه بر اثر رفتارهای دولت و مردم تعیین می‌گردد]. سومین اعتبار زمانی صورت می‌گیرد که قانون‌گذار شکل پول را هم تعیین می‌کند. مثلاً می‌گوید به صورت اسکناس و سکه فلزی باشد. (توسلی، ۱۳۹۶) به هر حال یکی از مسائلی که به تبع حقیقی بودن یا اعتباری بودن مالیت می‌تواند مورد بحث قرارگیرد تقسیم‌بندی اقتصاد به دو بخش واقعی و اعتباری در اقتصاد متعارف است که به این شکل تعریف می‌گردد:

بخش واقعی اقتصاد: "به بخشی از اقتصاد یک کشور که کالاها و خدمات را تولید می‌کند، بخش واقعی اقتصاد می‌گویند." (کمبریج، بی‌تا) در واقع بخش واقعی اقتصاد، "بخش کلیدی اقتصاد است که نمایانگر بازدهی اقتصادی می‌باشد و توسط آن مؤلفه‌هایی که برای رشد تولید ناخالص داخلی ضروری هستند، نشان داده می‌شود." (Khalil, ۲۰۱۸) **بخش پولی-اعتباری اقتصاد:** این بخش در اثر نیاز به تسهیل‌گری و واسطه‌گری به وجود آمده است و در واقع از ابتدا برای کمک به بهتر انجام شدن مبادلات و هم‌چنین تأمین مالی شکل گرفته است. اجزاء مهم این بخش عبارت‌اند از بازار پول و بازار سرمایه. می‌توان گفت ویژگی بخش اعتباری سالم آن است که به رشد و گسترش بخش واقعی اقتصاد کمک می‌کند. (Khalil, ۲۰۱۸) اصولاً یکی از اساسی‌ترین راهبردهای اقتصاد اسلامی را نیز می‌توان اهتمام به تقویت بخش واقعی اقتصاد دانست. در واقع بخش اعتباری اقتصاد باید در خدمت رشد بخش واقعی قرارگیرد. اگر بزرگ‌شدن بخش اعتباری تا حدی باشد که خدمتی به بزرگ‌شدن بخش واقعی نکند یا حتی باعث آسیب‌رساندن به این بخش شود، باید جلوی رشد آن را گرفت. بعضی علت اصلی حرمت ربا را نیز به همین مسئله مربوط می‌دانند. در واقع معتقدند چون در فرآیند ربا، عده‌ای بدون هیچ تأثیر مثبتی در بخش واقعی اقتصاد صاحب منافع می‌شوند و بخش اعتباری با سرعت بسیار بیش‌تری از بخش واقعی رشد می‌کند، ربا حرام است.

۵-۳. انطباق معیارهای سه‌گانه (حق، عدل و قوام) با ملاکات فقهی مالیت

حق: باید گفت از آنجا که معیار حق به تبعیت بخش اسمی از بخش واقعی اقتصاد توجه دارد، اموالی که داری مالیت حقیقی هستند، دارای ارجحیت می‌باشند. همان‌طور که پیشتر در مورد دادن وام از هیچ توسط بعضی بانک‌ها گفته شد، لازم است تا تولید ارزش مبتنی بر یک امر حقیقی باشد. در واقع اموال یا باید حقیقی باشند یا ریشه در یک امر حقیقی داشته باشند، و گرنه تولید ارزش مبتنی بر امور حقیقی نخواهد بود. لذا اگر می‌گوییم شرط اصلی مالیت منفعت داشتن است این منفعت نباید یک منفعت صرفاً اعتباری و موهومی بین یک جمع خاص باشد، بلکه باید مبتنی بر منفعتی حقیقی باشد که رافع نیازی از نیازهای انسان و جامعه باشد.

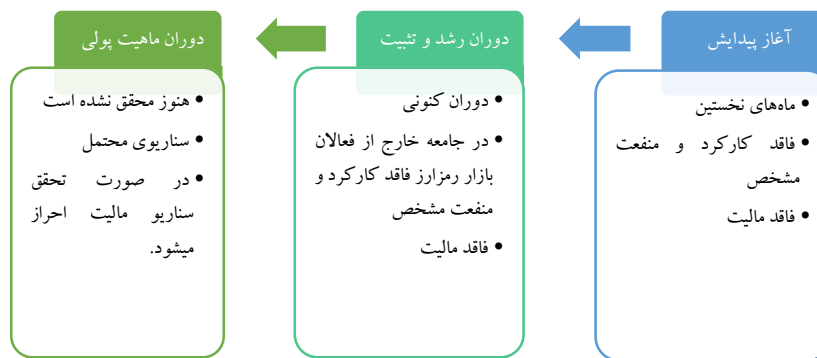
عدالت: معیار عدالت در واقع به فرآیند تعلق ارزش افزوده به تولید کننده مربوط است. هم‌چنین پیشتر گفته شد که این معیار به مشروعیت روبرط مالی در مرحله انتقال توجه دارد. این معیار می‌تواند ناظر به نحوه پذیرش عمومی و اعتبار عقلاء به عنوان یکی از راه‌های پیدایش مالیت اعتباری باشد. اصولاً اگر اعتبار مالیت برای یک پدیده به نحو ناعادلانه و صرفاً بر اساس تبلیغات صورت گیرد، باعث می‌شود عده‌ای خاص که قبلاً وارد آن بازار شده‌اند به نحو قمارگونه و با ایجاد فضای رسانه‌ای موجب ایجاد این انگاره در بخشی از جامعه شوند که آن پدیده ارزشمند است و در نهایت بدون تولید کنندگی، ارزش افزوده فروانی نسیب آنان می‌گردد در حالی که استحقاق آن را نداشته‌اند. به‌علاوه نوسانات شدید ارزش بازاری یک پدیده نیز به نوبه خود موجب بروز چنین مشکلی از نظر فقدان برخورداری از معیار عدالت می‌شود، چرا که در زمان کوتاهی بدون دخیل‌بودن فعالیت آنان ارزش داری‌شان بسیار زیاد یا بسیار کم خواهد شد که هر دو با معیار عدالت در تعارض است.

قوام: این معیار مشخصاً اشاره به ملاک اصلی احراز مالیت یعنی منفعت‌داشتن دارد. اگر بازاری در اقتصاد گسترش پیدا کند که پدیده مورد معامله در آن بازار هیچ منفعت واقعی نداشته باشد و مالیت آن نیز از نوع کاملاً اعتباری باشد، این مسئله قطعاً خلاف موضع قوام هست چرا که اولاً سبب جذابیت این بازار برای سرمایه‌گذاران می‌شود و سرمایه را از بخش‌های حقیقی اقتصاد به فعالیتی که کاملاً اعتباری است سوق می‌دهد،

لذا در نهایت باعث کاهش کارایی می‌گردد و با قوام اقتصادی در تعارض است.

۴-۵. بررسی مالیت رمزارزهای بدون ثبات

با جمع‌بندی و تطبیق مطالبی که تاکنون ذکر شد، نظر نگارندگان آن است که رمزارز بی‌ثبات می‌تواند به مرحله‌ای برسد که اولاً پول باشد و ثانیاً حائز مالیت اعتباری گردد. مالیت آن نیز متوقف به آن است که ویژگی‌های پول بودن را پیدا کند. در غیر این صورت اساس مالیت آن مخدوش است. به طور خلاصه اگر رمزارز بی‌ثبات نتواند به مرحله‌ای برسد که کارکردهای پول را داشته باشد، در آن صورت هیچ‌گونه ماهیتی را نمی‌توان برای آن متصور شد که رافع نیاز و دارای مالیت باشد. در ادامه به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت. بررسی مقاطع زمانی تاریخیچه بیت‌کوین به عنوان شاخص‌ترین رمزارز بی‌ثبات بهتر می‌تواند ما را در فهم این مطلب کمک کند. آنچه که در این مورد مهم است تفاوت وضعیت بیت‌کوین در سه مقطع زمانی "آغاز پیدایش"، "دوران رشد" و "دوره ماهیت پولی" می‌باشد.



نمودار ۶: بررسی مقاطع زمانی تاریخیچه بیت‌کوین

منبع: یافته‌های پژوهش.

۵-۵. دوره‌ی آغاز پیدایش

این دوره شامل چند ماه اولیه‌ی راه‌اندازی بیت‌کوین است که عملاً مفهوم رمزارز هیچ جایگاه مهمی در اقتصاد جهانی ندارد. برای روشن‌تر شدن موضوع، فرض میکنیم در روزهای ابتدایی راه‌اندازی بیت‌کوین در سال ۲۰۰۹ میلادی قرار داریم. در این روزها اکثر قریب به اتفاق مردم جهان حتی نام بیت‌کوین را نیز نشنیده‌اند. لذا هیچ تصویری از آن ندارند. برای تبیین مالیت و نیز ماهیت بیت‌کوین در هر برهه‌ی زمانی باید به سؤالات زیر پاسخ داد:

۱. آیا مردم برای بیت‌کوین نقشی در عرصه‌ی اقتصاد قائل‌اند؟ درواقع بیت‌کوین توانسته خود را به عنوان یک پدیده‌ی نوظهور که مؤثر در اقتصاد است، معرفی کند؟
۲. اساساً آیا مردم برای آن منفعتی قائل هستند؟ در واقع اولین و اساسی‌ترین ملاک مالیت که رفع نیاز و نافع بودن هست را دارا می‌باشد؟
۳. اگر دارای منفعت هست، آیا دیگر معیارهای مالیت یعنی قابلیت تملک و ندرت وجود را دارا می‌باشد؟

۴. آیا مردم برای حفظ ارزش ثروت‌شان بیت‌کوین را خریداری می‌کنند؟ با اطمینان می‌توان گفت پاسخ به همه‌ی سؤالات فوق به جز سوال سوم، منفی است. اولاً همان‌طور که گفته شد اکثر قریب به اتفاق مردم جهان تا ماه‌ها پس از راه‌اندازی بیت‌کوین حتی نام آن را نشنیده بودند، لذا این پدیده برای‌شان کاملاً مجهول بود. بدیهی است وقتی اصل یک چیز مجهول باشد، ویژگی‌های آن نیز مجهول خواهد بود. لذا در مراحل نخستین شکل‌گیری بیت‌کوین از آن‌جا که ویژگی‌های پول را دارا نبوده‌است بنابراین عنوان پول بر آن صدق نمی‌کند. از طرفی چون هیچ منفعتی دیگری نیز نمی‌توان برای آن متصور شد ذیل دیگر انواع مال نیز قرار نمی‌گیرد. در نتیجه در این مرحله هیچ‌گونه مالیتی را نمی‌توان برای آن قائل شد. چون قبلاً گفتیم اولین معیار برای احراز مالیت هر چیز منفعت عقلایی است. اساساً در این دوره عموم عقلای جامعه شناختی نسبت به بیت‌کوین ندارند که برای آن منفعتی قائل شوند.

۵-۶. دوره رشد

شرایط بیت‌کوین پس از چند ماه از آغاز پیدایش تغییر محسوسی پیدا کرد. شاید بتوان نماد این تغییر را روز بیست و دوم می سال ۲۰۱۰ که به "روز پیتزا" مشهور شده است دانست. در این روز اولین خرید یک کالا توسط بیت‌کوین انجام شد. شخصی به نام لازلو هانیچ^۱ که از اولین استخراج‌کنندگان بیت‌کوین بوده است در این روز دو عدد پیتزا را در ازای پرداخت ۱۰۰۰۰ بیت‌کوین خریداری نمود. همین مسئله ارزش ناچیز بیت‌کوین قبل از این رویداد را نشان می‌دهد. هم‌چنین به‌دست‌آوردن این مقدار بیت‌کوین در آن دوره تنها با استخراج موفق ۲۰۰ بلوک، میسر بود چرا که برای استخراج هر بلوک ۵۰ بیت‌کوین به‌عنوان پاداش داده می‌شد. (George, ۲۰۲۲)

اصولاً این سال، یعنی ۲۰۱۰ برای بیت‌کوین سال مهمی بود. در این سال این رمزارز در بین فعالان اقتصادی و مالی و حتی بسیاری از مردم عادی شناخته‌شد و توجهات را به‌خود جلب کرد. پس از آن بسیاری از فعالان هوشمند اقتصاد با توجه به دورنمای مثبتی که از آینده بیت‌کوین داشتند به استخراج و مبادله‌ی آن مبادرت ورزیدند. این مقطع زمانی مرحله‌ی رشد و تثبیت بیت‌کوین می‌باشد. به‌نظر می‌رسد که بیت‌کوین و اتریوم و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات موفق در اکثر کشورها در این مرحله قرار دارند. هرچند به پایان این مرحله و رسیدن به ماهیت پولی نزدیک شده‌اند. در این مرحله رغبت بسیاری از افراد به خرید بیت‌کوین به وجود آمده است. اما این موضوع به تنهایی برای احراز مالیت و مشخص‌شدن ماهیت بیت‌کوین در این دوره کافی نیست و باید به سؤالاتی که قبلاً مطرح کردیم پاسخ داده شود.

در پاسخ به سؤال اول باید گفت بیت‌کوین در دوره تثبیت و رشد به‌مرور تبدیل به یکی از پدیده‌های اقتصادی شد که مردم آن را به‌عنوان یک عنصر اقتصادی به رسمیت می‌شناسند. جابه‌جایی سرمایه از دیگر بازارها به بازار بیت‌کوین سبب شده است که این رمزارز توسط فعالان اقتصادی و بسیاری از مردم به عنوان یک پدیده‌ی آینده‌دار جدی گرفته شود.

پاسخ سؤال دوم قدری پیچیده‌تر است. قبلاً گفته شد؛ منفعت داشتن یک چیز برمی‌گردد به رافع نیازبودن آن. آیا بیت کوین در این دوره نیازی را مرتفع می‌کند؟ اگر به صورت فراگیر نگاه کنیم پاسخ به این سؤال منفی است. اصولاً تنها منفعتی که می‌توان برای بیت کوین و دیگر رمزارزهای بی ثبات متصور بود، وسیله‌ی مبادله یا پول بودن است. ادعای مبدعین این رمزارزها نیز همان‌طور که از نامشان پیداست این است که "پول" رمزنگاری شده راه‌اندازی کرده‌اند. هر چند در این دوره گروهی از فروشندگان به صورت بسیار اندک حاضر به فروش کالا و خدمات خود در ازای بیت کوین می‌باشند، اما عرف عقلاء چنین منفعتی را برای بیت کوین قائل نیست. حتی در بسیاری از کشورها استخراج و مبادله‌ی آن ممنوع بوده است. (قبلاً اشاره شده که حتی در حال حاضر نیز برخی از کشورها این ممنوعیت را اعلام کرده‌اند.) قطعاً چنین ممنوعیتی باعث می‌شود نتوان به طور گسترده از آن به عنوان پول استفاده نمود، لذا منفعت عقلایی ندارد. هرچند به مرور و در بعضی از جوامع این منفعت برای بیت کوین در حال شکل‌گیری است اما در همان جوامع نیز عرف عقلاء منفعتی را برای بیت کوین قائل نیستند. تأکید می‌شود منظور ما این نیست که هر چیزی پول نباشد منفعت ندارد، بلکه برای این نوع از رمزارز منفعت دیگری نمی‌توان متصور بود. لذا اگر این منفعت را دارا بود می‌تواند مالیت داشته باشد، شاید هم در آینده بتوان منافع دیگری نیز برای آن متصور بود ولی در حال حاضر اینچنین نیست.

برای روشن‌تر شدن بحث فوق باید ابتدا اشاره‌ای کوتاه به مفهوم "عرف عقلاء" داشته باشیم. از نظر مرحوم مظفر ملاحظات "زمانی، مکانی، دینی، نژادی و خصوصاً گروهی" در مورد عرف عقلاء تأثیری ندارد. در مورد بحث ما این مطلب به این معناست که عرف عقلاء، عرفی نیست که در بین فعالان بازار رمزارزها شکل گرفته است. چون این افراد یک گروه خاص از جامعه هستند که طبعاً به خاطر درآمدی که از این بازار عایدشان می‌شود آن را دارای منفعت می‌دانند، درواقع در قضاوت‌شان تساهل و تسامح دیده می‌شود، اما آنچه که به عنوان ملاک برای نافع دانستن یک چیز باید مدنظر قرار گیرد، عرف عقلای کل جامعه‌ی خارج از گروه فعالان بازار رمزارزها می‌باشد. قدر مسلم آن است که حتی امروزه

با وجود گذشت سال‌ها از راه‌اندازی رمزارزهای بی‌ثبات کماکان مردم عادی جامعه با تردیدهای فراوانی در مورد آن روبه‌رو هستند و نمی‌توانند برای آن منفعتی متصور شوند. این مسئله در نهایت موجب زیرسؤال رفتن مالیت این رمزارزها می‌شود. (میرزاخانی؛ سعدی، ۱۳۹۷) البته در ادامه خواهیم گفت با احراز شرایطی بیت‌کوین و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات به احراز مالیت نزدیک می‌شوند و حتی شاید در بعضی جوامع مالیت آن‌ها احراز شده باشد.

در مورد سؤال سوم باید گفت طبعاً وقتی که معیار مهم مالیت؛ یعنی منفعت‌داشتن احراز نشود، دیگر معیارها یعنی قابلیت تملک و ندرت وجود اگر احراز شود (که همین‌طور هم هست) دیگر تاثیری در اثبات مالیت بیت‌کوین ندارد. ولی از مطالبی که در مورد مال مجازی در فصل سوم گفتیم، معیارهای قابل تملک بودن و ندرت وجود در مورد بیت‌کوین و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات و با اثبات صدق می‌کند.

در نهایت در پاسخ به سؤال آخر باید گفت در این دوره با وجود آن‌که بیت‌کوین و اتریوم و برخی دیگر از رمزارزهای بی‌ثبات ارزش بالایی پیدا کرده‌اند. اما به دلایلی که قبلاً بررسی شد دارای نوسانات شدیدی هستند و لذا اصلاً گزینه مناسبی برای حفظ ارزش ثروت نیستند. همین امر نیز از موانع جدی پول‌دانستن آن‌هاست.

به‌طور کلی با توجه به مطالبی که گفته شد می‌توان نتیجه‌گرفت در این مرحله مالیت بیت‌کوین احراز نمی‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد سایر رمزارزهای بی‌ثبات نیز شرایط مشابهی دارند. حتی بعضی از آن‌ها در آغاز مسیری هستند که بیت‌کوین، چندسالی است آن را طی کرده‌است، لذا دیگر رمزارزهای بی‌ثبات به‌طریق اولی با مشکل عدم احراز مالیت در دوره‌ی کنونی مواجه‌اند.

۷-۵. مرحله‌ی ماهیت پولی

این دوره در واقع یک سناریوی فرضی است که البته به نظر نگارنده محتمل‌ترین سناریویی است که پیش‌روی بیت‌کوین و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات است. اصولاً بنابر آنچه در بخش قبل گفته شد رمزارزهای بی‌ثبات برای این‌که مالیت پیدا کنند، باید به مرحله‌ای برسند که به‌عنوان پول یا حداقل وسیله‌ی مبادله مورد استفاده قرار گیرند تا منفعتی برای آن‌ها بتوان

قائل شد. در غیر این صورت هیچ قابلیت‌ای ندارند که بتوان به وسیله‌ی آن برایشان مالیت قائل شد حتی پشتوانه‌ای هم ندارند که آن پشتوانه مالیت داشته باشد. قبلاً به موانع تبدیل ماهیت بیت‌کوین و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات به پول اشاره شد. بنابر نظر نگارندگان دو حالت وجود دارد که اگر هر دو یا یکی از آن‌ها اتفاق بیفتد گام اساسی در جهت تبدیل رمزارزها به پول برداشته می‌شود. چرا که در صورت بروز این دو حالت اولاً یک رمزارز به عنوان وسیله‌ی مبادله معتبر شناخته می‌شود و دارای منفعت می‌گردد و ثانیاً تعداد فعالان و معاملات در یک بلاک‌چین افزایش می‌یابد و همین امر موجب کاهش نوسانات شدید خواهد شد.

حالت اول آن است که دولت یک کشور بخواهد رمزارزی را ایجاد کند و یا مبادله با رمزارزهای موجود را به رسمت بشناسد. در واقع یک دولت می‌تواند حتی عکس حاکم یک کشور را نیز به عنوان پول اعتبار کند و از نظر حقوقی مبادله‌ی با آن را قانونی اعلام کند. وقتی این دو حالت یا یکی از این دو اتفاق افتاد دیگر فروشندگان کالا و خدمات با خیالی آسوده حاضرند در ازای فروش کالا و خدماتشان، رمزارز مورد تایید دولت‌ها را دریافت کنند. چرا که می‌دانند به راحتی می‌توانند آن را برای خرید استفاده کنند و یا از بانک‌ها معادل آن، پول دریافت کنند.

حالت دوم نیز آن است که آنقدر مبادلات با یک رمزارز صورت بگیرد که رفته رفته عرف عقلاء آن را به عنوان وسیله‌ی مبادله به رسمیت بشناسند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد مردم کشورهای مثل ونزوئلا و آرژانتین حتی در زمان فعلی به خاطر نوسانات شدیدی که پول ملی با آن مواجه است خرید و فروش با رمزارزها و نگهداری آن‌ها را منطقی‌تر می‌دانند. در هر صورت وقتی مردم به هر دلیلی رمزارز را به عنوان وسیله‌ی مبادله در نظر بگیرند، منفعتی عقلایی برای رمزارزها قائل شده‌اند و لذا چون دو شرط دیگر یعنی قابل اختصاص بودن و کم‌یاب بودن را نیز دارا می‌باشند، مالیت برایشان از سوی دولت یا مردم اعتبار شده است و مالیت‌شان اعتباری خواهد بود. تا این‌جا مالیت اعتباری برای رمزارزهای بی‌ثبات محرز خواهد بود. البته ممکن است هنوز در این مرحله مانع نوسانات شدید، مانع پول بودن رمزارزهای بی‌ثبات باشد. در واقع رمزارز

ممکن است به عنوان وسیله‌ی مبادله در نظر گرفته شود اما ویژگی ذخیره‌ی ارزش بودن را به معنای واقعی نداشته باشد. کما این که این مشکل برای بعضی از پول‌های رایج در کشورهای باتورم خیلی شدید مانند ونزوئلا هم اتفاق افتاده است، در واقع پول ملی نتوانسته وظیفه‌ی ذخیره ارزش را به خوبی انجام دهد. برای حل این مشکل هم راه‌هایی به نظر می‌رسد. قبلاً گفته شد که اگر تعداد معاملات در بستر بلاک‌چین‌ها افزایش یابد و تعداد دارندگان سکه‌ها نیز افزایش یابد، می‌تواند تأثیر اقدامات نهنگ‌ها^۱ بر ارزش رمزارز را کاهش دهد چرا که دیگر آن‌ها سهم کم‌تری از بازار را در اختیار دارند. هم‌چنین می‌توان پیشنهاد داد همان‌طور که دولت‌ها در موقع مقتضی در بازار ارزهای خارجی مداخله می‌کنند در بازار رمزارزها هم برای حفظ ثبات قیمتی مداخله کنند. وقتی کشوری در وضعیت تورمی قرار دارد، به علت کاهش ارزش پول ملی، قیمت ارز خارجی در مقابل پول ملی افزایش می‌یابد. بانک مرکزی می‌تواند در این شرایط با فروش ارز در مقیاس مناسب، قیمت آن را کاهشی نماید و در شرایط رکودی هم با خرید ارز در مقیاس مناسب مانع افت شدید قیمت ارز خارجی شود. مشابه همین روش را نیز می‌تواند در بازار رمزارزها انجام دهد. اگر قوانین یک کشور تصمیم داشته باشد تا استفاده از رمزارزها را به عنوان پول در دستور کار خود قرار دهد، قطعاً باید در مورد حفظ ثبات ارزش اقداماتی انجام دهد. در این زمینه بانک مرکزی می‌تواند در هنگام کاهش ارزش رمزارز بی‌ثبات مورد نظر با تبدیل منابع ارزی خود به رمزارز و در واقع خرید مقدار مناسب رمزارز، قیمت آن را بالا نگه دارد و در زمان بروز رشد ناگهانی قیمت رمزارز، با فروش مقدار مناسب رمزارزهایی که در اختیار دارد، بازار را متعادل نماید. این مسئله خدشه‌ای به غیر متمرکز بودن این رمزارزها نیز وارد نمی‌کند چرا که بانک مرکزی در این بازار به عنوان یک نهنگ یا بازیگر بزرگ نقش‌آفرینی می‌کند و نه به عنوان نهاد متمرکز. با انجام راه حل فوق رمزارز بی‌ثباتی که توسط دولت یا عقاء به عنوان وسیله‌ی مبادله اعتبار شده است و مالیت اعتباری نیز پیدا کرده است مشکل نوسانات ارزش را هم دیگر ندارد و می‌تواند وظایف پول را

۱. افراد حقیقی یا حقوقی که میزان بسیار زیادی رمزارز را دارا می‌باشند.

به خوبی در جامعه انجام دهد.

۵-۸. مالیت رمزارز با ثبات بدون پشتوانه

مسئله‌ی مالیت این رمزارزها از آن جهت که پشتوانه‌ای ندارند و منفعتشان متوقف بر پول بودن یا حداقل وسیله‌ی مبادله بودنشان است با رمزارزهای بی‌ثبات کاملاً مشابهت دارد، با این تفاوت که این نوع از رمزارز به دلیل ثباتی که توسط الگوریتم برایش ایجاد می‌شود مانع عدم حفظ ارزش که در مورد بیت‌کوین و سایر رمزارزها برای تبدیل شدن به پول وجود داشت را پیش‌روی خود ندارند. لذا اگر دولت یا عرف عقلاء یا هردو آن را به‌عنوان پول در نظر بگیرند از آنجا که نیازی از نیازهای انسان و جامعه را رفع می‌کنند و شرط منفعت داشتن را حائز می‌شوند، علاوه بر این که مالیت اعتباری آن‌ها محرز می‌شود، بدون نیاز به مداخله دولت و بانک مرکزی به عنوان پول با ثبات محسوب می‌شوند. البته این مالیت اعتباری محض است و ارتباط وثیقی با بخش واقعی اقتصاد ندارد.

۵-۹. مالیت رمزارزهای با پشتوانه

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد وضعیت این نوع از رمزارز هم از جهت ماهیت و هم از جهت مالیت با دونوع قبلی متفاوت است. قبلاً گفته شد ممکن است پشتوانه‌ی این رمزارز رمزارزی دیگر، پول فیات و یا دارایی‌های فیزیکی مثل طلا و نفت باشد. نظر نگارنده آن است که می‌توان همه‌ی انواع ذکر شده را به عنوان سند در نظر گرفت. برای روشن شدن این موضوع در ابتدا به تعریف سند و انواع آن از منظر حقوقی اشاره می‌نماییم. طبق آنچه در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی آمده است "سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد می‌باشد". به‌طور کلی سند از هر نوعی که باشد، لازم است دو ویژگی اصلی را داشته باشد. اولاً باید "قابلیت استناد" داشته باشد. و ثانیاً اینکه "نتیجه فعل یا تراوش ذهن انسان" باشد نه اینکه فقط یکسری کلمات نوشته شده روی کاغذ باشد. اصولاً نوشتن سند ممکن است به صورت علائم خاصی روی یک تکه سنگ باشد. حتی ممکن است به

صورت کامپیوتری باشد. (دیانی، ۱۳۸۴) لذاست که امروزه مفهومی به نام سند الکترونیکی به وجود آمده است. اسناد الکترونیکی به صورت صفرویکی و به وسیله ی دستگاه های الکترونیکی ایجاد می شوند. این سندها نیز همانند اسناد سنتی می توانند در دعاوی مورد استناد قرار گیرند. اسناد الکترونیکی نیز مانند اسناد سنتی باید دارای امضاء باشند تا بتوانند قابل استناد باشند. خود این امضاء هم به صورت الکترونیکی است که " ترکیبی از متون یا اشکال خاصی است که هر شخصی می تواند آن را تولید و در سند خود از آن استفاده نماید. " (خبرگزاری قوه قضاییه) در نتیجه میتوان به طور خلاصه گفت اسناد انواع مختلفی دارند که جدیدترین آن نوع الکترونیکی است و مانعی برای سند دانستن آن وجود ندارد. اسناد می توانند نشان دهنده و گواه مسائل مختلفی باشند. از جمله آنها مالکیت فرد یا افرادی بر مال یا اموالی می باشد. سند مالکیت زمین، خانه و امثال آن مثال های بارز اینگونه اسناد می باشند. در واقع این نوع اسناد خودشان مالیت ندارند بلکه حاکی از وجود مالکیت نسبت به یک مال می باشند. بعضی حتی پول کالایی تمام عیار را نیز صرفاً نوعی سند می دانند. به این معنا که خودش مالیت ندارد، چه اعتباری و چه حقیقی بلکه حاکی از یک مال حقیقی که همان طلا و نقره هستند می باشند. هر چند قبلاً هم اشاره شد که این نوع پول وقتی به عنوان پول اعتباری شود و عقلاء برای آن منفعت قائل می شوند، مال محسوب می شوند و مالیت آن نیز اعتباری است. ولی کماکان سند بودن شان نیز منتفی نیست. درواقع به اعتقاد برخی دولت می تواند چیزهای مختلفی را به عنوان پول اعتبار کند، حتی عکس یک شاه یا حاکم آن کشور را، به طور مشابه این اسناد نیز در همان حال که سند هستند می توانند به عنوان پول توسط جامعه یا حاکمیت اعتبار شوند.

رمزارز اولین پدیده ی مالی نیست که می توان آن را به عنوان سند در نظر گرفت. پیش از این در مورد اوراق سهام هم این نکته مطرح شده بود که این اوراق درواقع امر اسنادی هستند که به بصورت کاغذی یا الکترونیکی حاکی از حقی برای صاحب آن هستند. در این راستا دو نظر مطرح است. نظر اول این که دارنده سهام در جایگاه مالک قسمت مشاع

از دارایی‌های یک شرکت است؛ لذا اوراق سهام به‌عنوان "سند مالکیت مشاع" هستند. نظر دوم می‌گوید دارنده سهام در مقام دائن است و شرکت در مقام مدیون. یعنی اوراق سهام به‌عنوان "سند طلب" هستند. (علیدوست، ۱۳۹۸)

باتوجه به مطالبی که گفته‌شد، می‌توان به نظرمی‌رسد به طریقی مشابه رمزارزهای دارای پشتوانه را نیز سندی در نظر گرفت که حاکی از وجود پشتوانه آن می‌باشد. چرا که دارای هر دو ویژگی سند یعنی "قابلیت استناد" و "حاصل تراوش ذهنی انسان" بودن را دارند. حال ممکن است این سند حاکی از مالکیت فرد نسبت به رمزارزی دیگر یا پول فیات و یا دارایی فیزیکی مثل نفت و طلا باشد. حال باید بررسی شود که آیا آن چیزی که رمزارز به عنوان سند آن می‌باشد، مالیت دارد یا خیر. درمورد رمزارزی که دارای پشتوانه‌ی دارایی‌هایی مثل طلا و نفت است از آن جا که حاکی از وجود عین می‌باشند، معامله‌ی آن‌ها در شمار معامله همان عین است. در واقع شما با خرید یک رمزارز از این نوع مقداری از آن عین را خریداری کرده‌اید که اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم رمزارز خریداری‌شده توسط شما سند مالکیت شما نسبت به "کلی در عین" است. چرا که در واقع سهم مشخصی از یک مال متساوی الاجزاء را مالک می‌شوید. برای روشن‌شدن مطلب، رمزارز پی‌ام‌جی‌تی که در قبلاً مورد بررسی قرارگرفت را در نظر بگیریم. این رمزارز مثال بارز سندی است که توکنیزه شده‌است. گفتیم که هر سکه از این رمزارز ارزشی معادل یک اونس تروا از طلاهایی را دارد که در ضرابخانه‌ی پرت در استرالیا ی غربی نگه‌داری می‌شود. برای ایجاد این برابری ابتدا برای طلاهای موجود در ضرابخانه پرت گواهی‌سازی می‌شود و سپس این گواهی‌ها که گلدپاس نام دارد توکنیزه شده و یک سکه‌ی پی‌ام‌جی‌تی تولید می‌شود. در واقع حتی لفظ گواهی که حاکی از سندیت است نیز در فرآیند تولید این رمزارز ذکر شده‌است. هم چنین در مورد مثال ملدکوبین توضیح داده شد که یک سکه از این رمزارز زمانی تولید می‌شود که یک گرم طلا در پلتفرم ملد خریداری شود و زمانی سوزانده می‌شود که یک گرم طلا در این پلتفرم فروخته شود. در مورد دیگر رمزارزهای دارای پشتوانه دارایی فیزیکی نیز وضعیت همین است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت

این نوع از رمزارزها حتی اگر ماهیت پولی نیز پیدا نکنند، از همان ابتداء راه اندازی سندی هستند که حاکی از مالکیت نسبت به چیزی می باشند که مالیت دارد و معامله آنها در واقع معامله کلی درعین است که رمزارز نماینده و سند آن است. زیرا کلی در عین "مقدار معین به طور کلی از شیء متساوی الاجزاء" می باشد. مثلاً وقتی فردی دارای صد سکه ی پی ام جی تی می باشد در واقع دارای صد اونس تروا طلا می باشد که در حال حاضر مشخص نیست کدام صد اونس تروا طلاست ولی می تواند به طور کلی در مورد این مقدار طلا از ذخایر ضرابخانه پرت ادعای مالکیت داشته باشد. لذا مال تحت مالکیت او از نوع کلی در عین می باشد.

در مورد رمزارزهایی که دارای پشتوانه ی پول فیات هستند نیز وضعیت همین طور است. درواقع آنها سندی هستند که نشان دهنده ی مالکیت دارنده نسبت به یک مال اعتباری یعنی پول فیات هستند.

اما در مورد رمزارزهایی که پشتوانه ی آنها رمزارزهایی دیگر مثل بیت کوین و اتریوم هستند باید دید آن رمزارزهایی که پشتوانگی می کنند در کدام مرحله قرار دارند و آیا به دورانی که حائز مالیت شوند رسیده اند یا نه. اگر رمزارزی که پشتوانگی می کند خود مالیت داشته باشد آنگاه رمزارزی که پشتیبانی می شود، سندی است که حاکی از مالکیت دارنده آن نسبت به یک مال اعتباری.

البته در نهایت ممکن است که این رمزارزها که در واقع نوعی سند می باشند با همان شرایطی که در مورد رمزارزهای بدون پشتوانه مطرح شد، یعنی رفع نیاز و منفعت داشتن با احراز شرایط ماهیت پولی، توسط مردم یا دولت به عنوان پول نیز اعتبار شوند. در این حالت علاوه بر این که سند هستند خودشان نیز مستقلاً دارای مالیت اعتباری نیز می شوند.

نتیجه گیری

پیشتر گفته شد که با بررسی مالیت رمزارزها می توان نتایج ارزنده ای را در ساحت اقتصادی به دست آورد. در واقع نحوه احراز مالیت می تواند به عنوان یک شاخص تأثیرگذار برای سیاست گذاری ترجیحی در مورد رمزارزها باشد. در واقع این شاخص می تواند در آینده

نیز کاربرد داشته باشد، چرا که به نظر می‌رسد تحولات رمزارزها به گونه‌ای است که در آینده با ابتکارات و ابداعات جدیدتری روبه‌رو خواهیم شد و انواع جدیدی از رمزارزها را خواهیم داشت. بررسی نحوه احراز مالیت رمزارزها از حیث معیارهای اساسی اقتصاد اسلامی این امکان را می‌دهد تا در مورد رمزارزهای ایجاد شده در آینده نیز در کنار سایر معیارها، معیار مالیت نیز در نظر گرفته شود.

به نظر می‌رسد، رمزارزهایی که مالیت آن‌ها مبتنی بر یک مال حقیقی است، از نظر هر سه معیار حق، عدل و قوام دارای ارجحیت هستند.

از منظر معیار حق، رمزارزهایی که دارای پشتوانه‌ی با مالیت حقیقی هستند، دارای ارجحیت می‌باشند. چرا که معامله آن‌ها به مثابه معامله پشتوانه‌ای است که یک مال حقیقی می‌باشد. در واقع همان‌طور که پیشتر در مورد دادن وام از هیچ توسط بعضی بانک‌ها گفته شد، لازم است تا تولید ارزش مبتنی بر یک امر حقیقی باشد، که این مسئله در مورد رمزارزهای دارای پشتوانه با مال حقیقی صادق است. اما در مورد سایر رمزارزها محل اشکال است. آنچه تاکنون در بازار رمزارزها اتفاق افتاده با توجه به غلبه‌ی بیت‌کوین و اتریوم بر این بازار خلاف معیار حق است. چرا که افرادی در ابتدا با ورود قمارگونه به این بازار و با حداقل سرمایه و بدون کار مفید، در اثر افزایش غیرمعقول قیمت بیت‌کوین و دیگر رمزارزهای بی‌ثبات، سود بادآورده‌ی زیادی کسب کردند.

از منظر معیار عدالت نیز پیشتر اشاره شد این معیار در واقع به فرآیند تعلق ارزش افزوده به تولیدکننده مربوط است. هم‌چنین به مشروعیت روبرط مالی در مرحله انتقال توجه دارد. باید گفت از منظر این معیار نیز رمزارزهای دارای پشتوانه با مالیت حقیقی دارای ارجحیت می‌باشند. چرا که در فرآیند تولید آنان، بر خلاف دیگر رمزارزها، ارزش افزوده‌ی ناگهانی به عده‌ای خاص که قبلاً وارد بازار شده‌اند تعلق نمی‌گیرد. بلکه در یک روند صحیح و عادلانه به تولیدکنندگان واقعی اموال حقیقی خواهد رسید. به علاوه به علت کنترل نوسانات شدید احتمال بروز سود بادآورده و ضرر هنگفت بدون ارتباط با فعالیت اقتصادی برای دارندگان رمزارز کاهش می‌یابد.

از منظر معیار قوام: از این نظر نیز رمزارزهای دارای پشتوانه‌ی با مالیت حقیقی نسبت به سایر رمزارزها ارجحیت دارند. چرا که گسترش معامله بازار این رمزارزها به مثابه گسترش بازار یک مال حقیقی است و سبب رشد بخش حقیقی می‌گردد. اما گسترش بازار دیگر رمزارزها هیچ تأثیر مثبتی در افزایش بخش حقیقی اقتصاد ندارد. این مسئله قطعاً خلاف موضع قوام هست چرا که اولاً سبب جذابیت این بازار برای سرمایه‌گذاران می‌شود و سرمایه را از بخش‌های حقیقی اقتصاد به فعالیتی که کاملاً اعتباری است سوق می‌دهد، لذا در نهایت باعث کاهش کارایی می‌گردد و با قوام اقتصادی در تعارض است. اما در مورد رمزارزهایی که در همه‌ی مراتب مالیت آن‌ها اعتباری نیست و دارای پشتوانه‌ی حقیقی با رعایت قانون یک به یکی هستند، این معایب به‌جود نمی‌آید. چراکه اولاً با خرید آن‌ها به‌علت آنکه بخش حقیقی اقتصاد به جای بخش اعتباری رشد می‌کند و نیز به دلیل کاهش نوسانات شدید قیمتی از آن حالت قمارگونه خارج شده و توازن درآمدی در جامعه را برهم نمی‌زنند. در نتیجه می‌توان گفت گسترش رمزارزهایی که نحوه احراز مالیت آن‌ها حقیقی است از هر سه معیار حق، عدل و قوام ارجحیت دارند. اگر در آینده نیز رمزارزهایی با این نحوه احراز مالیت ابداع شود، حداقل از این حیث دارای ارجحیت می‌باشند. البته باید سایر ابعاد نیز مورد بررسی قرار گیرد. در واقع احراز مالیت حقیقی می‌تواند به عنوان یکی از ملاک‌های مهمی که سه معیار حق، عدل و قوام در اقتصاد اسلامی را نمایندگی می‌کند، در نظر گرفته‌شود.

جدول خلاصه نتایج

ملک‌ها و معیارها	احراز ملاکات چهارگانه‌ی فقهی						احراز معیارهای سه گانه اقتصاد اسلامی	
	منفعت داشتن	قابلیت تملک	ندرت وجود	محلله بودن	حق	عدل	قوام	نوع رمزارز
بی‌ثبات	در صورت احراز شرایط پول و کارکردهایش	دارد	دارد	✓ اگر از نظر مسائل حرام یعنی ربا، غرر، قمار و... باشد، محلله است.	×	×	×	
اثبات بدون پشتوانه	در صورت احراز شرایط پول و کارکردهایش، البته مانع نوسانات شدید را از ابتدا ندارد	دارد	دارد	✓ مشروط	×	بستگی به میزان موفقیت در حفظ ثبات دارد	×	
اثبات با پشتوانه رمزارز بی‌ثبات	مانند دونوع قبلی با احراز شرایط پله. البته اگر رمزارزی که پشتوانگی می‌کند مالیت داشته باشد، بدون رسیدن به ماهیت پولی، حکم سند را دارد و معامله آن منعی ندارد	دارد	دارد	✓ مشروط	×	اگرچه به‌علت فرآیند وثیقه‌گذاری امکان حفظ ثبات این رمزارزها هست اما باعث گسترش بازار آن رمزارز بی‌ثبات می‌گردند.	×	
اثبات با پشتوانه پول فیات	در صورت شرایط احراز ماهیت پولی داری منفعت است. البته اگر رمزارزی که پشتوانگی می‌کند مالیت داشته باشد، بدون رسیدن به ماهیت پولی، حکم سند را دارد و معامله آن منعی ندارد	دارد	دارد	✓ مشروط	×	بستگی به میزان موفقیت در حفظ ثبات دارد	×	
اثبات با پشتوانه رمزارز دارای مالیت حقیقی	مشابه مورد قبل، البته معامله آن در صورتی صحیح است که رمزارز پشتوانه خود به مرحله احراز مالیت رسیده باشد.	دارد	دارد	✓ مشروط		بستگی به میزان موفقیت در حفظ ثبات دارد		
اثبات با پشتوانه دارایی فیزیکی	منفعت آن به خودی خود در صورت احراز ماهیت پولی، احراز می‌گردد ولی سند یک مال حقیقی هستند و معامله آن‌ها در شمار معامله همان مال حقیقی است که دارای منفعت است.	دارد	دارد	✓		✓		

کتابنامه

- الانصاری، الشیخ مرتضی، کتاب المکاسب، جلد ۴، ص ۹ و ۸، تراث الشیخ الاعظم الصدر، محمد باقر، البنك اللاربوی فی الإسلام، ص ۱۴۷-۱۵۲
- الغروی النائینی، المیرزا محمد حسن، منیه الطلاب فی حاشیه المکاسب، ج ۱، ص ۳۳۲ و ۳۳۹ و ۳۴۰، مکتبه الحمیدیه
- الغروی النائینی، المیرزا محمد حسن، فواید الاصول، جلد ۴، ص ۳۸۹، انشارات جامعه مدرسین حوزة علمیه قم
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۴، ص ۳۴۵ و ۳۴۷، دار احیاء التراث العربی
- افشارکرمانی، عزیزاله، و قوانلو، فاطمه. (۱۳۸۹). اعتباریات قبل از اجتماع از نظر علامه طباطبائی. مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)، - (۱۹)، ۱۰۳-۱۲۸.
- SID. <https://sid.ir/paper/203245/fa>
- بروجردی عبده، حقوق مدنی، (۱۳۲۹)، ص ۲ و ۱۶، کتابفروشی محمد علی علمی
- توسلی، محمد اسماعیل، (۱۳۹۶)، تبیین ماهیت پول در چارچوب اعتباریات علامه طباطبائی، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال سوم، تابستان ۱۳۹۶، ۱۱۵-۱۴۰
- حسینی عاملی، السید جواد، مفتاح الکرامه، ج ۱۳، ص ۸، مؤسسه النشر الاسلامی الکاتبه (۱۳۹۵)، سند الکترونیکی چیست؟، خبرگزاری قوه قضاییه، <https://www.mizanonline.ir/fa/news/176865> / سند الکترونیکی- چیست
- دیانی، عبدالرسول، (۱۳۸۴)، " حجیت اسناد"، ماهنامه دادرسی، شماره ۵۴، ص ۲۵-۳۶
- رضایی صدرآبادی، محسن، (۱۳۹۹)، رساله دکتری (تبیین ماهیت پولهای مجازی و تحلیل آن از منظر اقتصاد اسلامی)، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی، حسن؛ قائمی نیا، علی اصغر، پول در اقتصاد اسلامی از دید اعتباریات علامه طباطبائی (ره)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵، ص ۶۹-۸۹
- شهید اول، القواعد و الفوائد، ص ۲۳۹ و ۲۴۰، کتابفروشی مفید

شهیدی، محمدتقی، (۱۳۹۸)، در خارج فقه معاملات ربوی، پایگاه فقه حکومتی و سائل
علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۸)، ششمین کارگاه درس خارج فقه، پایگاه تخصصی فقه
حکومتی و سائل، <http://vasael.ir/fa/news/16024>

علامه طباطبائی، بی‌تا، تفسیر المیزان، کتابخانه دیجیتال قائمیه
عیوضلو، حسین، ۱۳۸۴، عدالت و کارآیی، ص ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۱۰۸، ۱۱۰، انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام.

عیوضلو، حسین، کریمی ریزی، مجید. (۱۳۹۷). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری
اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام. اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۱)، ۵-۳۵.

SID. <https://sid.ir/paper/383494/fa>
عیوضلو، حسین؛ موسویان، سید عباس؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ نوری، جواد (۱۳۹۸)
"تحلیل فقهی-اقتصادی استخراج ارزهای مجازی در نظام اقتصادی اسلام (مطالعه ی
موردی بیت کوین)"، ص ۵۷ _ ۷۲

عیوضلو، حسین؛ رضائی صدرآبادی، محسن؛ نوری، جواد. (۱۳۹۸). تحلیل فقهی - حقوقی
مبادله ارزهای قابل استخراج در اقتصاد اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۰ (۷۷)، ۱۸۳-۲۱۰.

عیوضلو، حسین؛ رضایی صدرآبادی، محسن؛ و نوری، جواد. (۱۴۰۰). تحلیل فقهی-
اقتصادی مبانی، اصول و چارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی. تحقیقات مالی
اسلامی، ۱۰ (۲) (پیاپی ۲۰)، ۴۴۵-۴۹۴. SID. <https://sid.ir/paper/958756/fa>

کاشف الغطاء، الشیخ عباس، (۱۳۴۰)، المال المثلی و المال القیمی فی الفقه الاسلامی، جلد
۱، ص ۱۷ و ص ۳۴ و ص ۵۶ و ص ۵۹، موسسه الکاشف الغطاء عامه، قم

مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۱۷- ۱۳۰، انتشارات صدرا
موسوی بجنوردی، سید محمد؛ صباغی ندوشن، مریم (۱۳۹۳) "شرط مالیت عوضین
در صحت معاملات با رویکردی بر نظریه امام خمینی (ره)"، پژوهشنامه متین، سال
شانزدهم، ص ۶۵-۶۶

میرزاخانی، رضا؛ سعدی، حسینعلی، (۱۳۹۷)، بیت کوین و ماهیت مالی-فقهی پول
مجازی، جستارهای اقتصادی ایران سال پانزدهم پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره ۳۰،
ص ۷۱-۹۲

نواب‌پور، علیرضا، (۱۳۹۷)، "تحلیل فقهی کارکردهای پول رمزنگاری شده (مطالعه موردی بیت کوین)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق _ علیه السلام _

- Afshar Kermani, Azizollah, & Ghavanlou, Fatemeh. (2011). I'tebariyyat ghabl az ejtema' az nazar-e Allameh Tabatabaei. Motale'at-e Naqd-e Adabi (Pazhuhesh-e Adabi), (19), 103–128. SID. (In Persian)
- Al-Ansari, Sheikh Morteza. Ketab al-Makasib, Vol. 4, pp. 8–9. Torath al-Sheikh al-A'zam. (In Arabian)
- Al-Ghorooi al-Naeini, Mirza Mohammad Hassan. Fawa'ed al-Usul, Vol. 4, p. 389. Jame'eh Modarresin Seminary Publications, Qom. (In Persian)
- Al-Ghorooi al-Naeini, Mirza Mohammad Hassan. Monyat al-Tullab fi Hashiyat al-Makasib, Vol. 1, pp. 332, 339–340. Maktabat al-Hamidiya. (In Arabian)
- Al-Najafi al-Jawaheri, Sheikh Mohammad Hassan. Jawaher al-Kalam, Vol. 24, pp. 345–347. Dar Ehya al-Torath al-Arabi. (In Arabian)
- Al-Naje, Nader; Chen, Josh; & Daio, Lawrence. (2017). Basis: A Price-Stable Cryptocurrency with an Algorithmic Central Bank. June 20, 2017.
- Bambenek, Cadence, Dai coin explained, (November, 17, 2021), Available At: <https://www.thebalance.com/dai-coin-explained-5193940>
- Chandler, Simon. (2018). Money or Assets? How Governments Define Cryptocurrencies. August 05, 2018. CoinTelegraph. Available At: <https://cointelegraph.com/news/money-or-assets-how-world-governments-define-cryptocurrencies>
- Cifuentes, Andres F. (2019). Bitcoin in Troubled Economies: The Potential of Cryptocurrencies in Argentina and Venezuela. Latin American Law Review, 03, 99–116. <https://doi.org/10.29263/lar03.2019.05>
- Cripto dictionary, <https://crypto.ro/en/dictionary/>
- Devereux, Michael B., & Shi, Shouyong. (2013). Vehicle Currency. International Economic Review, 54(1), 97–133.
- Diani, Abdolrasoul. (2005). Hojjiyat-e Asnad. Dadresi Monthly, 54, 25–36. (In Persian)
- Eyvalloou, Hossein, & Karimi Rizi, Majid. (2018). Osoul-e Mozoo'eh va Rahbordhaye Bankdari-ye Eslami dar Chaharchoub-e Nezam-e Eghtesadi-ye Eslam. Eghtesad-e Eslami, 18(71), 5–35. SID. (In Persian)
- Eyvalloou, Hossein. (2005). Edalat va Karayi, pp. 81–86, 108–110. Imam Sadegh University Press. (In Persian)
- Eyvalloou, Hossein; Mousavian, Seyyed Abbas; Rezaei Sadrabadi, Mohsen; & Noori, Javad. (2019). Feqhi-Eghtesadi Analysis of Cryptocurrency Mining in the Islamic Economic System (Case Study: Bitcoin), pp. 57–72. (In Persian)
- Eyvalloou, Hossein; Rezaei Sadrabadi, Mohsen; & Noori, Javad. (2019). Feqhi-Legal Analysis of Exchangeable Mineable Cryptocurrencies in Islamic Economics. Eghtesad-e Eslami, 20(77), 183–210. (In Persian)
- Eyvalloou, Hossein; Rezaei Sadrabadi, Mohsen; & Noori, Javad. (2021). Feqhi-Economic Analysis of Foundations and Macro Framework of the Islamic Monetary System. Tahghihat-e Mali-ye Eslami, 10(2), 445–494. SID. (In Persian)
- Fatas, Antonio. (2019). The Economics of Fintech and Digital Currencies. March

- 2019.
- George, Benedict, What is Bitcoin pizza day?, May 16 2022, <https://www.coindesk.com/learn/what-is-bitcoin-pizza-day/>
- Hammer, Sarah, & Falk, Brett Hemenway. (2022). Taming the Wild West: Achieving Public Policy Goals through Crypto Standards. SSRN. Standards (April 29, 2022). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4096816> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4096816>
- Hosseini Ameli, Seyyed Javad. Meftah al-Karamah, Vol. 13, p. 8. Mo'asseseh al-Nashr al-Eslami al-Katebeh. (In Arabian)
- How PMGT works ? , Available At: <https://pmgt.io/>
- Kashif al-Ghita, Sheikh Abbas. (1961). Al-Mal al-Methli wa al-Mal al-Qeimi fi al-Fiqh al-Islami, Vol. 1, pp. 17, 34, 56, 59. Mo'asseseh al-Kashif al-Ghita, Qom. (In Arabian)
- Khalil , Muhammad Azhar ,(2018) , Relationship Between Financial and Real Sectors
- Lee, Marissa. (2019). Stablecoin: Yet Another Layer of Cryptocurrency Complexity. American Bankruptcy Institute Journal, 38(9), 36–64.
- Mahato, Srinjoy, et al. (2019). A Brief Discussion on Two Different Cryptocurrencies: Bitcoin & Ethereum. International Journal of Computer Trends and Technology, 67, 32–38.
- Michael B. Devereux & Shouyong Shi, 2013. "Vehicle Currency," International Economic Review, Department of Economics, University of Pennsylvania and Osaka University Institute of Social and Economic Research Association, vol. 54(1), pages 97-133, February.
- Mirzakhani, Reza, & Sa'di, Hossein Ali. (2018). Bitcoin and the Financial-Fiqhi Nature of Virtual Money. Iranian Economic Essays, 15(30), 71–92. (In Persian)
- Motahari, Morteza. Nazari be Nezam-e Eghtesadi-ye Eslam, pp. 117–130. Sadra Publications. (In Persian)
- Mousavi Bojnourdi, Seyyed Mohammad, & Sabbaghi Nadooshan, Maryam. (2014). Condition of Monetary Value in Transaction Validity from Imam Khomeini's Perspective. Pazhooheshnameh-ye Matin, 16, 65–66. (In Persian)
- Nawabpour, Alireza. (2018). Feqhi Analysis of Cryptocurrency Functions (Case Study: Bitcoin). MA Thesis, Imam Sadegh University. (In Persian)
- Rezaei Sadrabadi, Mohsen. (2020). Nature of Virtual Currencies and Its Analysis from the Perspective of Islamic Economics. PhD Dissertation, Imam Sadegh University. (In Persian)
- Richard K. Lyons & Ganesh Viswanath-Natraj, 2020. "What Keeps Stablecoins Stable?," NBER Working Papers 27136, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Sadr, Mohammad Baqer. Al-Bank al-La-Ribawi fi al-Islam, pp. 147–152. (In Arabian)
- Shahid Aval. Al-Qawa'ed wa al-Fawa'ed, pp. 239–240. Mofid Bookstore. (In Arabian)
- Shahidi, Mohammad Taghi. (2019). Advanced Jurisprudence Lectures on Usurious Transactions. Vasaal Fiqh Website. (In Persian)
- Sihombing, S., et al. (2021). Fundamental Analysis of Cryptocurrency Price

- Fluctuations. Jurnal Akuntansi, Keuangan, dan Manajemen, 2(3), 213–224.
- Sobhani, Hassan, & Ghaemi-Nia, Ali Asghar. (2016). Money in Islamic Economics from the Perspective of Allameh Tabatabaei's E'tebariyyat. Eghtesad-e Eslami Quarterly, 16, 69–89. (In Persian)
- Sokolov, Mykyta. (2020). Are Libra, Tether, MakerDAO and Paxos Issuing E-Money? SSRN. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3746250> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3746250>
- Tabatabaei, Allameh. (n.d.). Tafsir al-Mizan. Qaemiyeh Digital Library. (In Persian)
- Tavasoli, Mohammad Esmail. (2017). Explaining the Nature of Money within Allameh Tabatabaei's E'tebariyyat Framework. Fundamental Research in Humanities Quarterly, 3, 115–140. (In Persian)



An Assessment of How Islamic Banking Addresses the Inherent Instability of Fractional Reserve Banking

Meysam Khosravi: Assistant Professor, Economics Faculty, University Of Tehran, Tehran, Iran.

Me.khosravi@ut.ac.ir | 0009-0006-9799-5383

Abstract

Financial stability has gained significant importance as a central goal for central banks following the 2008 financial crisis. Bank regulation is widely regarded as the primary strategy for supervisory authorities to ensure financial stability. However, despite repeated reforms in the regulatory framework of the banking sector after each major financial crisis, these measures have proven insufficient in preventing the recurrence of banking crises. This article employs a descriptive-analytical approach to argue that the inherent liquidity risk, a key driver of bank instability, stems from the uninsurable individual shocks faced by economic entities and the liquidity risks embedded in their lives. In the banking system, fractional reserve practices have merely transferred these risks to banks. In response to this inherent instability, many Muslim economists have proposed an Islamic monetary system based on a full-reserve banking framework. However, this article highlights critical oversights in these proposals and seeks to develop a more comprehensive decision-making framework. This framework not only addresses financial stability but also emphasizes price stability and the financing of economic growth. Given that economic growth and improving living standards are central to Islamic economics—and, as noted by Martyr Sadr, represent common ground between Islamic and capitalist economies—the article argues that an unconditional endorsement of a full-reserve banking system as the sole model for an Islamic monetary system is inadequate. Such a model fails to reconcile the potential conflict between financial stability and the imperative of fostering economic growth. Therefore, this article calls for a more nuanced approach that balances these competing objectives within the Islamic economic framework.

Keywords

Financial Crisis, Financial Stability, Fractional Reserve Banking, Islamic Banking.

ارزیابی نحوه مواجهه با بی‌ثباتی ذاتی بانکداری ذخیره جزئی در بانکداری اسلامی

میشم خسروی: استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران Me.khosravi@ut.ac.ir

چکیده

ثبات مالی به عنوان یکی از اهداف بانک‌های مرکزی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ اهمیت بیشتری یافته است. تنظیم‌گری بر بانک‌ها مهمترین راهبرد مقام ناظر در راستای تامین ثبات مالی تلقی می‌گردد و متناسب با افزایش اهمیت ثبات مالی که پس از هر بحران مالی فراگیر، تکرار می‌شود، اصلاحاتی نیز در چهارچوب تنظیم‌گری شبکه بانکی اتفاق می‌افتد. تکرار وقوع بحران‌های مالی نشان داده است تنظیم‌گری علی‌رغم اصلاحاتی که به خود دیده، نتوانسته از وقوع مجدد بحران بانکی جلوگیری نماید. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی، نشان می‌دهد که ریسک ذاتی نقدینگی به عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی بانک‌ها، ریشه در ریسک نقدینگی ذاتی موجود در زندگی آحاد اقتصادی و شوک‌های انفرادی بیمه ناپذیر آن‌ها داشته و در نظام بانکداری ذخیره جزئی صرفاً به بانک منتقل شده است. اما بسیاری از اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با این بی‌ثباتی ذاتی نظام پولی اسلامی را در چهارچوب نظام بانکداری با ذخایر کامل تعریف کرده‌اند اما در این مقاله سعی شده است با شفاف ساختن وجوه مغفول نزد آن متفکران، چهارچوب تصمیم‌گیری جامع‌تری تعریف شود که در ضمن آن علاوه بر مقوله ثبات مالی به ثبات قیمتی و تامین مالی رشد اقتصادی نیز توجه شده باشد. از آنجایی که رشد اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم در اقتصاد اسلامی محوریت داشته و به تعبیر شهید صدر (ره) از جمله نقاط اشتراک اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری است و از سوی دیگر این معیار با معیار ثبات مالی تراحم دارد، به نظر می‌رسد جمع‌بندی غیر مشروط و مطلق مبنی بر اینکه نظام پولی اسلامی در چهارچوب نظام بانکداری ذخیره کامل است جمع‌بندی دقیقی نباشد.

واژگان کلیدی: بحران مالی، ثبات مالی، بانکداری با ذخایر جزئی، بانکداری اسلامی.

مقدمه

نظام پولی به معنای قواعد انتشار وسیله مبادله را می‌توان از زوایای مختلفی مورد ارزیابی قرار داد. به عنوان مثال برخی از اندیشمندان بزرگ، نظام پولی رایج یعنی بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی را از زاویه فلسفه سیاسی و به طور مشخص از منظر نسبت آن با آزادی، مورد نقد و ارزیابی قرار داده‌اند (Hayek, 1976). اما از منظر اقتصاد کلان هر نظام پولی باید نسبت به سه سوال زیر پاسخ‌های معتبر ارائه داده باشد:

۱- ثبات قیمتی: چگونه ارزش وسیله مبادله یا واحد اندازه‌گیری بدهی آحاد اقتصادی را در طول زمان حفظ خواهد کرد؟

۲- تأمین مالی بخش حقیقی: نیاز به تأمین مالی تولید در حال رشد را چگونه پاسخ خواهد گفت؟

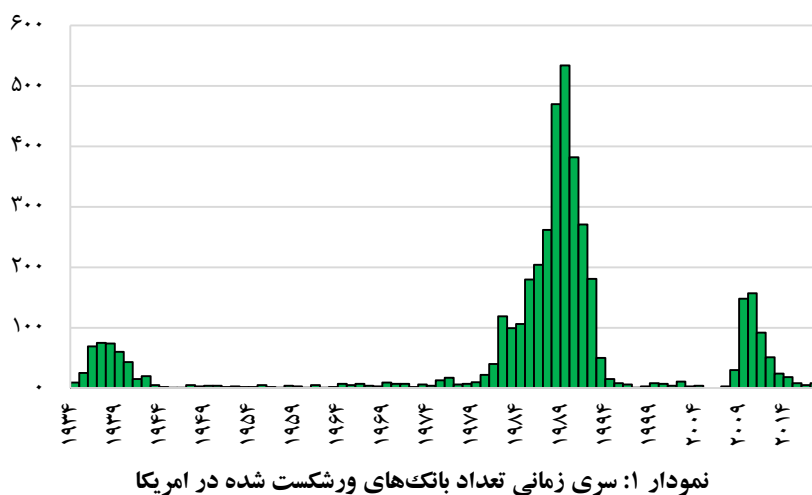
۳- ثبات مالی: پایداری و ثبات نهادهای ناشر پول را چگونه تأمین خواهد کرد؟

نظام پولی بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی نیز از این قاعده مستثنی نیست و نیاز به پاسخگویی سه سوال فوق دارد. پول اعتباری که در چهارچوب نظام پولی مذکور ایجاد می‌شود بدلیل اینکه هزینه نهایی خلق آن بسیار ناچیز است در معرض چالش کاهش ارزش از طریق عرضه بیش از حد بهینه اجتماعی قرار دارد که در ادبیات به آن تورش تورمی گفته می‌شود (Romer, 2019). اما نظام پولی رایج پس از تجربه تورم‌های بالا با معرفی چهارچوب سیاست‌گذاری پولی و اصلاح پیاپی آن توانسته است این مسأله را حل کند و در حال حاضر معدود کشورهایی هستند که به صورت مزمّن از تورش تورمی رنج ببرند.

قدرت فوق‌العاده تأمین اعتبار برای پاسخ به شکاف زمانی تولید مهمترین مزیت نظام پولی رایج است. هر کارآفرین معتبر که فاقد سرمایه مالی لازم برای شروع فرآیند تولید را نداشته باشد، بانک در نظام پولی رایج امکان تأمین مالی وی را فراهم می‌کند و بر خلاف نظام بانکداری با ذخایر کامل یا نظامات پولی متکی به پول‌های دارایی پایه به ترتیب با محدودیت ساختاری و طبیعی در تأمین مالی مواجه نیست. این مزیتی است که شومپیتر از آن یاد می‌کند و معتقد است خلق اعتبار و تخصیص آن به ایده‌های جدید کارآفرینان مهم‌ترین لازمه توسعه اقتصادی با راهبرد تخریب خلاق است که این مهم را

نهاد بانک با خلق اعتبار انجام می‌دهد. (Schumpeter 1983)

ثبات مالی و پایداری بانک به مثابه نهاد ناشر پول در نظام ذخیره جزئی از آنجایی که می‌تواند عملکرد اقتصاد کلان را با اخلاص مواجه کند حائز اهمیتی ویژه است. به عبارت دیگر وجود پدیده سرایت باعث می‌شود شکنندگی یک بانک، ریسک سیستمی داشته باشد و ابعاد اقتصاد کلانی بیابد. شاید مهمترین نقطه ضعف نظام پولی رایج که تاکنون نیز حل نشده بی‌ثباتی و شکنندگی آن باشد. نمودار ۱ حاکی از این واقعیت است که کماکان بی‌ثباتی مالی یکی از چالش‌های حل نشده نظام پولی بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی می‌باشد.



مأخذ: سایت شرکت بیمه سپرده فدرال آمریکا

البته مجموعه اقداماتی برای حل این چالش در دستور کار بانک‌های مرکزی قرار داشته و دارد که در ادبیات مربوطه تحت عنوان چهارچوب تنظیم‌گری و نظارت احتیاطی شناخته می‌شود. مقاله حاضر پاسخ نظام پولی متعارف به سوال سوم مطرح شده را تبیین و ارزیابی خواهد کرد سپس سعی می‌کند متکی به مطالب طرح شده در مقاله دلالت‌هایی برای مطالعات بانکداری اسلامی استخراج و معرفی نماید. در این راستا در بخش دوم،

مبانی نظری تنظیم‌گری و نظارت احتیاطی و ارتباط قاعده خلق پول در نظام پولی رایج و بی‌ثباتی مالی شفاف خواهد شد. در بخش سوم راهکارهای عملیاتی برای ایجاد ثبات مالی بدون تغییر قاعده خلق پول بحث شده و در بخش چهارم این راهکارها ارزیابی می‌شوند و در نهایت در بخش پنجم دلالت‌های مربوط به بانکداری اسلامی به بحث گذارده خواهد شد.

۱. مبانی نظری: بی‌ثباتی نظام ذخیره جزئی و شکست‌های بازار

در این بخش سعی می‌شود با استفاده از ادبیات نظری، ارتباط نظام پولی بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی با مقوله بی‌ثباتی مالی تبیین شده و نحوه پاسخگویی این نظام به سوال سوم مطرح شده در بخش قبل ارزیابی گردد. از زوایا و با رویکردهای مختلف می‌توان نشان داد بی‌ثباتی به مثابه مهمترین چالش نظام بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی نه به عنوان یک عارضه بلکه به عنوان یک مولفه و ویژگی ذاتی این نظام پولی تلقی می‌گردد. در رویکردی ابتدایی و حسابدارانه، مشاهده‌ی ترازنامه بانک‌ها این مساله را نشان می‌دهد، میزان تعهدات نقد بانک‌ها به سپرده‌گذاران بسیار بیشتر از دارایی‌های نقد آن‌هاست و در صورتی که تعداد زیادی از سپرده‌گذاران برای برداشت سپرده‌های خود به بانک مراجعه نمایند این بانک در ایفای تعهدات خود ناتوان خواهد بود. اما ریشه این مشاهده حسابدارانه چیست؟ آیا بانک در متن نظام پولی ذخیره جزئی می‌تواند بدهی نقدشونده نداشته باشد یا دارایی غیر نقد نداشته باشد؟ پاسخ اجمالی این است که چون بدهی بانک همان وسیله مبادله است حتماً باید نقدشونده باشد و از آنجاکه همزمان متولی تأمین مالی رشد بلندمدت پایدار اقتصاد نیز هست نمی‌تواند دارایی غیرنقد نداشته باشد بنابراین آن مشاهده حسابدارانه ناشی از طراحی بانک در نظام بانکداری با ذخایر جزئی است. توضیح بیشتر را می‌توان با تکیه به مقاله معروف دایموند و دبیوگ (1983, pp. 401-410) ارائه کرد. بروز شوک‌های مخارج برای آحاد اقتصادی یک نیاز به نقدینگی ایجاد می‌کند و در صورتیکه که این نیاز مشاهده پذیر نباشد، قابل بیمه شدن نیز نیست و اشخاص باید متناسب با احتمال وقوع و مقدار نقدینگی لازم، بخشی از دارایی خود را به شکل نقد نگه‌داری کنند (پس انداز احتیاطی) که منجر به کاهش رفاه کل اقتصاد

می‌گردد. در مقاله مذکور ایشان توانستند با توسعه‌ی یک مدل، ریسک نقدینگی را در تحلیل خود در نظر بگیرند و هجوم بانکی را مدل‌سازی کنند. ارکان مدل فوق‌الذکر از این قرار است که تولید پس از دو دوره به ثمر می‌رسد اما سرمایه‌گذاران با ریسک‌های انفرادی مواجه هستند که تنها در دوره یک و برای خود فرد قابل مشاهده است و می‌تواند میزان مصرف آن‌ها در دوره یک را افزایش دهد. از سوی دیگر این ریسک‌ها به دلیل اینکه مشاهده پذیر نیستند قابلیت بیمه شدن نیز ندارند؛ برای واضح تر شدن، فرض کنید افراد مبتلا به سرطان در دوره یک مشخص خواهد شد و نتیجه آن تنها برای خود فرد معلوم است. این عدم مشاهده پذیری نوع افراد، تشکیل یک بازار کامل با اوراق اربو دبرو را غیر ممکن می‌کند. اما می‌توان قرارداد بهینه‌ای که قید خود انتخابی افراد را پاس کند تعبیه کرد که تحت آن هریک از افراد به نفعش باشد آن‌گونه که نوعش اقتضاء می‌کند، رفتار کند. حضور بانک و معرفی سپرده دیداری را می‌توان یک قرارداد بهینه تامین‌کننده قید خود انتخابی دانست که منجر به تسهیم ریسک نقدینگی آحاد اقتصادی می‌شود. در چنین شرایطی افراد با در اختیار داشتن سپرده دیداری، پاسخگوی نیاز به مصرف بیشتر خود در مواقع اصابت شوک مخارج مشاهده ناپذیر باشند. بانک با فروش سپرده دیداری امکان تسهیم ریسک نقدینگی را برای افراد فراهم می‌کند و از سوی دیگر با سرمایه‌گذاری از زیان رفاهی ناشی از پس‌انداز احتیاطی جلوگیری می‌نماید. بانک‌ها در این مدل، دارایی‌های غیر نقد خود را به بدهی‌های نقد تبدیل می‌کنند و این مساله، مهم‌ترین نقشی است که بانک در اقتصاد ایفاء می‌کند. البته نتایج کار دایموند و دبیوگ نشان می‌دهد که تسهیم ریسک تنها تعادل نش سیستم فوق نیست. زیرا اگر تعداد سپرده‌گذارانی که متقاضی برداشت سپرده هستند از میزان موهبتی که بانک سرمایه‌گذاری نکرده بیشتر باشد، همه افراد فارغ از اینکه صبور یا ناشکیبا هستند متقاضی برداشت سپرده‌ها می‌شوند و بانک در معرض هجوم قرار می‌گیرد. بنابراین رفع شکست بازار با ارائه سپرده دیداری ضمن تمهید نقدینگی برای اقتصاد، بانک را در معرض هجوم قرار می‌دهد. بنابراین اگرچه تعبیر تسهیم ریسک نقدینگی در خصوص سپرده‌گذاران درست به نظر می‌رسد اما با توجه به طراحی نظام بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی، در مجموع ریسک نقدینگی مذکور از آحاد اقتصادی به بانک انتقال یافته و در مواقع وقوع تعادل نش دوم، قالب

هجوم آنها برای دریافت سپرده یا اضافه برداشت بانک از بانک مرکزی بروز می‌یابد. از این روست که دایموند و راجان (۲۰۰۱، pp. 287-300) (۱۹۹۹، pp. 1-10) نیز ترکیب ترازنامه موجد ریسک نقدینگی ذاتی برای بانک دانسته‌اند.

کاکرین (۲۰۱۳) هجوم سیستمی را نقطه‌ی کانونی وقوع بحران‌های مالی می‌داند. هجوم به بانک‌ها و نهادهای مالی باعث می‌شود که پدیده کاهش ارزش دارایی‌های مالی یا هر اتفاق ممکن‌الوقوع دیگری در اقتصاد به یک بحران مالی تبدیل شود. در سال ۲۰۰۰ و در خلال کاهش ارزش سهام صنایع وابسته به اینترنت^۱، افراد زیادی دارایی‌های خود را از دست دادند، اما این زیان قابل توجه، تبدیل به بحران مالی نشد، چون هجوم اتفاق نیفتاد. کاکرین به درستی دریافته است که هجوم نیز به ماهیت بانک در نظام ذخیره جزئی باز می‌گردد و یک مقوله عارضی نیست و تصریح می‌کند هجوم برآمده از قرارداد مالی بدهی‌محور در سپرده است. این قرارداد به سرمایه‌گذار یک نرخ بهره‌ی ثابت وعده داده و پرداخت را با قاعده اول بررسی، اول می‌گیری^۲ انجام می‌دهد یعنی اولاً به وی اجازه می‌دهد هر زمان که بخواهد اصل و سود سپرده خود را برداشت نماید و ثانیاً از آنجایی که منابع نقد بانک محدود است هر که زودتر تقاضای برداشت سپرده نماید، احتمال دستیابی به نقدینگی بیشتری دارد. در شوک دات‌کام، هجوم و به تبع آن بحران مالی اتفاق نیفتاد، چون شرکت‌های تکنولوژی که ارزش سهام آن‌ها به شدت کاهش یافته بود، با سهام تامین مالی شده بودند و قرارداد سهام ویژگی‌های فوق (وعده سود ثابت و قاعده اول بررسی، اول می‌گیری) را ندارد.

همانطور که دایموند، دبویگ، راجان و کاکرین دریافته‌اند بی‌ثباتی مالی برآمده از ریسک نقدینگی است که در نظام بانکداری مرکزی با ذخایر جزئی در قالب قرارداد سپرده از آحاد مردم به نهادهای سپرده‌پذیر منتقل می‌شود و این ریسک یک پیامد عارضی نظام بانکی نیست چون در چنین نظام پولی گریزی از هجوم^۳ نیست و موسسات

۱. این پدیده به شوک دات کام نیز معروف است که به ایجاد حباب در صنایع وابسته به اینترنت و سپس ترکیدن

این حباب در سال ۲۰۰۰ اشاره دارد برای مطالعه بیشتر، آدرس زیر را مشاهده کنید:

https://en.wikipedia.org/wiki/Dot-com_bubble

2. First Come First Served

3. Prone to Run

سپرده‌پذیر همواره در معرض هجوم هستند به همین دلیل است که پس از بحران‌های مالی اقتصاددانان بزرگی نظیر ایروینگ فیشر (1936) یا فریدمن (1959, pp. 66-70) سخن از تغییر نظام پولی گفته‌اند.

نکات فوق از این واقعیت مهم پرده بر می‌دارد که علت اصلی بحران‌های مالی عدم تعادل در دارایی بدهی یا درآمد هزینه بانک نیست بلکه عدم تعادل در جریان نقدی بانک منشأ اصلی بحران‌های مالی است. توجه دادن به این موضوع از این حیث حائز اهمیت است که امکان ارزیابی تدابیر اتخاذ شده برای ممانعت از وقوع بحران‌های مالی را فراهم می‌کند.

تاکنون مشخص شد که قاعده بازی طراحی شده در نظام پولی مدرن که از آن تحت عنوان نظام ذخیره جزئی یاد می‌شود، مستلزم وقوع هجوم است و تجربه وقوع بحران‌های مالی نیز ابعاد وقوع چنین مخاطره‌ای را نشان داده است. اما چرا نیروهای بازار اعتبار نمی‌توانند چنین چالشی را حل کنند و به عبارت دیگر چرا به تعبیر فریدمن این نظام پولی مستلزم مداخلات فراوان دولت است؟ به عنوان مثال اگر سپرده‌گذاران ریسک ورشکستگی بانک را در انتخاب بانک خود لحاظ کنند و بانک‌ها نیز بدانند که چپش سبد دارایی غیرنقد، جذابیت کمتری برای سپرده‌گذاران ایجاد می‌کند سازوکار بازار یک تعادلی خواهد کرد که بانک‌ها سبد نقدشونده‌تری تشکیل دهند و احتمال هجوم به از طریق نیروهای بازار کاهش یابد. برای پاسخ به سوال قبل و تبیین این که چرا نیروهای بازار نباید انتظار داشت مساله بی‌ثباتی نظام مالی را حل کنند لازم است به مبانی اقتصاد خرد اشاره شود.

از منظر تئوری اقتصادی و قضیه اول رفاه، تخصیص حاصل از تعادل رقابت کامل، همان تخصیص بهینه پاره‌تویی است. این قضیه بنیادین بدین معناست که در شرایطی که (۱) بازارها کامل باشند یعنی به ازای هر کالایی^۱ یک بازار وجود داشته باشد (۲) تمامی افراد جامعه قیمت‌پذیر باشند؛ تخصیصی که بازار انجام می‌دهد بهترین تخصیص اجتماعی نیز هست (Mas-Colell et al. 1995). اما در موارد متعدد، این

۱. به تعبیر دقیق‌تر نه تنها به ازای هر کالا باید یک بازار وجود داشته باشد بلکه در شرایط نااطمینانی باید برای هر کالا در هر وضعیت یک بازار وجود داشته باشد که Arrow-Debreu این مفهوم بازارهای کامل را به خوبی بیان کردند.

دو شرط نقض شده و تخصیص بازار از تخصیص بهینه اجتماعی فاصله می‌گیرد که تحت عنوان شکست بازار^۱ مطرح می‌شوند و مانع خودبستگی نیروهای بازار ممانعت از بروز بی‌ثباتی می‌گردد.

عدم تقارن اطلاعات موجود میان (۱) سپرده‌گذار و بانک (۲) وام‌گیرنده و بانک وجود دارد امکان ایجاد بازاری متفاوت برای هر ابزار مالی (اعم از سپرده و تسهیلات) در شرایط مختلف ریسک را سلب می‌کند. به عبارت دیگر چون بانک امکان تشخیص کامل وضعیت وام‌گیرندگان را ندارد نمی‌تواند بازار و نرخ متفاوتی ایجاد کند و سپرده‌گذار نیز چون حتی کمتر از بانک نسبت به وام‌گیرندگان و سرمایه‌گذاری‌های بانک اطلاعات دارد، امکان تشکیل بازار کامل در بردارنده تمامی سطوح ریسک در بازار سپرده‌ها نیز وجود ندارد. بنابراین عدم تقارن اطلاعات منجر به بازار مغفول می‌گردد که نقض شرط اول قضیه اول رفاه قلمداد می‌گردد.

یکی دیگر از مصادیق ناکامل بودن بازارها و نقض اولین شرط قضیه اول رفاه، وجود پیامدهای خارجی در بازار پول است که موجب شکست بازار در رسیدن به تخصیص بهینه پاره‌تویی می‌شود. اولین مصداق پیامد خارجی و بازار مغفول، بازار سرایت^۲ است. ورشکستگی یک بانک ناتراز سپرده‌گذاران سایر بانک‌های سالم را نیز به دلیل عدم تقارن اطلاعات، به برداشت سپرده‌های خود و وام‌دار و چون دارایی‌های بانک‌ها نقد نیست، بانک مجبور به فروش یکباره^۳ دارایی‌ها و به بانکی ناتراز و ورشکسته تبدیل می‌شود. به این پدیده اثر سرایت گفته می‌شود (Mishkin and Eakins 2012, p. 426) و چون بازاری برای آن وجود ندارد که تا هزینه تهور بانک خاطی در ریسک‌پذیری افزایش یابد، هزینه اجتماعی ورشکستگی بانک از هزینه خصوصی ورشکستگی وی بیشتر شده و موجب پیامد خارجی منفی و شکست بازار می‌گردد. البته اثر سرایت، تنها پیامد خارجی منفی ورشکستگی بانک‌ها نیست، ورشکستگی برخی از بانک‌ها موجب اختلال در نظام پرداخت و مبادلات اقتصادی نیز می‌شود و این فاکتور نیز موجب پیشی گرفتن هزینه اجتماعی ورشکستگی بانک‌ها از هزینه اجتماعی آن می‌شود.

1. Market Failure
2. Contagious
3. Fire Sale

با مطالب پیش گفته مشخص شد که بازار پول بصورت خودبسنده امکان تامین ثبات مالی را ندارد و به همین دلیل است که مقام ناظر بانکی در قالب چهارچوب تنظیم‌گری و نظارت احتیاطی سعی کرده است چالش مربوط به سوال سوم (تدبیر ثبات مالی) را پاسخ دهد.

۲. تنظیم‌گری احتیاطی پاسخ نظام پولی به چالش ثبات

تنظیم‌گری احتیاطی چهارچوبی است که پاسخ نظام پولی متعارف نسبت به سوال سوم (تامین ثبات) در قالب آن بروز و ظهور یافته است. ابتدا یک تصویر کلی از مجموعه تدابیر اتخاذ شده در این قالب معرفی می‌شود سپس یک طبقه از این تدابیر مورد واکاوی بیشتری قرار می‌گیرد.

مقررات احتیاطی را از منظر مقیاس می‌توان به خرد و کلان طبقه‌بندی کرد؛ مقررات احتیاطی کلان^۱ به مجموعه مقرراتی گفته می‌شود که هدف آن‌ها سلامت و ثبات نظام مالی به مثابه یک کل است. به بیان دیگر، هدف اصلی مقررات‌گذاری احتیاطی کلان، مدیریت ریسک سیستمی است که می‌تواند با ایجاد بحران مالی چالشی جدی برای ثبات اقتصاد کلان ایجاد کند (Osinski et al. 2013). در مقابل هدف مقررات‌گذاری احتیاطی خرد^۲، استحکام و ثبات بانک است و اهداف و ابزارهای آن در مقیاس یک بانک تعریف می‌شود. در واقع مقررات‌گذاری احتیاطی خرد یک تعادل جزئی را موضوع تمرکز خود قرار می‌دهد در حالی که مقررات‌گذاری احتیاطی کلان، تأثیر تعادل عمومی را بر ثبات مالی در اقتصاد کلان پایش می‌کند. در توضیح ارتباط این دو طبقه از مقررات باید گفت: قوام تک تک بانک‌ها اگرچه شرط لازم ثبات نظام مالی است اما شرط کافی نیست (Osinski et al. 2013).

بر اساس مطالعات میشکین (۲۰۰۰)، (White 2009, p. 17) و (Barth et al. 2006)، می‌توان طبقه‌بندی ذیل را برای مقررات احتیاطی ارائه کرد:

1. Macroprudential Regulation
2. Microprudential Regulation

جدول ۱- طبقه‌بندی مقررات‌گذاری احتیاطی

دسته‌بندی کلی	طبقات مختلف مقررات احتیاطی	شکست بازار متناظر
مقررات احتیاطی خرد	محدودیت ورود یا مجوز تأسیس	پیامد خارجی ورشکستگی
	الزامات ناظر به مالکیت و سهامداران	مخاطره اخلاقی سهامداران
	الزامات سرمایه‌ای	مخاطره اخلاقی سهامدار
	اعمال محدودیت بر ترکیب دارایی‌ها و نوع فعالیت‌ها	ریسک ذاتی نقدینگی، پیامد خارجی، مخاطره اخلاقی
	سقف‌گذاری بر نرخ بهره	مخاطره اخلاقی ناشی از شرکت با مسئولیت محدود
	الزامات حسابداری، حسابرسی و افشای اطلاعات	اطلاعات نامتقارن
	الزامات ناظر به ذخیره‌گیری	مخاطره اخلاقی سهامداران
	الزامات ناظر به محدودسازی صرفه حاصل از مقیاس: از جمله تأسیس شعب	مخاطره اخلاقی ناشی از "بزرگ توقف ناپذیر"
مقررات احتیاطی کلان	تفکیک دقیق بانکداری از سایر نهادهای مالی (تأمین سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری)	-
	اعمال محدودیت در رقابت	مخاطره اخلاقی
	نظام بیمه سپرده‌ها	ریسک ذاتی نقدینگی
	اعمال محدودیت بر ریسک تمرکز شبکه بانکی	پیامد خارجی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

اما به طور مشخص در مطالعات مربوط به نظارت احتیاطی خرد به دو دسته از مقررات احتیاطی یعنی اعمال محدودیت بر سبد دارایی‌ها و الزامات سرمایه‌ای به عنوان ارکان آن‌ها یاد شده است. کارکن و والاس (1978, pp. 413-415) نشان دادند زمانیکه تعهدات بانک‌ها بیمه شده باشد و دارایی‌های بانک‌ها نیز ریسکی باشد بانکها ریسکی ترین سبد دارایی ممکن را انتخاب خواهند کرد و این مساله خود موجب بی‌ثباتی خواهد شد. در چنین شرایطی مقررات گذاری بر بانک‌ها به عنوان مکمل ضروری بیمه سپرده‌ها باید عمل نماید. برخی از مقرراتی که برای تأمین ثبات مالی اثربخش هستند عبارتند از: حداقل

ذخایر نقد، حداقل دارایی نقد (اوراق بدون ریسک)، اعمال محدودیت بر تنوع دارایی‌های بانک و حداقل نسبت سرمایه به دارایی.

کیم و ستومرو (۱۹۸۸، pp. 1219-1225) نیز در راستای این دو دسته از مقررات، تحقیق کارکن و والاس را با دقت بیشتری بحث کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که نسبت سرمایه به دارایی ساده به منظور جلوگیری از اقبال بانک به فعالیت‌های پرمخاطره، بازدارنده و اثربخش نیست و باید در مخرج کسر، دارایی‌ها را به ریسک موزون کرد و در صورتیکه دارایی موزون به ریسک را در نسبت کفایت سرمایه قرار دهیم این نسبت به شکل یک مقرر محدودیت بر سبد دارایی بانک نیز عمل خواهد کرد. چراکه مقام ناظر وزن ریسک هر طبقه از دارایی‌ها را بر اساس یک بهینه یابی ثبات مالی به دست خواهد آورد و بانک‌ها را با سازوکار کفایت سرمایه بدان سوی سوق می‌دهد.

در مقام سیاست‌گذاری و عمل نیز، پس از همه‌ی بحران‌های مالی راهکارهایی به منظور جلوگیری از وقوع مجدد آن‌ها پیشنهاد می‌شود و مشاهده تأثیرات شگرفی که این بحران‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان گذاشته متفکران و اقتصاددانان به تامل در رابطه با ریشه‌ها و وقوع و از بین بردن زمینه‌های وقوع مجدد آن وا می‌دارد. به عنوان نمونه پس از رکود بزرگ، فرانکلین روزولت معتقد بود سه دسته از اقدامات تحت عنوان تسکینی، بازسازی و اصلاحی در قبال رکود بزرگ باید انجام داد. از نظر او اقدامات اصلاحی اقداماتی بودند که مانع وقوع مجدد چنین بحرانی برای امریکا بودند (Linda Alchin 2014) و از جمله‌ی آن‌ها تاسیس شرکت بیمه سپرده فدرال^۱ در قالب قانون بانکداری Glass-Steagall بود. پس از بحران ۲۰۰۸ نیز مهمترین اصلاحاتی که اتفاق افتاد ناظر به تقویت تنظیم‌گری بود، تصویب قانون داد فرنک که در ضمن آن ارائه برنامه‌گزیر برای بانک‌های با اهمیت سیستمی اجباری شد. بال سه، پس از بحران و در سال ۲۰۱۰ و هم‌چنین با تغییراتی در سال ۲۰۱۷ مقررات احتیاطی خرد را سخت‌گیرانه‌تر کرد، برخی از تغییراتی که در مقررات بال ۳ اتفاق افتاد به شرح زیر هستند:

1. FDIC

جدول ۲: مقررات بازل پس از بحران ۲۰۰۸

الزامات سرمایه‌ای	اعمال محدودیت بر سبد دارایی‌ها	شفافیت و نظم بازار: رکن سوم
(۱) نسبت سرمایه لایه یک به دارایی - های موزون به ریسک از ۴ به ۶ درصد افزایش یافت. (۲) محدودیت در ضریب اهرمی	افزایش سهم دارایی‌های نقد در ترازنامه بانک (LCR) به نحوری که برای یک دوره شوک ۳۰ روزه کفایت کند.	الزاماتی برای شفافیت اطلاعات بانک‌ها

ماخذ: (Basel Committee on Banking Supervision 2017)

مقررات‌گذاری‌های احتیاطی خرد پسا بحران بال را می‌توان به دو دسته تقویت الزامات سرمایه‌ای و تشدید محدودیت‌های سبد دارایی‌ها تقسیم کرد. از آنجایی که مقاله (خسروی و سبحانی، ۱۴۰۳) به تبیین مقررات ناظر به الزامات سرمایه‌ای پرداخته اند در ادامه به مقررات تشدید محدودیت سبد دارایی‌ها پرداخته خواهد شد. یکی از مقرراتی که بال در پسابحران به عنوان استاندارد اعلام کرد، مقررات ناظر به نقدشوندگی دارایی‌های بانک‌ها بود که در طبقه مقررات‌های اعمال محدودیت بر سبد دارایی‌ها دسته بندی می‌شود. در بیانیه بال آمده است "الزامات سرمایه‌ای مستحکم شرط لازم ثبات نظام مالی است اما کافی نیست. الزامات ناظر به نقدشوندگی نیز به همان اندازه با اهمیت هستند ولی تاکنون استاندارد جهانی برای نقدشوندگی دارایی‌های بانک‌ها وجود نداشته است." (Basel Committee on Banking Supervision 2010, p. 7) در این راستا کمیته بال دو استاندارد برای نقدینگی بانک‌ها معرفی کرد: نسبت پوشش نقدینگی که به منظور کاهش ریسک نقدینگی بانک در کوتاه مدت و نسبت خالص منابع پایدار^۱ به منظور کنترل ریسک نقدینگی در افق سالانه و میان مدت تعریف شده است. بنابر الزام اول، بانک موظف است حداقل معادل ۱۰۰ درصد جریان خروج وجوه نقد در سی روز کاری آتی، دارایی‌های نقد با کیفیت نگهداری نماید.

1. Net Stable Funding Ratio

جدول ۳: نسبت‌های نقدینگی در بال III

بال II	بال III	
۰	$LCR = \frac{\text{بیاراد یاه دقن اب تیفیک الاب}}{\text{صلاح هوجو نایرج دقن یط یس زور یراک}} \geq 100$	نسبت پوشش نقدینگی (LCR)
۰	$NSFR = \frac{\text{منابع پایدار موجود}}{\text{منابع پایدار الزامی}} \geq 100$	نسبت خالص تجهیز منابع پایدار (NSFR)

مقصود از دارایی‌های با کیفیت از منظر بال دارایی‌هایی هستند که بدون ریسک بوده و بدون زیان یا زیان حداقلی قابل تبدیل به پول باشند. دو دسته از این دارایی‌ها در بیانیه بال معرفی شده است که در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد (Basel Committee on Banking Supervision 2013, pp. 4–11):^۱

جدول ۴: انواع دارایی با کیفیت نقد

درصد کاهش ارزش (haircut)	مصادیق دارایی‌های با کیفیت نقد (HQLA)
۰٪	اسکناس و مسکوک ذخایر (سپرده نزد بانک مرکزی) اوراق مالی دولت یا بانک مرکزی یا تضمین شده توسط آنها (بدون ریسک نکول)
۱۵٪	اوراق مالی دولت یا بانک مرکزی یا تضمین شده از سوی آنها (حداکثر با ریسک اعتباری ۲۰٪) اوراق بدهی شرکت‌هایی که قیمت آن در در سی روز گذشته بیش از ۱۰٪ کاهش نیافته باشد.
۲۵٪	اوراق رهنی مسکن
۵۰٪	اوراق بدهی شرکت‌هایی که قیمت آن در در سی روز گذشته بیش از ۲۰٪ کاهش نیافته باشد. سهام عادی قابل معامله در بازار بورس

۱. مقررات بال متضمن جزئیات زیادی در رابطه با اینکه هر یک از این دارایی‌ها چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند و یا اینکه مخرج کسر LCR چگونه محاسبه می‌شود، است که تبیین آن‌ها در راستای اهداف این نگارش نیست.

در بیانیه بال در رابطه با نسبت پوشش نقدینگی عنوان شده است که دارایی‌ها سطح دو تنها می‌توانند ۴۰ درصد مجموع دارایی‌های با کیفیت نقد باشند. به عبارت روشنتر تنها با نگه‌داری دارایی‌های سطح دو این مقرره اجرایی نمی‌شود بلکه باید حداقل ۶۰ درصد جریان خروج وجوه نقد در سی روز کاری آتی، دارایی سطح یک در اختیار داشته باشد.

علاوه بر این، بال نسبت خالص منابع پایدار را نیز معرفی کرد که بهبود نقدینگی بانک را در افقی یک ساله هدف گرفته است. هدف اصلی از این مقرره، تناسب و تطابق سررسید دارایی‌های و بدهی‌های بانک‌هاست. صورت این کسر تعهداتی (سرمایه و بدهی) هستند که تا سقف یک سال پایدار هستند (به عنوان نمونه ۵ درصد سپرده‌های خرد، ۱۰۰ درصد سهام عادی و ...) و مخرج کسر دارایی‌هایی هستند که سررسیدی کمتر از یکسال دارند و بانک باید ما به ازای آن منابع با سررسید مشابه داشته باشد.

۳. ارزیابی پاسخ نظام پولی به مقوله ثبات

دست کم دو لایه از انتقادات به پاسخ نظام پولی متعارف در خصوص تأمین ثبات وجود دارد که اثربخشی آن‌را با تردید همراه می‌کند. لایه اول از انتقادات به اصل تنظیم‌گری باز می‌گردد که با محوریت نظریات تسخیر هر تنظیم‌گری را فاقد اثربخشی در راستای نیل به منفعت اجتماعی عنوان می‌کند. لایه دوم از منتقدین معتقد هستند ممکن است تنظیم‌گری در سایر حوزه‌ها مثمر ثمر باشد اما در حوزه ایجاد ثبات مالی به دلایل متعدد با توفیق همراه نخواهد بود. در ادامه ضمن اشاره‌ای مختصر بر نظریات تسخیر به اهم دلایل مربوط به فقدان اثربخشی تنظیم‌گری در ممانعت از بی‌ثباتی مالی پرداخته خواهد شد.

۳-۱. انتقاد به تنظیم‌گری: نظریات تسخیر

استیگر (۱۹۷۱، p. 393) ایده اصلی خود در مخالفت با تنظیم‌گری را این گونه عنوان می‌کند: "تنظیم‌گری توسط صنعت، مصادره شده است، در راستای منافع صنعت، طراحی شده و عمل می‌کند." استیگر معتقد است به دلیل اینکه حاکمیت قدرت دارد و مالکان

1. Regulation is acquired by the industry and is designed and operated primarily for its benefit.

صنایع به شدت انگیزه دارند برای دستیابی به این قدرت، تنظیم گر را در جهت منافع خود سوق دهند، تنظیم گری عملاً پس از تصاحب توسط مالکان صنایع، در راستای منافع آنان عمل خواهد کرد. در حالی که تنظیم گری باید در راستای تامین منافع عمومی باشد عملاً با اعمال قدرتی که در اختیار دارد از چهار مسیر ذیل منافع صنعت را بهبود می دهد: ۱) پرداخت یارانه مستقیم ۲) اعمال محدودیت بر ورود رقیب جدید ۳) تشویق برای اعطای یارانه به کالاهای مکمل صنعت (صنعت خطوط هوایی حامی توسعه فرودگاه ها) ۴) اعمال برخی محدودیت های قیمت گذاری برای جلوگیری از رقابت. در صناعی که تعداد بنگاه ها خیلی زیاد است و تبانی بر قیمت مقدور نیست صناعی تلاش خواهند کرد که قیمت گذاری ضد رقابتی از سوی حاکمیت انجام شود و با بنگاه خاطی که به منظور ایجاد رقابت قیمت پایین تری عرضه می کند، برخورد شود (Stigler 1971, pp. 393-394). این دیدگاه استیگر تنها یک نظریه پردازی دور از واقعیت نبود بلکه کاملاً از مشاهده واقعیات سرچشمه می گرفت. وی تنظیم گری صنعت برق را موضوع تحقیق قرار داد و نشان داد که سطح تنظیم گری حوزه برق تاثیر معناداری بر افزایش بهره مندی مصرف کنندگان این صنعت نداشته است (Stigler and Friedland 1962, p. 11).

پلزن (۱۹۷۶) مدل استیگر را توسعه داد و مصرف کنندگان را نیز به عنوان یکی از طبقات ذی نفعان در تحلیل خود دخیل کرد. قدرت سیاست مدار (بقاء وی بر مسند) از سویی به هزینه مصرف کنندگان وابسته است و از سوی دیگر به سود تولید کنندگان. پلزن نشان می دهد در شرایطی که تغییر مقررات (قیمت) به نفع تولید کننده، محبوبیت و قدرت دولت را بیش تر کند، مقام تنظیم گر رفاه مصرف کننده را قربانی خواهد کرد. دولت ها در شرایط انحصار کامل و رقابت کامل بیشترین انگیزه را در مداخله دارند، در شرایط انحصار کامل قیمت را کاهش می دهند چون با از دست دادن اندکی محبوبیت سیاسی ناظر به عدم جلب نظر انحصار گران، رضایت عمومی مصرف کنندگان بسیاری را برای خود می سازند. در شرایط رقابت کامل نیز ورود خواهند کرد و با افزایش قیمت یا محدودیت ورود رضایت تولید کنندگان را به دست می آورد و به دلیل نزدیک بودن سطح قیمت قبلی رضایت کمتری از مصرف کنندگان از دست می دهند. شهودهای دیگری نیز از این تحقیق می توان به دست آورد از جمله اینکه تعادل ناشی از قدرت چانه زنی

تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، سطح و هدف تنظیم‌گری را تعیین می‌کند. تنظیم‌گری‌هایی که مکانیزم اثرگذاری آن بر رفاه مصرف‌کنندگان شفاف یا قابل تحلیل نباشد به نفع تولیدکنندگان صورت خواهد گرفت تعادل اقتصاد را به سوی تعادل انحصاری نزدیک خواهد کرد.

این دسته از نظریات بعدها توسط بکر (۱۹۸۳) لافونت و تیروول (1991) توسعه داده شد که به دلیل خودداری از اطاله این بخش از ذکر آن‌ها و مطالعات بعدی که کارکرد تنظیم‌گری را محل تردید قرار می‌دهند، چشم‌پوشی می‌شود. خلاصه اینکه مقام تنظیم‌گری در معرض تصاحب و تسخیر ذی‌نفعان قرار دارد و در صورت انحراف هدف آن از منافع عمومی به منافع اشخاص تحت تنظیم‌گری که احتمال آن به میزان قدرتمندی ذی‌نفعان وابسته است، اساساً از کارکرد اصلی خود خارج خواهد شد.^۱

هیچ دلیلی وجود ندارد که تسخیر مقام ناظر توسط بانک‌ها از قاعده‌ی کلی فوق مستثنی باشد، زیرا بانک‌ها در اغلب کشورها اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی دارند یا خود به تنهایی به اندازه کافی بزرگ هستند که قدرت چانه زنی لازم برای اثرگذاری بر مقام ناظر را در اختیار داشته باشند. در مقابل سپرده‌گذاران عموماً فاقد اتحادیه یا انجمن و شکل‌های هماهنگ‌کننده هستند و قدرت چانه زنی ندارند. علاوه بر این در بسیاری از کشورها بانک‌ها روابط بسیار نزدیکی با سیاسیون دارند به طور مثال، بانک‌ها در ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین مشارکت‌کنندگان در کمپین‌های انتخاباتی در ۲۵ سال اخیر هستند. (Daniel C. Hardy 2006) اگرچه دمکرات‌ها قانون گلس-استیگل را تصویب کرده‌اند و جمهوری‌خواهان در آمریکا طرفدار آزادسازی مالی بوده‌اند، برخی از تحقیقات همگرایی دمکرات‌ها با جمهوری‌خواه و تفاهم آن دو در آزادسازی مالی دهه هشتاد را به افزایش کمک‌های مالی بانکداران به کمپین‌های مالی دمکرات‌ها نسبت می‌دهند (Anil Hira et al. 2019, p. 87). در آلمان، مقامات فدرال و محلی در هیات مدیره بانک‌های دولتی حضور دارند و این حضور زمینه‌ساز اثرگذاری بر مقامات حاکمیتی توسط بانکداران را فراهم می‌کند. نظارت‌های حضوری مقامات ناظر از بانک‌ها و برخی از

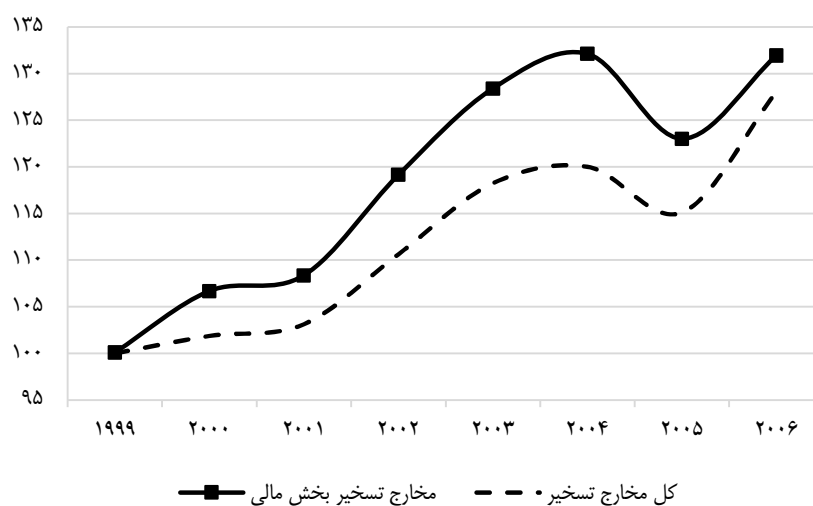
۱. البته ناگفته نماند که در عمل با مقررات و قانون‌هایی سعی شده است زمینه‌های تصاحب مقام ناظر توسط ذی‌نفعان از میان برود به عنوان مثال می‌توان به قوانین تعارض منافع و درب‌های گردان اشاره کرد

ضعف‌های نهادی نظیر درب‌های گردان که هنوز در برخی از کشورهای در حال توسعه نیز وجود دارد، همگی از سازوکارها و فرآیندهایی پرده بر می‌دارند که نشان می‌دهند وجود پدیده تسخیر مقام ناظر در نظام بانکی یک واقعیت غیر قابل انکار است.

شواهد تجربی فراوانی دال بر تسخیر مقام ناظر در کشورهای مختلف نیز وجود دارد. این تسخیر گاهی منتهی به آزادسازی مالی و گاهی به سوی مقررات‌گذاری و نظارت دارای تورش به سوی منافع اشخاص تحت نظارت بروز پیدا می‌کند. پینگ (۲۰۱۳) نظام بانکی چین را در تسخیر بانک‌ها و دولت (به دلیل وجود بانک‌های دولتی) می‌داند. کلو و کلی (۲۰۱۵؛ ص: ۴۳۸) یکی از عوامل اصلی منجر به آزادسازی مالی از دهه هشتاد تا بحران ۲۰۰۸ در آمریکا را تسخیر مقام ناظر و حاکمیت توسط بانکداران آمریکایی می‌داند. منیش (۲۰۱۹) نشان داده است که شدت گرفتن مقررات‌گذاری و نظارت بانکی تأثیر منفی بر توزیع درآمد اقتصاد آمریکا داشته است، در حالیکه اگر مقام ناظر منافع عمومی را دنبال کند، مقررات‌گذاری و نظارت باید به نفع توزیع برابرتر درآمد باشد. هیرا و همکاران (۲۰۱۹) نیز تسخیر مقام ناظر را در سطوح مختلف نظام بانکی ایالات متحده تأیید کرده‌اند. آن‌ها معتقدند انتخاب گرینسپن در ۱۹۸۷ به جای ولکر با فشار جی پی مورگان و سایر بانک‌ها و به دلیل همراهی بهتر گرینسپن با منافع بانک‌ها بوده است (ناظر به انتخاب مقام ناظر یا سطح افراد)؛ در سطح ملی نیز مقررات زدایی مالی پس از دهه هشتاد میلادی و نسخ قانون گلس استیگل به پشتوانه حمایت‌های مالی بانکداران و حضور نمایندگان سنا و کنگره بهره‌مند شده از این حمایت‌ها به ثمر نشسته است.

ایگن و همکاران (۲۰۱۱) نیز با استفاده از داده‌های منتشر شده در ایالات متحده، تسخیر تنظیم‌گر توسط بانک‌ها و نهادهای مؤثر در ایجاد بحران را مورد آزمون قرار داده‌اند. در این تحقیق، متأثر ساختن مقام تنظیم‌گر با شاخص‌هایی در دو لایه ۱) کمک به ستاد انتخاباتی و ۲) هزینه لابی، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از شواهد جالبی در ارتباط میزان این هزینه‌ها و رفتار نهادهای مالی مؤثر در ایجاد بحران است. اولین واقعیت مهم این است که در خلال سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ نهادهای مالی به طور متوسط ۱۵ درصد مخارج تسخیر (کمک به کمپین و هزینه لابی) را در دوره‌های انتخاباتی تأمین کرده‌اند و شتاب مخارج تسخیر در نهادهای مالی نسبت به سایر

بنگاه‌ها بیشتر بوده است.



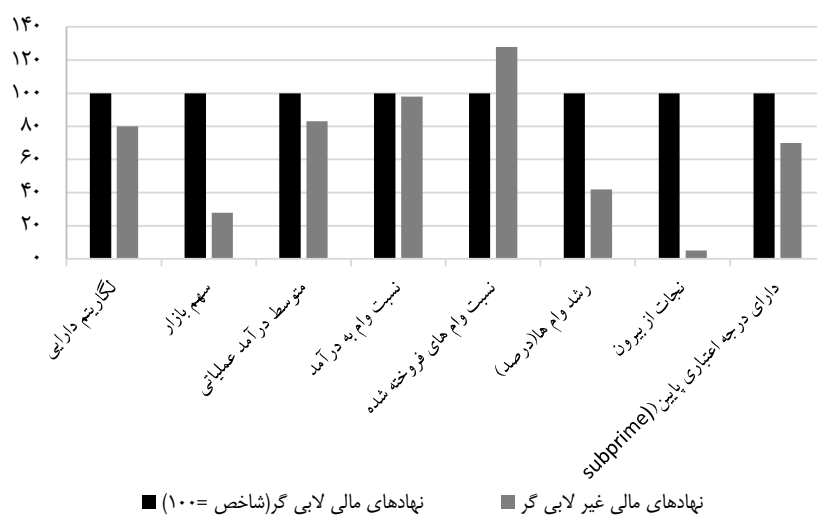
نمودار ۲: روند مخارج تسخیر

مأخذ: (Igan et al. 2011)

با تفکیک نهادهای مالی دارا و بدون لابی، نتایج این تحقیق نشان داده است، نهادهای مالی دارای لابی:

- ۱- از حیث میزان دارایی یا ارزش بازار، بزرگتر
- ۲- با رشد وام بالاتر
- ۳- دارای درجه اعتباری بدتر
- ۴- برخوردارتر در نجات از بیرون^۱

بوده اند. نتیجه این که نهادهای مالی که از حیث سیاسی فعال تر (با لابی بیشتر یا مشارکت بیشتر در کمپین های انتخاباتی) بوده اند، در انباشت ریسک و ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، نقش محوری داشته اند. وام های با رتبه ی اعتباری پایین تر^۱ و رشد اعتباری بالاتر در نهادهای مالی لابی گر، ماشه بحران ۲۰۰۸ را کشید و در نهایت همین نهادها نیز از منابع عمومی برای نجات خود بهره بردند.



نمودار ۳: تفاوت نهادهای مالی دارای لابی و بدون لابی

مأخذ: (Igan et al. 2011)

مباحث این قسمت نشان داد که تنظیم گری فی حد ذاته و به طور شدیدتر در بخش مالی با معضل تسخیر توسط اشخاص تحت نظارت مواجه است و اشخاص تحت نظارت به انحاء مختلف، مقام ناظر را یا وادار به مقررات زدایی یا مقررہ گذاری به نفع خود خواهند کرد. به عبارت روشن تر این مباحث نشان داد که فرض اساسی در تنظیم گری مالی (دنبال کردن منافع عمومی توسط مقام ناظر) فرض غلطی است و اتکاء به راهبردی که نظریه و تجربه نشان داده است نه به سوی منافع عمومی بلکه به سوی منافع اشخاص

1. Sub-prime

تحت نظارت گرایش می یابد، منطقی و قابل قبول نیست.

۲-۳. موسسات مالی بزرگ توقف ناپذیر^۱

یکی دیگر از مجاری کاهنده اثربخشی تنظیم گری، وجود نهادهای بزرگ توقف ناپذیر است. به عبارت روشن تر از آنجایی که اندازه، پیچیدگی، ارتباطات و یا کلیدی بودن نقش این موسسات در حدى است که ورشکستگی آنها می تواند کل نظام مالی را متاثر کند، انحلال به مثابه یکی از مهمترین تهدیدهای تنظیم گر در مواجهه با این موسسات معتبر نیست و کمک کردن به آنها (نجات از بیرون^۲)، بهترین انتخاب از میان گزینه های بد است. این در حالی است که طبیعتاً عملکرد نظام مالی بیشتر از دیگر موسسات تابع رفتار موسسات مالی بزرگ توقف ناپذیر است. لذا وجود نهادهایی با ویژگی بزرگ توقف ناپذیر مخاطره اخلاقی بسیار جدی برای بستانکاران این نهادها (سپرده گذاران) ایجاد می کند چراکه آنها می دانند در هر صورت، متحمل زیان نخواهند شد و موسسه منحل نمی شود. در این شرایط اولاً در ازای ریسک بیشتر، عایدی بیشتری نمی طلبند، لذا انگیزه نظارت بر عملکرد موسسه (ممانعت از ریسک پذیری بالا) را از دست می دهند. از بین رفتن ضوابط بازاری ممانعت از ریسک پذیری بالای موسسات مالی، نظارت بر این موسسات توسط مقام ناظر و بازراری آنها از تملک دارایی های ریسکی را دشوار می کند. بنابراین این موسسات به سوی دارایی های پرریسک خواهند شتافت. ثانیاً رقابتی نابرابر بین موسسات مالی بزرگ و کوچک ایجاد می کند و انگیزه جدی برای بزرگ شدن موسسات به وجود می آورد و این مقوله خود موجب تشویق به ریسک پذیری بیشتر موسسات مالی می گردد. شاید به همین دلیل است که برنانکه معتقد است اگر بحران مالی ۲۰۰۸ تنها یک درس داشته باشد آن این خواهد بود که ناچار به حل مساله بزرگ توقف ناپذیر هستیم.

ورشکستگی برخی از موسسات مالی به دلیل حجم بالای بدهی ها و تعداد فراوان ذی نفعان عملاً ثبات اقتصاد کلان را دچار خدشه جدی می کند؛ به همین دلیل ورشکستگی موسسات مالی بزرگ توسط سیاست گذار مرجح نیست و سهامداران و مدیران بانک

1. Too big to fail
2. Bailout

بزرگ نیز واقف به چنین ترجیحاتی هستند یعنی می‌دانند که اگر به مرز ورشکستگی نیز برسند سیاست‌گذار از ورشکست کردن بانک خودداری می‌کند و برای حفظ ثبات اقتصاد کلان مجبور به همراهی است. در ارتباط با این موسسات تهدید به ورشکستگی و متوقف ساختن فعالیت بانک‌ها به هیچ وجه تهدید باور پذیرای نیست و بدین ترتیب مهمترین ضمانت اجرای مقررات گذاری و نظارت مقام ناظر در ارتباط با این موسسات که اتفاقاً رفتارهای پرخطر آن‌ها پیامدهای به مراتب بدتری برای اقتصاد دارد از بین می‌رود (Mishkin 2004, p. 263).

۳-۳. ارتباط با چالش هجوم

محدودیت‌های ناشی از تنظیم‌گری که بیشترین ارتباط را با مقوله هجوم دارند همان اعمال محدودیت بر سبد دارایی‌ها هستند که برخی از آن‌ها ایجابی قلمداد می‌شوند نظیر نگه‌داری دارایی‌های نقد شونده. این محدودیت‌ها به منظور کاهش ریسک ذاتی نقدینگی بانک‌ها وضع می‌شود تا بانک‌ها ملزم شوند، حداقل معادل بخشی از تعهدات نقد خود، دارایی‌های نقد و شبه نقد نگه‌داری نمایند. اما در شرایطی که اعتماد سپرده‌گذاران نسبت به توانایی ایفاء تعهدات، سلب شده باشد، هجوم به بانک‌ها و مطالبه سپرده، یک تعادل خواهد بود که طی آن «تمامی» سپرده‌گذاران به بانک مراجعه خواهند کرد و حتی اگر ۵۰ درصد دارایی‌های بانک اوراق دولتی یا حتی سپرده قانونی باشد، بانک نخواهد توانست از ورطه‌ی اعسار نقدینگی نجات پیدا کند. بنابراین پس از وقوع هجوم و سلب اعتماد، وجود اوراق دولتی در ترازنامه‌ی بانک‌ها برای نجات بانک کافی نخواهد بود.

سؤال دیگر این است که آیا این الزامات و وضع محدودیت‌های ایجابی بر ترازنامه بانک‌ها خواهد توانست مانع بروز هجوم و بی‌اعتمادی شود؟ به عبارت روشن‌تر ممکن است این مقررات در هنگام وقوع بحران کارایی نداشته باشند اما به واسطه‌ی اینکه سپرده‌گذاران می‌دانند بانک اوراق نقدشونده دارد از ایمنی سپرده‌های خود خاطر جمع گشته و از مراجعه به بانک (هجوم)، صرف نظر کنند. اولاً تمام سپرده‌گذاران (به ویژه سپرده‌گذاران خرد) از ترکیب دارایی‌های بانک مطلع نیستند و ثانیاً از میزان برداشت

سپرده توسط دیگران مطلع نیستند زیرا ممکن است تمامی دارایی‌های نقد صرف بازپرداخت سپرده دیگران شود؛ به همین دلیل، وضع محدودیت‌های ایجابی نمی‌تواند مانع هجوم به بانک‌ها شود. این موضوع برای سپرده‌گذاران خرد که عموماً غیرمطلع هستند شدیدتر است با این حال، مقررات بال، میزان منابع کلان و خرد را تفکیک کرده است و بانک‌ها برای منابع خرد لازم است دارایی‌های نقد کمتری نگهداری کنند. نکته اینجاست که در نظام ذخیره جزئی، وعده نقدشوندگی کامل به سپرده‌گذاران خرد و کلان داده می‌شود و صرفاً نگهداری دارایی‌های کاملاً نقد و معادل سپرده‌ها می‌تواند اعتماد ایجاد کند و افزایش دارایی‌های نقد از ۱۰ درصد ترازنامه به ۲۰ درصد آن، مسأله اصلی را حل نمی‌کند.

۴. دلالت‌ها برای نظام پولی اسلامی

در ادبیات مرتبط با ثبات مالی در بانکداری اسلامی آنچه بیشتر موضوع پژوهش قرار گرفته، این مسأله است که سازوکارهای بانکداری اسلامی (که عمدتاً به معنای قراردادهای غیرربوی‌ست) چه پیامدی برای ثبات مالی دارد و آیا بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های متعارف از ثبات بیشتری برخوردارند یا خیر؟ در غالب مطالعات نیز صرفاً به تاثیر سازوکارهای بانکداری اسلامی بر اعسار ترازنامه‌ای تاکید شده است این در حالیست که در معرض هجوم بودن یا اعسار نقدینگی مسأله اصلی در ثبات مالی است. این مقوله صرفاً در یک مورد از مطالعات بررسی (میسسی، ۹۲) و ادعا شده است که هجوم بانکی در بانکداری اسلامی با محوریت عقود مشارکتی کمتر اتفاق می‌افتد. ندري و همکاران (۱۳۹۲) پس از بررسی عوامل ایجاد بحران‌های مالی مدعی شدند که زمینه‌هایی ایجاد بحران در بانکداری اسلامی کمتر خواهد بود؛ چراکه در بانکداری اسلامی به واسطه‌ی بکارگیری عقود مشارکتی در سمت راست و چپ ترازنامه مسأله ناهمسانی تعهدات و مطالبات کاهش می‌یابد. البته نویسندگان اذعان کردند که اگر در تعهدات بانک (سپرده‌ها) بر اساس عقود مبادله‌ای تنظیم قرارداد شود این مزیت بانکداری اسلامی از بین خواهد رفت. غیر از تاکید بر این مورد، استدلال دیگری در مقاله مورد بحث قرار گرفته است که شایان تأمل است: در بانکداری اسلامی پدیده هجوم بانکی کمتر اتفاق می‌افتد زیرا در

شرایطی که پروژه‌های سرمایه‌گذاری بانک در حال ضرر دهی است برداشت سپرده و هجوم مقارن با پذیرش بخشی از زیان است لذا سپرده‌گذاران انگیزه کمتری نسبت به هجوم دارند. بخش اخیر استدلال مطرح شده مستلزم اطمینان کامل سپرده‌گذاران از پروژه‌هاست (میدانند زیان‌ده است) که اینطور نیست، علاوه‌براین، اگر پروژه‌ای سودده باشد و به خاطر شایعات سپرده‌گذاران بخواهند سرمایه خود را نقد کنند آیا غیر از هجوم بانکی اتفاق خواهد افتاد؟

بر اساس مطالبی که تاکنون در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، نشان داده شد بی‌ثباتی نظام بانکداری مرکزی با ذخیره جزئی بیش از همه مرتبط با قاعده خلق پول بوده و ذاتی این نوع از طراحی نظام پولی تلقی می‌شود. از طرفی پاسخ ارائه شده در نظام متعارف برای تامین ثبات نیز برای جلوگیری از بحران‌های مالی کافی و وافی به مقصود نبوده است. اگر مطالعاتی که بدون توجه به ریشه اصلی بی‌ثباتی، بانکداری غیرربوبی (الگوی فعلی اجرا شده بانکداری اسلامی) را به دلایلی نظیر مشارکتی بودن، با ثبات‌تر دانسته‌اند را کنار بگذاریم، بسیاری از مطالعات بانکداری اسلامی ضمن توجه به تاثیر قاعده خلق پول بر ثبات مالی، بانکداری اسلامی را مقارن با گذار از نظام ذخیره جزئی معرفی کرده‌اند. به عبارت روشن‌تر از آنجایی که بی‌ثباتی مالی تاثیر معناداری بر ثروت و درآمد افراد دارد و حرمتی که دین مبین اسلام برای مال مومن^۱ قائل شده است، تردیدی وجود ندارد که بی‌ثباتی مالی در بررسی شرعی بانک باید یک عامل مهم و موثر باشد و این نویسندگان نیز بر همین منوال بر لزوم ذخیره کامل بودن بانک در نظام بانکداری اسلامی تاکید دارند. اگر چه این دیدگاه از نقطه نظر ثبات مالی بانکداری اسلامی، دیدگاه عمیق و مهمی محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد طراحی نظام پولی اسلامی نمی‌تواند صرفاً با اتکاء به موضوع ثبات اتفاق بیفتد و در صورتیکه هر سه سوال یا سه بعد مطرح شده در ابتدای این مقاله در اقتصاد اسلامی نیز موضوعیت دارند، طراحی نظام پولی اسلامی باید بتواند یک توازن معقول میان هر سه بعد ثبات قیمتی، تامین مالی رشد و ثبات مالی برقرار نماید.

به نظر می‌رسد علیرغم اینکه اهمیت بعد ثبات قیمتی در طراحی نظام پولی بهینه از

۱. قاعده احترام مال مسلمین: حرمة ماله كحرمة دمه.

منظر اسلامی بر کسی پوشیده نیست لکن بسته به کیفیت نهادی و عملکرد بانک مرکزی، نظام بانکداری مرکزی با ذخایر جزئی یا کامل می‌تواند با چالش تورش تورمی مواجه باشند یا نباشند و کامل یا جزئی بودن ذخایر نقش تعیین کننده‌ای در تورمی بودن نداشته باشد و این بعد از سه بعد مذکور نقش تعیین کننده‌ای در طراحی نظام پولی بهینه از نظر اسلام نداشته باشد.

اما در خصوص بعد تامین مالی رشد به نظر می‌رسد ناسازگاری پیشنهاد ذخیره کامل با این بعد از نظام پولی بهینه، جدی باشد و در صورتیکه نشان داده شود در اقتصاد اسلامی نیز این معیار پذیرفته شده و جدی است می‌تواند نقد مهمی بر مطالعات بانکداری اسلامی که متضمن عبور از ذخیره جزئی هستند قلمداد گردد. توضیح اینکه دایموند و دبوینگ (۱۹۸۳) نشان دادند ریسک نقدینگی که ذاتی بانک است برآمده از ریسک ذاتی نقدینگی موجود در بخش حقیقی اقتصاد است که خانوارها با شوک‌های غیرقابل بیمه مواجه هستند و با معرفی سپرده دیداری این ریسک ذاتی به بانک منتقل می‌شود به عبارت روشن‌تر اگر این ریسک به بانک منتقل نشود (سپرده دیداری در معرض هجوم معرفی نشود) به معنای از بین بردن این ریسک نیست بلکه آحاد اقتصادی در هر صورت با این ریسک مواجه هستند و عدم تعریف یک نهاد برای تحمل این ریسک، آحاد اقتصادی را مجبور خواهد کرد پس‌انداز احتیاطی نگهداری نمایند. نگهداشت پس‌انداز احتیاطی به معنای کاهش وجوه قابل استقراض بوده و نسبت به حالتی چنین منابعی محبوس نبود تامین مالی با نرخ پایین‌تری صورت می‌گرفت. از همین روست که مهمترین انتقادی که به نظام پولی ذخیره کامل در ادبیات مربوطه وارد شده است مساله ایجاد چالش برای تامین مالی رشد اقتصادی است. حال سؤال اینجاست که آیا اساساً بعد تامین مالی برای رشد اقتصادی از نظر اقتصاد اسلامی یک معیار برای طراحی نظام پولی بهینه هست یا خیر؟ در این راستا امر مسلم این است که رشد تولید یکی از اهداف بسیار مهم اقتصاد اسلامی است. شهید محمدباقر صدر (۱۳۷۵)، توسعه تولید و ضرورت دستیابی به آن را نقطه اشتراک اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری و مارکسیستی می‌داند و آیات متعدد قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر این معنا دلالت دارند. صرفاً به عنوان نمونه علامه طباطبائی^۲ (۱۳۵۱-۱۳۵۲) ذیل آیه شریفه «لا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ

لکم قیاماً^۱ تاکید می‌کنند که دلالت این آیه شریفه این است که اولاً مال مایه برپایی و تکیه‌گاه (راغب اصفهانی، ۱۳۷۰، ۵۳۸) جامعه است و ثانیاً بر جامعه ضروری است که نسبت به تدبیر و اصلاح اموال و همچنین رشد و نمو اموال به نحوی اقدام کند که برای تمام ارکان جامعه وافی باشد. به عبارت روشن‌تر، حداکثرسازی رشد اقتصادی لازم است در طراحی تمامی زیرنظامات اقتصاد اسلامی از جمله نظام بانکی به عنوان یکی از اهداف مورد توجه قرار بگیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در سطوح و لایه‌های مختلفی می‌توان در ارتباط با بانکداری اسلامی قلمفرسایی و اظهار نظر کرد؛ از جایگاه بانک در نظام تمدنی اسلامی و نقش آن در دستیابی به اهداف اجتماعی اسلام گرفته تا پاسخ به این سوال که کدام عقد مورد تایید شارع برای ارتباط بین سپرده‌گذار و بانک مناسب است. موضوع شناسی جامع و کامل از پدیده پیچیده‌ی بانک امروزی، مستلزم پاسخگویی به تمامی این سوالات بوده و نمی‌توان صرفاً به ربازدایی و تصحیح عقود بانکی اکتفاء کرد. امری که متأسفانه در ابتدای مواجهه با بانک توسط اندیشمندان مسلمان دنبال شد و به دلیل شدت تحریم ربا، از طرح و پاسخگویی سایر سوالاتی که در موضوع شناسی بانک حائز اهمیت بود غفلت اتفاق افتاد. البته احتیاط علمای بزرگ شیعه در بکار بردن عبارت بانک بدون ربا (البنک الاربوی) به جای بانکداری اسلامی ستودنی ست و البته می‌توان آن را اعترافی ناظر به عدم جامعیت موضوع شناسی بانک تلقی کرد. به هر تقدیر، یکی از جنبه‌های با اهمیت در ارتباط با موضوع شناسی بانک، ایجاد بی‌ثباتی مالی در اقتصاد است که به نحوی که در این مقاله بحث شد، در نظام بانکداری مرکزی با ذخایر جزئی، بی‌ثباتی و ریسک نقدینگی، ذاتی بانک است. رویه‌ای که پس از هر بحران برای ممانعت از وقوع مجدد آن پی‌گرفته می‌شد، تنظیم‌گری و تقویت نظارت احتیاطی خرد و کلان بوده است اما تجربه نشان داده است که موفق نبوده است. کارکین (۲۰۱۴) نیز پس از بحران ۲۰۰۸، در انتقاد به این رویکرد، تنظیم‌گری دارایی -

های ریسکی بانک‌ها را محکوم به فنا دانست و پیشنهاد کرد به جای آن، برای بدهی‌های ثابت و در معرض هجوم بانک‌ها چاره‌ای شود. بسیاری از اقتصاددانان مسلمان در مواجهه با این بی‌ثباتی ذاتی پیشنهاد کرده‌اند که بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام پولی ذخیره کامل خواهد بود و به نوعی نظام پولی اسلامی را در چهارچوب نظام بانکداری با ذخایر کامل تعریف کرده‌اند اما در این مقاله سعی شده است با شفاف ساختن وجوه مغفول نزد آن متفکران، چهارچوب تصمیم‌گیری جامع‌تری تعریف شود که در ضمن آن علاوه بر مقوله ثبات مالی به ثبات قیمتی و تامین مالی رشد اقتصادی نیز توجه شده باشد. از آنجایی که رشد اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم در اقتصاد اسلامی محوریت داشته و به تعبیر شهید صدر (۱۴۰۳) از جمله نقاط اشتراک اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه‌داری است و از سوی دیگر این معیار با معیار ثبات مالی تزامم دارد، به نظر می‌رسد جمع‌بندی غیر مشروط و مطلق مبنی بر اینکه نظام پولی اسلامی در چهارچوب نظام بانکداری ذخیره کامل است جمع‌بندی دقیقی نباشد.

کتابنامه

آیت الله شهید مرتضی مطهری، (۱۳۶۴)، مساله ربا و بانک، انتشارات صدرا، تهران.
حسینی دولت آبادی، سید مهدی (۱۳۹۵) ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی. با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی. رساله دکتری علوم اقتصادی. دانشگاه تهران، تهران.

خسروی، میثم؛ ندری، کامران. (۱۳۹۹). نقدی بر نظریه بهره بانکی در مطالعات بانکداری اسلامی با تکیه بر تأثیر خلق پول در تعیین نرخ بهره مطالعات اقتصاد اسلامی ۱۲ (۲)، ۳۴-۱.

خسروی، میثم؛ سبحانی، حسن. (۱۴۰۳). بی‌ثباتی نظام بانکی متعارف و دلالت‌های آن برای نظام مالی اسلامی. اقتصاد اسلامی، ۲۴ (۹۵)، ۲۵-۴۵.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۰). مفردات ألفاظ القرآن؛ صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.

- صدر سید محمدباقر؛ (۱۴۰۳). *گزیده آثار، مهدی زندیه، ۵، سوم، قم، دارالصدر*.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۵۲-۱۳۵۱). *المیزان فی تفسیر القرآن* (ج ۱-۲۰). بیروت - لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ندری، کامران؛ قلیچ، وهاب؛ میسمی، حسین (۱۳۹۲): نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران‌های مالی. *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران* ۱۰ (۱۹)، صص ۹-۴۰.
- نوروزی، پیام؛ باف، مسعود زینلی دستمال؛ حسینی، سیده محبوبه (۱۳۹۴): ویژگی‌های بانکداری اسلامی در کاهش بحران‌های مالی نسبت به بانکداری متعارف. *مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی* ۴ (۱۳)، ۱۰۹-۱۳۰ pp.
- کمیحانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید و سیدعلی روحانی، (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها، *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۵، (۲۹)، ۳۸-۹. magiran.com/p1844710
- Baeriswyl, Romain (2014): Intertemporal discoordination in the 100 percent reserve banking system. Working Paper.
- Basel Committee on Banking Supervision (2010): Basel III: A global regulatory framework for more resilient banks and banking systems, revised 2011.
- Basel Committee on Banking Supervision (2013): Basel III: The Liquidity Coverage Ratio and liquidity risk monitoring tools.
- Basel Committee on Banking Supervision (2017): finalising basel III.
- Becker, Gary S. (1983): A theory of competition among pressure groups for political influence. In *The Quarterly Journal of Economics* 98 (3), pp. 371-400.
- Berger, Allen N.; Klapper, Leora F.; Turk-Ariss, Rima (2008): Bank Competition and Financial Stability. In *journal of financial services research* 35 (2), pp. 99-118. DOI: 10.1007/S10693-008-0050-7.
- Blum, Jürg (1999): Do capital adequacy requirements reduce risks in banking? In *Journal of Banking & Finance* 23 (5), pp. 755-771.
- Cecchetti, Stephen G., Marion Kohler, and Christian Upper. *Financial crises and economic activity*. No. w15379. National Bureau of Economic Research, 2009.
- Cochrane, John H. (2014): Toward a run-free financial system. In *Across the great divide: New perspectives on the financial crisis* 13.
- Darrat, Ali F. (1988): The Islamic interest-free banking system: some

- empirical evidence. In *Applied Economics* 20 (3), pp. 417–425.
- Demeulemeester, Samuel (2015): The 100% money proposal and its implications for banking: The Currie-Fisher approach versus the Chicago Plan approach. In *Université Paris*.
- Diamond, Douglas W.; Dybvig, Philip H. (1983): Bank runs, deposit insurance, and liquidity. In *Journal of political economy* 91 (3), pp. 401–419.
- Diamond, Douglas W.; Rajan, Raghuram G. (2001): Liquidity risk, liquidity creation, and financial fragility: A theory of banking. In *Journal of political economy* 109 (2), pp. 287–327.
- Djelic, M. L., & Bothello, J. (2013). Limited liability and its moral hazard implications: The systemic inscription of instability in contemporary capitalism. *Theory and society*, 42, 589-615.
- Etzrodt, Christian (2018): Modern Sovereign Money—Part I. The Moral Hazard of Fractional Reserve Banking. In *JSS* 06 (09), pp. 101–115. DOI: 10.4236/jss.2018.69007.
- Fisher, Irving (1936): 100% money and the public debt, pp. 406–420.
- Friedman, Milton (1959): A Program for Monetary Stability. New York: Fordham University Press.
- Friedman, Milton (1963): A monetary history of the United States 1867-1960. Princeton: Princeton University Press (Studies in Business Cycles-National Bureau of Economic Research, 12).
- Fukao, Mitsuhiro (2007): Financial crisis and the lost decade. In *Asian Economic Policy Review* 2 (2), pp. 273–297.
- Hayashi, Fumio; Prescott, Edward C. (2002): The 1990s in Japan: A lost decade. In *Review of Economic Dynamics* 5 (1), pp. 206–235.
- Hayek, Friedrich von (1976), *Denationalisation of Money*, the institute of Economic affair, Great Britain.
- Hellmann, Thomas F.; Murdock, Kevin C.; Stiglitz, Joseph E. (2000): Liberalization, moral hazard in banking, and prudential regulation: Are capital requirements enough? In *American economic review* 90 (1), pp. 147–165.
- Hosseini Dowlatabadi, Seyyed Mahdi (1395). *Money Creation Arrangements from the Perspective of Conventional Economics and Islamic Economics, With an Emphasis on the Legal Reserve Rate*. PhD Thesis in Economic Sciences. University of Tehran, Tehran.
- Kareken, John H.; Wallace, Neil (1978): Deposit insurance and bank regulation: A partial-equilibrium exposition. In *Journal of Business*, pp. 413–438.
- Khosravi, Meysam; Naderi, Kamran. (1399). *A Critique of the Theory of*

- Bank Interest in Islamic Banking Studies, Focusing on the Effect of Money Creation in Determining the Interest Rate. Islamic Economics Studies* 12(2), 1-34.
- Khosravi, Meysam; Sobhani, Hassan. (1403). *Instability of the Conventional Banking System and Its Implications for the Islamic Financial System. Islamic Economics*, 24(95), 25-45.
- Kim, Daesik; Santomero, Anthony M. (1988): Risk in banking and capital regulation. In *The Journal of Finance* 43 (5), pp. 1219–1233.
- Koehn, Michael; Santomero, Anthony M. (1980): Regulation of bank capital and portfolio risk. In *The Journal of Finance* 35 (5), pp. 1235–1244.
- Komeijani, Akbar; Ebrishimi, Hamid; Rouhani, SeyyedAli (1397). *The Nature of the Bank and the Process of Bank Money Creation; Critique of Popular Views and Implications. Iranian Journal of Economic Research*, 15 (29), 9-38
- Laffont, Jean-Jacques; Tirole, Jean (1991): The Politics of Government Decision-Making: A Theory of Regulatory Capture. In *quarterly journal of economics* 106 (4), pp. 1089–1127. DOI: 10.2307/2937958.
- Linda Alchin (2014): Relief, Recovery and Reform. Available online at <http://www.american-historama.org/1929-1945-depression-ww2-era/relief-recovery-reform.htm>.
- Llewellyn, David (1999): Occasional Paper Series 1: The Economic Rationale for Financial Regulation. In *financial service authority*, pp. 1–60.
- Mas-Colell, Andreu; Green, Jerry R.; Hara, Chiaki; Segal, Ilya; Tadelis, Steve; Whinston, Michael D. (1995): *Microeconomic theory*. Oxford: Oxford University Press.
- McLeay, Michael; Radia, Amar; Thomas, Ryland (2014): Money creation in the modern economy. In *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q1.
- Mishkin, Frederic S. (2004): *The economics of money, banking, and financial markets*. 7th ed. Boston: Pearson (The Addison-Wesley series in economics).
- Mishkin, Frederic S.; Eakins, Stanley G. (2012): *Financial markets and institutions*. 7th ed. Boston: Prentice Hall (The Prentice Hall series in finance).
- Motahhari, Morteza (1364). *The Issue of Usury (Riba) and Banking*, Sadra Publications, Tehran.
- Naderi, Kamran; Gholich, Vahab; Meysami, Hossein (1392). *The Role of the Islamic Banking System in Reducing the Grounds for Financial Crises. Iranian Journal of Economic Research* 10 (19), pp. 9–40.
- Norouzi, Payam; Baf, Masoud Zeynli Dastmal; Hosseini, Seyyede

- Mahboobeh (1394). *Characteristics of Islamic Banking in Reducing Financial Crises Compared to Conventional Banking*. *Journal of Islamic Economics and Banking* 4 (13), pp. 109–130.
- Osinski, Jacek; Seal, Katharine; Hoogduin, Lex (2013): Macprudential and microprudential policies: toward cohabitation: International Monetary Fund.
- Peltzman, Sam (1976): Toward a More General Theory of Regulation. In *The Journal of Law and Economics* 19 (2), pp. 211–240. DOI: 10.1086/466865.
- Philippon, T., & Reshef, A. (2012). Wages and human capital in the US finance industry: 1909–2006. *The Quarterly Journal of Economics*, 127(4), 1551-1609.
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad (1412–1992). *Vocabulary of Quranic Words (Mofradat Alfaz al-Quran)*; Safwan Adnan Davudi, Beirut, Dar al-Shamiyah.
- Rajan, Raghuram G.; Diamond, Douglas W. (1999): Liquidity Risk, Liquidity Creation and Financial Fragility: A Theory of Banking: National Bureau of Economic Research.
- Rashid, Abdul; Yousaf, Saba; Khaleequzzaman, Muhammad (2017): Does Islamic banking really strengthen financial stability? Empirical evidence from Pakistan. In *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*.
- Sadr, Mohammad Baqir (1403). *Selected Works (Gozideh-ye Asar)*, Mehdi Zandieh, Vol. 5, 3rd Ed., Qom, Dar al-Sadr.
- Schumpeter, Joseph A. (1983): The theory of economic development. An inquiry into profits, capital, credit, interest and the business cycle. New Brunswick: Transaction Publishers.
- Snowdon, Brian; Vane, Howard R. (2005): Modern macroeconomics. Its origins, development and current state. Cheltenham: Edward Elgar.
- Stigler, George J. (1971): The theory of economic regulation. In *The Bell journal of economics and management science*, pp. 3–21.
- Stigler, George J.; Friedland, Claire (1962): What can regulators regulate? The case of electricity. In *The Journal of Law and Economics* 5, pp. 1–16.
- Stiglitz, Joseph E.; Rosengard, Jay K. (2015): Economics of the public sector. Fourth edition. New York: W.W. Norton & Company, Inc.
- Tabataba'i, Mohammad Hossein (1352–1351). **Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (Vol. 1-20)**, Beirut - Lebanon: Al-A'lami Foundation for Publications (Mo'asseseh al-A'lami lil-Matbu'at).
- Timberg, Thomas A.; Aiyar, C. V. (1984): Informal Credit Markets in India. In *Economic Development and Cultural Change* 33 (1), pp. 43–59.

- Tobin (1985): Financial innovation and deregulation in perspective. In *Cowles Foundation Papers* no 635.
- Wicksell, Knut (1898). *Interest and Prices: A Study of the Causes Regulating the Value of Money*. Unites states of America.
- Wicksell, Knut. (1907). The Influence of the Rate of Interest on Prices: The *Economic Journal* 17(66). 213.
- Woodford, Michael (2001): The Taylor rule and optimal monetary policy. In *American Economic Review* 91 (2), pp. 232–237.



An Analysis of the Hedging Capability of Iran's Stock Market in the International Sukuk Market

Vahid Nekouei: Phd Student in Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq (a.s) University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

nekouei@isu.ac.ir | 0009-0006-1708-2761

Mahdi Ghaemi asl: Assistant Professor, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran .

M.ghaemi@khu.ac.ir | 0000-0002-2246-2914

Abstract

One of the most important achievements of the last decade in the field of Islamic finance is the issuance of various Islamic securities called sukuk. One of the important features of Sukuk is the low risk of these securities compared to other securities and other financial markets. Therefore, sukuk can be a good tool for risk management. In this study, this feature of international Sukuk and its application ie Investor Hedging Potential in Petroleum products industry of Iran's Stock Market has been emphasized; The specific question of this research is to investigate the risk hedging of this industry using the international Sukuk market .Then the types of spillover effects between the returns of these two indicators are tested separately for different types of international Sukuk maturities using Asymmetric BEKK VAR-MGARCH model. Finally, using the daily data of the last 8 years, ie from 2013 to 2020, the optimal weight of international Sukuk is calculated separately by maturity to minimize the risk of the domestic investor portfolio. Optimal weight of international Sukuk by separate maturity is calculated Dynamically to minimize the risk of the domestic investor. The results show that past shocks and conditional fluctuations of each market have a more important role on themselves than the spillover effects between these two markets; Also, investing in short-term Sukuk 1 to 3 years compared to long-term Sukuk, has a more appropriate capacity to diversify the investment portfolio in the petroleum products industry and can reduce the risk of the entire domestic investor.

Keywords

Islamic securities, Hedging risk potential, International Sukuk, Optimal portfolio weight, Iran's Stock Market.

تحلیل قابلیت پوشش ریسک بازار سهام ایران در بازار صکوک بین‌المللی

وحید نکویی: دانشجوی دکتری اقتصاد مالی، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، تهران،

ایران nekouei@isu.ac.ir

مهدی قائمی اصل: استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران m.ghaemi@khu.ac.ir

چکیده

یکی از مهمترین دستاوردهای دهه اخیر در عرصه مالی اسلامی، انتشار انواع اوراق بهادار اسلامی به نام صکوک است. یکی از ویژگی‌های مهم صکوک، ریسک پایین این اوراق نسبت به سایر اوراق بهادار و بازارهای مالی دیگر است. بنابراین صکوک می‌تواند ابزار مناسبی برای مدیریت ریسک باشد. در این پژوهش بر این ویژگی صکوک بین‌المللی و کاربرد آن یعنی پوشش دهندگی ریسک سرمایه‌گذار در صنعت فراورده‌های نفتی بازار سهام کشور ایران تاکید شده است؛ سوال مشخص این پژوهش، بررسی قابلیت پوشش ریسک این صنعت با استفاده از بازار صکوک بین‌المللی است به این منظور ابتدا همبستگی بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران و بازدهی صکوک بین‌المللی را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌شود سپس انواع اثرات سرریزی بین بازدهی این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین‌المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون قرار می‌گیرد و در نهایت با استفاده از داده‌های روزانه ۸ سال گذشته یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، وزن بهینه صکوک بین‌المللی را به تفکیک سررسید جهت حداقل سازی ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی به صورت پویا محاسبه می‌گردد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد شوک‌ها و نوسانات شرطی گذشته هر بازار بر روی خودش نقش مهمتری از اثرات سرریز نوسانات بین این دو بازار دارد؛ همچنین سرمایه‌گذاری در صکوک کوتاه‌مدت ۱ تا ۳ ساله در مقایسه با صکوک بلندمدت، ظرفیت مناسب‌تری از جهت تنوع بخشی سبد سرمایه‌گذار در صنعت فراورده‌های نفتی دارد و استفاده از این ابزار مالی اسلامی می‌تواند ریسک کل سبد سرمایه‌گذار داخلی را کاهش دهد.

واژگان کلیدی

اوراق بهادار اسلامی، پوشش ریسک، صکوک بین‌المللی، وزن بهینه پرتفوی، بازار سهام ایران.

مقدمه

یکی از نوآوری‌های دهه اخیر در عرصه بحث‌های پولی و مالی اسلامی، انتشار انواع اوراق بهادار اسلامی به نام صکوک است. (توحیدی و یارمحمدی، ۱۳۹۸) صکوک به عنوان رایج‌ترین ابزار بازار سرمایه اسلامی، توجه بسیاری از ناشران و سرمایه‌گذاران اسلامی و غیراسلامی را در سراسر جهان به خود جلب کرده است؛ برخی از سرمایه‌گذاران در تلاش برای افزایش سرمایه خود هستند در صورتی که برخی دیگر ممکن است به دنبال استراتژی‌هایی برای حفظ سرمایه خود باشند. در این رابطه ابزارها و خدمات مالی اسلامی مورد توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران نهادی^۱ و مدیران دارایی^۲ برای بازده بالاتر، همبستگی کمتر و پتانسیل رشد بالا بوده است. (بهویان^۳ و همکاران، ۲۰۱۷) صکوک بین‌المللی عبارت است از صکوکی که در سطح بازارهای بین‌المللی بر حسب واحدهای ارزی معتبر همانند دلار و یورو منتشر می‌شود. (IIFM, 2016, P.161) علاوه بر تامین مالی شرکت‌ها و پروژه‌ها (رحیمی فر و اسلامی بیدگلی، ۱۳۹۱)، صنعت گردشگری (زینت‌بخش، ۱۳۹۳) و صنعت نفت و گاز، (موسویان و حدادی، ۱۳۹۱) صکوک می‌تواند ابزار مناسبی برای مدیریت ریسک و کنترل نقدشوندگی باشد. (لشکری و بهزاد ارجمنندی، ۱۳۹۱) در خصوص بررسی واکنش بازار سرمایه به انتشار صکوک، تحقیقات مختلفی در کشورهای اسلامی به ویژه مالزی انجام شده، اما نتایج این تحقیقات یکسان نیست. (ذوالخیری^۴، ۲۰۱۵ و شمشیر^۵، ۲۰۱۶) از آنجایی که یکی از ویژگی‌های مهم ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) ریسک پایین این اوراق نسبت به سایر اوراق بهادار و بازارهای مالی دیگر است، صکوک بین‌المللی ظرفیت بالایی جهت پوشش ریسک سایر اوراق بهادار مالی و بازارهای جهانی دیگر دارد. در این پژوهش بر این ویژگی صکوک بین‌المللی و کاربرد آن یعنی پوشش دهندگی ریسک صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران تاکید شده است. سوال مشخص این پژوهش، بررسی قابلیت پوشش ریسک بازار سهام ایران با استفاده از بازار صکوک بین‌المللی است. یکی از روش‌های اصلی کاهش ریسک سبد

1. institutional investors

2. asset managers

3. Rubaiyat Ahsan Bhuiyan

4. zulkhibri

5. Mahomed, Ariff & Shamsher

سرمایه‌گذاری تنوع بخشی سبد بین دارایی ریسکی و دارایی با ریسک کمتر است. RAJU&VELIP (۲۰۱۸) از آنجایی که در بین انواع دارایی‌های مالی، بازار سهام به ویژه در ایران دارایی پرریسکی محسوب می‌شود اگر بتوان دارایی دیگری را به سرمایه‌گذار فعال در بازار سرمایه ایران پیشنهاد داد که علاوه بر سهام ریسکی موجود در سبد سرمایه‌گذاری بر آن دارایی کم ریسک‌تر نیز سرمایه‌گذاری کند از این طریق می‌توان ریسک کل سبد سرمایه‌گذاری وی را کاهش داد؛ در این پژوهش صنعت فرآورده نفتی به عنوان نماینده‌ای از بازار سهام ایران به عنوان دارایی پرریسک انتخاب و بررسی شده است و صکوک بین‌المللی بنابر دلایلی که در ادامه ذکر می‌گردد به عنوان دارایی مناسب و کم ریسک‌تر جهت پوشش ریسک بازار سهام ایران معرفی می‌گردد؛ زیرا در کاهش ریسک سبد سرمایه‌گذاری دارایی که به عنوان پوشش ریسک سبد سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌شود باید شرایطی را داشته باشد. این دارایی اولاً باید ارتباط بسیار کمتری با بازار سهام ایران داشته باشد که در صورت وقوع شوک و نوسان، آن دارایی از آن شوک در امان باشد. در ادامه این مطالعه نشان خواهیم داد صکوک بین‌المللی به عنوان یک دارایی مناسب پوشش ریسک بازار سرمایه ایران از این ویژگی مهم بهره برده است به گونه‌ای که هیچ گونه ارتباط خطی و غیرخطی با بازار سهام ایران ندارد؛ ثانیاً صکوک بین‌المللی چون بر اساس نوع عقود که تنظیم می‌شود در طبقه بندی دارایی‌های مالی به عنوان دارایی‌های کم ریسک طبقه‌بندی می‌شود لذا می‌تواند به عنوان دارایی مناسبی در کنار سهام جهت کاهش ریسک کل سبد سرمایه‌گذاری موثر واقع شود. در مورد نحوه اجرایی خرید صکوک بین‌المللی برای سرمایه‌گذاران بازار سهام ایران شایان ذکر است که در حال حاضر امکان خرید مستقیم صکوک بین‌المللی از طریق سامانه معاملاتی کارگزاری‌های فعال در بازار سرمایه کشور وجود ندارد؛ زیرا برای اینکه سرمایه‌گذاران فعال در بازار سهام ایران بتوانند به صورت مستقیم از کارگزاری‌های داخلی خرید کنند. باید صکوک بین‌المللی مورد نظر توسط شورای عالی سازمان بورس تایید شود سپس بعد از تایید شورای عالی سازمان بورس درج نماد گردد تا از طریق کارگزاری‌های داخلی امکان خرید و فروش به وجود آید اما کارگزاران بین‌المللی زیادی همانند کارگزاری

بین‌المللی سترنا کپیتال^۱ وجود دارد که نحوه خدمات دهی آنها به یک کشور خاص محدود نیست، سرمایه‌گذار فعال داخلی که قصد خرید صکوک بین‌المللی را دارد با ثبت اطلاعات خود و گرفتن کد معاملاتی، به آنها وکالت می‌دهند که از طرف سرمایه‌گذاران به خرید و فروش صکوک بین‌المللی اقدام کنند. در بین کارگزاران بین‌المللی بعضی از آنها گواهی و برگه بیمه‌ای به خریدار اصلی صکوک بین‌المللی می‌دهد که حاوی یک کد چند رقمی می‌باشد و از طریق این کد سرمایه‌گذاران در هر لحظه می‌توانند وضعیت خرید یا فروش صکوک بین‌المللی را بررسی کنند؛ بنابراین هنوز در داخل کشور به سامانه‌های معاملاتی کارگزاران داخلی اجازه خرید صکوک بین‌المللی توسط شورای عالی سازمان بورس صورت نگرفته اما این به معنای عدم امکان دسترسی سرمایه‌گذاران فعال در داخل بازار سرمایه ایران به خرید صکوک بین‌المللی نیست و این امکان برای سرمایه‌گذاران وجود دارد که از کارگزاران بین‌المللی معتبر که تعداد زیادی وجود دارد، اقدام به خرید صکوک بین‌المللی کنند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که در مورد سرمایه‌گذاری و انتشار صکوک بین‌المللی در آینده بازار سرمایه ایران تدابیر لازم اتخاذ گردد؛ در این پژوهش تلاش بر این است که بتوان با محاسبه تخصیص بهینه پرتفوی^۲ سرمایه‌گذار داخلی به صکوک بین‌المللی به وسیله تنوع سازی سبد سرمایه‌گذار^۳ فعال در بازار سرمایه ایران، ریسک سرمایه‌گذاری وی کاهش یابد. زمانی تنوع سازی پرتفوی و پوشش ریسک^۴ موثر واقع می‌شود که بین دو دارایی ارتباط خیلی کمی برقرار باشد تا اثر یک شوک و نوسان به کمترین شکل ممکن به بازار دیگر انتقال یابد؛ در این پژوهش ارتباط بین دو بازار را ابتدا با ضریب همبستگی پیرسون و سپس با مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH بررسی شده است؛ علت اینکه این پژوهش صرفاً به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بسنده نمی‌کند این است که این ضریب صرفاً رابطه خطی بین دو متغیر را بررسی می‌کند و حتی در صورت صفر بودن میزان این ضریب نمی‌توان ادعای عدم ارتباط دو بازار را نتیجه گرفت؛ لذا نوآوری این پژوهش این خواهد بود که

1. <https://www.saturna.com/>
 2. optimal portfolio allocation
 3. portfolio diversification
 4. Hedging

در این مطالعه برای بررسی دقیق‌تر ارتباط بین بازار سرمایه ایران و بازار صکوک بین‌المللی، دو مدل ارتباط خطی و غیرخطی جهت سنجش هرگونه ارتباطی بین این دو بازار محاسبه و بررسی شده است به این منظور ابتدا همبستگی بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و بازدهی صکوک بین‌المللی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌شود سپس انواع اثرات سرریزی بین این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین‌المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون قرار می‌گیرد و در نهایت با استفاده از داده‌های روزانه ۸ سال گذشته یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، وزن بهینه صکوک بین‌المللی را به تفکیک سررسید جهت حداقل سازی ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی در این صنعت محاسبه می‌گردد.

۱. پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهش‌هایی که در گذشته در داخل کشور صورت گرفته است در مورد صکوک داخلی می‌باشد. در مورد صکوک بین‌المللی و استفاده از ظرفیت آنها در جهت کاهش ریسک سبد سرمایه‌گذار تحقیقات بسیار کمتری در داخل کشور انجام شده است. اما در سالان اخیر با رشد صنعت مالی اسلامی در مقابل نظام مالی متعارف، میزان پژوهش‌ها در سطح جهانی افزایش یافته و ابزارهای مالی اسلامی بیش از پیش اهمیت یافته‌اند. فهیمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان (بررسی قانون حاکم بر انتشار صکوک بین‌المللی در جهان و الزامات بسترسازی حقوقی در بازار سرمایه) با استفاده از روش تحلیلی توصیفی، چارچوب حقوقی و قوانین حاکم بر انتشار صکوک بین‌المللی را به عنوان یکی از ابعاد مهم ابزارها در زمینه اقتصاد مالی اسلامی بررسی می‌کنند. برای این منظور تجارب موجود در زمینه قوانین حاکم بر معاملات صکوک در دیگر کشورها بررسی شده و الزامات مربوط به بسترسازی حقوقی در بازار سرمایه ایران تبیین شده است.

بهویان^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان ادغام مالی بین شاخص‌های صکوک و اوراق قرضه در بازارهای نوظهور، روش تحلیل موجک و تجزیه و تحلیل چندگانه

گارج، با بیان اینکه ابزار و خدمات مالی اسلامی به علت حفظ سرمایه‌ی سرمایه‌گذاران مورد توجه واقع شده‌اند، بررسی می‌کنند که آیا صکوک می‌تواند از لحاظ تنوع بخشی مزایایی را ارائه کند. در این مقاله با استفاده از تحلیل موجک و تجزیه و تحلیل چند متغیره گارج، نوسانات و همبستگی‌های شاخص‌های اوراق بهادار کشورهای نوظهوری از جمله کره جنوبی، سنگاپور، چین، هند، اندونزی و مالزی با شاخص صکوک کشور مالزی بررسی شده است. داده‌های مورد استفاده یک بازه ۵ ساله از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ را دربرمی‌گیرد. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که بازار صکوک یک متنوع سازی موثری در سبد سرمایه‌گذاران با درآمد ثابت دارد.

RAJU&VELIP (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان مطالعه تجربی بر روی نسبت بهینه پوشش ریسک و پوشش ریسک موثر بر روی شاخص یارانه در پنجاه شرکت بزرگ بورس کشور هند، برای کاهش ریسک به وجود آمده ناشی از قیمت نقدی، این پژوهش کارایی شاخص آی تی را برای پنجاه شرکت بزرگ بورس هند در طی دوره ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ با استفاده از چهار مدل اقتصاد سنجی بررسی کرده است. دو مدل پوشش ریسک زمان ثابت^۱ و دو مدل پوشش ریسک زمان متغیر^۲ بررسی شده است. براساس نتایج این پژوهش برای پوشش ریسک یک واحد شرکت اینفوسیس باید بیشتر از یک واحد ارزش آینده آن استفاده شود.

Lean Yu (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان وابستگی و اثرات سرریزی بین بازار نفت و بازار سهام، شواهد جدید به وسیله مدل‌های Copula و VARBEKK-GARCH رابطه پویا بین بازار نفت و بازار سهام را از دو منظر بررسی کرده‌اند؛ ابتدا وابستگی بین بازار نفت خام و بازار سهام ایالات متحده و کشور چین بررسی شده است و در ادامه اثرات سرریزی بین این سه بازار در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ بررسی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که وابستگی بین هر سه بازار به صورت زوجی در شش دوره شکست ساختاری به صورت پویا متفاوت است همچنین نتایج مدل VAR-BEKK-GARCH در این پژوهش نشان می‌دهد که در بین این سه بازار اثرات سرریز مشخصی با جهت‌گیری

1. constant hedge models
2. time-varying hedge models

متفاوت نسبت به تغییرات ساختاری وجود دارد.

عبداللهی و هیو^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان انتقال نوسانات بین بازار بین‌المللی نفت، بازار آتی کالا و بازار سهام، شواهدی از کشور چین با استفاده از مدل BEKK VAR GARCH، رابطه پویای بین سه بازار سهام کشور چین، بازار کالا و قیمت جهانی نفت بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطه یک طرفه قابل توجهی از اثرات سرریز از بازار جهانی نفت بر بازار سهام کشور چین وجود دارد که نشان از وابستگی قوی بین بازار سهام کشور چین و بازار جهانی نفت می‌باشد. به صورت کلی این تحقیق بیان می‌کند رابطه دوطرفه شوک‌های سرریزی بین بازار سهام کشور چین و بازار جهانی نفت وجود دارد اما رابطه اثر سرریزی نوسانات صرفاً یک طرفه بوده و از سمت بازار جهانی نفت بر روی بازار سهام کشور چین می‌باشد.

۲. روش تحقیق

جهت بررسی قابلیت پوشش ریسک صنعت فراورده‌های نفتی با استفاده از بازار صکوک بین‌المللی بعد از بررسی همبستگی بین بازدهی این صنعت و بازدهی صکوک بین‌المللی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، انواع اثرات سرریزی بین بازدهی این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین‌المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون قرار می‌دهیم. زیرا همانطور که در نکات مربوط به ضریب همبستگی پیرسون اشاره گردید ضریب همبستگی پیرسون صرفاً همبستگی خطی بین دو متغیر را بررسی می‌کند لذا صفر بودن ضریب همبستگی پیرسون نشان از مستقل بودن دو متغیر نیست و برای بررسی دقیق‌تر ارتباط و همبستگی دو متغیر علاوه بر ضریب همبستگی پیرسون باید انواع اثرات سرریز بین آنها نیز بررسی و آزمون شود که در این پژوهش با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH انواع اثرات سرریز بین صنعت منتخب در بازار سهام ایران و بازار صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسید بررسی و آزمون می‌شود که در ادامه مبانی علمی این روش به تفصیل شرح داده می‌شود. همانطور که از مدل Vector Autoregression (VAR) برای تحلیل اثر شوک پویا بر

1. Abdullahi D. Ahmed & Rui Huo

روی متغیرها استفاده می‌شود، می‌توان از این مدل برای تحلیل خودهمبستگی سری‌های زمانی^۱ و ارتباط سری‌های زمانی نیز استفاده کرد.^۲ تبیین ریسک نوسانات بازارها مشکل‌تر است لذا از مدل گارچ (GARCH) استفاده می‌شود.^۳ برای مطالعه اثر سرریز نوسانات در بازار از مدل Multivariate GARCH (MGARCH) به صورت گسترده‌ای استفاده می‌شود.^۴ لینگ و مک‌آلر مدل VAR را با مدل Multivariate GARCH ترکیب کردند تا مدل VAR-GARCH به دست آید.^۵ نتیجه این مدل دارای فواید زیادی است. این مدل نسبت به مدل‌های دیگر نیاز به تعداد پارامتر کمتری دارد و تمرکز بیشتری برای تخمین معناداری و تفاسیر پارامترها خواهد داشت؛ فایده دوم این مدل ترکیبی این هست که با استفاده از این مدل صرفاً نوسانات شرطی سری‌های زمانی^۶ تحلیل نمی‌شود بلکه اثرات متقاطع بین سری‌های زمانی و اثرات سرریز بین سری‌ها نیز تحلیل می‌شوند؛ فایده سوم این مدل ترکیبی نیز تخمین کارایی پارامترهای مجهول نسب به سایر مدل‌های دیگر خواهد بود.^۷ مدل Multivariate GARCH (MGARCH) حالات مختلفی را شامل می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

مدل DCC-GARCH؛ از این مدل برای تحلیل همبستگی متغیر با زمان بین دو سری زمانی مختلف استفاده می‌شود.

مدل BEKK GARCH؛ این مدل برای بررسی اثرات سرریز نوسانات پویا بین دو بازار به کار برده می‌شود.^۸

یکی از مزیت‌های مهم مدل BEKK GARCH این است که بر روی همبستگی بین

1. auto-correlation of time series

2. Gao TM.(2009) The econometric analysis method and modeling: evIEWS application and instance. Beijing: Tsinghua University Press; 2

3. Gong X, Wen FH, Xia XH, Huang JB, Pan B. Investigating the risk-return tradeoff for crude oil futures using high frequency data. Appl Energy 2017.

4. Cha HJ, Jithendranathan T. Time-varying correlations and optimal allocation in emerging market equities for the US investor. Int J Financ Econ 2009.

5. Ling S, McAleer M. Asymptotic theory for a vector ARMA-GARCH model. Econ Theor 2003; 19:280e310

6. conditional volatility of series

7. Lin BQ, Wesseh Jr PK, Appiah MO. Oil price fluctuation, volatility spillover and the Ghanaian equity market: implication for portfolio management and hedging effectiveness. Energy Econ 2014.

8. Engle RF, Kroner KF. Multivariate simultaneous generalized. Arch Econ Theory.

متغیرها هیچ محدودیتی را ایجاد نمی‌کند. (لیو و همکاران، ۲۰۱۶) این پژوهش هم نظر با نتیجه تحقیق هاتمن و سدلاک (۲۰۱۳) است که برای انجام مطالعه خود در مورد همبستگی شرطی و کوواریانس از هر دو روش بالا استفاده کردند و نتیجه گرفتند که از روش BEKK GARCH نتایج بهتری به دست می‌آید. (ساروار و همکاران، ۲۰۱۸) بنابراین این پژوهش اثرات سرریزی نوسانات پویا را به صورت دو به دو بین بازدهی بازار صکوک بین‌المللی و بازدهی صنعت منتخب در بازار سرمایه ایران بررسی می‌کند. لذا روش به کار رفته روش Asymmetric BEKK VAR-MGARCH خواهد بود. معمولاً برای تعیین وقفه بهینه در مدل‌های GARCH از معیارهای آکائیک (AIC) و شوارتز (SC) استفاده می‌شود اما در مطالعه‌ای که تی بالرسلو^۱ (۱۹۹۲) انجام داده است به نتیجه جالبی در مورد مدل‌های GARCH رسید؛ بولرسلو بیان کرد برای مطالعات با تعداد پارامترهای پایین وقفه بهینه برای مدل‌های GARCH، یک وقفه خواهد بود و مدل‌های GARCH(1,1) برای مدلسازی واریانس به صورت پویا در سری‌های زمانی نتیجه بهتری دارند (Lean Yu، ۲۰۱۸) بنابراین در این پژوهش نیز همانند مطالعات صورت گرفته بعد از نتیجه پژوهش بالرسلو ما یک وقفه را به عنوان وقفه بهینه برای مدلسازی معادلات میانگین و واریانس شرطی در نظر می‌گیریم. پس می‌توان معادله میانگین شرطی با یک وقفه VAR(1) را به صورت فرمول زیر بازنویسی شود:

$$R_t = \mu + G R_{t-1} + \varepsilon_t \quad (2)$$

در فرمول شماره دو، R_t نشان دهنده بازده بازار بین‌المللی صکوک، بازده صنعت منتخب بازار سرمایه می‌باشد؛ G بیانگر ماتریس ضرائب VAR خواهد بود و چون تحلیل ما مقایسه دو بازار صکوک بین‌الملل و بازار سهام ایران است، ماتریسی 2×2 خواهد بود. در مدل BEKK-GARCH برای جلوگیری از تعداد زیاد پارامترها از شکل درجه دوم استفاده می‌کند و با آزاد کردن محدودیت‌های ماتریس واریانس شرطی فرآیند تخمین را ساده‌تر می‌کند. در معادله شماره (۲)، پسماندهای موجود در این مدل که یک مدل VAR با یک وقفه، (۱) VAR می‌باشد، یک ماتریس ایجاد می‌کنند که این پسماندها واریانس ناهمسان هستند؛ واریانس مربوط به پسماندها در این مدل به وسیله روش MGARCH

1. T. Bollerslev

مدل می‌شود. از آنجایی که یکی از سوالات اصلی این پژوهش بررسی اثرات سرریز زوجی بین دو بازار صکوک بین‌الملل و بازار سرمایه ایران و مدل BEKK GARCH؛ برای بررسی اثرات سرریز نوسانات پویا بین دو بازار به کار برده می‌شود؛^۱ بنابراین سبک تحلیلی این پژوهش سبک BEKK خواهد بود و از روش دیگر تحلیل مدل‌های multivariate GARCH به نام DCC-GARCH استفاده نخواهد شد. می‌توان معادله واریانس پسماندهای الگوی (1) var در معادله (۴) را به صورت زیر نوشت:

$$H_t = C'C + A' \varepsilon_{t-1} \varepsilon'_{t-1} A + B' H_{t-1} B + D' I_{t-1} \varepsilon_{t-1} \varepsilon'_{t-1} D \quad (۳)$$

در معادله بالا شماره (۳)، H_t, A, B, C, D همه ماتریس‌های 2×2 به صورت زیر تعریف می‌شوند؛

$$H_t = \begin{bmatrix} h_{11.t} & h_{12.t} \\ h_{21.t} & h_{22.t} \end{bmatrix}$$

$$A = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} \\ a_{21} & a_{22} \end{bmatrix}$$

$$B = \begin{bmatrix} b_{11} & b_{12} \\ b_{21} & b_{22} \end{bmatrix}$$

$$C = \begin{bmatrix} c_{11} & 0 \\ c_{21} & c_{22} \end{bmatrix}$$

$$D = \begin{bmatrix} d_{11} & d_{12} \\ d_{21} & d_{22} \end{bmatrix}$$

در ماتریس‌های ارائه شده بالا، ماتریس A نشان دهنده این است که واریانس‌های شرطی پسماندها چگونه با شوک‌های گذشته همبسته هستند، ماتریس B نشان دهنده اثرات واریانس‌های شرطی گذشته پسماندها بر روی واریانس شرطی جاری می‌باشد. در ماتریس‌های A و B درایه‌های قطری ($a_{11}, a_{22}, b_{11}, b_{22}$) به ترتیب اثرات شوک‌های قبلی و نوسانات گذشته را بر روی واریانس شرطی جاری پسماندها تبیین می‌کنند؛ درایه‌های غیر قطری ماتریس‌های A و B یعنی ($a_{12}, a_{21}, b_{12}, b_{21}$) اثرات سرریز بین بازارها یعنی بازار صکوک بین‌الملل و صنعت منتخب در بازار سرمایه ایران را اندازه‌گیری می‌کنند. Kim et al. (2015) ماتریس C نشان‌دهنده اثرات متقابل جزء ثابت معادله رگرسیون پسماند واریانس‌های شرطی (معادله) است که در این پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار

1. Engle RF, Kroner KF. Multivariate simultaneous generalized. Arch Econ Theory.

نمی‌گیرد اما ماتریس D اثر سرریزی شوک‌ها یا اخبار منفی را نشان می‌دهد؛ به این معنا که شوک منفی در یک بازار چه میزان اثری و در چه جهت (مثبت یا منفی) بر روی بازار دیگر دارد.

۳. صکوک بین‌المللی

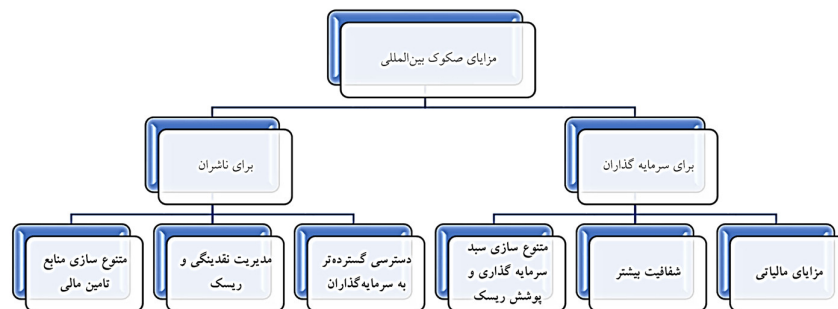
صکوک بین‌المللی اوراقی که خارج از کشور محل اقامت ناشر انتشار می‌یابد و بین سرمایه‌گذاران در کشورهای گوناگون توزیع می‌شود. در زیر انواع صکوک و تفاوت‌های آن ذکر شده است. (خوانساری، ۱۳۹۸)

۳-۱. انواع مختلف صکوک

- صکوک جهانی: صکوکی که بیشتر توسط دولت‌های مرکزی و سازمان‌های فراملی مانند بانک‌های توسعه‌ای منتشر می‌شود و به طور همزمان در بازارهای مهم کل دنیا فروخته و پس از آن دادوستد می‌شود.
- صکوک داخلی: صکوکی که توسط ناشران مقیم یک کشور منتشر، پذیره‌نویسی و سپس در همان کشور مبادله می‌شود.
- صکوک خارجی: صکوکی که در بازار کشور میزبان (متعلق به سرمایه‌گذاران) و بر حسب واحد پول آن کشور، توسط یک ناشر (قرض‌گیرنده) خارجی منتشر می‌شود.
- صکوک یورو: صکوکی که خارج از کشوری که واحد پول اوراق متعلق به آن است، از طریق یک سندیکای بین‌المللی منتشر شده و در کشورهای مختلف مورد معامله قرار می‌گیرد.

۳-۲. مزایای صکوک بین‌المللی

صکوک بین‌المللی علاوه بر سرمایه‌گذاران برای ناشران هم مزایای قابل توجهی دارد که در نمودار زیر نشان داده شده است. (خوانساری، ۱۳۹۸)



۳-۳. نحوه خرید صکوک بین‌المللی برای سرمایه‌گذاران فعال در بازار سهام ایران

در حال حاضر امکان خرید مستقیم صکوک بین‌المللی از طریق سامانه معاملاتی کارگزاری‌های فعال در بازار سرمایه کشور وجود ندارد زیرا برای اینکه سرمایه‌گذاران فعال در بازار سهام ایران بتوانند به صورت مستقیم از کارگزاری‌های داخلی خرید کنند باید صکوک بین‌المللی مورد نظر توسط شورای عالی سازمان بورس تایید شود سپس بعد از تایید شورای عالی سازمان بورس درج نماد گردد تا از طریق کارگزاری‌های داخلی امکان خرید و فروش به وجود آید اما کارگزاران بین‌المللی بسیاری همانند کارگزاری بین‌المللی سترنا کپیتال^۱ وجود دارد که نحوه خدمات‌دهی آنها به یک کشور خاص محدود نیست، سرمایه‌گذار فعال داخلی که قصد خرید صکوک بین‌المللی را دارد با ثبت اطلاعات خود و گرفتن کد معاملاتی، به آنها وکالت می‌دهد که از طرف سرمایه‌گذاران به خرید و فروش صکوک بین‌المللی اقدام کنند. در بین کارگزاران بین‌المللی، بعضی از آنها گواهی و برگه بیمه‌ای به خریدار اصلی صکوک بین‌المللی می‌دهد که حاوی یک کد چند رقمی می‌باشد و از طریق این کد سرمایه‌گذار در هر لحظه می‌تواند وضعیت خرید یا فروش صکوک بین‌المللی را بررسی کند. بنابراین هنوز در داخل کشور به سامانه‌های معاملاتی کارگزاران داخلی اجازه خرید صکوک بین‌المللی توسط شورای عالی سازمان بورس صورت نگرفته اما این به معنای عدم امکان دسترسی سرمایه‌گذاران فعال در داخل بازار سرمایه ایران به خرید صکوک بین‌المللی نیست و این امکان برای سرمایه‌گذاران وجود دارد که از کارگزاران بین‌المللی معتبر که به تعداد زیادی وجود دارد، اقدام به خرید

1. <https://www.saturna.com/>

صکوک بین‌المللی کنند.

۴. توصیف آماری داده‌های پژوهش

در پژوهش حاضر از داده‌های روزانه شاخص صکوک بین‌المللی به تفکیک ۱ تا ۳ ساله، ۳ تا ۵ ساله، ۵ تا ۷ ساله و صکوک بین‌المللی بالای ۱۰ ساله در بازار صکوک بین‌المللی^۱ و داده‌های روزانه شاخص صنعت منتخب بازار سهام ایران در یک بازه زمانی ۸ ساله از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ استفاده شده است.^۲ تمام داده‌های موجود با استفاده از فرمول لگاریتم طبیعی به نرخ رشد خود تبدیل شدند تا تحلیل‌ها بر اساس نرخ بازدهی‌های صکوک بین‌المللی در طول دوره مطالعه و نرخ بازده صنعت منتخب بازار سهام ایران تبدیل شوند. بنابراین سری‌های زمانی بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی بازار سهام ایران و سری زمانی بازده شاخص صکوک بین‌الملل از طریق فرمول زیر، فرمول شماره (۴) محاسبه شده است:

$$R_{i,t} = \ln \left(\frac{pi.t}{pi.t-1} \right) \times 100 \quad (4)$$

اساساً تمام مدل‌سازی و تحلیل‌ها بر اساس بازدهی‌های این دو بازار انجام می‌گیرد. بنابراین شاخص صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسید و شاخص صنعت منتخب به تنهایی مورد تحلیل قرار نمی‌گیرند. در جدول زیر توصیف آماری داده‌های بازده شاخص صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسیدهای مختلف را در بازه ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ بررسی می‌کنیم.

1. <https://www.sukuk.com/>

2. <https://www.bourseview.com/>

جدول ۱. توصیف آماری داده‌های بازده شاخص صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسیدهای مختلف در بازه ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰

صکوک	صکوک	صکوک	صکوک	
بین‌المللی ۱ تا ۳ ساله	بین‌المللی ۳ تا ۵ ساله	بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله	بین‌المللی بالای ۱۰ سال	
۰۲۰۶۴۴/۰	۰۳۶۵۱۸/۰	۰۲۶۹۱۰/۰	۰۴۴۱۴۴/۰	میانگین
۰۱۷۶۳۴/۰	۰۴۷۶۳۲/۰	۰۲۶۸۲۶/۰	۰۳۹۹۶۸/۰	میانه
۴۳۶۹۶۷/۰	۱۵۵۵۸۱/۲	۷۹۹۷۵۳/۰	۹۶۴۶۸۹/۶	ماکزیمم
۸۴۵۳۱۴/۰-	۷۳۸۳۹۷/۴-	۸۵۱۳۸۹/۱-	۱۷۸۸۵۳/۹-	مینیمم
۰۸۴۱۲۰/۰	۴۲۲۰۶۶/۰	۱۶۲۰۳۱/۰	۹۳۵۹۴۷/۰	انحراف معیار
۹۲۰۸۵۰/۱-	۴۷۳۴۳۳/۳-	۱۲۶۴۹۴/۳-	۸۶۳۸۶۹/۱-	چولگی
۲۰۳۹۲/۲۶	۰۳۸۳۱/۴۰	۹۹۱۱۶/۳۹	۳۷۵۵۰/۲۵	کشیدگی
***۹۱/۲۲۴۴۹	***۲۰/۵۷۶۳۲	***۸۳/۵۷۱۱۸	***۵۲/۲۰۸۸۲	آزمون نرمال بودن جک برا
۰۰۰۰۰۰/۰	۰۰۰۰۰۰/۰	۰۰۰۰۰۰/۰	۰۰۰۰۰۰/۰	مقدار احتمال آزمون
-۱۴/۰۸***	-۱۴/۶۶***	-۱۳/۸۹***	-۲۰/۳۳***	آزمون ریشه واحد روش دیکی فولر
-۲۷/۳۹***	-۲۷/۱۴***	-۲۸/۸۹***	-۲۹/۴۴***	آزمون ریشه واحد روش فیلیپس پرون
۹۷۴	۹۷۴	۹۷۴	۹۷۴	تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که از جدول شماره یک قابل برداشت است میانگین بازدهی شاخص صکوک بین‌المللی با سررسید بالای ۱۰ درصد حدوداً ۴/۴ درصد بوده است که در مقایسه با سایر صکوک بین‌المللی دیگر میانگین بازدهی بیشتری در طول مدت زمان مورد مطالعه این پژوهش یعنی در طول ۸ سال از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ داشته است و کمترین بازده شاخص را به صورت میانگین صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال دارد؛ نکته قابل توجه دیگر در جدول بالا این است که با افزایش سررسید صکوک بین‌المللی میانگین بازده شاخص نیز افزایش می‌یابد. به این طریق که با افزایش سررسید صکوک بین‌المللی میانگین بازده شاخص‌های آنها نیز افزایش یافته است. در طول ۸ سال مورد مطالعه این پژوهش ماکزیمم

بازده صکوک بین‌المللی با سررسید مختلف برای صکوک با سررسید بالای ۱۰ سال نسبت به بقیه صکوک بالاتر است و همانند میانگین بازده در رابطه با حداکثر بازده نیز هر چقدر سررسید صکوک بین‌المللی افزایش یافته است حداکثر بازده نیز افزایش می‌یابد. در رابطه با کوچکترین بازده ثبت شده در طول دوره مورد مطالعه باز هم صکوک بین‌المللی با سررسید ۱۰ سال کوچکترین بازده را به ثبت رسانده است.

انحراف معیار شاخصی است که میزان پراکندگی داده‌ها را مشخص می‌کند. در مباحث و مفاهیم مالی انحراف معیار مشخص کننده همان ریسک است. هرچقدر انحراف معیار کمتر باشد، پراکندگی داده‌ها کمتر است و در نتیجه ریسک کمتر خواهد بود و هرچقدر انحراف معیار بزرگتر باشد، پراکندگی داده‌ها بیشتر است و در نتیجه ریسک زیادتر می‌شود. همانطور که از جدول بالا مشاهده می‌کنیم انحراف معیار داده‌های صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال نسبت به بقیه کمترین مقدار است و انحراف معیار صکوک بین‌المللی با سررسید بالای ۱۰ سال نسبت به بقیه بیشترین است این مشاهده با مفاهیم علم مالی همخوانی دارد زیرا افزایش در سررسید زمانی اوراق ریسک اوراق را بیشتر می‌کند و همانطور که جدول بالا مشخص می‌کند هرچقدر سررسید صکوک بین‌المللی افزایش می‌یابد ریسک (انحراف معیار) نیز افزایش می‌یابد. در مورد بقیه تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان راجع به منفی بودن تمام ضرایب چولگی داده‌های صکوک بین‌المللی این نتیجه را گرفت که داده‌ها نرمال نبوده همانطور که آزمون نرمال بودن (Jarque-Bera) نیز تایید می‌کند و دارای چولگی به سمت چپ است زیرا ضریب چولگی عدم تمرکز داده‌ها را از نظرتقارن نشان می‌دهد. با استفاده از ضریب کشیدگی (Kurtosis) می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها از نسبت به توزیع استاندارد بلندتر است یا کوتاه‌تر خواهد بود. با توجه به اینکه در مورد داده‌های انواع صکوک بین‌المللی با سررسیدهای مختلف مشاهده می‌کنیم مثبت بودن این ضریب به معنای این است که داده‌های صکوک بین‌المللی نسبت به توزیع نرمال بلندتر و کشیده‌تر هستند. علامت‌های ستاره (***)، (**)، (*) در جدول بالا که در مورد آزمون نرمال جک برا و آزمون‌های ریشه واحد نشان داده شده است به ترتیب سطح معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می‌دهند به این معنا زمانی که سه ستاره در بالای عدد آمار

آزمون وجود دارد یعنی مقدار احتمال آزمون در هر سه سطح معناداری فرض h_0 را رد می‌کنند. بنابراین همانطور که در جدول مشخص است در مورد آزمون نرمال بودن جک برا در هر سه سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد، فرض h_0 آزمون جک برا که نرمال بودن داده‌هاست رد می‌شود و داده‌های نرمال، در هر سه سطح آزمون نرمال نیستند. همین طور در مورد آزمون ریشه واحد علامت‌های سه ستاره بر روی مقادیر آماره آزمون نشان داده شده در جدول برای هر دو روش دیکی فولر و فیلپس پرون نشان می‌دهد که در هر سه سطح معناداری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد، فرض h_0 آزمون ریشه واحد که به معنای نامانا بودن یا ریشه واحد داشتن است رد می‌شود و داده‌های مورد استفاده در هر سه سطح معناداری مانا هستند. در جدول زیر توصیف آماری داده‌های بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران را در بازه ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ بررسی می‌کنیم.

جدول ۲. توصیف آماری داده‌های بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران در بازه ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰

آزمون ریشه واحد دیکی فولر	$\bar{r}_t$	σ^2	σ^2_{HAC}	$\hat{\rho}_1$	$\hat{\rho}_2$	$\hat{\rho}_3$	$\hat{\rho}_4$	صنعت فراورده‌های نفتی
-۱۲/۸۰***	۳۱۷۸/۹۲***	۱۱/۱۵	۱/۷۱	۱/۹۲	-۷/۰۹	۱۲/۰۲	۰/۳۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

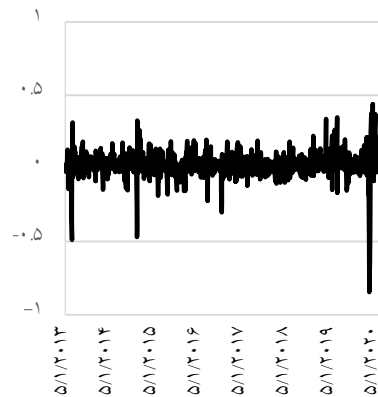
همانطور که از جدول شماره (۲) قابل برداشت است؛ میانگین بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران در طول دوره مورد مطالعه یعنی ۸ سال از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ حدوداً ۳۳ درصد بوده است. در مورد بقیه تحلیل‌های صورت گرفته می‌توان راجع به مثبت بودن ضریب چولگی در داده‌های صنعت فراورده‌های نفتی این نتیجه را برداشت کرد که داده‌ها چوله به راست هستند؛ به هر حال وجود چولگی در داده‌ها نشان از عدم توزیع نرمال داشتن است که می‌توان این نتیجه را گرفت که داده‌ها

نرمال نبوده همانطور که آزمون نرمال بودن جک برا نیز تایید می کند ضریب چولگی عدم تمرکز داده ها را از نظرتقارن نشان می دهد. با استفاده از ضریب کشیدگی می توان نتیجه گرفت که توزیع داده ها از نسبت به توزیع استاندارد بلندتر است یا کوتاه تر خواهد بود. با توجه به اینکه در مورد داده های بازده شاخص صنعت فراورده های نفتی در بازار سهام ایران مشاهده می کنیم مثبت بودن این ضریب به معنای این است که داده های بازده این شاخص ها نسبت به توزیع نرمال بلندتر و کشیده تر هستند. علامت های ستاره (***)، (***)، (*) در جدول بالا که در مورد آزمون نرمال جک برا و آزمون های ریشه واحد نشان داده شده است به ترتیب سطح معناداری در سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد را نشان می دهند به این معنا زمانی که سه ستاره در بالای عدد آمار آزمون وجود دارد یعنی مقدار احتمال آزمون در هر سه سطح معناداری فرض h_0 را رد می کند. بنابراین همانطور که در جدول مشخص است در مورد آزمون نرمال بودن جک برا در هر سه سطح ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد فرض h_0 نرمال بودن داده ها است رد می شود و داده های نرمال در هر سه سطح آزمون نرمال نیستند. همین طور در مورد آزمون ریشه واحد علامت های سه ستاره بر روی مقادیر آماره آزمون نشان داده شده در جدول برای هر دو روش دیکی فولر و فیلپس پرون نشان می دهد که در هر سه سطح معناداری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد فرض h_0 آزمون ریشه واحد که به معنای نامانا بودن یا ریشه واحد داشتن است رد می شود و داده های مورد استفاده در هر سه سطح معناداری مانا هستند.

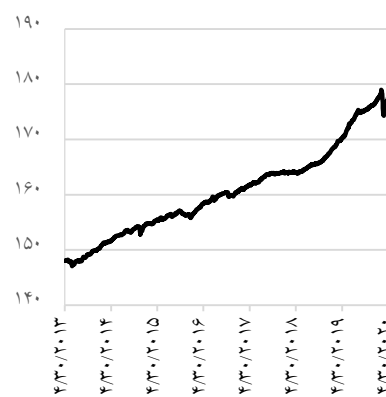
۵. بررسی سری های زمانی شاخص و بازده شاخص صنعت فراورده های نفتی در بازار سهام ایران و انواع صکوک بین المللی به تفکیک سررسید

در شکل های زیر سری زمانی شاخص صکوک بین المللی و سری زمانی بازده آنها را در بازه زمانی تحقیق یعنی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ مشاهده می کنیم.

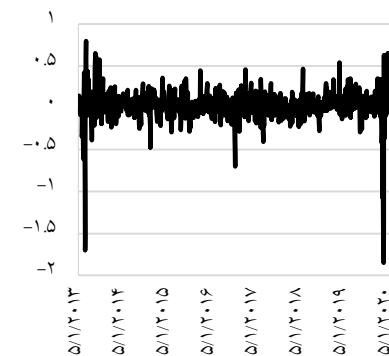
سری زمانی بازده شاخص صکوک ۱ تا ۳
ساله



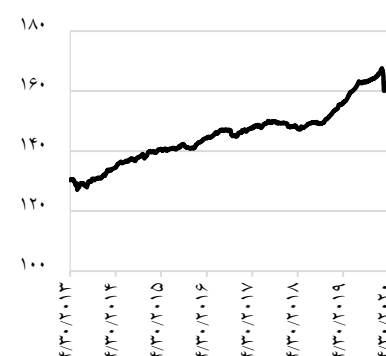
سری زمانی میزان شاخص صکوک ۱ تا ۳
ساله



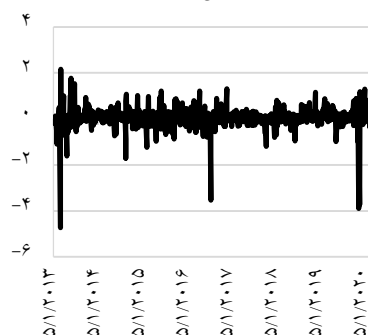
سری زمانی بازده شاخص صکوک ۳ تا ۵
ساله



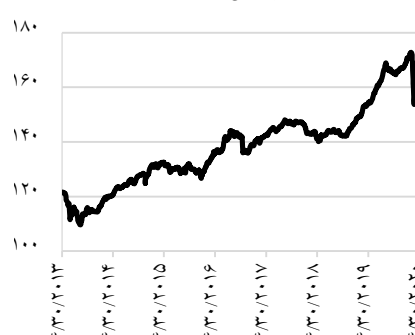
سری زمانی میزان شاخص صکوک ۳ تا ۵
ساله



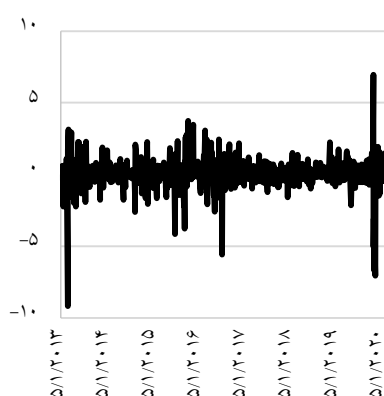
سری زمانی بازده شاخص صکوک
بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله



سری زمانی میزان شاخص صکوک
بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله



سری زمانی میزان شاخص صکوک
بین‌المللی بالای ۱۰ سال

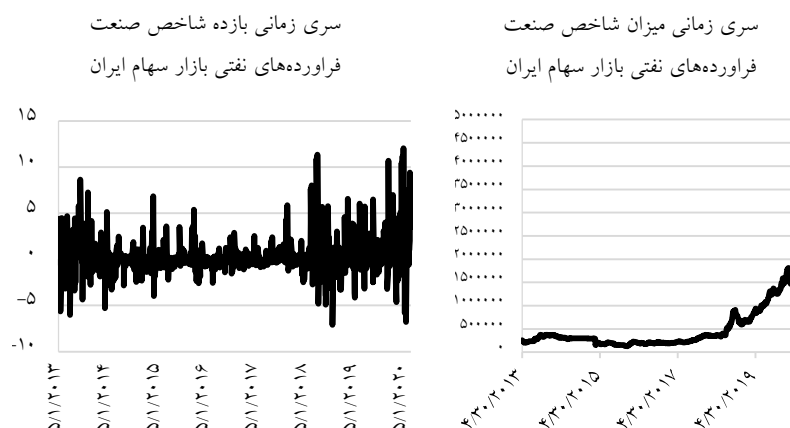


سری زمانی میزان شاخص صکوک
بین‌المللی بالای ۱۰ سال



شکل ۱. سری زمانی میزان شاخص و بازده شاخص انواع صکوک بین‌المللی استفاده شده در پژوهش در بازه زمانی ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ (منبع یافته‌های پژوهش)

در نمودارهای زیر نیز سری زمانی میزان عددی شاخص و بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران و سری‌های زمانی بازده آنها را در بازه زمانی ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ بررسی می‌کنیم.



شکل ۲. سری زمانی میزان شاخص و بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران در بازه زمانی ۸ ساله ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ (منبع یافته‌های پژوهش)

همانطور که در نمودارهای شکل شماره ۱ و ۲ سری زمانی شاخص‌ها و سری زمانی بازده را برای صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران استخراج کردیم، از نمودارهای سری زمانی می‌توان برداشت کرد که میزان عددی شاخص‌ها یک روند دائمی ندارند در حالی که بازده شاخص‌های صنعت منتخب بازار سهام ایران نوسانات قابل توجهی را نشان می‌دهند. برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش که آیا سرمایه‌گذاری در صکوک بین‌المللی قابلیت، پتانسیل یا ظرفیتی را برای سرمایه‌گذار داخلی در بازار سهام ایران ایجاد می‌کند که ریسک کل سبد سرمایه‌گذاری خودش را هنگام بروز شوک‌ها کاهش دهد؛ ابتدا ضریب همبستگی پیرسون رو بین بازده شاخص صنعت منتخب در بازار سهام ایران و بازده شاخص صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسید محاسبه و بررسی می‌گردد سپس انواع اثرات سرریزی و ارتباط بین این دو بازار مالی یعنی صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران با شاخص صکوک بین‌المللی تحلیل و تفسیر می‌شود. در این پژوهش چهار نوع اثر سرریزی بر اساس داده‌های ۸ سال گذشته یعنی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ که بین این دو بازار متصور است را با روش Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون

قرار می‌دهیم.

(۱) اثر سرریزی بازدهی^۱

(۲) اثر سرریزی شوک^۲

(۳) اثر سرریزی نوسانات (تلاطم)^۳

(۴) اثر سرریزی اخبار منفی^۴

به این ترتیب که ابتدا بر اساس داده‌های روزانه صکوک به تفکیک سررسید کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و داده‌های روزانه بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی، مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH انجام می‌شود.

۶. تحلیل قابلیت پوشش ریسک صنعت فراورده‌های نفتی و محاسبه اوزان بهینه براساس صکوک بین‌المللی با سررسید مختلف

جهت تحلیل و بررسی قابلیت پوشش ریسک صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران با استفاده از بازار صکوک بین‌المللی ابتدا همبستگی بین بازدهی این صنعت و بازدهی صکوک بین‌المللی را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌کنیم سپس انواع اثرات سرریزی بین بازده این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین‌المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون قرار می‌دهیم و در نهایت وزن بهینه صکوک بین‌المللی را به تفکیک سررسید جهت حداقل سازی ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی استخراج می‌کنیم. نتایج زیر بر اساس صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال به دست آمده است.

۶-۱. تحلیل همبستگی بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسیدهای مختلف

برای بررسی همبستگی بین بازدهی شاخص صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید مختلف نتایج این آزمون به شرح زیر است:

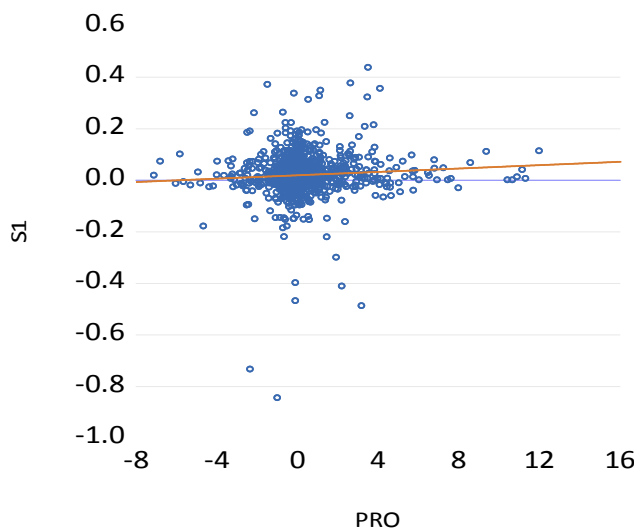
-
1. return spillover effect
 2. shock spillover effect
 3. volatility spillover effect
 4. negative shock spillover effect

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسیدهای مختلف

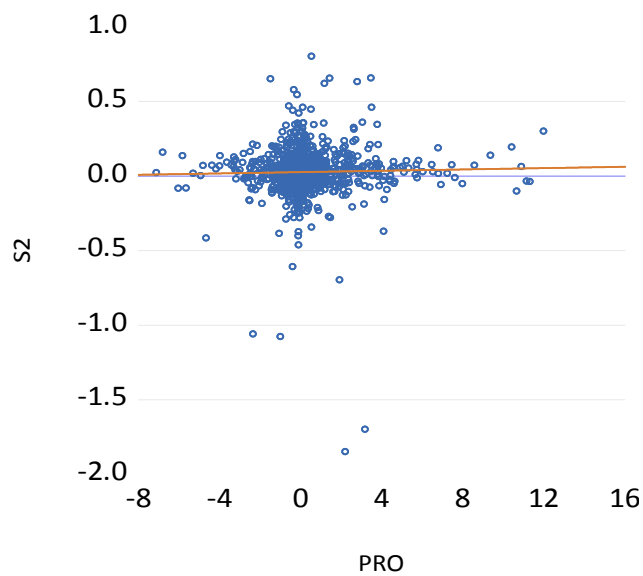
متغیر	صنعت فراورده‌های نفتی	صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ سال	صکوک بین‌المللی ۳ تا ۵ ساله	صکوک بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله	صکوک بین‌المللی بالای ۱۰ سال
صنعت فراورده‌های نفتی	۱	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۰۸	-۰/۰۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

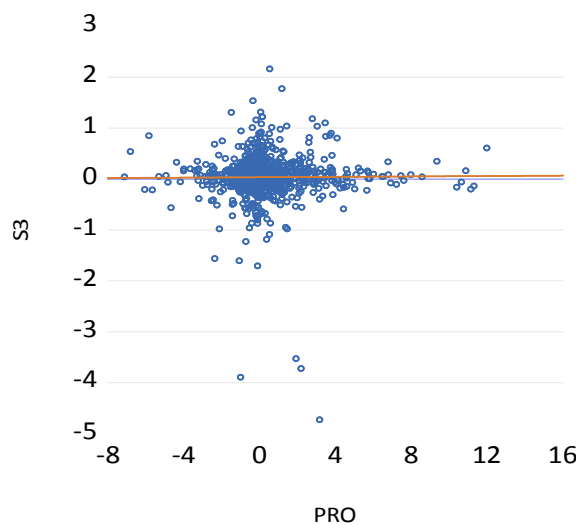
بنابراین بین بازدهی شاخص صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ ساله، ۳ تا ۵ ساله و ۵ تا ۷ ساله و بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ضریب همبستگی مثبت و بین شاخص صکوک بین‌المللی با سررسید بالای ۱۰ سال و بازده شاخص صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ضریب همبستگی منفی است. در شکل‌های بعد این همبستگی قابل مشاهده است.



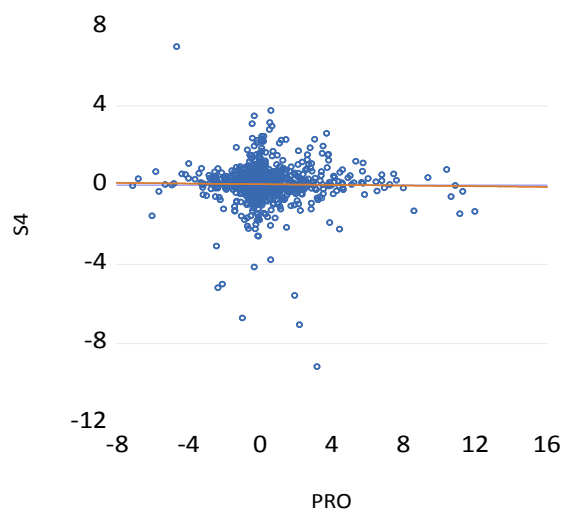
شکل ۳. ضریب همبستگی پیرسون بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال



شکل ۴. ضریب همبستگی پیرسون بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۳ تا ۵ سال



شکل ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۵ تا ۷ سال



شکل ۶. ضریب همبستگی پیرسون بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید بالای ۱۰ سال

۲-۶. تحلیل انواع اثرات سرریز بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و بازدهی انواع مختلف صکوک بین‌المللی

جدول ۴. انواع اثرات سرریز بازدهی در صکوک بین‌المللی

متغیر وابسته متغیر مستقل	صنعت فراورده‌های نفتی	صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ سال	صکوک بین‌المللی ۳ تا ۵ ساله	صکوک بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله	صکوک بین‌المللی بالای ۱۰ سال
صنعت فراورده‌های نفتی با یک وقفه	۳/۶۷***	۱/۴۸	۲/۰۹**	۰/۲۴	۰/۱۹
صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ ساله با یک وقفه	۰/۲۴	-۱/۲۷	-	-	-
صکوک بین‌المللی با سررسید ۳ تا ۵ ساله با یک وقفه	-۰/۹۱	-	۲/۴۷**	-	-
صکوک بین‌المللی با	-۰/۸۶	-	-	۵/۱۳***	-

متغیر وابسته متغیر مستقل	صنعت فراورده‌های نفتی	صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ سال	صکوک بین‌المللی ۳ تا ۵ ساله	صکوک بین‌المللی ۵ تا ۷ ساله	صکوک بین‌المللی بالای ۱۰ سال
سررسید ۵ تا ۷ ساله با یک وقفه					
صکوک بین‌المللی با سررسید بالای ۱۰ سال با یک وقفه	-۱/۲۹	-	-		۰/۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش

اکنون به تفسیر نتایج مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH که در جدول بالا تنظیم شده است می‌پردازیم. جدول شماره (۴) در واقع بیانگر مدل VAR با یک وقفه هست که اثر سرریزی بازده هر یک از صکوک بین‌المللی با صنعت منتخب را با یک وقفه نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به مقدار عددی ضریب رگرسیون میزان تاثیر نوسانات بازده هریک بر دیگری همچنین میزان تاثیر نوسانات بازده دوره قبل هر بازار بر روی خودش تحلیل می‌شود؛ به این معنا که علامت این ضریب، مثبت یا منفی بودن تاثیر این دو بازار و میزان عددی این ضریب رگرسیون اندازه تاثیر را نشان خواهد داد. با استفاده از احتمال، معنادار بودن یا بی معنا بودن تاثیر مشخص می‌شود. اگر مقدار احتمال آزمون زیر ۱۰ صدم باشد معنادار است و اگر بالای ۱۰ صدم باشد معنادار نخواهد بود. در خصوص صکوک بین‌المللی ۳ تا ۵ ساله و صنعت فراورده‌های نفتی، همانطور که از جدول مشخص است در سطر ۱ تا سه صنعت فراورده‌های نفتی متغیر وابسته هست و صکوک بین‌المللی و خود شاخص صنعت با یک وقفه متغیر مستقل هستند. میزان اثر سرریزی بازده صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ ساله برای سال گذشته بر روی فراورده‌های نفتی مثبت اما بی‌معنا هست و میزان اثر سرریز بازده گذشته فراورده نفتی بر روی سال بعد مثبت و معنادار است. در سطور ۵ و ۶ جدول بالا صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ ساله متغیر وابسته هست و شاخص صنعت فراورده‌های نفتی و خود صکوک بین‌المللی با یک وقفه متغیر مستقل هستند میزان اثر سرریزی بازده صکوک بین‌المللی ۱ تا ۳ ساله برای سال گذشته بر روی سال بعد خودش منفی و بی معنی و میزان اثر سرریز بازده فراورده نفتی

بر روی صکوک بین الملل ۱ تا ۳ ساله مثبت و بی معنا است. اثر سرریزی بازده را بررسی و تحلیل کردیم در روش تحقیق ذکر شد که باید ۴ اثر سرریزی بین صنعت منتخب و صکوک بین المللی را به تفکیک سررسید بررسی کنیم. برای بررسی ۳ اثر سرریزی باقی مانده به ادامه جدول نگاه می کنیم.

جدول ۵. تحلیل انواع اثرات سرریز بین صکوک بین المللی به تفکیک سررسید

	فراورده های نفتی - صکوک بین المللی ۱ تا ۳ ساله	فراورده های نفتی - صکوک بین المللی ۳ تا ۵ ساله	فراورده های نفتی - صکوک بین المللی ۵ تا ۷ ساله	فراورده های نفتی - صکوک بین المللی بالای ۱۰ ساله
A11	۵/۳۴***	۵/۵۰***	۴/۲۳***	۵/۰۱***
A12	۰/۰۵	۰/۷۳	۰/۱۹	-۰/۵۹
A21	-۰/۱۹	-۰/۶۱	-۰/۰۰۵	-۰/۳۵
A22	۱/۸۵*	۰/۳۷	-۱/۷۸*	-۲/۶۳***
B11	۷۴/۰۱***	۷۸/۳۵***	۷۷/۷۷***	۶۹/۲۰***
B12	۰/۵۱	-۰/۱۷	۰/۴۶	۰/۵۷
B21	-۰/۶۴	-۲/۸۸***	-۲/۶۳***	۰/۰۰۶
B22	۱۶/۸۷***	۳۷/۸۱***	۴۰/۷۶***	۴۰/۱۹***
D11	-۰/۱۶	۰/۰۱	۰/۶۰	۰/۵۵
D12	۲/۰۱**	۰/۳۹	-۱/۲۲	۱/۸۸*
D21	-۰/۴۸	۰/۴۲	-۰/۱۳	۰/۳۸
D22	۴/۰۷***	۴/۳۷***	۳/۴۱***	۳/۷۱***

منبع: یافته های پژوهش

ماتریس A, B, D به ترتیب ماتریس هایی هستند که هر کدام چهار درایه دارند. این ماتریس ها و معنای درایه ها در روش تحقیق به تفصیل تبیین شدند. همانطور که در روش تحقیق ذکر گردید ماتریس A اثر سرریزی شوک^۱ را نشان می دهد. معمولاً اثر شوک به تنهایی به معنای شوک مثبت^۲ است. به این معنا که افزایش یک شاخص در یک بازار (صکوک بین المللی) چه تاثیری بر شاخص در صنعت منتخب بازار سهام ایران دارد.

1. shock spillover effect
2. positive shock

همانطور که ذکر گردید این ماتریس ۴ درایه دارد که هر درایه مشخص کننده اثرگذاری و اثر پذیری بازارها خواهد بود. بنابراین در ماتریس A درایه‌های زیر را داریم:

A11: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی میزان این اثر مثبت و معنادار خواهد بود.
A12: در مورد صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال و صنعت فراورده‌های نفتی میزان تاثیر این شوک مثبت اما بی‌معنا خواهد بود.

A21: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال میزان این شوک منفی و بی‌معنا است.

A22: در مورد صکوک بین‌الملل ۱ تا ۳ ساله میزان این شوک مثبت و معنادار است.
ماتریس B اثر سرریزی نوسانات یا تلاطم را نشان می‌دهد؛ به این معنا که نوسانات در یک بازار چه میزان اثری و در چه جهت (مثبت یا منفی) بر روی بازار دیگر دارد.
برای این ماتریس نیز ۴ درایه داریم که عبارتند از :

B11: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی میزان اثر سرریزی نوسانات سال گذشته بر وضعیت الان صنعت مثبت و معنادار است.

B12: در مورد صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال و صنعت فراورده‌های نفتی میزان تاثیر این شوک مثبت اما بی‌معنا است.

B21: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال میزان این شوک منفی و بی‌معنا است.

B22: در مورد صکوک بین‌الملل ۱ تا ۳ ساله میزان این شوک مثبت و معنادار است.
ماتریس D اثر سرریزی شوک‌ها یا اخبار منفی را نشان می‌دهد؛ به این معنا که شوک منفی در یک بازار چه میزان اثری و در چه جهت (مثبت یا منفی) بر روی بازار دیگر دارد. برای این ماتریس نیز ۴ درایه داریم که عبارتند از :

D11: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی میزان اثر سرریزی نوسانات سال گذشته بر وضعیت الان صنعت منفی و بی‌معنا است.

D12: در مورد صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال و صنعت فراورده‌های نفتی میزان تاثیر این شوک مثبت و معنادار است.

D21: در مورد صنعت فراورده‌های نفتی و صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال

میزان این شوک منفی و بی معنا است.

D22: در مورد صکوک بین الملل ۱ تا ۳ ساله میزان این شوک مثبت و معنادار است.

۷. میانگین وزن بهینه انواع صکوک بین المللی به تفکیک سررسید در صنعت فراورده های نفتی

سوال مشخص این پژوهش، بررسی قابلیت پوشش ریسک صنعت فراورده های نفتی در بازار سهام ایران با استفاده از بازار صکوک بین المللی بود. به این منظور ابتدا همبستگی بین بازدهی صنعت منتخب داخلی و بازدهی صکوک بین المللی را با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی کردیم و سپس انواع اثرات سرریزی بین بازدهی این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون و تفسیر قرار دادیم و در نهایت با استفاده از داده های ۸ سال گذشته یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، وزن بهینه صکوک بین المللی را به تفکیک سررسید جهت حداقل سازی ریسک سبد سرمایه گذار داخلی به صورت روزانه محاسبه می کنیم. بر اساس داده های روزانه بازده شاخص صنعت منتخب بازار سهام ایران و بازده انواع صکوک بین المللی با تفکیک سررسید، وزن روزانه بهینه انواع صکوک بین المللی برای مدت ۸ سال محاسبه شد که متوسط اوزان بهینه صکوک بین الملل به تفکیک سررسید در صنعت فراورده های نفتی بازار سهام ایران به شرح زیر است:

جدول ۶. جمع بندی میانگین وزن بهینه انواع صکوک بین المللی به تفکیک سررسید در

صنعت فراورده های نفتی

انواع صکوک بین الملل	صکوک بین المللی ۱ تا ۳ سال	صکوک بین المللی ۳ تا ۵ سال	صکوک بین المللی ۵ تا ۷ سال	صکوک بین المللی بالای ۱۰ سال
میانگین وزن بهینه	۱۸.۶۵٪	۱۸.۸۵٪	۲۵.۳۰٪	۲۱.۲۶٪

منبع: یافته های پژوهش

بنابراین بر اساس انواع صکوک بین المللی به تفکیک سررسید، وزن بهینه آنها را جهت حداقل کردن ریسک سبد سرمایه گذار داخلی در صنعت فراورده های نفتی بازار سهام ایران به صورت روزانه محاسبه کردیم که در جدول بالا اوزان بهینه به تفکیک انواع سررسید به صورت میانگین ذکر شده اند؛ میانگین اوزان انواع صکوک بین المللی بر اساس سررسیدهای مختلف در

جدول بالا به سرمایه‌گذاری که در داخل کشور ایران در صنعت فراورده‌های نفتی سرمایه‌گذاری کرده است پیشنهاد می‌کند که از بین انواع صکوک بین‌المللی، صکوک با سررسید ۱ تا ۳ سال را انتخاب کند؛ زیرا این صکوک در مقایسه با سایر صکوک‌های با سررسید دیگر توانسته است با درصد پایین‌تری پوشش ریسک بهینه را برای سرمایه‌گذار ایجاد کند. لذا به سرمایه‌گذار فعال در صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران پیشنهاد می‌گردد جهت حداقل سازی ریسک سبد خود در سطح مشخصی از بازده به میزان ۱۸.۶۵ درصد سرمایه خود را در صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ سال سرمایه‌گذاری کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین دستاوردهای دهه اخیر در عرصه مالی اسلامی، انتشار انواع اوراق بهادار اسلامی به نام صکوک است. از ویژگی‌های مهم صکوک، ریسک پایین این اوراق نسبت به سایر اوراق بهادار و بازارهای مالی دیگر است. بنابراین صکوک می‌تواند ابزار مناسبی برای مدیریت ریسک باشد. صکوک بین‌المللی صکوکی است که خارج از کشور محل اقامت ناشر انتشار می‌یابد و بین سرمایه‌گذاران در کشورهای گوناگون توزیع می‌شود. صکوک بین‌المللی مزایای زیادی برای سرمایه‌گذاران و ناشران دارد. یکی از مهمترین مزیت‌های صکوک بین‌المللی تخصیص آن به سبد سرمایه‌گذاران است. با تخصیص سبد سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه به صکوک بین‌المللی می‌توان از قابلیت تنوع بخشی که یکی از استراتژی‌های مهم پوشش ریسک است، ریسک سرمایه‌گذار فعال در بازار سرمایه ایران را کاهش داد. سوال مشخص این پژوهش، بررسی قابلیت پوشش ریسک بازار سهام ایران با استفاده از بازار صکوک بین‌المللی بود. زمانی تنوع سازی پرتفوی و پوشش ریسک^۱ موثر واقع می‌شود که بین دو دارایی ارتباط خیلی کمی برقرار باشد تا اثر یک شوک و نوسان به کمترین شکل ممکن به بازار دیگر انتقال یابد؛ به همین جهت در این پژوهش ارتباط بین دو بازار را ابتدا با ضریب همبستگی پیرسون و سپس با مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH بررسی شد. علت اینکه این پژوهش صرفاً به محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بسنده نمی‌کرد این بود که این ضریب صرفاً رابطه خطی بین دو متغیر

را بررسی می‌کند و حتی در صورت صفر بودن میزان این ضریب نمی‌توان ادعای عدم ارتباط دو بازار را نتیجه گرفت؛ لذا نوآوری این پژوهش این بود که در این مطالعه برای بررسی دقیق‌تر ارتباط بین بازار سرمایه ایران و بازار صکوک بین‌المللی، دو مدل ارتباط خطی و غیر خطی جهت سنجش هرگونه ارتباطی بین این دو بازار محاسبه و بررسی شد؛ به این منظور ابتدا همبستگی بین بازدهی صنعت فراورده‌های نفتی و بازدهی صکوک بین‌المللی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بررسی و سپس انواع اثرات سرریزی بین این دو شاخص را به تفکیک انواع سررسید صکوک بین‌المللی با استفاده از مدل Asymmetric BEKK VAR-MGARCH مورد آزمون قرار گرفت و در نهایت با استفاده از داده‌های روزانه ۸ سال گذشته یعنی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰، وزن بهینه صکوک بین‌المللی را به تفکیک سررسید جهت حداقل سازی ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی در این صنعت محاسبه گردید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد:

۱. صکوک بین‌المللی قابلیت و ظرفیت مناسبی جهت پوشش ریسک بازار سهام ایران دارد؛ زیرا میزان و معناداری ضریب همبستگی پیرسون بین بازده بازار سهام ایران و بازده بازار صکوک بین‌المللی به تفکیک سررسیدهای مختلف بسیار پایین بود و همچنین اثرات سرریز بین دو بازار در مقایسه با اثرات گذشته هر بازار بر روی خودش بسیار ناچیز بدست آمد. بنابراین صکوک بین‌المللی قابلیت و ظرفیت به عنوان یک دارایی مالی مناسب را دارد.
۲. صکوک بین‌المللی علاوه بر قابلیت پوشش ریسک، دارایی مالی مناسبی نیز جهت تنوع بخشی سبد سهام سرمایه‌گذار محسوب می‌شود. به صورت متوسط وزن بهینه صکوک بین‌المللی با سررسیدهای مختلف در صنعت منتخب بازار سهام ایران وزن کمتر از ۵۰ درصد از کل سبد سرمایه‌گذار داخلی را تشکیل می‌داد. از این نکته برداشت می‌شود صکوک بین‌المللی یک دارایی مالی بسیار مناسب برای صنایع منتخب بازار سهام ایران است زیرا با درصد کمتری از تخصیص سبد سهام می‌تواند ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی را کاهش دهد.
۳. شوک‌ها و نوسانات شرطی گذشته هر بازار بر روی خودش نقش مهمتری از اثرات سرریز نوسانات بین این دو بازار دارد. از این جهت نیز صکوک بین‌المللی

قابلیت مناسب عنوان یک دارایی مالی جهت پوشش ریسک سرمایه‌گذار فعال در بازار سرمایه ایران را دارد.

۴. سرمایه‌گذاری در صکوک بین‌المللی کوتاه مدت یعنی صکوک بین‌المللی با سررسید ۱ تا ۳ ساله در مقایسه با صکوک بین‌المللی بلندمدت مناسب‌تر است؛ زیرا سرمایه‌گذار داخلی می‌تواند با تخصیص درصد کمتری از سبد سرمایه‌گذاری خود به پوشش ریسک بهینه دست یابد به این معنا که در سطح مشخصی از بازدهی ریسک خود را حداقل کند.

۵. وزن بهینه روزانه صکوک بین‌المللی در صنعت فراورده‌های نفتی در تمام طول دوره ثابت نیست و در زمان‌های خاصی جهت پوشش ریسک بهینه این میزان افزایش یا کاهش می‌یابد اما به صورت متوسط وزن بهینه صکوک بین‌المللی با سررسیدهای مختلف در صنعت فراورده‌های نفتی در بازار سهام ایران وزن کمتر از ۵۰ درصد از کل سبد سرمایه‌گذار داخلی را تشکیل می‌داد. کمتر بودن نسبت تخصیص سبد سرمایه‌گذار به صکوک بین‌المللی به میزانی کمتر از ۵۰ درصد به این معنا است که صکوک بین‌المللی یک دارایی مالی بسیار مناسب برای بازار سهام ایران است زیرا با درصد کمتری از تخصیص سبد سهام می‌تواند ریسک سبد سرمایه‌گذار داخلی را کاهش دهد.

در حال حاضر امکان خرید مستقیم صکوک بین‌المللی از طریق سامانه معاملاتی کارگزاری‌های فعال داخلی در بازار سرمایه کشور وجود ندارد اما کارگزاری‌های بین‌المللی معتبر و زیادی وجود دارند که سرمایه‌گذاران فعال در بازار سهام می‌توانند از طریق آنها به خرید و فروش صکوک بین‌المللی بپردازند. از آنجایی که هنوز در داخل کشور به سامانه‌های معاملاتی کارگزاران داخلی اجازه خرید صکوک بین‌المللی توسط شورای عالی سازمان بورس صورت نگرفته، نتایج این تحقیق توصیه می‌کند که اعطای مجوز به کارگزاران فعال در داخل ایران توسط شورای عالی سازمان بورس برای خرید مستقیم صکوک بین‌المللی، اقدامی موثر در استفاده از ظرفیت صکوک بین‌المللی جهت کاهش ریسک سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه ایران خواهد بود.

کتابنامه

- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۶)، مبانی شرعی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۹، ص ۲۷.
- توحیدی، محمد؛ یاراحمدی، رضا (۱۳۹۸)، نوع‌شناسی و طبقه‌بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک) از منظر معیارهای گوناگون، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و هشتم، پاییز ۱۳۹۸، صفحات ۴۱-۷۶.
- توحیدی، محمد، کاوند مجتبی و اعتصامی، امیرحسین (۱۳۹۳)، طبقه بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار ۷-۱.
- صالح‌آبادی، علی؛ فدایی نژاد، محمد؛ جوشن، ابراهیم (۱۳۹۷)، اثر انتشار صکوک بر بازده تعدیل شده با ریسک و ارزش معاملات سهام، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی، ۱۳۹۷، دوره ۲۰، شماره ۴، صفحات ۴۲۷-۴۴۴.
- خوانساری، رسول؛ فهیمی، عزیزالله؛ رضوانی، مستوره (۱۳۹۸)، بررسی قانون حاکم بر انتشار صکوک بین‌المللی در جهان و الزامات بسترسازی حقوقی در بازار سرمایه، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صفحات ۲۹۷-۳۲۲.
- خوانساری، رسول (۱۳۹۵)، صکوک بین‌المللی؛ تجربه جهانی و الزامات پیش‌رو برای نظام بانکی ایران (چاپ شده در بیست و هفتمین همایش بانکداری اسلامی-شهریور ۱۳۹۵)
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ ششم.
- موسویان، سید عباس (۱۳۹۲)، بازار سرمایه اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- AAOIFI. (2008). Accounting and Auiting Organization for Islamic Financial Institutions's Shari'a Standards. Bahrain: AAOIFI.
- Al-Amine, Muhammad al-Bashir Muhammad. (2012). Global Sukuk and Islamic Securitization Market: Financial Engineering and Product Innovation.
- Aljloud, Saad Ali. (2014). Innovation in the Standard of Globalization Sukuk. International Law Research, 3(1). <https://doi.org/10.5539/ilr.v3n1p82>
- Boqiang, Lin, & Chen, Yufang. (2019). Dynamic linkages and spillover effects between CET market, coal market and stock market of new energy companies: A case of Beijing CET market in China. Energy Journal.

- Deloitte. (2015). Corporate Sukuk in Europe: Alternative Financing for Investment Projects.
- Guntur Anjana Raju, & Velip, Suraj. (2018). An empirical study on optimal hedge ratio and hedging effectiveness of Nifty IT index stocks. *International Journal of Research Culture Society*, 2(1).
- ISRA & SC. (2017). Sukuk: Principles & Practices. International Shariah Research Academy for Islamic Finance.
- Khansari, Rasoul. (2016). International Sukuk: Global Experience and Future Requirements for Iran's Banking System. Paper presented at the 27th Islamic Banking Conference, September 2016. (In Persian)
- Khansari, Rasoul; Fahimi, Azizollah; & Rezvani, Mastoureh. (2019). Review of governing law on international Sukuk issuance and legal infrastructure requirements in capital markets. *Jostarhaye Eghtesadi*, 16(31), 297–322. (In Persian)
- Lean, Yu; Zha, Rui; Stafylas, Dimitrios; He, Kaijian; & Liu, Jia. (2018). Dependence and volatility spillovers between oil and stock markets. *International Review of Financial Analysis*.
- Mohamad Mokhtar, S.; Rahman, S.; Kamal, H.; & Thomas, A. (2009). Sukuk and the capital markets. In *Sukuk: Islamic Capital Market Series* (pp. 17–38). Kuala Lumpur: Sweet & Maxwell Asia.
- Mousavian, Seyyed Abbas. (2007). *Islamic Financial Instruments (Sukuk)*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (In Persian)
- Mousavian, Seyyed Abbas. (2013). *Islamic Capital Market*. Qom: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (In Persian)
- Nazar, Jhordy Kashoogie. (2015). Regulatory and financial implications of Sukuk's legal challenges for sustainable Sukuk development in Islamic capital markets. In *Developing Inclusive and Sustainable Economic and Financial Systems. Selected Papers of the 8th & 9th International Conference*.
- Nyassoke Titi Gaston Clément; Kamdem, Jules Sadefo; & Fono, Louis Aimé. (2019). Dynamic optimal hedge ratio design when price and production are stochastic with jump. HAL Archive.
- Salehabadi, Ali; Fadaei Nejad, Mohammad; & Joushan, Ebrahim. (2018). The effect of Sukuk issuance on risk-adjusted returns and stock trading value. *Financial Research Quarterly*, 20(4), 427–444. (In Persian)
- Taskhiri, Mohammad Ali. (2007). Shari'a foundations of Islamic securities (Sukuk). *Islamic Economics Quarterly*, 9, 27. (In Persian)
- Tavhidi, Mohammad, & Yarahmadi, Reza. (2019). Typology and classification of Islamic securities (Sukuk) based on various criteria. *Islamic Economics and Banking Quarterly*, 28, 41–76. (In Persian)
- Tavhidi, Mohammad; Kavand, Mojtaba; & E'tesami, Amirhossein. (2014). Classification of Islamic Securities (Sukuk). *Securities and Exchange Organization Research Center*, 1–7. (In Persian)
- Yesuf, Abdurahman Jemal. (2016). A comparative analysis of Sukuk and conventional bonds. In Ş. Ş. Erçetin (Ed.), *Chaos, Complexity and Leadership 2014* (pp. 417–438). Cham: Springer.



Economic Forecasting in Light of Divine Traditions: From Challenge to Possibility

Ghasem Tarkhan: Professor, Department of Theology, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran.

tarkhan@iict.ac.ir

Ali-Asghar Hadavineia: Associate Professor, Department of Economics, Research Institute for Culture and Islamic Thought, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

alihadavinia@gmail.com

Ali Asghar Ghaemini: Lecturer, Faculty of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran.

aaghaemini@gmail.com

Abstract

One of the most significant challenges of conventional economics, which hinders accurate forecasting of economic phenomena, is the neglect of spiritual and non-material factors that operate through *divine traditions*. However, can Islamic economics — in which divine traditions are taken into account — achieve such a goal? And does the consideration of divine traditions enhance the predictive power of economics, or does it add further complications to the process?

By employing a descriptive-analytical method, the authors have reached the following conclusions:

- In conventional economics, a duality exists between the *acceptance of the principle of prediction* and *realism*; thus, some scholars, adhering to realism, do not regard prediction as an essential goal of the discipline.
- In Islamic economics, although forecasting is not the main focus, it is accepted as a complementary aspect alongside the longitudinal explanation of reality.
- The challenges faced by those who view forecasting as a scientific objective ultimately prove its difficulty, not its impossibility. In Islamic economics, this difficulty is intensified — but not nullified — by the presence of divine knowledge (*'ilm al-ghayb*) and considerations of divine wisdom and expediency (*maṣlaḥah*).
- Case studies in economics and the analysis of divine traditions such as *barakāt* (blessings) and *itrāf* (luxury and indulgence), which reflect logical relationships between condition and consequence, do not contradict the findings of this research.
- Moreover, the operation of the *divine tradition of trial and testing* (*sunnat al-ibtalā'*) does not pose a serious obstacle to economic forecasting. Hence, spiritual factors can serve as early-warning indicators for predicting economic crises and should be considered in economic analysis and policymaking.

Keywords

Forecasting; Islamic Economics; Modern Economics; Divine Traditions

پیش‌بینی اقتصادی در مواجهه با سنت‌های الهی، از دشواری تا امکان

قاسم ترخان: استاد گروه کلام، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. tarkhan@iict.ac.ir
علی اصغر هادوی‌نیا: دانشیار گروه اقتصاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
alihadavinia@gmail.com
علی اصغر قائمی‌نیا: مدرس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران. aaghaeminia@gmail.com

چکیده

از مهم‌ترین چالش‌های علم اقتصاد رایج که پیش‌بینی دقیق پدیده‌های اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند، عدم لحاظ عوامل معنوی و فرامادی است که در قالب سنت‌های الهی تأثیر می‌گذارند؛ اما آیا در علم اقتصاد اسلامی که در آن سنت‌های الهی لحاظ شده است می‌توان به چنین هدفی دست یافت؟ و آیا لحاظ سنت‌های الهی، قدرت پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد یا به چالش‌های آن اضافه می‌کند؟

نگارندگان در پاسخ به پرسش فوق با کاربست روش تحلیلی توصیفی، به نتایج زیر دست یافته‌اند:
الف) دوگانه پذیرش اصل پیش‌بینی و رئالیسم در علم اقتصاد رایج مطرح می‌شود؛ لذا برخی با پذیرش اصل رئالیسم، پیش‌بینی را از اهداف این علم تلقی نمی‌کنند.

ب) در علم اقتصاد اسلامی، هرچند پیش‌بینی محور بحث نیست؛ اما در کنار تبیین واقعیت به صورت طولی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

ج) چالش‌های پیش‌رو برای کسانی که پیش‌بینی را به‌عنوان هدف علم پذیرفته‌اند، نهایتاً دشوار بودن آن را اثبات می‌کند، نه عدم امکان آن را. این مشکل در علم اقتصاد اسلامی به جهت عنصر علم غیب الهی و مصلحت، مضاعف است نه ناممکن.

د) مطالعه موردی در علم اقتصاد و تحلیل سنت‌هایی مانند برکات و اتراف که بیانگر روابط منطقی بین شرط و جزا است، در تنافی با یافته‌های این پژوهش نبوده است.

ه) همچنین جریان سنت ابتلا نمی‌تواند چالش جدی را در مسیر پیش‌بینی حوادث اقتصادی ایجاد کند؛ از این رو، عوامل معنوی می‌توانند به عنوان شاخص‌های هشدار دهنده در پیش‌بینی بحران‌ها عمل کنند و در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مورد لحاظ قرار گیرند...

واژگان کلیدی: پیش‌بینی، علم اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد مدرن، سنت‌های الهی.

مقدمه

از مباحث مهم فلسفه دین، بررسی برخی از آموزه‌های اساسی دین است که از جمله آن‌ها سنت‌های الهی می‌باشد. پیش‌فرض این نوشتار آن است که علم اقتصاد از ناحیه در نظر نگرفتن سنت‌های الهی اقتصادی، با نقص معرفتی مواجه است و از این جهت در تأمین اهداف خود کامیاب نیست و با کاربست این آموزه است که این علم می‌تواند از نقص معرفتی رهایی یابد. اثبات این مسئله و ادعا، دغدغه این نوشتار نیست بلکه اثر حاضر در پی آن است که بیان کند آیا پذیرش این ادعا علم اقتصاد را با چالش پیش‌بینی روبه‌رو نمی‌سازد؟

هدف این مقاله بررسی این سؤال است که آیا لحاظ کردن سنت‌های الهی در علم اقتصاد اسلامی، قدرت پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد یا به چالش‌های آن اضافه می‌کند؟ نگارندگان این تحقیق در صدد آنند که نشان دهند گرچه توجه به سنت‌های الهی در اقتصاد اسلامی دشواری‌های پیش‌بینی را افزایش می‌دهد؛ اما این امر منجر به متغی شدن پیش‌بینی نمی‌شود؛ بلکه دستیابی به چنین پیش‌بینی علی‌رغم دشواری آن می‌تواند نقص معرفتی علم اقتصاد متعارف را جبران کند.

۱. مفاهیم

پیش از تحلیل اشکال یاد شده ضروری است نکاتی اشاره شود:

۱-۱. معنا شناسی علم اقتصاد اسلامی

علم اقتصاد اسلامی به توصیف و تبیین و پیش‌بینی نسبت به پدیده‌ها و رفتارهای اقتصادی در چارچوب نظام اقتصادی مطلوب (با فرض وجود آن) و نظام اقتصادی موجود و پیشنهاد سیاست جهت تغییر وضعیت اقتصاد در چارچوب یک نظام اقتصادی تحقق یافته می‌پردازد و سه وظیفه را به عهده دارد:

۱. دفاع از نظام اقتصادی مطلوب با فرض وجود آن.

۲. توصیف و تبیین و پیش‌بینی و آسیب شناسی و ارزیابی نسبت به وضعیت موجود قبل از نظام سازی.

۳. توصیف و تبیین و پیش‌بینی نسبت به وضع موجود پس از نظام سازی جهت کنترل حرکت نظام محقق شده در راستای اهداف آن. در هر یک از این سه وظیفه علم اقتصاد به توصیف و تبیین و پیش‌بینی رفتارهای اقتصادی و آثار این رفتارها می‌پردازد.

۲-۱. سنت‌های اقتصادی الهی

خداوند بر اساس ضوابط پدیده‌های هستی، امور جهان و انسان را تدبیر می‌کند (ر.ک؛ مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۳۷. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۳۴۰. صدر، ۱۳۹۸، ق، ص ۵۰. مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۰۹) که از آن به سنت‌های الهی تعبیر می‌شود. در قرآن این واژه در کنار واژه «قدر» که در معنای قوانین جهان طبیعت به کار می‌رود، بیش‌تر برای بیان قوانین تکوینی و حقیقی (نه قوانین تشریعی و اعتباری) حاکم بر حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها استفاده می‌شود. (محمدی گیلانی و قربانی، ۱۳۸۵، ص ۵۱) سنت‌های الهی به دو قسم مطلق (که از یک رابطه علت و معلولی بین فعل انسان و آثار آن حکایت نمی‌کند مانند سنت آزمایش و هدایت) و مشروط به فعل انسان‌ها تقسیم می‌شوند. یکی از مهم‌ترین سنن الهی مشروط که نقش تربیتی مهمی برای انسان‌ها دارد، سنت‌هایی است که در ساحت اقتصادی جریان می‌یابند. «سنت رزق» (هود: ۶. عنکبوت: ۶۰) و «سنت برکت» (اعراف: ۹۶) نمونه‌هایی از این گونه سنن هستند. سنت‌های الهی اقتصادی، قوانین الهی ناظر به تأثیر رفتارهای انسان‌ها در افزایش و کاهش اموال و ثروت‌های فرد و جامعه هستند.

۲. چالش پیش‌بینی در علم اقتصاد اسلامی

تحلیل سؤال اصلی این نوشتار را در ادامه پیگیری می‌کنیم:

۲-۱. علم اقتصاد و دوگان ابزارگرایی و رئالیسم

در علم اقتصاد دیدگاه‌های مختلفی درباره مسئله پیش‌بینی و دوگان ابزارگرایی-رئالیسم وجود داشته است. طبق برخی نظریات، رئالیسم همواره یک جز اصلی بوده است،

(پیتر، ۱۳۸۱) اما به صورت جدی در بیست سال اخیر توسط تونی لاوسن^۱ و اوسکالی ماک^۲، دو تن از روش‌شناسان برجسته اقتصادی، در برنامه‌های پژوهشی و روش‌شناسی اقتصاد وارد شده است. (مقدم و واعظ، ۱۳۸۵) ادعای ماک^۳ و لاوسن آن است که رئالیسم مطالبی بسیار مهم برای پیشنهاد به روش‌شناسان اقتصادی دارد که تاکنون به آنها توجه نشده است. لاوسن از بکارگیری رئالیسم انتقادی در علم اقتصاد^۴ و الزامات این فلسفه از جمله لزوم در نظر گرفتن یک مبنای هستی‌شناسانه برای اقتصاد جانبداری و ادعا می‌کند که اگر اقتصاددانان این هستی‌شناسی را به حساب آورند، تبیین‌های آنان موفقیت‌آمیزتر خواهد بود. در دیگر سو ماک^۵ در تلاش برای توسعه یک نسخه از رئالیسم متناسب با ویژگی‌های علم اقتصاد است؛ یعنی توسعه یک نسخه محلی از رئالیسم برای اقتصاد. ماک^۶، گرفتن یک نسخه استاندارد رئالیسم علمی از فلسفه علم نشأت گرفته از علوم موفق نظیر فیزیک، و در نظر نگرفتن خط‌پذیری آن و آزمودن تناسب یا عدم تناسب آن با اقتصاد را اشتباه می‌داند. از نظر وی، امکان تجدید نظر در ضوابط فلسفی و به‌طور دقیق‌تر، پروراندن یک نسخه از رئالیسم متناسب با علم اقتصاد وجود دارد. (Maki, 2000, p. 109-125)

در ارزشمندی نظریه اقتصادی یکی از دو مورد زیر مطرح می‌شود:

۱. ابزار پیش‌بینی: براین اساس اگر نظریه بتواند به میزان معناداری پیش‌بینی‌پذیر باشد، ارزشمند است. عمده روش‌شناسی متعارف در اقتصاد مبتنی بر همین رویکرد است و اقتصادسنجی با تکیه بر همین منطق پیش می‌رود. یعنی اگر یک نظریه از واقعیت تهی باشد ولی ابزار خوبی برای پیش‌بینی در اختیار ما قرار گذارد، کافی است که آن را معتبر پنداریم. همچنین سنجه مناسب برای اعتباربخشی به نظریه، اکتفا به قدرت پیش‌بینی آن است؛ به شرحی که آنقدر فروض را تغییر می‌دهیم تا پیش‌بینی مورد نظر محقق شده و نظریه معتبر گردد. روش‌شناسی فرضیه-استنتاجی به همین واقعیت اشاره دارد.
۲. تبیین درستی از واقعیت: این مبنا، بدون توجه به قدرت پیش‌بینی‌پذیری یک

1 . Tony Lawson.

2. Uskali Maki.

۳. برای آگاهی بیشتر از رئالیسم انتقادی در اقتصاد، ر.ک: حمید حسنی؛ کتاب ماه علوم اجتماعی شماره ۶۵.

نظریه، قوت و استحکام در تبیین و شرح واقعیت را اعتباربخش آن می‌داند.^۱ واقع‌نمایی نظریه کافی است تا آن را معتبر بدانیم.

۲-۲. تبیین پیشینی از اهداف علم اقتصاد اسلامی

نگارندگان بر این باورند که اهداف علم اقتصاد از مبانی معرفت‌شناختی متأثر است و برای علم اقتصاد اسلامی، می‌توان اهداف نهایی، میانی و نزدیک، ترسیم کرد. مبنای این‌گونه از علوم، رئالیسم و هدف آن، شناخت واقع است؛ اما برای شناخت واقع نیاز به تبیین علل و برای تبیین علل نیاز به فهم رفتارهای اقتصادی داریم؛ این دو می‌توانند پیش‌بینی و کنترل رفتارها را مدنظر داشته باشند؛ اما کنترل و پیش‌بینی به منظور نقد و اصلاح اوضاع اجتماعی- اقتصادی است. این هدف جلوه‌ای از حل مشکلات واقعی زندگی بشر است. همه این اهداف به منظور تحقق انسان و جامعه شایسته و رسیدن به کمال نهایی است.

بر این اساس، توجه به اولویت در ارزشمندی نظریه‌های علم اقتصاد، در دوگان ذکرشده می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، لذا اگر براساس رویکرد رئالیستی که به دنبال شناخت و کشف واقعیت است، دو نظریه در شرایط برابر، تبیین مشابهی از واقعیت داشته باشند، آن نظریه‌ای در اولویت قرار می‌گیرد که ابزار بهتری برای پیش‌بینی در اختیار قرار دهد.

۲-۳. پیش‌بینی و شرایط آن

در پیش‌بینی پدیده‌های اقتصادی گفته می‌شود زمانی که روابط علت و معلولی شکل می‌گیرند، اگر اقتصاد کشورها به سطحی از نظم‌پذیری و ثبات رسیده باشد (با فرض ثبات جهان اعتباری از پیش‌ساخته‌شده ناشی از نهادها و سازوکارها)، این روابط را با کمترین تورش و انحراف در سطح آزمایشگاهی می‌توان مشاهده، تحلیل و پیش‌بینی کرد؛ اما واقعیت آن است که علم اقتصاد متعارف در بیشتر موارد از پیش‌بینی شرطی قوی عاجز است و تنها می‌تواند به پیش‌بینی شرطی ضعیف بسنده کند.

۱. هرچند در ادامه روشن خواهد شد که نسبت بین تبیین و پیش‌بینی اعم و اخص مطلق است؛ یعنی اگر نظریه‌ای بتواند تبیین درستی را ارائه کند، قادر به پیش‌بینی هم می‌باشد.

تونی لاوسن به نقل از «هیکس» بیان می‌کند که فرآیند پیش‌بینی در علم اقتصاد از سه الگوی کلی تبعیت می‌کند:

الف رخ خواهد داد: پیش‌بینی غیرشرطی؛

اگر ب، آنگاه الف: پیش‌بینی شرطی قوی؛

اگر ب، آنگاه الف؛ مشروط بر آن‌که اختلالی وجود نداشته باشد: پیش‌بینی شرطی ضعیف.

بر این اساس، لازم است میان پیش‌بینی شرطی و غیرشرطی از یک‌سو، و پیش‌بینی قوی و ضعیف از سوی دیگر تمایز قائل شد. «هیکس» نوع نخست را متعلق به پژوهشگر غیرحرفه‌ای می‌داند، دیدگاه ابطال‌گرایانه «کارل پوپر» را در زمره نوع دوم قرار می‌دهد، و در نهایت، خود و به تبع او اقتصاددانان را طرفدار نوع سوم یعنی پیش‌بینی شرطی ضعیف معرفی می‌کند. (ر.ک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

در واقع، اقتصاددانان چون اطلاع عمیقی از جهان اجتماعی ساخته‌شده از نهادها و سازوکارهای درون نظام اقتصادی کشورها ندارند، اولاً متغیرهای مستقل مناسبی نمی‌توانند برای متغیر تابع انتخاب کنند و ثانیاً بر فرض انتخاب درست متغیرهای مستقل، در تحلیل جمله اخلاص «پسماند» و نقش متغیرهای پنهان مستقل با مشکل مواجهند و با هر ترفند اقتصادسنجی هم که بخواهند نتایج را اصلاح کنند در نهایت به پیش‌بینی شرطی ضعیفی خواهند رسید. این مشکل در اقتصاد توسعه بسیار عمیق‌تر به چشم می‌خورد؛ زیرا شرط ثبات و نظم‌پذیری در اقتصاد کشورهای در حال توسعه سخت‌تر حاصل می‌شود. در عین حال باید توجه داشت که کوشش‌هایی صورت پذیرفته تا جایگزین‌هایی برای فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده ایجاد شود و در این زمینه توفیق زیادی نیز به دست آمده است. در علم اقتصاد با گسترش شاخه اقتصادسنجی کوشش شده است تا روش‌های تحلیل متکی بر فکر ریاضی آماری را تا حدی جایگزین آزمایشگاه کنترل‌شده در آزمون فرضیه نمایند. با این همه بدیهی است که این نقیصه اساسی (فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده) هنوز تا حد بسیار قابل توجهی در علوم تجربی اجتماعی پابرجاست. (عظیمی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱)

در اقتصاد اسلامی توجه به این نکته اهمیت دارد که این گزاره‌ها در جایگاه

پیش فرض‌ها و نه فروض بوده و اساساً مقوله پیش‌بینی در مورد آن‌ها صدق نمی‌کند. آنچنان که در اقتصاد خرد یکی از پیش فرض‌ها، «بیشینه‌سازی منافع» است و نمی‌توان این‌گونه تفسیر نمود که «اگر انسان درآمد و قید بودجه داشته باشد، آنگاه اقدام به بیشینه‌سازی مطلوبیت می‌نماید». پیش فرض‌ها در خود علم، ابطال‌پذیر نیستند و نمی‌توان آن‌ها را به بوته آزمایش سپرد، هرچند می‌توان در مورد صحت و سقم پیش فرض‌ها در فلسفه اقتصاد سخن به میان آورد.

بنابراین، گزاره‌ها ابتدا باید از «ساحت فلسفه اسلام» به «میدان علم اقتصاد اسلامی» تابانیده شود و گزاره‌های بدست آمده که منطبق با واقع هستند، به بوته آزمایش و پیش‌بینی گذاشته شوند. در صورتی که پیش‌بینی محقق در این مرحله با شکست مواجه شد، سنت الهی مردود نخواهد بود، بلکه فهم پژوهشگر اقتصاد اسلامی از سنت و خوانش او از حقیقت قرآن که در قالب فرضیه یا نظریه اقتصادی عرضه شده است، نیازمند اصلاح می‌باشد.

از سوی دیگر یکی از چالش‌ها، قابلیت برآورد از جهت زمان و مقدار است. در این باره باید گفت قوانین اقتصادی در علم اقتصاد، قوانینی کلی و غیر مقید به زمان و مقدارند. برای مثال با فرض پذیرش اینکه «افزایش تقاضای کل (به شرط ثبات بقیه شرایط) موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها است» قانونی عام و کلی است؛ اما اینکه چه مقدار افزایش تقاضا چه مقدار افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها ایجاد می‌کند در این قانون بیان نمی‌شود؛ چرا که بستگی به شرایط دیگری همچون علل افزایش تقاضای کل و شیب عرضه کل دارد و شیب عرضه کل نیز به عوامل متعددی از قبیل ساختار نظم تولید، بازار عوامل تولید و میزان بیکاری و ... دارد. با این وجود، در صورت وجود آمارهای مورد نیاز در مورد تقاضای کل و سطح قیمت‌ها، با بررسی سری‌های زمانی، رابطه این دو در دوره‌های مشابه، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی می‌توان با احتمال قابل قبولی برآورد کرد که چند درصد افزایش تقاضای کل موجب چند درصد افزایش سطح قیمت‌ها در چه زمانی خواهد شد. برای مثال در صورت وجود آمار مربوط به افزایش تقاضای کل و سطح قیمت‌ها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در ایران می‌توان با تقریب قابل قبولی برآورد کرد که در سال ۱۴۰۳ ده درصد افزایش تقاضای کل با چه فاصله

زمانی چه میزان افزایش در سطح عمومی قیمت ایجاد خواهد کرد. البته این در صورتی است که سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ از نظر سایر شرایط اقتصادی مشابه باشند در غیر این صورت این محاسبات و برآوردها قابل قبول نخواهد بود (میر معزی سید حسین، فلسفه دانش اقتصاد اسلامی (مبانی فلسفی)، در دست انتشار)

در سنت‌های الهی نیز رابطه‌ی علی و معلولی بین رفتارها و آثار اقتصادی آن به صورت کلی و قطعی توسط خداوند از طریق آیات و روایات معصومین (ع) بیان شده است؛ قوانینی که به هیچ روی تحویل و تبدیل در آنها وجود ندارد و از این جهت بر قوانین علم اقتصاد برتری دارند؛ ولی در مرحله تطبیق این قوانین بر جوامع دو تفاوت اساسی بین این قوانین با قوانین علم اقتصاد وجود دارد:

۱. در سنت‌هایی که قابل برآورد کمی هستند و از طریق روش‌های کمی و آماری قابل مطالعه‌اند نیز تفاوت در این است که غالباً آمار و اطلاعات لازم برای چنین برآوردی وجود ندارد؛ برای مثال اینکه عدالت‌ورزی در جامعه موجب افزایش برکات خواهد شد. (نگاه کنید به رابطه عدالت توزیعی و فراوانی تولید)^۱ یک قانون علمی کلی و قطعی است و اینکه چه میزان عدالت‌ورزی در چه زمانی و به چه میزان برکات مادی و اقتصادی را افزایش خواهد داد نیز در حد و تراز قوانین علم اقتصاد قابل برآورد است؛ ولی فارغ از بحث تراحم سنت‌های الهی و دشواری فهم سنت‌های حاکم، مشکل اینجا است که شاخص‌های عدالت‌ورزی در عرصه‌های مختلف اجتماعی تدوین نشده و آمارهای لازم برای برآورد این امور در دسترس نیست.

۲. بسیاری از این سنت‌ها ناظر به رفتارهایی هستند که باید از طریق روش‌های کیفی و پرسشنامه و مصاحبه مورد مطالعه قرار گیرند و استفاده از روش‌های کمی و آماری برای برآورد آنها ممکن نیست. برای مثال اینکه استغفار و توبه واقعی از

۱. (وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ) (مائده: ۶۶) / (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (اعراف: ۹۶) / (وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا) (جن: ۱۶). قوانین آسمانی برای تحکیم عدالت در توزیع و پایه‌ریزی روابط توزیعی جامعه بر مبانی عادلانه نازل شده است.

گناهان موجب بازشدن درهای رحمت مادی و معنوی خداوند است، قانونی قطعی است و اگر این عمل از فرد صادر شود یا روح استغفار و توبه بر جامعه حاکم شود ترتب اثر آن قطعی است؛ ولی احراز اینکه جامعه یا فرد در چه وضعیتی است به روش‌های مطالعات کیفی میسر است.

این فرض در جایی است که تعیین کمیت‌ها، در این گونه ناممکن شمرده شود؛ اما به نظر می‌رسد که نگاه قرآن امکان اندازه‌گیری باشد (ر.ک: بهمنی، ۱۷/۰۹/۱۴۰۱). از قرآن استفاده می‌شود که خدا هر چیزی را با اندازه‌ای مقرر کرده است: «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان: ۲)، «وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد: ۸)، «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳) و «وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن: ۲۸) در این آیات، قرآن از عبارت «کل شیء» استفاده کرده است. اما در اینکه ما با ابزارهایی بتوانیم آن کمیت‌ها را تعیین کنیم توجه به این نکته حائز اهمیت است که امکان تجربه همه سنت‌ها وجود ندارد. سنت‌های الهی بر اساس تجربه‌پذیری دو دسته‌اند: سنت‌های تجربی و سنت‌های فراطربری. برخی سنت‌ها را می‌توانیم بارها تجربه کنیم مثلاً سنت مرگ هر جاندار (آل عمران: ۱۸۵) را به کرات مشاهده می‌کنیم؛ اما سنت‌هایی مانند اجل امت‌ها (اعراف: ۳۴) یا استبدال اقوام (توبه: ۳۹) برای تجربه به زمان زیادی نیاز دارند و لازم است چندین نسل مورد بررسی قرار گیرند. همچنین تصور ایجاد نمونه‌های آزمایشگاهی در برخی از سنت‌های الهی، دور از ذهن است؛ مثلاً سه آیه «وَأَن اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» (هود: ۳)، «وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۲)، «وَأَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ» (هود: ۹۰) بر رابطه علی میان «استغفار سپس توبه» با «برخورداری از بهره نیک تا اجل مسمی» و نیز بر رابطه علی میان آن دو با «ارسال پی‌درپی باران» و «ازدیاد توانایی» دلالت دارند.

در این موضوع، علاوه بر اینکه معلوم نیست چه مقدار استغفار، چه تعداد استغفارکننده، با چه میزان از خلوص، همراه با چه میزان توبه و با چه مشخصاتی سبب فعلیت و تحقق نتایج سه‌گانه فوق می‌شود، به نظر می‌آید که آزمون این روابط علی هم

ناممکن باشد؛ زیرا «أجل مسمى» از امور غیبی است و به‌طور معمول انسان راهی برای آگاهی از آن ندارد؛ (ر.ک: بهمنی، ۱۷ / ۰۹ / ۱۴۰۱). با آگاهی روابط علی بدون آگاهی از کمیت‌های دقیق، نمی‌توان امر پیش‌بینی را محقق کرد.

پیش از این بیان شد که تلاش شده است روش‌های تحلیل متکی بر فکر ریاضی آماری تا حدی جایگزین آزمایشگاه کنترل‌شده در آزمون فرضیه شود. براین اساس، گفته می‌شود که در دنیای غیرقطعی، صرفاً با کشف باهمایی و کاربست منطق فازی و احتمالات می‌توان به‌گونه‌ای پیش‌بینی کرد که ضریب خطای آن اندک باشد.

از این جهت برخی معتقدند که برای پیش‌بینی الزاماً نیازی به مراحل گفته‌شده (کشف رابطه علت و معلول و تفکیک علت اقتضایی از تامه و تبدیل آن به تامه و...) نیست؛ یعنی می‌توان به‌صورت اقتضایی آینده را پیش‌بینی کرد و در این مسیر از هوش مصنوعی هم می‌توان بهره برد. این پیش‌بینی هرچند ظنی است، فواید فراوانی بر آن بار می‌شود. (ر.ک: سلیمانی امیری و مینایی، همان)

بنابراین، همان‌گونه که وجود اراده و فقدان آزمایشگاه کنترل‌شده در علم اقتصاد نافعی پیش‌بینی نیست و صرفاً آن را دشوار می‌کند، با پذیرش عناصر گفته‌شده در علم اقتصاد اسلامی، امکان پیش‌بینی به‌طور مطلق نفی نمی‌شود؛ هرچند امر پیش‌بینی را با مشکل مواجه می‌سازد.

۳. مطالعه موردی

یکی از روش‌های مهم برای استفاده از سنت‌های الهی جهت پیش‌بینی در علم اقتصاد اسلامی توجه به ارتباط منطقی بین متغیرهایی است که سنت‌های الهی مطرح می‌کنند و متغیرهایی است که علم اقتصاد در رابطه با آن بیان دارند. اگر بتوان این ارتباط منطقی را تبیین کرد در واقع توانسته‌ایم شاخص‌هایی برای سنت‌های الهی جهت پیش‌بینی در نظر بگیریم. در اینجا به سه سنت الهی اقتصادی اجتماعی برکات، اتراف و ابتلا به‌طور نمونه پرداخته می‌شود:

۳-۱. سنت برکات

برکت فزونی نعمت است که از پایداری و ثبات نیز برخوردار باشد. (مصطفوی، ۱۳۷۱،

ج ۱، ص ۲۵۹. طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۲۵۸. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۸۰ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۶۶) «سنت برکات» در حقیقت به دنبال تبیین رابطه علت و معلولی بین توسعه اقتصادی و عامل دیگری است که در صورت وجود آن، پایداری توسعه اقتصادی دست‌یافتنی و در صورت فقدان آن، محرومیت از توسعه اقتصادی قابل‌پیش‌بینی است؛ اما این عامل چه چیزی می‌باشد؟ این پرسشی است که از دهه هفتاد قرن بیستم ذهن اندیشمندان اقتصادی را به خود مشغول نموده است.

تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود؛ اما این برداشت ناصحیح، دست‌آوردی جز توده وسیع و فزاینده فقر در کشورهای رو به رشد به ارمغان نیاورد. به‌همین خاطر از این پس، در رویکردهای علمی به توسعه، تجدید نظر اساسی پدید آمد و توسعه اقتصادی به‌عنوان فرایندی در نظر گرفته شد که تغییرات در عوامل غیرکمی، مانند نهادها، سازمان‌ها و فرهنگ را هم در بر می‌گیرد. بهبود آموزش و بهداشت، و توجه به سرمایه انسانی در کنار سرمایه فیزیکی حاصل این تحولات بود. بدین ترتیب، مفهوم «توسعه پایدار» (Sustainable Development) شکل گرفت. مفهومی که در آن، علاوه بر پیشرفت و کارایی اقتصادی، توزیع عادلانه درآمد، اشتغال، کمک‌های هدفمند و حفاظت از محیط زیست، مدنظر قرار گرفت. (برای آشنایی بیشتر، ر.ک: رادکلیفت، ۱۳۷۳، ص ۸۰-۱۵.

گلدین و ویتترز، ۱۳۷۹، ص ۹۳-۱۲۱. کهن، ۱۳۷۶، ص ۱-۱۱)

قرآن بدون افت‌وخیزهایی مشهود در اقتصاد متعارف، به پرسش یادشده این‌گونه پاسخ داده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)

در این آیه، مطلوبیت «فزاینده‌گی و پایداری نعمت‌های الهی»، به عنوان یک پیش‌فرض اتخاذ شده است و «سنت برکات» فقط به دنبال تبیین عوامل دسترسی به این هدف و مطلوب می‌باشد. این آیه بیان می‌کند توسعه پایدار برخاسته از یک رفتار اجتماعی یعنی «ایمان و تقوای اجتماعی» و نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها می‌باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۰۱) بی‌گمان بین بُعد فردی و اجتماعی تقوا تفاوتی وجود دارد و در بُعد اجتماعی آن، مؤلفه‌هایی چون عدالت، برابری، فقرستیزی، حفظ محیط زیست که اقتصاد متعارف یکی پس از دیگری، با برخورد به بحران‌های بزرگ و تجربه افت و خیز شدید،

به عنوان شاخصه‌هایی برای «اقتصاد پایدار» در نظر گرفته است، وجود دارد. هرچند باید به این نکته توجه داشت که تقوا را نباید در امور یاد شده (عدالت، برابری و فقرستیزی و ...) منحصر کرد و باید امور دیگری را مطرح کرد که به ظاهر رابطه عقلی با توسعه پایدار ندارند؛ اما بر اساس منابع دینی می‌توانند در چارچوب نظام علی و معلولی به عدم تحقق توسعه پایدار منتج شوند. بیان شد که دستیابی به همه این عوامل می‌تواند امر پیش‌بینی را کامل‌تر و دقیق‌تر نماید.

در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: زمانی توسعه پایدار بدست می‌آید که در جامعه، عنصر «تقوی» با «صبر و استقامت»، نهادینه گردد: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶).^۱ بنابراین، از منظر قرآن اگر انسان در مسیر ایمان و تقوا حرکت کند یک نوع آشتی میان انسان و طبیعت برقرار می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۴۲، صدر، ۱۳۶۹، ص ۲۶۴) آشتی که با تکیه بر عنصر «شعور باطنی جهان»، به هم گامی تمامی منابع موجود در مسیر تحقق «فزاینده‌گی و پایداری نعمت» برای انسان منجر می‌گردد. حتی اگر انسان در ابتدا، مسیر صحیح را نیمه‌موده ولی پس از توجه، «استغفار» نموده و درصدد تحقق مقدمات لازم برای تقوای اجتماعی باشد، این رابطه نیز قابل اجرا می‌باشد. (هود: ۲۵. نوح: ۱۰-۱۲)

در هر صورت، سنت برکات از وجود یک رابطه علی و معلولی بین «عدالت اجتماعی - اقتصادی» و «پایداری و ثبات اجتماعی - اقتصادی» حکایت می‌نماید. البته قرآن، گاهی «سنت برکات» را از طریق بیان رابطه بین «ظلم و ستم اجتماعی» و «رشد و توسعه اقتصادی ناپایدار» تبیین کرده است: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵۸).

«بطر»، به معنای غفلت و سبک مغزی است که در اثر سوء استفاده از نعمت و قیام ننمودن به حق آن و مصرف کردن آن در غیر مورد به آدمی دست می‌دهد و حاصل آن طغیان و سرکشی هنگام برخورداری از نعمت است. (فضل الله ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۳۱۵ و طباطبایی،

۱. در برخی روایات «ماء غدقا» بر ولایت ائمه ع تطبیق شده (رک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۰)؛ اما شایان ذکر است که این‌ها از باب جری و تطبیق یا تفسیر باطنی و احیاناً تأویل نیز باشد.

ج ۱۶، ص ۶۱). در واقع اینان، کسانی هستند که در هنگام برخورداری از نعمت تکبر ورزیده و با پرهیز از روشی که در حمایت از فقرا و برقراری عدالت در جامعه می‌باشد، زمینه «ظلم اجتماعی - اقتصادی» را فراهم می‌آورند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۳۱۹ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۲۷) این برداشت قرآنی با توجه به آیه ذیل درباره جریان اقتصادی که در مورد قارون مطرح گردیده است، نیز قابل طرح می‌باشد. (قصص: ۷۶) اما پرسش در اینجا است که چنین رفتاری، چگونه موجب «ناپایداری اقتصادی» می‌گردد. فرایند مزبور نیاز به تأمل بیشتری دارد که در آیه ۱۸ و ۱۹ از سوره سبأ به یکی از جنبه‌های آن اشاره شده است: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمُ وَبَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَأَيَّامًا آمِنِينَ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلُّ مُمَزَّقٍ». این آیات اشاره به طلوع و غروب قوم سبأ دارد. اولین آیه، به تبیین اول «سنت برکات» پرداخته است. البته در اینجا فرایند تحقق سنت برکات را به ایجاد تسهیلات لازم برای برقراری ارتباطات گسترده و سالم نسبت داده است. گستردگی و عمومیت ارتباطات و پرهیز از پیدایش انحصار توسط ثروتمندان و قدرت‌مداران جامعه، زمینه لازم برای برقراری عدالت اجتماعی و امکان استفاده فقرا از ارتباطات مزبور را فراهم آورده و آنان را از سهم‌بری فرآورده‌های جامعه محروم نمی‌نماید؛ اما درآیه دوم، به این نکته می‌پردازد که این مردم ناسپاس در برابر آن همه نعمتهای بزرگ الهی که سرتاسر زندگانی آنها را فراگرفته بود، انتخاب صحیحی به عمل نیاوردند. آنان تجارت می‌کردند به گونه‌ای که از یمن به شام رفته و شب در دهی می‌خوابیدند و هنگام ظهر در روستای آباد دیگری که محتاج زاد و توشه نبودند، می‌آرمیدند. ارتباطات گسترده و بسیار آسان سبب گردید که ثروتمندان و اغنیا، بر فقرا حسد بورزند، زیرا که دیگر فرقی بین آنان و فقراء وجود نداشت. (بیگم، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۲۸۶) بنابراین از خدا طلب نمودند که منزلهای ما را از هم دور گردان و تجار و سرمایه‌داران برای اینکه متاع آنها کم‌یاب و گران شود، از خدا خواستند که مسافرت نمودن در اطراف آنها مشکل شود. منظورشان این بود که در میان این قریه‌های آباد فاصله‌ای بیفتد و بیابانهای خشکی پیدا شود، به این جهت که اغنیا و ثروتمندان مایل نبودند افراد کم درآمد همانند آنها سفر کنند و به هر جا می‌خواهند بی زاد و توشه و مرکب بروند. گویی سفر از افتخارات آنها و نشانه قدرت و ثروت بود و می‌بایست این امتیاز و برتری همیشه برای آنان ثبت شود و یا اینکه راحتی و رفاه آنها را

ناراحت کرده بود. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۶۴. زحیلی؛ ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۱۰۴. زحیلی؛ ۱۴۱۸، ج ۲۲، ص ۱۶۷) در هر حال، این دعا تنها در اذهان ثروتمندان و قدرت‌مداران جامعه محبوس نشد؛ بلکه با توجه به جایگاه اجتماعی آنان، در انتخاب‌ها و رفتارهای آنان نیز تأثیر گذاشته است. به گونه‌ای که در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه، تمایل به راهبردهایی یافته‌اند که در آن نه تنها از فقرستیزی اثری مشاهده نمی‌شود، بلکه اعمال این سیاست‌ها هر لحظه بر تشدید فاصله طبقاتی و ظلم اجتماعی افزوده می‌شود. سرانجام، چنین فرایندی جز بحران‌های اجتماعی و نابودی تمدن مزبور نیست: «وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ».

نتیجه اینکه رابطه علت و معلولی بین توسعه اقتصادی و عوامل معنوی همچون ایمان و تقوا وجود دارد. این مطلب با آنچه که درباره رابطه بین عدالت و توسعه اقتصاد پایدار مطرح می‌شود، ارتباط منطقی دارد. این ارتباط به ما کمک می‌کند پایداری توسعه اقتصادی را توسط سنت برکات پیش‌بینی نماییم؛ هرچند طبق مباحث پیشین در این امر با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که باید برای حل هریک از آن‌ها راهی پیدا کرد؛ اما موضوع پیش‌بینی را به کلی منتفی نمی‌کند و نهایتش این است که نمی‌توان درباره زمان وقوع آن یک پیش‌بینی قوی را انجام داد. منتهی این پیش‌بینی از جهات دیگر دقیق، کامل و با دیدن همه عوامل خواهد بود.

با این حال، بر اساس توضیحاتی که در زیر می‌آید می‌توان در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سنت برکت را دخیل کرد و اقدام به پیش‌بینی نمود. از آنجا که سنت برکات بر تولید و مصرف مسئولانه به جای حداکثرسازی سود کوتاه‌مدت تأکید دارد، به لحاظ تحلیل اقتصادی نشان از تأثیر عدالت توزیعی (مثل پرداخت زکات، انفاق و...) بر رشد پایدار اقتصاد دارد. جوامعی که به توزیع عادلانه‌تر درآمد پایبندند، از ثبات اقتصادی بیشتری برخوردارند.

به لحاظ سیاست‌گذاری پیشنهاد طراحی نظام مالیاتی مبتنی بر زکات (به جای مالیات‌های تصاعدی صرف) برای کاهش فقر و تحرک اقتصادی را می‌دهد و به منظور ترجیح رفاه جمعی بر سود فردی، بر حمایت از کسب و کارهای کوچک و تعاونی‌ها تمرکز دارد و برای پروژه‌های زیست‌محیطی و کشاورزی پایدار (به عنوان مصداق برکت در منابع طبیعی) سیاست‌های تشویقی را معرفی می‌کند.

البته می‌توان برای پیش‌بینی بر اساس سنت برکات شاخص‌های قابل اندازه‌گیری زیر را پیشنهاد داد:

- نرخ زکات و انفاق در جامعه (به عنوان نماد عدالت توزیعی).
- سطح رضایت اجتماعی (بر اساس کاهش فقر و نابرابری).
- بهره‌وری منابع طبیعی بدون تخریب محیط زیست.
- رابطه مثبت بین شاخص برکت (ترکیبی از عدالت، اخلاق، و پایداری زیست‌محیطی) و رشد اقتصادی پایدار را می‌توان با روش‌های اقتصادسنجی آزمود. هرچند در این مسیر با چالش‌هایی مانند تبدیل مفاهیم کیفی به داده‌های کمی، یا ادغام این سنت با مدل‌های اقتصاد متعارف وجود دارد؛ اما در این موارد می‌توان از راهکار زیر بهره برد:
- استفاده از نظرسنجی‌های میدانی برای سنجش «رضایت از عدالت اقتصادی» یا «میزان انفاق» به عنوان پراکسی برکت.
- توسعه مدل‌های «اقتصاد اسلامی-رفتاری» که عوامل معنوی را در تابع مطلوبیت افراد وارد می‌کند (مثلاً مطلوبیت ناشی از انفاق).

۲-۳. سنت اتراف

«اتراف» گسترش در نعمت و روزی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۷۰ و فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۱۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷ و طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۵۹) و مترف به کسانی گفته می‌شود که مست و مغرور به نعمت دنیوی شده و طغیان کرده‌اند و از ماورای نعمت غافل شده‌اند (میبدی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۳۱ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۱، ص ۳۹ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۷. مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۴۱۷. طیب، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۹۰. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹ ص ۱۲۴) بدیهی است که پدید آمدن چنین حالتی برای گروه «ملا» که از اموال و ثروت سرشاری برخوردارند امکان بیشتری خواهد داشت. بی‌گمان اگر این صفت در طبقه خاصی از اجتماع به وقوع بپیوندد، عدالت اجتماعی را از آن جامعه سلب نموده و زمینه سقوط آن جامعه را فراهم می‌آورد. آیه ذیل به خوبی این پدیده را که می‌توان از آن به سنت اتراف یاد کرد تبیین می‌نماید: «وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء: ۱۶) در این آیه

مراحل چهارگانه «اوامر (و نواهی)»، «فسق و مخالفت»، «استحقاق مجازات» و «مرحله هلاکت» را به عنوان فرایند تاریخی این سقوط در نظر گرفته است. همه این مراحل با فاء تفریع به یکدیگر عطف شده‌اند که نشان‌دهنده ترتب وقوعی آنها می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۵۹ و مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۹ و زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۵، ص ۳۶. طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۶، ص ۶۲۶). بدین ترتیب می‌توان گفت در فرهنگ قرآنی، «تعادل خودکار» نمی‌تواند به عنوان یک پیش‌فرض برای تئوری‌های اقتصادی در نظر گرفته شود، به گونه‌ای که تمامی امور به آن سپرده شود؛ بلکه می‌بایست به برنامه‌ریزی‌های مربوط به عدالت اجتماعی پرداخته شود، در غیر این صورت، می‌بایست وقوع نوسانات گوناگون اقتصادی را پیش‌بینی نمود. از سوی دیگر سقوط اجتماع، به معنای تغییر روابط حاکم و تحول و اصلاح آن به روابط نوین، در طی یک مبارزه شدید صورت می‌گیرد. طبقه ملاً به دلیل وابستگی به روابط ظالمانه موجود، تلاش در حفظ آن را دارند، این در حالی است که پیامبران در جهت حذف این روابط قیام می‌نمایند. به همین دلیل مخالفت طبقه «ملأ» با پیامبران در طول تاریخ همیشگی بوده است. قرآن کریم به مبارزه و مخالفت این طبقه با انبیائی چون نوح، هود، صالح، شعیب و موسی (ع) (اعراف: ۶۰ و ۶۶ و ۷۶ و ۸۸ و ۱۰۹) اشاره کرده است. اگر چه چنین آیاتی مبارزه مزبور را به صورت مبارزه حق و باطل مطرح می‌نمایند و این نظریه باطل را که با زیربنا قرار دادن اقتصاد مبارزه مزبور را به عنوان یک مبارزه طبقاتی آن هم اجتماعی - اقتصادی صرف در نظر می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸)، تأیید نمی‌کند؛ اما مبارزه مزبور را خالی از جنبه‌های اقتصادی نیز نمی‌داند؛ زیرا در برخی موارد، تعالیم انبیا که در صدد اصلاح روابط ظالمانه موجود می‌باشند، به تنظیم رفتارهای اقتصادی گروه حاکم پرداخته و به همین خاطر مخالفت این گروه را به همراه داشته و در نتیجه مبارزات اجتماعی منعقد شده است.

از بحث‌های مورد بررسی در علوم اجتماعی که در تبیین سنت اتراف مفید می‌باشد چگونگی تأثیرگذاری جامعه و محیط بر فرد است. محیط خارجی شامل محیط طبیعی و جغرافیایی و محیط انسانی و اجتماعی است. تأثیرگذاری محیط اجتماعی بر شخصیت فرد در مسیرهای مختلفی می‌تواند صورت پذیرد. یکی از این مسیرها «تقلید» می‌باشد. قرآن کریم تقلید را در زمینه‌های گوناگونی مطرح نموده است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸،

ص ۲۱۶-۲۲۸) «اتراف» از جمله این گونه رفتارهای اقتصادی است که آثار اقتصادی آن را می‌توان در نظریه «اثر نمایشی» (Demonstration effect) تبیین کرد. در این نظریه مطرح می‌شود که مردم با مصارف نمایشی خود با یکدیگر چشم و هم‌چشمی می‌کنند و این رفتار در تعیین عادات مصرف و پس‌انداز آن‌ها مؤثر است. بنابراین، این امکان وجود دارد که با وجود افزایش درآمد واقعی به دلیل بالا بودن سطح درآمد نسبی در اثر اختلاف طبقاتی شدید، پس‌انداز بالا نرود. (نورکس، ۱۳۴۸، ص ۶۸)

گفته شد طبقه ملأ در پیدایش سنت اتراف نقش مهمی دارند. «ملأ» در لغت به گروهی گفته می‌شود که دیدن آنان چشمان را پر کند و جان‌ها را هیبت و جبروت آن‌ها بگیرد. مصداق بارز این معنا گروه اشراف قوم و چهره‌ها و روسا و پیشوایان آن‌هاست که به گفتار و رفتار آنان اعتنا می‌شود. از سوی دیگر درباره ارتباط مفهوم لغوی این واژه با ریشه‌اش که به معنای «پر بودن» می‌باشد باید گفت تنها به این دلیل به آن‌ها «ملأ» می‌گویند که در اظهار رأی و ثروت لبریز بوده و نهایت وضعیت موجود می‌باشند. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۶ و مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۵۵. ابن منظور ج ۱، ص ۱۵۹) در قرآن کریم واژه «ملأ» سی بار تکرار شده که به جز پنج مورد (مانند نمل: ۲۹ و ۳۲ و ۳۸) با بار منفی و اوصاف ناپسند ذکر شده است و لذا می‌توان گفت عموماً از آن مفهومی نکوهیده استنباط می‌شود (ر.ک: رحیلی، ۱۴۱۸، ج ۹، ص ۲۷. طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۸۵. بیگم، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۶۶. صادقی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۱۶۰ و قمی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۷۹. طبرسی، ۱۴۰۶: ذیل آیه ۲۴۶ بقره و ذیل آیه ۶۱ اعراف و عبده، بی‌تا: ذیل آیه ۶۱ اعراف ج ۸ ص ۴۹۱)

از نظریاتی که می‌تواند ما را در تبیین این پدیده کمک نماید نظریه طبقه مرفه (The theory of the leisure class) است. وبلن، پیرامون واکنش طبقه مرفه در جامعه صنعتی و مخالفت با هرگونه تغییرات روابط اقتصادی، این گونه می‌گوید:

«طبقه مرفه تا اندازه زیادی از فشار پیشامدهای اقتصادی که در جامعه‌های نوین و پیچیده صنعتی وجود دارد، در امان است. مقتضیات اقتصادی، برای اعضای این طبقه باعث ناآسودگی و دشواری زندگی نمی‌شوند، تا آن‌ها را وادارند که به فکر رها کردن روش موجود و معمول زندگی بيفتند. وظیفه طبقه مرفه این است که حرکت تکامل

اجتماعی را کند و آنچه را که کهنه و قدیمی است، همچنان حفظ کند. این قضیه به هیچ‌وجه تازگی ندارد و دیر زمانی است که مورد توافق عقیده عمومی است». (وبلن، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷)

همان گونه که مشاهده شد، سنت اتراف به دنبال تبیین رابطه بین حاکمیت مترفین و سقوط تمدن‌ها می‌باشد. تلاش شد این رابطه با دو نظریه اثر نمایشی و طبقه مرفه تبیین شود. بی‌گمان توجه به این امر، سبب سهولت پیش‌بینی دقیق و همه‌جانبه برای ما می‌گردد؛ هرچند توجه به این نکته ضروری است که سنت‌های الهی را باید در چارچوب نظام علی و معلولی مجرد و مادی در طول هم، فهم و توجیه نمود و نباید آن‌ها از جمله تدمیر مترفین را در همان فرآیند عقلی پیش‌گفته محدود کرد.

در هر حال می‌توان در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، سنت اتراف را دخیل کرد و اقدام به پیش‌بینی کرد.

در مورد تحلیل اقتصادی، رابطه بین نابرابری درآمدی و بی‌ثباتی اجتماعی-اقتصادی (مطابق با سنت اتراف که جوامع مرفه اما ناعدلانه را مستعد سقوط می‌داند) و نیز تحلیل صنایعی که مبتنی بر اتراف هستند (مثل تولید کالاهای لوکس غیرضروری) و تأثیر آنها بر تخصیص ناکارآمد منابع، باید مورد بررسی قرار گیرند.

اما از جهت سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر عدم اتراف به سه مورد می‌توان اشاره کرد:

- وضع مالیات بر کالاهای لوکس (مصادیق اتراف) و اختصاص درآمد آن به پروژه‌های عام‌المنفعه.

- تنظیم مقررات برای محدود کردن تبلیغات مصرف‌گرایی افراطی (به ویژه برای اقشار کم‌درآمد).

- تقویت اقتصاد مشارکتی (Shared Economy) و کاهش اسراف در منابع. براساس آنچه تاکنون گفته شد، اتراف (اسراف و مصرف افراطی) به عنوان عامل سقوط تمدن‌ها با بحران‌های ناشی از نابرابری، بدهی‌های کلان و حباب‌های اقتصادی مرتبط است. بر اساس شاخص‌های قابل اندازه‌گیری مانند ضریب جینی (نابرابری درآمدی)، نسبت بدهی خانوارها به درآمد، حجم بازار کالاهای لوکس غیرضروری، می‌توان بحران‌های اقتصادی را پیش‌بینی کرد.

به بیانی دیگر، با جمع‌آوری داده‌های حجم بازار کالاهای لوکس، نرخ بدهی خانوارها و ضریب جینی در یک کشور و پس از آن ترکیب این متغیرها با وزندهی بر اساس آموزه‌های اسلامی (مثلاً تأکید بیشتر بر نابرابری) و تحلیل روند (اگر شاخص اتراف برای ۳ سال متوالی افزایش یابد، احتمال بحران اقتصادی در ۵ سال آینده بالا می‌رود) می‌توان سیاست‌گذاری پیشگیرانه را مطرح کرد مثلاً بر ثروت مالیات وضع کرد و در اعطای وام‌های پرریسک محدودیت ایجاد نمود.

۳-۳. سنت ابتلا

قرآن جوامع را در معرض آزمون‌های اقتصادی (مانند قحطی یا وفور نعمت) قرار می‌دهد (عنکبوت: ۲. بقره: ۱۵۵) تا تاب‌آوری آن‌ها سنجیده شود و انسان‌ها و جوامع به کمال مطلوب راه یابند. ابتلاء و امتحانات الهی یکی از مهم‌ترین چالش‌های سنت‌های الهی است و در اینجا باید اشاره شود که چگونه ابتلاء و آزمایش الهی باعث پیچیده‌تر شدن پیش‌بینی می‌شود؟ آیا می‌توان رویکردی را برای لحاظ کردن این عامل در پیش‌بینی اقتصادی پیشنهاد داد؟

هرچند زمان اجرای سنت ابتلاء براساس علم الهی است و بخشی از آن به اراده انسان‌ها بستگی ندارد و از این جهت پیش‌بینی اجرای سنت ابتلاء سخت و دشوار است؛ اما نکات زیر می‌تواند در اینجا راهگشا باشد؛ اولاً بخش دیگری از سنت ابتلاء مشروط و به اراده انسان‌ها بستگی دارد. در این گونه موارد می‌توان با برنامه‌ریزی در حوزه اخلاق و رفتار و ارتقای اخلاق اجتماعی وقوع ناگوار برخی حوادث را پیش‌بینی کرد یا از وقوع آن‌ها جلوگیری کرد. (ر.ک: ترخان، ۱۴۰۳، ص ۱۸۶-۲۰۰) ثانیاً در مورد سنت ابتلائی مطلق هرچند نمی‌توان در اصل اجرای آن نقشی داشت؛ اما می‌توان کمیت و کیفیت آن را تغییر داد یا بحران‌ها را با برنامه‌ریزی به فرصت تبدیل کرد. در این بخش پیش‌بینی وقوع حوادث طبیعی یا اجتماعی می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

در یک تحلیل اقتصادی می‌توان بررسی رابطه بین تاب‌آوری اقتصادی و پایداری به اخلاقیات در بحران‌ها را نشان داد. جوامعی که در بحران به همبستگی اجتماعی روی می‌آورند، سریع‌تر بهبود می‌یابند. به لحاظ سیاست‌گذاری ایجاد صندوق‌های اجتماعی برای روزهای سخت مانند وقف یا انفاق، تک محصولی نکردن کشور در حوزه اقتصاد،

گنجاندن آموزش مهارت‌های اخلاقی-اقتصادی (مانند قناعت) در برنامه‌های توسعه را می‌توان پیشنهاد داد. از این‌رو، تنوع بخشی اقتصادی (اجتناب از تک محصولی بودن) و همچنین سطح همبستگی اجتماعی (مشارکت در وقف و انفاق) را می‌توان به عنوان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و براساس سنت ابتلا مطرح و بر اساس آن‌ها پیش‌بینی کرد آیا در بحران‌های اقتصادی، جوامع می‌توانند سریع بهبود یابند یا نه؟

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با روش تحلیلی توصیفی با این پیش‌فرض که یکی از مشکلات علم اقتصاد مدرن نقص معرفتی آن است به سؤال اصلی خود پاسخ گفته است. عامل این نقص معرفتی در نظر نگرفتن سنت‌های الهی است؛ اما همین پرسش اساسی دیگری را تولید کرده است که این مقاله بدان پرداخته است. پرسش این است که آیا با لحاظ سنت‌های الهی در علم اقتصاد با چالش پیش‌بینی مواجه نخواهیم شد؟

- در پاسخ به این پرسش مواردی مورد بحث قرار گرفت و نتایجی حاصل شد:
۱. پیش‌بینی در علم اقتصاد رایج از جایگاه مستحکمی برخوردار نیست؛ هرچند در علم اقتصاد اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از اهداف طولی مورد پذیرش قرار گیرد.
 ۲. علم اقتصاد موجود نیز نمی‌تواند پیش‌بینی دقیق و همه‌جانبه‌ای را به بشریت عرضه کند. اما رفع این چالش، ما را با چالش مهم‌تری مواجه می‌سازد که با لحاظ سنت‌های الهی به طریق اولی نمی‌توانیم حوادث اجتماعی و اقتصادی را پیش‌بینی کنیم.
 ۳. هرچند در علم اقتصاد مطلوب با لحاظ سنت‌های الهی عناصری مانند اراده، علم غیب الهی و مصلحت دخیل خواهند شد؛ اما این‌ها نمی‌توانند از اساس امر پیش‌بینی را ناممکن کنند هرچند سختی دستیابی به پیش‌بینی، مضاعف است اما چنین علمی با نقص معرفتی مواجه نیست و بر این سختی مضاعف می‌توان با تکنیک‌هایی فائق آمد.
 ۴. تأکید این نوشتار، توجه به موارد عینی و پرهیز از کلیات بود. از این رو با مروری به علم اقتصاد و در نهایت دو سنت اقتصادی سنت برکات و اتراف امر پیش‌بینی، واکاوی و نشان داده شد که اولاً سنت برکات ارتباط منطقی بین عدالت و توسعه اقتصاد پایدار را

مطرح می‌کند. کشف این ارتباط به ما کمک می‌کند پایداری توسعه اقتصادی را توسط سنت برکات پیش‌بینی نماییم. ثانیاً، سنت اتراف که به دنبال تبیین رابطه بین حاکمیت مترفین و سقوط تمدن‌ها است، توسط دو نظریه اثر نمایشی و طبقه مرفه قابل تبیین می‌باشد و این امر سبب سهولت پیش‌بینی دقیق برای ما می‌گردد.

۵. از آنجایی که جوامع در معرض آزمون‌های اقتصادی (سنت ابتلا) قرار می‌گیرند، ضمن پذیرش پیچیدگی امر پیش‌بینی با لحاظ این سنت در دو ساحت ابتلای مطلق و مشروط، به چالش‌ها و راهکارها اشاره شد.

۶. به منظور کاربردی کردن نظریه سنت‌های الهی در حوزه اقتصاد، تلاش شد اقتضائات آن در دو حوزه تحلیل و سیاست‌گذاری اقتصادی در ارتباط با امر پیش‌بینی مورد لحاظ قرار گیرد.

کتابنامه

قرآن

ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، دار صادر، سوم، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
بهمنی، سعید؛ کرسی ترویجی «چالش‌های کاربردی سنت‌های الهی در هوش مصنوعی»؛
۱۴۰۱/۰۹/۱۷.

بیگم، سیده نصرت (بانوی ایرانی): مخزن العرفان فی تفسیر القرآن، تهران: نهضت زنان
مسلمان، ۱۳۶۱.

ترخان، قاسم؛ سنت‌های الهی اجتماعی و پیشرفت؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۳.

رادکلیفت، مایکل؛ توسعه پایدار، ترجمه: حسین نیر، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد
کشاورزی، اول، تهران، ۱۳۷۳ ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ لبنان - سوریه: دارالعلم - الدار
الشامیه، ۱۴۱۴ ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ التفسیر الوسیط، اول، دمشق: دار الفکر، ۱۴۲۲ ق.
زحیلی، وهبه بن مصطفى؛ تفسیر المنیر فی العقیده الشریقه و المنهج؛ اول، بیروت: دار الفکر

المعاصر، ۱۴۱۸ ق.

صادقی، تهرانی محمد: الفرقان فی تفسیر القرآن، دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
صدر، سید محمد باقر؛ سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ترجمه حسین منوچهری، اول، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۹
صدر، سیدمحمدباقر؛ المدرسة القرآنیة؛ ج ۳، قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۳۹۸ ق.

طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

طبرسی (امین الاسلام)، أبی علی الفضل بن الحسن: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، اول، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ ق.

طریحی، فخر الدین: مجمع البحرين، محقق و مصحح: سید احمد حسینی، سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

طیب، سیدعبد الحسین؛ أظیب البیان فی تفسیر القرآن، دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
عظیمی، حسین؛ ماهیت و روش در علم اقتصاد؛ دانشگاه انقلاب بهار و تابستان ۱۳۷۳ - شماره ۱۰۱ و ۱۰۲، ص ۱۱۵-۱۳۴.

فابین، پیترو؛ خطابه و واقع گرایی در روش شناسی اقتصادی: ارزیابی نقادانه دستاوردهای اخیر. نشریه برنامه و بودجه، ش ۱، ۱۳۸۱، ص ۴۳-۷۷.

فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ تحقیق مهدی المخزومی / ابراهیم السامرائی؛ تصحیح اسعد الطیب؛ قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.

قائمی‌نیا، علی‌اصغر؛ دیدگاه تونی لاوسن در دو کتاب «اقتصاد و واقعیت» و «بازبنیاد اقتصاد»؛ کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۶۵، مرداد ۱۳۹۲، ص ۲۴-۲۶.

قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ اول، تهران: مؤسسة الطبع و النشر وزارت ارشاد، ۱۳۶۶ ش.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق؛ کافی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
گلدین، یان و وینترز، ال.آلن: اقتصاد توسعه پایدار، مترجمان: غلامرضا آزاد(ارمکی) و

- عبدالرضا رکن الدین افتخاری، اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۹ ش.
- محمدی گیلانی، محمد و قربانی لاهیجی، زین العابدین؛ قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر؛ ج ۲، تهران: سایه، ۱۳۸۵.
- مدرسی، سید محمد تقی: من هدی القرآن، اول، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، اول، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ ج ۱، مؤسسه الطباعة والنشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱؛ چ ۱۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۱۵؛ چ ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
- مطهری، مرتضی؛ مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، ج ۵ (جامعه و تاریخ)، پنجم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- مقدم، وحید و واعظی، محمد؛ جایگاه رئالیسم و ابزارگرایی در روش‌شناسی علم اقتصاد، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۸، ۱۵ (۵۸)، ص ۳۳-۶۲.
- مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، اول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ملکیان، مصطفی؛ تاریخ فلسفه غرب، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷.
- میددی، ابوالفضل: کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، اول، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
- نوربرت فوگن، هانس؛ ماکس وبر؛ ترجمه محمود رامبد؛ تهران: هرمس، ۱۳۸۵.
- نورکس، راگنار؛ مسائل تشکیل سرمایه در کشورهای توسعه نیافته، ترجمه: عبدالله زندیه، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، مؤسسه تحقیقات اقتصادی، ۱۳۴۸ ش.
- وبلن، تورستین: نظریه طبقه مرفه، ترجمه: فرهنگ ارشاد، اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ ش.
- Amini Eslami, Amin al-Islam (Tabarsi), Abu Ali al-Fazl ibn al-Hasan. (1406 AH). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Ma'rifa. (In Arabian)
- Azimi, Hossein. (1994). Mahiyat va Ravesh dar 'Elm-e Eghtesad. Daneshgah-e Enghelab Journal, Spring-Summer, Nos. 101-102, 115-134. (In Persian)
- Fabian, Peter. (2002). Khetabeh va Vaqe'-Gerayi dar Ravesh-Shenasi-ye Eghtesadi: Arzyabi-ye Naqedaneh-ye Dastyavardhaye Akhir. Plan and Budget Journal, 1, 43-77. (In Persian)
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. (2004). Kitab al-'Ayn. Ed. Mahdi al-Makhzumi & Ibrahim al-Samarra'i. Qom: Osveh Publications. (In Arabian)

- Fawgen, Hans Norbert. (2006). Max Weber (Trans. Mahmoud Rambod). Tehran: Hermes. (In Persian)
- Goldin, Ian, & Winters, L. Alan. (2000). Eghtesad-e Tose'eh-ye Paydar (Trans. Gholamreza Azad & Abdolreza Roknoddin Eftekhari). Tehran: Commercial Printing & Publishing Co. (In Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. (1414 AH). Lisan al-'Arab. 3rd ed. Beirut: Dar Sader. (In Arabian)
- Kalayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1407 AH). Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Arabian)
- Khansari, Qasem. (2024). Sonnat-haye Elahi-ye Ejtema'i va Pishraft. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought. (In Persian)
- Madresi, Seyyed Mohammad Taqi. (1419 AH). Min Huda al-Qur'an. Tehran: Dar Mohib al-Hosseini. (In Arabian)
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). Tafsir-e Nemuneh. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Maki, U. (2000). Reclaiming relevant realism. Journal of Economic Methodology, 7(1), 109-125.
- Malekian, Mostafa. (1998). Tarikh-e Falsafeh-ye Gharb. Qom: Office for Seminary-University Cooperation. (In Persian)
- Maybodi, Abolfazl. (1984). Kashf al-Asrar wa 'Uddat al-Abrar. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi. (1989). Jame'eh va Tarikh az Didgah-e Qur'an. Tehran: Islamic Propagation Organization Press. (In Persian)
- Mohammadi Gilani, Mohammad, & Ghorbani Lahiji, Zeyn al-Abedin. (2006). Qur'an va Sonan-e Elahi dar Ejtema'-e Bashari. 2nd ed. Tehran: Saye. (In Persian)
- Moqaddam, Vahid, & Va'ez, Mohammad. (2009). The position of realism and instrumentalism in economic methodology. Ravesh-Shenasi-ye Oloum-e Ensani, 15(58), 33-62. (In Persian)
- Mostafavi, Hassan. (1992). Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Press. (In Arabian)
- Motahari, Morteza. (1993). Moqaddameh'i bar Jahanbini-ye Eslami, Vol. 5: Society and History. 5th ed. Tehran. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (2005). Majmu'eh-ye Asar, Vol. 1. 12th ed. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (2008). Majmu'eh-ye Asar, Vol. 15. 4th ed. Tehran: Sadra Publications. (In Persian)
- Nurkse, Ragnar. (1969). Masa'el-e Tashkil-e Sarmayeh dar Keshvarhaye Tose'eh-Nayafteh (Trans. Abdollah Zandieh). Tehran University, Institute of Economic Research. (In Persian)
- Qaeimi-Nia, Ali Asghar. (2013). Tony Lawson's view in Economics and Reality and Reorienting Economics. Ketab-e Mah-e Oloum-e Ejtema'i, 65, 24-26. (In Persian)
- Qomi Mashhadi, Mohammad. (1987). Tafsir Kanz al-Daqa'iq wa Bahr al-Ghara'ib. Tehran: Ministry of Culture and Guidance Press. (In Persian)

- Radcliffe, Michael. (1994). Tose'eh-ye Paydar (Trans. Hossein Nayer). Tehran: Center for Planning and Agricultural Economics Studies. (In Persian)
- Ragheb Esfahani, Hossein ibn Mohammad. (1414 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an. Lebanon-Syria: Dar al-'Ilm & al-Dar al-Shamiya. (In Arabian)
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1986). Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Qom: Farhang-e Eslami Publications. (In Persian)
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer. (1398 AH). Al-Madrasah al-Qur'aniyyah. 3rd ed. Qom: Shahid Sadr Research Center. (In Arabian)
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer. (1990). Sonnat-haye Ejtema'i va Falsafeh-ye Tarikh dar Maktab-e Qur'an (Trans. Hossein Manouchehri). Tehran: Raja Cultural Center. (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Beirut: Mu'assasat al-A'lami. (In Arabian)
- Tashkhiri, Mohammad Ali. (2007). Shari'a foundations of Islamic securities (Sukuk). Islamic Economics Quarterly, 9, 27. (In Persian)
- Taskhiri, Mohammad Ali. (2008). Mabani-ye Shar'i-ye Oragh-e Bahadar-e Eslami (Sukuk). Islamic Economics Quarterly, 9, 27. (In Persian)
- Tayyeb, Seyyed Abdolhossein. (1999). Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. 2nd ed. Tehran: Eslam Publications. (In Arabian)
- Torayhi, Fakhr al-Din. (1996). Majma' al-Bahrayn. Ed. Seyyed Ahmad Hosseini. 3rd ed. Tehran: Mortazavi Bookstore. (In Arabian)
- Veblen, Thorstein. (2004). Nazariyeh-ye Tabaqeh-ye Morafah (Trans. Farhang Ershad). Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Zahili, Wahbah ibn Mostafa. (1418 AH). Tafsir al-Munir fi al-'Aqidah wa al-Shari'ah wa al-Manhaj. Beirut: Dar al-Fikr al-Mu'aser. (In Arabian)
- Zahili, Wahbah ibn Mostafa. (1422 AH). Al-Tafsir al-Wasit. Damascus: Dar al-Fikr. (In Arabian)



Zakat and Islamic Economic Prosperity: A Content Analysis of Scholarly Articles

Hamidreza Radfar: Assistant Professor, Asian Cultural Documentation Center, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding author).

h.radfar@ihcs.ac.ir | 0000-0003-1135-1837

Nayere Jafari Far: MSc Department of Knowledge and Information Science; Qom University of Medical Sciences; Qom, Iran.

puqlib@muq.ac.ir | 0000-0002-2982-1203

Abstract

Zakat is important in Islamic economy. Analysis of the content of articles is a tool for informing policymakers in the field of zakat. For this reason, the research analyzed all 137 articles in the field of zakat indexed in the Islamic World Science Citation Center between 1382-1402 using a descriptive method and quantitative and applied content analysis. Among the 83 academic institutions with works in Iran, "Imam Sadiq University" is the best with 18 works. "Mohammad Mahdi Askari", "AbdolMohammad Kashian", "Ahmad Shaabani" were recognized as the top authors and the journal "Islamic Economics Studies" is the busiest with 13 articles. 84 topics have emphasized the field of zakat, the topic of "Islamic economy" with the highest frequency of repetition in the articles (57 articles) was recognized as the core topic. Using strategies to raise awareness of the position of zakat from the point of view of Islam in society; Creating culture in the field of paying zakat in the society; Establishing a comprehensive, complete and solid law on zakat; Estimating the potential capacity of providing zakat in Iran; Introducing the proposed organization to organize and operationalize the tax policy of Zakat in the country; Compilation and implementation of a codified and integrated plan for zakat collection by the trustee were among the solutions identified from the research.

Keywords

Zakat, Content Analysis, Scientific Productions, Islamic World Science Citation Center (ISC), Economic Prosperity.

زکات در مسیر رونق اقتصادی اسلامی، تحلیل محتوای مقالات

حمیدرضا رادفر: استادیار مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول). h.radfar@ihcs.ac.ir

نیره جعفری فر: کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم، قم، ایران. puqlib@muq.ac.ir

چکیده

با توجه به نقش مهم زکات در اقتصاد اسلامی تحلیل محتوای مقالات، ابزاری برای آگاهی بخشی سیاست‌گذاران حوزه زکات است. از این رو پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل محتوای کمی و از نوع کاربردی تمامی ۱۳۷ مقاله حوزه زکات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام بین سال‌های ۱۳۸۲-۱۴۰۲ را مورد تحلیل قرار داد. از بین ۸۳ موسسه علمی صاحب اثر ایران در حوزه زکات، دانشگاه امام صادق (ع) با ۱۸ اثر سرآمدترین است. محمد مهدی عسکری، عبدالمحمد کاشیان و احمد شعبانی نویسندگان برتر شناخته شده و از میان مجلات، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی با ۱۳ مقاله پرکارترین است. ۸۴ موضوع بر حوزه زکات تاکید داشته‌اند که حوزه موضوعی اقتصاد اسلامی با بیشترین فراوانی تکرار در مقالات (۵۷ مقاله) موضوع هسته شناخته شد. بکارگیری راهبردهای آگاهی‌رسانی جایگاه زکات از دیدگاه اسلام در جامعه، فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت زکات در جامعه، وضع یک قانون جامع، کامل و متقن در مورد زکات، برآورد ظرفیت بالقوه تامین زکات در ایران، معرفی نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور، تدوین و اجراسازی برنامه مدون و یکپارچه برای گردآوری زکات از سوی متولی امر از جمله راهکارهای شناسایی شده حاصل از این پژوهش بودند.

واژگان کلیدی: زکات، تحلیل محتوا، تولیدات علمی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، رونق اقتصادی.

مقدمه

زکات، از مفاهیم کلیدی در قرآن کریم و جزء فروع دین محسوب می‌گردد. زکات در ۲۹ سوره و ۵۶ آیه، ۵۹ دفعه در قرآن تکرار شده و در حدود ۲۰۰۰ روایت اسلامی به آن اشاره گردیده است. فقیهان نامدار مسلمان از دیرباز درباره آن بحث و پژوهش انجام داده و ماحصل کار خود را در آثار و متون اسلامی ارائه نموده‌اند. در اثر وسایل الشیعه و مستدرک آن، ۱۹۸۰ حدیث در مورد زکات ذکر شده است (حر عاملی، هـ. ق ۱۴۱۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق). که اهمیت بالای آن را می‌رساند. بحث درباره زکات، از زمان شیخ مفید که نزدیک‌ترین دانشمند شیعه امامیه به دوران غیبت کبری است، در مباحث فکری اسلامی وجود داشته و همچنان ادامه دار است. (هریانینگروم^۱ و همکاران، ۲۰۲۴؛ آردانا^۲ و همکاران، ۲۰۲۴؛ موخید^۳، ۲۰۲۴؛ هاریون^۴، ۲۰۲۳؛ کریم^۵ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ایرسیام الدین^۶ و همکاران، ۲۰۲۱)

اکنون نیز مراجع تقلید، آن را در حوزه‌های فقهی، بررسی و نظریه‌های خود را در مورد آن منتشر می‌کنند. طریحی (۱۴۰۸ هـ. ق) کلمه «الزکاة» را از مصدر «زَکَى» به معنای رشد کردن دانسته و اشاره دارد که پرداخت زکات موجب برکت مال و فزونی آن می‌شود و موجب می‌گردد نفس انسان کریم و بخشنده شود. از این رو، زکاء را از مصدر «زَکَى» می‌توان در نظر گرفت. البته از مصدر «زکا»، یعنی پاک کردن نیز در نظر گرفته شده؛ چرا که پرداختن زکات، مال را از ناپاکی و بخل را از آدمی پاک می‌نماید. از جمله وظیفه اقتصادی مهم هر مسلمان پرداخت زکات است که در شرایط خاصی بر او واجب می‌گردد.

-
1. Herianingrum
 2. Ardhana
 3. Mukhid
 4. Haryono
 5. Karim
 6. Irsyamuddin

زکات بر دو نوع است: الف) زکات فطره^۱؛ ب) زکات اموال^۲ (مجلسی، ۱۴۰۱ هـ. ق: چ ۳، ج ۹۳، ص ۶) در سیره رسول خدا (ص) و امامان شیعه زکات امری حاکمیتی تلقی شده که دریافت آن مطابق ساختاری نظام‌مند صورت می‌گیرد (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷: ۱۱۹) و طبق آیه ۶۰ سوره توبه در موارد مشخصی (طباطبائی، ۱۳۹۰ هـ. ق: ج ۹، ص ۳۱۳)^۳ در منظومه مالی اسلام، زکات نه تنها ابزاری برای عدالت اجتماعی و فقرزدایی است؛ بلکه با قرار گرفتن در کنار منابعی چون خمس، خراج، جزیه، صدقات، انفال و فیه، نقشی خاص و هم‌افزا در ایجاد رونق اقتصادی اسلامی ایفا می‌کند. هم‌پوشانی این مفاهیم در هدف نهایی که اقتصاد اسلامی در پی آن است (توزیع عادلانه، توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی) مشهود است؛ اما تمایز آن‌ها در مبنای شرعی، مخاطبان و کارکردهای دقیق اقتصادی امکان تنوع در سیاست‌گذاری مالی اسلامی را فراهم می‌کند. زکات هسته مرکزی این منظومه است، و سایر منابع (خمس، خراج، جزیه، صدقات) در لایه‌های مختلف آن را حمایت و تقویت می‌کنند. در یک نظام اقتصادی اسلامی پویا، این منابع با هم کار می‌کنند تا رشد، عدالت و انسجام اجتماعی را تحقق بخشند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و استقرار حکومت اسلامی این انتظار به وجود آمد که زکات نقش بسیار مهمی در حل مشکلات اقتصادی و رفاه اجتماعی ایفا کند و از طریق توانمندسازی طبقه فقیر، به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بر کسب و کارهای خرد و کلان اقتصادی اثرگذار باشد. اما یافته‌های کاشیان (۱۴۰۰) نشان داد این موضوع بنابر دلایل مختلفی از جمله مسائل فقهی در حد شایسته به سرانجام نرسیده است. از

۱. زکات فطره: این زکات، مالیات سرانه ای است که در شب عید فطر هر سال، بر افراد غنی واجب می‌شود. در این زکات، بر افراد سرپرست لازم است به مقدار سه کیلوگرم گندم یا ذرت یا برنج یا نان و یا قیمت سه کیلوگرم یکی از آنها را که قوت غالب آنان به شمار می‌رود، به ازای خود و نیز به ازای هر یک از افراد عائله شان، به همین مقدار به فقیر بدهند.

۲. مالیاتی است که به نه چیز تعلق می‌گیرد. دارندگان این نه جنس (این ۹ جنس عبارتند از نقدین (طلا و نقره)، انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما) وظیفه دارند در شرایط خاصی، زکات اموال خود را در موارد خاص مصرف کنند.

۳. آیه ۶۰ سوره توبه مصارف زکات را چنین بیان می‌کند: فقیر (نیازمند)، مسکین (کسی که در نهایت نیازمندی است)، عاملین (مأمورین جمع‌آوری زکات)، مؤلفه قلوب (برای نزدیک کردن کسانی که احتمالاً کدورتی از اسلام دارند) و (برای کسانی که تازه به اسلام گرویده‌اند)، آزادسازی بردگان، مقروضان، در راه خدا، در راه‌ماندگان

جمله راهکارهای اساسی بهبود وضعیت، سیاست‌گذاری است و این امر مستلزم شناخت دقیق وضعیت موجود دانش حوزه زکات در کشور است.

اثر بخشی نگارش مقالات حوزه زکات بر جامعه و قانون‌گذاری اقتصاد اسلامی و عادلانه شدن سازوکارهای اقتصادی ایران از طریق اثرگذاری علمی و تولید دانش بومی‌سازی شده؛ تأثیر بخشی بر قانون‌گذاری، اجتماع و عدالت اقتصادی مشهود است. مقالات حوزه زکات، به‌ویژه آن‌هایی که با رویکرد اسلامی-اقتصادی و فقهی-حقوقی نوشته می‌شوند، موجب توسعه ادبیات نظری بومی در حوزه تأمین مالی اسلامی می‌شوند که جایگزین مناسبی برای مدل‌های غرب‌محور سرمایه‌داری و مالیات‌محور است. این مقالات پیوند بین اقتصاد، فقه، حقوق عمومی و مطالعات توسعه را تقویت می‌کنند که موجب هم‌افزایی بین‌رشته‌ای می‌گردد. انجام پژوهش‌های فقهی در کنار تحلیل‌های سیاستی می‌تواند مبنای نظری لازم برای تدوین قوانین مالی مبتنی بر زکات (و منابع مشابه مانند خمس، خراج، صدقات) را فراهم کند و از این طریق بر قانون‌گذاری ایران اثربخش باشند. بدون شک داده‌ها و تحلیل‌های منتشر شده در مقالات می‌توانند مبنای طراحی سامانه‌ها، دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی در نهادهایی چون سازمان امور مالیاتی، کمیته امداد یا نهادهای مردمی قرار گیرند. تبیین علمی و کاربردی سازوکار زکات در مقالات علمی تأثیر اجتماعی داشته و می‌تواند نگاه مردم به عدالت محوری نظام اقتصادی اسلامی را تقویت کند. در مجموع، استمرار و ارتقاء کیفی پژوهش‌ها در حوزه زکات می‌تواند حلقه واسط نظریه‌پردازی، قانون‌گذاری و عدالت محوری در ساختار اقتصاد اسلامی ایران باشد. بنابراین با رصد رشد تولیدات مقالات علمی حوزه زکات، بازیگران اصلی و مفاهیم کلیدی این حوزه تعیین شده، امکان هدایت سیاست‌های علمی و اولویت‌بندی پژوهش‌های راهبردی فراهم می‌شود. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی تولیدات علمی دانشمندان این حوزه در کشور پرداخته تا ضمن واکاوی فعالیت‌های سرآمدان دانش این حوزه بر مبنای تولیدات علمی نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام، تحلیلی بر محتوای موضوعی آثار علمی معاصر ایران در حوزه زکات داشته و در نهایت بتواند ضمن ارائه گزارشی جامع از تولیدات دانشی حوزه زکات در کشور جهت استفاده از آراء و اندیشه‌های دانشمندان حوزه و مراکز تحقیقاتی برتر در این زمینه، راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی ایران مبتنی بر تحلیل موضوعی مقالات منتشره مورد بررسی، تبیین شود. مقاله حاضر

در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. پراکنش مقالات حوزه زکات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام در سال‌های مختلف چگونه است؟
۲. کدام مراکز علمی کشور دارای بیشترین چاپ مقالات در حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام هستند؟
۳. کدام مجلات بیشترین تعداد مقالات در حوزه زکات را در پایگاه استنادی جهان اسلام منتشر کرده‌اند؟
۴. پرکارترین نویسندگان حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام کدامند؟
۵. اصطلاحات موضوعی مطرح در مقالات مورد مطالعه حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام کدامند؟
۶. راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی پس از تحلیل محتوا مقالات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام کدامند؟

۱. پیشینه پژوهش

جهت دستیابی به پیشینه پژوهش، پایگاه‌های اطلاعاتی و وبسایت‌های خارجی از جمله گوگل اسکالر، امرالد، ساینس دایرکت و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی نظیر کتابخانه ملی ایران، نورمگز، مگیران، پورتال جامع علوم انسانی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) و پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مورد جستجو قرار گرفت. نتایج جستجو نشان داد که مطالعات اندکی در موضوع پژوهش حاضر انجام شده است و یک خلاء مطالعاتی در زمینه تحلیل محتوایی مقالات منتشر شده در حوزه موضوعی زکات به خصوص در مورد مقالات داخلی وجود دارد و این مسئله باعث شد که پژوهش حاضر انجام گیرد. در زیر به پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود.

آناس^۱ و همکاران (۲۰۲۴) به تحلیل کیفی ۳۲۱ مقاله حوزه زکات از پایگاه داده دایمنشن‌ای آی^۲ در بازه زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۲۳ پرداختند، نتایج نشان داد مجله اقتصاد و

1. Anas

2. Dimension AI

نظریه اسلامی^۱ مجله هسته و تاثیرگذار حوزه زکات است. این مطالعه همچنین چندین نویسنده مشهور از جمله احمد کوذوری و هدی پاندوو و همچنین شخصیت‌های تاثیرگذاری مانند ابوبکر را شناسایی کرد. بررسی موضوعات خاطر نشان کرد زکات در توسعه اقتصاد اسلامی نقش کلیدی دارد. وحیودی^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با رویکرد علم سنجی، ۴۰۵ مقاله نمایه شده حوزه زکات را در پایگاه اسکوپوس^۳ تا سال ۲۰۲۱ رصد نمودند. این مطالعه نشان داد تحقیقات حوزه زکات طی ده سال گذشته به طور پیوسته و قابل توجهی افزایش یافته است. نتایج تحقیق نشان داد که موضوع زکات عمدتاً در حوزه‌های اقتصاد، مالی، مدیریت و حسابداری کار شده است. این مطالعه خاطر نشان کرد مالزی، اندونزی، آمریکا، عربستان سعودی و بریتانیا پنج کشور سرآمد تولیدات علمی حوزه زکات در اسکوپوس هستند. الشاطر^۴ و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی هم‌استنادی، هم‌نویسندگی و پیوند کتابشناختی مقالات مجلات انگلیسی زبان زکات نمایه شده توسط پایگاه اسکوپوس دریافتند مقالات کمی بیش از ۵۰ استناد دریافت کرده‌اند. این تجزیه و تحلیل نشان داد که مجله حسابداری اسلامی و تحقیقات تجاری بیشترین استناد را دارا هستند. با این وجود، فهرست هشت مقاله پر استناد نشان داد که تحقیقات در این زمینه هنوز کم است. علاوه بر این، نویسندگان دریافتند که زکات در چارچوب دین، چارچوب نهادی آن، نقش آن در ریشه کنی فقر و مدیریت توزیع زکات جز مباحث داغ پژوهشی حوزه زکات است. جمال^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه اسلام معاصر گزارش کردند آگاهی جامعه مسلمانان نسبت به زکات و کاربرد آن در سطح پایینی قرار دارد که دلیل آن عدم درک جامعه نسبت به خود مفهوم زکات تشخیص داده شد. بدین منظور به تحلیل آماری کاربرد واژه زکات در *الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله (ص)* و *سُنة و آیامه معروف به صحیح البخاری*، تألیف محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴-۲۵۶ق)، که از معتبرترین کتاب‌های روایی اهل سنت و یکی از شش کتاب موسوم به صحاح سته است، پرداختند. رویکرد پژوهش کیفی بود، از روش تحلیل

1. Journal of Islamic Economics and Theory

2. Wahyudi

3. Scopus

4. Alshater

5. Jamal

موضوعی در تحلیل واژه زکات در صحیح بخاری استفاده شد. نتیجه به دست آمده نشان داد که واژه زکات از دیدگاه صحیح بخاری در چند مضمون از جمله مضامین تجمیع کلمه، مفهوم زبانی و حدیثی قابل بحث است.

کاشیان (۱۴۰۰) در مقاله آینده نظام سازی زکات در هندسه تامین مالی دولت اسلامی در ایران در آئینه فقه شیعه با استفاده از روش تحلیلی به بررسی ۲۴ سناریوی فقهی مختلف در زمینه رابطه مالیات‌های اسلامی و متعارف از نظر تقدم-تاخر و جانشین-مکمل بودن و همچنین نظریات فقهی شمول زکات و ظرفیت‌های استفاده از آن پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد در ۷ سناریو امکان استفاده از زکات در نظام‌سازی است. از میان این ۷ سناریو، در ۳ مورد، امکان اصالت دادن به زکات و مکمل بودن مالیات‌های متعارف در پرتو وجوب زکات پول، زکات مال التجاره و شمول خمس در زکات وجود دارد. در ۴ سناریو نیز صرفاً با تعیین موارد مشمول زکات، حسب نظر حاکم جامعه اسلامی امکان نظام‌سازی زکات وجود دارد. در مورد ۴ سناریوی اخیر «نظریه یکسانی» مطرح شد.

نویخت (۱۴۰۰) به منظور بررسی گرایش موضوع مالیات در کشور با رویکرد کمی به تحلیل مقالات این حوزه پرداخت. نتایج بررسی نشان داد دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی رتبه نخست تولیدات مقاله این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند. اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی از جمله معضلات این حوزه شناخته شدند. مصطفوی (۱۳۹۷) در پژوهش انجام داده به روش تحلیل محتوا، به بررسی شاخص‌های اقتصاد اسلامی پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در مقایسه با قانون اساسی پرداخت. نتایج بررسی نشان داد سند حاضر ۹ شاخص را در زمینه اقتصاد اسلامی ارائه داده است که ۴ شاخص آن به قانون اساسی توجه لازم را نداشته است. رهبر و همکاران (۱۳۹۶) به منظور مقابله جمهوری اسلامی ایران با تحریم‌های اقتصادی به تحلیل محتوای کیفی و کمی سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پرداختند. نتایج بررسی انجام شده نشان داد بکارگیری اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی و عدالت محوری آن برای مقابله با تحریم‌ها اثرگذار است. واعظ و اکبری (۱۳۹۱) با تحلیل محتوای مقاله‌های معتبر ایران در حوزه اقتصاد کلان بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ دریافتند اقتصاد کلان کشور با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایرانی اسلامی همخوانی ندارد و نیاز به انجام تحقیقات بیشتر است.

مطالعه پیشینه‌ها نشان داد که پژوهشگران داخلی تاکنون پژوهش جامعی در زمینه تحلیل محتوای مقالات با موضوع زکات که بتواند راهکارهایی را به متخصصان و سیاست‌گذاران این حوزه ارائه دهد انجام نداده‌اند و مطالعات خارجی نیز محدود هستند. جدول ۱ به منظور ارائه رویکرد تحلیلی و انتقادی در زمینه مرور پیشینه پژوهش ارائه شده است:

جدول ۱. محدودیت‌های روش شناختی، مفهومی و محتوایی مطالعات پیشینه

پیشینه	محدودیت‌های روش شناختی	محدودیت‌های مفهومی و محتوایی
آناس و همکاران (۲۰۲۴)	تمرکز صرف بر پایگاه دایمنشن، تحلیل کیفی بدون ارتباط با ساختار اقتصادی - اجرایی زکات	محدود ماندن به تحلیل نویسندگان و مجلات بدون ارائه راهبرد کاربردی برای رونق اقتصادی با استفاده از زکات
وحیدی و همکاران (۲۰۲۲)	تمرکز بر علم سنجی کمی و شاخص‌های استنادی نه تحلیل کیفی محتوا	فقدان بررسی پیوند زکات با سیاست‌گذاری اقتصادی؛ دید توصیفی بدون تبیین کاربردی
الشاطر و همکاران (۲۰۲۱)	تحلیل کتابشناختی زکات بدون تحلیل محتوای موضوعی عمیق	تأکید بر ساختار انتشاراتی و نه تحلیل راهبردی و مفهومی درباره نقش زکات
جمال و همکاران (۲۰۲۰)	تحلیل کیفی اما محدود به یک منبع حدیثی خاص (صحیح بخاری)	تمرکز صرف بر درک زبانی / مفهومی زکات بدون پیوند با سیاست یا ساختار اقتصادی معاصر
نوبخت (۱۴۰۰)	تمرکز بر مالیات در ایران بدون توجه به زکات یا پیوندهای فقهی - اقتصادی	عدم بررسی تعامل زکات و مالیات در بستر الگوی مالی اسلامی
مصطفوی (۱۳۹۷)	تحلیل محتوای مقایسه‌ای اما با رویکرد غیرتطبیقی با واقعیت‌های اقتصادی روز	عدم بررسی ابزارهای اجرایی همچون زکات در تحقق شاخص‌های اقتصاد اسلامی
رهبر و همکاران (۱۳۹۶)	اتکا به تحلیل بیانات رهبری بدون مدل‌سازی مفاهیم در قالب سیاست‌گذاری	استخراج مفاهیم کلی بدون ارائه راهکارهای اجرایی دقیق
واعظ و اکبری (۱۳۹۱)	تحلیل محتوای مقالات اقتصاد کلان بدون ورود به ابزارهای مالی اسلامی	عدم همخوانی اولویت‌های پژوهشی با نیازهای نظری اقتصاد اسلامی

بر اساس یافته‌های جدول ۱ در حوزه مورد مطالعه مقاله، شکاف تحقیقاتی قابل مشاهده است. در این میان مقاله کاشیان (۱۴۰۰) که در پی ارائه نظریه و سناریوهای

کاربردی در سطح حکمرانی مالی زکات در نظام اقتصاد اسلامی بود، شناسایی گردید. مقاله حاضر می‌تواند داده‌های میدانی و تجربی را برای تقویت سناریوهای کاشیان (۱۴۰۰) ارائه نماید و با ارائه "تجربیات گذشته" و مقاله کاشیان (۱۴۰۰) با تلاش در "طراحی ساختار آینده" مکمل یکدیگرند و می‌توان از تلفیق آن‌ها برای برنامه‌ریزی راهبردی نهاده‌سازی زکات در اقتصاد ایران استفاده کرد. بنابراین این پژوهش می‌تواند از این لحاظ برای انجام تحقیقات آتی حوزه آینده پژوهانه حائز اهمیت باشد.

۲. روش پژوهش

پژوهش به روش توصیفی و تحلیل محتوای کمی^۱ و از نوع کاربردی انجام شد. مقالاتی که موفق به نمایه شدن در پایگاه‌های استنادی شوند از اعتبار بسیار بالایی برخوردارند. پایگاه استنادی جهان اسلام (آی.اس.سی.) بر اساس فاکتورها و معیارهای مختلف (کیفیت مقاله، میزان ارجاع و استناد و ...) تنها مقالات معتبر را نمایه^۲ می‌کند و در زمره مهم‌ترین پایگاه‌های استنادی جهان است که زبان فارسی اولین زبان مورد تاکید آن محسوب می‌گردد. (مهراد و فرمانی، ۱۳۹۲؛ داسیلوا و کامکار^۳، ۲۰۱۳) بنابراین نتایج حاصل از بررسی مقالات نمایه شده در آن از پایایی و قابل اعتماد بودن لازم برخوردار هستند. مراحل اجرایی تحلیل محتوای کمی در مقاله حاضر عبارتند از:

- تعیین جامعه آماری و گردآوری داده‌ها
- استخراج داده‌های کتابشناختی جامعه آماری
- پیش‌پردازش متون و پاک‌سازی زبانی جامعه آماری
- تحلیل هم‌رخدادی واژگان در جامعه آماری
- تعیین فراوانی اصلاحات در متن جامعه آماری
- تأیید موضوعات توسط متخصصان

1. Quantitative Content Analysis

از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، علوم ارتباطات و علوم رفتاری است. تحلیل محتوای کمی فرایندی است نظام‌مند برای شمارش فراوانی برخی واژه‌ها، عبارات، موضوعات یا مفاهیم مشخص در یک مجموعه معین از داده‌های متنی، با هدف کشف الگوها یا روندهای ارتباطی.

2. Index

3. da Silva and Kamkar

- تحلیل آماری نتایج

که در ادامه به تفصیل توضیح داده شده است:

جامعه آماری پژوهش تمامی مقالات منتشر شده در زمینه زکات در کشور نمایه شده در پایگاه استنادی آی.اس.سی. را شامل می‌گردد که ماحصل جستجوی پیشرفته کلیدواژه‌های زکات، فطریه، مالیات اسلامی، منابع مالی حکومت اسلامی، پاکسازی سرمایه در قسمت جستجوی موضوعی از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۴۰۲، پس از حذف موارد تکراری و نامرتبط^۱ حاصل از جستجو، ۱۳۷ مقاله را دربرداشت. ابزار تحقیق چک لیستی مشتمل بر کلیه اطلاعات کتابشناختی جامعه آماری شامل عنوان، پدیدآور، سال نشر، محل نشر، مؤسسه و دانشگاه‌ها، موضوع، چکیده و کلیدواژه است. به منظور تجزیه و تحلیل آماری و انجام محاسبات کلیه اطلاعات کتابشناختی ۱۳۷ مقاله مورد بررسی از نرم‌افزار اکسل^۲ استفاده گردید. باتوجه به نقشی که کلیدواژه‌های مقالات در بررسی سیر پژوهشی مقالات هر حوزه موضوعی علمی دارد، با استفاده از روش هم‌رخدادی واژگان برای نگاشت علمی و تعیین روند موضوعی حاکم بر پژوهش‌های حوزه زکات استفاده شد. تحلیل هم‌رخدادی واژگان، روشی برای شناسایی مهمترین موضوعات پژوهشی یا مفاهیم مهم هر حوزه پژوهشی است، زیرا پیش‌فرض‌های روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان این است که هم‌رخدادی واژگان در یک سند نشان دهنده ارتباط موضوعی بین آنهاست. از طرف دیگر، با استخراج و بررسی کلمات عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات، می‌توان مسیر تحقیقات و موضوعات بررسی شده در حوزه موضوعی زکات را شناسایی کرد. در اولین قدم در تحلیل هم‌واژگانی، لغات عنوان و چکیده و کلیدواژه از پیشینه‌های اطلاعاتی موجود استخراج شد.

۱. منظور از نامرتبط، مقاله‌ای است که فقط به صورت گذرا و بدون تحلیل، واژه "زکات" را در بخشی از متن آورده بود. محتوای مقاله درباره نظام مالیاتی کلی در اسلام، اما بدون تمرکز بر زکات به عنوان یک نهاد مالی خاص بود. مقاله در مورد فرهنگ دینی یا فقهی که صرفاً در بخشی از آن به زکات اشاره شده، ولی هدف یا تحلیل اصلی آن ارتباطی با زکات نداشت، گردید.

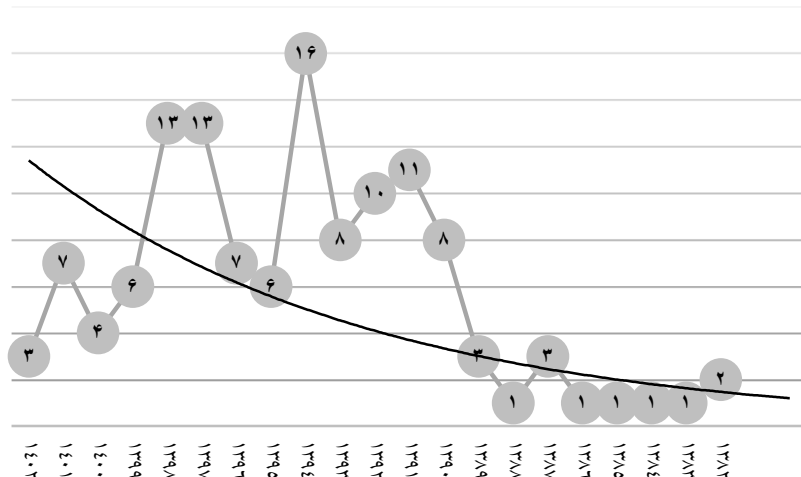
بر این اساس، در مرحله بعدی با رویکرد کمی و با استفاده از فنون علم سنجی جهت نمایه‌سازی موضوعی مقالات مورد بررسی برای تبیین اصطلاحات موضوعی روش نمایه‌سازی نیمه‌خودکار بکار گرفته شد. بدین منظور، از برنامه رایانه‌ای به زبان سی شارپ، با الگوریتم «شکاف گلچین» استفاده شد. این الگوریتم را توکلی زاده راوری (۱۳۹۴) پیشنهاد داده است. بر اساس این الگوریتم، هر آنچه که در متن مفهومی ندارد مانند (حروف اضافه، افعال، قید و غیره)، با یک علامت مانند ستاره جایگزین می‌شوند که به آن شکاف‌دهی می‌گویند. سپس، هر آنچه که بین دو ستاره قرار گرفته باشد به عنوان یک اصطلاح احتمالی در نظر گرفته می‌شود. این اصطلاحات احتمالی با تلفیقی از چهار پارامتر فراوانی اصطلاحات در متن، میانگین فراوانی واژه‌های تشکیل‌دهنده اصطلاح موضوعی، تعداد واژه‌های تشکیل‌دهنده آن اصطلاح و تعداد حضور آن اصطلاح به عنوان جزئی از اصطلاحات دیگر، وزن‌دهی می‌شوند. در آخر با یک تابع لگاریتمی، تعداد کلید واژه‌هایی که باید از آن متن استخراج شود تبیین شده و با در نظر گرفتن مسئله رابطه اعم و اخص بین موضوعات، مهمترین کلید واژه‌ها انتخاب (گلچین) می‌شوند. بر اساس نظر سه متخصص موضوعی که در این زمینه چاپ اثر و فعالیت اجرایی داشتند، آستانه پایینی برای موضوعات مرتبط، فراوانی دو و بیشتر در نظر گرفته شد.

نتایج تحلیل محتوایی ۱۳۷ اثر نمایه شده در آی.اس.سی نشان داد ۴۰ اثر به تحقیق در زمینه راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی پرداخته بودند که به منظور شناسایی راهکارهای لازم مورد تحلیل قرار گرفتند. (جدول ۵)

۳. یافته‌های پژوهش

پرسش اول: پراکنش مقالات حوزه زکات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام در سال‌های مختلف چگونه است؟ برای پاسخ به این سوال تعداد مقالات منتشر شده در طی

۲۱ ساله گذشته از ۱۳۸۲ تا ۱۴۰۲ به تفکیک سال بررسی شد که یافته‌های حاصل در



نمودار ۱ ارائه شده است:

نمودار ۱. فراوانی متون علمی تولید شده در حوزه زکات (بر حسب سال)

نمودار ۱ نشان داد بیشتر چاپ مقالات در طول ۲۱ سال گذشته به سال ۱۳۹۴ با ۱۶ مقاله و سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با ۱۳ مقاله اختصاص یافت. کمترین تولید علمی نیز به سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ و ۱۳۸۸ با تنها نمایه شدن یک اثر در پایگاه استنادی جهان علوم اسلام اختصاص یافت.

پرسش دوم: کدام مراکز علمی کشور دارای بیشترین چاپ مقالات در حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام هستند؟ جهت پاسخ به این سوال پس از تحلیل محتوا ۱۳۷ مقاله مورد بررسی مشخص شد، ۸۳ موسسه علمی در ایران در چاپ اثر در حوزه زکات نقش داشته‌اند. جدول ۲، دوازده مرکز علمی برتر تولید علم در حوزه زکات ارائه شده است.

جدول ۲. مراکز علمی برتر کشور در حوزه زکات

رتبه	دانشگاه	فراوانی مقالات	درصد فراوانی مقالات
۱	دانشگاه امام صادق (ع)	۱۸	۱۳/۱۴
۲	دانشگاه تهران	۱۵	۱۰/۹۵
۳	دانشگاه قم، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه مفید، دانشگاه علامه طباطبائی	۶	۴/۳۸
۴	دانشگاه علوم اسلامی رضوی	۵	۳/۶۵
۵	دانشگاه سمنان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه ایلام، دانشگاه تبریز، دانشگاه شهید بهشتی	۴	۲/۹۲

یافته‌های جدول ۲ نشان داد، دانشگاه امام صادق (ع) با ۱۸ اثر علمی، پرکارترین مرکز علمی کشور در حوزه زکات است. دانشگاه تهران با ۱۵ اثر در جایگاه دوم قرار گرفت. پرسش سوم: کدام مجلات بیشترین تعداد مقالات در حوزه زکات را در پایگاه استنادی جهان اسلام منتشر کرده‌اند؟ جهت پاسخ به این سوال پس از تحلیل محتوا ۱۳۷ مقاله مورد بررسی مشخص شد، ۵۹ مجله و موسسه انتشاراتی در ایران در چاپ اثر در حوزه زکات نقش داشته‌اند که پرکارترین آن‌ها در جدول ۳ معرفی شده‌اند:

جدول ۳. مجلات برتر حوزه زکات (بر حسب تعداد مقالات چاپ کرده)

رتبه	عنوان	تعداد مقالات	درصد فراوانی
۱	مطالعات اقتصاد اسلامی	۱۳	۹/۴۹
۲	پژوهشنامه مالیات	۹	۶/۵۷
۳	اقتصاد اسلامی	۸	۵/۸۴
۴	اقتصاد و بانکداری اسلامی، جستارهای اقتصادی ایران، معرفت اقتصاد اسلامی	۶	۴/۳۸
۴	فقه و مبانی حقوق اسلامی	۵	۳/۶۵
۴	حکومت اسلامی	۴	۲/۹۲
۵	تحقیقات مالی اسلامی، فقه و اصول، پژوهشنامه متین	۳	۲/۱۹

بر اساس آنچه در جدول ۳ آمده است، مجله مطالعات اقتصاد اسلامی با انتشار ۱۳ مقاله در حوزه زکات پرکارترین بوده و پژوهشنامه مالیات با چاپ ۹ مقاله و مجله اقتصاد اسلامی با انتشار ۸ اثر در جایگاه‌های دوم و سوم جای گرفتند.

پرسش چهارم: پرکارترین نویسندگان حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام کدامند؟ به منظور پاسخگویی به این سوال پس از تحلیل محتوا ۱۳۷ مقاله مورد بررسی مشخص شد، ۲۲۱ محقق حوزه زکات در پایگاه استنادی جهان اسلام موفق به نمایه آثار علمی‌شان شده‌اند که پرکارترین آن‌ها در جدول ۴ بر اساس تعداد مقالات منتشره معرفی شده‌اند:

جدول ۴. معرفی نویسندگان برتر حوزه زکات

رتبه	نام نویسنده	فراوانی مقالات	درصد فراوانی	دانشگاه/موسسه علمی
۱	عسکری، محمد مهدی	۹	۶/۵۶	دانشگاه امام صادق (ع)
۲	کاشیان، عبدالمحمد	۸	۵/۸۴	دانشگاه سمنان
۳	شعبانی، احمد	۵	۳/۶۵	دانشگاه امام صادق (ع)
۳	محمدی‌پور، احمد	۴	۲/۹۲	دانشگاه امام صادق (ع)
۴	ایروانی، جواد	۴	۲/۹۲	دانشگاه علوم اسلامی رضوی
	توکلی، احمدرضا	۴	۲/۹۲	دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
۵	کیاءالحسینی، یاءالدین	۳	۲/۱۹	دانشگاه مفید
۶	نعمتی، میثم	۳	۲/۱۹	موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

بر اساس جدول ۴، محمد مهدی عسکری از دانشگاه امام صادق (ع) با ۹ مقاله پرکارترین نویسنده حوزه زکات شناخته شد. عبدالمحمد کاشیان با ۸ مقاله از دانشگاه سمنان در جایگاه دوم و احمد شعبانی با ۵ مقاله از دانشگاه امام صادق (ع) جایگاه سوم را به خود اختصاص دادند.

شبکه هم نویسندگی جامعه آماری در شکل ۱ ارائه شده است:



شکل ۱. شبکه هم نویسندگی

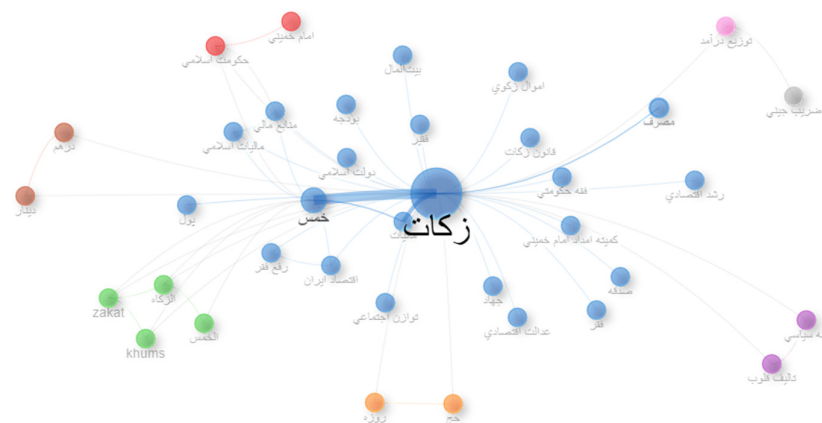
با توجه به شکل فوق، دایره‌ها که هر کدام نشانگر یک توصیفگر (کلیدواژه) است با اندازه‌های متفاوت و همچنین رنگ‌های مختلفی دیده می‌شوند. هر کدام از دایره‌ها (گره) در این نقشه نشانگر توصیفگر خاص خود می‌باشد که به عنوان برجسب مشخص شده و خطوط نشان دهنده رابطه آنها با یکدیگر است. تعداد زیاد خطوط بیانگر این است که توصیفگر ارتباط بسیار پیچیده و در هم تنیده با هم دارند و کل توصیفگر یک گره بزرگ با ارتباط‌های زیاد را تشکیل داده است.

خوشه اول عسکری محمدمهدی، کاشیان عبدالمحمد، شعبانی احمد، محمدمهدی پوراحمد، محمدمهدی پور احمد، و اسماعیل پور دره مهدی را شامل می‌شود. با توجه به مقادیر بالای رتبه صفحه برای سه نویسنده اول، این خوشه مرکز اصلی فعالیت‌های پژوهشی در زمینه زکات است. عسکری محمدمهدی نقش بسیار مهمی در این خوشه و کل شبکه دارد.

خوشه‌های ۲ تا ۷ شامل گروه‌های کوچکتری از نویسندگان هستند که در زمینه‌های تخصصی‌تری از زکات فعالیت می‌کنند. عدم وجود مرکزیت بینابینی نشان می‌دهد که این خوشه‌ها ارتباط کمی با سایر بخش‌های شبکه دارند و بیشتر به صورت مستقل فعالیت می‌کنند.

پرسش پنجم: اصطلاحات موضوعی مطرح در مقالات مورد مطالعه حوزه زکات در

نقشه علمی، موضوعات حوزه زکات در شکل ۲ نمایش داده شده است:



شکل ۲. نقشه موضوعات زکات

چنان که در شکل ۱ مشخص است دایره‌ها که هر کدام نشانگر یک توصیفگر (کلیدواژه) است با اندازه‌های متفاوت و همچنین رنگ‌های مختلفی دیده می‌شوند هر کدام از دایره‌ها (گره) در این نقشه نشانگر توصیفگر خاص خود می‌باشد که به عنوان برجسب مشخص شده و خطوط نشان دهنده رابطه آنها با یکدیگر است تعداد زیاد خطوط بیانگر این است که توصیفگر ارتباط بسیار پیچیده و در هم تنیده با هم دارند و کل توصیفگر یک گره بزرگ با ارتباط‌های زیاد را تشکیل داده است. بنابر نقشه مفهومی ارائه شده می‌توان کلمات استفاده شده در عنوان و چکیده جامعه آماری در زمینه زکات را مشاهده کرد کلیدواژه‌هایی که دارای هم رخدادی بیشتر هستند با خطوط پررنگ مشخص شده‌اند. به منظور تقسیم موضوعی خوشه‌ها در هر خوشه پربسامدترین مفهوم به عنوان نام خوشه در نظر گرفته شد. هر چقدر تعداد پیوندها و خطوط در یک گراف کم باشد شبکه گسسته یا پراکنده است. اگر تعداد پیوندها و خطوط در یک گراف بیشتر از تعداد رئوس باشد آن شبکه پیوسته است با توجه به شکل بالا ساختار شبکه هم رخداد

واژگان حوزه زکات در ایران از به هم پیوستگی برخوردار است. خوشه ۱ شامل گره‌های "حکومت اسلامی" و "امام خمینی" است که نشان‌دهنده مفاهیم سیاسی و مذهبی مرتبط با رهبری و سیستم حکومتی اسلامی است. این خوشه به مفاهیم کلیدی در تاریخ سیاسی ایران مرتبط می‌شود.

خوشه ۲ به مفاهیم اقتصادی و اجتماعی اسلامی پرداخته و شامل گره‌هایی مانند "زکات"، "خمس"، "مالیات"، "پول"، "عدالت اقتصادی"، "اقتصاد ایران"، "رفع فقر" و "فقیر" است که به توزیع منابع مالی و کاهش فقر در جامعه اسلامی اشاره دارند. این خوشه به تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی که بر پایه اصول اسلامی بنا شده‌اند، پرداخته و روابط پیچیده‌ای میان عدالت اجتماعی و اقتصادی در این زمینه‌ها به چشم می‌خورد.

خوشه ۳ شامل مفاهیم مشابه زکات و خمس است که در زبان‌های مختلف ارائه شده‌اند، مانند "zakat"، "الزکاه"، "khums" و "الخمس"، که نشان‌دهنده فراگیری این مفاهیم در جوامع مختلف مسلمان است.

در خوشه ۴، مفاهیم مربوط به فقه اسلامی و اصول سیاسی مانند "فقه سیاسی" و "تالیف قلوب" قرار دارند که تأثیر فقه بر سیاست و روابط اجتماعی را نشان می‌دهند.

خوشه ۵ به عبادات اسلامی مانند "حج" و "روزه" اشاره دارد که بخش‌های مهمی از آموزه‌های دینی هستند. خوشه ۶ شامل واحدهای پولی اسلامی نظیر "درهم" و "دینار" است که نشان‌دهنده تاریخچه اقتصادی و سیستم‌های پولی اسلامی می‌باشد.

خوشه ۷ نیز به "توزیع درآمد" پرداخته و به مفاهیم مربوط به توزیع ثروت و رفاه اجتماعی اشاره دارد، در حالی که خوشه ۸ به "ضریب جینی" می‌پردازد که نابرابری‌های اقتصادی در جوامع مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. در مجموع، این خوشه‌ها نشان‌دهنده روابط پیچیده و چندوجهی میان مفاهیم دینی، اقتصادی و اجتماعی هستند که در یک سیستم اسلامی به کار گرفته می‌شوند و درک این روابط می‌تواند به تحلیل عمیق‌تری از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کمک کند.

پرسش ششم: راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی پس از تحلیل محتوا مقالات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام کدامند؟ جهت پاسخ به سوال ششم پس از مطالعه پیشینه‌های پژوهش (۱۳۷ مقاله) در زمینه زکات مشخص شد در

مجموع ۴۰ مورد پژوهش می‌توانند پاسخگوی این سوال باشند که با استفاده از روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان با استخراج و بررسی کلمات عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات، نتایج حاصل در جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵. راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی

منبع	راهکار
محقق داماد و مهریار (۱۳۹۹)؛ باقری تودشکی و همکاران (۱۳۹۲)؛ حیدری مزرعه آخوند و شهبازی (۱۳۹۸)؛ امینی و همکاران (۱۳۹۸)؛ پورمولا و طاهری (۱۳۹۷)؛ کریمی محلی (۱۳۹۸)؛ ترکمانی و بیگدلی (۱۳۹۴)؛ ایروانی (۱۳۸۹)؛ رضایی (۱۳۸۲)	بکارگیری راهبردهای آگاهی رسانی جایگاه زکات از دیدگاه اسلام در جامعه
شاه ولی و همکاران (۱۳۹۶)؛ مصباح (۱۳۹۴)؛ موسی زاده و همکاران (۱۳۹۴)؛ قلعه نوی و پاسبانی صومعه (۱۳۹۲)؛ صفایی و همکاران (۱۳۹۹)؛ رضایی و سبزو (۱۳۹۱)؛ فرهادیان آرانی و وثوق (۱۳۹۰)؛ عزتی و شهریاری (۱۳۹۱)؛ نوریان (۱۳۸۹)	فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت زکات در جامعه
کعبی نسب و همکاران (۱۳۹۷)؛ رجائی و نعمتی (۱۳۹۷)؛ کیاالحسینی (۱۳۹۸)	وضع یک قانون جامع، کامل و متقن در مورد زکات
حسینی و بابائی (۱۴۰۰)؛ پژومان و زارع (۱۳۹۸)؛ عسگری و محمدی‌پور (۱۳۹۸)؛ عسکری و کاشیان (۱۳۹۴)؛ توسلی (۱۳۹۳)؛ عاقلی (۱۳۹۱)؛ گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۸۵)	برآورد ظرفیت بالقوه تامین زکات در ایران ^۱
عسکری و محمدی‌پور (۱۴۰۰)؛ کاشیان و همکاران (۱۳۹۸)؛ کاشیان و شعبانی (۱۳۹۷)؛ کوشکی فروشانی، جعفر (۱۳۹۷)	معرفی نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور
مهرانی و همکاران (۱۳۹۴)؛ زمانی رستمی و رستمی، (۱۳۹۴)؛ میسمی (۱۳۹۱)؛ شمس‌الدینی و شهرکی (۱۳۹۰)؛ شعبانی و کاشیان (۱۳۹۵)؛ علم‌الهدی (۱۳۹۵)	تدوین و اجراسازی برنامه مدون و یکپارچه برای گردآوری زکات از سوی متولی امر

۱. ظرفیت بالقوه، تمام امکانات و فرصت‌هایی را شامل می‌شود که اگر به درستی به کار گرفته شوند، می‌توانند باعث افزایش چشمگیر جمع‌آوری و توزیع عادلانه زکات در کشور شوند که از جمله به میزان وجود اموال مشمول زکات در کشور که قابل شناسایی، ارزیابی و جمع‌آوری هستند؛ میزان آمادگی و مشارکت مردمی برای پرداخت زکات؛ میزان امکانات و ساختارهای اداری (مثل دفاتر کمیته امداد و شوراهای زکات) می‌توان اشاره کرد.

یافته‌های جدول ۵ توانست از جمله مهمترین راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی را شناسایی کند. این راهکارها شامل بکارگیری راهبردهای آگاهی‌رسانی جایگاه زکات از دیدگاه اسلام در جامعه، فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت زکات در جامعه، وضع یک قانون جامع، کامل و متقن در مورد زکات، برآورد ظرفیت بالقوه تامین زکات در ایران، معرفی نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور و تدوین و اجراسازی برنامه مدون و یکپارچه برای گردآوری زکات از سوی متولی امر است.

بحث و نتیجه‌گیری

زکات با توجه به جایگاه ویژه و نقش مهمی که در اقتصاد اسلامی دارد، به عنوان بازوی اقتصادی و منبع مالی در نظام اسلامی مطرح شده و نیازمند سیاست‌گذاری ویژه از سوی متولیان امر در کشور است. ایران به عنوان تنها کشور حکومت شیعه در جهان در نظام اقتصادی حکومت اسلامی، همانگونه که هاشمی مهر (۱۴۰۲) اشاره دارد به منظور تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی خود به منظور اجراسازی فريضه زکات به عنوان یک واجب دینی اثربخش بر اقتصاد اسلامی باید سرآمد سایر ممالک مسلمان باشد. نتایج حاصل از بررسی عسکری و محمدی پور (۱۳۹۹)، عسکری و کاشیان (۱۳۹۴) و کبایه‌الحسینی (۱۳۸۷) خاطر نشان کرد آنگونه که شایسته تقدیر باشد در این زمینه در کشور پس از انقلاب اسلامی عمل نشده است. جهت بهبود وضعیت موجود، مقاله حاضر کوشید تا با تحلیل محتوای تولیدات علمی حوزه موضوعی زکات، ضمن معرفی اندیشمندان، موسسات تحقیقاتی، مجلات علمی- پژوهشی برتر به عنوان ذخایر دانش این حوزه در عصر حاضر، با تحلیل محتوای موضوعات مقالات ضمن معرفی موضوعات هسته به بررسی محتوایی راهکارهای پیشنهادی اندیشمندان حوزه در جهت استفاده از زکات در مسیر رونق اقتصاد اسلامی بپردازد.

به طور کل تحلیل محتوای تولیدات علمی، دسته‌بندی موضوعی و شناخت نوع مطالب منتشر شده در نشریات تخصصی لازمه دسترسی آسان و سریع به اطلاعات است. با این حال در ایران تاکنون پژوهشی برای تحلیل محتوای مقاله‌های منتشر شده در حوزه

زکات صورت نگرفته بود. در راستای تحقق این هدف، بررسی و تحلیل مقالات حوزه زکات در ایران بر اساس مقالات نمایه شده در پایگاه استنادی جهان اسلام که یکی از مهم‌ترین نمایه‌های استنادی جهان محسوب می‌شود، انجام گرفت تا بتوان از یافته‌های حاصل از مقاله در اجرای پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده کشور در حوزه زکات استفاده کرد. آنچه در ادامه می‌آید، مبتنی بر نتایج حاصل از رویکرد مذکور است:

نتیجه کلی حاصل از نمودار ۱ نشان داد در طول ۲۱ سال گذشته روند تولید علمی با شیب ملایم روند رو به رشدی داشته است که با نتایج وحیودی و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. حمایت از تحقیقات و طرح‌های علمی در حوزه زکات زمینه‌ساز کارهای بیشتر و عملیاتی شدن بهتر امور در حوزه زکات خواهد شد. دانشگاه‌های امام صادق (ع)، تهران، قم، فردوسی مشهد، شیخ مفید و علامه طباطبایی جز سردمداران این حوزه در کشور محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش حاضر با نوبخت (۱۴۰۰) همسو بود. زمینه‌سازی در جهت برقراری ارتباط صنعت و دانشگاه و اجرای پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی محصول محور در این مراکز در حوزه زکات، مقدمات لازم را برای بهبود شرایط فراهم خواهد نمود. چرا که نتایج حاصل از نمودار ۱، سهم بسیار ناچیز تولید علمی حوزه زکات (۰/۷۳٪) را در علوم کشاورزی خاطر نشان کرد، این درحالی است که نجفی (۱۳۶۲) بر این مطلب تاکید داشته که موضوعات متعلق زکات از جمله انعام ثلاث^۱ و غلات اربع^۲ بر حیطه علوم کشاورزی تاکید دارند. بنابراین نتایج پژوهش حاضر با واعظ و اکبری (۱۳۹۱) همسو است و ضرورت انجام تحقیقات بیشتری را در این زمینه تاکید می‌نماید. مجله مطالعات اقتصاد اسلامی با انتشار ۱۳ مقاله در حوزه زکات پرکارترین شناخته شد و پژوهش‌نامه مالیات با چاپ ۹ مقاله و مجله اقتصاد اسلامی با انتشار ۸ اثر در جایگاه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. این مجلات با انتشار ویژه‌نامه در حوزه زکات می‌توانند جایگاه خود را بیش از پیش در این حوزه در پایگاه استنادی جهان اسلام ارتقا بخشند. محمدمهدی عسکری از دانشگاه امام صادق (ع) با ۹ مقاله پرکارترین نویسنده حوزه زکات شناخته شد. عبدالمحمد کاشیان با ۸ مقاله از دانشگاه سمنان در جایگاه دوم و

۱. منظور از انعام ثلاث عبارتند است از: گاو، شتر، گوسفند.

۲. منظور از غلات اربع عبارت است از گندم، جو، کشمش خرما.

احمد شعبانی با ۵ مقاله از دانشگاه امام صادق (ع) جایگاه سوم را به خود اختصاص داد. حمایت انجمن اقتصاد اسلامی ایران^۱ از محققان برتر حوزه زکات و تشکیل کارگروه تخصصی زکات زمینه لازم را برای تشکیل اتاق فکر جهت بهبود وضعیت موجود در ایران در زمینه بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصاد اسلامی ایران میسر خواهد نمود. یافته‌های جدول ۴ پس از مرور نظامند جامعه آماری و با رویکردی بر روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان با شاهد مثال ۴۰ اثر علمی معتبر نمایه شده در پایگاه استنادی جهان علوم اسلام (آی.اس.سی) توانست از جمله مهمترین راهکارهای بکارگیری زکات در مسیر رونق اقتصادی را شناسایی کند. زکات یکی از اساسی‌ترین فرائض اسلامی است و در جامعه اسلامی نقش مهمی دارد، مطالعه و تحلیل مقالات مرتبط با زکات به مسئولان کشور کمک می‌کند تا در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود بهترین راهکارها و رویکردها را اتخاذ کنند. بکارگیری راهبردهای آگاهی‌رسانی جایگاه زکات از دیدگاه اسلام در جامعه، فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت زکات در جامعه، وضع یک قانون جامع، کامل و متقن در مورد زکات، برآورد ظرفیت بالقوه تامین زکات در ایران، معرفی نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور، تدوین و اجراسازی برنامه مدون و یکپارچه برای گردآوری زکات از سوی متولی امر از جمله راهکارهای شناسایی شده حاصل از تحقیق بودند. پژوهش حاضر همسو با آناس و همکاران (۲۰۲۴) خاطر نشان کرد زکات در حوزه توسعه اقتصاد اسلامی نقش کلیدی دارد. بنابراین به عنوان کلام آخر ایجاد ارکان و دستگاه‌های اجرایی در کنار نهادهای پژوهشی برای استفاده از راه‌حل‌های علمی کارآمد حاصل از پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه زکات کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. به عبارتی، ایجاد تغییرات اجرایی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی امری لازم است. مسئولان و مراکز متولی این امر در کشور می‌توانند با تشکیل و گردهمایی بین اندیشمندان حوزه بهترین روش‌ها و راهکارهای موجود برای جمع‌آوری، توزیع و استفاده از زکات را درک کنند تا سیاست‌ها و برنامه‌های خود را بر اساس اصول و مفاهیم و راهبردهای بهینه‌سازی متخصصان در زمینه زکات تنظیم نمایند و بهترین تصمیمات را جهت رسیدن به نتایج

1. <https://ieaoi.ir/>

مدنظر اتخاذ کنند.

از منظر طراحی پرسش و خاستگاه اولیه تحقیق، انجام پژوهشی در زمینه بررسی تأثیر علمی و عملی مقالات حوزه زکات بر جامعه و قانون‌گذاری اقتصاد اسلامی پیشنهاد می‌گردد.

کتابنامه

- امینی، حسینعلی؛ راعی، مسعود؛ توکلی، احمدرضا (۱۳۹۸). تبیین جایگاه حکومتی مالیات در فقه سیاسی امامیه. پژوهشنامه مذاهب اسلامی، ۶(۱۲)، ۳۳۶-۳۶۲.
- ایروانی، جواد. (۱۳۸۹). نقدی بر «بازجستی در ادله عبادیت زکات و خمس»، فقه و اصول، ۴۲(۱)، ۹-۴۴.
- باقری تودشکی، مجتبی؛ باقری، محمد مهدی؛ رضایی، محمد رضا (۱۳۹۲). احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی فرار و اجتناب از مالیات زکات، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲(۲)، ۲۷-۴۶.
- پژومان، سودابه؛ زارع، هاشم (۱۳۹۸). ارتباط منابع درآمدی از طریق پرداخت زکات؛ شرطی برای یک اقتصاد تعادلی اسلامی، اقتصاد اسلامی، ۱۹(۷۳)، ۱۲۳-۱۵۳.
- پورمولا، سید محمد هاشم؛ طاهری، ریحانه (۱۳۹۷). تألیف قلوب در فقه امامیه و چگونگی اجرای آن در عصر غیبت. مجله علمی پژوهش‌های فقهی، ۱۴(۴)، ۹۴۹-۹۷۹.
- ترکمانی، حسینعلی؛ بیگدلی، رمضانعلی، (۱۳۹۴). معناشناسی تزکیه در قرآن کریم با رویکردی بر مولفه‌های تربیتی، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، ۱(۱)، ۹۳-۱۰۸.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۳). ارائه روشی برای برآورد زکات (مطالعه موردی استان قم). پژوهشنامه مالیات، ۲۲(۲۲)، ۸۱-۱۱۰.
- توکلی زاده راوری، محمد (۱۳۹۴). مدل دو مرحله ای شکاف- گلچین برای نمایه سازی خودکار متون فارسی، تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۲۱(۱)، ۴۰-۴۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ هـ. ق). وسائل الشیعة. قم: آل البیت.
- حسینی، میسمی؛ یاوری، کاظم؛ قائمی اصل، مهدی؛ توکلیان، حسین (۱۳۹۱). ارائه مدل

- تعالی عمومی در چارچوب اقتصاد و بانکداری اسلامی، اقتصاد اسلامی، ۴۵ (۳۰)، ۷۷-۱۰۶.
- حسینی، سید علی؛ بابائی، فاطمه (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی زکات واحد تجاری و قوانین و استانداردهای آن در کشورهای اسلامی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۰ (۳۸)، ۲۲-۵.
- حیدری مزرعه آخوند، محمدعلی؛ شهبازی، سامیه (۱۳۹۸). پژوهشی در معنای حق مالی عبارت «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۷ (۲)، ۶۱-۷۶.
- رجائی، سیدمحمد کاظم؛ و نعمتی، میثم (۱۳۹۷). نقد و بررسی قانون زکات و ارائه راهکارهای اصلاحی. اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۰)، ۶۳-۸۹.
- رضایی، مجید (۱۳۸۲). مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت؟. دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۳ (۳۵)، ۶۳-۸۴.
- رضایی، محمدقاسم؛ سبزو، محبوبه (۱۳۹۱). ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد. پژوهشنامه مالیات، ۲۰ (۱۵)، ۱۵۲-۱۲۵.
- رهبر، فرهاد؛ سیف، اله‌مراد؛ دهقان، نبی‌اله؛ فرج‌الله‌زاده، محمد؛ آل‌اسحاق، یحیی (۱۳۹۶). الگوی پارادایمی مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان امام و رهبری، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، ۱ (۴)، ۷-۳۵.
- زمانی رستمی، محمد؛ رستمی، محمدهادی (۱۳۹۴). پیشنهادهایی برای بسط و جایگزینی نظام مالیاتی اسلام، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱ (۱۵)، ۷-۲۶.
- شاه ولی، منصور؛ خلیق زاده، پروین؛ کرمی، غلامحسین (۱۳۹۶). رویکرد ارزشی به کسب و کار و تولید در بخش کشاورزی: مهیاسازی برای ترویج سازوکار تأمین زکات، مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی، ۴ (۲)، ۸۷-۹۰.
- شعبانی، احمد؛ کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۵). طراحی سازوکار ورود خمس و زکات به نظام مالیاتی ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲ (۱۶)، ۳۹-۷۴.
- شمس‌الدینی، مصطفی؛ شهرکی، جواد (۱۳۹۰). پیاده سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۶ (۲۸)، ۹۷-۱۲۴.
- صفایی، زهرا؛ شاکری بستان‌آباد، رضا؛ صالحی کمرودی، محسن (۱۳۹۹). بررسی عوامل

مؤثر بر درآمد زکات (مطالعه موردی: کمیته امداد امام خمینی استان سیستان و بلوچستان)، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹ (۳۳)، ۲۳۹-۲۲۳.
طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ هـ.ق). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ هـ.ق). مجمع البحرین، قم: مکتب النشر للثقافة الاسلامیه.
عاقلی، لطفعلی (۱۳۹۱). سنجش ظرفیت پرداخت مالیات‌های اسلامی در استان‌های کشور (مطالعه موردی زکات). پژوهشنامه مالیات، ۲۰ (۱۶)، ۹۲-۶۱.
عزتی، مرتضی؛ شهریاری، لیلا (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) در زمینه جمع‌آوری زکات، پژوهشنامه مالیات، ۲۰ (۱۶)، ۶۰-۳۱.
عسکری، محمد مهدی؛ کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). برآورد ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲ (۱۴)، ۶۹-۱۰۶.

عسکری، محمد مهدی؛ کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). برآورد ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۷ (۲)، ۶۹-۱۰۶.

عسکری، محمد مهدی؛ محمدی پور، احمد (۱۳۹۹). نقش زکات در توازن اجتماعی و رشد اقتصادی ایران با استفاده از مدل تصادفی زکات طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۶.
دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، ۱۷ (۳۳)، ۹-۳۴.
عسکری، محمد مهدی؛ محمدی پور، احمد (۱۴۰۰). ارائه الگو پیشنهادی تأمین مالی دولت اسلامی و بررسی ظرفیت اجرایی آن در اقتصاد ایران، تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰ (۲)، ۵۳۸-۴۹۵.

عسگری، محمد مهدی؛ محمدی پور، احمد (۱۳۹۸). مفهوم فقر اقتصادی و تبیین راهکار زکات در رفع آن، اقتصاد اسلامی، ۱۹ (۷۵)، ۵۱-۷۸.

علم الهدی، سیدسجاد (۱۳۹۵). تحلیلی از شاخص‌های نظام مالیات اسلامی به عنوان الگوی هدف برای نظام مالیاتی ایران، بررسی مسائل اقتصاد ایران، ۳ (شماره ۲) (شماره پیاپی ۶)، ۹۵-۱۰۹.

فرهادیان آرانی، علی؛ وثوق، بلال (۱۳۹۰). شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر میزان مشارکت افراد در پرداخت زکات، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۶ (۳۰): ۱۴۱ - ۱۷۰.

قلعه نوی، مهدی؛ پاسبانی صومعه، ابوالفضل (۱۳۹۲). عقلانیت اقتصادی برای جمع آوری دولتی زکات، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲ (۳): ۱۱۱-۱۲۰.

کاشیان، عبدالمحمد (۱۴۰۰). آینده نظام سازی زکات در هندسه تأمین مالی دولت اسلامی در ایران در آیینة فقه شیعه، معرفت اقتصاد اسلامی، ۲ (پیاپی ۲۴)، ۱۹۳-۲۱۰.

کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد (۱۳۹۷). ارائه الگوی یکپارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات های متعارف در ایران (جمع آوری و مصرف منطقه ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف)، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۴ (۱)، ۷-۳۵.

کاشیان، عبدالمحمد؛ شعبانی، احمد؛ عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات های متعارف در ایران و ارائه یک الگو، مطالعات اقتصاد اسلامی، ۲۲ (۴۶)، ۳۶۱-۴۰۶.

کریمی محلی، طاهره (۱۳۹۸). بررسی دیدگاه تفسیری فریقین در مصداق شناسی «حق معلوم» در آیه ۲۴ معارج، نشریه علمی مطالعات تفسیری، ۱۰ (۴۰)، ۱۵۴-۱۴۱.

کعبی نسب، عباس؛ رجایی، سید محمد کاظم؛ ربیعی، محمد؛ نعمتی، میثم (۱۳۹۷). قانون پیشنهادی زکات بر اساس فقه حکومتی و مالیه عمومی اسلام، معرفت اقتصاد اسلامی، ۹ (۲)، ۵-۱۰.

کوشکی فروشانی، جعفر (۱۳۹۷). ارائه نهاد پیشنهادی برای ساماندهی و عملیاتی کردن سیاست مالیاتی زکات در کشور، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱ (۱۰)، ۱۱۹-۱۴۳.

کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین (۱۳۸۷). نقش زکات فطره در فقرزدایی (مطالعه موردی: ایران ۱۳۸۵ - ۱۳۷۰)، اقتصاد اسلامی، ۸ (۳۱)، ۱۳۳-۱۶۰.

کیاء الحسینی، ضیاء الدین (۱۳۹۸). بررسی عملکرد قانون زکات در ایران، پژوهشنامه مالیات، ۲۷ (۴۲)، ۷-۴۱.

گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۵). بررسی توان زکات (گندم و جو) در کاهش فقر (مطالعه موردی استان گلستان، دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست های اقتصادی، ۹ (۵۴)، ۱۰۱-۱۱۴).

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ هـ. ق). بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، مؤسسه الوفاء. محقق داماد، سید مصطفی؛ مهریار، محمد (۱۳۹۹). شخصیت حقوقی زکات در منظر فقهی و ارتباط آن با بیت‌المال، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۳ (۲)، ۴۲۳-۴۴۱. مصباح، محمد تقی (۱۳۹۴). ضرورت گسترش آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در جامعه، معرفت، ۲۴ (۲۱۲)، ۵-۱۶.

مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۹۷). جایگاه زکات از دیدگاه فقه حکومتی. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، ۱۵ (۳۰)، ۱۱۹-۱۳۵.

مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۹۷). تحلیل محتوای پیش‌نویس سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با معیار برخی شاخص‌های اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی ج. ا. ایران، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۷ (۲۳)، ۶۵-۸۶. مهرداد، جعفر، فرمانی، مریم (۱۳۹۲). آشنایی با پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC. شیراز: تخت جمشید، ۱۳۹۲.

مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ حسینی، سیدعلی؛ رام روز، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی ارائه صورت‌های مالی جدید در حسابداری اسلامی، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۲۳)، ۱۰۹-۱۳۴.

موسی زاده، زهره؛ عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ صنعتی، فاطمه (۱۳۹۴). کاربست مؤلفه‌های حوزه توزیع تربیت اقتصادی در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۵ (۱۶)، ۵-۲۰.

نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نوبخت، یونس (۱۴۰۰). تحلیل محتوای مقالات علمی حوزه موضوعی مالیات در ایران، مجله علم سنجی کاسپین، ۸ (۱)، ۵۸-۶۹.

نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ هـ. ق). مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

نوریان، محمد (۱۳۸۹). چگونگی معرفی نماز، روزه، جهاد، حج، خمس و زکات در کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و بخوانیم مدارس دوره ابتدایی ایران، تربیت

اسلامی، ۵ (۱۱)، ۵۹ - ۸۰.

واعظ، محمد؛ اکبری، نعمت‌الله (۱۳۹۱). ارزیابی میزان انطباق مطالعات اقتصاد کلان ایران با اولویت‌های پژوهشی اقتصاد ایران به روش تحلیل محتوا، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، ۱۱ (۱)، ۴۷-۶۹.

- Agheli L. (2013). stimating Islamic Taxes Capacity of Iran's Provinces (Case Study of Zakat). *J Tax Res*, 20 (16), 61-92. (In Persian)
- Alam Al-Hadi, S. (2017). An Analysis of the Indicators of the Islamic Tax System as Target Pattern for Tax System of Iran. *Journal of Iranian Economic Issues*, 3(2), 95-109. (In Persian)
- Alshater, M. M., Saad, R. A. J., Abd. Wahab, N., & Saba, I. (2021). What do we know about zakat literature? A bibliometric review. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 12(4), 544-563.
- Amini, H., Ra'i, M., & Tavakkuli, A. R. (2020). An Account of the Governmental Place of Taxes in Imami Political Jurisprudence. *Journal of Islamic Denominations*, 6(12), 336-362. (In Persian)
- Anas, A. D. S., & Sigid, S. E. P. (2024). Analysis of the Development of Zakat Accounting Research: A Bibliometric Approach. *Journal La Bisecoman*, 5(2), 239-252.
- Ardhana, D., Fajriah, G., Al Haq, M. D., & Rahmadania, N. (2024). The Role of Zakat in an Islamic Economic Perspective. *Jurnal Ilmiah Ekonomi Dan Manajemen*, 2(1).
- asgari, M. M., & Mohammadi, A. (2019). The concept of economic poverty and the role of zakah to alleviate it. *Islamic Economics*, 19(75), 51-78. (In Persian)
- Askari, M. M., & Kashiyani, A. M. (2015). Estimation of Potential Capacity of Zakah in Iran & Comparing it With Actual Zakah in 1380-1389. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 7(2), 69-106. doi: 10.30497/ies.2015.1618 (In Persian)
- Askari, M. M., & Kashiyani, A. M. (2015). Estimation of Potential Capacity of Zakah in Iran & Comparing it With Actual Zakah in 1380-1389. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 7(2), 69-106. doi: 10.30497/ies.2015.1618 (In Persian)
- Askari, M. M., & Mohammadipour, A. (2020). The Role of Zakat in Social Balance and Economic Growth in Iran Using a Random Zakat Model during 1999-2010. *Journal of Iran's Economic Essays (JIEE)*, 17(33), 9-34. doi: 10.30471/iee.2020.5499.1776 (In Persian)
- Askari, M. M., & Mohammadipour, A. (2021). Presenting the Proposed Model of Financing the Islamic Government and Examining Its Executive Capacity in Iran's Economy. *Scientific Journal of "Islamic Finance Researches" (IFR)*, 10(2), 495-538. doi: 10.30497/ifr.2021.240202.1590 (In Persian)
- Bagheri Todashki, M., Bagheri, M., & Rezaei, M. (2012). Rulings,

- punishments and worldly and afterlife effects of evading and avoiding zakat tax, *Islamic Economics and Banking Journal*, 2 (2), 27-46. (In Persian)
- da Silva, J. A. T., & Kamkar, B. (2013). International collaboration, co-operation and partnerships in science writing in the Islamic Republic of Iran. *The Asian and Australasian Journal of Plant Science and Biotechnology*, 7(Special Issue 1), 61-65.
- Ezzati M, Shahriari L. (2013) Performance Assessment of Imam Khomeini Relief Committee in Collecting Zakat. *J Tax Res*, 20 (16), 31-60. (In Persian)
- Farhadian Arani, A., & Vosug, B. (2011). Understanding and Classifying the Factors Affecting the Amount of People Partnership in Zakat Payment. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 3(2), 141-170. doi: 10.30497/ies.2011.1093(In Persian)
- Ghale Noi, M.; Monastery guard, A. (1392). Economic Rationality for State Collection of Zakat, *Islamic Economics and Banking*, 2(3), 111-120. (In Persian)
- Gilak Hakimabadi, M. T. (2006). A Study on Zakat Capacity (wheat and barley) for Poverty Alleviation: A Case Study of Golestan Province. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 0(9), 101-114. (In Persian)
- Har Ameli, Muhammad bin Hassan (1414 AH). Shiite means. Qom: Al El Bayt.
- Haryono, E. H. E. (2023). Pemberdayaan Ekonomi Islam melalui Optimalisasi Zakat. *Al Fattah Ejournal Sma Al Muhammad Cepu*, 1(01), 17-30.
- Herianingrum, S., Supriani, I., Sukmana, R., Effendie, E., Widiastuti, T., Fauzi, Q., & Shofawati, A. (2024). Zakat as an instrument of poverty reduction in Indonesia. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 15(4), 643-660.
- Heydari Mazrae Akhund, M. A., & Shahbazi, S. (2019). A Research on the Meaning of Financial Right in “Wa Atū Haqqahū Yawma Haṣādihī” (Q. 6:141). *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 7(2), 61-76. doi: 10.30473/quran.2019.5993(In Persian)
- Hosni, M., Yavari, K., Ghaemi Asl, M., & Tavaklian, H (2012). Presenting the general equilibrium model in the framework of Islamic economics and banking. *Islamic Economics*, 12(45), 77-106. (In Persian)
- Hosseini, S. A., & Babaei, F. (2021). Comparative Study of Corporate Zakat and its Rules and Standards in Islamic Countries. *Accounting and Auditing Studies*, 10(38), 5-22. doi: 10.22034/iaas.2021.134530 (In Persian)
- Iravani, J. (2010). A Critical Review of "An Exploration into the Evidences on Devotionality of Zakāt and Khums. *Fiqh and Usul*, 42(1), 9 -44. doi: 10.22067/fiqh.v0i0.3162 (In Persian)
- Irsyamuddin, D., Harahap, S. A. R., Azmi, M. U., & Syamsuri, S. (2021). A critical thought on zakat in Islamic economic perspective. *Indonesian Journal of Islamic Economics Research*, 3(1), 51-58.
- Jamal, I. H., Abd Wakil, M. N., Yahaya, M. H., Ismail, A. T., & Md Ismail,

- M. A. (2020). Statistical analysis of the word zakat and its application in sahih al-Bukhari's perspective. *Journal of Contemporary Islamic Studies*, 6(2).
- Kaabi Nasab, A., Rajaei, M., Rabiei, M., & Nemati, M. (2017). The proposed law of zakat based on Islamic government jurisprudence and public finance, *Marifat-E Eghtesad-E Islamic*, 9 (2), 5-10. (In Persian)
- Karim, A. A. K., Jumarding, A., & Ahmad, A. (2022). The Role of Zakat in National Economic Transformation through Regional Economic Growth in South Sulawesi Province. *International Journal of Commerce and Finance*, 8(2), 75-98.
- karimi mahalli, T. (2019). Fariqain's Exegetic View on the Extension of Haqqun Ma'lum, a Right Acknowledged, *Journal of The Holy Quran And Islamic Texts*, 10(40), 141-154. (In Persian)
- Kashian A, Shabani A. (2018). The presentation of a model for integrating Islamic and conventional taxes in Iran, *The Interdisciplinary Quarterly of Fundamental Researches on Humanities*, 4 (1), 7-35. (In Persian)
- Kashian, A. (2021). The future of zakat systematization in the geometry of the financial provision of the Islamic state in Iran in the mirror of Shia jurisprudence, *Marifat-E Eghtesad-E Islamic*, 2 (24 series), 193-210. (In Persian)
- Kashian, A.; Shabani, A.; Askari, M. (2018). Explaining the influential components in the design of the integration model of Islamic financial resources and conventional taxes in Iran and presenting a model, *Islamic Economic Studies*, 22 (46), 361-406. (In Persian)
- Kiaalhosseini, D. (2008). The role of zakat fitrah in poverty alleviation (case study: Iran 1370-1385), *Islamic Economics*, 8(31), 133-160. (In Persian)
- Kiaalhosseini, D. (2019). Investigation of Zakat Law in Iran. *J Tax Res*; 27 (42), 7-41. (In Persian)
- Kooshki Forooshani J. (2018). The offering the Proposed Institution for Organizing and Operationalizing the Country's Tax Policy of Zakat, *The Interdisciplinary Quarterly of Fundamental Researches on Humanities*, 4(1), 119-144. (In Persian)
- Majlesi, Mohammad Bagher (1404 AH). *Bihar al-Anwar*, Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi, Al-Wafa Institute. (In Persian)
- Mehrad, J., Farmani, M. (2012). Familiarity with ISC Islamic World Science Reference Database. Shiraz: Persepolis. (In Persian)
- Mehrani, S., Karami, G. R., Hussein, S. A., & Ramrouz, A. (2015). The study of presenting new financial statements within Islamic accounting. *Journal of Iran's Economic Essays (JIEE)*, 12(23), 109-134. (In Persian)
- Mesbahi Moghaddam, G. R. (2018). Status of Zakah from the Viewpoint of Governmental Islamic Jurisprudence. *Journal of Iran's Economic Essays (JIEE)*, 15(30), 119-135. doi: 10.30471/iee.2018.1559 (In Persian)
- Misbah, M. (2014). The necessity of spreading the teachings of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in society, *Ma'raf*, 24 (212), 5-16. (In Persian)
- mohaghegh damad, M., & Mehryar, M. (2021). Legal Personality of Zakāt in

- Jurisprudence and its Relationship with Public Treasury. *Jurisprudence the Essentials of the Islamic Law*, 53(2), 441-423. doi: 10.22059/jjfil.2021.293181.668948 (In Persian)
- Mukhid, M. (2024). Islamic Social Finance: Exploring Zakat, Waqf, and Sadaqah in Economic Development. *Economics Studies and Banking Journal (DEMAND)*, 1(2), 46-52.
- Musazadeh, Z., Azim zadeh Ardabili, F., & Sanati, F. (2016). Economic education in the field of distributed application components of the education system based on Islamic teachings. *Islamic Perspective on Educational Science*, 3(5), 5-20. doi: 10.30497/edus.2016.57797(In Persian)
- Mustafavi, M. (2018). Analysis of the First Draft of the Islamic and Iranian's Model of Progress a Comparison of Some Islamic Index and Constitution Law of the Country with the First Draft of Progress Document. *mieaoi*, 7 (23), 65-86. (In Persian)
- Najafi, M. (1262), *Jawaharlal Kalam in the Explanation of Sharia al-Islam*, Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi. (In Persian)
- Nemati, M. (2018). Review Zakat Law and providing correct solution. *Islamic Economics*, 18(70), 63-89. (In Persian)
- Nobakht Y. (2021). Content Analysis of Scientific Articles on Tax in Iran. *CJS*, 8 (1), 58-69. (In Persian)
- Noorian, M. (2009). How to introduce prayer, fasting, jihad, hajj, khums and zakat in the textbooks of social education and reading in elementary schools of Iran, *Islamic Education*, 5 (11), 59-80. (In Persian)
- Nouri, M. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasail*, Beirut: Al-Al-Bait Lahiya al-Tarath Foundation. (In Persian)
- pezhoman, S., & zare, H. (2019). The Survy on Income Resourses Relation Theory through Zakat Payment: Conditional for an Islamic Equilibrium Economy. *Islamic Economics*, 19(73), 123-153. (In Persian)
- Pourmola, S. M. H., & Taheri, R. (2018). The Companionship of the Hearts (Ta'lif Qulub) in Imamiyya Jurisprudence and Qualily of Its Execution in Hidden Age. *Religious Researches*, 14(4), 949-979. doi: 10.22059/jorr.2018.218687.1007512(In Persian)
- Rahabr, F., Seif, A. M., Dehqan, N., Farajollahzadeh, M., & Al-e-Ishaq, Y. (2018). Countering the Economic Sanctions against the Islamic Republic of Iran Based on the Discourse of the Late Imam and that of the Supreme Leader: A Paradigm Model. *Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge*, 1(4), 7-35. (In Persian)
- Rezae, M. (2003). The legitimacy or Illegitimacy of State Tax. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 0(3), 63-84. (In Persian)
- Rezaei M, Sabzrou M. (2012). Modelling khoms as a part of Income Tax. *J Tax Res*, 20 (15), 125-152. (In Persian)
- Safaei, Z., Shakeri Bostanabad, R. (2021). SALEHI LOMROUDI M. Estimating the effect of effective factors on zakat collection (Case Study: Imam Khomeini Relief Foundation of Sistan and Baluchestan Province).

- mieaoi, 9 (33),223-239. (In Persian)
- Shabani, A., & Kashiyan, A. M. (2016). The Tax System in Iran and its Economic Effects Designing the Mechanism of Khums and Zakat entry into. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 8(2), 39-74. doi: 10.30497/ies.2016.1798(In Persian)
- Shah Wali, Mansour; Khaliqzadeh, Parveen; Kerami, Gholamhossein (2017). Organic Organizational Structure and Organizational Entrepreneurship in Agricultural Cooperatives. *Journal of Studies in Entrepreneurship and Sustainable Agricultural Development*, 4(2), 87-90. doi: 10.22069/jead.2017.13188.1256(In Persian)
- Shamsedini, M., & Shahraki, J. (2011). Providing a Suitable Tax Model from the "Islamic Tax Rules" Point of View. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 3(2), 97-124. doi: 10.30497/ies.2011.1091(In Persian)
- Tabatabai, M. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Al-Alami Press Institute. (In Persian)
- Tarechi, F. (1408 AH). *Al-Bahrain Assembly*, Qom: Al-Nashar Islamic Publishing House. (In Persian)
- Tavakolizadeh-Ravari M. (2015). Two Steps Break-Cull Model for Automatic Indexing of Persian Texts. *Research on Information Science and Public Libraries*, 21 (1), 13-40. (In Persian)
- tavassoli M. (2014). A Model for Estimating Zakah (Case Study of Qom Province). *J Tax Res*, 22 (22), 81-110. (In Persian)
- torkmani, H., & begdeli, R. (2015). The concept of Tazkieh in Holy Quran with an approach to educational components. *Educational Doctrines in Quran and Hadith*, 1(1), 109-124. doi: 10.22034/iued.2015.18097(In Persian)
- Waez, M., Akbari, N. (2013). Evaluating the compliance of Iran's macroeconomic studies with the research priorities of Iran's economy using content analysis method, *Scientific Research Quarterly of Economic Strategy*, 1(1), 47-69. (In Persian)
- Wahyudi, M., Ahmi, A., & Herianingrum, S. (2022). Examining trends, themes and social structure of zakat literature: a bibliometric analysis. *Global Journal Al-Thaqafah*, 12(1), 40-67.
- Zamani Rostami, M.; Rostami, M. (2014). Suggestions for expanding and replacing the Islamic tax system, *Islamic Economic Studies*, 1(15), 7-26. (In Persian)



The Just Price as a Theological Institution: The Experience of Scholastic Thinkers and Implications for Islamic Economics

Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi: PhD Student in Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, Iran (Corresponding author).

m.bahmanpour@isu.ac.ir | 0000-0003-1021-6393

Mohammadjavad Sharifzadeh: Associate Professor of Economics, Imam Sadiq (pbuh) University, Tehran, Iran.

sharifzadeh@isu.ac.ir | 0000-0002-6952-182X

Abstract

The objective of this research is to undertake a reevaluation of the scholastic theory of the just price from a theological perspective. Despite prior studies, this study will put forth the notion that the just price is a theological concept that aids individuals in their faith journey toward happiness. The results of this research reveal that the just price is the product of a teleological approach to human happiness and its material needs. The scholastics recognized the importance of human fulfillment in appraising the value of goods from a scholastic perspective, which encompasses everything that contributes to human perfection. It is noteworthy that the scholastics not only elucidated the theoretical aspects of the just price but also endeavored to eliminate the practical challenges that individuals faced in implementing the just price institution. In this regard, the scholastics proposed practical solutions such as legal price, informed persons, costs, and joint agreement for the determination of just price in the market.

Keywords

Economic Theology, Just Price, Value theory, Scholastic Economics.

قیمت عادلانه به مثابه یک نهاد الهیاتی: تجربه متفکران مدرسی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

محمدحسین بهمن‌پور خالصی: دانشجوی مقطع دکتری، علوم اقتصادی دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، تهران،
ایران (نویسنده مسئول). M.bahmanpour@isu.ac.ir

محمدجواد شریف‌زاده: عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام،
تهران، ایران. sharifzadeh@isu.ac.ir

چکیده

اغلب مطالعاتی که در زمینه‌ی نظریه قیمت عادلانه مدرسی انجام‌شده است بر مواجهه اقتصادی و یا اخلاقی با این نهاد برآمده از ادبیات مدرسی تأکید دارند. با این وجود به نظر می‌رسد قیمت عادلانه بیش از آنکه بخواهد محصول یک فضاوت اخلاقی و یا تحلیل اقتصادی باشد، ثمره یک نهادسازی در الهیات اقتصادی است. این مطالعه در تلاش است تا با بازخوانی نظریه قیمت عادلانه مدرسی به این نهاد از زاویه الهیاتی نظر افکند و در این راستا آن را به‌مثابه یک تلاش الهیاتی در راستای ساخت نهادی که بتواند به دین‌داری مردم کمک کند به اثبات برساند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قیمت عادلانه ثمره نوعی نگرش غایت‌نگر نسبت به سعادت انسان و ملزومات آن در حیات مادی اوست. معرفی مؤلفه محوری نیاز و برآورد عمومی از آن نیز بیانگر اهمیت غایت انسانی در تعریف کالاهای مادی در ربط به سعادت انسان است؛ از این رو هرچه که بتواند به تحقق کمال انسانی کمک بیشتری نماید ارزشمندتر خواهد بود. مدرسین تنها به تبیین ابعاد نظری قیمت عادلانه بسنده نکردند؛ رفع چالش‌های عملی مؤمنان در راستا کاربری نهاد قیمت عادلانه یکی دیگر از تلاش‌های ایشان به حساب می‌آید. در این راستا قیمت قانونی، افراد مطلع، هزینه‌ها و توافق مشترک از جمله راهکارهای عملی مدرسین برای شناسایی قیمت عادلانه در بازار است. لزوم اتخاذ نگرش حداکثری نسبت به دین و منابع معرفتی دینی، ضرورت تکامل نهاد متناسب با تعالی کنشگران آن، لزوم ارزیابی واقعی عملکرد نهاد و نیز ضرورت کلیت و اطلاق آن جهت انطباق در شرایط مختلف از جمله رهیافت‌های این پژوهش برای اقتصاد اسلامی است.

واژگان کلیدی: الهیات اقتصادی، قیمت عادلانه، اقتصاد مدرسی، نظریه ارزش، قیمت‌گذاری.

مقدمه

با شکل گیری اتحاد مقدس اروپا با محوریت امپراتوری مقدس روم تحولات قابل توجهی در مناسبات دین و جامعه ایجاد گردید. شارلمانی از جمله مهم ترین پادشاهان این عصر به حساب می آید که در راستای بهره برداری از ظرفیت های کلیسا برای تحقق آرمان اروپای متحد، حمایت قابل توجهی از نقش آفرینی دین در عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نمود که از جمله آن می توان به رسمیت یافتن قوانین الهی به مثابه قوانین حکومتی در کنار سایر قوانین وضعی اشاره کرد. (Noonan, 1957, p. 15) در این راستا مجموعه ای از مدارس علمی با حمایت های این سلسله پادشاهی و نیز با مدیریت کلیسا ظهور یافت که از آن می توان به نخستین نهاد رسمی علمی در اروپا نیز یاد کرد. (ایلخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۱) این نهاد در تلاش بود تا در قالب مدارس علمی به تبیین و ترویج الهیات مسیحی بپردازد. نقش محوری در تحقق این دستاوردها را می توان به متفکرین مدرسی نسبت داد. مدرسیان مجموعه ای از متکلمان دینی بودند که با پیدایش مدارس اروپا طبقه حاکم بر این مدارس را شامل می شدند. ایشان برخلاف رویه های موجود در کلیسا سعی بر ترویج الهیات مسیحی از قالب هایی متفاوت داشتند. ترویج الهیات در مدارس، شکل دهی به حلقات رهبانی، مواجهه تحلیلی با تحولات عملی معاصر و... از جمله تلاش های ایشان در راستای عملی سازی الهیات در اروپای قرون میانه بود.

اگرچه تاکنون مطالعات گوناگونی پیرامون نظریه قیمت عادلانه مدرسی - به مثابه یکی از مهم ترین دستاوردهای نظری مدرسیان (Hutchinson, 2016, p. 55) - صورت پذیرفته است؛ اما با این وجود اغلب این مطالعات نظریه قیمت عادلانه را به مثابه یک تجربه در الهیات عملی مورد توجه قرار نداده اند؛ دسته نخست از این مطالعات نظریه قیمت عادلانه را به مثابه نهادی دانسته اند که تنها برآمده از تحلیل های اقتصادی است. مثلاً رور (۱۹۵۱، p. 446)، بالدوین (۱۹۵۹، p. 76)، شومپتر (۲۰۰۶، p. 95)، چافون (۲۰۰۳، p. 83) و الگیدو (۲۰۰۹) و (۲۰۱۵) بدون توجه به مبانی ارزشی و چارچوب های اخلاقی مدرسی، قیمت در بازار رقابت کامل^۱ را همان قیمت عادلانه مدرسی دانسته اند. در همین راستا هولاند (۱۹۶۵) نیز معتقد است که قیمت عادلانه همان هزینه تولید در چارچوب عادلانه

1. Price in the competitive market

قرون میانه است که این می‌تواند با قیمت بازاری در زمان‌هایی برابر باشد. دسته دوم از این پژوهش‌ها قیمت عادلانه را حاصل قضاوتی اخلاقی پیرامون نهادی اقتصادی دانسته‌اند؛ مثلاً ویلسون (۱۹۷۵) قیمت عادلانه را مفهومی کاملاً هنجاری ارزیابی می‌کند که در زمان عدم عملکرد صحیح نیروهای بازار در تعیین قیمت، خودنمایی می‌کند. همچنین فریدمن (۱۹۸۰) قیمت عادلانه را قیمت داوری شده با اصول اخلاقی می‌داند که نوعی جایگزین جهت قیمت بازار رقابتی در شرایط رقابت ناقص به حساب می‌آید. در این راستا ملکویک (۲۰۱۹) نیز عدالت را چارچوبی اخلاقی جهت تحقق مبادله در بازار می‌داند. اگرچه اغلب مطالعات انجام‌شده پیرامون قیمت عادلانه را می‌توان حاصل رویکردهای اقتصادی و اخلاقی دانست؛ اما با این وجود برخی از پژوهش‌ها نیز بوده‌اند که به نظریه‌ی قیمت عادلانه از زاویه الهیاتی نظر افکنده‌اند. در این راستا پژوهش کهن و ویل بریت (۲۰۱۲) از جمله آن‌هاست. ایشان در مطالعه‌ای بدیع با تأکید بر مسئله فضیلت، قیمت عادلانه را از منظر آکوئیناس برآیند کنش انسان‌های عادل در قیمت‌گذاری کالاها در مبادله دانسته‌اند. بر این اساس ایشان قیمت عادلانه را قیمتی در راستای مصالح همه اعضای جامعه می‌پندارند که می‌تواند متناسب با هر تراکنش مصداقی متفاوت داشته باشد. از این‌رو عامل محوری در نوسان قیمت عادلانه از منظر ایشان هزینه‌های تولید است. علی‌رغم این تلاش‌ها به نظر می‌رسد که اغلب پژوهش‌هایی که در دسته دوم جای گرفته‌اند قیمت عادلانه را منحصر در یک چارچوب اخلاقی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و پژوهش پسین نیز تنها به ارائه تفسیری الهیاتی از نظریه قیمت عادلانه آکوئیناس اکتفا کرده است. به‌طوری که نمی‌توان آن را به سایر متفکرین مدرسی تعمیم داد. بر این اساس این مطالعه در تلاش است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای تحلیلی و با نگرشی پدیدارشناسانه به بازخوانی تجربه مدرسیان در راستای عملی سازی الهیات پردازد و نظریه‌ای سازگار با اندیشه‌های جریان اصلی مدرسی ارائه دهد. در این راستا نظریه قیمت عادلانه از ریشه‌های شکل‌گیری آن در حکمت عملی مدرسی تا سطحی‌ترین صورت آن به‌عنوان یک نهاد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از طریق آن بتوان به اثبات این مدعا پرداخت که نظریه قیمت عادلانه صرفاً به‌مثابه یک مسئله اقتصادی برای این متفکرین محل توجه نبوده است؛ بلکه به‌مثابه یکی از ارکان الهیات عملی اقتصادی مورد تأکید

ایشان قرار گرفته است. همچنین در کنار اثبات فرضیه اصلی سعی بر آن خواهد بود تا ضمن ارائه رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی به این سؤال فرعی نیز پاسخ داده شود که از منظر اندیشه مدرسی نسبت دولت‌ها با قیمت عادلانه چیست؟ همچنین از آنجایی که ادبیات قیمت عادلانه در اندیشه مدرسی بسیار گسترده است، تمرکز اصلی این پژوهش بر مسئله عدالت مبادله‌ای خواهد بود.

بر این اساس در ادامه این پژوهش بدین ترتیب سامان یافته است که نخست جایگاه نظریه قیمت عادلانه در الهیات اقتصادی مدرسی تشریح می‌گردد. سپس نظریه ارزش مدرسی به مثابه زمینه نظری قیمت عادلانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن به هستی‌شناسی قیمت عادلانه در الهیات عملی مدرسی و تحولات آن در واقعیت اجتماعی-اقتصادی قرون میانه پرداخته می‌شود تا در ضمن آن به سؤال فرعی پژوهش نیز پاسخ داده شود. در نهایت نیز رهیافت‌های بحث در زمینه‌ی تجربه متفکرین مدرسی در ساخت الهیات اقتصادی عملی برای اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. جایگاه نظریه قیمت عادلانه در الهیات اقتصادی مدرسی

از منظر اندیشه مدرسی انسان‌ها موجوداتی غایت‌نگر هستند که تمامی افعال ایشان متناسب با غایات تعریف شده برای آن‌ها جهت‌دهی می‌شود. (Hirschfield, 2018, p. 68) غایت انسانی تحقق کمال اخیر او و به فعلیت رسیدن همه استعدادهایش است. از آنجایی که کمال اخیر انسان لقاء الهی- به مثابه مبدأ کمال هستی- است (Aquinas, [1270]1947, I, II, Q3) (۱) از این‌رو انسان‌ها در دنیا نیز می‌توانند با مشابهت به باری تعالی سطحی از کمالات را اکتساب کنند که در الهیات مدرسی از آن به غایت ناقص تعبیر می‌شود. (Aquinas, [1270]1947, I, II, Q4, A5-6) (۲) مدرسیان مشابهت در حیات دنیوی را در حقیقت در اکتساب ملکات و فضائل نفسانی می‌دانستند. (۲) در نگاه مدرسیان هرچه فضیلت آثار بیرونی بیشتری داشته باشد، ارزشمندتر خواهد بود؛ آکوئیناس در این راستا تأکید می‌کرد که "بزرگ‌ترین فضایل باید آن‌هایی باشد که بیشترین سود را برای افراد دیگر داشته باشد، زیرا فضیلت توانایی نیکی کردن به دیگران

است " از این رو عدالت به مثابه فضیلتی که آثار آن عمومیت زیادی دارد از جمله مهم ترین فضائل در اندیشه مدرسی به شمار می آید.^۱ الهیات مدرسی ضمن تشریح این مبادی، متوقف نشده و سعی در کاربردی سازی این فضیلت در زندگی مادی انسان ها می نماید. از این رو در ادامه آکوئیناس (1947, II, I, Q66) با تأکید بر نقش مبادله در ظهور عدالت در جامعه تصریح می کرد که " عدالت اول از همه و بیشتر در مبادلات داوطلبانه چیزها مانند خرید و فروش اعمال می شود که در آن این عبارات به درستی به کار می روند " بر این اساس عدالت مبادله ای برای متفکرین مدرسی محل توجه و سؤال می گردد.^۲

عدالت مبادله ای ریشه در برابری داده و ستاده داشت و این برابری نیز باید خود را در حقیقتی مشخص نمایان می کرد؛ از این رو مسئله ارزش به عنوان معیار برابری داده و ستاده در مبادلات به یکی دیگر از موضوعات تحلیلی مدرسیان مبدل گردید.^۳ اما از منظر مدرسیان ارزش نیز مفهومی انتزاعی بود که در نیاز افراد نسبت به کالاها (Aquinas, [1270]1947, II, I, Q66) و برآورد عمومی ایشان از آن (Lessius, [1605], 17, p. 2007) ریشه داشت؛ بر این اساس متفکرین مدرسی با معرفی نهاد قیمت عادلانه به مثابه نمود بازاری ارزش حقیقی چیزها در مبادلات سعی در عملی سازی مفهوم انتزاعی ارزش در راستای بسط عدالت در جامعه نمودند.^۴

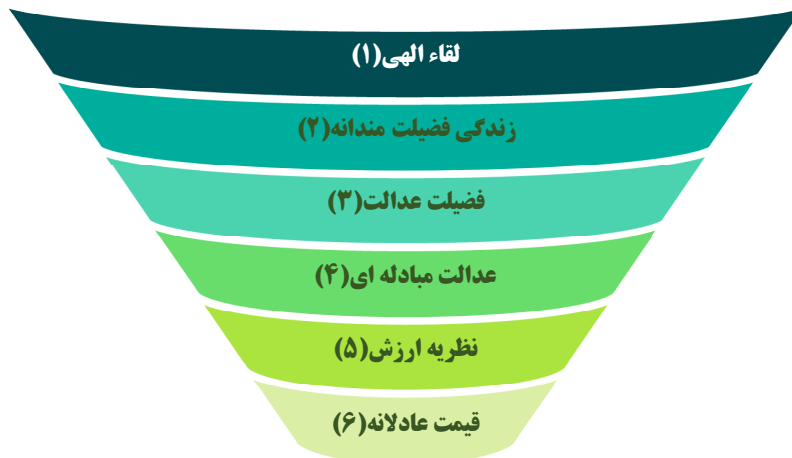
1. Commutative justice

۲. لوئیس ساراولا دل کاله نیز در تعابیر مشابهی می گفت که "قیمت عادلانه با استفاده از برآورد عمومی افراد از قیمت، متناسب با فراوانی کالا تعیین می شود نه بر اساس هزینه های کالا. میوه نوبرانه به نسبت میوه های بعدی به سبب هزینه بیشتر تهیه آن گران تر نیست بلکه به علت کمبود آن گران تر است و یا دو پارچه که کاملاً مشابه هم باشد ولی یکی دارای هزینه حمل بیشتری باشد در بازار به دو قیمت متفاوت به فروش نمی رسد " (Grice- Hutchinson, 1952, p. 82) همچنین لانگشتاین (1484, I, 191) در تعابیر مشابهی می گوید « اگر کار، مراقبت، نگرانی و خرج کسانی که چیزی را تولید می کنند موفقیت آمیز نباشد و خریدار از آن سودی نمی برد، فروش آن به خاطر کار و مخارج، معقول نیست. از طرف دیگر اگر آن ها موفق باشند، چیزها ممکن است با توجه به میزان موفقیت و نه با توجه به میزان مخارجی که متحمل می شوند، به فرد فروخته شوند، زیرا گاهی اوقات نیروی کار، مراقبت و هزینه زیادی صرف تولید یا حفظ کالا می شود که خیلی کم و یا هیچ چیز دیگری آن را برای خریدار مفیدتر نمی کند.»

۳. بر اساس نظریه مقداری پول (quantitative theory of money)

۴. متفکرین مدرسی دیگری نیز همچون سوتو و لانگشتاین دیدگاه مشابهی را اتخاذ کرده اند.

جدول ۱: مدل مفهومی شکل‌گیری نظریه قیمت عادلانه در الهیات اقتصادی مدرسی



مأخذ: یافته‌های پژوهش

۲. نظریه ارزش مدرسی

بر اساس آنچه گفته شد، قیمت عادلانه در راستای ضمانت عدالت مبادله‌ای در کنش اقتصادی معرفی گردید. اما آنچه معیار اساسی در تحقق عدالت مبادله‌ای است، برابری ارزش کالاها و خدمات است و از این‌رو مفهوم ارزش پیش از توجه به قیمت عادلانه برای مدرسیان مورد تأکید قرار گرفت. متفکرین مدرسی ارزش را مفهومی کاملاً انتزاعی و سابژکتیو تلقی می‌کردند که وابستگی زیادی به نیاز انسان‌ها داشت. (Aquinas, 2000, 5:9) در حقیقت این نیاز انسان‌ها و شدت آن بود که میزان ارزشمندی کالاها را تعیین می‌کرد. نیاز نیز تنها اشاره به یک مفهوم عینی از ضروریات آبژکتیو حیات انسانی نداشت؛ بلکه آنچه مدرسیان از نیاز مورد تأکید قرار می‌دادند همان ابعاد ذهنی آن بود که کاملاً وابسته به کنشگران و برآورد ذهنی ایشان از آن بود. (Rothbard, 2006, p. 88) از منظر متفکرین مدرسی اگرچه مطلوبیت و سودمندی عینی نیز می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در ارزشمندی چیزها به‌حساب آید ولی مسیر اثرگذاری سودمندی عینی نیز از طریق سودمندی ذهنی و برآورد مشترک است. از این‌رو اگر چه آب دارای سودمندی

عینی زیادی است اما در صورت فراوانی، برآورد مشترک مردم ارزش آن را به نسبت طلا کمتر ارزیابی می‌کنند. در این راستا پیتر جان اولیوی (۱۲۹۸-۱۲۴۸) در پاسخ به پارادوکس آب و طلا تصریح می‌کرد که آب هرچند برای زندگی انسان ضروری است اما به اندازه‌ای فراوان و به راحتی در دسترس است که ارزش پایینی در بازار دارد در حالی که طلا بسیار کمیاب‌تر و در نتیجه ارزشمندتر است و معمولاً کالاهای اولیه زندگی که مردم بیشتر به آن‌ها احتیاج دارند به سبب فراوانی ارزان‌تر برآورد می‌شوند. (Olivi, 2020, p. 42)

در راستای تبیین مؤلفه نیاز به مثابه عامل محوری در تعیین ارزش، بوردیان (2020, p. 47) در یک رویکرد غایت‌نگرانه تبیین قابل‌توجهی را از ارزش ارائه می‌دهد. او با توجه به زمینه‌های ذهنی اثرگذار بر نیاز و برآورد عمومی افراد از ارزش کالاها در بازار معتقد بود که هدف نهایی از تولید کالاها مؤلفه قابل‌توجهی در تعیین ارزش چیزها به شمار می‌آید. از منظر او نیاز افراد به کالاها در نسبت با اهداف تعیین‌شده برای آن کالاها شکل می‌گیرد و از این‌رو هرچه هدف تعیین‌شده برای کالایی اساسی‌تر و مهم‌تر باشد آن کالا رافع نیازهای مهم‌تری از افراد خواهد بود و از این‌رو نیاز بدان نیز بیشتر هست. از آنجایی که انسان‌شناسی مدرسی مبتنی بر غایت‌نگری و سعادت انسانی بود و در این راستا انسان‌ها نوع واحدی تلقی می‌شدند که دارای غایت هستند از این‌رو معرفی نیاز به عنوان عامل محوری در ارزش امری قابل پیش‌بینی در الهیات مدرسی بود. از منظر مدرسیان جهان مادی در راستای تمتع انسان‌ها جهت نیل به کمال اخیر ایشان آفریده شده بود و طبیعی بود که کالاهای مادی نیز در جهان‌بینی مدرسی ارزشی مستقل از انسان و کمال او نداشته باشند. بر این اساس جهان مادی تا آنجا می‌توانست ارزشمند باشد که بتواند انسان‌ها را در راستای نیل به سعادتشان یاری کند بنابراین ارزش نیز مبتنی بر مسئله سعادت و کمال انسانی معنا می‌یابد.

۳. مفهوم قیمت عادلانه در اقتصاد مدرسی

آن‌چنان که اشاره گردید، قیمت عادلانه از منظر مدرسیان چیزی جز ارزش حقیقی کالاها و خدمات در بازار نبود؛ از این‌رو آکوئیناس (1947, II, II, Q77) تأکید می‌کرد قیمتی که

بیش تر و یا کمتر از ارزش حقیقی کالاها در بازار باشد عادلانه نیست. همچنین هنری لانگشتاین (1484, I, 191:12) نیز در این رابطه تصریح می کرد که

بر اساس عدالت، چیزها را باید به همان اندازه که ارزش دارند خرید و فروش کرد. اگر کسی به طور زیرکانه چیزی را بیش از آنچه در زمان و مکان ارزش دارد بفروشد و یا کسی آن را مبلغ کمتری خریداری کند این کار نابرابر است و حتی اگر به او اجازه چنین کاری داده شود و شریکش که با او معامله می کند با اقدام او مخالفت نکند، چون یا از ارزش حقیقی کالا اطلاع ندارد و یا به دلیل نیاز به مبادله، این کار بازهم غیرعادلانه است.

اغلب مدرسیان به این حقیقت آگاه بودند که قضاوت ها و انگیزه های شخصی می تواند نگرش افراد پیرامون میزان نیاز و ارزش حقیقی کالاها را متأثر نماید. از این رو در کنار مؤلفه ساینز کینو نیاز، مفهوم برآورد عمومی نیز مورد تأکید مدرسیان قرار گرفت. لسیوس (2007, p. 3) در این زمینه تصریح می کرد که "قضاوت شخصی به خاطر عشق به سود، خطاپذیر و به آسانی منحرف می شود، در حالی که قضاوت مشترک کمتر در معرض خطا قرار می گیرد" همچنین لانگشتاین (۱۳۹۷-۱۳۲۵) نیز معتقد بود که "در یک مبادله نیاز این یا آن فرد معیار تعیین کننده ارزش نیست؛ بلکه نیاز عمومی افرادی که می توانند در یک مکان، شهر یا منطقه مبادله کنند مورد توجه است." (Langholm, 2008)

مدرسیان بر این باور بودند که قیمت عادلانه نهادی برآمده از الهیات اقتصادی بود که وظیفه بسط عدالت در تعاملات اقتصادی را عهده دار بود. ماهیت اجتماعی این نهاد و نقش برآورد عمومی در تعیین آن مانع از این می شد که مدرسیان مؤلفه های فردی و شخصی را در اثرگذاری بر این نهاد معتبر بدانند. این مسئله سبب مخالفت های جدی مدرسیان با رویکرد اسکوتوس پیرامون ارزش و قیمت عادلانه شد. اسکوتوس معتقد بود که قیمت ها باید هزینه های متحمل شده توسط یک تاجر در خرید، حمل و نقل و ذخیره سازی کالا به علاوه جبران مهارت، نیروی کار و ریسک وارد کردن کالاها به بازار را پوشش دهد. او مدعای خود را این گونه تشریح کرد که

... مبادله ای عادلانه است که علاوه بر آن که برای جامعه سودمند باشد، افراد بر اساس حزم و سخت کوشی، مشکلات و نیز مخاطرات متحمل شده جبران شوند. این بدان علت است کسانی که با خدمت صادقانه خویش به جامعه خدمت می کنند باید بتوانند

با فعالیت خود زندگی کنند. اما جابه‌جایی و ذخیره کالاها از جمله خدمات صادقانه و مفید برای جامعه به شمار می‌آیند که باید با کارشان زندگی کنند. از آنجایی که جابه‌جایی کالاها میان کشورهای مختلف با توجه به اقدامات تاجر دریافتن منابع و نیازهای کشورها از خلاقیت و مهارت زیادی نیازمند است؛ بنابراین یک تاجر ممکن است مبلغی را مطابق با کار انجام داده بیش از میزان مورد نیاز برای معیشت خود و کارگزارانش دریافت کند. این مسئله به خصوص زمانی که او بدون اهمال متحمل ضرر می‌شود بیشتر صادق است. (Dempsey, 1935)

آلبرتوس ماگنوس (Grice-Hutchinson, 1952, p. 26) و پدر و والنسیا (Grice-Hutchinson, 1952, p. 118) نیز در تعبیر مشابهی دیدگاه اسکوتوس را تایید کردند. با این وجود اغلب مدرسیان براساس معیار برآورد عمومی، معتقد بودند که قیمت عادلانه نمی‌تواند نتیجه قضاوت‌های شخصی افراد قرار گیرد. فرض متفکرین مدرسی بر آن بود که هزینه‌های تولید و کار، در برآورد عمومی مردم از ارزش و قیمت‌های کالاها قرار دارد؛ بنابراین هرچه در تولید کالایی به صورت معمول کار و هزینه بیشتری مصرف شده باشد، قطعاً مردم ارزش آن کالا را بیشتر ارزیابی خواهند کرد؛ اما با این وجود، لحاظ این مؤلفه به عنوان عاملی مستقل نه تنها ضرورت ندارد، حتی می‌تواند به دستاویزی برای سوءاستفاده عرضه‌کنندگان برای فروش گران‌تر کالاها مبدل گردد. در این راستا لسیوس (۲۰۰۷) تصریح می‌کرد که

اگر یک تاجر بیش از قیمت فعلی رایج که در آن هزینه‌ها لحاظ شده، کار و مخارج متحمل شده باشد، این بدشمنی‌اش است و قیمت مشترک را نمی‌توان به این دلیل افزایش داد، درست همان‌طور که نیازی به کاهش قیمت در شرایطی که تاجر هیچ هزینه‌ای را متحمل نشده باشد، نیست.^۴

از آنجا که مفهوم ارزش حقیقتی کاملاً انتزاعی از منظر مدرسیان بود، از این رو هر عاملی می‌توانست خواست و ذهنیت افراد را متأثر نموده و بر ارزش و به تبع آن بر قیمت عادلانه اثرگذار باشد. بر این اساس از منظر مدرسیان قیمت عادلانه تنها نهادی جزم و مطلق نبود بلکه می‌توانست متناسب با شرایط مختلف زمانی و مکانی و همچنین با توجه به تغییرات اجتماعی اقتصادی، سیاسی و... پویایی‌هایی را داشته باشد. توجه به پویایی‌های نهاد قیمت عادلانه سبب آن شد که متفکرین مدرسی برای قیمت عادلانه محدوده

مشخصی از نوسان را قائل شوند. در این زمینه توماس آکوئیناس معتقد بود که قیمت عادلانه چیزها یک مقدار مشخص نیست؛ بلکه شامل یک تخمین مشخص است. قیمت یک کالا با توجه به تفاوت در مکان، زمان، یا خطری که شخص در معرض آن قرار می‌گیرد از یک مکان به مکان دیگر تغییر می‌کند و این اختلاف قیمت عادلانه است که باعث می‌شود کالاها صادر شود. (Dempsey, 1935) بسیاری از متفکرین مدرسی همچون مولینا (Alonso-Lasheras SJ, 2011, p. 164) و لسیوس (۲۰۰۷) دامنه‌ای سه سطحی را برای قیمت عادلانه تعریف کردند که شامل قیمت عادلانه حداقلی، قیمت عادلانه میانه و نیز قیمت عادلانه حداکثری بود.

معرفی مفهوم قیمت عادلانه به مثابه برآورد عمومی افراد از نیاز به تنهایی برای شکل‌گیری عینی این نهاد که بازیگر اصلی تحقق فضیلت عدالت در مبادلات بود، کفایت نمی‌کرد. از طرف دیگر از آنجا که نیاز نیز مفهومی کاملاً سبژکتیو بود از این رو مؤلفه‌های عینی مختلفی می‌توانست بر آن اثرگذار باشد. بر این اساس مدرسیان اقدام به تشریح مجموعه‌ای از عوامل خارجی کردند که می‌توانست بر برآورد ذهنی افراد و به دنبال آن بر قیمت عادلانه در بازار اثرگذار باشد. فراوانی و کمیابی کالاها و پول، پدیده‌های تصادفی (مانند جنگ و قحطی)، توانایی و ظرفیت تولیدکنندگان (Lessius, [1605] 2007, p. 16)، مفید بودن و سودمندی و نیز آگاهی نسبت به کارایی کالا (Summenhart, 1580, III, 56: 262)، میل به کالا یا میزان لذتی که از آن حاصل می‌شود (Dempsey, 1935) و... از جمله مؤلفه‌های قابل توجه در تعیین ارزش و قیمت است که مدرسیان به آن پرداخته‌اند.

نکته قابل توجه در تشریح این عوامل، توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های طرف عرضه و تقاضا در تعیین قیمت کالاهاست که در آثار برخی مدرسیان یافت می‌شود. مثلاً لسیوس (2007, p. 5) از جمله این متفکرین است که در تشریح مؤلفه‌های اثرگذار بر برآورد عمومی و قیمت کالاها اعتقاد داشت:

.. برخی از این شرایط با خود کالاها مرتبط هستند: کمیابی یا فراوانی آن‌ها، نیاز مشترک به آن‌ها و سودمندی ذهنی آن‌ها. سپس، شرایط مربوط به فروشنده وجود دارد: کار او، هزینه‌ها، ریسک‌ها و مخاطرات حمل و نقل و ذخیره کالاها که فروشنده متحمل می‌شود.

علاوه بر این، شیوه فروش نقش دارد، یعنی اینکه آیا کالاها خود به خود عرضه می‌شوند یا بر اساس تقاضا فروخته می‌شوند. عامل آخر خریداران هستند که تعداد آن‌ها مؤثر است.

۴. قیمت عادلانه در عمل

اگرچه قیمت عادلانه نهادی کامل در راستای تحقق هدف الهیات مدرسی برای توسعه فضیلت عدالت در جامعه بود؛ اما با این وجود تجربه عملی کاربست آن در قرون میانه نشان‌دهنده وجود چالش‌هایی عملی بود که سبب می‌گردید تا مدرسیان پیشنهادهای تکمیلی را ارائه دهند. نکته قابل توجه در این کنش تحلیلی آن بود که مدرسیان تنها به ارائه یک نظریه انتزاعی در مدارس بدون توجه به چالش‌های عملی آن اکتفا نکردند بلکه بسط عملی الهیات در جامعه مستلزم آن بود که چالش‌های واقعی پیش روی دینداران در استفاده از این نهاد الهیاتی نیز مورد توجه قرار گرفته و راهکارهایی برای آن ارائه شود. اما این چالش‌های عملی چه چیزی بود؟

در قرن پانزدهم نوسانات شدید قیمتی در بازارها و نیز افزایش قیمت مواد غذایی بحران قابل توجهی را در ارزشگذاری کالاها ایجاد کرد؛ این مسئله به‌خصوص در شهرها که برای تأمین نیازهای غذایی اولیه خود به مزارع و روستاها وابسته بودند چالش‌های جدی‌تری را ایجاد می‌کرد. از سویی مصرف‌کنندگان فرو دست به دلیل افزایش قیمت‌ها (تورم) و نوسانات شدید آن در تأمین مایحتاج اولیه زندگی خود در مضیقه بودند و از سوی دیگر کاهش تقاضای مصرف‌کنندگان (رکود) برای کالاها در قیمت‌های عمومی بازار، سبب نارضایتی فروشندگان گردیده بود. همچنین عیارکاهی و واردات نقره و طلا از آمریکا، (Monroe, 1924, p. 127) سبب تشدید این بحران در برخی از مناطق اروپا شده بود.

از سوی دیگر در قرون میانه بازارها به‌طور کامل در همه نقاط شکل نیافته بود و در مناطق غیرشهری نیز مبادلات اغلب در بازارهای موقت و مکاره انجام می‌پذیرفت. همچنین در شهرها نیز که از بازارهای منسجم و دائمی برخوردار بودند، عدم وجود اطلاعات کامل و نیز قیمت‌گذاری مبتنی بر قدرت - که از سنت‌های قدیمی قرون میانه

اولیه منبعث گردیده بود - چالش‌هایی را برای تقویم عملی کالاها مبتنی بر قیمت عادلانه ایجاد کرده بود. همچنین ابزارهای ارتباطی ضعیف، نا اطمینانی‌ها، مخاطرات تجارت و عرضه مایحتاج اولیه سبب گردیده بود تا خریداران و فروشندگان اغلب تحت شرایطی خاص با یکدیگر مبادله کنند که از قدرت چانه‌زنی نابرابری برخوردار باشند. (Langholm 1998, p. 86) در چنین شرایطی معیار برآورد عمومی و قیمت‌های بازاری به تنهایی نمی‌توانست در همه مبادلات کارایی لازم را داشته باشد.

بر این اساس مدرسیان با معرفی شاخص‌هایی عملی سعی در عینی سازی قیمت عادلانه و نیز ارائه راهکارهایی کردند تا فرایند قیمت‌گذاری را به الگوی بهینه قیمت عادلانه نزدیک کنند. در ادامه به تحلیل برخی از این ابتکارات می‌پردازیم.

۴-۱. قیمت قانونی

از جمله مهم‌ترین پیشنهادهای متفکرین مدرسی پیرامون تعیین قیمت عادلانه تقویم قانونی کالاها بود. بر این اساس بسیاری از متفکرین مدرسی اقدام به تفکیک قیمت عادلانه به قیمت طبیعی و قانونی کردند. قیمت طبیعی همان قیمتی بود که متناسب با برآورد عمومی از ارزش حقیقی یک‌چیز تعیین می‌گردید و قیمت قانونی قیمتی بود که توسط حکومت‌ها با توجه به اشرافی که بر کل بازار دارند و متناسب با مؤلفه‌های اثرگذار در ارزش کالاها و نیز مصالح عمومی اعلام می‌گردید. (Grice-Hutchinson, 1952, p. 85) اغلب انتظار آن می‌رفت که ورود دولت در تعیین قیمت قانونی از حیث جبران عدم تقارن اطلاعات در بازار و نه یک قیمت‌گذاری دستوری و مستقل باشد. از آنجا که قیمت عادلانه از منظر مدرسیان حاصل برآورد عمومی بود، از این رو در صورتی که در فرایند شناسایی برآورد عمومی خدشه ایجاد می‌شد، دولت‌ها با هدف رفع این خدشه وارد فرایند قیمت‌گذاری می‌شدند. بر این اساس قیمت‌گذاری حتی توسط مقامات حکومتی باید بر اساس مصالح عمومی و نیز مؤلفه‌های مؤثر بر ارزش حقیقی کالاها باشد و در نتیجه میل و یا منافع پادشاهان و ذی‌نفعان ایشان نباید در تعیین قیمت‌ها اثرگذار باشد؛ چون در آن صورت دیگر قیمت‌ها عادلانه نخواهد بود. در این زمینه لسیوس (2007, p. 4) در تشریح نحوه قیمت‌گذاری قانونی توسط پادشاه تصریح می‌کرد که «شاهزاده یا قاضی با در نظر گرفتن

تمام شرایطی که تخمین کالاها به آن بستگی دارد، قیمتی را که یک کالای خاص باید در آن فروخته شود تعیین می‌کنند تا مبدا خریداران فریب بخورند یا مجبور به تسلیم به امیال فروشندگان شوند. « در حقیقت قیمت قانونی نیز باید منعکس‌کننده ارزش حقیقی کالاها در بازار با توجه به مؤلفه‌های پیش‌گفته باشد و ورود دولت‌ها تنها برای جلوگیری از سوءاستفاده برخی فروشندگان از نوسانات شدید قیمت‌ها و نیز عدم تقارن اطلاعات برای فروش گران‌تر کالاها بود. از این‌رو لسیوس در ادامه تأکید می‌کرد که حتی اگر قیمت قانونی نیز منطبق بر ارزش حقیقی کالاها نباشد، مشروع و عادلانه نخواهد بود.^۶

قیمت قانونی و طبیعی همیشه با یکدیگر همگرا نبودند و گاهی اوقات اختلافاتی با یکدیگر داشتند. در صورتی که قیمت قانونی بر اساس مؤلفه‌های مؤثر در ارزش حقیقی چیزها تعیین می‌گردید، این قیمت نباید تفاوت زیادی را با قیمت طبیعی داشته باشد. با این وجود برخی از مدرسیان نیز بودند که اعتقاد داشتند دولت‌ها به خصوص در مورد کالاهای اولیه مورد نیاز مردم (کالاهای کم‌کشش) باید ملاحظات توزیعی و مصالح عمومی را نیز در قیمت‌گذاری کالاها لحاظ کنند. از سوی دیگر واکنش‌های تأخیری دولت‌ها به شرایط بازار (مانند تغییر تعداد خریداران یا فروشندگان، فراوانی یا کمیابی کالا در بازار و...) نیز یکی دیگر از عواملی بود که سبب این واگرایی می‌شد.

با وجود آنکه اغلب متفکرین مدرسی موافق تعیین قیمت‌های عادلانه از طریق تقویم قانونی بودند، اما برخی از ایشان نیز دلایلی را برای مخالفت با این شیوه تعیین قیمت عادلانه به خصوص زمانی که بیشتر بر اساس مؤلفه‌های عدالت توزیعی تعیین می‌شود، ارائه کردند؛ مثلاً مولینا (1759, disp. CCCLXIV, 4:385) و ویالوبوس (1637, sec. 334) در این راستا تصریح کردند که عادلانه نیست که فروشندگان را مجبور کنیم که کالاهایشان را به همان قیمت زمان فراوانی در زمان کمیابی به فروش برسانند. مولینا همچنین از زاویه عدالت توزیعی نیز به مخالفت با تقویم قانونی کالاها پرداخت. او معتقد بود که هزینه انجام اقدامات دولت در راستای مصالح عمومی جامعه باید بر عهده تمامی افراد جامعه باشد نه آنکه تنها بر فروشندگان با تعیین قیمت‌های قانونی تحمیل گردد. او همچنین معتقد بود در صورتی که عدالت مبادله‌ای اقتضای افزایش قیمت‌ها را دارد، کمک به طبقات فرودست باید از طرق دیگری همچون امور خیریه انجام شود نه آنکه به عدالت

مبادله‌ای برای حمایت از فقرا آسیب‌زده شود.

بر اساس این قسمت می‌توان به سؤال فرعی این مطالعه پیرامون نسبت دولت‌ها با قیمت عادلانه از منظر مدرسیان پاسخ داد. مدرسیان حقی در راستای قیمت‌گذاری برای دولت‌ها قائل نبودند؛ بلکه دولت‌ها در زمانی که مؤلفه برآورد عمومی دچار خدشه می‌شد، در راستای کمک به ایجاد تقارن اطلاعات وارد فرآیند قیمت‌گذاری می‌شدند. انتظار آن بود که قیمت قانونی اعلام شده توسط دولت‌ها نه یک قیمت جدید بلکه در حقیقت همان قیمت عادلانه‌ای باشد که به دلیل شرایط خاص بازار قابلیت تحقق عملی را ندارد.

۴-۲. افراد مطلع

یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی مدرسیان برای جبران عدم تقارن اطلاعات در بازار مراجعه به افراد عادل، مطلع و آگاه به شرایط بازار به‌عنوان مرجعی برای اعلام قیمت عادلانه (نه تعیین آن) بود. در این راستا مولینا با اشاره به این مرجع قیمت‌گذاری، عقیده داشت که ایشان باید افرادی باشند که خودشان در معامله ذی‌نفع نباشند. (Alonso, 2011, p. 238) لاسیوس (Lasheras, 2007, p. 7) نیز در مواردی استفاده از افراد آگاه را برای قیمت‌گذاری مناسب می‌دید و در نگاهی متفاوت با مولینا معتقد بود که در صورتی که فروشنده به شرایط بازار آگاهی داشته باشد و انگیزه‌های درونیش را دخالت ندهد می‌تواند خود به‌عنوان مرجع آگاه اقدام به برآورد قیمت کالاهایش نماید البته به شرط آن که این برآورد با حسن نیت باشد.

۴-۳. هزینه‌ها

برخی دیگر از متفکرین مدرسی بر این عقیده بودند که هزینه‌ها نیز می‌توانست در غیاب وجود قیمت‌بازاری به‌عنوان مرجعی برای برآورد قیمت عادلانه مورد استفاده قرار گیرد. در نگاه سنت برناردین، در صورتی که قیمت شایع بازاری وجود نداشته باشد و یا سبب ضرر عرضه‌کننده شود، (البته بدون افعال عرضه‌کننده) محاسبه قیمت کالاها می‌تواند بر اساس هزینه تولید آن صورت پذیرد. (Gordon, 1975, p. 234) بسیاری از متفکران مدرسی آلمانی همچون سومنهارت، نایدر و متیو نیز با برناردین هم‌نظر بودند. (Langholm, 2008) از نظر ایشان در صورتی که قیمت‌های قانونی در بازار با شکست

مواجهه شود، عرضه‌کننده می‌تواند قیمت خرید و یا هزینه‌های تولیدش را به عنوان مبنای قیمت‌گذاری کالاها قرار دهد و در کنار آن مبالغی را برای امور خیریه و یا آینده خود علاوه بر هزینه‌ها طلب نماید. نکته قابل توجه در اینجا آن بود که از نگاه مدرسیان، هزینه‌ها لزوماً منحصر به هزینه‌های تولید نمی‌شد و سایر هزینه‌ها همچون هزینه‌های ریسک، حمل و نقل و.... را نیز شامل می‌شد. همچنین هزینه‌ها راهکاری با هدف تحقق عملی مؤلفه نیاز در تعیین ارزش حقیقی کالاها در بازار بود. از این‌رو مؤلفه هزینه‌های تولید معمولاً در جایی کاربرد داشت که نیاز به یک کالا نمی‌توانست نقش خود را به درستی در قیمت‌گذاری ایفا نماید؛ مثلاً در صورتی که یک کالا به‌تازگی به بازار ارائه شده بود و یا آنکه مردم اطلاعات کافی پیرامون کاربردهای آن نداشتند، میزان نیاز واقعی به آن کالا نمی‌توانست برای ایشان ملموس باشد. از این جهت در این شرایط از مؤلفه هزینه‌ها با هدف ترمیم عنصر نیاز در تقویم کالاها استفاده می‌شد.

۴-۴. توافق مشترک

توافق طرفین مبادله همان‌گونه که پیترو اولیوی می‌گوید، در صورتی که ناشی از اضطراب برای انجام مبادله و یا عدم آگاهی نسبت به قیمت‌ها نباشد، یکی دیگر از راهکارهای پیشنهادی متفکرین مدرسی برای تعیین عملی قیمت‌های عادلانه در بازار بود. این مؤلفه همچون سایر مؤلفه‌های پیشین اغلب برای پوشش چالش‌های عملی در نبود برآورد عمومی و قیمت‌های بازاری بود. در کنار اولیوی، اسکوتوس، والنسیا و آلبرتوس ماگنوس از جمله متفکرین مدرسی بودند که این شیوه را پیشنهاد نمودند. (Langholm, 1998, pp. 100-102)

اسکوتوس اصل توافق و رضایت متقابل را در قالب هدیه برای شرایطی که برابری کامل داده و ستانده صورت نمی‌پذیرفت توجیه می‌نمود. او معتقد بود در صورتی که مبادله به طرفین آن بر اساس عدالت، منفعتی نرساند شکل نمی‌یابد؛ از این رو طرفین مبادله تلاش می‌نمایند تا عنصر برابری ارزشی را در تعیین ارزش و در نتیجه تقویم کالاها برای جلوگیری از انحلال تبادل و رفع نیاز متقابل رعایت نمایند. حال در صورتی که برای یکی از طرفین مبادله بنا بر رضایت و توافق مازادی ایجاد شود - همان‌گونه که اسکوتوس در برخی از مبادلات مشاهده می‌کرد - آن را می‌توان به عنوان نوعی هدیه از

جانب طرف مقابل تلقی نمود تا بدین وسیله ضمن آنکه قیمت‌گذاری و مبادله را تسهیل نماییم به عدالت مبادله‌ای نیز آسیبی وارد نشود. (Langholm, 1998, pp. 102-104) در همین راستا هنری گان نیز برآورد مشترک در تعیین قیمت عادلانه را حاصل فرآیند چانه‌زنی طرفین مبادله برای رسیدن به قیمتی متوسط و مورد رضایت طرفین می‌داند. با این وجود پدرو والنسیا شروطی را برای قیمت‌گذاری کالاها با استفاده از این رویکرد ارائه کرد؛ در این راستا او تاکید می‌کند که این شیوه قیمت‌گذاری باید برای کالاهای غیرضروری مورد استفاده قرار گیرد. همچنین توافق باید بدون انحصار، فریب و نیز اجبار هر یک از طرفین برای معامله باشد.

۵. قیمت عادلانه، تجاری در الهیات اقتصادی و رهیافت‌هایی برای اقتصاد اسلامی

معرفی فضیلت به‌عنوان یکی از محوری‌ترین عناصر سعادت سبب گردید تا پیوند دین با عمل انسانی بیش از پیش برای مدرسیان موضوعیت یابد. همچنین این مسئله سبب خروج انزوای کلیسا و دین از اندیشه‌های کاملاً انتزاعی و درونی به اندیشه‌هایی مرتبط با حیات واقعی انسان‌ها شد که می‌توانست مسائل روزمره مردم را در نسبت با کمال و سعادت اخروی آن‌ها معنی‌دار کند. عدالت به‌مثابه یکی از محوری‌ترین فضائل انسانی می‌توانست پیوند الهیات را با موضوعات اقتصادی برقرار کند. اما سؤال اساسی در اینجا آن بود که آیا این پیوند تنها در بعد نظری شکل گرفته بود؟

مدرسیان ضمن آنکه سعی در ترویج و هدایت نظری کنش اقتصادی جامعه در راستای غایات شریعت و برای تحقق جهانی الهی داشتند اما تنها به تبیین الهیات اقتصادی در مدارس اکتفا نکردند. روند تغییر نهادهای اجتماعی و تحولات سریع آن نیازمند همراهی عالمان دینی در مسیر دین‌داری مؤمنان برای ایفای نقش بندگی ایشان و کمک به نیل به سعادت بود. در این راستا ایشان سعی در کاربردی‌سازی مفاهیم انتزاعی الهیات در قالب نهادهایی عینی برای زندگی اجتماعی نمودند که از جمله آن می‌توان به نهاد قیمت عادلانه اشاره کرد. بر این اساس قیمت عادلانه نتیجه یک کنش الهیاتی - و نه تنها برآیند کنشگران بازار در بازار رقابتی - بود. متفکر مدرسی با انگیزه بسط اخلاق و توسعه فضائل در کنشگران اجتماعی سعی نمود تا از مفاهیم کلی و انتزاعی الهیات نهادهایی عینی و متناسب

با کنش مادی انسان‌ها بسازد. همچنین در این ضمن، معرفی و ساخت این نوع از نهادها مجموعه‌ای از مسائل نظری را پیش روی ایشان قرار می‌داد که زمینه‌ساز شکل‌گیری نخستین تحلیل‌های علمی در ابعاد مختلف علوم انسانی گردید.

مبتنی بر این نگرش الهیاتی پیرامون قیمت عادلانه، می‌توان به تمایز جدی آن با مفهوم قیمت در بازار رقابت کامل نیز دست یافت. قیمت عادلانه حاصل یک رویکرد الهیاتی غایت‌نگر نسبت به حقیقت انسان و سعادت اوست. اگر سعادت انسان‌ها در گرو کسب فضائل باشد، کنش فضیلت‌مندانه می‌تواند به کنش انسانی در راستای غایت حیات ایشان معنا ببخشد. کاربست قیمت عادلانه در بازار می‌تواند نمایانگر کنش انسان‌هایی باشد که با معنا بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی خود در حقیقت به نمایش ملکات فضیلت خود در صحنه بازار می‌پردازند. اما برخلاف این نگرش، قیمت در بازار رقابت کامل حاصل کنش بازیگران خردی است که لزوماً غایت واحدی را دنبال نمی‌کنند. مفهومی کلی و به‌غایت تفسیرپذیر به‌عنوان مطلوبیت^۷ می‌توانست مجموعه‌ای از خواست‌ها و ترجیحات انسانی را بدون توجه به غایتی مشخص در راستای شکل‌دهی به انتظارات و تقاضای افراد در بازارهای رقابتی ایجاد کند. عدم امکان قضاوت‌پذیری این ترجیحات در ربط با غایت انسانی و نیز عدم امکان قضاوت‌پذیری پیرامون میزان نقش این ترجیحات در تحقق غایت، از ویژگی‌هایی است که قیمت بازار رقابت کامل را بیش از پیش با قیمت عادلانه متمایز می‌کند.

از سوی دیگر در طرف عرضه نیز آنچه به‌عنوان تنها هدف تولیدکنندگان در مدل‌های تصمیم‌گیری در بازار رقابت کامل تصور می‌شود، حداکثر سازی سود است. در حالی‌که آنچه از ادبیات مدرسی برمی‌آید آن است که غایت‌مندی انسان‌ها حقیقتی است که تنها در کمال جسمی خلاصه نمی‌شود؛ از این رو قیمت عادلانه به مثابه یک نهاد الهیاتی باید بتواند هم راستا با کمال اخروی انسان‌ها نیز نقش آفرینی کند. این مسئله سبب می‌شود که اگرچه اکتساب سود از منظر مدرسیان امری مضموم تلقی نگردد، اما باید غایتمند و در ربط با سعادت انسانی دارای جایگاه باشد. قدیس آکوئیناس (۱۳۹۳، ص ۴۷) کسب سود در هر شرایطی را رد می‌کند اما با این وجود معتقد است که سودی که از فعالیت تجاری ناشی بشود اگر با هدف استفاده در اموری همچون کمک به دیگران، رفع

احتیاجات خانواده و کشور و... باشد، نه تنها مشروع است، بلکه خود می تواند زمینه ای برای حکم به مشروعیت آن فعالیت تجاری نیز باشد.

اگر ملاک مشروعیت اکتساب سود تعالی انسانی باشد، در شرایطی که اکتساب سود در تنافی با غایت مشروعیت بخش خود عمل کند، دیگر نمی تواند به عنوان یک مولفه مقید کننده در مدل تصمیم گیری افراد در بازار برای تعیین قیمت ها نقشی اصیل داشته باشد. بر این اساس در شرایطی همچون جنگ، زلزله و... که امکان حداکثر سازی سود از طریق سوء نظر به نیاز طرف مقابل وجود دارد، قیمت عادلانه لزوماً برابر قیمتی نخواهد بود که در آن سود عرضه کننده حداکثر شود. از این رو قدیس آکوئیناس (1947، [1270] II, II, Q77) بر این باور است که

اگر کسی از چیزی که به دیگری تعلق دارد کمک زیادی بشود (نیاز زیادی را از او مرتفع سازد) و فروشنده نیز با از دست دادن آن آسیبی نمی بیند (ضرر نمی کند)، فروشنده نباید (آن چیز را) به قیمت بالاتری بفروشد؛ زیرا کارایی که (با استفاده از آن کالا) به خریدار می رسد ناشی از فروشنده نیست؛ بلکه ناشی از شرایط خاص خریدار (قحطی، زلزله، سیل و...) است.

با توجه به مطالب پیش گفته و در یک جمع بندی می توان گفت که نهاد قیمت عادلانه مبتنی بر این نگرش در راستای توسعه فضائل فرا مادی اما در کنش های مادی ابداع شد. همچنین بر اساس مطالب پیش گفته پیرامون تجربه الهیاتی مدرسی در ساخت یک نهاد اقتصادی، می توان رهیافت های زیر را برای الگو گیری مشابه در اقتصاد اسلامی ارائه نمود؛

۱. نخست آن که متفکران مدرسی رویکردی حداکثری نسبت به مبانی معرفتی دینی در نظام سازی اتخاذ کردند. اگرچه امروزه تمرکز اقتصاد اسلامی بر کاربست فقه در نظام سازی اقتصادی است؛ اما برخلاف این نگرش تک بعدی، مدرسیان سعی نمودند تا از همه ی ظرفیت های منابع مختلف دینی همچون الهیات، فقه، فلسفه و حتی تجربه - برای سنجش کارایی - بهره ببرند. در این راستا ضرورت ساخت نهاد قیمت عادلانه مبتنی بر منابع الهیاتی مدرسی بود (نظریه سعادت)، اما فهم ماهیت عدالت مبادله ای از منابع نقلی مدرسی ناشی می شد. این مسئله نمونه

خوبی از نحوه معاضدت منابع مختلف معرفتی در اقتصاد مدرسی است. این نگرش حداکثری تنها به معرفت‌شناسی مدرسی خلاصه نمی‌شد؛ بلکه شامل نحوه نگرش ایشان نسبت به دین و فضیلت - به مثابه غایت دنیایی حیات مؤمنانه انسان‌ها - نیز می‌شد. رویکرد حداکثری نسبت به دین سبب می‌شد تا مدرسین دین و اخلاق را منحصر در برخی کنش‌های خاص انسانی ندیده و در تلاش باشند تا نفوذ دین را در همه ساحات حیات بشری که از جمله آن‌ها کنش‌های اقتصادی بود، بگسترانند. بر این اساس به نظر می‌رسد که از جمله الزامات ساخت نهادهای اقتصادی اسلامی وجود نگرش حداکثری نسبت به دین و معرفت‌شناسی دینی باشد.

۲. دوم آنکه متفکرین مدرسی به این حقیقت آگاه بودند که یک نهاد دینی باید ظرفیت تکامل با توجه به سطح دین‌داری کنشگران آن را داشته باشد؛ به طوری که هرچه سطح دینداری و توسعه ملکات فضیلت در انسان‌ها افزایش می‌یابد، نهاد نیز باید متوقف نشده و در هر مرتبه از دینداری بتواند در راستای تعالی کنشگرانش نقش‌آفرینی کند. در موضوع مورد مطالعه این پژوهش، قیمت عادلانه برای تحقق در جوامعی که از خلوص کافی دینداری و ملکات فضیلت برخوردار نیستند شاید نیازمند استفاده از همه ظرفیت‌های خارجی همچون مداخله دولت، افراد مطلع و... جهت جلوگیری از خدشه در عدالت مبادله‌ای باشد؛ اما در یک جامعه خالص قیمت عادلانه بدون نیاز به مداخلات بیرونی و تنها برابر با برآیند کنش مؤمنان عادل در بازار خواهد بود و حتی در مراحل بالاتر آن ملاحظات عدالت توزیعی نیز بدان افزوده می‌شود. در طی همه این مراحل نمی‌توان هیچ‌یک از قیمت‌های شکل‌گرفته را غیرعادلانه دانست؛ اما با این وجود این نهاد نیز متناسب با سطح خلوص مؤمنان همچون موجودی زنده ارتقاء و تعالی می‌یابد. با این وجود باید توجه کرد که مدرسین بر این نکته التفات داشتند که کارکرد نهادها هرچند که الهیاتی باشند نباید منحصر به بخش خاصی از جامعه شود. تنظیم مناسبات جامعه نیازمند نهادهایی است که همه اقشار با هر سطح از ایمان بتوانند از آن بهره ببرند. اما با این وجود ماهیت تشکیکی آن نیز سبب می‌شد که

سطح بهره‌مندی افراد و نیز نمود عینی آن در کنش اصناف مختلف اجتماعی متفاوت باشد.^۱ البته در این راستا فهم واحد تحلیل اجتماعی در جهت بسط الهیات در کنش جمعی انسان‌ها نیز ضروری بود. در حقیقت یک الهی‌دان تنها زمانی می‌توانست به توسعه الهیات در ساحت عملی خود در جامعه بپردازد که فهم مناسبی از جامعه و الهیات اجتماعی انسان‌ها داشته باشد و آن‌ها را تنها در قالب‌های فردی و به‌مثابه امری فرا طبیعی تفسیر نکند. بنابراین به نظر می‌رسد که برای نظام سازی در اقتصاد اسلامی نیز باید به ماهیت پویای نهادها و نیز امکان بهره‌برداری از آن توسط همه اعضای جامعه توجه کرد. آنچنان که شهید صدر (ره) (۱۱۱-۱۱۳: ۱۴۳۲) نیز بر آن تاکید دارد با توجه به نقش درونمایه انسانی در حرکت‌های اجتماعی، تغییر و تحولات تابعی از سطح ایمان دینداری افراد جامعه است بر این اساس در یک الگوی پویای اقتصاد دینی نیز ضروری است تا نهادها منحصر به الگوهای رفتاری محدود نباشند و قابلیت تغییر و ارتقاء متناسب با سطح دینداری اعضای جامعه را داشته باشند.

۳. یکی دیگر از نکات قابل توجه این است که تجربه الهیاتی مدرسیان در نهادسازی تنها به معرفی نهادهای عینی ختم نمی‌شد. ارتباط مداوم با اصناف و طبقات مختلف اجتماعی در راستای افزایش قدرت موضوع شناسی نهادها و نظامات مدرن اقتصادی و نیز فهم نیازهای مورد ابتلا مؤمنین و دینداران در تعامل با این

۱. متأثر از مبنای فضیلت‌گرایانه مدرسی در تبیین غایت مادی انسان‌ها و از آنجا که فضیلت مسئله کنش انسانی و مرتبط با عقل عملی است، کهن و ویل بریت (۲۰۱۲) قیمت عادلانه را نیز به‌مثابه برآیند کنش انسان‌های عادل تفسیر کرده‌اند. اگرچه این تفسیر به‌مثابه حد کمال قیمت عادلانه می‌تواند محل توجه باشد اما همان‌گونه که از اندیشه مدرسی برمی‌آید یک متفکر مدرسی تنها به دنبال انحصار فضائل در طبقه خاصی از جامعه قرون میانه نبود؛ بلکه او همواره به دنبال ساده‌سازی و بسط این کمالات در همه اعضای جامعه بود؛ از این‌رو به نظر می‌رسد که می‌توان نوعی تفسیر مشکک از مفهوم قیمت عادلانه ارائه کرد؛ بر این اساس قیمت عادلانه نهادی برآمده از الهیات برای تمرین عملی فضیلت عدالت در جامعه بود. این نهاد در سطوح اولیه آن امری عمومی بود که همه اعضای جامعه می‌توانستند با تمسک به آن، مبادله‌ای عادلانه را رقم بزنند. اما با این وجود هرچه کنشگران خود به ملکه عدالت دست یابند عملاً اعمال ایشان نیز عادلانه خواهد شد و از این‌رو قیمت عادلانه در سطوح عالی آن می‌تواند مفهومی متأثر از برآیند کنش انسان‌های عادل باشد.

نهادها، از جمله دیگر تجارب این متفکرین بود. (مثلا نگاه کنید به Molina[1597] 2014,266) ایشان در راستای ایفای نقش خود ارتباط پیوسته با صحنه عمل در راستای رصد دائمی نیازهای دینداران و نحوه کاربست نهادهای برآمده از الهیات را نیز مورد توجه قرار دادند تا بتوانند کارایی این نهادها در عرصه حیات عملی انسان‌ها را نیز ارزیابی کنند. به‌طور مشخص در زمینه‌ی نهاد قیمت عادلانه، معرفی مؤلفه‌هایی چون قیمت قانونی، افراد مطلع، هزینه‌ها و توافق مشترک نتیجه این تعامل عملی بود. در صورتی که یک نهاد برای غایتی مشخص ایجاد شده باشد، هرچه که مؤمنان در تعامل با آن نهاد بتوانند به غایت تعیین شده نزدیک‌تر گردند، آن نهاد کارایی بهتری را نشان خواهد داد.

۴. رهیافت دیگر آن است که اگرچه ارزش‌ها به‌مثابه مجموعه‌ای از غایات میانی شریعت می‌توانند قابل توجه باشند، اما تحقق عملی آن‌ها در بستر جامعه نیازمند ساخت قواعد تعاملات انسان‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی ایشان است. هرچه این قواعد و نهادها کلی‌تر و مطلق‌تر باشند، از پویایی و قابلیت انطباق بیشتری با پویایی‌های نظام‌های مختلف انسانی در طول زمان برخوردار خواهد بود. از این‌رو قیمت عادلانه مدرسی با بهره‌گیری از این نکته توانست موضوعیت خود را حتی قرن‌ها پس از ابداع آن حفظ کند به‌طوری که بتواند در بازارهای مدرن امروزه نیز قابل استفاده باشد. بر این اساس در اقتصاد اسلامی نیز در صورتی که به دنبال پویایی نهادهای اعتباری آن با اقتضائات مختلف زمانی و مکانی باشیم، ساخت قواعد تعاملاتی انسان‌ها برای کنش اقتصادی به صورت مطلق و در نسبت با غایات و اهداف شریعت می‌تواند یکی از پیشنهادات باشد.

۵. مسئله مشروعیت قیمت‌گذاری همواره یکی از پرسش‌های قابل توجه فقها در مواجهه با احکام بازار اسلامی بوده است که اغلب تحت عنوان «تسعیر» در کتب فقهی از آن یاد می‌شود. آن چنان که از اغلب ادله لفظی مرتبط با این مسئله بر می‌آید، نهی از قیمت‌گذاری حتی در شرایط خاص — مانند احتکار و انحصار — از جمله روشن‌ترین ظهور این ادله به شمار می‌آید. اگرچه اغلب روایات مرتبط با قیمت‌گذاری مرسله هستند، اما با این وجود در کتب اصلی روایی امامیه به

برخی از آن‌ها اشاره شده است مثلاً در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام در این زمینه آمده است که «ان الله وكل بالسعر ملكا يدبره بامر...»^۱ (کلینی، ۱۴۰۸ق.، ج ۵: ۱۶۳) و یا در روایتی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به درخواست اصحاب برای قیمت‌گذاری به دلیل افزایش و کاهش (نوسان) قیمت‌ها آمده است «ما كنت لالقي الله تعالى ببدعه لم يحدث الي فيها شيئاً فدعوا عباد الله ياكل بعضهم من بعض و اذا استنصحتهم فانصحو»^۲ (صدوق، ۱۴۱۳ق.م، ج ۳: ۲۶۸).

از سوی دیگر به نظر می‌رسد ادله عام قرآنی همچون «...اوفوا بالعقود...»^۳، «...لاتاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منكم...»^۴، «...و احل الله البيع و...»^۵ و نیز شاهی بر تایید ظهور روایات شریفه پیرامون نهی از قیمت‌گذاری باشد. همچنان که این دیدگاه رویکرد اغلب فقها نیز بوده است کما اینکه شیخ طوسی (۱۳۸۷، ج ۲: ۱۹۵) در کتاب المبسوط خود ادعای اجماع بر آن را کرده است. با این وجود برخی از فقها نیز بوده‌اند که برخلاف نظر مشهور، در شرایط خاص، همچون احتکار، حکم به جواز قیمت‌گذاری کرده‌اند. (انصاری، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۷۳) به نظر می‌رسد در این رویکرد فقهی، دلالت ضمنی روایاتی همچون مرسله امام صادق علیه السلام بی‌تاثیر نبوده باشد که می‌فرمایند، «ما سعر امیرالمؤمنین علی احد ولكن من نقص عن بيع الناس قيل له بع کما یبيع الناس و الا فارفع من السوق الا ان یکون طعامه اطیب من طعام الناس»^۶ (مغربی، ج ۲: ۳۶).

۱. همانا خداوند، فرشته‌ای را مأمور قیمت‌ها فرموده است که به فرمان او تدبیر می‌کند آن را (قیمت‌ها را)...

۲. حاضر نیستم خدا را با بدعتی ملاقات کنم؛ در حالی که چیزی به من ابلاغ نشده است. بندگان خدا را آزاد بگذارید تا بعضی از بعضی دیگر استفاده کنند...

۳. شریفه مائده آیه ۱

۴. شریفه نساء آیه ۲۹

۵. شریفه بقره آیه ۲۷۵

۶. امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ گاه بر (کالای) کسی قیمت‌گذاری نکرد ولی هرکس که در بیع با مردم کم می‌گذاشت، (کم فروشی می‌کرد) به او گفته می‌شد همان طور که مردم می‌فروشند بفروش والا از بازار خارج شو، مگر در مواردی که غذای (کالای) او بهتر از غذای (کالای) دیگران (سایر فروشندگان) باشد.

حال با توجه به نظر مشهور پیرامون ممنوعیت قیمت‌گذاری توسط دولت و همچنین با توجه به اشارات برخی از روایات پیرامون نظارت و کنترل ائمه علیهم السلام بر قیمت‌ها سوال قابل توجه آن است که چگونه این دو مسئله را می‌تواند با یکدیگر جمع گردد؟ به نظر می‌رسد نگرش متفکران مدرسی به پیرامون نقش دولت در قیمت عادلانه بتواند دید روشنی را پیرامون رفع این تزاخم ظاهری به ما بدهد و همچنین راهکاری برای دخالت کم هزینه دولت‌ها در فرآیند قیمت‌گذاری بازاری در شرایط خاص ارائه دهد. آنچنان که اشاره شد، از منظر مدرسیان ورود دولت‌ها به قیمت‌گذاری لزوماً نه به عنوان تعیین قیمت عادلانه در بازار بود بلکه راهکاری در راستای جبران نواقص بازار و به طور مشخص عدم تقارن اطلاعات بود. در شرایط خاص همچون نوسان شدید قیمت‌ها، قحطی، تحریم و... احتمال افزایش عدم تقارن اطلاعات در بازار و نیز سوء استفاده برخی کنشگران از این شرایط وجود دارد. در چنین شرایطی دولت‌ها می‌توانند با اعلام قیمت‌های برآمده از برآورد عمومی جامعه به کاهش نواقص بازار و عملکرد کارا تر کنش‌گران آن کمک کنند. همچنین ایشان می‌توانند با نظارت بر عملکرد کنشگران، از انجام فعالیت‌های سوداگرانه و سوء استفاده از شرایط برونزای تحمیلی به بازار (مانند احتکار) جلوگیری به عمل آورند. همچون راهبرد قبل، این اقدام دولت لزوماً به معنای قیمت‌گذاری نیست اما می‌تواند به کاهش نواقص بازار و تحقق یک قیمت عادلانه که برآمده از برآورد کنشگران بازار است کمک نماید.

نتیجه‌گیری

برخلاف مطالعاتی که تاکنون انجام شده این پژوهش نشان داد که قیمت عادلانه نهادی برآمده از الهیات در راستای توسعه فضیلت عدالت و نیز کمک به سلوک انسان‌ها در مسیر سعادتشان است. در این راستا تأکید بر نقش مبادلات به‌مثابه مهم‌ترین عرصه برای نمایش عدالت در جامعه سبب گردید که مفهوم نیاز به‌مثابه معیار ذهنی برابری ارزش کالاها مورد توجه مدرسیان قرار گیرد. بر این اساس قیمت عادلانه نیز به‌عنوان نهادی عینی از ارزش حقیقی کالاها در بازار معرفی گردید. پویایی‌های این نهاد اقتصادی-الهیاتی در اندیشه مدرسی سبب شد تا کاربری آن لزوماً اختصاص به طبقه خاصی از دینداران در جامعه

نباشد. همچنین تعیین دامنه‌ای از قیمت‌های حداقلی و حداکثری نیز در راستای سهولت در کاربست آن متناسب با شرایط مختلف بازار صورت پذیرفت. از آنجا که نیاز مؤلفه‌ای کاملاً سابرکتیو در ادبیات مدرسی تلقی می‌شد، از این‌رو مجموعه‌ای از عناصر همچون فراوانی و کمیابی کالاها و پول، پدیده‌های تصادفی (مانند جنگ و قحطی)، توانایی و ظرفیت تولیدکنندگان، آگاهی نسبت به کارایی کالا، میل به کالا یا میزان لذتی که از آن حاصل می‌شود و... می‌توانست نیاز و در نتیجه قیمت عادلانه را متأثر نماید. لزوم تعیین قیمت عادلانه از طریق برآوردی عمومی و عدم تأثیر منفرد عناصر آبرکتیو همچون هزینه‌های تولید در تعیین این قیمت در راستای جلوگیری از سوءاستفاده و قیمت‌گذاری سلیقه‌ای از جمله نکات قابل توجه در الهیات اقتصادی مدرسی بود.

از سوی دیگر چالش‌های عملی پیش روی قیمت عادلانه سبب گردید تا مدرسین قیمت قانونی، افراد مطلع، هزینه‌ها و نیز توافق مشترک را به‌عنوان راهکارهایی در جهت تسهیل شناسایی قیمت عادلانه در بازار معرفی کنند. این مؤلفه‌ها به‌صورت مستقل نقشی در قیمت‌گذاری نداشتند؛ بلکه می‌توانستند مسیر تحقق قیمت عادلانه در بازار را هموار سازند. همچنین بر اساس قرائت ارائه‌شده از نظریه قیمت عادلانه مدرسی این پژوهش نشان داد که قیمت عادلانه در الهیات اقتصادی مدرسی برآمده از یک نگرش غایت‌نگر نسبت به انسان و مسیر تکاملی اوست و از این‌رو نمی‌توان آن را با قیمت در بازار رقابت کامل که حاصل یک تلاش عملی در جهت جدایی نظم اجتماعی از باورهای جمعی جامعه است یکسان دانست.

کتابنامه

قرآن کریم

- آکوئیناس، توماس. (۱۳۹۳). اصول الهیات. در وارن جی سمیوئلز و استیون جی مدمما (گردآورندگان)، (محمد حسین وقار، مترجم)، *تاریخ اندیشه‌ی اقتصادی: از ارسطو تا استوارت میل* (ص ۳۳-۶۱). ایران: مرکز. (نشر اثر اصلی ۱۴۸۵م)
- انصاری، مرتضی. (۱۳۷۸). کتاب المکاسب، ج ۴، قم: تراث الشیخ الأعظم.
- ایلخانی، محمد. (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. (سازمان مطالعه و

- تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- الصدر، السيد محمدباقر. (۱۴۳۲). السنن التاريخية في القرآن. اعداد صياغة عباراته و ترتيب افكاره: محمدجعفر شمس الدين. بيروت: دار احياء التراث العربی.
- صدوق (ابن بابويه)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق.). من لا يحضره الفقيه. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷) المبسوط فی فقه الامامیه. تهران چاپ محمدتقی کشفی، تهران: المكتبة الرضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۸ق.). الکافی. ج ۵. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- Alonso-Lasheras SJ, Diego. (2011). *Luis de Molina's De Iustitia et Iure: Justice as Virtue in an Economic Context*. <https://doi.org/10.1163/ej.9789004202252.i-246>, Brill. Retrieved from <https://brill.com/view/title/19890>
- Al-Sadr, Al-Sayed Mohammad Bagher. (1432). *Al-Sunan al-Tarikhiya in the Qur'an. Rewording of expressions and arrangement of thoughts: Mohammad Jaafar Shamsuddin*. Beirut: The Revival of Arab Heritage. (In Arabian)
- Ansari, Morteza. (1378). *Kitab al-Makasib*, vol. 4, Qom: The Heritage of Sheikh Al-Azam. (In Persian)
- Aquinas, saint thomas. (2000). *Commentary on Aristotle's «Nicomachean Ethics»*. (Aristotle commentary series). (G. Fiasse, corrector).
- Aquinas, St Thomas. [1270] 1947. "Summa theologia" New York: Benziger Bros.
- Aquinas, Thomas. (1393). Principles of theology. In Warren J. Samuels and Steven J. Medma (editors), (Mohammed Hossein Waqar, translator), *History of Economic Thought: From Aristotle to Stuart Mill* (pp. 61-33). Iran: Markaz. (The original work was published in 1485). (In Persian)
- Baldwin, John W. (1959). The medieval theories of the just price: Romanists, canonists, and theologians in the twelfth and thirteenth centuries. *Transactions of the American philosophical society*, 49(4), 1-92.
- Buridan, Jean. [1349] 2020. Commentary on Aristotle's Politics. In Fuller, Edward W., Ed. *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing.
- Chafuen, Alejandro Antonio. (2003). Faith and liberty: The economic thought of the late scholastics. Lexington Books.
- de la Calle, Luis Saravia. (1544). Instruction de mercaderes. In *THE SCHOOL OF SALAMANCA*. CLARENDON.

- De Roover, Raymond. (1951). Monopoly theory prior to Adam Smith: A revision. *The Quarterly Journal of Economics*, 65(4), 492-524.
- de Villalobos, E. (1637). *Summa de la theologia moral, y canonica*. por Sebastian de Cormellas. Retrieved from <https://books.google.com/books?id=m8haLAyL5B8C>
- Dempsey, Bernard W. (1935). Just price in a functional economy. *The American Economic Review*, 471-486.
- Elegido, Juan M. (2015). The just price as the price obtainable in an open market. *Journal of Business Ethics*, 130(3), 557-572.
- Elegido, Juan Manuel. (2009). The just price: Three insights from the Salamanca School. *Journal of business ethics*, 90(1), 29-46.
- Friedman, David D. (1980). In defense of Thomas Aquinas and the just price. *History of Political Economy*, 12(2), 234-242.
- Grice-Hutchinson, Marjorie. (1952). *the School of Salamanca: readings in Spanish monetary theory*. Oxford: Oxford University press.
- Henry of Langenstein, (1484) *Tractatus bipartitus de contractibus*. Cologne.
- Hirschfeld, Mary L. (2018). *Aquinas and the Market*. Harvard University Press.
- Hollander, Samuel. (1965). On the interpretation of the just price. *Kyklos*, 18(4), 615-634.
- Hutchinson, Marjorie Grice. (2016). *Early economic thought in Spain 1177-1740*. Liberty Fund.
- Ilkhani, Mohammad. (1382). History of philosophy in the Middle Ages and Renaissance. (Organization for the study and compilation of university humanities books). Organization for studying and compiling humanities books of universities (Samt) . (In Persian)
- Koehn, Daryl; & Wilbratte, Barry. (2012). A defense of a Thomistic concept of the just price. *Business Ethics Quarterly*, 22(3), 501-526.
- Langholm, Odd. (1998). *The legacy of scholasticism in economic thought: antecedents of choice and power*. Cambridge University Press.
- Langholm, Odd. (2008). The German tradition in late medieval value theory. *The European Journal of the History of Economic Thought*, 15(4), 555-570.
- Lessius, Leonardus. (2007). On Buying and Selling (1605). *Journal of Markets & Morality*, 10(2).
- Melkevik, Åsbjørn. (2019). Starve all the lawyers: four theories of the just price. *The European Journal of the History of Economic Thought*, 26(1), 101-128.
- Molina, L. d. (1759). *De justitia et jure: opera omnia, tractatibus quinque, tomisque totidem comprehensa*. Editio Novissima. Huic diligenter recognitae accessit Index Universalis Rerum, quae in hoc toto Opere tractantur.-261
- Molina, Luis. de. [1597] 2014. *Treatise on Money*. Trans. by Jeannine Emery. Grand Rapids: Christian's Library Press.
- Monroe, Arthur Eli. (1924a). *Early economic thought: Selections from economic literature prior to Adam Smith*. Harvard University Press.
- Noonan Jr, John T. (1957). The scholastic analysis of usury.

- Olivi, peter john. ([1295]2020). A Treatise on Contracts. In Fuller, Edward W., Ed. *A Source Book on Early Monetary Thought: Writings on Money before Adam Smith*. Edward Elgar Publishing.
- Rothbard, Murray Newton. (2006). *An Austrian Perspective on the History of Economic Thought: Economic Thought Before Adam Smith*. Ludwig von Mises Institute.
- Sadouq (Ibn Babouyeh), Muhammad bin Ali. (1413 A.H.). I am not in the presence of al-Faqih. Proofreader: Ali Akbar Ghafari. Qom: Islamic Publications Office . (In Persian)
- Schumpeter, Joseph A. (2006). *History of economic analysis*. Routledge.
- Summenhart, Conrad,(1580). De contractibus. Venice.
- Tusi, Muhammad bin Hasan. (1387) al-Mabusut fi fiqh al-Umamiyyah. Tehran, published by Mohammad Taghi Kashfi, Tehran: Al-Razaviya Library for the Revival of Al-Jaafariya Antiquities. (In Persian)
- Wilson, George W. (1975). The economics of the just price. *History of Political Economy*, 7(1), 56-74.
- Koleini, Muhammad bin Yaqub. (1408 A.H.). Al-Kafi C5. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. (In Persian)



Asymmetric Effects of Financial Risk Components and Economic Complexity on the Development of the Sukuk Market in Iran (Nonlinear Autoregressive Distributed Lag (NARDL) Model)

Bahman Khanalizadeh: Ph.D. Student, Department of Economics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Khanali.bahman@yahoo.com | 0000-0002-6291-978X

Ashkan Rahimzadeh: Assistant Professor, Department of Economics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (Corresponding Author).

ashkan.rahimzadeh@iauz.ac.ir | 0000-0001-6992-746X

Mohammad Dalmanpour: Assistant Professor, Department of Economics, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

m.dalmanpour@iauz.ac.ir | 0000-0003-0065-3354

Majid Afsharirad: Associate Professor, Department of Public Economics, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran.

m.feshari@khu.ac.ir | 0000-0002-6703-581X

Abstract

The main goal of this research is to investigate the effects of shocks of financial risk components along with economic complexity on the development of sukuk market in Iran. The data required to conduct this research is based on the variables of the proposed model related to the period of 2010-2022 and seasonally, using the Central Asset Management Company of the Iranian Capital Market, the International Country Risk Guide Database (ICRG) and the MIT University website. The results of the Wald test indicate that the positive and negative shocks of financial risk components (current account, exchange rate, foreign debt, debt service and international liquidity) have asymmetric effects on the development of the Iranian sukuk market. Also, the estimation results of the model using the Nonlinear Autoregressive Distributed Lag Model Approach (NARDL) showed that among the financial risk components in the long term, the most influential positive and negative shock on the development of the Iranian sukuk market is related to the debt service component, respectively, with a coefficient of 22.56. and 10.56 and in the short term, the most effective positive shock is related to foreign debt component with a coefficient of 10.22 and negative risk is related to debt service component with a coefficient of 2.24. Also, the effect of economic complexity on the development of sukuk market is positive in the long term, while it is not significant in the short term. The error correction coefficient in this estimate is negative and statistically significant, which shows that 0.30 of the short-term imbalance is adjusted to reach the long-term balance every year.

Keywords

Sukuk, Financial Risk, Economic Complexity, Iran, NARDL.

بررسی اثرات نامتقارن مؤلفه‌های ریسک مالی و پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در ایران (رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL))

بهمن خانعلی‌زاده: دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
Khanali.bahman@yahoo.com
اشکان رحیم‌زاده: استادیار، گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).
ashkan.rahimzadeh@iauz.ac.ir
محمد دالمن‌پور: استادیار، گروه اقتصاد، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.
m.dalmanpour@iauz.ac.ir
مجید افشاری‌راد: دانشیار، گروه اقتصاد امور عمومی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
m.feshari@khu.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی اثرات شوک‌های مؤلفه‌های ریسک مالی به همراه پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در کشور ایران می‌باشد. داده‌های مورد نیاز برای انجام این تحقیق بر اساس متغیرهای مدل پیشنهادی مربوط به دوره زمانی ۱۴۰۱-۱۳۸۹ و به صورت فصلی بوده و از شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران، بانک اطلاعاتی راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) و وبسایت دانشگاه ام آی تی استفاده شده است. نتایج آزمون والد (Wald) حاکی از آن است که شوک‌های مثبت و منفی مؤلفه‌های ریسک مالی (حساب جاری، ثبات نرخ ارز، بدهی خارجی، خدمات بدهی و نقدینگی بین‌المللی) اثرات نامتقارنی بر توسعه بازار صکوک ایران دارند. همچنین نتایج تخمین مدل با استفاده از ره‌یافت خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL) نشان داد که از میان مؤلفه‌های ریسک مالی در بلندمدت، تأثیرگذارترین شوک مثبت و منفی بر توسعه بازار صکوک ایران مربوط به مؤلفه خدمات بدهی به ترتیب با ضریب ۲۲/۵۶ و ۱۰/۵۶- و در کوتاه‌مدت تأثیرگذارترین شوک مثبت مربوط به مؤلفه بدهی خارجی با ضریب ۱۰/۲۲ و ریسک منفی مربوط به مؤلفه خدمات بدهی با ضریب ۲/۲۴- می‌باشد. همچنین تأثیر پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت مثبت است در حالی که در کوتاه‌مدت معنی‌دار نمی‌باشد. ضریب تصحیح خطا در این برآورد منفی و معنی‌دار آماری بوده که نشان می‌دهد در هر سال ۰/۳۰ از عدم تعادل کوتاه‌مدت برای رسیدن به تعادل بلندمدت تعدیل می‌گردد.

واژگان کلیدی: صکوک، ریسک مالی، پیچیدگی اقتصادی، ایران، NARDL.

مقدمه

سرمایه‌گذاری یکی از مهم‌ترین اجزاء تقاضای کل است که نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در رشد اقتصادی و نوسانات آن در هر کشور دارد. اهمیت سرمایه‌گذاری برای رشد و توسعه اقتصادی تا به آنجاست که از آن به عنوان یکی از اهرم‌های قوی برای توسعه اقتصادی یاد می‌شود. شواهد بسیاری نشان می‌دهد، کشورهایی که دارای بازار سرمایه تکامل یافته و پیشرفته‌تری هستند، توانسته‌اند رشد اقتصادی بیشتری داشته باشند. لذا با توجه به این مهم که سرمایه‌گذاری از ضروری‌ترین و اصلی‌ترین موارد در فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست، برای انجام هرگونه سرمایه‌گذاری نیاز به بررسی ریسک و بازدهی مناسب آن است. این هدف از سوی سرمایه‌گذاران در جایی تأمین خواهد شد که بیشترین بازده با کمترین ریسک ممکن تحقق یابد.

از سوی دیگر به دلایل متعددی همچون بزرگ شدن بخش‌های مالی فعال در بازار، افزایش تعداد مؤسسات مالی، پیچیده شدن ابزارهای معاملاتی، شناخت ریسک اهمیت بسیار بالایی پیدا کرده است. مقوله ارزیابی ریسک، موضوع بسیار مهمی در نظام مالی همه کشورها محسوب می‌شود که با بررسی آن می‌توان مؤسسات و ابزارهای مالی را شناسایی نمود که بیشترین ریسک را به کل سیستم منتقل می‌کنند. بدیهی است از طریق اقدامات پیشگیرانه تا حد زیادی می‌توان از بحران‌های مالی احتمالی در سیستم مالی جلوگیری نمود.

دولت‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی جهت تأسیس، تجهیز و یا گسترش فعالیت‌های خود، نیازمند منابع مالی کم ریسک می‌باشند که در بازارهای مالی متعارف این نیاز از طریق انتشار اوراق قرضه مرتفع می‌گردد. اوراق قرضه مبتنی بر قرض یا بهره است که از دیدگاه اسلام ربا و حرام بوده و از این رو نمی‌توان در بازارهای اسلامی از این اوراق جهت تأمین مالی استفاده کرد (شرکت مدیریت و دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران، ۱۳۹۵، ص. ۶). لذا اقتصاددانان مسلمان با توجه به اهمیت تأمین مالی شرکت‌ها از روش‌های مورد تأیید شریعت اسلام، ابتدا به ایجاد نظام بانکداری اسلامی بدون ربا و سپس با تکیه بر ابتکارات مالی به فکر طراحی بازارهای سرمایه اسلامی افتادند. در این میان نقش ابزارهای مالی اسلامی از جمله صکوک در نظام تأمین مالی اسلامی بسیار

برجسته است.

صکوک به دلایل مختلف، ابزار ارزشمند نظام‌های مالی اسلامی است. این نوع از سرمایه‌گذاری اسلامی باعث می‌شود منابع مالی با ریسک پایین در تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی قرار گیرند. همچنین این ابزار مالی اسلامی منابع سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت برای مؤسسات و بنگاه‌ها را فراهم می‌کند. این امر فرصت مناسبی را برای سرمایه‌گذاران کوچک برای مشارکت در امور مالی اسلامی و کسب سود ایجاد می‌کند. به این ترتیب، امکان انتقال گسترده ثروت در جامعه را به جای تمرکز آن در دست چند فرد یا گروه ثروتمند جامعه فراهم می‌کند. صکوک به دلیل ویژگی‌های متمایز و کیفیت سرمایه‌گذاری، به عنوان یک جایگزین مناسب اسلامی برای تأمین مالی اوراق قرضه، در دهه‌های اخیر به ویژه پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ مورد توجه جهانی قرار گرفته و به سرعت گسترش یافته است (Boukhatem et al., 2021, pp. 56).

از سوی دیگر کشورهایی که از اقتصاد پیچیده برخوردار هستند از طریق به کارگیری دانش و تکنولوژی روز دنیا در قالب شبکه‌های پیچیده و تکامل یافته، این توانایی را به دست خواهند آورد تا سبدی از کالاهایی را تولید نمایند که منحصر بفرد بوده و سایر کشورها از تولید آن ناتوان هستند. چون کشورهای با اقتصاد غیر پیچیده فقط توانایی تولید کالاهای ساده را خواهند داشت. (طالبی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۶۵) شاخص پیچیدگی اقتصادی نشان دهنده بکارگیری فناوری‌های پیشرفته و نوآوری‌های تکنولوژیکی در فرایند تولیدات صادراتی یک کشور است. پیچیدگی اقتصاد از طریق ایجاد ساختارهای کارآمد، امکان استفاده از ظرفیت‌های بدون استفاده، تخصیص بهینه و صرفه‌جویی در منابع، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید باعث ایجاد تنوع در محصولات تولیدی می‌گردد. (شاه مرادی و چینی فروشان، ۱۳۹۶، ص. ۴۲) توسعه بازارهای مالی از جمله صکوک و ایجاد بسترهای سرمایه‌گذاری با ریسک پایین برای بنگاه‌های اقتصادی کشور این مزیت را فراهم می‌آورد تا با خلق و کاربرد دانش و فناوری در ترکیب محصولات تولیدی به رشد و شکوفایی کشور کمک نمایند.

توسعه بازار صکوک نیازمند شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک‌هایی است که این بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ زیرا هرچه این بازار مالی توسعه یابد، اثر پذیری آن از سایر

عوامل و پدیده‌های اقتصادی بیشتر شده و به تبع آن با ایجاد فرصت‌های جدید، احتمال بروز نوسانات در بازدهی آن تقویت خواهد شد. بنابراین برای اینکه گسترش و مقبولیت عمومی این اوراق با موانع جدی مواجه نگردد، ارزیابی ریسک‌های بالقوه و بالفعلی که توسعه این بازار مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد به سیاستگذاران این امکان را خواهد داد تا پوشش‌های ریسک این اوراق را طراحی نمایند. به همین جهت در این پژوهش سعی شده است تأثیرات شوک‌های نامتقارن مؤلفه‌های ریسک مالی به همراه پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در بین سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۸۹ و به صورت فصلی و با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL) در کشور ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا در قسمت دوم به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، قسمت سوم به روش شناسی تحقیق، در قسمت چهارم به تجزیه و تحلیل نتایج تجربی و نهایتاً در قسمت پنجم به نتیجه و ارائه پیشنهادها پرداخته خواهد شد.

۱. مروری بر ادبیات تحقیق

۱-۱. مبانی نظری

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۱ (AAOIFI) صکوک را اینگونه تعریف می‌کند: «گواهی‌هایی با ارزش برابر که نشان دهنده سهام تقسیم نشده در مالکیت دارایی مشهود، حق انتفاع و خدمات، دارایی‌های پروژه‌های خاص با فعالیت سرمایه‌گذاری خاص است. بدان مفهوم است که دارندگان صکوک، برخلاف دارندگان اوراق قرضه، بخشی از درآمد حاصل از دارایی مرتبط را دریافت می‌کنند. این در حالی است که اوراق قرضه متعارف و سایر ابزارهای مشتقه که بر سود متکی هستند به دارندگان خود بر اساس بهره بازدهی می‌دهند. (Mseddi, 2023, pp. 557) صکوک مطمئناً یک ابزار بدهی مانند اوراق قرضه نیست، بلکه بخشی از مالکیت حاصل از منافع یک دارایی است. اوراق صکوک مانند اوراق قرضه دارای تاریخ سررسید بوده و دارندگان آن علاوه بر پرداخت در سررسید، مستحق دریافت جریان منظم درآمد می‌باشند. علاوه بر این، صکوک و سهام ابزارهای مالی مشابهی هستند؛ زیرا آنها ادعای مالکیت را نشان می‌دهند و بازده هر دو سرمایه‌گذاری تضمین

1. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

نمی‌شود. با این حال، صکوک برای یک دوره زمانی مشخص به یک دارایی یا پروژه خاص وابسته است در حالی که سهام نشان دهنده ادعای مالکیت کل شرکت بدون تاریخ سررسید است. (Irawati & Fadhila, 2024, pp.5) صکوک یک رابطه متعارف بین دارندگان و ناشران برقرار نمی‌کند، سطحی از انعطاف را برای صادرکنندگان برای تأمین مالی دارایی‌ها با استفاده از درآمد صکوک معرفی می‌کند. به طور همزمان، دارندگان صکوک مالکیت دارایی را برای یک دوره از پیش تعیین شده به عهده می‌گیرند. طبق قرارداد، ناشر موظف است درآمدهای حاصل از دارایی را با دارندگان صکوک بر اساس یک نسبت توافق شده دوجانبه تقسیم کند. در نتیجه، جریان نقدی برای دارنده صکوک منوط به عملکرد دارایی‌های اساسی سرمایه‌گذاری شده در یک پروژه تجاری است. نتیجه این است که عملکرد بازار صکوک ممکن است ذاتاً با سودآوری این دارایی‌های اساسی مرتبط باشد. (Setiawan & Suwandaru, 2024, pp. 49)

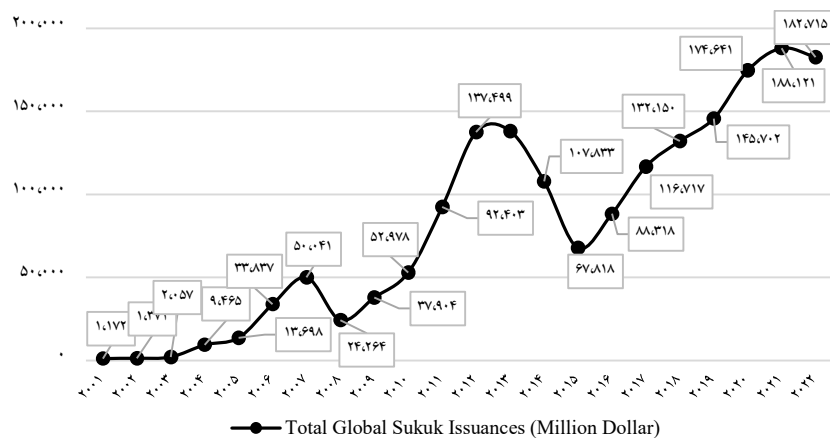
بر اساس یک طبقه‌بندی کلی انواع اوراق صکوک منتشره را می‌توان بر اساس نوع ناشر به شرح جدول (۱) تقسیم بندی نمود.

جدول ۱: انواع اوراق صکوک بر اساس نوع ناشر

ردیف	ناشر	مورد استفاده
۱	صکوک دولتی	توسط دولت منتشر شده و سررسید آن می‌تواند کوتاه‌مدت، میان‌مدت یا بلندمدت باشد. که دولت‌ها برای تأمین کسری بودجه یا تأمین سرمایه مورد نیاز طرح‌های عمرانی خاص یا عام منتشر می‌نمایند.
۲	صکوک شبه دولتی	توسط نهادها و نمایندگی‌هایی (شرکت‌های با مالکیت دولتی یا شرکت‌های با مالکیت عمومی) منتشر می‌شود که دارای پشتوانه دولتی هستند. این اوراق صراحتاً یا تلویحاً دارای ضمانت دولتی هستند
۳	صکوک شرکتی	توسط بخش خصوصی (بخش شرکتی) یک کشور منتشر می‌شود. هدف از انتشار این نوع صکوک، تأمین مالی سرمایه در گردش، تأمین مالی پروژه‌ها و یا تأمین مالی جهت توسعه کسب و کار یک شرکت است.
۴	صکوک نهادهای مالی اسلامی	توسط نهادهای مالی مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و ... منتشر می‌شوند

منبع: توحیدی و یارمحمدی (۱۳۹۸)

بکارگیری ابزار مالی صکوک توسط بسیاری از سازمان‌های دولتی و خصوصی کشورهای اسلامی بنا به دلایلی نظیر پشتوانه طراحی این اوراق بر اساس قوانین شریعت اسلام (بدون ربا)، دوره‌های سررسید معین، تقسیم سود سرمایه‌گذاری بر اساس ریسک و بازدهی متناسب با نوع دارایی پشتوانه، قابلیت معامله از طریق بازار ثانویه، کاهش امکان نکول، ریسک و بازدهی بالاتر نسبت به اوراق مالی متعارف، کاهش تضاد منافع ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی با ایجاد شفافیت بیشتر در مورد ارزش واقعی دارایی‌ها از طریق مکانیسم‌های سیگنال‌دهی و غربال‌گری مورد توجه قرار گرفته، بطوری که هر ساله بر میزان انتشار آن در جهان افزوده می‌شود. (Alswaidan et al., 2017, pp. 390) در همین راستا میزان کل صکوک منتشر شده جهان در بازه زمانی ۲۰۲۲-۲۰۰۱ در نمودار (۱) مورد بررسی قرار گرفته است.



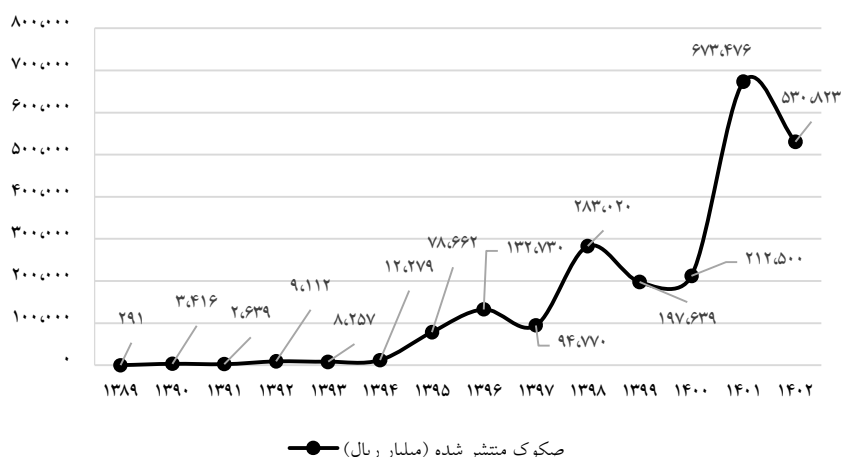
نمودار ۱: صکوک منتشر شده جهان در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۲۲

Source: IIFM Sukuk database (2023)

مجموع انتشار جهانی صکوک (بلندمدت و کوتاه مدت) بالغ بر ۱۸۲.۷۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ و ۱۸۸.۱۲۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱، موقعیت پیشرو صکوک به عنوان ابزار اصلی تأمین مالی در کشورهای اسلامی جهت تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های

اقتصادی را نشان می‌دهد. (International Islamic Financial Market^۱, 2023)

در کشور ایران نیز از سال ۱۳۷۱ استفاده از اوراق مشارکت در شهرداری تهران برای تأمین سرمایه برخی از پروژه‌ها مورد استفاده قرار گرفت اما به صورت عمده از سال ۱۳۸۹ بکارگیری انواع عقود اسلامی صکوک توسط بسیاری از سازمان‌های دولتی و خصوصی با واسطه‌گری شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران به عنوان یکی از ارکان انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک) که وظیفه تأسیس و راهبری نهادهای واسط را در بازار سرمایه ایران عهده دار می‌باشد، برای تأمین مالی بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها مورد توجه واقع شد. در نمودار (۲) میزان انتشار صکوک در ایران در بازه زمانی ۱۴۰۲-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار گرفته است.



نمودار ۲: روند انتشار اوراق صکوک در ایران (۱۳۸۹-۱۴۰۲)

منبع: شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران

همانطور که نمودار فوق نشان می‌دهد روند انتشار اوراق صکوک در بازه زمانی مورد مطالعه در ایران روند افزایشی داشته است که نشان از توجه سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی به تأمین مالی از طریق این ابزار مالی اسلامی (صکوک) دارد.

۱ IIFM: یک نهاد تنظیم استاندارد جهانی از صنعت خدمات مالی اسلامی (IFSI) است که بر استانداردسازی قراردادهای مالی مطابق با شریعت و الگوهای محصول تمرکز دارد.

۲-۱. ریسک و صکوک

در ادبیات مالی ریسک به صورت رویدادهای غیر منتظره که معمولاً به صورت تغییر در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها می‌باشد، تعریف می‌شود. اما امروز مفهوم ریسک را بیشتر افراد به مفهوم ریسک مالی در نظر می‌گیرند. تعریف ریسک در مباحث مالی به صورت ذیل است:

ریسک، میزان اختلاف میان بازدهی واقعی سرمایه‌گذاری با بازدهی مورد انتظار می‌باشد. بیشتر سرمایه‌گذاران بر این تصور هستند که بازدهی واقعی کمتر از بازدهی مورد انتظار است. هر چه پراکندگی بازدهی بیشتر باشد ریسک نیز بیشتر خواهد بود. (تهرانی و نوربخش، ۱۳۹۵، ص. ۸۵)

یک راه منطقی برای تقسیم ریسک کل به اجزاء کوچک‌تر، ایجاد تمایز میان اجزای آن است. این دو جزء که در تجزیه و تحلیل‌های سرمایه‌گذاری به آنها ریسک سیستماتیک و ریسک غیر سیستماتیک گفته می‌شود به صورت زیر قابل ارائه است.

$$\text{ریسک غیر سیستماتیک} + \text{ریسک سیستماتیک} = \text{ریسک کل}$$

تغییر پذیری در بازده کل اوراق بهادار که به تغییر پذیری کل ارتباطی نداشته باشد، ریسک غیر سیستماتیک نام دارد. این نوع ریسک منحصر به اوراق بهادار است و به عواملی همچون ریسک تجاری، ریسک مالی و ریسک نقدینگی بستگی دارد. هرچند تمامی اوراق بهادار تا حدودی از ریسک غیرسیستماتیک برخوردار هستند. اما ریسک سیستماتیک در اثر عوامل کلی بازار به وجود می‌آید که به طور همزمان بر قیمت کل اوراق بهادار متعارف و اسلامی موجود در بازارهای مالی تأثیر دارد. عواملی که موجب ایجاد این نوع ریسک می‌شوند شامل تحولات و ریسک‌های اقتصادی، سیاسی و مالی است. به دلیل آنکه این گونه ریسک در ارتباط با وضعیت کلی بازار و نوسانات آن می‌باشند و در سبدهی از اوراق بهاداری که به نحوی مناسب، تنوع یافته نشده باشند، قابل کاهش نمی‌باشند که به آن ریسک کاهش ناپذیر یا غیرقابل استناد نیز گفته می‌شود.

بطورکلی اوراق صکوک با دو ریسک متفاوت روبرو هستند: ۱- ریسک ساختاری که شامل ریسک شریعت و ریسک دارایی پایه می‌باشد ۲- ریسک‌های کلان تأثیرگذار بر

بازارهای مالی از جمله بازار صکوک که شامل: ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی (ریسک‌های غیر سیستماتیک) می‌باشد (Boukhatem, 2022, pp. 4). مرکز خدمات ریسک سیاسی^۱ از سال ۱۹۸۲ مجموعه‌ای از شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری را تحت عنوان راهنمای ریسک بین‌المللی کشوری^۲ منتشر می‌کند. این مؤسسه برای محاسبه ریسک‌های اقتصادی، سیاسی و مالی پرسشنامه‌هایی را به شکل دقیق و حساب شده تهیه و آن‌ها را به صاحب نظران اقتصادی، سیاسی و یا متصدیان کسب و کار ارائه می‌کند و بر اساس پاسخ‌های آنان به تعیین ریسک اقدام می‌نماید. (زارع و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۹۹) از میان شاخص‌های ریسک که راهنمای ریسک بین‌المللی کشوری برای کشورهای عضو ارائه می‌دهد ریسک مالی است. (ICRG Methodology, 2014).

ریسک مالی پذیرش مخاطره در امور مالی است که ناشی از بکارگیری بدهی می‌باشد. هر چه میزان بدهی بیشتر باشد، ریسک مالی افزایش می‌یابد. قابل توجه است که صکوک به مانند اوراق قرضه تحت تأثیر همان قوانین تقاضا و عرضه، بازده و ریسک و اصول اقتصادی قرار دارد. لذا بازار صکوک نیز با بازار اوراق قرضه عرف در بازارهای مالی مرتبط شده و به صورت اوراق سنتی، از شرایط اقتصادی یکسان متأثر می‌باشند. بازار صکوک هم در مشابهت با اوراق قرضه در ریسک‌های مالی پایین‌تر، عملکرد خوبی دارد. با توجه به این تحلیل، هرگونه شوک‌های مثبتی که کاهش ریسک مالی را به همراه داشته باشد از منظر اقتصاد کلان می‌تواند منجر به مشارکت بیشتر در بازارهای مالی شود. شوک‌های مثبت ریسک مالی که توأم با کاهش ریسک مالی و بهبود اقتصاد بوده تامین مالی دولتی و شرکتی از طریق صکوک در جهت توسعه را ارتقا می‌دهد. از منظر سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران نگران توانایی ناشران در پرداخت تعهدات مالی خود می‌باشند؛ این اتفاق از زمانی رخ داده است که نهادهای مالی مهم که دارای اعتبار قابل قبول بودند، فروپاشیدند. این امر، پیامد قبول اعتبارهای پرریسک بود که سرمایه‌گذاران را به خرید دارایی‌های با ریسک بالا اغوا می‌کرد. (حسن زاده و فوز مسلمیان، ۱۳۸۹، ص.

1. Political Risk Services (PRS)

2. International Country Risk Guide (ICRG)

۶۴) با توجه به نظریه چشم‌انداز دانیل کاهنمن و آموس تورسکی، رفتار سرمایه‌گذاران همیشه در چارچوبی نیست که نظریه اقتصاد خرد پیش‌بینی می‌کند. خیلی از آنها که ریسک‌گریز قلمداد می‌شوند در برخی انتخابها ریسک‌پذیر می‌شوند. بعبارتی رفتار ریسک‌پذیرانه و ریسک‌گریزانه نه همواره ویژگی شخصیتی بلکه گاه ناشی از ماهیت انتخابی است که فرد با آن مواجه می‌باشد. آزمون‌های صورت پذیرفته در این نظریه نشان می‌دهد که فرض ریسک‌گریزی که در اقتصاد خرد رواج داشت، همواره صادق نبوده و نتایج دلالت بر آن دارد وقتی پای سود کردن در میان است، انسان‌ها رفتاری ریسک‌گریز دارند ولی زمانی که پای زیان مطرح است، ریسک‌پذیر می‌شوند (Plous, 1933, pp. 120) و مبنای نظریه چشم‌انداز همان علاقه به حفظ وضعیت موجود می‌باشد. (سرزعیم، ۱۳۹۵) با توجه به این موضوع می‌توان گفت برآیند اثرات مطرح شده که ممکن است هر یک نتایج مختص به خود را دارا باشد، در تعیین تاثیرگذاری شوک‌های مالی بر بازار صکوک تاثیرگذار است به عبارتی امکان واکنش مثبت مشارکت کنندگان در بازار صکوک به شوک‌های مثبت مالی که دربرگیرنده کاهش ریسک مالی بوده وجود داشته و همچنین امکان واکنش منفی نسبت به شوک‌های منفی مالی که دلالت بر افزایش ریسک مالی دارد می‌باشد. عدم اطمینان اقتصادی بیشتر در جامعه که می‌تواند منجر به ضرر ناشر یا سرمایه‌گذار شود در تاثیرگذاری بر توسعه بازار صکوک نقش ایفا می‌نماید. ریسک مالی با ایجاد بی‌اعتمادی به تغییر قیمت‌ها و تعدیل حاشیه سود، مشارکت در بازارهای مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Alswaidan et al., 2017, pp. 402). ریسک مالی مطابق با راهنمای ریسک بین‌المللی کشور (ICRG) شامل ۵ مؤلفه زیر است:

۱. مؤلفه تراز حساب جاری

تراز حساب جاری نشان دهنده توانایی یک ناشر برای ایجاد جریان‌های خارجی بیشتر از طریق صادرات خالص، تولید درآمد و فعالیت‌های تجاری است. از آنجا که تراز حساب جاری حاکی از وضعیت توسعه اقتصادی کشور است، ممکن است به عنوان شاخص مثبتی برای انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد انتشار صکوک در آینده باشد. (Roslen et al., 2024, pp. 10) سایر پژوهشگران رابطه بین مانده حساب جاری و توسعه بازار

صکوک را از طریق تغییرات ارزش ارز (Ekinci & Özcan, 2022, pp. 770) و عوامل زمان‌بندی بازار (Nagano, 2016, pp. 48) مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه تحقیقات گروه اول نشان داده است که کاهش ارزش پول، صادرات را رقابتی‌تر می‌کند و تراز حساب جاری را بهبود می‌بخشد، در حالی که نتیجه تحقیقات گروه دوم حاکی از آن است که شرکت‌ها زمانی تمایل به انتشار صکوک دارند که ارزش آنها پایین باشد. علی‌رغم تفاوت‌ها، همه این شواهد تجربی یک نتیجه مشترک دارند: هزینه‌های پایین‌تر مالی، سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی را تشویق می‌کند تا بیشتر در صکوک سرمایه‌گذاری کنند. با توجه به این یافته‌ها، این فرضیه وجود دارد که بهبود و افزایش تراز حساب جاری یعنی نسبت حساب جاری بالاتر به عنوان درصد صادرات کالا و خدمات تأثیر مثبتی بر توسعه بازار صکوک داشته باشد.

۲- مؤلفه خدمات بدهی

خدمات بدهی نشان‌دهنده توانایی ناشر برای ارائه بدهی خارجی خود با استفاده از درآمد صادراتی است. نسبت خدمات بدهی بالا ممکن است نشان دهنده سطح بالایی از بدهی خارجی در سطح معینی از صادرات باشد که ممکن است توسط سرمایه‌گذاران به عنوان سرمایه‌گذاری پرخطر تلقی شود. بدتر شدن نسبت خدمات بدهی نه تنها احتمال نکول را افزایش می‌دهد، (O'Toole and Slaymaker, 2021, pp. 4) بلکه ممکن است منجر به محدودیت‌های بیشتری در تخصیص بودجه آینده به ناشران شود (Khan and Shanks, 2020, pp. 897) که ممکن است مانع توسعه بازار صکوک در آینده شود. این بحث می‌تواند توسط پژوهش سعید و گراسا^۱ (۲۰۱۳) که نشان دادند ناشران با سطح دسترسی بالاتر به منابع مالی خارجی مشارکت بیشتری را در بازار صکوک خواهند داشت، را تأیید می‌نماید. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که وخیم‌تر شدن توانایی بازپرداخت بدهی تأثیر منفی بر انتشار ابزارهای مالی دارد. عظمت و همکاران^۲ (۲۰۱۴) دریافتند که نسبت خدمات بدهی یکی از عوامل مهمی است که بر گسترش اوراق قرضه تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها تنها در صورتی سیگنال‌های خوبی به سرمایه‌گذاران

1. Said and Grassa
2. Azmat et al.

ارسال می‌کنند که دولت بدهی‌هایش را بازپرداخت کند. نقش دولت در انتشار اوراق قرضه اسلامی نیز در اعلام احتمال نکول توسط ناشران مهم تلقی می‌شود. حلیم و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مالزی با استفاده از نمونه‌های ۳۴۶۲ تراکنش اوراق قرضه اسلامی صادر شده دریافتند که حضور دولت به عنوان دارندگان بلوک از طریق سازمان‌های خصوصی خود، نظارت بر بدهی را افزایش داده، در نتیجه اعتبار ناشران اوراق قرضه را افزایش می‌دهد که در نتیجه منجر به کاهش هزینه سرمایه می‌شود. تمام این شواهد نشان می‌دهد که معوقات بازپرداخت بدهی ناشران و اعتبار پایین‌تر تا حدودی بر ریسک اوراق قرضه که قرار است در آینده منتشر شود تأثیر منفی می‌گذارد و در نتیجه ممکن است از انتشار بیشتر اوراق قرضه جلوگیری کند.

۳- مؤلفه ثبات نرخ از

بسیاری از تحقیقات تجربی در مورد تأثیر نامطلوب تغییرات نرخ ارز بر مشارکت سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی تأکید داشته‌اند. این ایده که کاهش ارزش پول داخلی جذابیت صکوک را افزایش می‌دهد، پشتیبانی تجربی قابل توجهی دارد. در همین راستا سوریانی و همکاران در یک تحلیل مدل تصحیح خطای برداری چند متغیره، دریافتند که کاهش ارزش پول اندونزی (روپیه) منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در بازار صکوک می‌شود. (Suriani et al., 2021, pp. 1017) بوخاتم^۲ (۲۰۲۲)، عصری و ولندری^۳ (۲۰۲۱) و الرئی و همکاران^۴ (۲۰۱۹) به اتفاق آرا تأکید کرده‌اند که نوسانات نرخ ارز باعث ایجاد عدم اطمینان در ارزش واقعی صکوک می‌شود. در هر صورت تغییرات نرخ ارز همچنان یکی از انواع ریسک‌های موجود در ساختار صکوک محسوب می‌شود، زیرا نوسانات بیشتر در نرخ ارز باعث ایجاد عدم اطمینان بیشتر در اقتصاد می‌شود که بر جذابیت بازار اوراق قرضه داخلی و صکوک تأثیر می‌گذارد. احمد و مودا^۵ (۲۰۱۳) با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری بازگشتی (VAR) پیشنهاد کردند، کشورهایی که مبادرت به انتشار

1. Halim et al.

2. Boukhatem

3. Asri and Wulandari

4. Al-Raeai et al.

5. Ahmad and Muda

صکوک می‌کنند، ابتدا باید قدرت پول خود را ارزیابی کنند تا خود را در برابر شوک‌های ارزش‌های خارجی مصون نگه دارند. با اینکه مطالعات متعددی در مورد تأثیر نوسانات نرخ ارز بر انتشار صکوک، نتایج متفاوتی را به همراه داشته است اما باز هم محققان بر اثرات نرخ ارز بعنوان یکی از مؤلفه ریسک مالی که بازار صکوک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اتفاق نظر دارند (Asri؛ Basyariah et al., 2021, pp. 203؛ Boukhatem, 2022, pp. 3؛ Ahmad and Al-Raeai et al., 2019, pp. 201؛ Wulandari., 2021, pp. 614؛ Muda, 2013, pp. 135).

۴- مؤلفه نقدینگی بین‌المللی

نظریات متفاوتی در مورد اهمیت ذخایر ارزی (نقدینگی بین‌المللی) برای یک کشور وجود دارد. برخی از محققین بر این باورند که افزایش ذخایر ارزی، اقتصاد کشور را در برابر شوک‌های ناگهانی محافظت کرده (Davis et al., 2021, pp. 476) و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتری را جذب می‌کند (Matsumoto, 2022, pp. 243). با این حال، محققان دیگری مانند چوی و تیلور^۱ (۲۰۲۲) معتقدند که ذخایر ارزی بالا ممکن است منجر به پیامدهای منفی شود. دنیگول و همکاران^۲ (۲۰۰۳) نشان دادند که افزایش ذخایر ارزی منجر به رشد سهم سپرده‌های خارجی در سیستم بانکی داخلی (دلاری شدن سپرده‌ها) می‌شود که ممکن است واسطه‌های مالی داخلی را در معرض ریسک بالاتری قرار دهد. علاوه بر این، چوی و تیلور (۲۰۲۲) نشان می‌دهند که افزایش ذخایر ارزی ممکن است منجر به کاهش ارزش پول داخلی شود. در حوزه صکوک، تحقیقات تجربی محدودی در کاوش و درک رابطه بین ذخایر ارز خارجی و توسعه بازار صکوک انجام شده است، برخی از پژوهش‌های مربوط به ذخایر ارزی نشان می‌دهد که تصمیمات دولت برای نگهداری ذخایر ارزی ممکن است احتمال بروز بحران بدهی را کاهش دهد (Bianchi et al., 2018, pp. 2633؛ Hernandez, 2017, pp. 24). این موضوع مبنی بر تصمیمات دولت برای نگهداری ذخایر ارزی می‌تواند باعث حضور بیشتر سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی از جمله صکوک گردد (Roslen et al., 2024,).

1. Choi and Taylor
2. De Nicol et al.

۵- مؤلفه بدهی خارجی

تحقیقات نظری بسیاری بر وجود اثرات نامطلوب و بحران‌های ارزی که از بدهی بیش از حد خارجی ناشی می‌شوند و اثرات منفی که بر سرمایه‌گذاری می‌گذارند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند (Jin et al., 2021, pp. 5; Gan et al., 2022, pp. 5). و همه این شواهد با تئوری معاوضه ساختار سرمایه که توسط باکستر^۱ (۱۹۶۷) و کراوس و لیتزنبرگر^۲ (۱۹۷۳) ارائه شده، منطبق است که بیان می‌کند وجود بدهی‌های خارجی فراتر از نقطه بهینه منجر به هزینه‌های بالای مالی می‌شود. چنین اثراتی می‌تواند منجر به ورشکستگی مالی شود، بدین مفهوم که وام‌گیری بیش از حد دولت ممکن است منجر به فشار بیشتر داخلی شود و کشور را در معرض عوامل خطر جهانی بیشتری قرار دهد. تأثیر بدهی خارجی منجر به ورشکستگی مالی دولت‌ها می‌شود و به دلیل مالکیت بالای دولت و سطح بالای حاکمیت شرکتی در شرکت‌های صادرکننده صکوک تأثیر منفی بر توسعه بازار صکوک می‌گذارد. همچنین شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالایی با سرمایه‌گذاران خارجی خود دارند، کمتر از بدهی خارجی استفاده می‌کنند و به جای آن بازار صکوک را انتخاب می‌کنند. (Suriani et al., 2021, pp. 5; 1017) (Ashraf et al., 2021, pp. 5; 1017)

چاکر و رای^۳ (۲۰۰۷) معتقدند که صکوک اساساً ریسک کمتری نسبت به اوراق قرضه دارد. آنها با بررسی و مقایسه پرتفوی ترکیبی متشکل از چندین قرارداد صکوک و اوراق قرضه متعارف با پورتفوی که فقط حاوی قراردادهای اوراق قرضه بود به این نتیجه دست یافتند که وقتی صکوک به پورتفوی سرمایه‌گذاری اضافه می‌شود، خطرات و ریسک کلی سبد دارایی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، راس و همکاران^۴ (۲۰۱۲) نشان دادند که حتی با اینکه صکوک و اوراق قرضه اساساً متفاوت هستند، اما در معرض خطرات یکسانی بوده، در نتیجه واکنش یکسانی به احساسات بازار دارند. به عنوان مثال افزایش نرخ تورم منجر به افزایش نرخ بهره اسمی به منظور جبران نرخ‌های بهره واقعی

1. Baxter

2. Kraus and Litzenberger

3. Cakir and Raei

4. Ross et al.

می‌شود. همچنین، زمانی که تورم افزایش می‌یابد، بازده اوراق قرضه و صکوک در یک جهت حرکت می‌کنند تا قدرت خرید دست نخورده باقی بماند. دلایل فوق حقایق را ارائه می‌دهند که از یکسان بودن عوامل موثر بر اوراق قرضه و صکوک دلالت دارد. عملکرد و توسعه بازارهای صکوک متأثر از سایر متغیرهای کلان دیگری هم می‌باشد که در برخی از پژوهش‌ها به آنها پرداخته شده است مانند تغییرات قیمت نفت خام، اوراق قرضه و قیمت طلای جهانی (Suciningtias, 2019, pp. 119) ولی سایر متغیرهای کلان دیگر مانند پیچیدگی اقتصادی که بخشی نوین در رشد و شکوفایی اقتصاد کشورهاست، مورد توجه قرار نگرفته است.

- پیچیدگی و اقتصادی صکوک

امروزه اقتصاددانان تفاوت میان کشورهای فقیر و غنی را در مفهوم جدیدتری به نام پیچیدگی اقتصادی^۱ می‌دانند. مفهومی پیچیده‌تر از رشد اقتصادی که شامل دانش مولد و پیشرفته که کشورها را قادر می‌سازند طیف وسیعی از کالاهای منحصر بفردی را تولید کنند که سایر کشورها قادر به تولید آنها نیستند. (Ajide et al., 2023, pp. 538) پیچیدگی اقتصادی بطور کلی بیانگر معیاری است که انباشت دانش و فناوری در محصولات صادراتی با تأکید بر تنوع و فراگیر بودن ترکیب تولیدات یک کشور را نشان می‌دهد (Soyyigit & Elverdi, 2024, pp. 238).

از لحاظ نظری، رابطه بین پیچیدگی اقتصادی و توسعه بازارهای مالی ریشه در مدل‌های کلتزر و باردان^۲ (۱۹۸۷) و بالدوین^۳ (۱۹۸۹) دارد. این محققین مدل‌های نظری را توسعه دادند که در آنها مزیت نسبی یک کشور به سطح توسعه بازارهای مالی بستگی دارد. این مدل‌ها به دو فرضیه اساسی اشاره دارند: (۱) سیستم‌ها و بازارهای مالی توسعه یافته پس‌انداز خانوارها را بسیج می‌کنند، هزینه‌های مبادله و کنترل را کاهش می‌دهند، تنوع ریسک و کسب اطلاعات در مورد پروژه‌های سرمایه‌گذاری را تسهیل می‌کنند، بنابراین سیستم‌های مالی نه تنها سطح سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند، بلکه ترکیب آن را به سمت پروژه‌های

1. Economic Complexity
2. Kletzer and Bardhan
3. Baldwin

مولدتر هدایت می‌کنند. از این رو، هنگامی که کشورها سیاست‌هایی را برای اصلاح و توسعه سیستم‌های مالی خود اتخاذ می‌کنند، این سیاست‌ها می‌تواند منجر به افزایش دسترسی به منابع مالی برای شرکت‌ها شده که به نوبه خود تولید محصولات پیچیده را تقویت می‌کند. لذا توسعه و شکوفایی اقتصادی که از طریق ایجاد پیچیدگی اقتصادی و خلق محصولات پیچیده ایجاد می‌شود باعث خواهد شد تا سازمان‌های دولتی و خصوصی مشارکت خودشان را در بازارهای مالی از جمله صکوک افزایش دهند. (Ebireri, 2014, pp. 50) از آنجایی که بازارهای مالی محدودیت‌های نقدینگی شرکت‌ها را کاهش داده و توانایی آنها را برای صادرات افزایش می‌دهند، سبب صادراتی یک کشور به احتمال زیاد متنوع‌تر می‌شود. حال اگر بازارهای مالی مانع پیشرفت فناوری شوند، همانطور که تئوری‌های هترو دوکسی نشان می‌دهند، پیچیدگی سبب صادراتی یک کشور ممکن است کاهش یابد. (Ndoya et al., 2023, pp. 3)

۲. پیشینه تحقیق

Setiawan & Suwandaru, 2024 در تحقیقی با عنوان "ریسک اوراق بهادار اسلامی (صکوک) و اصلاحات پیشنهادی برای توسعه" با بکارگیری آزمون (VAR) و (ARDL) در دوره زمانی ۲۰۲۲ - ۲۰۱۰ در کشور اندونزی به این نتایج دست یافتند که سطح ریسک صکوک رقابتی است و به عواملی مانند بلوغ و شرایط اقتصادی آتی وابسته است. همچنین صکوک، به عنوان یک روش تأمین مالی جایگزین به طور قابل توجهی به چشم انداز اقتصاد کلان اندونزی کمک نموده و وابستگی این کشور را تا حدودی به سرمایه‌گذاری‌های خارجی کاهش می‌دهد.

Roslen et al., 2024 در تحقیقی با عنوان "اثرات نامتقارن بلندمدت ریسک‌های مالی بر توسعه بازار صکوک، شواهد تجربی از مالزی" در بازه ۲۰۲۱-۲۰۱۰ و با بکارگیری روش NARDL در کشور مالزی به این نتایج دست یافتند که ثبات نقدینگی بین‌المللی، ثبات نرخ ارز بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت تأثیری مثبت دارند در حالی که خدمات بدهی خارجی تأثیر منفی بر توسعه بازار صکوک دارد.

Gomez-Gonzalez et al., 2023 در پژوهشی با عنوان "آیا پیچیدگی اقتصادی

احتمال یک بحران مالی را کاهش می‌دهد" با بکارگیری روش پانل دیتا در ۱۷۲ کشور (شامل بیش از ۲۰۰ دوره بحران مالی) در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۲۰ به این نتایج دست یافتند که پیچیدگی اقتصادی تأثیرات قابل توجهی بر احتمال تجربه بحران مالی در یک کشور دارد. همچنین افزایش یک واحدی در شاخص پیچیدگی اقتصادی، احتمال وقوع بحران مالی را به نصف کاهش می‌دهد.

Boukhatem, 2022 در مقاله‌ای با عنوان "ریسک مالی چگونه بر توسعه بازار صکوک تأثیر می‌گذارد؟ شواهد تجربی از رویکرد ARDL" با استفاده روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده (ARDL) و داده‌های فصلی در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۲ و در کشور عربستان به این نتایج دست یافت که ثبات نرخ ارز، ثبات بدهی خارجی و ثبات خدمات بدهی محرک‌های اصلی توسعه بازار صکوک در عربستان سعودی هستند، در حالی که به نظر نمی‌رسد ثبات نقدینگی بین‌المللی و ثبات حساب جاری نقش مهمی ایفا کنند.

Mirza & Sultana, 2020 در پژوهشی با عنوان "تأثیرات عوامل اقتصادی بر توسعه بازار صکوک، یک تحلیل تجربی" در بازه زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۳ عوامل تعیین کننده توسعه بازار صکوک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که عواملی نظیر باز بودن اقتصاد، اندازه اقتصاد، تولید ناخالص داخلی سرانه و درصد مسلمانان اثرات مثبتی بر توسعه بازار صکوک دارند.

شاه آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان "اثر پیچیدگی اقتصادی بر نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه منتخب دانش محور" با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته و در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۷ اثر نرخ ارز را بر پیچیدگی اقتصادی مورد بررسی قرار داده و به این نتایج دست یافتند که ثبات سیاسی، پیچیدگی اقتصادی و تراز تجاری اثرات منفی و عرضه پول تأثیرات مثبت و معناداری بر نرخ ارز دارد.

آهنگر و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "ارائه مدل علی ریسک‌های صکوک در ایران" با جامعه آماری ۱۵ نفره از خبرگان مالی و بکارگیری تکنیک آزمایشگاه ارزیابی و تحلیل تصمیم‌گیری (دیمتل) و با تحلیل قدرت نفوذ و وابستگی ابعاد ریسک به این نتایج دست یافتند که ریسک‌های اعتباری، نرخ سود و نقدینگی اثرگذارترین و ریسک شریعت اثرپذیرترین بعد و دارای بیشترین تعامل با دیگر ابعاد ریسک است. از آنجایی که صکوک،

اوراق تأمین مالی مبتنی بر دارایی پایه و مبتنی بر قراردادهای اسلامی هستند، بنابراین ریسک دارایی‌های پایه و نوع طراحی عقود مبتنی بر قوانین شریعت (ریسک شریعت) به عنوان ریسک‌های سطح ۳، بازدهی صکوک را متأثر می‌سازند.

حاجی‌ها و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان "اولویت‌بندی عوامل مؤثر در رونق سرمایه‌گذاری بر روی صکوک، فرایند تحلیل شبکه‌ای" با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکنیک فرایند تحلیل شبکه‌ای و انجام مصاحبه با خبرگان این حوزه در ایران به این نتایج دست یافتند که زیر معیار اشراف کامل متخصصین مالی به حوزه مالی اسلامی در جهت پیشرفت صکوک که متعلق به معیار اسلامی است و زیر معیار اجرای دقیق و ملموس قوانین شرعی و مالی اسلامی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر گسترش سرمایه‌گذاری در صکوک دارند.

توحیدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "تجدید ساختار صکوک جهت مدیریت ریسک نکول بر اساس موازین شریعت" با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه تجربه کشورهای اسلامی در زمینه تجدید ساختار انواع صکوک براساس دیدگاه فقیهان راهکارهایی نوین از جمله تمدید سررسید، افزایش نرخ، کاهش ارزش دین، جایگزینی قرارداد مباحه جدید، تورق^۱ و سوآپ بدهی با مالکیت را معرفی نمود.

۳. داده‌ها و روش تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیرات نامتقارن مؤلفه‌های ریسک مالی به همراه پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۸ در ایران می‌باشد. در همین راستا و در ادامه روش محاسبه متغیرهای بکارگرفته شده در این تحقیق و رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. Tawarruq: در ادبیات انگلیسی از این اصطلاح معمولاً با عنوان Commodity Murabaha یا Reverse Murabaha نیز یاد می‌شود. مقصود از آن معامله‌ای است که در آن فرد کالایی را به صورت نسبه خریداری کرده و سپس به شخص ثالثی به صورت نقدی می‌فروشد تا نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کند.

۳-۱. الف) روش محاسبه ریسک مالی

بر اساس روش متدولوژی راهنمای ریسک کشوری، (ICRG) هدف از معیار رتبه‌بندی ریسک مالی، ارائه ابزاری برای ارزیابی توانایی یک کشور جهت پرداخت تعهدات مالی آن است. همچنین، ریسک مالی را می‌توان به عنوان احتمال داشتن یک بحران مالی در یک کشور برای سال‌های آینده در نظر گرفت. این کار با تخصیص نقاط ریسک به گروهی از عوامل از پیش تعیین شده که مؤلفه‌های ریسک مالی نامیده می‌شوند، انجام می‌گردد که به طور کلی، رتبه ریسک مالی ۰/۰٪ تا ۲۴/۵٪ نشان دهنده ریسک بسیار بالا، ۲۵/۰٪ تا ۲۹/۹٪ ریسک بالا، ۳۰/۰٪ تا ۳۴/۹٪ ریسک متوسط، ۳۵/۰٪ تا ۳۹/۹٪ کم خطر و ۴۰/۰٪ یا بیشتر ریسک بسیار کم می‌باشد. ریسک مالی دارای پنج مؤلفه است که با حداکثر امتیازی که در رتبه‌بندی ریسک مالی کشورها دارند به شرح ذیل است:

۱) حساب جاری به عنوان درصدی از صادرات کالا و خدمات (حداکثر ۱۵ امتیاز) (۲) ثبات نرخ ارز (حداکثر ۱۰ امتیاز) (۳) بدهی خارجی به عنوان درصد تولید ناخالص داخلی (حداکثر ۱۰ امتیاز) (۴) خدمات بدهی خارجی به عنوان درصدی از صادرات کالاها و خدمات (حداکثر ۱۰ امتیاز) (۵) نقدینگی بین‌المللی که نشان دهنده این است که چند ماه واردات را می‌توان با ذخایر بین‌المللی تأمین مالی نمود. (حداکثر ۵ امتیاز) (ICRG Methodology, 2014)

۳-۲. ب) روش محاسبه پیچیدگی اقتصادی

پیچیدگی اقتصادی از دو شاخص (۱) تنوع: تعداد کالاهای تولیدی یک کشور و (۲) فراگیری تولید کالا، تعداد کشورهای تولیدکننده یک محصول خاص تشکیل شده است که بر اساس محصولات صادراتی کشورها سنجیده می‌شود که مقدار عددی آن بین (۳) و (۳-) می‌باشد. (سپهوند و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۹) برای محاسبه پیچیدگی اقتصادی طبق مطالعات هاسمن و همکارانش (۲۰۱۱)، ابتدا می‌بایست با بکارگیری اطلاعات تجاری بین کشورها مزیت نسبی آشکار شده^۱ (RCA) هر محصول را برای هر کشور محاسبه و سپس ماتریس M_{CP} را تعریف نمود. (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷) مزیت نسبی

1. Reveled Comparative Advantage

آشکار شده به سهم صادرات محصول P در کشور C و سهم صادرات همان محصول (P) در بازار جهانی عنوان می‌شود که عبارتند از:

$$RCA_{C,P} = \frac{X_{CP}}{\sum_Q X_{CP}} / \frac{\sum_C X_{CP}}{\sum_{CP} X_{CP}} \quad (۱)$$

که X_{CP} نشاندهنده مقدار صادرات محصول P در کشور C (دلار) است. در ادامه ماتریس M_{CP} (کشور-محصول) را از RCA هر کشور بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$M_{CP} = \begin{cases} 1 & \text{if } RCA_{CP} \leq 1 \\ 0 & \text{otherwise} \end{cases} \quad (۲)$$

حال در صورتی می‌توان گفت که کشور C یک صادرکننده رقابت پذیر برای محصول P است که ماتریس $M_{CP} = 1$ باشد که در غیر اینصورت $M_{CP} = 0$ است.

متنوع و فراگیر بودن محصولات را با جمع ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس M_{CP} می‌توان بدست آورد. به بیان ریاضی می‌توان اینگونه بیان کرد:

$$تنوع = K_{C,0} = \sum_P M_{CP} \quad (۳)$$

$$فراگیری = K_{P,0} = \sum_P M_{CP} \quad (۴)$$

بر این اساس برای ایجاد یک شاخص دقیق از قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک کشور که برای تولید یک کالا لازم است، می‌بایست متوسط فراگیری کالاهای صادراتی و نیز متوسط تنوع کشورهایی را که این محصولات را صادرات می‌کنند، محاسبه نمود. لذا می‌توان با عبارات ذیل این فرایند را بهتر بیان کرد:

$$K_{C,N} = \frac{1}{K_{C,0}} \sum_P M_{CP}, M_{P,N-1} \quad (۵)$$

$$K_{P,N} = \frac{1}{K_{P,0}} \sum_C M_{CP}, K_{C,N-1} \quad (۶)$$

با جایگذاری روابط فوق در عبارت ذیل خواهیم داشت:

$$K_{C,N} = \frac{1}{K_{C,0}} \sum_P M_{CP} \frac{1}{K_{P,0}} \sum_C M_{CP}, K_{C',N-2} \quad (۷)$$

$$K_{C,N} = \sum_{C'} M_{C'N-2} \sum \frac{M_{CP} M_{C'P}}{K_{C,0} K_{P,0}} \quad (۸)$$

حال اگر عبارت $\sum \frac{M_{CP} M_{C'P}}{K_{C,0} K_{P,0}}$ را به $M_{CC'}$ نام گذاری نمایم، خواهیم داشت:

$$K_{C,N} = \sum_{C'} M_{CC'} K_{C',N-2} \quad (9)$$

که اگر $K_{C,N} = K_{C',N-2} = 1$ باشد رابطه (۹) نیز برقرار است. این همان بردار ویژه $M_{CC'}$ است که با بزرگترین مقدار ویژه مرتبط است. از آنجایی که این بردار، برداری از اعداد یک است، دربردارنده اطلاعات مفیدی نخواهد بود؛ بنابراین به جای آن، از بردار ویژه مربوط به دومین مقدار ویژه بزرگ استفاده می‌شود. این برداری است که بزرگترین مقدار واریانس را نشان می‌دهد و شاخصی برای اندازه‌گیری پیچیدگی اقتصادی است، بنابراین پیچیدگی اقتصادی را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

$$ECI = \frac{\bar{K} - \langle K \rangle}{se(k)} \quad (10)$$

در رابطه (۱۰)، se نشان دهنده انحراف از معیار، نماد، $\langle \rangle$ معرف میانگین، $\bar{K}$ بردار ویژه ماتریس $M_{CC'}$ مرتبط با دومین مقدار بزرگ است (رفعت و احمدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۱۵).

۳-۳ ج. رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL)

رهیافت خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) تکنیکی نوین برای شناسایی روابط غیرخطی و نامتقارن میان متغیرهای اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت است که در واقع تکنیک گسترش یافته الگوی ARDL خطی می‌باشد که توسط شین و همکاران^۱ (۲۰۱۴) ارائه شده است. (خضری و صمیمی، ۱۴۰۰، ص. ۸) این روش بین اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته تمایز قائل شده و قادر به تعیین رابطه غیرخطی و نامتقارن بین متغیرها است. همچنین بر خلاف دیگر مدل‌های تصحیح خطا که درجه همبستگی سری زمانی باید یکسان باشد مدل NARDL این محدودیت را برداشته و درجه‌های مختلفی از همبستگی را مجاز می‌داند (Hoang et al., 2015, pp.115).

$$\begin{aligned} \Delta SUK_t = & \alpha_0 + \rho_1 SUK_{t-1} + \theta_2^+ ER_{t-1}^+ + \theta_3^- ER_{t-1}^- + \theta_4^+ FD_{t-1}^+ + \\ & \theta_5^- FD_{t-1}^- + \theta_6^+ CA_{t-1}^+ + \theta_7^- CA_{t-1}^- + \theta_8^+ DS_{t-1}^+ + \theta_9^- DS_{t-1}^- + \theta_{10}^+ IL_{t-1}^+ + \\ & \theta_{11}^- IL_{t-1}^- + \sum_{i=0}^p \alpha_1 \Delta SUK_{t-i} + \sum_{i=0}^q \alpha_2 \Delta ER_{t-i}^+ + \sum_{i=0}^q \alpha_3 \Delta ER_{t-i}^- + \\ & \sum_{i=0}^q \alpha_4 \Delta FD_{t-i}^+ + \sum_{i=0}^q \alpha_5 \Delta FD_{t-i}^- + \sum_{i=0}^q \alpha_6 \Delta CA_{t-i}^+ + \sum_{i=0}^q \alpha_7 \Delta CA_{t-i}^- + \\ & \sum_{i=0}^q \alpha_8 \Delta DS_{t-i}^+ + \sum_{i=0}^q \alpha_9 \Delta DS_{t-i}^- + \end{aligned}$$

$$\sum_{i=0}^q \alpha_{10} \Delta IL_{t-1}^+ + \sum_{i=0}^q \alpha_{11} \Delta IL_{t-1}^+ + \mu_t \quad (11)$$

در معادله (۱۱)، a_j با ازای $i=1,2,3,\dots,8$ برای ضرایب کوتاه مدت و θ_i برای ضرایب بلندمدت به کار می‌روند. یادآور می‌شود که تحلیل کوتاه‌مدت برای ارزیابی اثرات آنی تغییرات متغیر برونزا بر متغیر وابسته به کار می‌رود. در مقابل تحلیل بلندمدت برای اندازه‌گیری زمان واکنش و سرعت تعدیل به سمت سطح تعادلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. SUK_t : نمایش دهنده توسعه بازار صکوک (میزان انتشار صکوک) و مؤلفه‌های ریسک مالی شامل: ER_t : مؤلفه ثبات نرخ ارز؛ FD_t : مؤلفه بدهی خارجی؛ CA_t : مؤلفه حساب جاری؛ DS_t : مؤلفه خدمات بدهی و IL_t : مؤلفه نقدینگی بین‌المللی است. همچنین p و q نمایش دهنده تعداد وقفه بهینه متغیر وابسته SUK_t و متغیرهای مستقل FD_t ، ER_t ، CA_t و DS_t است که از طریق معیار آکایک (AIC) قابل تعیین است. متغیرهای مستقل به مجموع‌های جزئی مثبت و منفی برای افزایش و کاهش‌هایشان تجزیه خواهند شد. این تجزیه به صورت ذیل خواهد بود:

$$x_t^+ = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^+ = \sum_{j=1}^t \max(\Delta x_j, 0) \quad (12)$$

$$x_t^- = \sum_{j=1}^t \Delta x_j^- = \sum_{j=1}^t \min(\Delta x_j, 0) \quad (13)$$

که X_t نمایش دهنده متغیرهای ER_t ، FD_t ، CA_t ، DS_t و IL_t است. در روابط خطی، شوک مثبت و منفی تفاوتی ندارند و تأثیر آنها به طور یکسان است. اما در روابط غیرخطی، تأثیر شوک‌های مثبت و منفی ممکن است متفاوت باشد. بنابراین استفاده از آزمون تودا-یاماتو می‌تواند امکان تمایز بین شوک‌های مثبت و منفی را در اثرات غیرخطی فراهم کند. متغیرهای انتگرال شده را می‌توان به عنوان فرایند گام تصادفی در فرم کلی زیر نمایش داد (Shin et al., 2014, P. 149).

$$Y_t = Y_{t-1} + e_{1t} = Y_0 + \sum_{i=1}^t e_{1i} \quad \text{and} \quad X_t = X_{t-1} + e_{2t} = X_0 + \sum_{i=1}^t e_{2i} \quad (14)$$

که X_0 و Y_0 نشان دهنده مقادیر اولیه بوده و e_{1t} و e_{2t} نشان دهنده جملات خطا خواهند بود. همچنین $e_{1i}^+ = \max(e_{1i}, 0)$ و $e_{2i}^+ = \max(e_{2i}, 0)$ نمایش دهنده شوک‌های مثبت و $e_{1i}^- = \min(e_{1i}, 0)$ و $e_{2i}^- = \min(e_{2i}, 0)$ نمایش

دهنده شوک‌های منفی هستند.

در یک چهارچوب نامتقارن متغیرها توسط معادلات زیر نمایش داده می‌شوند:

$$Y_t = Y_{t-1} + e_{1t} = Y_0 + \sum_{i=1}^t e_{1i}^+ + \sum_{i=1}^t e_{1i}^- \quad (15)$$

$$X_t = X_{t-1} + e_{2t} = X_0 + \sum_{i=1}^t e_{2i}^+ + \sum_{i=1}^t e_{2i}^- \quad (16)$$

۳-۴. متغیرها و مدل تحقیق

در این تحقیق برای بررسی تأثیرات شوک‌های نامتقارن بلندمدت و کوتاه‌مدت مؤلفه‌های ریسک مالی به همراه پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در ایران الگوی ذیل بصورت فصلی و در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۸۹ در قالب معادله ذیل تصریح می‌گردد.

$$\begin{aligned} \text{LnSUK}_t = & a_0 + a_1^+ \text{LnER}_{t-1}^+ + a_2^- \text{LnER}_{t-1}^- + a_3^+ \text{LnFD}_{t-1}^+ + a_4^- \text{LnFD}_{t-1}^- + \\ & a_5^+ \text{LnCA}_{t-1}^+ + a_6^- \text{LnCA}_{t-1}^- + a_7^+ \text{LnDS}_{t-1}^+ + a_8^- \text{LnDS}_{t-1}^- + a_9^+ \text{LnIL}_{t-1}^+ + \\ & a_{10}^- \text{LnIL}_{t-1}^- + a_{11} \text{LnECI}_t + \varepsilon_t \end{aligned}$$

متغیرهای بکار گرفته شده در این تحقیق عبارتند از:

SUK_t : توسعه بازار صکوک (میزان انتشار صکوک) و مؤلفه‌های ریسک مالی شامل:
 ER_t : ثبات نرخ ارز، FD_t : بدهی خارجی، CA_t : حساب جاری، DS_t : خدمات بدهی،
 IL_t : نقدینگی بین‌المللی و ECI_t : پیچیدگی اقتصادی.

اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای انجام این پژوهش بر اساس متغیرهای مدل پیشنهادی از شرکت مدیریت دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران، بانک اطلاعاتی راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) و وبسایت اطلس پیچیدگی اقتصادی دانشگاه هاروارد^۱ استفاده شده است. همچنین برای برآورد مدل از نرم افزار 13 EViews استفاده گردید.

۴. نتایج و تجزیه و تحلیل تجربی

اولین مرحله در تخمین مدل‌های سری زمانی، بررسی ایستایی متغیرها می‌باشد. لذا با توجه به اینکه داده‌های این پژوهش بصورت فصلی هستند، برای بررسی ایستایی متغیرها باید از

1. <http://atlas.cid.harvard.edu>

آزمون هگی^۱ استفاده نمود که دارای سه فرضیه مستقل t_1 (وجود ریشه واحد غیر فصلی در فرکانس صفر)، t_2 (وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس ۶ ماهه)، و $F_{3,4}$ (وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس سالیانه) می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون که در جدول (۲) درج شده است حاکی از آن است که با توجه به آماره t_1 و مقایسه آن با مقادیر بحرانی، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد غیر فصلی رد نمی‌شود. لذا تمامی متغیرهای مدل که بصورت لگاریتمی در نظر گرفته شده‌اند دارای ریشه واحد غیر فصلی هستند. در حالی که با توجه به معنی‌دار بودن آماره‌های t_2 و $F_{3,4}$ ، برای تمام متغیرهای مدل فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد فصلی در فرکانس‌های شش ماهه و یکساله رد شده و تمام متغیرها فاقد ریشه واحد فصلی هستند و نیازی به تفاضل‌گیری فصلی ندارند.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد فصلی و غیر فصلی (روش هگی)

متغیر	آماره t_1	آماره t_2	آماره $F_{3,4}$
$\ln \text{SUK}_t$	-۳/۱۴	** -۴/۱۳	** ۸/۵۱
$\ln \text{CA}_t$	-۲/۵۱	** -۲/۹۱	** ۳۰/۷۴
$\ln \text{ER}_t$	-۲/۷۳	** -۲/۹۵	** ۱۷/۲۴
$\ln \text{DS}_t$	-۳/۱۷	** -۱/۷۴	* ۳/۴۷
$\ln \text{IL}_t$	-۱/۹۹	* -۳/۵۸	** ۱۸/۷۰
$\ln \text{FD}_t$	-۱/۸۰	* -۳/۴۶	** ۱۳/۳۱
$\ln \text{ECI}_t$	-۰/۵۷	** -۴/۹۳	** ۱۴/۷۳

*, **, *** به ترتیب نشان‌دهنده ایستایی در سطح اطمینان ۱، ۵ و ۱۰ درصد و با عرض از مبدأ است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

در ادامه برای اطمینان از نبود متغیرهای هم جمع از سطح بالاتر از یک، آزمون دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) انجام و نتایج آن در جدول (۳) درج شده است. همان‌طور که مشخص است تمامی متغیرها در سطح ایستا نبوده، لذا پس از یکبار تفاضل‌گیری متغیرهای نایستا در سطح یک ایستا گردیدند. این نتایج تأیید کننده نتایج ریشه واحد هگی می‌باشد.

1. Hylleberg, Engle, Granger and Yoo (HEGY) unit root test

جدول ۳: نتایج آزمون ریشه واحد (روش دیکی فولر تعمیم یافته ADF)

LEVEL (1)		متغیر	LEVEL (0)		متغیر
احتمال	آماره t		احتمال	آماره t	
۰/۰۰۰۰	** -۵/۸۸۴۷۹۷	DlnSUK _t	۰/۳۶۲۴	-۱/۸۲۹۴۲۷	lnSUK _t
۰/۰۰۰۰	** -۸/۸۷۷۶۵۷	DlnCA _t	۰/۱۷۴۳	-۲/۸۹۲۶۱۴	lnCA _t
۰/۰۰۰۰	** -۶/۴۸۵۶۸۶	DlnER _t	۰/۰۷۵۹	-۳/۳۱۷۲۹۵	lnER _t
۰/۰۰۰۱	** -۵/۷۳۰۳۰۱	DlnDS _t	۰/۷۱۳۶	-۱/۷۴۸۱۴۵	lnDS _t
۰/۰۰۰۰	** -۸/۹۹۹۲۳۵	DlnIL _t	۰/۲۸۰۴	-۲/۶۰۳۹۳۰	lnIL _t
۰/۰۰۰۰	** -۷/۸۴۹۴۲۶	DlnFD _t	۰/۳۴۴۲	-۱/۸۶۸۳۸۸	lnFD _t
۰/۰۰۰۰	** -۶/۶۳۰۲۷۴	DlnECI _t	۰/۹۵۰۷	-۰/۰۳۳۶۵۵	lnECI _t

*** و ** به ترتیب نشان‌دهنده ایستایی در سطح اطمینان ۱، ۵ و ۱۰ درصد و با عرض از مبدأ و روند است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

در این قسمت به جهت بررسی وجود رابطه غیرخطی و انواع انحرافات احتمالی استقلال بین متغیرهای مدل‌های پیشنهادی این تحقیق از آزمون BDS (Brock Dechert Scheinkman test) استفاده شد. بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون Z در درجه وقفه‌های ۲ تا ۶ که در جدول (۴) ثبت گردیده است، وجود رابطه غیرخطی بین متغیرهای مدل این تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۴: نتایج آزمون BDS

Embedding Dimension (m)	آماره BDS	آماره Z
۲	۰/۰۲۷۴۰۸	۲/۳۳۵۳۵۰
۳	۰/۰۳۷۶۵۰	۱/۹۸۲۸۰۷
۴	۰/۰۳۵۰۵۸	۱/۵۲۲۶۵۷
۵	۰/۰۳۳۳۶۹	۱/۳۶۵۲۳۰
۶	۰/۰۳۰۱۷۹	۱/۲۵۶۹۹۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

اکنون با استفاده از آزمون کرانه‌ها (BOND ARDL) وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به نتایج بدست آمده از این آزمون که در جدول (۵) درج گردیده است، اگر آماره F محاسباتی بزرگتر از مقدار بحرانی کرانه بالا باشد، می‌توان بدون توجه به درجه جمعی متغیرها فرض صفر مبنی بر نبود ارتباط بلندمدت را رد نمود. لذا با توجه به آماره‌های به دست آمده از این آزمون،

آماره F محاسباتی بزرگ‌تر از کرانه بالا در سطح ۵٪ بوده، لذا وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل پیشنهادی تأیید می‌گردد.

جدول ۵: نتایج آزمون کرانه‌ها (ARDL BOND)

آماره F محاسباتی		*** ** *
سطح معناداری	کرانه پایین	کرانه بالا
۱۰٪	۲/۱۲	۳/۲۳
۵٪	۲/۴۵	۶/۶۱
۱٪	۳/۱۵	۴/۴۳

*** و ** و * معنی‌داری در سطح اطمینان ۱۰ و ۵ و ۱ درصد می‌باشد

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

در ادامه به جهت آزمون عدم تقارن شوک‌های مثبت و منفی پیش بینی نشده متغیرهای تحقیق بر توسعه بازار صکوک می‌بایست از آزمون والد استفاده شود. نتایج این آزمون که در جدول (۶) ثبت شده است نشان دهنده این واقعیت است که شوک‌های مثبت و منفی پیش‌بینی نشده تمام متغیرهای تحقیق اثرات نامتقارنی بر توسعه بازار صکوک دارند.

جدول ۶: آزمون والد برای بررسی عدم تقارن شوک‌های متغیرهای تحقیق بر توسعه بازار صکوک

متغیر	آماره F	آماره کای دو	بررسی تقارن
$\ln CA_t$	۷/۴۰ ۰/۰۱۰۴	۷/۴۰ ۰/۰۰۶۵	رد فرضیه صفر و تأیید عدم تقارن تأثیر شوک‌های منفی و مثبت مؤلفه حساب جاری بر توسعه بازار صکوک
$\ln ER_t$	۳۹/۷۳ ۰/۰۰۰۰	۳۹/۷۳ ۰/۰۰۰۰	رد فرضیه صفر و تأیید عدم تقارن تأثیر شوک‌های منفی و مثبت مؤلفه ثبات نرخ ارز بر توسعه بازار صکوک
$\ln FD_t$	۱۰/۵۵ ۰/۰۰۲۷	۱۰/۵۵ ۰/۰۰۱۲	رد فرضیه صفر و تأیید عدم تقارن تأثیر شوک‌های مثبت و منفی مؤلفه بدهی خارجی بر توسعه بازار صکوک
$\ln DS_t$	۷/۵۷ ۰/۰۰۹۰	۷/۵۷ ۰/۰۰۵۹	رد فرضیه صفر و تأیید عدم تقارن تأثیر شوک‌های منفی و مثبت مؤلفه خدمات بدهی بر توسعه بازار صکوک
$\ln IL_t$	۴/۶۸ ۰/۰۳۸۰	۴/۶۸ ۰/۰۳۰۵	رد فرضیه صفر و تأیید عدم تقارن تأثیر شوک‌های منفی و مثبت مؤلفه نقدینگی بین‌المللی بر توسعه بازار صکوک

*** و ** و * معنی‌داری در سطح اطمینان ۱۰ و ۵ و ۱ درصد می‌باشد

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون باند که نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل و آزمون والد که بیانگر عدم تقارن در تأثیر شوک‌های مثبت و منفی متغیرهای این تحقیق بر توسعه بازار صکوک می‌باشد، با انجام آزمون خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیر خطی (NARDL) شوک‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت متغیرهای پیشنهادی بر توسعه بازار صکوک مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا نتایج کوتاه‌مدت در جدول (۷) و بلندمدت در جدول (۸) آورده شده است.

جدول ۷: نتایج کوتاه مدت آزمون خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی غیر خطی NARDL (2,0,0,0,0,0,1,0,0,0,1,0) متغیر وابسته: توسعه بازار صکوک

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
DLSUK(-1)	** ۰/۸۶	۲۱/۳۵۵۲۱	۰/۰۰۰۰
DLSUK(-2)	** ۰/۱۷	۴/۶۸۲۶۵۲	۰/۰۰۰۰
$DlnCA_t^+$	** ۰/۵۸	۲/۲۸۴۱۶۲	۰/۰۲۹۱
$DlnCA_t^-$	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۹۲۴۶	۰/۹۹۲۷
$DlnDS_t^+$	** ۶/۸۶	۵/۱۳۱۲۴۰	۰/۰۰۰۰
$DlnDS_t^-$	* -۲/۲۴	-۲/۹۲۴۷۲۸	۰/۰۰۶۳
$DlnER_t^+$	** ۲/۰۶	۴/۲۹۲۸۳۱	۰/۰۰۰۲
$DlnER_{t-1}^+$	** ۰/۷۵	۱/۹۲۴۳۲۵	۰/۰۶۳۲
$DlnER_t^-$	** -۰/۵۹	-۴/۲۳۹۴۹۶	۰/۰۰۰۲
$DlnIL_t^+$	** ۰/۲۳	۴/۴۹۹۴۰۹۱	۰/۰۰۰۰
$DlnIL_t^-$	** -۰/۶۴	-۴/۷۸۱۹۴۲	۰/۰۰۰۰
$DlnFD_t^+$	** ۱۰/۲۲	۱۱/۴۹۸۷۴	۰/۰۰۰۰
$DlnFD_{t-1}^+$	** ۱۵/۶۳	۹/۲۳۵۹۳۴	۰/۰۰۰۰
$DlnFD_t^-$	-۰/۳۳	-۰/۵۳۸۷۹۸	۰/۵۹۳۸
$DlnECI$	۰/۰۲	۲/۶۰۷۷۴۹۰	۰/۵۴۷۸
ECM(-1)	** -۰/۳۰	-۲۰/۹۰۷۸۱۲	۰/۰۰۰۰
Durbin-Watson: ۲/۱۶		R^2 : ۰/۹۹	
Prob: ۰/۰۰۰۰۰۰		F-statistic: ۱۱۷/۸۷۵۶	

*** و ** معنی داری در سطح اطمینان ۱۰ و ۵ درصد می‌باشد

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

نتایج بدست آمده از آزمون NARDL در کوتاه مدت حاکی از آن است که: الف) تأثیر شوک مثبت مؤلفه حساب جاری (CA) در کوتاه‌مدت معنی‌دار آماری است. بدین صورت که یک درصد افزایش در شوک مثبت این متغیر ۰/۵۸ درصد به توسعه بازار صکوک خواهد افزود. در حالیکه شوک منفی این مؤلفه معنی‌دار آماری بدست نیامد. ب) هریک درصد شوک مثبتی که در کوتاه‌مدت بر مؤلفه خدمات بدهی (DS) وارد شود ۶/۸۶ درصد بر توسعه بازار افزوده خواهد شد. همچنین شوک منفی آن ۲/۲۴ درصد از مشارکت در بازار صکوک خواهد کاست. ج) تأثیر شوک مثبت متغیر مؤلفه ثبات نرخ ارز (ER) همراه با وقفه‌اش و شوک منفی آن معنی‌دار آماری است. بدین صورت که یک درصد شوک مثبت این متغیر ۲/۰۶ درصد بر توسعه بازار صکوک افزوده و یک درصد شوک منفی این مؤلفه ۰/۵۹ درصد از رشد بازار صکوک می‌کاهد. د) تأثیر شوک مثبت و منفی مؤلفه نقدینگی بین المللی (IL) آن بر توسعه بازار صکوک معنی‌دار آماری است. این متغیر که نشان‌دهنده تعداد ماه‌هایی است که کشور توانایی واردات دارد، هر یک درصد شوک مثبت آن ۰/۲۳ درصد به توسعه بازار صکوک افزوده ولی شوک منفی این ریسک ۰/۶۴ درصد از مشارکت در بازار صکوک خواهد کاست. ذ) تأثیر شوک مثبت مؤلفه بدهی خارجی (FD) همراه با یک وقفه بر توسعه بازار صکوک معنی‌دار آماری است. این در حالی است که شوک منفی این متغیر از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. هر یک درصد شوک مثبت در این متغیر ۱۰/۲۲ درصد بر توسعه بازار صکوک خواهد افزود. بدین مفهوم که شوک مثبت این مؤلفه یعنی کاهش بدهی‌های خارجی دولت که نشان‌دهنده کاهش کسری بودجه و بهبود فضای کسب و کار و تسهیل در امور صادرات و واردات است. با این سیگنال مثبت سازمان‌های دولتی و خصوصی برای جذب سرمایه از طریق بازارهای مالی از جمله صکوک مبادرت می‌ورزند که این باعث رشد و توسعه بازار صکوک خواهد شد. ر) تأثیر پیچیدگی اقتصادی در کوتاه‌مدت بر توسعه بازار صکوک معنی‌دار آماری بدست نیامده است.

جدول ۸: نتایج بلندمدت آزمون خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی غیر خطی NARDL متغیر وابسته: توسعه بازار صکوک

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
$\ln CA_t^+$	**۱/۹۱	۲/۲۲۲۵۶۸	۰/۰۳۳۴
$\ln CA_t^-$	-۰/۰۱	-۰/۰۰۹۲۴۵	۰/۹۹۲۷
$\ln DS_t^+$	**۲۲/۵۶	۴/۷۲۶۶۶۵	۰/۰۰۰۰
$\ln DS_t^-$	*-۱۰/۵۶	-۲/۶۰۹۴۰۵	۰/۰۱۳۷
$\ln ER_t^+$	**۴/۳۰	۸/۳۲۳۳۷۷	۰/۰۰۰۰
$\ln ER_t^-$	** -۱/۹۶	-۳/۹۴۲۳۰۸	۰/۰۰۰۴
$\ln IL_t^+$	** ۰/۷۶	۴/۶۵۷۲۷۴	۰/۰۰۰۱
$\ln IL_t^-$	** -۲/۱۱	-۴/۳۷۸۸۷۹	۰/۰۰۰۱
$\ln FD_t^+$	** ۱۷/۷۶	۶/۷۸۶۸۵۳	۰/۰۰۰۰
$\ln FD_t^-$	-۱/۱۰	-۵/۳۳۴۴۵	۰/۵۹۷۴
$\ln ECI$	**۰/۵۸	۲/۵۰۳۶۳۳	۰/۰۰۶۶
C	**۱۵/۷۰۱۲۷۵	۸۹/۲۲۱۸۷۰	۰/۰۰۰۰

*، **، *** معنی داری در سطح اطمینان ۱۰ و ۵ و ۱ درصد می‌باشد

مأخذ: یافته‌های تحقیق با استفاده نرم افزار Eviews 13

نتایج بدست آمده از آزمون NARDL در بلندمدت حاکی از آن است: الف) شوک مثبت مؤلفه حساب جاری (CA) بر توسعه بازار صکوک معنی‌دار آماری است بدین صورت که یک درصد شوک مثبت حساب جاری در بلندمدت ۱/۹۱ درصد بر توسعه بازار صکوک خواهد افزود. این در حالی است که شوک منفی این متغیر در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت معنی‌دار آماری بدست نیامد.

ب) شوک مثبت و منفی مؤلفه خدمات بدهی (DS) بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت معنی‌دار می‌باشد. بدین صورت که هر یک درصد شوک مثبتی که در بلندمدت بر مؤلفه خدمات بدهی وارد شود، ۲۲/۵۶ درصد بر توسعه بازار صکوک خواهد افزود و هر یک درصد شوک‌های منفی حاصل از این متغیر ۱۰/۵۶ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست.

پ) شوک‌های مثبت و منفی مؤلفه نرخ ارز (ER) در بلندمدت معنی‌دار آماری بدست آمده است. شوک‌های مثبت یک درصدی این متغیر به مقدار ۴/۳۰ درصد بر توسعه بازار

صکوک خواهد افزود در حالی که شوک منفی یک درصدی این مؤلفه ۱/۹۶ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست.

ج) افزایش یک درصدی شوک‌های مثبت نقدینگی بین‌المللی (IL) در بلندمدت ۰/۷۶ درصد بر توسعه بازار صکوک افزوده و شوک‌های منفی این متغیر به میزان یک درصد، ۲/۱۱ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست.

چ) تأثیرات مؤلفه بدهی خارجی (FD) بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت مثبت و معنی‌دار بدست آمده و هر یک درصد افزایش آن، ۱۷/۷۶ درصد بر توسعه بازار صکوک می‌افزاید. این در حالی است که تأثیر شوک منفی آن معنی‌دار بدست نیامد.

ه) تأثیرات متغیر پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت مثبت و معنی‌دار بدست آمده و هر یک درصد افزایش آن، ۰/۵۸ درصد بر توسعه بازار صکوک می‌افزاید.

در این قسمت با استفاده از آزمون‌های تشخیصی LM، White و Jarque-Bera فروض کلاسیک برای معادله این تحقیق بررسی و نتایج آن در جدول (۹) نشان داده شده است. نتایج به ترتیب حاکی از وجود همسانی واریانس، عدم وجود خود همبستگی و نرمال بودن توزیع جزء اخلال‌ها دارد.

جدول ۹: آزمون‌های تشخیصی

آزمون‌ها	آمارها	احتمال آماره
White	۰/۹۰۱۷۰۲	۰/۵۷۷۸
LM	۰/۳۶۰۱۳۱	۰/۷۰۰۶
Jarque-Bera	۴/۸۰۱۲۸۶	۰/۱۹۰۶۶۰

ماخذ: نتایج تحقیق

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش در رابطه با تأثیر شوک‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت مؤلفه‌های ریسک مالی به همراه پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک ایران طی سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۸۹ بصورت فصلی نشان می‌دهد:

الف) هر یک درصد شوک مثبت حساب جاری (CA) در بلندمدت ۱/۹۱ درصد و در

کوتاه‌مدت ۰/۵۸ درصد بر توسعه بازار صکوک خواهد افزود. این در حالی است که شوک منفی این مؤلفه در کوتاه‌مدت و بلندمدت معنی‌دار آماری بدست نیامد. روزلن و همکاران (۲۰۲۴) نیز در تحقیقی که در کشور مالزی انجام دادند بر این واقعیت تأکید داشتند که نتایجی غیرقطعی از ارتباط بین حساب جاری و توسعه بازار صکوک وجود دارد. کما اینکه نتایج این تحقیق نیز دلالت بر نامشخص بودن ارتباط شوک‌های منفی کوتاه‌مدت و بلندمدت این متغیر با توسعه بازار صکوک در کشور ایران دارد. از حیث تأثیرگذاری شوک مثبت حساب جاری بر صکوک این مسأله از ابعاد مختلفی قابل بررسی بوده که هر یک می‌تواند نتایج مختص به خود داشته باشد. برآیند این آثار است که تأثیر مربوطه را مشخص می‌کند. نتیجه تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت شوک مثبت حساب جاری بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت را می‌توان بدین صورت تحلیل نمود که از منظر کلان بهبود شرایط جریان‌های تجارت خارجی به ویژه در زمینه صادرات تأثیر مستقیمی بر تولید و رشد اقتصادی داشته و این مسأله می‌تواند بر افزایش تأمین مالی دولتی و خصوصی از طریق صکوک برای توسعه تأثیرگذار باشد. علاوه بر آن، بهبود تراز تجاری کشور از کانال تأثیر بر سیاست‌های ارزی و مدیریت بازار ارز می‌تواند بر بازار صکوک نیز اثرگذار باشد. از این رو، توجه بیشتر دولت و دستگاه‌ها در جهت یاری رساندن به بانک مرکزی برای مدیریت بازار ارز از کانال هماهنگی سیاست‌های تجاری و تطابق هرگونه شوک مثبت حساب جاری با سیاست‌های ارزی و پولی پیشنهاد می‌گردد.

ب) هر یک درصد شوک مثبت مؤلفه خدمات بدهی (DS) بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت و کوتاه‌مدت به ترتیب به میزان ۲۲/۵۶ و ۱۰/۵۶ درصد خواهد افزود و هر یک درصد شوک منفی این متغیر در بلندمدت و کوتاه‌مدت ۱۰/۵۶ و ۲/۲۴ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست. شوک مثبت دلالت بر بهبود و توانایی بازپرداخت بدهی بوده و دسترسی بالاتر ناشران به منابع مالی را نشان می‌دهد. شوک‌های منفی دلالت بر تضعیف وضعیت موجود و احتمال نکول را افزایش می‌دهد. شوک‌های مثبت، میزان بدهی دولت را به سمت سطوح بهینه نزدیک نموده و رسیدن به این سطوح آستانه‌ای یا بهینه است که رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در مناسب‌ترین وضعیت قرار می‌دهد. توجه به این موضوع که انتشار اوراق مالی متناسب با نسبت بهینه بدهی دولت صورت پذیرد، می‌بایست از

اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. بیشتر بودن مقدار بدهی‌های دولت از مقدار بهینه می‌تواند دلالت بر جایگزینی دولت بجای بخش خصوصی باشد. با توجه به مسأله بازپرداخت میان مدت و بلندمدت و تأثیرات اقتصادی، در لویج بودجه تشکیل کمیته‌ای تخصصی که از همه جوانب، انتشار اوراق مالی را مورد بررسی قرار داده و به عبارتی آثار اقتصادی آن را در نظر بگیرد، ضروری می‌باشد.

پ) افزایش یک درصدی شوک‌های مثبت مؤلفه نرخ ارز (ER) در بلندمدت و کوتاه‌مدت به ترتیب $4/30$ و $2/06$ درصد بر توسعه بازار صکوک خواهد افزود در حالی که شوک‌های منفی یک درصدی این متغیر در بلندمدت و کوتاه مدت به ترتیب $1/96$ و $0/59$ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست. شوک‌های مثبت دلالت بر تثبیت بازار ارز داشته و این امر اطمینان در برآورد ارزش واقعی صکوک را موجب گشته که این تمایل و جذابیت بازار صکوک را به دلیل اطمینان بخشی بیشتر می‌نماید. شوک منفی نرخ ارز یا نوسان نرخ ارز فارغ از بحث کاهش ارزش پول ملی، می‌تواند نرخ بهره را از مسیر تعادلی خارج نموده و به بخش حقیقی اقتصاد آسیب رساند. نوسانات نرخ ارز ناشی از شوک‌های منفی از کانال‌ها یا رویکردهای متفاوتی مانعی در جهت افزایش سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات می‌باشد. از جمله این کانال‌ها می‌توان افزایش انتظارات بدبینانه، افزایش نااطمینانی، افزایش هزینه تولید، تغییر تخصیص منابع، نوسان درآمدهای ارزی و تجارت اشاره نمود که طبعاً همه این عوامل می‌توانند بر بازار مالی (صکوک) تأثیرگذار باشد. دولتمردان و سیاستگذاران می‌بایست ایجاد امنیت مالی و تثبیت بازار ارز در جهت ایجاد اعتماد سرمایه‌گذاران در بازار صکوک را در دستور کار خود قرار دهند.

ت) افزایش یک درصدی شوک‌های مثبت مؤلفه نقدینگی بین‌المللی (IL) در بلندمدت و کوتاه‌مدت به ترتیب $0/76$ و $0/23$ بر توسعه بازار صکوک افزوده و شوک‌های منفی این مؤلفه به میزان یک درصد در بلندمدت و کوتاه‌مدت به ترتیب، $2/11$ و $0/64$ درصد از توسعه بازار صکوک خواهد کاست. شوک‌های مثبت در این زمینه که بهبود وضعیت ذخایر ارزی کشور را به همراه دارد، تأثیر مثبت بر توسعه بازار صکوک ایجاد نموده و این نتیجه دلالت بر آن دارد که افزایش ذخایر ارزی از طریق ایجاد مأمّن یا سپر در مقابله با شوک‌های غیرمترقبه و همچنین نقش این ذخایر در کاهش بروز بحران بدهی دولت، تمایل به

سرمایه‌گذاری در بازار صکوک اعم از داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد. انتشار هرچه بیشتر اطلاعات مربوط به اقدامات ذخایر ارزی، شفافیت و پاسخگویی بهتر در مراحل تصمیم‌گیری و استفاده وسیع از تکنیک‌های پیچیده مدیریت ریسک برای پردازش اطلاعات از مهم‌ترین کارها و پیشنهاداتی است که می‌توان در این زمینه مطرح نمود.

(د) افزایش یک درصدی مؤلفه بدهی خارجی (FD) در بلندمدت و کوتاه مدت به ترتیب ۱۷/۷۶ و ۱۰/۲۲ درصد بر توسعه بازار صکوک می‌افزاید. این در حالی است که تأثیر منفی این مؤلفه در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت معنی‌دار بدست نیامد. شوک مثبت که دلالت بر نزدیک‌تر شدن بدهی‌های خارجی به حد بهینه می‌باشد، علامت مثبتی در زمینه هزینه‌های مالی و عدم ورشکستگی دولت به افراد می‌باشد. به عبارتی این نزدیکی به حد متعادل و نرمال منجر به کاهش فشارهای داخلی و خارجی گشته و از این‌رو موجبات تقلیل ریسک مالی فراهم می‌گردد. چنین سیگنال مثبتی است که موجب تأثیر مثبت بر بازار صکوک می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود کلیه گزینه‌های مربوط به استفاده از بازار بین‌المللی در انتشار صکوک ارزی مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد. انتشار صکوک ارزی به‌ویژه در سطح بین‌المللی می‌تواند از کانال‌های مختلفی چون تأثیر بر بدهی خارجی به تقویت ثبات مالی کشور کمک نماید. این امر مستلزم پیشنهاد در جهت فراهم نمودن زیرساخت‌ها و اقدامات گوناگونی است که باید با حمایت دولت و نهادهای قانون‌گذار انجام شود.

(ر) تأثیرات متغیر پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک در بلندمدت ۰/۵۸ درصد بر توسعه بازار صکوک می‌افزاید. این در حالی است که تأثیر کوتاه‌مدت این متغیر بر توسعه بازار صکوک معنی‌دار بدست نیامد. بهبود پیچیدگی اقتصادی دلالت بر افزایش دانش فنی و صادرات داشته که این امر موجبات بهبود تراز تجاری و بهبود بازار ارز در کشور را فراهم می‌نماید. چنین بهبودهایی ریسک مالی را کاهش داده که این امر از طریق تأثیرگذاری بر سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی، افزایش عرضه و تقاضای صکوک و نهایتاً توسعه بازار صکوک را به همراه خواهد داشت. در راستای بهبود پیچیدگی اقتصادی مواردی چون توجه بیشتر به سازمان‌های دانش بنیان در خلق محصولات پیچیده که مزیت رقابتی برای کشور ایجاد می‌کند، کسب مزیت در صادرات و بهبود فضای کسب و کار توأم با تعامل با

کشورهای صاحب فناوری بالا پیشنهاد می‌گردد.

کتابنامه

- آهنگر، زینب. نوراله زاده، نوروز. دارایی، رویا. (۱۴۰۱). ارائه مدل علی ریسک‌های صکوک در ایران، نشریه علمی دانش مالی و تحلیل اوراق بهادار، ۱۵(۱)، ۱۲۳-۱۳۷.
- توحیدی، محمد. کریمی، میثم. (۱۳۹۹). طراحی صکوک ترکیبی با هدف تامین مالی و انتقال ریسک بر اساس موازین فقه امامیه، ۹(۲)، ۶۹۴-۶۷۱.
- توحیدی، محمد. یارمحمدی، رضا. (۱۳۹۸). نوع شناسی و طبقه بندی اوراق بهادار اسلامی (صکوک) از منظر معیارهای گوناگون، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲۸، ۷۶-۴۱.
- تهرانی، رضا. نوربخش، عسگر. (۱۳۹۵)، مدیریت سرمایه‌گذاری، نگاه دانش، تهران.
- حاجی‌ها، زهره. رازقی، زهرا. باقی، ابراهیم. لطفی، فروغ. (۱۴۰۰). اولویت‌بندی عوامل مؤثر در رونق سرمایه‌گذاری بر روی صکوک: فرایند تحلیل شبکه‌ای، تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰(۱)، ۶۷۶-۶۴۳.
- حسن زاده، علی. فوز مسلمیان، مسعود. (۱۳۸۹)، ارزیابی عملکرد بازار اوراق اسلامی صکوک در خلال بحران‌های مالی جهانی، تازه‌های اقتصاد، ۸(۱۲۸)، ۶۷-۵۴.
- خضری، حمید لعل و صمیمی، احمد. (۱۴۰۰). تأثیرات نامتقارن تکانه‌های نرخ ارز بر تابع تقاضای پول در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۱۰۰، ۲۴-۱.
- زارع، محمد حسن. انصاری سامانی، حبیب. نامداری، سیمین. محمودی، زهرا. (۱۴۰۰). تأثیرات ریسک اقتصادی، سیاسی و مالی بر فرار سرمایه، فصلنامه علمی، ۱۶(۱)، ۹۷-۱۲۷.
- رفعت، منیره. احمدی، سعیده. (۱۴۰۱). بررسی اثر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر سطح تولید ناخالص داخلی ایران، نشریه علمی پژوهش‌های اقتصادی، ۲۳(۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
- رحیمی، فرشته. سایه میری، علی. قاسمیان، نرگس. شایان، عبدالله. (۱۴۰۰). اثر شاخص پیچیدگی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منات، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۱۱(۳۶)، ۱۵-۱.

سپهوند، رامین. سایه میری، علی. شیرخانی، اسماء. (۱۴۰۰). تأثیرات پیچیدگی اقتصادی بر عملکرد زیست محیطی در کشورهای منطقه منا، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۱(۳)، ۱۷۷-۲۰۸.

سرزعی، علی. (۱۳۹۵). سیاست‌های اقتصادی برای مقابله با بحران‌های بانکی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۶(۲۱)، ۵۳-۶۹. شاه آبادی، ابوالفضل. امیدی، وحید. علی کرم زاده، نرگس. (۱۴۰۱). تأثیرات پیچیدگی اقتصادی بر نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه منتخب دانش محور، فصلنامه اقتصاد و الگو سازی، ۱۳(۱)، ۱-۲۵.

شاه مرادی، بهروز و چینی فروشان، پیام. (۱۳۹۶). سنجش دانش و مهارت با تکیه بر رویکرد پیچیدگی اقتصادی، مجله رهیافت، ۶۷، ۵۸-۳۹. شرکت مدیریت و دارایی مرکزی بازار سرمایه ایران، (۱۳۹۵). صکوک ابزار تامین مالی اسلامی. چاپ اول.

طالبی، محمد. رهبر، فرهاد. حیدری، علی. اسمعیل زاده، علی. (۱۴۰۰). شناسایی ظرفیت‌های صنعتی ایران با استفاده از مدل پیچیدگی اقتصادی با تأکید بر بازار صادراتی کشورهای منتخب، نشریه راهبرد اقتصادی، ۱۰(۳۸)، ۴۲۷-۴۶۱.

Alswaidan, M.W., Daynes, A., & Pasgas, P. (2017). Understanding and evaluation of risk in Sukuk structures. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 8 (4), 389-405.

<https://doi.org/10.1108/JIABR-05-2015-0021>

Ahangar, Z. Nurolezadeh, N. Daraby, R. (2022), presenting the causal model of sukuk risks in Iran, Scientific Journal of Financial Knowledge and Securities Analysis. 15 (1), 123-137. [In Persian]

<https://doi.org/10.30495/jfksa.2022.20217>

Ashraf, D., Rizwan, M.S. and Azmat, S. (2021). Not one but three decisions in Sukuk issuance: understanding the role of ownership and governance. Pacific-Basin Finance Journal, 69, 1-15.

<https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101423>

Azmat, S., Skully, M. and Brown, K. (2014). Issuer's choice of Islamic bond type. Pacific-Basin Finance Journal, 28, 122-135.

<https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2013.08.008>

Asri, N.H. and Wulandari, D. (2021). Macroeconomic variables and Sukuk outstanding in Indonesia. Open Access Indonesia Journal of Social Sciences, 4 (6), 612-621.

<https://doi.org/10.37275/oaijss.v4i6.101>

- Al-Racai, A.M., Zainol, Z. and Abdul Rahim, A.K. (2019). The influence of macroeconomic factors and political risk on the Sukuk market development in selected GCC countries: a panel data analysis. *Jurnal Ekonomi Malaysia*, 53 (2), 199-211.
<http://dx.doi.org/10.17576/JEM-2019-5302-15>
- Ahmad, N. and Muda, M. (2013). Exchange rate pass-through estimates for Sukuk issuing countries. *Procedia Economics and Finance*, 7, 134-139.
[https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(13\)00227-X](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(13)00227-X)
- Ajide, M. Osinubi, B. Ojeyinka, B. (2023). Does Insurance Sector Matter for Economic Complexity? *Organizations and Markets in Emerging Economies*, vol. 14, no. 3(29), 536–561.
<https://doi.org/10.15388/omee.2023.14.4>
- Atlas of Economic Complexity <https://atlas.cid.harvard.edu/glossary>
- Boukhatem, J. (2022). How does financial risk affect sukuk market development? Empirical evidence from ARDL approach. *Heliyon*, 8 (5), 1-7.
<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e09453>
- Boukhatem, J., Ftiti, Z., Sahut, J.M., (2021). Bond market and macroeconomic stability in east asia: a nonlinear causality analysis. *Ann. Oper. Res.* 297 (1), 53–76.
<https://doi.org/10.1007/s10479-020-03519-6>
- Baldwin, R. E. (1989). Exporting the capital markets. Technical report.
<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e09453>
- Basyariah, N., Kusuma, H. and Qizam, I. (2021). Determinants of Sukuk market development: macroeconomic stability and institutional approach. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8 (2), 201-211.
<https://doi.org/10.13106/JAFEB.2021.VOL8.NO2.0201>
- Bianchi, J., Hatchondo, J.C. and Martinez, L. (2018). International reserves and rollover risk. *American Economic Review*, 108 (9), 2629-2670.
<https://doi.org/10.1257/aer.20140443>
- Baxter, N.D. (1967). Leverage, risk of ruin and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 22 (3), 395-403.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-6261.1967.tb02975.x>
- Country International Risk Guide <https://www.prsgroup.com/explore-our-products/icrg/>
- Cakir, S., Raei, F. (2007). Sukuk vs. Eurobonds: Is There a Difference in Value-at Risk?. IMF Working Papers No. WP/07/237.
<https://doi.org/10.5089/9781451868012.001>
- Choi, W.J. and Taylor, A.M. (2022). Precaution versus mercantilism: reserve accumulation, capital controls, and the real exchange rate. *Journal of International Economics*, 139, 103649.
<https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2022.103649>
- De Nicol_o, M.G., Honohan, P. and Ize, A. (2003). Dollarization of the banking system: good or bad?. World Bank Policy Research Working Paper, 3116.
<https://doi.org/10.5089/9781451856668.001>
- Davis, J.S., Fujiwara, I., Huang, K.X. and Wang, J. (2021). Foreign exchange

- reserves as a tool for capital account management. *Journal of Monetary Economics*, 117, 473-488.
<https://doi.org/10.1016/j.jmoneco.2020.02.006>
- Ebireri, J. E. (2014). Bank market structure and industrialization: evidence from developing countries. PhD thesis, University of Glasgow 1-208.
<https://theses.gla.ac.uk/id/eprint/5297>
- Ekinci, M.F. and Özcan, G. (2022). Macroprudential policies and current account balance. *Economic Analysis and Policy*, 73, 768-777.
<https://doi.org/10.1016/j.eap.2022.01.003>
- Gonzalez- Gomez-, J. Uribe, J. Valencia, O. (2023). Does economic complexity reduce the probability of a fiscal crisis?. *World Development*, 168, 106250.



Estimating the Development Index of Production Cooperatives as an Institution of the Resistance Economy and Its Macroeconomic Determinants

Kiomars Sohaili: Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Accounting, Razi University, Kermanshah, Iran (Corresponding Author).

ksohaili@razi.ac.ir | 0000-0002-2586-3131

Maryam Nafisi Moghadam: PhD in Economics, University of Tabriz., Tabriz, Iran.

Maryam.nafisi@tabrizu.ac.ir | 0000-0002-7328-808X

Renewable Energy and Energy Efficiency Organization of Iran (SATBA), Tehran, Iran

Abstract

In recent years, many restrictions and obstacles have been imposed exogenously on Iran's economy. Resistance economy has been proposed as a solution to deal with these obstacles and limitations. Since the cooperative sector, especially the production cooperatives and their development, has a major role in the resistance economy, therefore, it is of particular importance to study, introduce and estimate the development index of production cooperatives and identify the macroeconomic factors affecting it. With this aim, in this article, the development index of production cooperatives has been estimated as one of the institutions of resistance economy and the macroeconomic factors affecting it have been explained. In this regard, by using the fuzzy logic method, the development index of production cooperatives in 5 different sectors (including handwoven carpet cooperatives, industrial, agricultural, mining, and total production cooperatives) in the provinces of Iran from 2011 to 2017 is calculated. Then, using the panel data method, the macroeconomic factors affecting the development of production cooperatives in different sectors are investigated. The results of the fuzzy logic approach show that, on average, Razavi Khorasan provinces in the field of mining cooperatives, Mazandaran in the field of agricultural cooperatives, East Azarbaijan in the field of industrial cooperatives, and Razavi Khorasan province had a higher position in the total number of cooperatives. In contrast to Ilam provinces in the field of mining cooperatives, Qazvin had the lowest position in the field of agricultural and industrial cooperatives and overall cooperatives. The results of the panel data model showed that the added value of different production sectors has a positive and significant effect on the development of cooperatives. On the other hand, the consumer price index and exchange rate have a negative and significant effect on the development of production cooperatives in most models. Based on this, it is suggested to control extreme fluctuations in the exchange rate and the inflation rate with appropriate monetary and fiscal policies and supply side policies to increase the resilience of the economy.

Keywords

Development Index, Production Cooperatives, Resistance Economy, Iran.

بر آورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی به عنوان یکی از نهادهای اقتصاد مقاومتی و عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر آن^۱

کیومرث سهیلی: استاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول). ksohaili@razi.ac.ir

مریم نفیسی مقدم^۲: دانش آموخته دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. Maryam.nafisi@tabrizu.ac.ir

چکیده

در سال‌های اخیر، محدودیت‌ها و موانع متعددی به صورت برونزا بر اقتصاد ایران تحمیل شده است. اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راه حل، جهت برون رفت و مقابله با این موانع و محدودیت‌ها مطرح گردیده است. از آنجایی که بخش تعاون، خصوصاً تعاونی‌های تولیدی و توسعه آن‌ها نقش عمده ای در اقتصاد مقاومتی دارد؛ بنابراین، مطالعه، معرفی دقیق و برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی و شناسایی عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر آن از اهمیت خاصی برخوردار است. با این هدف، در مقاله حاضر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی به عنوان یکی از نهادهای اقتصاد مقاومتی برآورد و عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر آن تبیین شده است. در این راستا، با استفاده از روش منطق‌فازی به برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی در ۵ بخش مختلف شامل تعاونی‌های فرش دستبافت، صنعتی، کشاورزی، معدنی و مجموع تعاونی‌های تولیدی استان‌های ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷ پرداخته شد. سپس با استفاده از روش داده‌های تابلویی عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر توسعه تعاونی‌های تولیدی در بخش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج رویکرد منطق‌فازی نشان می‌دهد که به طور متوسط در بازه زمانی مورد بررسی استان‌های خراسان رضوی در حوزه تعاونی‌های معدنی، مازندران در حوزه تعاونی‌های کشاورزی، آذربایجان شرقی در حوزه تعاونی‌های صنعتی و استان خراسان رضوی در مجموع تعاونی‌ها در کشور جایگاه بالاتری را دارند. به عبارت دیگر این استان‌ها به طور متوسط بیشترین شاخص توسعه تعاونی‌ها را در بین استان‌های دیگر کسب کردند. در مقابل استان‌های ایلام در حوزه تعاونی‌های معدنی، قزوین در حوزه تعاونی‌های کشاورزی، صنعتی و در مجموع تعاونی‌ها پایین‌ترین جایگاه را داشتند. نتایج حاصل از برآورد مدل داده‌های تابلویی در استان‌های کشور نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش‌های مختلف تولیدی بر میزان شاخص توسعه تعاونی‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. در مقابل شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز در بیشتر مدل‌ها اثر منفی و معناداری بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد با سیاست‌های مناسب پولی و مالی و سیاست‌های جانب عرضه، نوسانات شدید در نرخ ارز کنترل و نرخ تورم مهار شود.

واژگان کلیدی: شاخص توسعه، تعاونی تولیدی، اقتصاد مقاومتی، ایران.

۱. این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تولید تعاونی‌های تولیدی استان کرمانشاه و راهکارهای جهش تولید آن» است که در سال ۱۴۰۰ در دانشگاه رازی کرمانشاه و تحت حمایت مالی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کرمانشاه انجام شده است.

۲. کارشناس سرمایه‌گذاری، سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، تهران، ایران

مقدمه

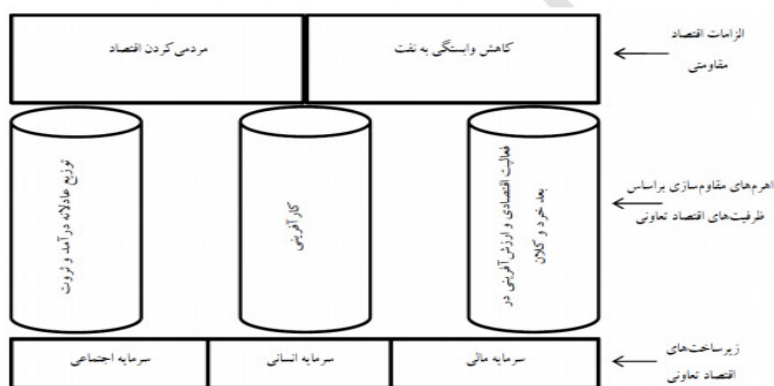
تعاونی‌ها به عنوان یک انجمن مستقل از افرادی تعریف می‌شوند که داوطلبانه به هم پیوسته‌اند تا نیازها و اهداف مشترک اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را از طریق یک مالکیت جمعی و به روش دموکراتیک برآورده نمایند. رشد اقتصادی، فقرزدایی، اشتغال مولد، یکپارچگی اجتماعی، تقویت کارآفرینی و مدیریت، تمرکز سرمایه‌های کوچک در قالب سرمایه‌های متوسط از جمله اهداف مهم تشکیل شرکت‌های تعاونی در کشور است. (انتظاریان و سنجرى، ۱۳۹۲) بنابراین اگر اصول و ارزش‌های تعاون به درستی مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند در کنار سایر بخش‌ها به شکوفایی و کارا تر شدن اقتصاد کمک کند. (عبداله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵)

مطالعات مختلفی مانند چنی و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، لامبرو و پترسکو^۲ (۲۰۱۴)، بنتیولگی و ویوانو^۳ (۲۰۱۲)، کاستا و کارینی^۴ (۲۰۱۶) و کارینی و کارپیتا^۵ (۲۰۱۴) بر عملکرد بهتر اقتصادی- اجتماعی تعاونی‌ها نسبت به سایر مشاغل تاکید می‌کنند. بیرچال^۶ (۲۰۱۳) با بررسی مزایا و معایب مشاغل عضو تعاونی‌ها اظهار داشت که ممکن است مدل‌های مبتنی بر همکاری به طور بالقوه از سایر مشاغل در دوران رکود اقتصادی قوی‌تر عمل نمایند. به این ترتیب، تعاونی‌ها باید مقاومت بیشتری نسبت به سایر مشاغل داشته باشند. از این‌رو، تاب‌آوری را می‌توان به عنوان یکی از مزیت‌های تعاونی‌ها در برابر شوک‌های بازار یا محیط اقتصادی در نظر گرفت. با توجه به شرایط کشور، تعاون یکی از مهمترین ظرفیت‌ها برای افزایش مشارکت مردمی در توسعه کشور و مردمی کردن اقتصاد است که البته این موضوع می‌تواند به ارتقا اعتماد عمومی بین مردم و دولت کمک کند. (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۶)

با توجه به اهمیت تعاون، در قرآن کریم نیز در آیات متعددی بر همکاری و تعاون در جامعه اسلامی تاکید شده است. به عنوان مثال در آیه دو سوره مائده می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا

-
1. Cheney et al
 2. Lambro and Petrescu
 3. Bentivogli and Viviano
 4. Costa and Carini
 5. Carini and Carpita
 6. Birchall

عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّعَاوُنَا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» بدین معنا که تعاون و همیاری کنید براساس نیکی و تقوا و همیاری نکنید براساس گناه و دشمنی. از این رو، پایه و اساس تعاون باید در نیکی و تقوا استوار باشد. در ادبیات اقتصاد مقاومتی نیز بخش تعاون یکی از محورهای کلیدی در افزایش تولید و اشتغال به شمار می‌رود زیرا مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی کشور از طریق این نهاد امکان‌پذیر است و از این طریق می‌توان گام‌های مؤثری در کاهش وابستگی به نفت برداشت. تعاونی‌ها در افزایش اشتغال و ارتقاء رفاه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. آن‌ها از طریق خودیاری و تعهد سازمانی نسبت به اعضا و جوامع خود، نزدیک به ۱۰۰ میلیون شغل در سراسر جهان ایجاد کرده‌اند. (عبدی و کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۵) شکل (۱) به طور خلاصه به بررسی ارتباط مفهومی بین اقتصاد تعاونی و اقتصاد مقاومتی می‌پردازد.



شکل ۱: مدل مفهومی ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد تعاونی

منبع: عبدی و کهن‌هوش‌نژاد، ۱۳۹۵

بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز جایگاه ارزشمندی دارد. قانون‌گذار، بخش تعاون را یکی از روش‌های مهم رسیدن به مرحله رشد اقتصادی قرار داده و راه رسیدن به اشتغال کامل و توزیع عادلانه امکانات و وسایل کار و تولید را گسترش بخش تعاونی معرفی کرده است. اهمیت توجه به بخش‌های تعاونی با توجه به

شرایط اقتصاد کشور و وجود تحریم‌ها در طی سال‌های اخیر دو چندان شده است. تعاونی‌های تولیدی به دلیل گرایش‌ها و زمینه‌های فعالیتی مختلف خود نسبت به سایر انواع تعاونی‌ها از مزیت‌های بیشتری برخوردار هستند و علاوه بر تامین ملزومات بخش‌های مختلف اقتصادی نقش ویژه‌ای در ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کارآفرینی در سطح کشور ایفا کرده و شرایط برای رسیدن به رشد اقتصادی پایدار را فراهم می‌نمایند.

تعاونی‌های تولیدی نزدیک به نیمی از ظرفیت‌های موجود تعاونی‌های کشور را تشکیل می‌دهند. همچنین ۳۲/۴۷ درصد از فرصت‌های شغلی ایجاد شده توسط تعاونی‌های تولیدی می‌باشد. (گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۰) وجود چنین پتانسیلی می‌تواند از محورهای اصلی توسعه اقتصادی در کشور به شمار آید. براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای بخش تعاون سهم ۲۵ درصدی از اقتصاد ملی پیش‌بینی شده است. با این حال هم در انجام تکالیف مقرر و هم در استفاده از اختیارات قانونی، در عمل اقدام مؤثری صورت نگرفته و براساس اعلام رسمی، سهم این بخش از ۵/۵ درصد قبلی به ۵ درصد نیز کاهش یافته است. (خسروی و یزدانی، ۱۳۹۶)

با توجه به اهمیت بخش تعاون در تولید و اشتغال کشور و همچنین جایگاه آن در ارتقاء اقتصاد مقاومتی، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی جایگاه تعاونی‌های تولیدی در استان‌های کشور است. یکی از بزرگترین چالش‌ها در حوزه تعاون در دسترس نبودن داده‌ها در رابطه با تولیدات تعاونی‌های تولیدی است. برای رفع این مشکل در تحقیق حاضر با توجه به نظریات اقتصادی و همچنین اطلاعات در دسترس، شاخصی برای توسعه تعاونی‌ها با استفاده از روش منطق فازی ساخته شد. برای این منظور با در نظر گرفتن مدل‌های تولید بنگاه‌های اقتصادی سه متغیر نیروی کار، سرمایه و تعداد تعاونی‌های تولیدی به عنوان متغیرهای نشان دهنده رشد و توسعه تعاونی‌ها در نظر گرفته شده و به عنوان ورودی وارد سیستم منطق فازی می‌شوند. پس از برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی، در مرحله دوم به بررسی عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر توسعه تعاونی‌های تولیدی استان‌های ایران با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ پرداخته می‌شود.

در ادامه پس از بیان مقدمه حاضر، به بیان ادبیات موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. بخش سوم به معرفی روش منطق فازی اختصاص دارد. در بخش چهارم شاخص توسعه تعاونی‌ها و برای هر یک از تعاونی‌های تولیدی مورد بررسی برآورد خواهد شد و براساس آن، جایگاه هر یک از استان‌های کشور در حوزه تعاونی‌های تولیدی مختلف شناسایی می‌شود. بخش پنجم به برآورد عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر تعاونی‌ها پرداخته می‌شود. در پایان در بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادات بیان خواهد شد.

۱- ادبیات موضوع

اتحادیه تعاونی بین المللی^۱ (ICA) در سال ۱۹۹۵ تعاونی را به عنوان یک انجمن مستقل از افرادی تعریف نمود که داوطلبانه به هم پیوسته‌اند تا نیازها و اهداف مشترک اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را از طریق یک مالکیت جمعی^۲ و به روش دموکراتیک برآورده نمایند. (بیانیه هویت تعاونی، اتحادیه بین‌المللی تعاونی، ۱۹۹۵) تعاون به صورت، یاری رساندن و همکاری چند نفر که دارای نیاز مشترک هستند و مشارکت اجتماعی و عمومی برای رفع نیازهای مشترک خود دارند، تعریف می‌شود. این افراد دارای اهدافی چون رفاه اجتماعی، توسعه، عدالت اجتماعی، تعالی ارزش‌های اخلاقی، جلوگیری از سودجویی مفرط و بهبود شرایط زندگی هستند. (طالب، ۱۳۷۶) آلن بیرو شرکت تعاونی را چنین تعریف نموده است: «شرکت تعاونی صورتی از سازمان اقتصادی است (شرکت) که در آن اعضا با برخورداری از حقوق برابر، برای انجام فعالیتی پیمان می‌بندند و هدف از آن ارضای نیازهای مصرفی یا مرتبط با کار و فعالیت در برابر توقعات سلطه‌جویانه سرمایه می‌باشد. اصول هفتگانه تعاونی‌ها شامل ۱- اصل عضویت داوطلبانه و آزاد ۲- اصل مدیریت دموکراتیک ۳- اصل تقسیم عادلانه درآمدهای تعاونی‌ها به هر عضو ۴- اصل توزیع محدود خدمات سرمایه ۵- اصل استقلال تعاونی‌ها ۶- اصل آموزشی تعاونی‌ها و ۷- اصل همکاری می‌باشد. (پوتری و همکاران^۳، ۲۰۲۳)

قانون شرکت‌های تعاونی ایران که در سال ۱۳۵۰ به تصویب رسید در ماده یک

1. The International Co-operative Alliance
2. Jointly Owned
3. Putri et al

خود شرکت‌های تعاونی را بدین صورت تعریف می‌کند: "شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازهای مشترک و بهبود اقتصادی و اجتماعی شرکاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس انداز موافق اصولی که در قانون مطرح است، تشکیل می‌شود." به موجب ماده ۱ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات مورخ ۱۳۷۷/۷/۵ و ۱۳۹۳/۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی، اهداف بخش تعاونی عبارت است از:

- ایجاد و تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل.
- قراردادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.
- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.
- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.
- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره‌برداری مستقیم از حاصل کار خود.
- پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر.
- توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم.
- کمک به تامین عدالت اجتماعی و توانمندسازی اقشار متوسط و کم درآمد.
- ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری و افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی.

تعاونی‌ها نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع دارند. بخش تعاون با جمع‌آوری منابع مالی کوچک و توزیع منافع حاصل از صنعت، خدمات، کشاورزی و ایجاد کسب و کارهای پویا و مولد نقش حائز اهمیتی در اقتصاد کشور بر عهده دارد. (وکیل‌الرعايا و همکاران، ۱۳۹۷) از جمله مهمترین آثاری که تعاونی‌ها می‌توانند در جامعه از خود به جای گذارند عبارتند از (نوری و همکاران، ۱۳۹۸):

- ایجاد و توسعه فعالیت‌ها و مشاغل درآمدزا برای توده مردم.
- توسعه ظرفیت‌های منابع انسانی با گردآوری توده مردم.
- توسعه تجارت و مبادله بین بخش‌ها و گروه‌های مختلف اقتصاد.

- تقویت قدرت رقابت و دسترسی به بازارها و مؤسسات مالی برای تولیدکنندگان مختلف.
- توسعه اجتماعی از جمله افزایش همکاری متقابل و ایجاد همبستگی، افزایش مشارکت، کمک کردن به تویع عادلانه درآمد در بین اقشار مختلف.
- از طرف دیگر، عدم انگیزه کافی برای کارگروهی و ترکیب ناهماهنگ اعضا می تواند تاثیر منفی بر فعالیتهای تعاونی ها داشته باشد. (دارابی و حیدرآبادی، ۱۴۰۱) کمبود منابع مالی، عدم حمایت قانون گذار، ماهیت و ساختار تعاونی ها و عدم فرهنگ سازی مناسب در حوزه همکاری و تعاون از دیگر مشکلات تعاونی ها به شمار می رود. (مولودیان و همکاران، ۱۴۰۲)

۲- پیشنهاد تحقیق

با توجه به محدودیت داده ها در حوزه تعاون، مطالعات در این حوزه عموماً به صورت پرسشنامه ای بوده و توجه کمتری به رویکردهای اقتصاد سنجی شده است. در این بخش به برخی از تحقیقات حوزه تعاون پرداخته می شود.

پاپلیلا و همکاران^۱ (۲۰۲۱) با استفاده از روش های کمی و با استفاده از تحلیل SEM نشان دادند که آموزش و پشتیبانی و در دسترس بودن امکانات حمایتی به توسعه تعاونی ها کمک می کند. همچنین محیط کسب و کار عاملی اثرگذاری بر توسعه تعاونی ها به شمار نمی رود. آزاری و کارمادین^۲ (۲۰۲۱) در تحقیق خود با استفاده از ابزار تحلیل پوشش داده ها و تحلیل شاخص مالکویست به تجزیه و تحلیل کارایی تعاونی ها در ۲۳ منطقه در آنچه اندونزی در طی سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که تعاونی های تولیدی در هفت ناحیه در آنچه کارآمد هستند. مجید و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در تحقیقی با استفاده از روش پانل دیتا به بررسی عوامل مؤثر بر بهره وری تعاونی ها در اندونزی پرداختند. برای این منظور از سه عامل تعیین کننده شامل سرمایه شخصی، سرمایه خارجی و حجم تجارت استفاده شده است. این داده ها در سطح ۳۳ استان و در

1. Papilaya et al
2. Azhari and Kamaruddin
3. Majid et al

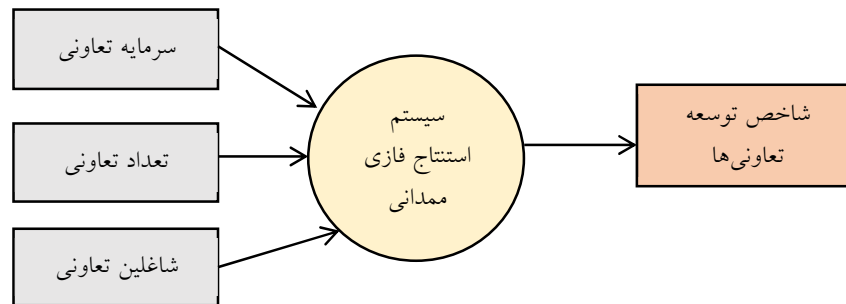
بازه زمانی ۲۰۱۰-۲۰۱۵ گردآوری شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که سرمایه شخصی و حجم تجارت اثر مثبت و قابل توجهی بر بهره‌وری تعاونی‌ها دارند. همچنین اثر سرمایه‌گذاری بیرونی بر بهره‌وری تعاونی‌ها ناچیز است. مولودیان و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیق خود به بررسی روش‌های مطلوب جهت تامین مالی شرکت‌های تعاونی تولیدی - توزیعی شهرستان کاشمر پرداختند. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۴۸ شرکت تعاونی تولیدی فعال در سطح شهرستان کاشمر است. نمونه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۸۵ شرکت انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی اکتشافی و معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که وضعیت اقتصادی اعضا در جایگاه اول، مشارکت و همکاری بانک‌ها در جایگاه دوم، عوامل سیاسی و اقتصادی کلان در جایگاه سوم، سیاست‌های حمایتی در جایگاه چهارم و مشارکت‌های مردمی در جایگاه پنجم عوامل موثر بر تامین مالی شرکت‌های تعاونی تولیدی - توزیعی در شهرستان کاشمر است. حق‌شناس گرگایی و حدادی دوزین (۱۴۰۱) در تحقیقی به شناسایی عوامل بازدارنده در اجرای سیاست‌های تعاون در اسناد بالادستی کشور پرداختند و برای این منظور از رویکرد کیفی و تجزیه و تحلیل تم استفاده نمودند. در این تحقیق روش نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است. از ۲۶ نفر از سیاستگذاران دولتی، مدیران و مسئولان هیئت مدیره و شرکت‌های تعاونی و کارشناسان مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته انجام شد. نتایج این تحقیق نشان داد که عمده موانع موجود بر اجرای سیاست‌ها را می‌توان در دو گروه موانع موجود در تدوین مناسب سیاست‌ها (موانع فرهنگی - روانشناختی، فرآیندی و ساختاری) و موانع موجود در اجرای سیاست‌ها (قانونی - حقوقی، ساختاری، فرهنگی، محیطی، انسانی و فردی) طبقه‌بندی نمود. امید (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به شناسایی و تبیین موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با رویکردی اجتماعی و اقتصادی پرداخته است. برای این منظور ۲۵ متغیر به عنوان موانع توسعه نیافتگی تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی شناسایی شد که پس از به‌کار بردن تحلیل عاملی، برای تعیین تعداد عوامل از ملاک کیسر استفاده شد. بر پایه این ملاک، ۴ عامل (عوامل فردی و اجتماعی و فرهنگی، عوامل اداری و حمایتی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل امنیتی و سیاسی) دارای ارزش ویژه بالای ۱ شناسایی و به‌عنوان

عوامل قابل استخراج تعیین شدند. با توجه به شاخص‌های آماری با استفاده از روش تحلیل عوامل اصلی، این ۴ عامل در مجموع ۹۲.۶۷۲ درصد از واریانس کل متغیرها را توانستند تبیین کنند. نتایج پژوهش نشان داد عوامل فردی، اجتماعی و فرهنگی با مجموع بار عاملی ۶.۰۵۵، عوامل اداری و حمایتی با مجموع بار عاملی ۴.۷۱۱، عوامل مالی و اقتصادی با مجموع بار عاملی ۲.۹۲۸ و عوامل امنیتی و سیاسی با مجموع بار عاملی ۱.۴۰۷ به ترتیب به‌عنوان مهمترین موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی شناسایی شدند. پهلوانی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیق خود به بررسی اثر سرمایه‌گذاری بخش تعاونی بر اشتغال در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان با استفاده از روش اقتصادسنجی فضایی پرداختند. برای این منظور از داده‌های مربوط به ۵۰ شرکت تعاونی در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان طی دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۶ استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که میزان دستمزد پرداختی در بخش تعاون بیشترین میزان اثرگذاری مستقیم بر اشتغال استان را دارد. همچنین شاخص قیمت رابطه مثبت و معناداری با اشتغال در بخش تعاونی استان دارد. هاشمی و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از رویکرد مطالعات فراتحلیلی به بررسی عوامل موفقیت تعاونی‌ها در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ پرداختند. جامعه آماری این تحقیق تحقیقات معتبر شامل مقالات، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه است. براساس معیارهای ورود مطالعات به پژوهش و خروج از آن، ۵۰ پژوهش انتخاب شدند و با نرم‌افزار جامع فراتحلیل CMA2 تحلیل شدند. نتایج این تحقیق نشان داد در تحقیقات مرور شده، متغیرهای مستقل در چهار دسته اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و ساختاری-قانونی طبقه‌بندی می‌شود. در دسته اجتماعی، متغیرهای اعتماد اجتماعی و مشارکت اعضاء بیشترین تأثیر را بر موفقیت تعاونی‌ها دارند. در دسته مدیریتی، متغیرهای روابط و همکاری تعاونی‌ها و همچنین سابقه اعضا و مدیران بیشترین تأثیر را بر موفقیت تعاونی‌ها دارند. در دسته اقتصادی، متغیر سرمایه تعاونی‌ها بیشترین تأثیر را بر موفقیت تعاونی‌ها دارد. بیشترین تأثیر متغیرهای دسته ساختاری-قانونی عبارت است از دانش و آگاهی درباره تعاونی‌ها و عملکرد اداره تعاون منطقه. نوری و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود به تدوین مدلی ساختاری-تفسیری به منظور تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار تعاونی‌های تولیدی کشاورزی پرداختند. جامعه آماری تحقیق مدیران،

کارشناسان و خبرگان مربوط به امور تعاونی‌های تولیدی کشاورزی و مدیران عامل شرکت‌های تعاونی بوده و برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی، حقوقی، آموزشی، مدیریتی، بازاریابی، زیرساختی- نهادی، شخصیتی- فردی و خوشه‌بندی در ۵ سطح مختلف طبقه‌بندی شدند. در ادامه با استفاده از تحلیل MICMAC متغیرها در سه گروه متغیرهای نفوذی، خودمختار و وابسته قرار گرفتند. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل اقتصادی، زیرساختی - نهادی و زیست محیطی از مهمترین عوامل اثرگذار در توسعه پایدار تعاونی‌های کشاورزی استان آذربایجان شرقی است. سهیلی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با استفاده از مدل‌های اقتصاد سنجی و رویکرد خودرگرسیون برداری با وقفه توزیعی تاثیر ارزش افزوده تعاونی‌های تولیدی و غیر تولیدی استان کرمانشاه بر تورم را در بازه زمانی ۱۳۶۰-۱۳۹۳ محاسبه و برآورد نمودند. نتایج این مقاله نشان داد که ارزش افزوده تعاونی‌های تولیدی بر نرخ تورم مثبت بوده است. همچنین رابطه بین ارزش افزوده تعاونی‌های غیرتولیدی، واردات و نرخ تورم منفی و رابطه بین سایر متغیرها از جمله شکاف تولید، رشد نقدینگی و نرخ ارز با تورم مثبت است. پناهی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی به بررسی نوع و اندازه تاثیر شاخص‌های منتخب بخش تعاون در رشد اقتصادی استان‌های کشور با استفاده از رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که اقتصاد تعاونی بر رشد اقتصادی استان‌های کشور اثر مثبت و معناداری دارد. کریمی تکانلو (۱۳۹۲) با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹ به بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی بر اشتغال و کارآفرینی بخش تعاون در استان‌های ایران پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که تنها در دو سال اول اجرای طرح میزان اشتغال و تعداد بنگاه‌های تعاونی در قالب بنگاه‌های زودبازده به صورت معنی‌داری رشد کرده‌اند و در سال‌های بعد این افزایش روبه افول گذاشته است. همچنین براساس برآورد داده‌های تابلویی تسهیلات اعطایی در قالب بنگاه‌های زود بازده تاثیر معنی‌داری بر میزان اشتغال‌زایی و کارآفرینی در بخش تعاون داشته است.

۳- مدل سازی و برآورد شاخص توسعه تعاونی های تولیدی

هدف اول مقاله حاضر محاسبه شاخص توسعه تعاونی های تولیدی استان های کشور در دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ است. به طور کلی در نظریات اقتصادی دو عامل اصلی مؤثر در تولید سرمایه و نیروی انسانی است که در تحقیق حاضر به عنوان دو شاخص مؤثر بر توسعه تعاونی ها در نظر گرفته می شود. در نظریه رشد کلاسیک سرمایه عامل اصلی رشد اقتصادی و افزایش تولید به شمار می رود. مدل های رشد نئوکلاسیک، سرمایه و نیروی کار را از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در نظر می گیرند. هارود (۱۹۳۹) و دومار (۱۹۴۶) نشان دادند که سرمایه فیزیکی نقش محوری در افزایش تولید و رشد اقتصادی دارد. در مدل رشد برونزای سولو که در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک تدوین شده است به این موضوع اشاره می شود که سرمایه فیزیکی در کنار رشد جمعیت و پیشرفت تکنولوژی می تواند به افزایش رشد اقتصادی بیانجامد. در این مطالعه با توجه به محدودیت داده ها و نظریات اقتصادی از سه متغیر تعداد تعاونی ها، تعداد شاغلین تعاونی ها و سرمایه تعاونی ها برای محاسبه شاخص توسعه تعاونی ها استفاده می شود. در این تحقیق، شاخص توسعه تعاونی ها به تفکیک برای تعاونی های فرش دستبافت، صنعتی، کشاورزی، معدنی و کل تعاونی ها با استفاده از رویکرد منطق فازی محاسبه خواهد شد. منطق فازی ابزاری قدرتمند برای حل مسائل مربوط به سیستم های پیچیده ای است که درک آن ها مشکل است. از مزایای منطق فازی این است که از محاسبات پیچیده اقتصاد سنجی اجتناب می کند. (یوآ و همکاران^۱، ۲۰۰۶) با توجه به محدودیت های تحقیق حاضر، یک سیستم استنتاج فازی ممدانی به صورت شکل (۲) در نظر گرفته می شود:



شکل ۲: سیستم استنتاج فازی (FIS) برای توسعه تعاونی‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

بعد از انتخاب متغیرهای تعیین کننده توسعه تعاونی‌ها به عنوان متغیرهای ورودی سیستم استنتاج فازی، باید امر فازی‌سازی متغیرهای ورودی و خروجی سیستم با توجه به تعریف توابع عضویت‌های مناسب برای هر متغیر صورت پذیرد. تابع عضویت مقدار فازی بودن یک مجموعه را مشخص می‌کند. در واقع به تابعی که میزان درجه عضویت المان‌های مختلف را به یک مجموعه نشان دهد، تابع عضویت می‌گویند. تعریف یک تابع عضویت مناسب بسیار مهم است، زیرا اگر تابع عضویت برای مجموعه مناسب نباشد، کلیه تحلیل‌ها و بررسی‌های بعد از آن دچار انحراف می‌شود. (شوندی، ۱۳۹۴) در این مطالعه برای متغیرهای ورودی از توابع نرمال با سه حالت (زیاد، متوسط و کم) استفاده می‌شود.

یکی از مراحل مهم در استنتاج فازی تعیین قواعد فازی است که روابط بین متغیرهای ورودی و متغیرهای خروجی را مشخص می‌کند. قواعد فازی ترکیب سطوح ویژه همراهی سه متغیر سرمایه تعاونی، تعداد تعاونی و شاغلین تعاونی برای محاسبه شاخص توسعه تعاونی‌ها را نشان می‌دهد. با عنایت به وجود سه وضعیت برای هر یک از سه شاخص مذکور، می‌توان در مجموع به میزان $3^3=27$ حالت قواعد فازی برای توسعه بازار در نظر گرفت، چند نمونه از این قواعد در جدول (۱) نشان داده شده است. تفسیر این جدول با ملاک‌های تصمیم‌گیری "اگر-آنگاه" صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال در قاعده شماره ۱ گفته می‌شود که اگر سرمایه تعاونی کم، تعداد تعاونی کم و تعداد شاغلین تعاونی

کم باشد آنگاه انتظار می‌رود که توسعه تعاونی خیلی کوچک باشد.

جدول ۱: قواعد فازی

توسعه تعاونی	سرمایه تعاونی	تعداد تعاونی	تعداد شاغلین تعاونی	قاعده
خیلی کوچک	کم	کم	کم	۱
خیلی کوچک	کم	متوسط	کم	۲
کوچک	کم	زیاد	کم	۳
خیلی کوچک	کم	کم	متوسط	۴
.	.	.	.	.
.	.	.	.	.
.	.	.	.	.
خیلی بزرگ	زیاد	زیاد	متوسط	۲۴
بزرگ	زیاد	کم	زیاد	۲۵
خیلی بزرگ	زیاد	متوسط	زیاد	۲۶
خیلی بزرگ	زیاد	زیاد	زیاد	۲۷

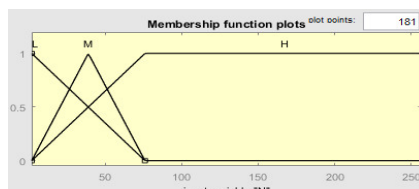
منبع: یافته‌های تحقیق

قواعد فازی که در جدول (۱) مورد بررسی قرار گرفته است برای همه شاخص‌های توسعه تعاونی‌ها در همه بخش‌ها مشترک است. بعد از تعیین توابع عضویت متغیرهای ورودی و متغیر خروجی و قواعد فازی به برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های بخش‌های مختلف با استفاده از نرم افزار متلب پرداخته می‌شود و در مرحله پایانی با استفاده از روش غیرفازی‌سازی مرکز سطح اطلاعات بدست آمده برای شاخص توسعه برای استان‌های کشور محاسبه می‌شود. در ادامه به معرفی توابع عضویت متغیرهای ورودی و متغیر خروجی در تعاونی‌های فرض دستبافت پرداخته می‌شود.^۱

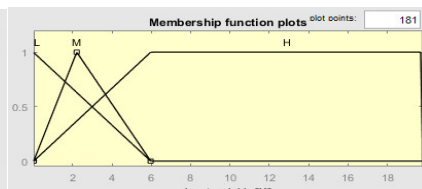
پس از تعیین مقدار میانگین برای هر متغیر، سطوح همراهی کمی محاسبه می‌شود. این کار با محاسبه یک انحراف معیار نمونه نزدیک به مقدار متوسط انجام می‌شود. در ادامه تابع عضویت برای متغیرهای سرمایه تعاونی‌ها، تعداد تعاونی‌ها و شاغلین تعاونی‌ها

۱. لازم به ذکر است توابع عضویت با توجه به ماهیت داده‌ها در دوره مورد بررسی تعیین شده است که با توجه به محدودیت تعداد صفحات مقاله برای سایر تعاونی‌ها در پیوست به آن‌ها اشاره شده است.

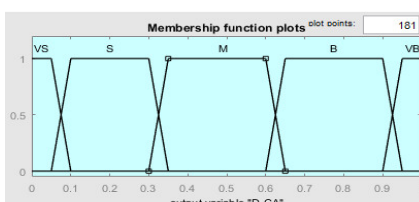
در بخش فرش دستبافت به ترتیب در اشکال (۳)، (۴) و (۵) آورده شده است.



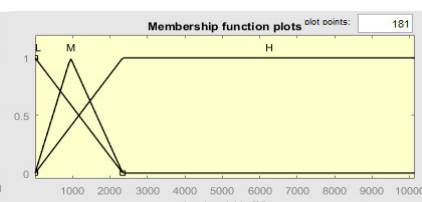
شکل ۴: تابع عضویت متغیر تعداد تعاونی‌های فرش دستبافت



شکل ۳: تابع عضویت متغیر سرمایه تعاونی‌های فرش دستبافت (هزار میلیون ریال)



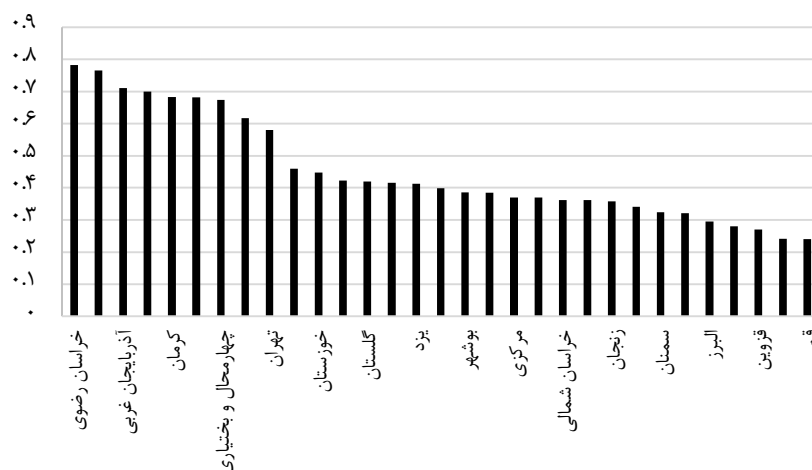
شکل ۶: تابع عضویت متغیر شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت



شکل ۵: تابع عضویت متغیر تعداد شاغلین تعاونی‌های فرش دستبافت

منبع: محاسبات تحقیق

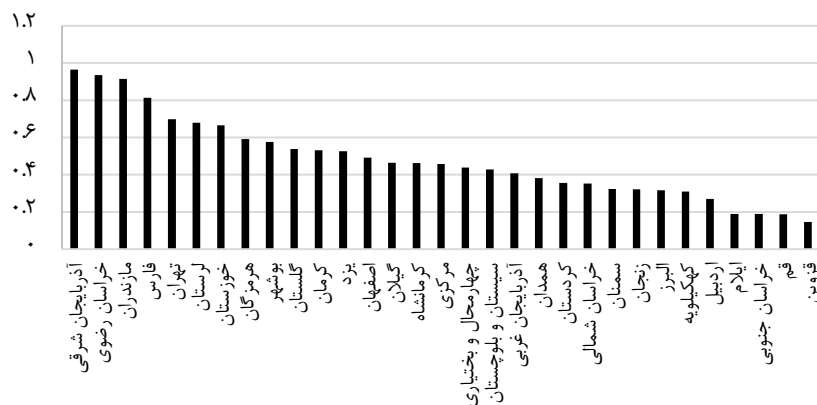
برای تعریف تابع عضویت متغیر شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت (CA) به عنوان خروجی فازی، پنج حالت خیلی بزرگ (VB)، بزرگ (B)، متوسط (M)، کوچک (S) و خیلی کوچک (VS) در نظر گرفته شده است. شکل (۶) تابع عضویت مجموعه فازی را برای متغیر شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت نشان می‌دهد. میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱: میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷

منبع: محاسبات تحقیق

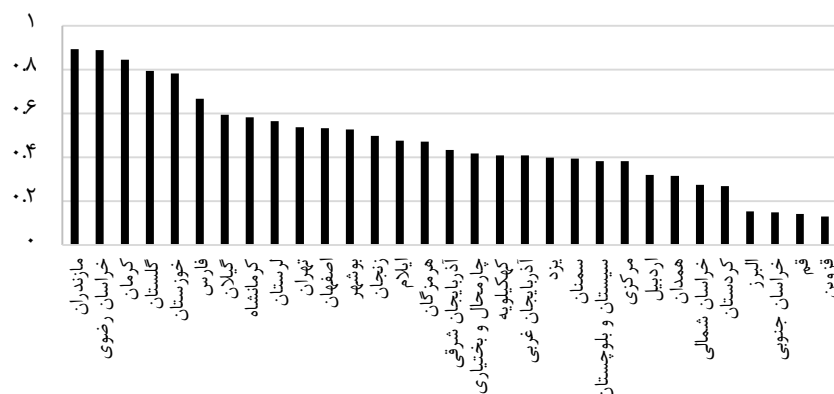
همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، استان‌های خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به ترتیب توسعه یافته‌ترین استان‌های کشور در زمینه تعاونی‌های فرش دستبافت، هستند. استان‌های قم، کهگیلویه و بویراحمد و قزوین نیز به ترتیب جزء کمتر توسعه یافته‌ترین استان‌های ایران در زمینه تعاونی‌های تولیدی فرش دستبافت به‌شمار می‌آیند. در ادامه فرآیند فوق برای سایر تعاونی‌های تولیدی نیز انجام شد. نمودار (۲) میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های صنعتی استان‌های کشور در بازه ۱۳۹۰-۱۳۹۷ را نشان می‌دهد.



نمودار ۲: میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های صنعتی استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰

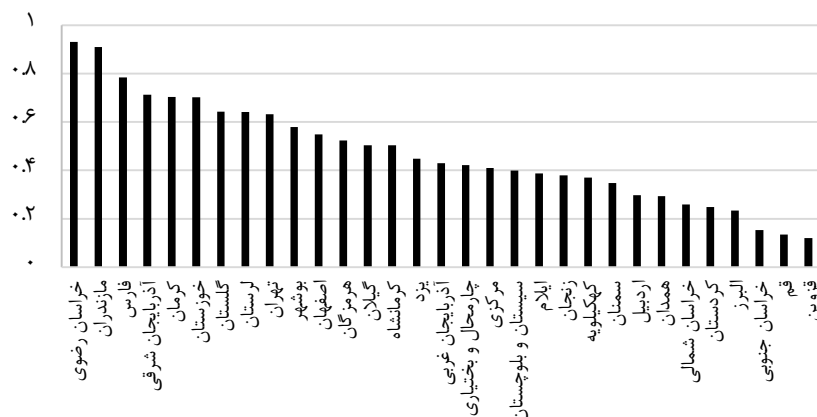
منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نمودار (۲)، استان‌های آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و مازندران به ترتیب تعاونی‌های تولیدی توسعه یافته‌تری در بخش صنعت نسبت به دیگر استان‌های کشور دارند. استان‌های قزوین، قم و خراسان جنوبی نیز به ترتیب کمترین سطح توسعه تعاونی‌های صنعتی را دارند. میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های کشاورزی استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ در نمودار (۳) ارائه شده است.



نمودار ۳: میانگین شاخص توسعه تعاونی‌های کشاورزی استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰

منبع: محاسبات تحقیق



نمودار ۵: میانگین شاخص توسعه کل تعاونی‌های تولیدی استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰

منبع: محاسبات تحقیق

با توجه به نمودار (۵)، استان‌های خراسان رضوی، مازندران، فارس و آذربایجان شرقی به ترتیب بالاترین سطح توسعه تعاونی‌ها را نسبت به سایر استان‌ها دارند. از طرف دیگر استان‌های قزوین، قم، خراسان جنوبی و البرز به ترتیب کمترین سطح توسعه تعاونی را نسبت به سایر استان‌های کشور در دوره مورد بررسی دارند.

۴- برآورد عوامل اقتصاد کلان مؤثر بر توسعه تعاونی‌های تولیدی

در ادامه با توجه به روابط (۱) تا (۵) به بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی پرداخته می‌شود. برای این منظور از داده‌های ۳۱ استان کشور در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ و رویکرد داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

$$LICC_{it} = \beta_0 + \beta_1 LADDC_{it} + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LEXR_{it} + \beta_4 LEMP_{it} + U_{it} \quad (1)$$

$$LICI_{it} = \beta_0 + \beta_1 LADDI_{it} + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LEXR_{it} + \beta_4 LEMP_{it} + U_{it} \quad (2)$$

$$LICA_{it} = \beta_0 + \beta_1 LADDA_{it} + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LEXR_{it} + \beta_4 LEMP_{it} + U_{it} \quad (3)$$

$$LICM_{it} = \beta_0 + \beta_1 LADDM_{it} + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LEXR_{it} + \beta_4 LEMP_{it} + U_{it} \quad (4)$$

$$LICT_{it} = \beta_0 + \beta_1 LADDT_{it} + \beta_2 LCPI_{it} + \beta_3 LEXR_{it} + \beta_4 LEMP_{it} + U_{it} \quad (5)$$

در مدل‌های فوق $LICC_{it}$ نشان دهنده لگاریتم شاخص توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت است. $LADDC_{it}$ ؛ لگاریتم ارزش افزوده بخش منسوجات، $LICI_{it}$ ؛ لگاریتم شاخص توسعه تعاونی‌های صنعتی؛ $LADDI_{it}$ ؛ لگاریتم ارزش افزوده بخش صنعت، $LICA_{it}$ ؛ لگاریتم شاخص توسعه تعاونی‌های کشاورزی، $LADDA_{it}$ ؛ لگاریتم ارزش افزوده بخش کشاورزی، $LICM_{it}$ ؛ لگاریتم شاخص توسعه تعاونی‌های معدنی؛ $LADDM_{it}$ ؛ لگاریتم ارزش افزوده بخش معدن، $LICT_{it}$ ؛ لگاریتم شاخص توسعه کل تعاونی‌ها؛ $LADDT_{it}$ ؛ لگاریتم ارزش افزوده کل بخش‌ها، $LCPI_{it}$ ؛ لگاریتم شاخص قیمت مصرف‌کننده، $LEXR_{it}$ ؛ $LEMP_{it}$ ؛ لگاریتم نرخ مشارکت اقتصادی است. i و t به ترتیب نشان دهنده مقطع (استان) و زمان است. U_{it} نیز جزء اخلاص را نشان می‌دهد. یکی از مهمترین متغیرهای اثرگذار بر تولید، نرخ ارز است. نرخ ارز، تقاضای کل اقتصاد را از طریق صادرات و واردات و ذخایر بانک مرکزی تحت تاثیر قرار می‌دهد. با افزایش نرخ ارز سمت عرضه کل با چالش‌هایی از جمله افزایش هزینه کالاهای واسطه‌ای وارداتی مواجه می‌شود که در نتیجه آن هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، با افزایش نرخ ارز، قیمت کالاهای وارداتی افزایش یافته و تمایل به استفاده از کالاهای داخلی بیشتر می‌شود. (جعفری صمیمی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۸) عامل دیگر موثر بر تولید، شاخص قیمت مصرف‌کننده و تورم است. دورنبوش^۱ (۱۹۸۹) نشان داد که تورم موجب کاهش پس‌انداز و افزایش هزینه و ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود. به عبارت دیگر، میزان بالای تورم موجب کاهش تخصیص سرمایه‌گذاری به فعالیت‌های تولیدی می‌شود. در اقتصاد کینزی که به دلیل وجود توهم پولی تعدیل دستمزدهای واقعی به آرامی انجام می‌شود از طریق باز توزیع درآمدها از کارگران به کارفرمایان که میل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بالاتری دارند تولید افزایش می‌یابد. در مقابل نظریه مقداری کلاسیک (خنثایی پول) نشان داد که با افزایش عرضه پول به همان نسبت قیمت‌ها تغییر می‌کند و متغیرهای واقعی مثل اشتغال و تولید ثابت باقی می‌ماند. (کميجانی و نقدی، ۱۳۸۸) عاملی که در این تحقیق به

عنوان یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار بر تولید در نظر گرفته شده، نرخ مشارکت اقتصادی است. در حوزه رابطه بین اشتغال و رشد دو دیدگاه وجود دارد. گروه اول بر این عقیده هستند که رشد اقتصادی و اشتغال لزوماً در یک راستا حرکت نمی‌کنند. گروه دوم معتقدند که رابطه مثبت بین اشتغال و رشد اقتصادی وجود دارد. (باقری پرمهر و رحمانی، ۱۴۰۰) اسوان و سسیتزند^۱ (۲۰۰۶:۵) نیز بر این موضوع تاکید می‌کنند که رابطه بین رشد و اشتغال نامتقارن است و در مراحل مختلف چرخه‌های تجاری متفاوت است. قبل از برآورد مدل به منظور جلوگیری از مشکلات برآورد مدل و رگرسیون کاذب لازم است ابتدا مانایی متغیرها بررسی شود. در این تحقیق به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لو و چو^۲ استفاده می‌شود. نتایج آزمون مانایی در جدول (۲) ارائه شده است. براین اساس کلیه متغیرها در سطح مانایی هستند.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های مانایی متغیرهای تحقیق

متغیر	آزمون لوین لو و چو (با عرض از مبدا و روند)	احتمال
$LADDC_{it}$	-۱۸/۰۸	۰/۰۰۰
$LADDI_{it}$	-۲۵/۲۸	۰/۰۰۰
$LADDA_{it}$	-۲۵/۲	۰/۰۰۰
$LADDM_{it}$	-۱۲/۷۹	۰/۰۰۰
$LADDT_{it}$	-۱۰/۸۷	۰/۰۰۰
$LCPI_{it}$	-۱۸/۵۵	۰/۰۰۰
$LEXR_{it}$	-۱۴/۷۶	۰/۰۰۰
$LEMP_{it}$	-۱۵/۷۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

برای برآورد رگرسیون با استفاده از داده‌ها تابلویی ابتدا باید آزمون‌های تشخیص انجام شود، سپس نوع مدل با اثرات ثابت یا تصادفی برای برآورد نهایی تعیین می‌شود. جدول (۳) نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن را برای مدل‌های مختلف نشان می‌دهد.

1. Swan & Vistrand
2. Levin, Lin & Chu

جدول ۳: نتایج آزمون‌های تشخیص داده‌های تابلویی در بخش‌های مختلف مور بررسی

متغیر	فرش دستبافت	صنعتی	کشاورزی	معدنی	کل بخش‌ها
آماره F آزمون چاو	۱۸/۹۹**	۱۱/۳۶**	۱۷/۴۰**	۷/۲۹**	۱۸/۰۴**
آماره F آزمون هاسمن	۱/۷۶۳	۱/۰۳۲	۱/۸۷۰	۱/۵۴۳	۱/۰۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق؛ ** در فاصله اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است.

با توجه به جدول (۳)، آزمون چاو در تمامی مدل‌ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. به عبارت دیگر، فرضیه صفر مبنی بر Pooled بودن مدل رد شده و مدل باید به روش داده‌های تابلویی برآورد شود. نتایج آزمون هاسمن نیز برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی در مدل انجام شده است. با توجه به اینکه در همه مدل‌ها فرضیه صفر مبنی بر اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی رد می‌شود؛ بنابراین باید تمامی مدل‌ها با اثرات تصادفی برآورد شوند. نتایج برآورد مدل‌های مختلف در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج برآورد مدل‌های تحقیق

متغیر	فرش دستبافت	صنعتی	کشاورزی	معدنی	کل بخش‌ها
$LADDC_{it}$	۰/۰۰۴	-	-	-	-
$LADDI_{it}$	-	۰/۵۲۴**	-	-	-
$LADDA_{it}$	-	-	۰/۳۹۲**	-	-
$LADDM_{it}$	-	-	-	۰/۰۱۳*	-
$LADDT_{it}$	-	-	-	-	۰/۲۹۰**
$LCPI_{it}$	۰/۱۸۱**	-۰/۶۰۳**	-۰/۳۱۹**	۰/۱۳۳	-۰/۱۸۶**
$LEXR_{it}$	-۰/۱۰۴**	-۰/۱۰۷**	-۰/۱۱۵**	۰/۰۸۳	-۰/۰۱۳
$LEMP_{it}$	۱/۳۹۶**	۰/۴۹۲	-۰/۰۸۲	-۰/۸۳۵	۰/۳۸۷

منبع: یافته‌های تحقیق؛ ** در فاصله اطمینان ۹۵ درصد معنی دار است؛ * در فاصله اطمینان ۹۰ درصد معنی دار است.

براساس نتایج موجود در جدول (۴)، متغیر لگاریتم نرخ ارز بجز در مدل تعاونی‌های معدنی و کل تعاونی‌ها در دیگر مدل‌ها اثر منفی و معناداری بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی دارد. به عبارت دیگر، افزایش نرخ ارز موجب بدتر شدن شاخص توسعه

تعاونی‌های تولیدی در بخش‌های مختلف فرش دستبافت، صنعت و کشاورزی می‌شود. با توجه به اینکه افزایش نرخ ارز و شوک‌های پی در پی در اقتصاد کشور، ناطمینانی و افزایش هزینه‌های تولید را در پی دارد، لذا تاثیر منفی این متغیر بر توسعه تعاونی‌های تولیدی دور از انتظار نیست. اثر متغیر لگاریتم شاخص قیمت مصرف کننده بر توسعه تعاونی‌های صنعت، کشاورزی و کل بخش‌ها منفی و معنی‌دار است. این متغیر بر توسعه تعاونی‌های معدنی تاثیر معنی‌داری ندارد در حالی که بر توسعه تعاونی‌های فرش دستبافت تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد. بنابراین می‌توان گفت با افزایش تورم، توسعه تعاونی‌های صنعت، کشاورزی و کل بخش‌ها کاهش می‌یابد، دلیل این امر را نیز می‌توان در افزایش سطح هزینه‌های تولید و همچنین تورم همراه با رکود در بیشتر دوره مورد بررسی در نظر گرفت. متغیر نرخ مشارکت اقتصادی بجز در مدل تعاونی‌های فرش دستبافت که اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه این تعاونی‌ها دارد در دیگر مدل‌های تحقیق اثر معناداری بر شاخص‌های توسعه ندارد. ارزش افزوده بخش‌های مختلف بجز بخش تعاونی‌های معدنی، اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی داشته است. از این رو، با بهبود ارزش افزوده هر یک از بخش‌های مورد بررسی، شاخص توسعه تعاونی‌ها نیز بهبود پیدا می‌کند. دلیل این امر این است که هنگامی که ارزش افزوده یک بخش افزایش پیدا می‌کند، تولید و اشتغال تعاونی‌های آن بخش نیز افزایش می‌یابند که این امر موجب بهبود شاخص توسعه تعاونی‌ها می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به نقش پررنگ تعاونی‌های تولیدی در اقتصاد مقاومتی و افزایش تاب‌آورد اقتصاد، از طریق افزایش تولید، اشتغال و ارتقای رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر جایگاه تعاونی‌های تولیدی استان‌های کشور در بخش‌های مختلف فرش دستبافت، صنعتی، کشاورزی، معدنی و کلیه بخش‌ها بررسی شد. با توجه به محدودیت داده‌ها و نظریات اقتصادی در این تحقیق با استفاده از رویکرد منطق فازی به برآورد شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی پرداخته شد. برای محاسبه شاخص مذکور با استفاده نظریات اقتصاد خرد در حوزه عوامل مؤثر بر تولید بنگاه‌ها از سه داده سرمایه، میزان اشتغال و تعداد

تعاونی‌های تولیدی در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ استفاده شده است. نتایج بدست آمده از رویکرد منطق فازی به شناسایی جایگاه تعاون در استان‌های کشور در بخش‌های مختلف فرش دستبافت، صنعتی، کشاورزی، معدنی و کل تعاونی‌ها کمک می‌کند. نتایج رویکرد منطق فازی نشان داد که به طور متوسط در بازه زمانی مورد بررسی استان‌های خراسان رضوی در حوزه تعاونی‌های معدنی، مازندران در حوزه تعاونی‌های کشاورزی، آذربایجان شرقی در حوزه تعاونی‌های صنعتی و استان خراسان رضوی در مجموع تعاونی‌ها در کشور جایگاه بالاتری قرار دارند. در مقابل استان‌های ایلام در حوزه تعاونی‌های معدنی، قزوین در حوزه تعاونی‌های کشاورزی، صنعتی و در مجموع تعاونی‌ها جایگاه پایین‌تری داشتند.

در ادامه و با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی استان‌های کشور پرداخته شد. نتایج حاصل از برآورد مدل داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که ارزش افزوده بخش‌های مختلف تولیدی بر میزان شاخص توسعه تعاونی‌ها اثر مثبت و معناداری دارد. از این‌رو بهبود شرایط اقتصادی و افزایش ارزش افزوده می‌تواند به بهبود وضعیت تعاونی‌های تولیدی کمک کند. در مقابل شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ ارز در بیشتر مدل‌ها اثر منفی و معناداری بر شاخص توسعه تعاونی‌های تولیدی دارد. به طور کلی نوسانات نرخ ارز و عدم ثبات قیمت‌ها موجب افزایش هزینه‌های تولید و عدم ثبات اقتصادی در کشور می‌شود. بنابراین حفظ ثبات اقتصادی از طریق ثبات نسبی قیمت‌ها و جلوگیری از نوسانات شدید در نرخ ارز می‌تواند به توسعه تعاونی‌های تولیدی کمک کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود، برای افزایش تاب‌آوری اقتصاد، با سیاست‌های مناسب پولی و مالی و سیاست‌های جانب عرضه، نوسانات شدید در نرخ ارز کنترل و نرخ تورم مهار گردد.

کتابنامه

امیدی، نبی (۱۴۰۱)، "موانع توسعه تعاونی‌های تولیدی در مناطق مرزی با رویکرد اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی: شهرستان‌های مهران و دهلران در استان ایلام)"، فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا، دوره ۳، شماره ۲، صفحات ۸۹-۱۰۴.

انتظاریان، ناهید؛ سنجری، محمد (۱۳۹۲) "نقش تعاونی‌ها در تحقق حماسه اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار"، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۶۲، صفحات ۷۴-۸۰.
پناهی، حسین؛ حمیدی، داوود و فرهاد عزیزی (۱۳۹۵)، "تعاون و رونق اقتصادی: یک مطالعه بین استانی"، تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۲۰، صفحات ۱-۳۷.
پهلوانی، مصیب؛ حسین‌زاده، رمضان و حسینعلی بندانی خاریکه (۱۴۰۰)، "بررسی اثر سرمایه‌گذاری بخش تعاونی بر اشتغال در راستای سیاست‌های کلی اشتغال"، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، دوره نهم، شماره ۲، ۲۷۲-۲۹۷.

حق‌شناس گرگایی، محمد؛ حدادی دوزین، جواد (۱۴۰۱)، "شناسایی موانع تحقق سیاست‌های بخش تعاون در ایران"، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲، صفحات ۳۵-۵۰.

جعفری صمیمی، احمد؛ مصطفی‌پور، یلدا (۱۳۹۸)، "آزمون تقارن اثر نرخ ارز واقعی بر ارزش افزوده بخش کشاورزی در ایران (کاربردی از روش چرخه‌ای کارکوف)" پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صفحات ۳۹-۶۰.

خدابخشی، نسرین؛ امینی سابق، زین‌العابدین؛ قربان حسینی، مسعود و احسان داده (۱۳۹۶) "طراحی مدل اجرای خط مشی‌های تعاون روستایی بر مبنای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی"، توسعه محلی، دوره نهم، شماره ۱، صفحات ۱۲۱-۱۴۴.

خسروی، حسن؛ یزدانی، منوچهر (۱۳۹۶)، "علل ناکارآمدی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در توسعه بخش تعاونی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۴"، تعاون و کشاورزی، دوره ۶، شماره ۲۳، صفحات ۱۷۱-۲۱۰.

دارابی، مسعود؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم، "نقش تعاونی‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی"، مجله علمی پژوهشی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۵، شماره ۵۷، صفحات ۱۵۹-۱۷۴.

سهیلی، کیومرث؛ مرادی، سارا و مریم حیدریان (۱۳۹۸)، "نقش تعاونی‌های تولیدی و غیر تولیدی بر کنترل تورم در استان کرمانشاه با تاکید بر اهمیت تعاون در اسلام"، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۲)، صفحات ۲۷۳-۳۰۸.

باقری پرمهر، شعله؛ رحمانی، زهرا (۱۴۰۰)، "بررسی پدیده رشد بدون اشتغال در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی تغییرات زمانی، فصلنامه پژوهش‌های برنامه و توسعه، سال دوم، شماره ۶، صفحات ۱۰۵-۱۳۰.

شوندی، حسن (۱۳۹۴)، "نظریه مجموعه‌های فازی و کاربردهای آن در مهندسی صنایع و مدیریت"، انتشارات گسترش علوم پایه، چاپ پنجم.

عبداله‌زاده، غلامحسین؛ شریف‌زاده، محمدشریف؛ حسین‌نیا، غلامحسین و علی قلی حیدری (۱۳۹۵)، "برنامه ریزی راهبردی توسعه نظام ترویج تعاون در ایران" مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۷-۲، شماره ۱، صفحات ۱۵۱-۱۶۷.

عبدی، بیژن؛ کهن‌هوش‌نژاد، روح‌اله (۱۳۹۵)، "نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزمات اقتصاد مقاومتی"، تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱۷، صفحات ۱۴۳-۱۷۴.

کریمی تکانلو، زهرا (۱۳۹۲) "بررسی تاثیر تسهیلات اعطایی به بنگاه‌های کوچک و متوسط زودبازده بر کارآفرینی و اشتغال‌زایی بخش تعاون طی دوره (۱۳۸۹-۱۳۸۴)"، پژوهش‌های اقتصادی کاربردی، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱۰۷-۱۲۴.

کمپجانی، اکبر؛ نقدی، یزدان (۱۳۸۸)، "بررسی ارتباط متقابل بین تولید و تورم در اقتصاد ایران (با تاکید بر تولید بخش)"، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۱، پیاپی (۳۲)، صفحات ۹۹-۱۲۴.

گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۰)، گزارش وضعیت تعاونی‌های تولیدی کشور سال ۱۳۹۰.

نوری، فرامرز؛ صمدزاده، سعیده و جاوید قهرمانی‌نهر (۱۳۹۸)، "الگوی ساختاری-تفسیری عوامل مؤثر بر توسعه پایدار تعاونی‌های تولیدی کشاورزی (مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی)"، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، شماره ۳، صفحات ۲۸۱-۲۹۷.

وکیل‌الرعايا، یونس؛ شفیعی نیک‌آبادی، محسن و شیما مسائلی (۱۳۹۷)، "عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی‌های تولیدی مبتنی بر کسب و کارهای خانگی و خانوادگی روستایی در استان سمنان"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره ۳، صفحات ۵۱-۶۶.

هاشمی، سیدضیا؛ فولادیان، مجید؛ میرمحمدتبار، سید احمد؛ تیموری، محمود و مصطفی تیموری (۱۴۰۱)، "بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تعاونی‌ها در ایران: مطالعه‌ای فراتحلیلی" توسعه محلی (روستایی-شهری)، دوره ۱۴، شماره ۱، صفحات ۲۷-۵۴.

- Abdollahzadeh, G., Sharifzadeh, M.S., Hosseininia, G.H., Heudari, A.G. (2019). Strategic Planning for Development of Cooperative Extension System in Iran. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 50(2), 311-332. (In Persian).
- Anzarian, N., and Sanjari, M. (2013). The role of cooperatives in realizing the economic and improving the business environment. *Labor and social*, No 162, 74-80. (In Persian).
- Applied Theories of Economics, 1(2), 107-124. (In Persian).
- Azhari, A. and Kamaruddin, K. (2021). Measurement of Cooperative Productivity Level: in Aceh: the Malmquist Index Approach. *Sosiohumaniora*, 23(1), 48-55. <https://doi.org/10.24198/sosiohumaniora.v23i1.29250>
- Bagheri Pormehr, S., and Rahmani, Z. (2021). Assessment of Jobless Growth phenomenon in Iran's economy Using the pattern Time-Varying. *Program and Development Research*, 2(2), 105-130. (In Persian). doi: 10.22034/pbr.2021.138465
- Bentivogli, C. and E. Viviano (2012). Changes in the Italian economy: The cooperatives. *Bank of Italy Occasional Paper* (113). DOI:10.2139/ssrn.2023189
- Birchall, J. (2013). The potential of co-operatives during the current recession; theorizing comparative advantage. *Journal of entrepreneurial and organizational diversity*, 2(1), 1-22. doi.org/10.5947/jeod.2013.001
- Carini, C., and M. Carpita (2014). The impact of the economic crisis on italian cooperatives in the industrial sector. *Journal of Co-operative Organization and Management* 2, 14-23. DOI:10.1016/J.JCOM.2014.03.001
- Cheney, G., I. Cruz, A. Peredo, A., and E. Nazareno (2014). Worker cooperatives as an organizational alternative: challenges, achievements and promise in business governance and ownership. *Organization* 21 (5), 591-603. doi.org/10.1177/1350508414539784
- Costa, E. and C. Carini (2016). Northern and southern Italian Social Cooperatives during the economic crisis: A multiple factor analysis. *Service Business*. DOI:10.1007/s11628-015-0274-1
- Darabi, M., and Heidarabadi, A. (2023). The Role of Cooperatives in Socio-Economic Development. *Iranian Social Development Studies*, 15(1), 159-174. (In Persian).
- Haghshenas Gorgabi, M., and Hadadi Dozin, J. (2022). Identifying the obstacles to the implementation of policies of the cooperative sector in Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 8(2), 33-47. (In Persian).
- Hashemi, SZ. Fouladiyan, M., Mir Mohamad Tabar, SA., Teymouri, M., and

- Teimoori, M. (2022). Investigating the Factors Affecting the Cooperatives Success in Iran: A Meta-Analytical Study. *Journal of Community Development*, 14(1), 27-54. (In Persian).
- Jafari Samimi, A., and Mostafapour, Y. (2020). The Symmetric Test of the Impact of the Real Exchange Rate on the Value-added of the Agriculture Sector in Iran: Application of the Markov Switching Method. *Macroeconomics Research Letter*, 14(28), 39-60. (In Persian). doi: 10.22080/iejm.2020.14229.1597.
- Kamijani, AA., and Naqdi, Y. (2008). Examining the Relationship Between Production and Inflation in Iran's Economy (With an Emphasis on Sectoral Production). *Journal of Economic Sciences*, 9(32), 99-124. (In Persian).
- Karimi Takanlou, Z. (2014). The Impact of Credits for Small and Medium Size Enterprises on Co-Operative Sector Entrepreneurship and Job Creation during the Period 2005 to 2010. *Quarterly Journal of*
- Khodabakhshi, N., Amini Sabeg, Z., Ghorban Hosseini, M., and Sadeh, E (2017). The Construction and Personal Experience of Professors and Experts in Rural Cooperatives Policy on Successful Implementation of Rural Cooperative Policies in association with Resistance Economy. *Journal of Community Development*, 9(1), 121-144. (In Persian).
- Khosravi, H., and Yazdani, M. (2017). The Causes of the Dysfunction of General Policies Concerning 44th Principal of the Constitution in Relation to the Development of Cooperative Sector during 2006-2015. *Co-Operation and Agriculture*, 6(23), 171-210. (In Persian). doi: 10.22034/ajcoop.2017.57432
- Kohan HN, R., and Abdi, B. (2016). The Role of Cooperative Economy in Fulfilling the Requirements of Resistance Economy. *Co-Operation and Agriculture*, 5(17), 143-174. (In Persian).
- Lambru, M. and C. Petrescu (2014). Surviving the crisis: Worker cooperatives in Romania. *Organization* 21 (5), 730-745. DOI:10.1177/1350508414537807
- Majid, M. S. A., Azhari, A., Faisal, F., and Fahlevi, H. (2020). Do Capital and Business Volume Matter for Productivity of the Cooperatives in Indonesia? *Binus Business Review*, 11(1), 1-8. DOI:10.21512/bbr.v11i1.5918
- Ministry of Cooperatives Labour and social Welfare (2019). Report on the Status of Production Cooperatives in the year 2019. (In Persian).
- Nouri, F., Samadzad, S., and Ghahremani nahr, J. (2019). Structural-interpretative Patterns of Factors Affecting the Sustainable Development of Agricultural Production Cooperatives (Case Study: East Azerbaijan Province). *Journal of Agricultural Economics and Development*, 33(3), 281-297. (In Persian). doi: 10.22067/jead2.v33i3.77644
- Omidi, N. (2022). Obstacles to the development of production cooperatives in border areas with a social and economic approach. *Village and Space Sustainable Development*, 3(2), 89-104. (In Persian). doi: 10.22077/vssd.2022.5199.1096

- Pahlevani, M., Hosseinzadeh, R., and Bandani Kharikheh, H. A. (2021). A Study on the Effect of Investing in the Cooperative Sector on Employment Considering the Employment General Policies. Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies, 9(34), 272-297. (In Persian). doi: 10.30507/jmsp.2021.232311.2071
- Panahi, H. (2017). Cooperation and Economic Prosperity: an inter-provincial study in Iran. Co-Operation and Agriculture, 5(20), 1-37. (In Persian).
- Papilaya, J., Rijal, M., and Papilaya, J. O. (2021). Evaluation of Cooperative Development Policies in Maluku Province, Indonesia. Journal of Southwest Jiaotong University, 56(1). doi.org/10.35741/issn.0258-2724.56.1.5
- Shavandi, H. (2015). Fuzzy set theory and its applications in industrial engineering and management. translated and authored, Tehran: Basic Science Development. (In Persian).
- Sohaili, K., Moradi, S., and heidarian, M. (2019). The Role of Productive and Non-Productive Cooperatives in Control Inflation in Kermanshah Province; with Emphasis on Importance of Cooperation in Islam. Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal, 11(2), 273-308. (In Persian). doi: 10.30497/ies.2019.2366
- Swane, A., and Vistrand, H. (2006). Jobless growth in Sweden? A descriptive study. Unpublished Master's Thesis, Stockholm School of Economics, Stockholm.
- Vakil al-Raaya, Y. Shafiei Nikabadi, M., and Maslami, S. (2017). Factors affecting the creation of production cooperatives based on household and rural family businesses in Semnan province, 7(25), 51-66. (In Persian).

پیوست

تابع عضویت	تعاونی های صنعتی	تعاونی های کشاورزی	تعاونی های معدنی	کل تعاونی ها
متغیر سرمایه				
تعداد تعاونی ها				
شاغلین				
متغیر شاخص توسعه				



Systematic Review of Domestic Studies on Expanding Public Participation in the Economy¹

Saeed Seyed Hoseinzadeh: Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Administrative and Economic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

shosseinzadeh@um.ac.ir |  0009-0008-9658-7972

Abstract

The Democratization of the Economy as a Key Concept in the Resistance Economy, meaning "the active presence and participation of the people in all economic spheres," was examined in the present study through a systematic review and data analysis, focusing on its dimensions: the 'what', 'why', and 'how'. Initially, 210 studies were selected based on a screening of titles and abstracts. Following the application of inclusion and exclusion criteria, approximately 83 studies were ultimately chosen for analysis. A review of these 83 selected studies, published between 2011 and 2024, revealed that the research in this domain can be categorized into three main groups: 1) Governance, Policy-making, and Implementation, 2) Theoretical and Fundamental Studies, and 3) Documentation of Experiences and Domestic/International Models. The employed research methods were diverse: 62 studies utilized descriptive-analytical methods, 15 studies applied qualitative analyses such as thematic analysis and grounded theory, and 6 studies adopted mixed-methods or ijthadi (interpretive-juristic) approaches. In these articles, definitions of the Democratization of the economy were explored from the perspectives of objectives, expected outcomes, processes, antithetical concepts, relations of governance and incentives and indicators. The identified objectives encompass social justice, enhanced efficiency, and resolution of conflict of interests. The expected outcomes included reducing monopolies and increasing economic dignity. The processes emphasized maximizing public participation at various levels. Regarding the 'why' dimension, the foundation and rationales for adopting a popular economy were discussed. The primary reasons identified were Islamic economics, the resistance economy, the perspectives of national leaders and the Constitution, as well as heterodox economic thought and domestic/foreign experiences. Concerning the 'how' dimension, the study examined the contextual and structural prerequisites for realizing a Democratic economy, along with the requisite executive strategies. A critical analysis and evaluation of the conducted studies are presented in the final section of the paper, along with recommendations for future research endeavors.

Keywords

Democratization of the Economy, Democratic Economy, Resistance Economy, Systematic Review.

1. This article is the result of a research project entitled "Systematic Review of Domestic Scientific Literature on the Popularization of the Economy," which was carried out in the academic year 2023-2024 with the support of the Research Institute of Islamic Studies in Humanities at Ferdowsi University of Mashhad.

مرور نظام مند مطالعات داخلی مردمی سازی اقتصاد^۱

سعید سید حسین زاده: استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،
 shosseinzadeh@um.ac.ir. ایران.

چکیده

مردمی سازی اقتصاد به عنوان یک مفهوم کلیدی در اقتصاد مقاومتی، به معنای «حضور و مشارکت فعال مردم در تمام عرصه های اقتصادی» است. پژوهش حاضر با استفاده از روش مرور نظام مند و تحلیل داده ها، ابعاد چیرستی، چرایی و چگونگی مردمی سازی اقتصاد را بررسی کرده است. تعداد مطالعاتی که بر اساس غربالگری اولیه در عنوانین و چکیده ها انتخاب شدند ۲۱۰ عنوان بوده است که بر اساس معیارهای ورود و خروج، حدود ۸۳ مطالعه انتخاب شده است. بررسی ۸۳ مطالعه منتخب در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ نشان داد که پژوهش ها در این حوزه در سه دسته کلی «حکمرانی، سیاست گذاری و اجرا»، «مطالعات نظری و بنیادین» و «تجربه نگاری و الگوهای داخلی و خارجی» قابل تقسیم بندی هستند. پژوهش های انجام شده از روش های متنوعی بهره برده اند. ۶۲ مطالعه از روش های تحلیلی-توصیفی، ۱۵ مطالعه از روش تحلیل کیفی نظیر تحلیل مضمون و داده بنیاد و ۶ مطالعه از روش های ترکیبی یا اجتهادی استفاده کرده اند. در این مقالات تعاریف مردمی سازی اقتصاد از منظر اهداف (نظیر عدالت اجتماعی، افزایش کارایی و رفع تعارض منافع)، نتایج مورد انتظار (نظیر کاهش انحصار و افزایش عزت مندی اقتصادی)، فرآیندها (با تأکید بر مشارکت حداکثری مردم در سطوح مختلف)، متضادها، روابط حکمرانی، انگیزه ها و شاخص ها مورد بررسی قرار گرفته است. در محور چرایی به مبنا و دلایل پذیرش اقتصاد مردمی پرداخته شده است و اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، دیدگاه رهبران و قانون اساسی و اقتصاد متعارف و دگراندیش و تجارب داخلی و خارجی از دلایل اصلی بودند. در محور چگونگی، لوازم زمینه ای و ساختاری تحقق اقتصاد مردمی و راهبردهای اجرایی بررسی شدند. در انتهای مقاله تحلیل و نقد مطالعات انجام شده صورت گرفته و پیشنهاداتی به منظور تحقیقات آتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مردمی سازی اقتصاد، اقتصاد مردمی، اقتصاد مقاومتی، مرور نظام مند.

۱. این مقاله حاصل طرح پژوهشی با عنوان «مرور سیستماتیک مطالعات اسناد علمی داخلی مردمی سازی اقتصاد» است که در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ با حمایت پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

مقدمه

اقتصاد مردمی یکی از ابعاد مهم اقتصاد مقاومتی است، اما بررسی و رصد مطالعات علمی انجام شده پیرامون این مفهوم نشان می‌دهد برداشت‌های مشترک و در عین حال متفاوتی از مردم‌بنیان شدن اقتصاد در اسناد علمی، ظهور و بروز پیدا کرده است. وجه مشترک آثار مطالعه شده این است که مردم در اقتصاد از جایگاه ممتازی برخوردارند و معمولاً کشورهای پیشرو با تکیه بر ظرفیت‌ها و استعدادهای مردمی، اهداف بلند اقتصادی خود را پی می‌گیرند، اما عده‌ای مردم را همان بخش خصوصی و حاکمیت بازار تلقی کرده‌اند. تعدادی مقالات، مردم را در مقابل دولت قرار داده‌اند و کاهش حضور دولت در اقتصاد را مردمی‌سازی اقتصاد می‌دانند. تعدادی مقالات، حاکمیت تعاونی‌ها را مردمی‌سازی اقتصاد دانسته‌اند. عده‌ای مردمی‌سازی اقتصاد را سوسیالیسم اجتماعی تلقی کرده‌اند، تعدادی مقالات دموکراسی اقتصادی را مردمی‌سازی اقتصاد دانسته‌اند. عده‌ای حاکمیت اتحادیه‌ها و اصناف را اقتصاد مردم‌بنیان تلقی کرده‌اند. عده‌ای انحصارزدایی و غیرمتمرکز کردن اقتصاد را مردمی‌سازی اقتصاد دانسته‌اند. در برخی مقالات، مردمی‌سازی را سهامدار شدن مردم تلقی کرده‌اند. عده‌ای مردمی‌شدن اقتصاد را مشارکت در کلیه سطوح از جمله نظام تصمیم‌گیری دانسته‌اند. عده‌ای حذف سیستم پولی و بانکی متمرکز و ایجاد سیستم پولی غیرمتمرکز را مردمی‌سازی اقتصاد تلقی کرده‌اند. عده‌ای نیز غیربازاری کردن اقتصاد و حاکمیت بخش سوم اقتصاد را مردمی‌سازی اقتصاد دانسته و شواهدی را برای آن ارائه می‌دهند. این اختلافات فرصت جدیدی را برای مؤلف ایجاد کرده است که به صورت روشمند، مسیر همگرا کردن برداشت‌ها را با بررسی ابعاد مختلف مفهوم اقتصاد مردمی فراهم کند. این مهم از آن جهت اهمیت دارد که سیاستگذاران برای هدایت اقتصاد به سمت اقتصاد مردم بنیان، نیازمند یک مستند علمی هستند که در آن رصد دقیقی از مطالعات پیرامون مفهوم مردمی‌شدن اقتصاد انجام شده باشد و با این مفهوم به تولید شاخص‌های عمومی و اختصاصی قابل سنجش دسترسی پیدا کنند.

در این پژوهش، با مرور نظام‌مند مستندات علمی منتشر شده که از مسیر دآوری‌های علمی گذشته است، مسیر جدیدی را تعریف نمود که بتوان به طبقه‌بندی انواع رویکردها و نگرش‌ها به اقتصاد مردم‌بنیان دست یافت. به منظور انجام این مسیر، ابتدا کلیدواژه‌های

مرتبط با موضوع اقتصاد مردم‌بنیان احصا شده و در مرحله بعد، بانک‌های اطلاعاتی فارسی زبان انتخاب می‌شوند. بر اساس کلید واژه‌های انتخاب‌شده، منابع تحقیقی و پژوهشی در بانک‌های اطلاعاتی جستجو می‌شوند و بازه زمانی تحلیل منابع فوق‌الذکر بین بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ شمسی می‌باشد. روش مورد استفاده در این مرحله، روش مرور سیستماتیک با تحلیل محتوای مکتوبات منتشر شده توسط متخصصین است. در نهایت الگو و یا شبکه مضامینی از آثارهای علمی منتشر شده در این زمینه به دست خواهد آمد. این الگو می‌تواند به سه سؤال ریشه‌ای «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» اقتصاد مردمی از منظر تحلیل‌گران این زمینه پاسخ دهد. سؤال از چیستی اقتصاد مردمی در مقام توضیح مفهومی است و اقتصاد مردمی را در قالب اهداف، نتایج و اثرات، فرآیندها، متضادها و شاخص‌ها و روابط تعریف می‌کند. سؤال از چرایی اقتصاد مردم‌بنیان، سؤال از این است که مبنای پذیرش اقتصاد مردمی چیست و چرا باید به آن ملتزم بود و چه مبانی اسلامی، علمی و تجربی در این زمینه وجود دارد. سؤال از چگونگی اقتصاد مردمی نیز به این پرسش ناظر است که اقتصاد مردمی چگونه اقامه شده و چگونه باید اقامه شود؟ در واقع سؤال این است که لوازم زمینه‌ای و ساختاری و راهبردهای پیاده‌سازی اقتصاد مردمی چیست؟ بنابراین سه سؤال اصلی مردمی‌سازی اقتصاد عبارت است از:

۱. تعریف اقتصاد مردمی چیست؟ (چیستی)

۲. مبنای اقتصاد مردمی چیست؟ (چرایی)

۳. لوازم تحقق اقتصاد مردمی چیست و چگونه محقق می‌شود؟ (چگونگی)

نکته مهم در پاسخ به سؤالات فوق‌آن است که موضوع این پژوهش بررسی جایگاه اقتصاد مردمی در منظومه اقتصاد مقاومتی و بیانات رهبری است؛ بنابراین پژوهشهایی که اقتصاد مردمی را در خارج از چارچوب فوق‌الذکر مورد بررسی قرار داده‌اند، موضوع این مقاله نیستند. با توجه به اینکه موضوع اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در سال ۱۳۹۰ در سخنان مقام معظم رهبری مطرح گردید، لذا مبدأ بررسی مطالعات در این حوزه از سال ۱۳۹۰ شمسی تا سال ۱۴۰۳ می‌باشد. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری مبدع این واژه بوده‌اند، پیش از بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه لازم است ابعاد و الگوی مفهومی مردمی‌سازی اقتصاد از منظر رهبری شناخته شود تا از این منظر کلیدواژه‌هایی

که چارچوب جستجوی منابع را مشخص می‌کند شناخته شود. لذا در قسمت ادبیات نظری این مقاله الگوی مفهومی اقتصاد مردمی از منظر مقام معظم رهبری (در قالب چرایی و اهمیت، چیستی و چگونگی اقتصاد مردمی) تشریح می‌شود و در ادامه روش‌شناسی مقاله یعنی روش مرور سیستماتیک مورد بحث قرار می‌گیرد و در نهایت به بررسی یافته‌ها و نتایج پژوهش پرداخته خواهد شد.

۱. ادبیات نظری: ابعاد و الگوی مفهومی اقتصاد مردمی

اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهبرد کلان برای توسعه پایدار و مقاومت در برابر تهدیدات و فشارهای خارجی، نیازمند مشارکت گسترده مردم در تمامی عرصه‌های اقتصادی است. این رویکرد که به اقتصاد مردمی معروف است در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته و در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری نیز بارها بر اهمیت آن تأکید شده است. اقتصاد مردمی به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در اقتصاد مقاومتی، به معنای «حضور و مشارکت فعال مردم در تمام عرصه‌های اقتصادی» است. مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های مختلف بر این نکته تأکید کرده‌اند که مشارکت مردم در اقتصاد، به‌ویژه در حوزه تولید می‌تواند موجب جهش تولید و در نتیجه افزایش ثروت ملی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور شود. از سوی دیگر یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی، توزیع عادلانه‌تر و سهم‌بری عادلانه عوامل تولید است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به آن اشاره شده است و حضور مردم در اقتصاد می‌تواند به بهبود معیشت عمومی و کاهش فاصله طبقاتی کمک کند (بیانات در دیدار با کارگران، ۱۴۰۳/۰۲/۵). یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران، وابستگی به درآمدهای نفتی است که موجب آسیب‌پذیری در برابر نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های اقتصادی می‌شود. مقام معظم رهبری در بیانات خود در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری در ۲۱ اسفند ۱۳۹۳ اشاره کردند که آسیب‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها بیشتر به دلیل وابستگی به نفت و عدم حضور مردم در اقتصاد است. بنابراین، حضور فعال مردم می‌تواند وابستگی به نفت را کاهش داده و اقتصاد را مقاوم‌تر کند.

اولین بند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی

و سرمایه‌های انسانی کشور اختصاص دارد و به صورت خاص بر حداکثرسازی مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی تأکید شده است. مقام معظم رهبری در بیانات خود ابعاد مختلفی از اقتصاد مردمی را تشریح کرده‌اند که هر یک نقش مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند. این ابعاد شامل مشارکت در تولید، تشکیل شرکت‌های تعاونی، حمایت از کسب‌وکارهای خانگی و دستی، تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان و همچنین فراهم کردن زمینه‌های مشارکت مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی است. جدول ۱ ابعاد اقتصاد مردمی در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری را به‌طور خلاصه ارائه می‌دهد. این ابعاد و اهمیت‌ها نشان‌دهنده نقش کلیدی مشارکت مردم در تمامی عرصه‌های اقتصادی و تأثیر آن بر توسعه پایدار و مقاوم کشور است.

جدول ۱. چستی و چرایی اقتصاد مردمی از منظر مقام معظم رهبری

ابعاد	مؤلفه‌ها	توضیحات	ارجاع به بیانات رهبری
چستی	مشارکت فعال مردم	اقتصادی که با مشارکت فعال مردم در تمامی عرصه‌های اقتصادی و نقش‌آفرینی آن‌ها در تولید و ثروت‌سازی شکل می‌گیرد	اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت (۹۴/۰۷/۲۲)
	حضور مردم در اقتصاد	مشارکت فعال مردم در تمامی عرصه‌های اقتصادی و نقش‌آفرینی آن‌ها در تولید و ثروت‌سازی	مردم باید در کار تولید [دخالت داده شوند]... مردم را دخالت بدهند (۹۶/۰۱/۱)
	حضور مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی	اهمیت حضور مردم در بخش‌های مختلف اقتصادی مانند تولید، کشاورزی و صنعت	مردم باید در کار تولید [دخالت داده شوند]... سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم... مردم را دخالت بدهند (۹۶/۰۱/۰۱)
	استفاده از سرمایه‌های مردمی	استفاده بهینه از سرمایه‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های مردم برای تولید و	جوشش حرکت اقتصادی از درون کشور است؛ استعدادهای مردم، امکاناتهای مردم، سرمایه‌های مردم

ابعاد	مؤلفه ها	توضیحات	ارجاع به بیانات رهبری
		ثروت‌سازی	(۹۶/۰۱/۰۱)
چرایی	کاهش نقش دولت در اقتصاد	افزایش نقش مردم و کاهش نقش دولت در امور اقتصادی؛ دولت باید فقط در زمینه‌هایی که بخش خصوصی توانایی ندارد، دخالت کند	ما می‌توانستیم در عرصه‌ی اقتصادی، دستهای گوناگون مردمی را وارد بکنیم (۹۳/۰۱/۰۱)
	شفاف‌سازی و فسادستیزی	ایجاد فضای رقابتی سالم و جلب اعتماد مردم از طریق شفاف‌سازی و مبارزه با فساد	آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل می‌کند (۹۲/۱۲/۲۰)
	تقویت تولید داخلی	افزایش تولید داخلی به کمک مشارکت مردم و حمایت از تولید ملی	مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است (۹۱/۵/۳)
	توزیع عادلانه ثروت	توزیع عادلانه‌تر ثروت در جامعه به کمک حضور مردم در اقتصاد و کاهش فاصله طبقاتی	...اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم... یقیناً پیش خواهد رفت (۹۴/۷/۲۲)
	موفقیت و شکوفایی اقتصادی	تجربه نشان داده که هر جا مردم حضور داشته باشند، موفقیت حاصل شده است.	از ویژگی‌های سیاستهای اقتصاد مقاومتی، مردم‌محوری است که در این سیاستها ملاحظه شده (۹۲/۱۲/۲۰)
	تسهیل‌گری دولت برای مردمی‌سازی اقتصاد	دولت باید زمینه‌سازی، هدایت، نظارت و کمک به مردم در عرصه اقتصادی را بر عهده داشته باشد	کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است... دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند
	شرکت‌های دانش‌بنیان	تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی و فناوری کشور	یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است (۹۴/۷/۲۲)

ابعاد	مؤلفه ها	توضیحات	ارجاع به بیانات رهبری
چگونگی	حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط	حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط به عنوان موتورهای رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال	..واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید (۹۱/۵/۳)
	مشارکت در تولید	حضور مردم در بخش های مختلف اقتصادی مانند تولید، کشاورزی و صنعت	«ما معتقدیم بایستی بر روی مسئله ی اقتصاد تکیه بشود و برای موفقیت در این راه، از مشارکت مردم به معنای واقعی کلمه استفاده بشود». (۱۴۰۳.۱.۱)
	حمایت از کسب و کارهای خانگی و دستی	. حمایت از کسب و کارهای خانگی و دستی می تواند به عنوان یک راهکار مهم در ایجاد اشتغال و افزایش حضور خانوارها در اقتصاد مؤثر باشد.	«یکی از وظایف مهم مسئولین این است که بنشینند زمینه های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه ها را آماده کنند.. یکی اش کمک به کارهای خانگی است؛ یکی کمک به کارهای دستی است (۱۴۰۳.۰۲.۰۵)
	شرکت های تعاونی	شرکت های تعاونی می توانند نقش مهمی در اقتصاد مقاومتی ایفا کنند، مشارکت مستقیم مردم در فرآیند تولید، به توزیع عادلانه تر ثروت و افزایش همبستگی اجتماعی کمک می کند.	یکی از وظایف مهم مسئولین این است که بنشینند زمینه های حضور مردم و مشارکت مردم در تولید را، در کار تولیدی را تبیین کنند و زمینه ها را آماده کنند.. — ایجاد شرکت های تعاونی تولید (۱۴۰۳.۰۲.۰۵)

منبع: یافته های مؤلف

۲. روش شناسی پژوهش: مرور سیستماتیک

مرور سیستماتیک روش تحقیقی است که برای جمع آوری، انتخاب، ارزیابی و ترکیب دقیق داده های موجود در مطالعات پژوهشی مختلف در یک زمینه خاص استفاده می شود.

این روش به منظور به دست آوردن جواب دقیق‌تر به یک سؤال پژوهشی و ارائه نتایج قابل تکرار و قابل اعتماد بسیار مهم است. این روش با استفاده از گام‌های دقیق و استاندارد اطمینان می‌دهد که هیچ یک از مطالعات مهم و مرتبط در موضوع مورد نظر از دست نمی‌روند و نتایج نهایی به دقت و صحت بالایی دست پیدا می‌کنند. استفاده از روش مرور سیستماتیک از چند حیث حائز اهمیت است (Higgins JP, Green S, 2011)

۱. **دقت و صحت بالا:** مرور سیستماتیک با استفاده از استراتژی‌های جامع جستجو و استنتاج دقیق، به ترکیب دقیق داده‌های موجود و به دست آوردن نتایج قابل تکرار و قابل اعتماد کمک می‌کند.

۲. **شناسایی الگوها و روندها:** این روش به پژوهشگران کمک می‌کند تا الگوها، روندها و تفاوت‌های موجود در داده‌ها را به طور دقیق شناسایی و تحلیل کنند که این امر می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های بالینی و سیاست‌گذاری تاثیرگذار باشد.

۳. **تأمین شفافیت و اعتبار:** با رعایت دقیق دستورالعمل‌های معتبر مانند PRISMA، مرور سیستماتیک مطمئن می‌شود که همه مراحل گزارش‌دهی و ارزیابی داده‌ها به صورت شفاف و منطقی انجام شود.

۴. **کاربرد در تحقیقات آینده و سیاست‌گذاری:** نتایج حاصل از مرور سیستماتیک می‌تواند به عنوان پایه‌ای موثر برای تحقیقات آینده و تصمیم‌گیری‌های سیاستی در حوزه‌های مختلف علمی و پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌شناسی مرور سیستماتیک در حوزه مردمی‌سازی اقتصاد، ابزاری قدرتمند برای جمع‌آوری، تحلیل و ترکیب دقیق اطلاعات است که به تحقیقات این حوزه کمک فراوانی می‌کند. مرور سیستماتیک این امکان را فراهم می‌کند که الگوها، مدل‌ها و رویکردهای مختلف مردمی‌سازی اقتصادی که در مطالعات مختلف استفاده شده‌اند، شناسایی شوند. این به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های میان مدل‌ها و همچنین به تصمیم‌گیری بهتر برای انتخاب مناسب‌ترین رویکرد در مطالعات آینده کمک می‌کند.

کاربست روش مرور سیستماتیک در خصوص مطالعات مردمی سازی اقتصاد

اهداف

هدف این مرور نظام‌مند بررسی سیستماتیک مطالعات انجام شده در خصوص مردمی‌سازی اقتصاد در ایران به منظور شناسایی الگوها، روندها و نتایج کلیدی است.

معیارهای ورود و خروج

- **معیارهای ورود:** مطالعاتی که بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ به زبان فارسی منتشر شده‌اند^۱ و به بررسی اقتصاد مردمی در چارچوب اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و در مجلات معتبر علمی- پژوهشی یا علمی- ترویجی یا کنفرانس‌های معتبر علمی داخلی (نمایه شده در پایگاه ISC) و یا در قالب کتاب و پایان‌نامه و رساله کارشناسی ارشد و دکتری در ایران منتشر شده‌اند و به اقتصاد مردمی اولاً در چارچوب اقتصادی (نه سیاسی و فرهنگی و مدیریتی (حکمرانی) پرداخته‌اند و ثانیاً در چارچوب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (نه به صورت عام) این مفهوم را مورد بررسی قرار داده‌اند، مورد بررسی این مقاله هستند.
- **معیارهای خروج:** مقالاتی به زبان‌های غیر فارسی نوشته شده‌اند یا به موضوع اقتصاد مردمی در خارج از چارچوب فوق‌الذکر پرداخته‌اند، خارج از چارچوب این مقاله هستند. به عنوان مثال مطالعاتی که مردمی‌سازی را از منظر مشارکت سیاسی، الگوی حکمرانی مدیریتی و نیز خارج از چارچوب اقتصاد مقاومتی مورد بررسی قرار داده‌اند و بازه مورد بررسی آنها پیش از سال ۱۳۹۰ می‌باشد، خارج از چارچوب این مقاله است. همچنین مطالعات و مطالبی که در قالب سخنرانی، یادداشت مطبوعاتی و یا مقالات مجلات غیرتخصصی و... انجام شده‌اند، موضوع بررسی این مطالعه نمی‌باشند.

۱. موضوع این پژوهش بررسی جایگاه اقتصاد مردمی در منظومه اقتصاد مقاومتی و بیانات رهبری است، بنابراین پژوهشهایی که اقتصاد مردمی را در خارج از چارچوب فوق‌الذکر مورد بررسی قرار داده‌اند، موضوع این گزارش نیستند. همچنین با توجه به اینکه موضوع اقتصاد مقاومتی برای اولین بار در سال ۱۳۹۰ در سخنان مقام معظم رهبری مطرح گردید، لذا مبدأ بررسی مطالعات در این حوزه از سال ۱۳۹۰ شمسی تا سال ۱۴۰۳ می‌باشد.

- **منابع اطلاعاتی:** جستجو در پایگاه‌های داده نورمگز، SID، Magiran، IranDoc و پایگاه مستقیم نشریات علمی- پژوهشی و علمی ترویجی داخلی در حوزه اقتصادی و پایگاه مقالات همایش سیویلیکا، پایگاه جهاد دانشگاهی، پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- **استراتژی جستجو:** استفاده از کلیدواژه‌های «مردمی‌سازی اقتصاد»، «اقتصاد مردمی»، «مشارکت مردمی در اقتصاد»، «اقتصاد مردم محور» و «اقتصاد مردم بنیان» در چکیده، عنوان و کلیدواژه‌های پژوهش.
- **نویسندگان:** شامل ۱۱۰ نویسنده از دانشگاه‌ها و موسساتی نظیر دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، مؤسسه امام خمینی (ره)، دانشگاه قم، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه خوارزمی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه شاهد قم، دانشگاه تبریز، دانشگاه مازندران، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه اصفهان و سایر مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و پژوهشکده‌ها

فرایند انتخاب مطالعه

۱. **بررسی عناوین و چکیده‌ها برای غربالگری اولیه.** تعداد مطالعاتی که بر اساس غربالگری اولیه در عناوین و چکیده‌ها انتخاب شدند ۲۱۰ عنوان بوده است.
۲. **بررسی متن کامل مطالعاتی که معیارهای اولیه را دارند.** بر اساس معیارهای ورود و خروج، حدود ۸۳ مطالعه انتخاب شده است.

فرایند استخراج و تحلیل داده

- داده‌ها شامل اطلاعاتی مانند نویسنده، سال انتشار، روش‌شناسی، چرایی و چگونگی مردمی‌سازی، نوع اثر و نوع مطالعه (حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا، تجربه‌نگاری و مطالعات نظری) استخراج و در فرم استاندارد ثبت شدند.

۱. طبقه‌بندی پژوهش‌های اقتصاد مردمی در این چارچوب بر اساس نتایج پژوهش ارشدی و نعمتی (۱۴۰۳) با عنوان موضوع شناسی اقتصاد مردمی با روش گروه‌کانونی انجام شده است.

- ارزیابی کیفیت: استفاده از چک‌لیست CASP برای ارزیابی کیفیت مطالعات.
- تحلیل داده‌ها: تحلیل کیفی و ترکیب نتایج مطالعات به منظور شناسایی الگوها و نتایج کلیدی.

۳. تحلیل داده‌ها و نتایج

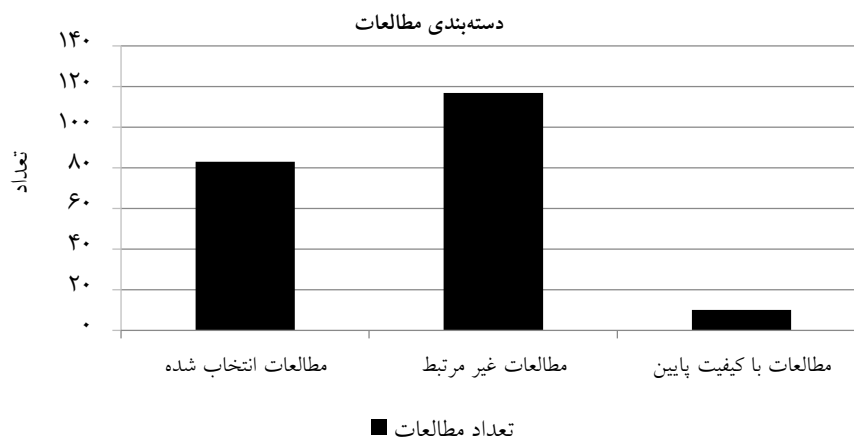
در این قسمت نتایج بررسی‌های حاصل از به کارگیری روش مرور سیستماتیک ارائه خواهد شد:

۳-۱. بررسی کمی و کیفی مطالعات انجام شده

تعداد مطالعاتی که بر اساس غربالگری اولیه در عناوین و چکیده‌ها انتخاب شدند ۲۱۰ عنوان بوده است که بر اساس معیارهای ورود و خروج، حدود ۸۳ مطالعه انتخاب شده است. از ۲۱۰ مطالعه به دست آمده ۱۱۷ مطالعه مرتبط با موضوع نبودند و مردمی‌سازی را در چارچوب سیاسی، حکمرانی و یا غیر از چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی کرده بودند و ۱۰ مطالعه نیز به دلیل اینکه کیفیت علمی لازم را نداشتند از مطالعات برگزیده کنار گذاشته شدند و در مجموع ۸۳ عنوان پژوهش که کیفیت علمی لازم را داشتند برای این پژوهش انتخاب شدند. نمودار ۱ و جدول ۲ مربوط به دسته بندی مطالعات انجام شده در زمینه مردمی سازی اقتصاد در زیر نشان داده شده است:

جدول ۲: دسته بندی مطالعات انجام شده در زمینه مردمی سازی اقتصاد

تعداد	دسته بندی مطالعات
۲۱۰	تعداد کل مطالعات
۸۳	مطالعات انتخاب شده
۱۱۷	مطالعات غیر مرتبط
۱۰	مطالعات با کیفیت پایین



نمودار ۱: توزیع کمی مطالعات بررسی شده

۲-۳. قالب مطالعات انجام شده

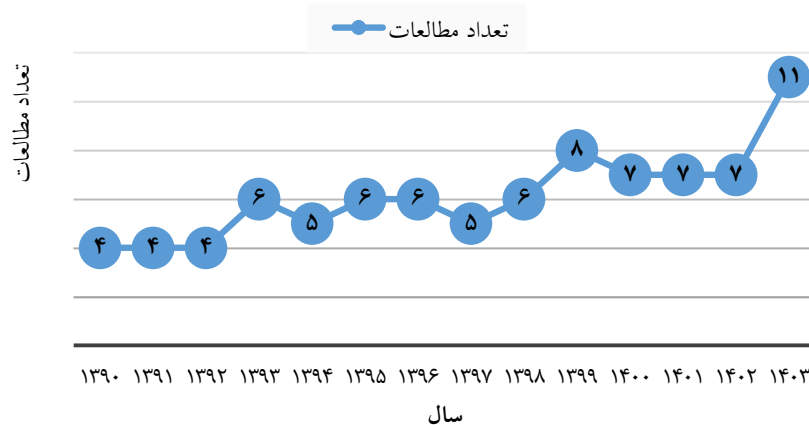
از ۸۳ عنوان پژوهش، ۲۹ مقاله علمی- پژوهشی و ترویجی، ۳۴ مورد مجموعه مقالات همایش (چاپ شده در قالب کتاب و یا نمایه شده در پایگاه‌های ISC)، ۹ رساله و پایان‌نامه دکتری و کارشناسی ارشد و ۸ عنوان کتاب و ۳ عنوان گزارش پژوهشی وجود دارد. نمودار ۲ قالب مطالعات انجام شده را نشان می‌دهد:



نمودار ۲: توزیع کمی قالب مطالعات بررسی شده

۳-۳. روند زمانی مطالعات انجام شده

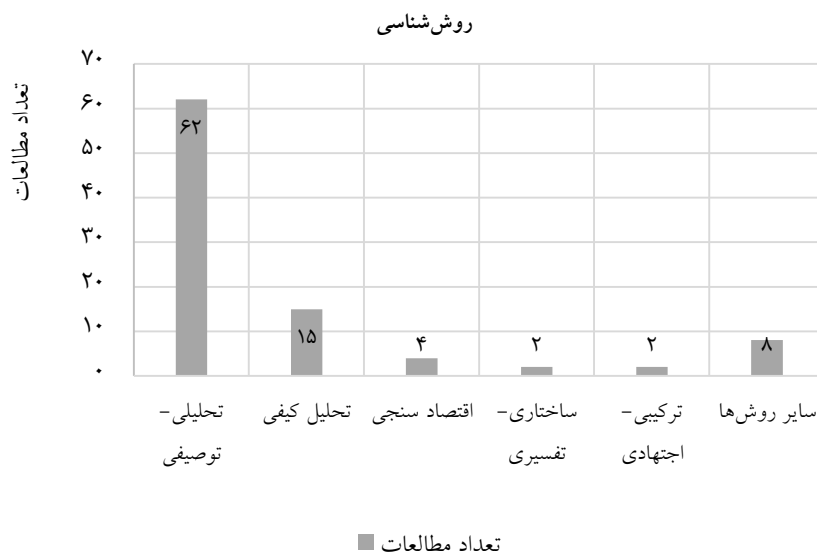
نمودار ۳ روند زمانی مطالعات انجام شده در زمینه مردمی سازی اقتصاد را از سال ۱۳۹۰ شمسی تا سال ۱۴۰۳ شمسی نشان می‌دهد.



نمودار ۳. تعداد مطالعات انجام شده در هر سال

۳-۴. روش‌شناسی پژوهش

در خصوص روش‌شناسی پژوهش، ۶۲ عنوان پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی، ۱۵ عنوان از روش تحلیل کیفی (۱۰ عنوان روش تحلیل مضمون، ۵ عنوان از روش داده بنیاد)، ۳ عنوان از روش اقتصادسنجی و ۲ عنوان از روش ساختاری-تفسیری، ۲ عنوان از روش ترکیبی-اجتهادی و سایر روش‌ها نظیر مورد کاوی کیفی، گروه کانونی، تحلیل اجتهادی قرآن محور، روش MADM، روش آمار، روش عملکرد و میدانی و پرسشنامه نیز هر کدام یک مرتبه مورد استفاده قرار گرفتند. نمودار ۴ توزیع مطالعات بر اساس روش‌شناسی پژوهش را نشان داده شده است. با توجه به اینکه برخی مطالعات بیش از یک روش استفاده کرده‌اند، لذا تعداد مجموع مطالعات بیش از ۸۳ مورد می‌باشد.



نمودار ۴. توزیع مطالعات بر اساس روش‌شناسی

۳-۵. طبقه‌بندی مطالعات اقتصاد مردم بنیاد

با توجه به طبقه‌بندی ارشدی و نعمتی (۱۴۰۳) در خصوص نحوه دسته‌بندی مطالعات اقتصاد مردم بنیاد در چهار دسته، می‌توان تعداد مطالعات مورد نظر در هر گروه تحقیقاتی را در به صورت زیر نشان داد:

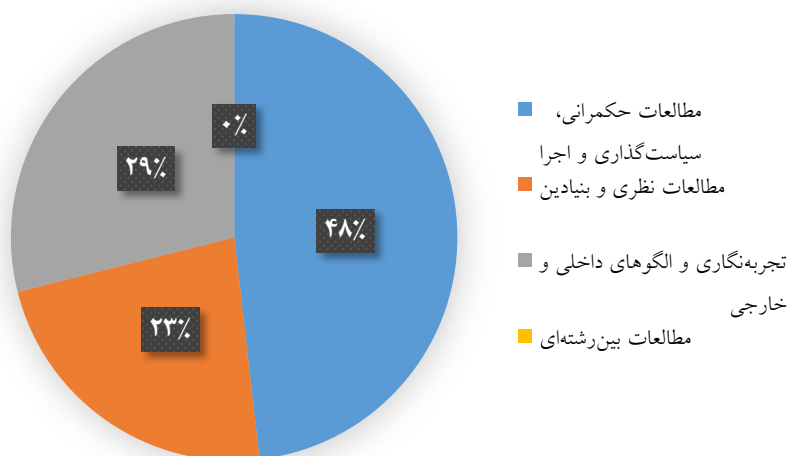
۱. مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا: ۴۰ مطالعه

۲. مطالعات نظری و بنیادین: ۱۹ مطالعه

۳. تجربه‌نگاری و الگوهای داخلی و خارجی: ۲۴ مطالعه

۴. مطالعات بین رشته‌ای: ۰ مطالعه

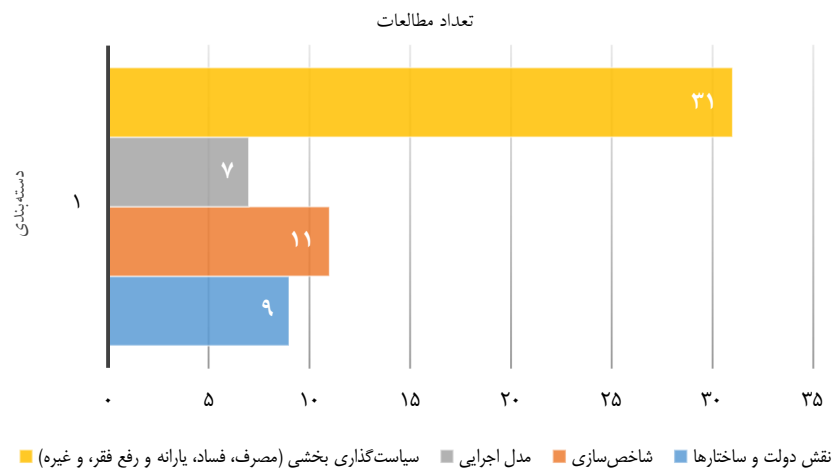
نمودار ۵ توزیع مطالعات در زمینه اقتصاد مردم بنیاد را در گروه‌های تحقیقاتی مختلف نشان می‌دهد.



نمودار ۵. توزیع مطالعات اقتصاد مردم‌بنیاد

همچنین می‌توان مطالعات مربوط به «حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا» را نیز به چند دسته تقسیم بندی نمود: نقش دولت و ساختارها، شاخص‌سازی، مدل اجرایی و سیاست‌گذاری بخشی (مصرف، فساد، توزیع یارانه و رفع فقر، صنعت نفت، کشاورزی، برق، تأمین اجتماعی). توزیع کمی مطالعات این حوزه را در نمودار ۶ و جدول ۳ می‌توانید مشاهده نمایید.

جدول ۳ میزان توزیع هر کدام از مطالب در میان منابع مورد نظر را نشان می‌دهد.



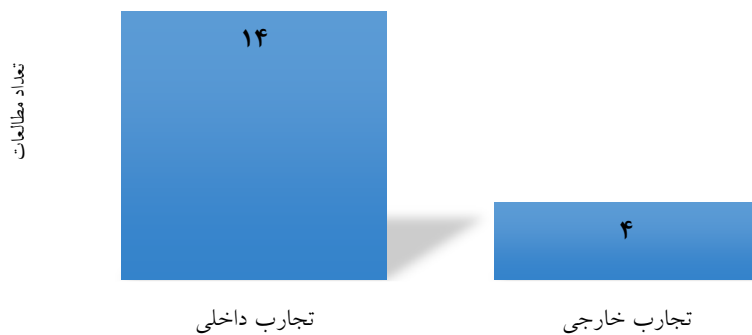
نمودار ۶: توزیع مطالعات در دسته سیاست‌گذاری، حکمرانی و اجرا

جدول ۳: دسته‌بندی مطالعات مردمی‌سازی اقتصاد در حوزه مطالعات حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا

مطالعات	نوع موضوع
(میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (تنهایی مقدم، ۱۴۰۳)، (حبیبی و باقری، ۱۳۹۶) (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (محممدی، ۱۳۹۷)، (قره‌باغیان، ۱۳۷۲)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (زندى، ۱۳۹۴)، (پیشوایی و همکاران، ۱۴۰۳)، (مؤسسه پژوهشهای بومی، ۱۳۹۵)، (مقصودی، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)	مدل اجرایی
(قاسمی و رجائی، ۱۳۹۹)، (قائدامینی و حسینی، ۱۴۰۳)، (امیری، ۱۴۰۳)، (شریف زاده، ۱۴۰۰)	شاخص‌سازی
(توحیدی نیا و همکاران، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (یوسفی، ۱۳۹۳)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (رضائی نژاد، ۱۴۰۲)، (درخشان و حیدری، ۱۴۰۳)، (قنبریان، ۱۴۰۰)، (امیری، ۱۴۰۳)، (حیدرخوانی، ۱۳۹۶)	نقش دولت و ساختارها
(کریمی، ۱۴۰۳)، (کریم، ۱۴۰۰)، (مصطفوی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (ناجی و شعبانی، ۱۴۰۳)، (ذبیحی و همکاران، ۱۴۰۳)، (موحدی، ۱۴۰۰)، (موسعلی، ۱۳۹۴)، (قناعتی، ۱۳۹۵)، (آتانژاد و همکاران، ۱۳۹۲)، (کجوری، ۱۳۹۹)، (عبدالملکی، ۱۳۹۵) و (خاندوزی، ۱۳۹۵)	سیاست‌گذاری بخشی

همچنین مطالعات مربوط به تجارب و الگوهای داخلی و خارجی را نیز می‌توان در نمودار ۷ به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

دسته‌بندی



نمودار ۷: توزیع مطالعات تجارب و الگوها

همچنین در جدول ۴ انواع تجارب داخلی و خارجی که در مطالعات به آنها پرداخته شده نشان داده شده است.

جدول ۴: دسته‌بندی منابع مردمی سازی اقتصاد بر اساس تجارب و الگوهای داخلی و خارجی

نوع تجارب	موضوع	منابع
تجارب و الگوهای داخلی	الگوهای جهاد سازندگی	(ظهوریان، ۱۴۰۳)
	آموزش و پرورش	(فاضل و ارشدی، ۱۴۰۳)
	خصوصی سازی	(میدری، ۱۳۸۴)، (حسینی، ۱۳۹۷) و (کردزنگنه، ۱۳۹۵)
	تعاونی	(ندیری، ۱۴۰۳)، (کهن هوش نژاد، ۱۳۹۴)
	صنعت زعفران	(قدیمی، ۱۴۰۲)
	دفاع مقدس	(کجوری، ۱۳۹۴)
	مدیریت آب، کدخدایی و نظام تحکیم و داوری	(قزوینیان، ۱۴۰۰)
	مواسات (ایام کرونا)	(شهیدی، ۱۴۰۱)

نوع تجارب	موضوع	منابع
	کمیته امداد امام خمینی (ره)	(رحیمی، ۱۴۰۰)
	صنعت لیزینگ	(محمودی، گنج بخش، ۱۴۰۰)
	توسعه اجتماع محور روستایی	(فیروزآبادی، جعفری، ۱۳۹۵)
	تمدن اسلامی - ایرانی	(رضی، ۱۳۹۵)
تجارب خارجی	مکتب اردولیرالیسم آلمانی	(حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)
	تجربه چین	(مقصودی، ۱۴۰۳)
	شرکتهای کوچک و متوسط	(رزمی و درتومی، ۱۴۰۳)
	پالایشگاه‌های کوچک و متوسط	(نعمتی، ۱۳۹۷)

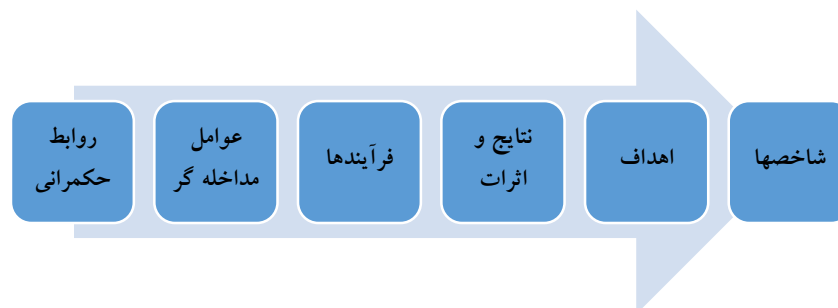
۳-۶. چیستی، چرایی و چگونگی اقتصاد مردمی

در خصوص پاسخ به سؤال‌های پژوهش نیز پژوهشهای مورد نظر بر اساس پاسخگویی به سه سؤال ریشه ای «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» اقتصاد مردمی طبقه بندی شده‌اند:

چیستی اقتصاد مردمی

در خصوص چیستی اقتصاد مردمی می‌توان گفت هرکدام از مطالعات انجام شده اقتصاد مردمی را در قالب چارچوبهای زیر مورد بررسی قرار دادند: برخی ماهیت و مقصود از مردم را در مفهوم اقتصاد مردمی توضیح و تبیین کرده‌اند. به عنوان مثال، برخی مردم مورد نظر در اقتصاد مردمی را کسانی می‌دانند که مقوم نظام سیاسی ولایت فقیه باشند و کسانی که خارج از این چارچوب و برخلاف مصالح مردم حرکت می‌کنند را در این چارچوب نمی‌دانند و برخی دیگر نیز مقصود از مردم را امت اسلامی می‌دانند و نه مردم در قالب یک ملت. برخی نیز ماهیت اقتصاد مردمی را در قالب اهداف^۱ نتایج و اثرات^۲ مورد انتظار^۳، فرایندها^۴، عوامل مداخله گر یا متضادها^۵، شاخص‌ها^۶ و روابط حکمرانی^۷ تعریف کرده‌اند.

1. goals
2. results و impacts
3. process
4. Opposites
5. Indexes
6. relations of governance



نمودار ۸. انواع تعاریف اقتصاد مردمی از منظرهای مختلف

مقصود از اهداف، غایات مطلوب و نهایی مردمی سازی اقتصاد است که شامل موارد زیر می‌باشد: عدالت و توازن اجتماعی، کارآیی، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، تربیت انسان، ارتقاء جایگاه عامل انسانی در تولید و نقش فعال عنصر انسان در اقتصاد و رفع تعارض (بین منافع عموم و خواص، بین آزادی و نظم، بین عدالت و کارآیی، بین طبقات مولد و غیرمولد، بین آزادی و همبستگی اجتماعی، بین منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و بین منافع صاحبان سرمایه و نیروی کار).

مقصود از نتایج و اثرات مورد انتظار، نتایجی است که در اثر تحقق فرآیندهای اقتصاد مردمی رخ می‌دهد که عبارت است از: رقابتی‌تر شدن، کاهش انحصار، کاهش اجیر شدن، افزایش عزت‌مندی، افزایش عقود مشارکتی، افزایش کارآفرینی، کاهش تمرکز و تمرکززدایی و کاهش هزینه مبادله و حل مسئله اطلاعات نامتقارن. نتایج و اثرات مورد انتظار نقش اهداف میانی را در تحقق اهداف و غایات نهایی مردمی شدن اقتصاد ایفا می‌کنند.

برخی نیز مردمی شدن اقتصاد را در قالب فرآیندها مورد بررسی قرار می‌دهند. از نظر آنها اقتصاد مردمی مستلزم افزایش حداکثری مشارکت مردمی در سطح افراد (همه اقشار خصوصاً اقشار مستضعف)، ابعاد (خرد و کلان)، حوزه‌ها (توزیع پیش از تولید، تولید، مصرف، مبادله) و عرصه‌ها (مالکیت، مدیریت و تصمیم‌گیری، بهره‌برداری، عاملیت تغییرات، اعمال نظارت مؤثر) و در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، مدیریت شهری، نظام پولی، مالیات، صنعت نفت و پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، توسعه بخشی و

روستایی، آموزش و پرورش، برق و انرژی، تأمین اجتماعی، مدیریت آب، مدیریت روستا، قضاوت) می باشد.

برخی نیز برای تعریف اقتصاد مردمی از جهت شناخت اشیاء با شناخت متضادهای آن، به نقطه مقابل اقتصاد مردمی پرداخته اند و **متضادهای** اقتصاد مردمی را مورد بررسی قرار دادند. به عبارتی دیگر این مطالعات عوامل مداخله گر که وجود آنها مانع ایجاد اقتصاد مردمی خواهد شد را تحلیل کرده و از این منظر اقتصاد مردمی را تعریف کرده اند. از نظر این مطالعات موارد زیر جزء نقاط مقابل مردمی سازی اقتصاد محسوب می شوند: اقتصاد دولتی و تصدی گری دولت، رقابت ناعادلانه طبقه مولد با غیرمولد، اقتصاد سودمحور، مدیریت تابعی از مالکیت شرکتی، بنگاه های بزرگ انحصاری، خصوصی سازی بازار آزاد، نظام اقتصاد سوسیالیستی، نظام دولت رفاه، اقتصاد رانتی، شیوه تولید انحصاری و متمرکز و انبوه.

برخی نیز برای تعریف اقتصاد مردمی به انواع **روابط و انگیزه ها** در قالب سه الگوی حکمرانی سلسله مراتبی، بازاری و شبکه ای پرداخته اند و اقتصاد مردمی را در قالب روابطی که در قالب حکمرانی شبکه ای و با انگیزه های غیربازاری صورت می گیرد تعریف کرده اند و انواع مدل های حکمرانی همکارانه، مشارکتی و... را به عنوان مصادیقی از اقتصاد مردمی ذکر کرده اند.

برخی از مطالعات نیز مردمی سازی اقتصاد را در قالب برخی **شاخص ها** تعریف می کنند که عبارت است از نرخ بیکاری (نسبت نیروهای فعال جویای کار به کل نیروهای فعال اقتصادی)، نسبت شاغلین در بخش غیردولتی به کل شاغلین، نسبت شاغلین مالک به کل شاغلین، نسبت شاغلینی که نقش در مدیریت دارند به کل شاغلین، سهم بخش تعاون، بخش خصوصی و بخش سوم در اقتصاد، تعداد نهادهای مردم پایه، سهم تأمین مالی خرد، سهم تکنولوژی کاربر به سرمایه بر، نرخ مشارکت نیروی کار، نرخ تکفل، نرخ بیکاری و جمعیت فعال، سهم عوامل تولید از تولید در اقتصاد، نرخ متناسب مشارکت مردم در فعالیتهای مولد و غیرمولد. همچنین به منظور سنجش مردمی سازی در نظام حکمرانی پولی می توان شاخصهایی را طراحی نمود که لوازم (حق خلق)، فرآیند (مالکیت و مدیریت) و نتایج (توازن) را در نظام پولی مورد سنجش قرار می دهد که به

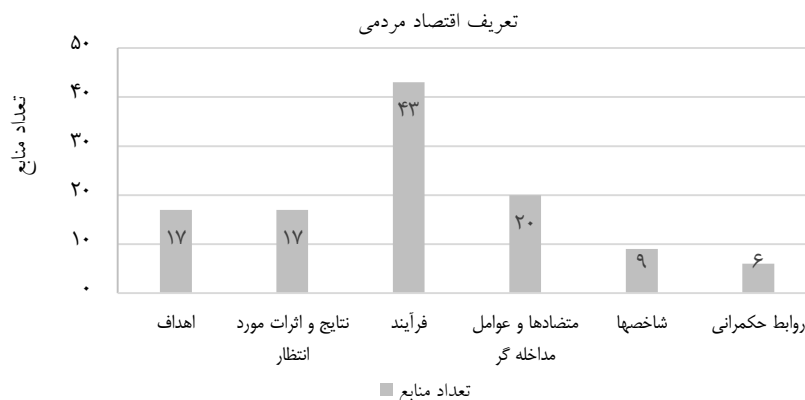
ترتیب در قالب شاخصهای زیر بیان می‌شود: نسبت پایه پولی به نقدینگی، نسبت رشد اقتصادی به رشد نقدینگی، مجموع دارایی موهوم نظام بانکی به کل دارایی نظام بانکی و نسبت بهره پرداختی به سپرده‌ها به حجم سپرده‌ها. نمودار ۹ چستی اقتصاد مردمی را در قالب‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهد. همچنین جدول ۵ تعداد پژوهشهایی که اقتصاد مردمی را از زوایای مختلف تعریف کرده‌اند را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است ممکن است برخی پژوهشها در حوزه‌های فوق‌الذکر همپوشانی داشته باشند، یعنی اقتصاد مردمی را هم از منظر اهداف و هم از منظر نتایج و اثرات مورد انتظار مورد بررسی قرار داده باشند، بنابراین بدیهی است جمع پژوهش‌های مورد نظر بیش از تعداد کل پژوهش‌های برگزیده می‌باشد.

جدول ۵: دسته‌بندی تعاریف اقتصاد مردمی

منابع	اساس تعریف
(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (یوسفی، ۱۳۹۳)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (ناسخیان، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (مصطفوی، ۱۴۰۳)، (ذبیحی و همکاران، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (ندیری و همکاران، ۱۴۰۳)، (کهن هوش نژاد، ۱۳۹۴)، (قدیمی، ۱۴۰۲)، (باقری، ۱۳۹۶)، (محمدی پور، ۱۳۹۸)، (زریباف، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)	اهداف
(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (ظهوریان، ۱۴۰۳)، (رزمی و همکاران، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (ذبیحی و همکاران، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (ندیری و همکاران، ۱۴۰۳)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (قدیمی، ۱۴۰۲)، (قزوینیان، ۱۴۰۰)، (موسعلی، ۱۳۹۴)، (قناعتی، ۱۳۹۵)، (علوی، ۱۳۹۴)، (نعمتی، ۱۳۹۷)، (فیروزآبادی، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)	نتایج و اثرات مورد انتظار
(تنهایی مقدم، ۱۴۰۲)، (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷)، (یوسفی، ۱۳۹۳)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (سلیمانی، حسینی، ۱۳۹۸)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (پیغامی، ۱۳۹۵)، (حسینی، حسینی، ۱۳۹۵)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (سیفلو، ۱۴۰۳)، (کریم، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (رزمی و همکاران، ۱۴۰۳)، (فاضل و ارشدی، ۱۴۰۳)، (مصطفوی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (ناجی و شعبانی، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (جعفری، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۴۰۳)	فرآیندها

اساس تعریف	منابع
	(۱۳۹۲)، (رشیدی، ۱۳۹۱)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (شفیعا و لقمانی، ۱۳۹۲)، (اجاللی، ۱۴۰۲)، (گنج بخش، ۱۴۰۰)، (قناعتی، ۱۳۹۵)، (مؤسسه مبانی و مدل‌های بومی، ۱۳۹۵)، (مرادنژاد و همکاران، ۱۳۹۲)، (عبدالملکی، ۱۳۹۴)، (علوی، ۱۳۹۴)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (کجوری، ۱۳۹۴)، (باقری، ۱۳۹۶)، (حسینی، ۱۳۹۷)، (محمدی پور، ۱۳۹۸)، (سیف علی، ۱۴۰۰)، (نعمتی، ۱۳۹۷)، (شریف زاده، ۱۴۰۰)، (قنبریان، ۱۴۰۰)، (ابدالی، ۱۴۰۰)، (فیروزآبادی، ۱۳۹۵)، (حسینی و کجوری، ۱۳۹۹)، (درخشان، ۱۳۹۵)، (دانش جعفری، ۱۳۹۷)، (زریباف، ۱۳۹۵)، (عبدالملکی، ۱۳۹۵)، (خاندوزی، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)، (رضی، ۱۳۹۵)
متضادها و عوامل مداخله‌گر	(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (ناسخیان، ۱۴۰۳)، (فائد امینی، ۱۴۰۳)، (امیری، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (مصطفوی، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (میدری، ۱۳۸۴)، (مؤسسه مبانی و مدل‌های بومی، ۱۳۹۵)، (علوی، ۱۳۹۴)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (حسینی، ۱۳۹۷)، (زریباف، ۱۳۹۵)، (مقصودی، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)، (رضی، ۱۳۹۵)، (نعمتی، ۱۳۹۵)
شاخص‌ها	(یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (فائد امینی، ۱۴۰۳)، (امیری، ۱۴۰۳)، (کریم، ۱۴۰۳)، (قناعتی، ۱۳۹۵)، (سیف علی، ۱۴۰۰)، (شریف زاده، ۱۴۰۰)
روابط حکمرانی	(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۲)، (صفاریان، انصاری پور، ۱۴۰۳)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (مقصودی، ۱۴۰۳)، (جعفری، ۱۴۰۳)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (قزوینیان، ۱۴۰۰)

نمودار ۹ نیز تعاریف اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط را نشان می‌دهد.



نمودار ۹. تعاریف اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط

چرایی اقتصاد مردمی

سؤال از چرایی اقتصاد مردم‌بنیان این است که مبنای پذیرش اقتصاد مردمی چیست و چرا باید به آن ملتزم بود و چه مبانی اسلامی، علمی و تجربی در این زمینه وجود دارد؟ بررسی پژوهشها و مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد چرایی و مبنای پرداختن به اقتصاد مردمی در قالب‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته است: اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی، انقلاب اسلامی (رهبران و قانون اساسی)، ادبیات متعارف و نامتعارف اقتصادی و تجارب داخلی و خارجی. نمودار ۱۰ و جدول ۶ تعداد پژوهشهایی که اقتصاد مردمی را در قالب مبنای فوق‌الذکر تبیین کرده‌اند نشان می‌دهد.

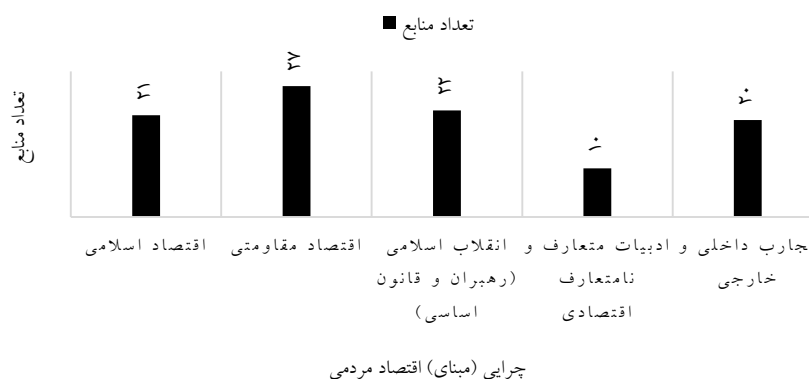
جدول ۶: طبقه بندی دیدگاه‌ها پیرامون چرایی (مبنای) اقتصاد مردمی

چرایی (مبنای) اقتصاد مردمی	منابع
اقتصاد اسلامی	(تنهایی مقدم، ۱۴۰۲)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱) (صفاریان، انصاری پور، ۱۴۰۳)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (پیغامی، ۱۳۹۵)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (ناسخیان، ۱۴۰۳)، (قائد امینی، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (فاضل

چرایی (مبنای) اقتصاد مردمی	منابع
	و ارشدی، ۱۴۰۳، (مصطفوی، ۱۴۰۳، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (شفیعا و لقمانی، ۱۳۹۲)، (حسینی و کجوری، ۱۳۹۹)، (زریباف، ۱۳۹۵)، (رضی، ۱۳۹۵)
اقتصاد مقاومتی	(تنهایی مقدم، ۱۴۰۲)، (ارشدی و نعمتی، ۱۴۰۳)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (سیفلو، ۱۴۰۳)، (قائد امینی، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (کریم، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (ناجی و شعبانی، ۱۴۰۳)، (ندیری و همکاران، ۱۴۰۳)، (اجلالی، ۱۴۰۲)، (قدیمی، ۱۴۰۲)، (موسعلی، ۱۳۹۴)، (عبدالملکی، ۱۳۹۴)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (کجوری، ۱۳۹۴)، (حسینی، ۱۳۹۷)، (محمدی پور، ۱۳۹۸)، (سیف علی، ۱۴۰۰)، (حسینی و محبی، ۱۳۹۷)، (حیدرخوانی، ۱۳۹۶)، (دانش جعفری، ۱۳۹۷)، (رضی، ۱۳۹۵)
انقلاب اسلامی (رهبران و قانون اساسی)	(صفاریان، انصاری پور، ۱۴۰۳)، (سلیمانی، حسینی، ۱۳۹۸)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (پیغامی، ۱۳۹۵)، (حسینی، حسینی، ۱۳۹۵)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (سیفلو، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (ظهوریان، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (جعفری، ۱۴۰۳)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (کهن هوش نژاد، ۱۳۹۴)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (شفیعا و لقمانی، ۱۳۹۲)، (مؤسسه مبانی و مدل‌های بومی، ۱۳۹۵)، (قنبریان، ۱۴۰۰)، (حسینی و محبی، ۱۳۹۷)، (دانش جعفری، ۱۳۹۷)
ادبیات متعارف و نامتعارف اقتصادی	(تنهایی مقدم، ۱۴۰۲)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۲)، (مقصودی؛ ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (قزوینیان، ۱۴۰۰)، (موحدی، ۱۴۰۰)، (مراد نژاد و همکاران، ۱۳۹۲)، (زریباف، ۱۳۹۵)
تجارب داخلی و خارجی	(تنهایی مقدم، ۱۴۰۲)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۲)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (رضائی نژاد، ۱۴۰۲)، (امیری، ۱۴۰۳)، (مقصودی؛ ۱۴۰۳)، (رزمی

چرایی (مبنای) اقتصاد مردمی	منابع
	و همکاران، (۱۴۰۳)، (ناجی و شعبانی، ۱۴۰۳)، (ذبیحی و همکاران، ۱۴۰۳)، (رشیدی، ۱۳۹۱)، (ندیری و همکاران، ۱۴۰۳)، (شهیدی، ۱۴۰۱)، (قزوینیان، ۱۴۰۰)، (رحیمی، ۱۴۰۰)، (گنج بخش، ۱۴۰۰)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (جهانیان، ۱۳۹۵)، (خاندوزی، ۱۳۹۵)، (رضی، ۱۳۹۵)، (نعمتی، ۱۳۹۵)

نمودار ۱۰ نیز چرایی و مبنای اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط را نشان می‌دهد.



نمودار ۱۰. چرایی (مبنای) اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط

چگونگی اقتصاد مردمی

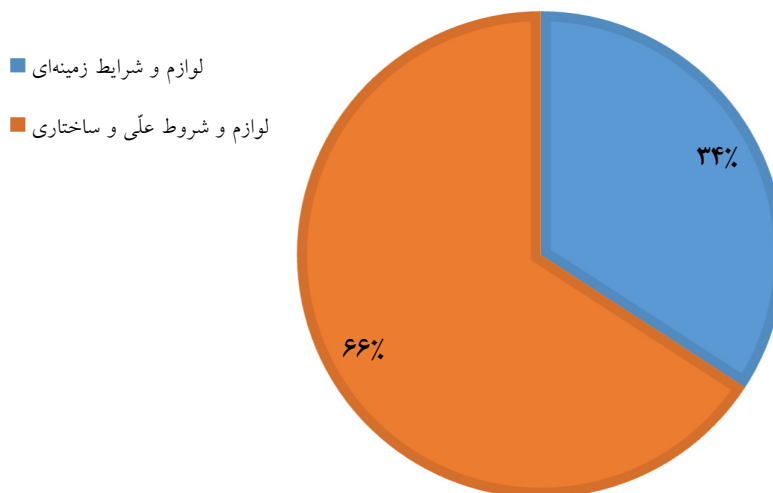
سوال از چگونگی اقتصاد مردمی نیز به این پرسش ناظر است که اقتصاد مردمی چگونه اقامه شده و چگونه باید اقامه شود؟ در واقع سؤال این است که لوازم زمینه‌ای و ساختاری و راهبردهای پیاده‌سازی اقتصاد مردمی چیست؟ لوازم و شرایط زمینه‌ای ناظر به شرایطی است که بر راهبردهای مردمی سازی اقتصاد مؤثر هستند و به عنوان شرط لازم مردمی سازی اقتصاد عمل می‌کنند. شرایط زمینه‌ای شامل سازوکارهای انگیزشی نظیر انگیزه‌های داوطلبانه، غیرپولی، ساختار ذی‌نفعان و... می‌باشد. همچنین نقش دولت (در زمینه آگاه سازی و اعتماد سازی و فرصت سازی) و توانمندسازی مردم (در حوزه آگاهی و

امکانات) و نیز برپایی نظام حقوق مالکیت (در حوزه مالکیت، مدیریت، بهره برداری، تصرف و انتقال) جزء شروط لازم و زمینه ساز مردمی سازی اقتصاد در مطالعات انجام شده هستند. برخی از پژوهش‌ها نیز لوازم و شروط علی و ساختاری را برای مردمی سازی اقتصاد برمی‌شمرند که می‌توان از آن به عنوان راهبرد و یا شیوه سازماندهی برای مردمی سازی اقتصاد نیز نام برد که عبارت است از: ساختار تعاونی، اقتصاد بخش سوم (وقف، خیریه و سازمان‌های مردم نهاد و نهادهای داوطلبانه)، بنگاه‌های کوچک و متوسط، تشکلهای و انجمنهای محلی، جمع سپاری، نوآوری باز، کسب و کار منطقه‌ای و خانگی، تکنولوژی و صنایع کاربر، تشکلهای مردمی صنفی، تولید کوچک مقیاس، شرکت سهامی و کارآفرینی منطقه‌ای. نمودار ۱۱ و ۱۲ و جدول ۷ لوازم مردمی شدن اقتصاد را از منظر پژوهشهای مختلف نشان می‌دهد.

جدول ۷: لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی

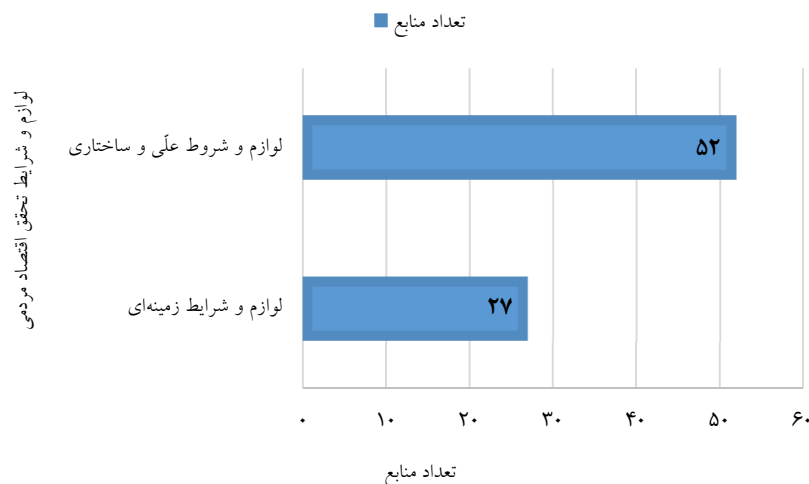
لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی	منابع
لوازم و شرایط زمینه‌ای	(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۲)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (قربانی و همکاران، ۱۳۹۷)، (سلیمانی، حسینی، ۱۳۹۸)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (پیغامی، ۱۳۹۵)، (حسینی، حسینی، ۱۳۹۵)، (سیف‌لو، ۱۴۰۳)، (کریم، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)، (ناجی و شعبانی، ۱۴۰۳)، (جعفری، ۱۴۰۳)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (شهیدی، ۱۴۰۱)، (مؤسسه مبنای و مدلهای بومی، ۱۳۹۵)، (عبدالملکی، ۱۳۹۴)، (کجوری، ۱۳۹۴)، (باقری، ۱۳۹۶)، (محمدی پور، ۱۳۹۸)، (حسینی و محبی، ۱۳۹۷)، (حیدرخوانی، ۱۳۹۶)، (درخشان، ۱۳۹۵)، (مقصودی، ۱۳۹۵)
لوازم و شروط علی و ساختاری	(حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۱)، (حسینی فرد و همکاران، ۱۴۰۲)، (صفاریان، انصاری پور، ۱۴۰۳)، (توحیدی نیا، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۳)، (یوسفی و غفاری، ۱۳۹۵)، (سلیمانی، حسینی، ۱۳۹۸)، (رنجبران، ۱۴۰۰)، (میرسامان و پیشوایی، ۱۳۹۶)، (رضائی نژاد، ۱۴۰۲)، (حیدری، درخشان، ۱۴۰۳)، (قائد امینی، ۱۴۰۳)، (کریمی، ۱۴۰۳)، (ظهوریان، ۱۴۰۳)، (حسین زاده و حسینی، ۱۴۰۳)، (مقصودی، ۱۴۰۳)، (رزمی و همکاران، ۱۴۰۳)، (فاضل و ارشدی، ۱۴۰۳)، (مصطفوی، ۱۴۰۳)، (سعیدی، ۱۴۰۳)

لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی	منابع
	(ذبیحی و همکاران، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۵)، (جعفری، ۱۴۰۳)، (یوسفی، ۱۳۹۲)، (رشیدی، ۱۳۹۱)، (میدری، ۱۳۸۴)، (قره باغیان، ۱۳۷۲)، (مرکز پژوهشهای مجلس، ۱۴۰۳)، (ندیری و همکاران، ۱۴۰۳)، (کهن هوش نژاد، ۱۳۹۴)، (موسوی لقمانی و پیشوایی، ۱۴۰۳)، (شفیعا و لقمانی، ۱۳۹۲)، (قدیمی، ۱۴۰۲)، (شهیدی، ۱۴۰۱)، (موحدی، ۱۴۰۰)، (رحیمی، ۱۴۰۰)، (گنج بخش، ۱۴۰۰)، (موسعلی، ۱۳۹۴)، (مؤسسه مبانی و مدل‌های بومی، ۱۳۹۵)، (ناسخیان، ۱۳۹۴)، (کجوری، ۱۳۹۴)، (نعمتی، ۱۳۹۷)، (قنبریان، ۱۴۰۰)، (ابدالی، ۱۴۰۰)، (فیروزآبادی، ۱۳۹۵)، (حسینی و کجوری، ۱۳۹۹)، (زریباف، ۱۳۹۵)، (جهانپان، ۱۳۹۵)، (عبدالملکی، ۱۳۹۵)، (خاندوزی، ۱۳۹۵)، (مقصودی، ۱۳۹۵)، (سعیدی، ۱۳۹۵)، (کردزنگنه، ۱۳۹۵)



نمودار ۱۱. لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط

نمودار ۱۲ لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط را نشان می‌دهد.



نمودار ۱۲. لوازم و شرایط تحقق اقتصاد مردمی و تعداد منابع مرتبط

جمع‌بندی

اقتصاد مردمی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی نقش مهمی در دستیابی به توسعه پایدار و مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر و تحلیل داده‌ها، ابعاد مختلف چپستی، چرایی و چگونگی اقتصاد مردمی را بررسی کرده است. در این بخش بر اساس نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، جمع‌بندی جامعی ارائه می‌شود که منعکس‌کننده دستاوردهای اصلی این پژوهش است.

بررسی ۸۳ مطالعه منتخب در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ نشان داد که پژوهش‌ها در این حوزه در سه دسته کلی «حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا»، «مطالعات نظری و بنیادین» و «تجربه‌نگاری و الگوهای داخلی و خارجی» قابل تقسیم‌بندی هستند. در بخش حکمرانی، سیاست‌گذاری و اجرا ۴۰ مطالعه به بررسی نقش دولت، ساختارها، مدل‌های اجرایی و سیاست‌گذاری‌های بخشی مانند توزیع یارانه، رفع فقر و توسعه کشاورزی پرداخته‌اند. در محور مطالعات نظری و بنیادین ۱۹ مطالعه با تمرکز بر تعریف مفهومی و چارچوب نظری اقتصاد مردمی انجام شده است. در محور تجربه‌نگاری و الگوهای داخلی و خارجی ۲۴ مطالعه به تحلیل تجارب موفق داخلی مانند جهاد سازندگی و تجارب

خارجی نظیر مکتب اردولیرالیسم و اقتصاد چین پرداخته‌اند. پژوهش‌های انجام شده از روش‌های متنوعی بهره برده‌اند. ۶۲ مطالعه از روش‌های تحلیلی-توصیفی، ۱۵ مطالعه از تحلیل کیفی نظیر تحلیل مضمون و داده‌بنیاد و ۶ مطالعه از روش‌های ترکیبی یا اجتهادی استفاده کرده‌اند. تحلیل‌های کیفی توانسته‌اند به شناسایی الگوها و مضامین اصلی در اقتصاد مردمی کمک کنند. روش‌های تحلیلی-توصیفی بیشترین استفاده را داشته‌اند، اما برخی از آن‌ها فاقد عمق کافی در تحلیل یافته‌ها بودند. این نوشتار با هدف ارائه جمع‌بندی و تحلیلی نظام‌مند از مطالعات انجام‌شده در این عرصه، و همچنین ارائه پیشنهادهایی برای جهت‌گیری مطالعات آتی، با استفاده از روش مرور سیستماتیک به بررسی چیستی، چرایی و چگونگی اقتصاد مردمی پرداخته است. طبقه‌بندی پژوهش‌های موجود بر اساس پاسخ به این سه پرسش بنیادین، امکان درک عمیق‌تر و نقد ساختاری این حوزه مطالعاتی را فراهم می‌سازد. پژوهش‌ها در پاسخ به سه سؤال کلیدی «چیستی»، «چرایی» و «چگونگی» اقتصاد مردمی طبقه‌بندی شدند:

۱. چیستی اقتصاد مردمی

تعاریف اقتصاد مردمی از منظر اهداف، نتایج مورد انتظار، فرآیندها، متضادها و شاخص‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

○ **اهداف غایی** که در این چارچوب، اقتصاد مردمی با اهدافی چون تحقق عدالت و توازن اجتماعی، کارآیی اقتصادی، رفع تعارضات ساختاری (مانند تعارض منافع عموم و خواص، یا عدالت و کارآیی)، آزادی اقتصادی، رشد پایدار، تربیت انسان اقتصادی مطلوب و ارتقای نقش عامل انسانی در فرآیند تولید تعریف می‌شود.

○ **نتایج و اثرات مورد انتظار** که بر پیامدهای مورد انتظار اجرای اقتصاد مردمی متمرکز هستند که عمدتاً نقش اهداف میانی را ایفا می‌کنند. از جمله این نتایج می‌توان به افزایش رقابت‌پذیری، کاهش انحصار و رانت، افزایش عزت‌مندی اقتصاد، گسترش عقود مشارکتی، توسعه کارآفرینی، کاهش تمرکز و تسهیل تمرکززدایی، کاهش هزینه‌های مبادله و حل مسئله اطلاعات نامتقارن اشاره کرد.

- رویکرد فرآیندی، اقتصاد مردمی را معطوف به حداکثرسازی مشارکت مردمی در ابعاد مختلف می‌داند. این مشارکت در سطوح مختلف (تمامی اقشار به‌ویژه مستضعفین)، ابعاد (خرد و کلان)، حوزه‌های اقتصادی (تولید، توزیع، مبادله و مصرف) و عرصه‌ها (مالکیت، مدیریت و تصمیم‌گیری، بهره‌برداری، نظارت) و در بخش‌های متنوع اقتصادی (از کشاورزی تا نفت و انرژی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- برخی پژوهش‌ها با استفاده از روش تعریف با اضداد، اقتصاد مردمی را در تقابل با پدیده‌هایی همچون اقتصاد دولتی و تصدی‌گری گسترده دولت، رقابت ناعادلانه، اقتصاد سودمحور صرف، مالکیت انحصاری، بنگاه‌های بزرگ انحصاری، خصوصی‌سازی به سبک بازار آزاد، نظام‌های سوسیالیستی و دولت رفاه، اقتصاد رانتی و شیوه‌های تولید متمرکز و انبوه تعریف کرده‌اند.
- تعدادی از مطالعات، اقتصاد مردمی را در چارچوب الگوهای حکمرانی (سلسله‌مراتبی، بازاری و شبکه‌ای) تحلیل کرده و آن را معطوف به حکمرانی شبکه‌ای با انگیزه‌های غیربازاری دانسته و مدل‌های همکارانه و مشارکتی را مصداق آن برشمرده‌اند.
- در نهایت، تعریف عملیاتی اقتصاد مردمی از طریق شاخص‌ها نیز مورد توجه بوده است. شاخص‌هایی مانند نرخ بیکاری، نسبت اشتغال غیردولتی، سهم شاغلین مالک و دارای نقش مدیریتی، سهم بخش‌های تعاون، خصوصی و سوم در اقتصاد، تعداد نهادهای مردم‌پایه، سهم تأمین مالی خرد و نسبت تکنولوژی‌کاربر به سرمایه‌بر از این جمله هستند.

۲. چرایی اقتصاد مردمی

پرسش از مبانی و ضرورت پرداختن به اقتصاد مردمی در مطالعات موجود عمدتاً بر پایه شش منبع اصلی پاسخ داده شده است:

- مبانی اسلامی: استناد به متون اسلامی و آراء فقها و اندیشمندان مسلمان که بر مشارکت، عدالت و نفی انحصار تأکید دارند.

- **اقتصاد مقاومتی:** تبیین جایگاه اقتصاد مردمی به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی که بر تاب‌آوری اقتصادی تأکید دارد.
- **انقلاب اسلامی و قانون اساسی:** استناد به آراء رهبران انقلاب اسلامی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر مشارکت عمومی و جلوگیری از تمرکز ثروت و قدرت تأکید می‌کنند.
- **ادبیات متعارف و دگرداندیش اقتصادی:** بهره‌گیری از نظریات اقتصادی در حوزه‌هایی مانند اقتصاد مشارکتی، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) و رجوع به مکاتب اقتصادی دگرداندیش مانند اقتصاد نهادگرایی جدید، سوسیالیسم تعاون طلب، اردولیرالیسم آلمانی، اقتصاد رفتاری و...
- **تجارب داخلی و خارجی:** مطالعه تجارب موفق و ناموفق اجرای الگوهای مشابه در داخل ایران و دیگر کشورها.

۳. چگونگی اقتصاد مردمی

این بخش به الزامات، راهبردها و سازوکارهای تحقق اقتصاد مردمی می‌پردازد که خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- **الزامات زمینه‌ای و نهادی:** این الزامات بستر لازم برای اجرای راهبردها هستند و شامل مواردی چون: ایجاد سازوکارهای انگیزشی (داوطلبانه، غیرپولی)، تعیین نقش مناسب دولت (در آگاه‌سازی، اعتمادسازی و فرصت‌سازی)، توانمندسازی مردم (از نظر آگاهی و امکانات) و استقرار یک نظام حقوق مالکیت شفاف و کارآمد (در ابعاد مالکیت، مدیریت، بهره‌برداری و انتقال) می‌شوند.
- **راهبردها و سازوکارهای ساختاری:** این بخش به شکل‌های مشخص سازماندهی اقتصادی اشاره دارد که به عنوان ابزار تحقق اقتصاد مردمی پیشنهاد شده‌اند. نمونه‌های بارز شامل تعاونی‌ها، اقتصاد بخش سوم (وقف، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد)، بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)، تشکلهای محلی، جمع‌سپاری، نوآوری باز، کسب‌وکارهای خانگی و منطقه‌ای، فناوری‌های کاربر، تشکلهای صنفی مردمی، تولید کوچک‌مقیاس، شرکت‌های سهامی عام و

کارآفرینی منطقه‌ای.

نقد و تحلیل مطالعات انجام شده

- **نقد چستی:** اصلی‌ترین نقد وارد بر ادبیات موجود، فقدان یک تعریف جامع، مانع و مورد اجماع از اقتصاد مردمی است. تعاریف موجود گاه هم‌پوشانی داشته و در مواردی حتی در تضاد با یکدیگر هستند. رسیدن به یک گفتمان و پارادایم مشترک مستلزم تلفیق ابعاد مختلف (اهداف، نتایج، فرآیندها، موانع و شاخص‌ها) در یک چارچوب مفهومی یکپارچه است. این امر پایه‌ای برای انجام پژوهش‌های سیاستی منسجم فراهم خواهد کرد.
- **نقد چرایی:** اگرچه استناد به منابعی مانند رهنمودهای رهبری و اقتصاد مقاومتی از نظر مبانی سیاسی ولایت فقیه و پذیرش جهت‌گیری‌های کلی توجیه‌پذیر است، اما برای تکمیل مبانی نظری اقتصاد مردمی، نیاز به ارائه توجیهات عمیق عقلی، علمی و تجربی احساس می‌شود. به نظر می‌رسد تلفیق یافته‌های اقتصاد نهادگرایی جدید، اقتصاد اسلامی و مطالعه تطبیقی مکاتب اقتصادی و تجارب دیگر کشورها می‌تواند مبنای محکمی برای «چرایی» و ضرورت این مفهوم فراهم آورد.
- **نقد چگونگی:** به نظر می‌رسد اختلاف‌نظرها و چالش‌های اجرایی در این بخش بیشتر است. نخست آنکه سازوکارهای پیشنهادی (مانند تعاونی، SMEs، بخش سوم) از نظر اهداف، انگیزه‌ها و راهبردهای عملیاتی با یکدیگر بسیار متفاوتند و جمع کردن آن‌ها تحت یک مفهوم واحد دشوار است. دوم، برخی از این راهبردها (مانند تأکید بر تولید کوچک مقیاس) از منظر نظری و تجربی مورد نقد هستند^۱. سوم، شرایط نهادی لازم برای موفقیت هر یک از این راهبردها (مانند حاکمیت قانون، شفافیت،

۱. مانند کتاب «کوچک زیباست؛ اقتصاد با ابعاد انسانی» که در سال ۱۹۷۳ توسط اقتصاددان انگلیسی آلمانی الاصل ای. اف. شوماخر منتشر شده است و بر کسب و کارهای کوچک تأکید دارد که در مقابل و نقد آن کتاب «بزرگ زیباست؛ اسطوره زدایی از کسب و کارهای کوچک» توسط رابرت اتکینسون و مایکل لیند در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است. بنابراین نمی‌توان حکم کلی به صورت اینکه «مردمی‌سازی اقتصاد در تمام بخش‌ها به معنای کوچک سازی و تمرکززدایی از کسب و کارها می‌باشد و منجر به افزایش کارآیی و عدالت می‌شود»، را به راحتی مورد پذیرش قرار داد و بایستی نقدهای وارد بر این نگرش نیز بررسی و در نظر گرفته شود.

مهارت فنی) باید به دقت با شرایط نهادی ایران تطبیق داده شود. چهارم، اتکای صرف به بخش سوم (غیرانتفاعی) که بر انگیزه‌های داوطلبانه استوار است، به عنوان یک راهبرد جامع، با چالش جدی مواجه است. در مجموع، ادبیات «چگونگی» اقتصاد مردمی از انسجام و یکپارچگی لازم برخوردار نیست و نیازمند مطالعات نظری و تطبیقی است. همچنین، سیاست‌های مردمی‌سازی باید به صورت بخشی (صنعت، کشاورزی، مسکن و...) طراحی و اجرا شوند، چرا که سازوکار مطلوب در یک بخش ممکن است در بخش دیگر کارایی نداشته باشد.

پیشنهاد مطالعات آتی

بررسی حاضر نشان می‌دهد اگرچه ادبیات اقتصاد مردمی غنی و بین رشته ای است، اما هنوز به بلوغ و انسجام نظری کافی نرسیده است. برای پیشبرد این حوزه مطالعاتی، پیشنهاد می‌شود:

۱. تدوین چارچوب مفهومی یکپارچه: انجام مطالعاتی برای ارائه یک تعریف جامع و مورد اجماع از اقتصاد مردمی که تمامی ابعاد چیرستی را پوشش دهد.
۲. تعمیق مبانی نظری: انجام پژوهش‌های بنیادین برای تقویت مبانی «چرایی» اقتصاد مردمی با استفاده از ادبیات نهادگرا، اقتصاد اسلامی و مطالعات تطبیقی.
۳. ارزیابی انتقادی سازوکارها: نقد و بررسی سازوکارهای پیشنهادی (مانند تعاونی، SMEs) با توجه به تجارب داخلی و خارجی و شناسایی الزامات نهادی هر یک برای اجرا در ایران.

۴. مطالعات بخشی: انجام مطالعات دقیق و موشکافانه برای شناسایی مناسب ترین سازوکارهای مردمی‌سازی در هر یک از بخش‌های اصلی اقتصاد ایران.

۵. طراحی شاخص‌های دقیق: توسعه و تصریح شاخص‌های کمی برای سنجش میزان تحقق اقتصاد مردمی در سطوح خرد و کلان.

پرداختن به این محورها می‌تواند به تبدیل اقتصاد مردمی از یک مفهوم کلی به یک الگوی عملیاتی کارآمد برای سیاست‌گذاری اقتصادی کمک شایانی نماید.

کتابنامه

- ابدالی محمدی، اکبر (۱۳۹۷): نقش بازاریابی مردمی در تحقق اقتصاد مقاومتی با مطالعه موردی مشکلات واحدهای تولیدی استان قم. پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۵ (۳)، صفحه‌ها ذکر نشده.
- ارشدی، وحید؛ تنهایی مقدم گلشیخی، رضا (ویراستاران) (۱۴۰۳): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.
- ارشدی، وحید؛ فاضل، رقیه (۱۴۰۳): مطالعه رهاورد تجارب مشترک داوطلبانه در آموزش برای اصلاح سازوکارهای مرسوم مشارکت مردمی در آموزش و پرورش؛ مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۳۷۳-۳۴۱.
- ارشدی؛ نعمتی (۱۴۰۳): موضوع‌شناسی اقتصاد مردمی (مردم‌بنیان) با روش گروه‌کانونی. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱، ۱۱-۲۷.
- اسماعیل‌پور، توحید (۱۴۰۲): درآمدی بر حکمرانی مردمی. شماره مسلسل ۱۸۹۵۶. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- اسماعیل‌پور، توحید؛ نظریان‌مفید، محمدتقی؛ شیخی، سینا؛ نوده‌فراهانی، اسماعیل؛ عبدالحسین‌زاده، محمد؛ کریمی‌فرد، حسن و همکاران (۱۴۰۲): درآمدی بر حکمرانی مردمی. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۵۴ (۳۱)، ۳۷۶-۳۵۰.
- اکرم درتومی؛ مجید قادری (۱۳۹۶): بُعد مردمی اقتصاد مقاومتی. همایش بررسی ابعاد فرهنگی اقتصاد مقاومتی.
- آنامرادنژاد، رحیم بردی؛ بوذری، سیما؛ حسینی دوست، سودابه (۱۳۹۲): نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل). اقتصاد و مدیریت شهری، ۳ (۱)، ۱۲۷-۱۳۹.
- انصاری‌پور، محمدهادی؛ صفاریان، امیرحسین (۱۴۰۳): اقتصاد مردمی، الگوی اقتصاد قرآنی. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱)، ۶۴-۹۲.

- ایران‌نژاد، ابراهیم؛ صبوری، رباب (۱۴۰۲): بررسی نقش مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای (استان آذربایجان شرقی). حکمرانی متعالی، ۱۵ (۴)، ۹۷-۱۲۲.
- پیشوایی، میرسامان؛ موسوی، اشرف السادات؛ سلسبیل، مهسا (۱۳۹۶): مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی. قم: انتشارات آل احمد (ع).
- تنهایی مقدم، رضا (۱۴۰۴): مردم‌سالاری اقتصاد در تحلیل انتقادی نقش مردم در مکتب اردو لبرالیزم آلمانی و ارائه چارچوبی برای اقتصاد مردمی انقلاب اسلامی. رساله دکتری؛ دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- تنهایی مقدم، رضا؛ پیغامی، عادل؛ عبدالملکی، حجت‌الله؛ شریف‌زاده، محمدجواد (۱۴۰۲): بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی. مطالعات اقتصاد اسلامی، سال چهاردهم.
- توحیدی‌نیا، ابوالقاسم؛ نوروزی، عاطفه (۱۴۰۳): نقش دولت در مردمی‌کردن اقتصاد؛ بر اساس نامه‌های حضرت امیر (علیه‌السلام) به فرمانداران بلاد. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱، ۱۶۹-۱۹۸.
- جنیدی جعفری، مهدی و سلیمی، غلامرضا (۱۴۰۳): نقش مردم در اقتصاد از منظر مقام معظم رهبری. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱)، ۱۲۷-۱۶۸.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۵): جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم. اقتصاد اسلامی، ۶۲ (۱۶)، ۷۹-۱۰۶.
- جهانیان، ناصر (۱۳۹۶): وقف در اقتصاد مردم محور. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران، مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۷-۳۱.
- حبیبی، محسن؛ باقری نصرآبادی، محسن (۱۳۹۶): بررسی اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی. مطالعات راهبردی بسیج، ۷۴ (۷۴)، ۲۸-۵.
- حدادی، علیرضا؛ هاشمی، سیده حکیمه؛ زارع، سعید (۱۴۰۳): سلسله گزارش‌های پایش مشارکت مردمی؛ گزارش اول: مدل سنجش مشارکت‌های مردمی با تأکید بر جوانان. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۶۵ (۳۲)،

۳۷۸-۳۳۵.

حسینی، مجتبی؛ حسینی، سیدحسین (۱۳۹۵): امام، مردم، اقتصاد. تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره). تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع).

حسین، امیری (۱۴۰۳): بررسی تأثیر مردمی‌سازی بر اقتصاد مقاومتی در چارچوب یک اقتصاد رانتی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۶۴-۱۹۴.

حسینی فرد، سید محمد؛ توحیدی نیا، ابوالقاسم؛ نادران، الیاس (۱۴۰۲): تبیین مفهوم اقتصاد مردمی از منظر دوگانه اصالت فرد و جامعه. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۵ (۱)، ۵۲-۲۵.

حسینی فرد، سیدمحمد حسین (۱۴۰۰): نقش دین در تقویت همکاری‌های اقتصادی جهت اصلاح شکست بازار و دولت؛ رویکرد آزمایشگاهی. نهاد اجتماع به مثاله نهادی فراتر از دولت و بازار. رساله دکتری. دانشگاه تهران، تهران. دانشکده اقتصاد.

حسینی فرد، سیدمحمد؛ توحیدی نیا، ابوالقاسم؛ نادران، الیاس (۱۴۰۳): نهاد اجتماع به مثابه سازمان‌دهی اقتصادی و رای دوگانه بازار و دولت. مجلس و راهبرد.

حسینی، سیدحسین (۱۳۹۷): واکاوی تحقق مشارکت مردمی از طریق خصوصی‌سازی شکل‌گرفته در اقتصاد ایران، در راستای تبیین بند یک سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی شرکت مخابرات ایران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

حسینی، سیدحسین؛ سلیمانی، محمد (۱۳۹۸): الگوی مشارکت مردم در اقتصاد، با تأکید بر اندیشه امام خمینی ره. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۱ (۱۱)، ۱۳۱-۱۵۰.

حسینی، سیدحسین؛ محبی، محمدتقی (۱۳۹۷): نقش بیداری و خوباوری ملی در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اندیشه امام خمینی رحمه‌الله. پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۵ (۳)، ۳۲-۹.

حسینی، مجتبی؛ کجوری، جواد؛ بهرمن، حمیدرضا (۱۳۹۹): کیفیت نقش‌آفرینی مردم در

- تأمین اجتماعی، بررسی تطبیقی دو مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۲ (۱۱)، ۱۹۱-۲۰۸.
- حسینی فرد، سید محمد؛ توحیدی‌نیا، ابوالقاسم؛ نادران، الیاس (۱۴۰۱): مقایسه اثر دینداری بر تولید کالای عمومی و حفظ منبع طبیعی: یک مطالعه آزمایشگاهی. سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۳۹ (۱۰)، ۷-۴۱.
- حیدر خانی، هابیل؛ کلاتری، عبدالحسین؛ محبی، سیروس (۱۳۹۶): بررسی نقش سرمایه اجتماعی در گرایش مردم به الگوهای اقتصاد مقاومتی در شهر کرمانشاه. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
- حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۹۶): جایگاه مردم در خصوصی‌سازی‌های اقتصاد ایران. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۷-۱۶۰ (منتشر نشده).
- حیدری، محمدرضا؛ درخشان، مرتضی (۱۴۰۳): بررسی مکانیسم‌های انگیزشی برای مردمی‌سازی اقتصاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۲۲-۵۸.
- خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۶): ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردم‌محور کردن اقتصاد. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۵۲-۷۲ (منتشر نشده).
- دانش جعفری، داوود (۱۳۹۶): کانال‌های اثرگذاری مردم بر اقتصاد. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۶۲-۹۸. (منتشر نشده).
- داوودی، پدرام (۱۴۰۳): مشارکت مردم و بخش خصوصی در خدمات قضائی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۴۳۱-۴۳۱.

۴۵۲.

درخشان، مرتضی؛ نصراللهی، خدیجه (۱۳۹۳): تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد با شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران. اقتصاد اسلامی، ۵۵ (۱۴)، ۸۸-۶۱.

درخشان، مسعود (۱۳۹۶): الگوی مشارکت مردم. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۷-۴۲. (منتشر نشده).

ذبیحی، سیدمحمد قائم؛ قریشی، سیدحسن؛ رضوانیان، مسعود؛ سعیدی، الهه (۱۴۰۳): کاربست مردمی‌سازی انرژی‌های تجدیدپذیر با نقش میانجی‌گری توسعه نیروگاه‌های مجازی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۴۵۲-۴۸۴.

رحمت‌اللهی، حسین؛ محمدآقایی، احسان‌آقا (۱۳۹۲): درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم. مطالعات حقوقی، ۱۰ (۵)، ۶۷-۱۰۸.

رحیمی، ابراهیم (۱۴۰۰): بررسی نقش مشارکت‌های مردمی در کمیته امداد خمینی در مصرف‌خانوارها در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی. دانشگاه پیام نور تفت، یزد.

رزمی، سیدمحمدجواد؛ درتومی، اکرم (۱۴۰۳): حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در جهت محوریت مردم در اقتصاد (تجربه برخی کشورهای جهان). وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۳۰۳-۳۴۱.

رشیدی، علی (۱۳۸۱): تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم سالار. رفاه اجتماعی، ۵ (۲)، ۴۷-۷۰.

رضائی‌نژاد، محمدرضا (۱۴۰۲): با هم می‌شود. مشارکت مردمی، راهگشای توسعه پایدار. تهران: فراهنر.

رضی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۶): *آموزه‌های تمدن اسلامی ایرانی برای مردم‌محوری در اقتصاد*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۱۴-۱۳۸. (منتشر نشده).

رنجبران، رضا؛ رجبی، سجاد؛ غیائی، هادی (۱۴۰۰): *اقتصاد مردم محور*. اول. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

روزبه پیروز (۱۳۹۹): *از چاه به راه، گذر از اقتصاد دولتی به اقتصاد مردمی*. دنیای اقتصاد. زیرباف و همکاران، سیدمهدی (۱۳۹۵): *درآمدی بر نظریه اقتصاد مقاومتی*. سازمان پدافند غیرعامل کشور: مؤسسه پژوهشی مبانی و مدل‌های اقتصاد بومی.

زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۶): *تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): *گفتارهایی در اقتصاد مردم محور*. جلد اول. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۰۱-۱۳۰. (منتشر نشده).

سازمان پدافند غیرعامل کشور، قرارگاه پدافند اقتصادی (۱۳۹۴): *درآمدی بر پدافند اقتصادی*. تهران: سازمان پدافند غیرعامل کشور.

سپهر دوست، حمید؛ زمانی شبخانه، صابر (۱۳۹۴): *بررسی نقش تعاونی‌ها در ایجاد انگیزه‌های مشارکتی و توسعه اقتصادی*. مطالعات ملی، ۶۳ (۱۶)، ۱۲۱-۱۴۴.

سعیدی، علی (۱۳۹۶): *کنکاشی در مفهوم اقتصاد مردمی*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): *گفتارهایی در اقتصاد مردم محور*. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۹۵-۱۱۴. (منتشر نشده).

سعیدی، علی (۱۴۰۳): *امکان‌سنجی مردمی‌سازی صنعت نفت در ایران*. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): *مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی*. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۴۰۳-۴۳۱.

سید اشرف موسوی لقمانی؛ میرسامان پیشوایی (۱۴۰۳): *تبیین اصول دیدمان اقتصاد مردمی و راه‌کارهای تضمین تحقق توسط حاکمیت*. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱)، ۹۳-۱۲۶.

سید حسین زاده، سعید؛ حسینی، سید عقیل (۱۴۰۳): دلالت‌های مکتب اردو لیبیرالیسم آلمانی برای مردمی‌سازی اقتصاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.

سیفلو، سجاد (۱۴۰۳): چارچوب مفهومی مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی. پژوهش‌های کاربردی اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱)، ۲۸-۶۳.

شریفی، سیدمسعود (۱۳۹۹): بررسی نظری آثار و پیامدهای اقتصاد توکنی و دلالت‌های آن در تحول ساختاری اقتصاد ایران (در راستای مردمی‌سازی اقتصاد ایران طبق الگوی اقتصاد مقاومتی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

شعبانی، محمدتقی (۱۴۰۱): سازوکارهای نهادینه سازی مردم‌سالاری دینی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. کارشناسی ارشد. دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، تهران. دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی.

شفیعا، محمدعلی؛ موسوی لقمان، سیده اشرف (۱۳۹۲): نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری. اقتصاد اسلامی، ۵۱ (۱۳)، ۳۵-۶۲.

شهیدی، سجاد (۱۴۰۱): نقش بخش سوم اقتصاد در تقویت نظام مواسات در شرایط رکود کرونایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم، قم. دانشکده مدیریت و اقتصاد.

شیخی، سینا (۱۴۰۲): بررسی موانع حکمرانی مردمی در ایران و ارائه راهکارهایی برای ارتقای نقش مردم در حکمرانی. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۵۴ (۳۱)، ۸۴۰-۸۶۳.

ظهوریان، میثم (۱۴۰۳): طراحی الگوی پیشرفت روستایی مردم‌محور با تکیه بر تجربه جهاد سازندگی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی.

عباسی خوشکار، امیر (۱۴۰۱): الزامات و بایسته‌های اقتصادی حکمرانی مطلوب استانی در چارچوب رویکرد اقتصاد مقاومتی. حکمرانی متعالی، ۱۱ (۳)، ۱۰۷-۱۲۵.

عباسی، سجاد (۱۴۰۲): *اقتصاد محله اسلامی و نقش مردم در بالندگی آن*. تهران: نگارستان اندیشه.

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۶): *ارتباط اقتصاد مردم محور با اقتصاد منطقه‌ای*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۳۲-۵۳.

عبدی، بیژن؛ کهن هوش نژاد، روح‌اله (۱۳۹۵): *نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی*. تعاون و کشاورزی، ۲۳۷ (۵)، ۱۴۳-۱۷۴.

عزت‌آبادی‌پور، حسام (۱۴۰۲): *بررسی و آسیب‌شناسی الگوی تأمین مالی تشکلهای مردم‌نهاد در ایران*. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۶۱ (۳۱)، ۲۱۹۸-۲۲۲۱.

عزتی، مرتضی؛ قیصری، رجبعلی (۱۴۰۲): *تعاون در قرآن و تعاونی اقتصادی*. مجله اقتصاد و بانکداری اسلامی.

عسگر مهدی‌وند (۱۳۹۸): *راهکارهای مردمی کردن اقتصاد با رویکرد مکمل در تمدن اسلامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی، تهران. دانشکده اقتصاد.

غفاری، مجتبی (۱۳۹۹): *آزادی اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام و سرمایه‌داری از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی*. معرفت اقتصاد اسلامی، ۲۳ (۱۲)، ۶۹-۸۸.

فلاح، محمدرضا؛ جامی‌پور، مونا (۱۴۰۱): *ارائه مدلی برای توانمندسازی کسب‌وکارهای خانگی تحت پوشش بسیج سازندگی استان قم*. مطالعات راهبردی بسیج، ۹۳ (۲۵)، ۳۵-۷۶.

فلاح، محمدرضا؛ جعفری، مهدی؛ عبادی، روح‌الله (۲۰۲۰): *ارائه مدلی برای بررسی و تبیین نقش وقف بر اندازه دولت در اقتصاد با تأکید بر نقش کارآفرینی اجتماعی*. مجلس و راهبرد، ۲۷ (۱۰۴)، ۵-۳۰.

فیروزآبادی، سیداحمد؛ جعفری، محسن (۱۳۹۵): *مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین محور در حل چالش‌های پیش روی توسعه اجتماع محور روستایی* «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد». مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۷ (۴)، ۱۵۳-۱۷۳.

قادری ستاره؛ قادری نسرین؛ حجازی حسن (۱۳۹۴): نقش و مشارکت مردم در اقتصاد مقاومتی (اهداف و سیاست‌ها). همایش ملی اقتصاد مقاومتی چالش‌ها، واقعیت‌ها، راهکارها.

قاسمی، علی؛ رجایی رامشه، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۹): مولفه‌ها، معیارها و شاخص‌های مردم‌محوری در اقتصاد مقاومتی. معرفت، ۲۷۲ (۲۹)، ۶۱-۶۹.

قائد امینی، محمد؛ حسینی، سیدحسین (۱۴۰۳): نسبت سنجی مردمی‌سازی اقتصاد با خصوصی‌سازی در راستای تبیین بند یک سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۹۹-۱۳۸.

قدیمی، محمد (۱۴۰۲): بررسی ظرفیت گروه‌های مردمی در ارتقای زنجیره ارزش زعفران خراسان رضوی با هدف کاهش حاشیه‌نشینی مبتنی بر بند ۱ و ۲۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

قربانی، عبدالعظیم؛ سلیمانی، محمد؛ رنجبران، رضا؛ تاجه‌بند، علیرضا (۱۳۹۷): اولویت‌بندی و تحلیل تعامل مؤلفه‌های اقتصاد مردم‌بنیاد بر پایه تلفیق روش‌های MADM فازی. مطالعات راهبردی بسیج، ۸۱ (۲۱)، ۳۹-۶۵.

قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۲): خصوصی‌سازی و مشارکت مردم در اقتصاد: خصوصی‌سازی به مثابه ابزاری برای تعدیل اقتصادی. مجلس و راهبرد، ۲ (۱)، ۱۶۱-۱۸۲.

قزوینیان، دانیال (بهمن ۱۴۰۰): نقش مشارکت مردمی در جبران شکست بازار و دولت در اسلام و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، تهران. دانشکده اقتصاد. قلیچ، وهاب (۱۳۹۶): برقراری تعامل کارا با ذی‌نفعان؛ نقش بانک مرکزی در پیشبرد اقتصاد مردمی. تازه‌های اقتصاد، ۱۵۱ (۲۹)، ۶۸-۷۰.

قناعتی، مهدی (۱۳۹۵): بررسی نقش برخورداری شهروندان از دانش فناوری اطلاعات در تحقق شاخصه مردم‌محوری اقتصاد مقاومتی (مورد مطالعه شهر اصفهان). کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) - دانشگاه پیام نور استان تهران - دانشکده مدیریت و حسابداری.

قنبریان، محسن (۱۴۰۰): *اقتصاد مردمی*.

کریم، محمدحسین (۱۴۰۳): *ارزیابی تأثیر مردمی‌سازی و فساد بر تاب‌آوری اقتصادی*. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۹۴-۲۲۵.

کریمی، علی‌اکبر (۱۴۰۳): *نقش و جایگاه الگوی مصرف در مردمی‌سازی اقتصاد*. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۳۸-۱۶۴.

گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار) (۱۳۹۶): *گفتارهایی در اقتصاد مردم محور*. جلد اول و دوم. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع). (منتشر نشده).

گلشنی، افسانه (۱۳۹۷): *مدل‌سازی عوامل مؤثر بر مشارکت افراد در اقتصاد مشارکتی در ایران*. دانشگاه الزهرا (س)، تهران. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد.

محمد امیر سیف علی (۱۴۰۰): *ارزیابی تاب‌آوری اقتصاد ایران از منظر مردمی‌سازی اقتصاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی، تهران. دانشکده اقتصاد.

محمدی، سید محمود (۱۴۰۰): *طراحی الگوی حکمرانی قضایی مردم پایه ایرانی-اسلامی*. اولین همایش بین‌المللی حکمرانی متعالی. دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.

محمدی‌پور، احمد؛ دیباوند، هادی (۱۳۹۸): *بررسی اقتصاد مردمی در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی: پیشنهادهایی برای قانون برنامه هفتم*. دین و قانون، ۲۴ (۶)، ۸۴-۱۱۸.

محمود، گنج‌بخش (۱۴۰۰): *چگونگی مردمی‌سازی حکمرانی اقتصادی (مطالعه موردی مردمی‌سازی صنعت لیزینگ در کشورهای منتخب)*. اولین همایش بین‌المللی حکمرانی متعالی. دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی.

مصطفوی، علی (۱۴۰۳): *چارچوب مفهومی نقش مردم در توزیع عادلانه یارانه*. وحید

ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۳۷۳-۴۰۳.

مقصودی، حمیدرضا (۱۳۹۶): *تاملاتی در ابعاد نظری و واقعی اقتصاد مردم‌محور*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم‌محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۷۳-۹۳. (منتشر نشده).

مقصودی، حمیدرضا (۱۴۰۳): *دلالت‌هایی برای شیوه مردمی‌سازی در الگوی اقتصاد چینی*. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۲۷۹-۳۰۳.

موحدی‌بکنظر، مهدی (۱۴۰۰): *راهبردهای مالیاتی برای دولت؛ عدالت مالیاتی لازمه اقتصاد مردمی*. علوم انسانی اسلامی صدرا، ۳۸ (۰)، ۲۰۱-۲۰۴.

موسعلی، مجید (۱۳۹۴): *ارزیابی اقتصادی راه‌اندازی پالایشگاه‌های کوچک مقیاس در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع)، تهران. دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

موسوی لقمان، اشرف‌السادات؛ پیشوایی، میرسامان (۱۳۹۹): *ضرورت نقش‌آفرینی حاکمیت در ترویج و نهادینه‌سازی مدل‌های کسب‌وکار اقتصاد مردمی*. علوم انسانی اسلامی صدرا، ۳۴ (۰)، ۳۰۸-۳۱۳.

میدری، احمد (۱۳۸۴): *خصوصی‌سازی مردمی از منظر مکتب نهادگرایی*. جامعه و اقتصاد، سال دوم، شماره پنجم، ۴۴-۵۸.

میر باقری، سیدمحسن؛ عبدی، اسماعیل (۱۴۰۱): *مفهوم‌شناسی حکمرانی مشارکتی*. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۵۰ (۳۰)، ۲۱۴۶-۲۱۷۴.

ناجی میدانی، علی‌اکبر؛ شعبانی، زینب (۱۴۰۳): *تأثیر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در امنیت غذایی کشور و نقش تعیین‌کننده مشارکت مردم*. وحید ارشدی، رضا تنهایی

- مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۱۴۰۱-۵۱۰.
- ناسخیان، علی اکبر (۱۴۰۳): روش‌شناسی طبقه‌بندی مردم و مسئله تعارض منافع در اقتصاد مردم‌بنیاد. وحید ارشدی، رضا تنهایی مقدم گلشیخی (ویراستاران): مجموعه مقالات مردمی سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی. مشهد: پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، ۹۹-۵۸.
- نجفی‌رستاقی، حیدر؛ رجب‌پور، حسین؛ شجاعی، سعید (۱۴۰۳): درآمدی بر «منشور حکمرانی مردمی در جهش تولید». گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۶۵ (۳۲)، ۱۴۲۶-۱۴۹۰.
- ندیری، معصومه (۱۴۰۳): مطالعه موانع و چالش‌های روابط بین سازمانی متولیان بخش تعاونی با تمرکز بر نقش قوانین. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۶۵ (۳۲)، ۱۱۰۸-۱۰۷۵.
- ندیری، معصومه (۱۴۰۳): نقش تعاونی‌ها در اقتصاد مقاومتی (۱)؛ راهکارهای ارتقای بهره‌وری تعاونی‌های دانش‌بنیان در مسیر اقتصاد ملی. گزارش‌های کارشناسی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی)، ۱۶۵ (۳۲)، ۱۶۳۴-۱۶۶۲.
- نعمتی، محمد (۱۳۹۶): مانع اصلی در تحقق اقتصاد مردم محور. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد دوم. تهران: مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۷-۱۳۷. (منتشر نشده)
- نعمتی، مهدی (۱۳۹۹): نگاهی به رساله دکتری هم‌راستایی توسعه پالایشگاه‌های کوچک با اقتصاد مقاومتی؛ منظری نهادگرایانه به حکمرانی نفت در ایران. علوم انسانی اسلامی صدرا، ۳۲ (۰)، ۱۸۳-۱۸۵.
- نیلی، مسعود (۱۳۹۶): مقایسه ساختار اقتصاد ایران با ساختار متعارف اقتصادی و تبیین موانع اصلاحات اقتصادی در ایران. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): گفتارهایی در اقتصاد مردم محور. جلد اول. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۶۲-۴۲. (منتشر شده)

وات، سایمون؛ شوابه، کارستون (۱۴۰۱)، رحمان سعادت، محمدحسین عرب (ویراستاران): *اقتصاد و مردم سالاری اجتماعی*. تهران، حزب اراده ملت ایران.

واحد اقتصادی (۱۳۹۵): مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی. سیدمهدی زریباف و همکاران (ویراستار): *درآمدی بر نظریه اقتصاد مقاومتی*. سازمان پدافند غیرعامل کشور: مؤسسه پژوهشی مبانی و مدل های اقتصاد بومی، ۱-۲۲.

الیاسی اجلالی، فرشید (۱۴۰۲): *بررسی مؤلفه های مردم سالاری دینی در اقتصاد مقاومتی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شاهد، تهران. دانشکده علوم انسانی.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱): *الگوی مردم سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی*. اقتصاد اسلامی، ۴۸ (۱۲)، ۵۳-۷۶.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۳): *مدل مردم سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت محور*. اقتصاد اسلامی، ۵۳ (۱۴)، ۵۷-۸۴.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۴): *اقتصاد تعاونی از منظر اسلام: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵): *مبانی و مدل های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*. شهرکرد: مقاومت.

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۶): *نسبت اقتصاد تعاونی با اقتصاد مردم محور و مدل های اجرایی آن از منظر اسلام*. گروه اقتصاد مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع) (ویراستار): *گفتارهایی در اقتصاد مردم محور*. جلد اول. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۲-۱۷۰. (منتشر نشده).

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۶): *نظام اقتصاد مقاومتی (ماهیت، مبانی، اهداف، ساختار، اصول راهبردی و مدل های اجرایی)*. تهران، نگاه فارسی.

یوسفی، احمدعلی؛ غفاری، مجتبی (۱۳۹۵): *نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب)*. پژوهش های اقتصاد مقاومتی، ۱ (۱)، ۱۱۳-۱۴۲.

- Abbasi Khoshkar, A. (2022). Economic requirements and essentials of optimal provincial governance within the framework of resistant economy approach. *Transcendent Governance*, 11 (3), 107-125. (In Persian)
- Abbasi, S. (2023). Islamic neighborhood economy and the role of people in its growth. Tehran: Negarestan Andisheh. (In Persian)

- Abdali-Mohammadi, A. (2018). The role of public marketing in achieving a resilient economy: Case study of production units in Qom Province. *Journal of Resistance Economy Research*, 5 (3). (In Persian)
- Abdi, B.; Kohan Houshnejad, R. (2016). The role of cooperative economy in fulfilling the requirements of resistant economy. *Cooperation and Agriculture*, 237 (5), 143–174. (In Persian)
- Abdolmaleki, H. (2017). Relationship between people-centered economy and regional economy. In: Economic Group, Basij Research Center of Imam Sadegh University (Ed.), *Essays on People-Centered Economy*, Vol. 2, 32–53. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University. (In Persian)
- Akram Dartoumi; Majid Ghaderi (2017). Public dimension of resistance economy. Conference on cultural aspects of resistance economy. (In Persian)
- Anamradnejad, R.B.; Bozri, S.; Hosseini-Doost, S. (2013). The role of public participation in urban economy and management: Case study of Amol city. *Urban Economy and Management*, 3 (1), 127–139. (In Persian)
- Ansaripour, M.H.; Safarian, A.H. (2024). Popular economy: The model of Quranic economy. *Applied Research in Resistance Economy*, 1 (1), 64–92. (In Persian)
- Arshadi, V.; Fazel, R. (2024). Study of common voluntary experiences in education to reform conventional mechanisms of public participation in education; In: Collection of articles on the popularization of the economy and resistance economy. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 341–373. (In Persian)
- Arshadi, V.; Nemati, M. (2024). Subject analysis of popular (people-based) economy using focus group method. *Applied Research in Resistance Economy*, 1, 11–27. (In Persian)
- Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) (2024). Collection of articles on the popularization of the economy and resistance economy. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Asgar Mahdivand, M. (2019). Strategies for popularizing the economy with a complementary approach in Islamic civilization. M.A. Thesis. Tehran: Kharazmi University, Faculty of Economics. (In Persian)
- Danesh Jafari, D. (2017). Channels of public impact on the economy. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 1. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 62–98. (Unpublished) (In Persian)
- Davoodi, P. (2024). Public and private participation in judicial services. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) Collection of articles on popularization of the economy and resistance economy. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 431–452. (In Persian)
- Derakhshan, M. (2017). People participation model. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 1. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 17–42. (Unpublished) (In Persian)

- Derakhshan, M.; Nasrollahi, K. (2014). Analysis of the effect of third sector development on economy with economic indicators and development strategies in Iran. *Islamic Economy*, 55 (14), 61–88. (In Persian)
- Economic Group, Basij Research Center of Imam Sadegh University (Ed.) (2017). *Essays on people-centered economy*, Vols. 1 & 2. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University. (Unpublished) (In Persian)
- Economic Group, Basij Research Center of Imam Sadegh University (Ed.), *Discussions on People-Centered Economy*, Vol. 2 (pp. 73–93). Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University. (Unpublished) (In Persian)
- Economic Unit. (2016). Public participation in resistant economy. In M. Ziribaf & colleagues (Eds.), *Introduction to the theory of resistant economy* (pp. 1–22). Tehran: Organization for Passive Defense.
- Elyasi Ejlali, F. (2023). Examining components of religious democracy in resistant economy. M.A. Thesis, Shahed University, Tehran.
- Esmailpour, T. (2023). An overview of popular governance. Serial No. 18956. Tehran: Majlis Research Center. (In Persian)
- Esmailpour, T.; Nazarian-Mofid, M.; Sheikhi, S.; Nodeh-Farahani, E.; Abdolhosseinzadeh, M.; Karimi-Fard, H., et al. (2023). An overview of popular governance. *Expert Reports* (Majlis Research Center), 154 (31), 350–376. (In Persian)
- Ezzatabadi Pour, H. (2023). Reviewing and analyzing the financing model of NGOs in Iran. *Research Reports* (Islamic Parliament Research Center), 161 (31), 2198–2221. (In Persian)
- Ezzati, M.; Gheysari, R. (2023). Cooperation in the Quran and economic cooperatives. *Journal of Islamic Economics and Banking*. (In Persian)
- Falah, M.R.; Jafari, M.; Ebadi, R. (2020). A model for examining and explaining the role of endowment in government size in the economy with emphasis on social entrepreneurship. *Majles va Rahbord*, 27 (104), 5–30. (In Persian)
- Falah, M.R.; Jafari, M.; Ebadi, R. (2020). A model for examining and explaining the role of endowment on government size in the economy with emphasis on social entrepreneurship. *Majles va Rahbord*, 27 (104), 5–30. (In Persian)
- Falah, M.R.; Jami Pour, M. (2022). A model for empowering home-based businesses under the coverage of Basij-e Sazandegi in Qom province. *Strategic Studies of Basij*, 93 (25), 35–76. (In Persian)
- Falah, M.R.; Jami Pour, M. (2022). A model for empowering home-based businesses under the coverage of Basij-e Sazandegi in Qom province. *Strategic Studies of Basij*, 93 (25), 35–76. (In Persian)
- Firouzabadi, S.A.; Jafari, M. (2016). Examining the capabilities of religion-based local NGOs in addressing challenges to rural community development: Case study of Talabeh Abad Jihadi Group. *Studies on Iranian Islamic Development Model*, 7 (4), 153–173. (In Persian)
- Ghadimi, M. (2023). Assessing the capacity of people's groups in enhancing

- the saffron value chain in Khorasan Razavi to reduce marginalization based on Clauses 1 and 20 of the general policies of resistant economy. M.A. Thesis. Tehran: Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Economics. (In Persian)
- Ghadiri Setareh, N.; Ghadiri Nasrin; Hejazi, H. (2015). The role and participation of people in the resistant economy (goals and policies). National Conference on Resistant Economy: Challenges, Realities, Solutions. (In Persian)
- Ghaedamini, M.; Hosseini, S. (2024). Measuring the popularization of the economy in comparison with privatization in line with Clause 1 of the policies of resistant economy. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities, 99–138. (In Persian)
- Ghaffari, M. (2020). Economic freedom in the Islamic economic system and capitalism from the perspective of the Supreme Leader. Ma'refat-e Eghtesad-e Islami, 23 (12), 69–88. (In Persian)
- Ghalich, V. (2017). Establishing effective interaction with stakeholders: The role of the central bank in promoting a people-centered economy. Tazehaye Eghtesad, 151 (29), 68–70. (In Persian)
- Ghan'ati, M. (2016). Examining the role of citizens' IT knowledge in achieving people-centered economy indicators (Case study: Isfahan). M.A. Thesis, Payame Noor University, Tehran, Faculty of Management and Accounting. (In Persian)
- Ghanbariyan, M. (2021). People-centered economy. (In Persian)
- Gharebaghian, M. (1993). Privatization and public participation in the economy: Privatization as a tool for economic adjustment. Majles va Rahbord, 2 (1), 161–182. (In Persian)
- Ghasemi, A.; Rajaei Ramesheh, S.M.K. (2020). Components, criteria, and indicators of people-centeredness in the resistant economy. Ma'refat, 272 (29), 61–69. (In Persian)
- Ghazvinian, D. (Feb. 2022). The role of public participation in compensating market and government failures in Islam and Iran. M.A. Thesis. Tehran: University of Tehran, Faculty of Economics. (In Persian)
- Ghorbani, A.; Soleimani, M.; Ranjbaran, R.; Tajeband, A. (2018). Prioritizing and analyzing the interaction of people-based economy components using a fuzzy MADM approach. Strategic Studies of Basij, 81 (21), 39–65. (In Persian)
- Golshani, A. (2018). Modeling the factors influencing individual participation in participatory economy in Iran. M.A. Thesis. Tehran: Alzahra University, Faculty of Social Sciences and Economics. (In Persian)
- Habibi, M.; Bagheri Nasrabadi, M. (2017). Examining institutional priorities to remove key barriers to public participation in economic jihad. Strategic Studies of Basij, 74 (74), 5–28. (In Persian)
- Hadadi, A.; Hashemi, S.H.; Zare, S. (2024). Series of reports on monitoring

- public participation: Report 1: Public participation measurement model with emphasis on youth. Expert Reports (Majlis Research Center), 165 (32), 335–378. (In Persian)
- Hassani, M.; Hosseini, S. (2016). Imam, people, economy: Explanation of the model and criteria of people-centered economy based on the thought of Imam Khomeini (RA). Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University. (In Persian)
- Hassani, M.; Kajuri, J.; Bahraman, H. (2020). Quality of people's role in social security: Comparative study of Islamic and capitalist economic schools. *Ma'refat Islamic Economy*, 22 (11), 191–208. (In Persian)
- Heydari, M.R.; Derakhshan, M. (2024). Studying motivational mechanisms for popularizing the economy. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) *Collection of articles on popularization of the economy and resistance economy*. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 22–58. (In Persian)
- Eqtesād-e Moqāvemati; Mashhad: Pazhuheshkade, 22–58. (In Persian)
- Heydari-Kord Zanganeh, G. (2017). The status of people in privatizations in Iran. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 2. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 147–160. (Unpublished) (In Persian)
- Heydorkhani, H.; Kalantari, A.; Mohbi, S. (2017). Examining the role of social capital in people's inclination to resistance economy models in Kermanshah city. *Studies on Iranian Islamic Progress Model*. (In Persian)
- Hosseini, A. (2024). Examining the impact of popularization on resistance economy in a rentier economy framework. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) *Collection of articles on popularization of the economy and resistance economy*. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 164–194. (In Persian)
- Hosseini, S.H. (2018). Investigating the realization of public participation through privatization in Iran's economy: Case study of the Telecommunication Company of Iran. Master's Thesis. Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Knowledge and Economics, Tehran. (In Persian)
- Hosseini, S.H.; Mohbi, M.T. (2018). The role of national awakening and trust in realizing the resistance economy model based on Imam Khomeini's thought. *Resistance Economy Research*, 5 (3), 9–32. (In Persian)
- Hosseini, S.H.; Soleimani, M. (2019). People's participation model in the economy with emphasis on Imam Khomeini's thought. *Ma'refat Islamic Economy*, 21 (11), 131–150. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S.M. (2021). The role of religion in enhancing economic cooperation to correct market and government failures: Experimental approach. Social institutions as supra-institution beyond government and market. PhD Dissertation, University of Tehran, Faculty of Economics, Tehran. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S.M.; Towhidi-Nia, A.; Naderan, E. (2022). Comparison of

- religiosity effect on public goods production and natural resource preservation: An experimental study. *Fiscal and Economic Policies*, 39 (10), 7–41. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S.M.; Towhidi-Nia, A.; Naderan, E. (2023). Explaining the concept of popular economy from the duality of individual and society. *Islamic Economy Studies*, 15 (1), 25–52. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S.M.; Towhidi-Nia, A.; Naderan, E. (2024). Social institutions as economic organizing beyond market and government duality. *Majlis and Strategy*. (In Persian)
- Irannejad, E.; Sabouri, R. (2023). Examining the role of public participation in regional planning (East Azerbaijan Province). *Supreme Governance*, 15 (4), 97–122. (In Persian)
- Jahaniyan, N. (2016). The status of endowment institutions in the third sector economy. *Islamic Economy*, 62 (16), 79–106. (In Persian)
- Jahaniyan, N. (2017). Endowment in people-centered economy. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 2. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 17–31. (In Persian)
- Janidi Jafari, M., & Salimi, G. (2024). The role of people in economy from the perspective of the Supreme Leader. *Applied Research in Resistant Economy*, 1(1), 127–168. (In Persian)
- Karim, M.H. (2024). Evaluating the impact of popularization and corruption on economic resilience. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy*. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities, 194–225. (In Persian)
- Karimi, A.A. (2024). The role and position of consumption pattern in popularizing the economy. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy*. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities, 138–164. (In Persian)
- Khandouzi, S.E. (2017). Evaluating post-revolution governments' performance in people-centered economy. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 2. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 52–72. (Unpublished) (In Persian)
- Mahmoud, G. (2021). How to popularize economic governance: Case study of popularization in the leasing industry in selected countries. In *First International Conference on Advanced Governance*. Supreme National Defense University, Shahid Beheshti School of Governance, Tehran. (In Persian)
- Maqsoudi, H. R. (2024). Implications for the method of popularization in the Chinese economic model. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghaddam Golshikhi (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy* (pp. 279–303). Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Midari, A. (2005). Popular privatization from the perspective of

- institutionalism. *Society and Economy*, 2(5), 44–58.
- Mirbagheri, S. M., & Abdi, E. (2022). Conceptualization of participatory governance. *Expert Reports*, 150(30), 2146–2174.
- Mohaedi Beknazar, M. (2021). Tax strategies for government; Tax justice as a prerequisite for a people-centered economy. *Islamic Human Sciences Sadra*, 38(0), 201–204. (In Persian)
- Mohammadi Pour, A., & Dibavand, H. (2019). Examining people-centered economy in post-revolution development plans: Proposals for the Seventh Development Plan. *Din va Qanun*, 24(6), 84–118. (In Persian)
- Mohammadi, S. M. (2021). Designing an Iranian-Islamic people-based judicial governance model. In *First International Conference on Advanced Governance*. Supreme National Defense University, Shahid Beheshti School of Governance, Tehran. (In Persian)
- Mosaeli, M. (2015). Economic evaluation of establishing small-scale refineries in line with the objectives of resistant economy. M.A. Thesis, Imam Sadiq University, Tehran.
- Mostafavi, A. (2024). Conceptual framework for the role of people in the fair distribution of subsidies. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghaddam Golshikhi (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy* (pp. 373–403). Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Mousavi Loghman, A.-S., & Pishvaei, M. (2020). The necessity of governance role in promoting and institutionalizing people-centered business models. *Sadra Islamic Humanities*, 34(0), 308–313.
- Mousavi Loghmani, S.A.; Pishvaei, M. (2024). Explaining the principles of people-centered economy and measures to ensure its realization by the government. *Applied Research in Resistant Economy*, 1 (1), 93–126. (In Persian)
- Naemati, M. (2017). Main obstacle in achieving a people-centered economy. In H. R. Maqsoodi (Ed.), *Essays on People-Centered Economy* (Vol. 2, pp. 137–147). Imam Sadiq University, Tehran.
- Naemati, M. (2020). A look at the PhD thesis on aligning small refinery development with resistant economy; An institutional perspective on oil governance in Iran. *Sadra Islamic Humanities*, 32(0), 183–185.
- Najafi-Rastagi, H., Rajabpour, H., & Shojaei, S. (2024). Introduction to the "Charter of People's Governance in Production Leap." *Expert Reports*, 165(32), 1426–1490.
- Najimi Midani, A.-A., & Shabani, Z. (2024). The impact of agricultural land-use changes on national food security and the decisive role of public participation. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghaddam Golshikhi (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy* (pp. 484–510). Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities.
- Nasakhian, A.-A. (2024). Methodology for classifying people and the issue of conflict of interest in a people-based economy. In V. Arshadi & R. Tanhaei

- Moghaddam Golshikhi (Eds.), Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy (pp. 58–99). Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities.
- Nediri, M. (2024). Studying obstacles and challenges in inter-organizational relations of cooperative sector authorities with focus on the role of laws. Expert Reports, 165(32), 1075–1108.
- Nediri, M. (2024). The role of cooperatives in the resistant economy (1); Solutions to improve the productivity of knowledge-based cooperatives on the path of national economy. Expert Reports, 165(32), 1634–1662.
- Nili, M. (2017). Comparing the structure of Iran's economy with the conventional economic structure and explaining obstacles to economic reforms in Iran. In H. R. Maqsoudi (Ed.), Essays on People-Centered Economy (Vol. 1, pp. 42–62). Imam Sadiq University, Tehran.
- Organization of Passive Defense of the Country, Economic Defense Headquarters (2015). An introduction to economic defense. Tehran: Organization of Passive Defense of the Country. (In Persian)
- Pishvaei, M.; Mousavi, A.S.; Salsabil, M. (2017). Business models of popular economy. Qom: Al-Ahmad Publications. (In Persian)
- Rahimi, E. (2021). Examining the role of public participation in the Imam Khomeini Relief Foundation on household consumption in Iran. Master's Thesis in Public Administration. Payame Noor University, Taft, Yazd. (In Persian)
- Rahmatollahi, H.; Mohammad-Aghaei, E.A. (2013). Overview of the government's role in people's participation process. Legal Studies, 10 (5), 67–108. (In Persian)
- Ranjbaran, R.; Rajabi, S.; Ghiyasi, H. (2021). People-centered economy. Vol. 1. Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- Rashidi, A. (2002). Social security in people-centered economy. Social Welfare, 5 (2), 47–70. (In Persian)
- Razmi, S.M.J.; Dartoumi, A. (2024). Supporting small and medium enterprises toward people-centered economy (Experience of some world countries). In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) Collection of articles on popularization of the economy and resistance economy. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 303–341. (In Persian)
- Rezaeinejad, M.R. (2023). Together it is possible: Public participation as a key to sustainable development. Tehran: Farahner. (In Persian)
- Rezi, S.M.R. (2017). Teachings of Iranian Islamic civilization for people-centered economy. In: Endowment in people-centered economy, Vol. 2. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 114–138. (Unpublished) (In Persian)
- Roozbeh-Pirouz, (2020). From the well to the road: Transition from state economy to people's economy. Donya-e-Eqtesad. (In Persian)
- Saeedi, A. (2017). Exploring the concept of people-centered economy. In: Economic Group, Basij Research Center of Imam Sadegh University (Ed.),

- Essays on People-Centered Economy, Vol. 2, 95–114. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University. (Unpublished) (In Persian)
- Saeedi, A. (2024). Feasibility study of popularizing the oil industry in Iran. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy, 403–431. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Seif Ali, M. A. (2021). Assessing the resilience of Iran's economy from the perspective of popularization of economy. M.A. Thesis, Kharazmi University, Faculty of Economics, Tehran. (In Persian)
- Sepehroust, H.; Zamani Shabkhaneh, S. (2015). Examining the role of cooperatives in creating participatory incentives and economic development. National Studies, 63 (16), 121–144. (In Persian)
- Seyedhosseinzadeh, S.; Hosseini, S.A. (2024). Implications of the German ordoliberal school for popularizing the economy. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Seyfloo, S. (2024). Conceptual framework of people-centeredness in resistant economy. Applied Research in Resistant Economy, 1 (1), 28–63. (In Persian)
- Shabani, M.T. (2022). Mechanisms for institutionalizing religious democracy in the Islamic-Iranian model of progress. M.A. Thesis. Tehran: Baqir al-Ulum University, Faculty of History and Political Studies. (In Persian)
- Shafiea, M.A.; Mousavi Loghmani, S.A. (2013). The role of people in economic development in the thought of Supreme Leader. Islamic Economy, 51 (13), 35–62. (In Persian)
- Shahidi, S. (2022). The role of the tertiary sector in strengthening the system of mutual aid during the COVID-19 recession. M.A. Thesis. Qom: University of Qom, Faculty of Management and Economics. (In Persian)
- Sharifi, S.M. (2020). Theoretical study of the effects and consequences of token economy and its implications for structural transformation of Iran's economy (in line with people-centered economy according to the resistant economy model). M.A. Thesis. Tehran: Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Economics. (In Persian)
- Sheikhi, S. (2023). Examining the barriers to people-centered governance in Iran and proposing solutions to enhance the role of the people in governance. Research Reports (Islamic Parliament Research Center), 154 (31), 840–863. (In Persian)
- Tanhaei Moghaddam, R. (2025). Economic democracy in critical analysis of the role of people in German Ordoliberalism school and proposing a framework for the popular economy of the Islamic Revolution. PhD Dissertation; Faculty of Islamic Knowledge and Economics, Imam Sadegh University, Tehran. (In Persian)
- Tanhaei Moghaddam, R.; Peyghami, A.; Abdolmaleki, H.; Sharifzadeh, M.J.

- (2023). Review of general policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran from the perspective of popular economy. *Islamic Economy Studies*, 14th year. (In Persian)
- Towhidi-Nia, A.; Norouzi, A. (2024). The role of government in popularizing the economy based on letters of Imam Ali (peace be upon him) to provincial governors. *Applied Research in Resistance Economy*, 1, 169–198. (In Persian)
- Wat, S., & Schwabe, K. (2022). *Economy and social democracy*. Tehran: Eradeh Mellat Party.
- Yousefi, A. (2012). Economic democracy model as a basis for economic freedom. *Islamic Economy*, 48(12), 53–76.
- Yousefi, A. (2014). Religious economic democracy model as a basis for sustainable national production and justice. *Islamic Economy*, 53(14), 57–84.
- Yousefi, A. (2015). *Cooperative economy from an Islamic perspective*. Tehran: Research Institute for Culture and Islamic Thought.
- Yousefi, A. (2016). *Foundations and models of public participation in resistant economy*. Shahr-e Kord: Moqavemat.
- Yousefi, A. (2017). *Resistant economy system (nature, foundations, objectives, structure, strategic principles, and executive models)*. Tehran: Negah Farsi.
- Yousefi, A. (2017). The relation of cooperative economy with people-centered economy and its executive models from Islamic perspective. In H. R. Maqsoodi (Ed.), *Essays on People-Centered Economy* (Vol. 1, pp. 132–170). Imam Sadiq University, Tehran.
- Yousefi, A., & Ghaffari, M. (2016). The role of people in resistant economy with emphasis on the statements of the Supreme Leader. *Resistant Economy Research*, 1(1), 113–142.
- Zahourian, M. (2024). Designing a people-centered rural development model based on the experience of Jihad-e Sazandegi. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.), *Collection of Papers on Popularization of Economy and Resistant Economy*. Mashhad: Research Institute for Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Zaribaf, S.M. (2017). Differences between popularization and privatization. In: *Endowment in people-centered economy*, Vol. 1. Tehran: Basij Research Center of Imam Sadegh University, 101–130. (Unpublished) (In Persian)
- Zaribaf, S.M., et al. (2016). *Overview of resistance economy theory*. National Passive Defense Organization: Research Institute of Indigenous Economy Models. (In Persian)
- Zibihi, S.M.Q.; Qureshi, S.H.; Rezvaniyan, M.; Saeedi, E. (2024). Application of popularization in renewable energies with mediation role in virtual power plant development. In: Arshadi, V.; Tanhaei Moghaddam Golshikhi, R. (Eds.) *Collection of articles on popularization of the economy and resistance economy*. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, 452–484. (In Persian)



Investigating and Ranking the Influence Paths of Religion on Economic Growth Using Analytic Hierarchy Process (AHP)

Mostafa Kazemi najafabadi: Associate Professor, Department of Social Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran.

mostafakazemi@rihu.ac.ir | 0000-0003-2271-2714

Mahdi Roayaei: Assistant Professor, Department of Islamic Economics, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

m.roayaei@qom.ac.ir | 0000-0002-0866-3007

Abstract

Many studies confirm the influence of religion on economic growth. In this research, by analyzing the content of the research conducted in the field of religion and economic performance, it is shown that religion, affects economic growth through variables such as social capital, job performance, religious capital, human capital and ethics. according to researchers' investigations using Islamic research, components and indicators for the above factors have been identified. However, the main purpose of compiling this article is to rank the main paths of religion's influence on economic growth and to prioritize their realization from the point of view of the elites, therefore, it is necessary to evaluate the importance of the mentioned criteria and their sub-criteria. In this regard, one of the best methods for importance assessment and ranking is the Analytical Hierarchy Process, which can be used to assess and rank religious factors and variables effective in economic growth. The results of the model implementation show that among the main factors and paths, religious capital is the most important, which is acceptable considering the main topic of the research, i.e. the effect of religion on economic growth. In the next rank are moral factors and social capital, which have relatively the same value. Finally, according to the elites, job performance and human capital are the least important in this regard. In the final ranking, the components of familiarity and awareness of religious culture, as well as belonging to and dependence on religious culture were recognized as the most important.

Keywords

Economic Growth, Religion, Islamic Economy, Analytical Hierarchy Process (AHP).

بررسی و رتبه‌بندی مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی: دانشیار، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

mostafakazemi@rihu.ac.ir

مهدی رعایائی: استادیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m.roayaei@qom.ac.ir

چکیده

تأثیر دین بر رشد اقتصادی در مطالعات نظری و تجربی متعددی بررسی شده و مورد تأیید قرار گرفته است. پژوهش حاضر در وهله نخست به دنبال تبیین جامع چرایی و چگونگی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی است که نتایج پژوهش بیانگر آن است که دین به عنوان یک پدیده چند بُعدی، از طریق متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. در مرحله بعدی با بررسی و تحلیل مضامین و محتوای پژوهش‌های صورت گرفته، ۲۴ مؤلفه و شاخص برای عوامل فوق استخراج گردیده است. در ادامه نیز با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) رتبه‌بندی مسیرهای اصلی تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی و اولویت‌گذاری آن‌ها از دیدگاه نخبگان به عنوان هدف اصلی مقاله دنبال شده است. نتایج پژوهش در این بخش نیز نشان می‌دهد که در میان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی، سرمایه دینی بیشترین اهمیت را دارد. در رتبه بعدی نیز عوامل اخلاقی و سرمایه اجتماعی هستند و در انتها عملکرد شغلی و سرمایه انسانی کمترین اثرگذاری بر رشد اقتصادی را دارند. همچنین طبق نتایج پژوهش، از میان ۲۴ مؤلفه مطرح شده مؤثر بر رشد اقتصادی، مؤلفه‌هایی مانند رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی، آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی و همچنین تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی دارای بیشترین اهمیت و مؤلفه‌های بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان، توانایی و مهارت‌های رفتاری و ارتباطی، کمترین تأثیر بر رشد اقتصادی را دارند.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، دین، اقتصاد اسلامی، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).

مقدمه

دین پس از آنکه طی قرون وسطی از زندگی اجتماعی و مجامع علمی دور مانده بود، طی قرون اخیر در همه زمینه‌ها از جمله در بررسی‌های علمی حرکت و رشد قابل توجهی داشته است. (عسگری و ابراهیمی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶) طبق دیدگاه کلمن دین به عنوان یک نظام معنایی می‌تواند بر سطوح خرد و کلان جامعه تأثیرگذار باشد. نمایش یا معرفی دین باعث شکل‌گیری نظام ارزش‌های اجتماعی در سطح کلان می‌گردد. این نظام ارزشی رفتارهای جمعی را شکل می‌دهد. همچنین تأثیر دین بر سطح خرد از طریق ایجاد ارزش‌ها و اعتقادات باعث بوجود آمدن گرایش و اعتقاد شده و تحت تأثیر کنترل‌های رفتاری منتج به ایجاد کنش می‌گردد که این کنش‌های فردی نیز بر رفتار فردی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد. (پورفرج و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۴۰)

این مهم در مباحث اقتصادی ظهور بیشتری دارد. مطالعات دینی در چند سطح می‌تواند علم اقتصاد را تقویت کند از جمله تولید اطلاعات در زمینه رفتارها، اصلاح پاسخ سؤالات مربوط به اعتقاد، هنجار و ارزش‌ها توسط مدل‌ها، تبیین اثرگذاری دین بر گرایش‌ات اقتصادی و فعالیت‌های افراد و گروه‌ها و ... (عسکری و درخشان، ۱۳۹۰، ص. ۱۸) در واقع بین دین و اقتصاد یک ارتباط دو طرفه وجود دارد. مطالعاتی که دین را متغیری وابسته در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که رشد اقتصادی چگونه بر نسبت دیندار به بی‌دین و نیز باورهای دینی در جامعه تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، مطالعاتی که دین را به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که دین چگونه بر ویژگی‌های افراد همچون اخلاق شغلی، صداقت و درجه مقتصد بودن افراد و در نتیجه عملکرد اقتصادی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. (مک‌کلیری و بارو، ۲۰۰۶، ص. ۴۹) در این پژوهش نیز از منظر دوم به تبیین رابطه بین دین و اقتصاد پرداخته می‌شود. در این میان یکی از مباحث مهم اقتصادی بحث رشد اقتصادی است که طبق بررسی‌ها شواهد تجربی زیادی تأثیر دین بر رشد اقتصادی را تأیید کرده‌اند. (پالانسا، ۱۹۸۶)

درواقع دین از طریق تقویت اخلاق، سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و ... در سطح

فردی، سازمانی و اجتماعی بر عملکرد تاثیر مثبت گذاشته و در نتیجه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. این شواهد از طریق جستجوی جامع و روشمند کتاب‌ها و مقالات معتبر علمی-پژوهشی گردآوری شده‌اند. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، تحلیلی-توصیفی است. روش انجام پژوهش را می‌توان در سه بخش کلی خلاصه کرد. در اولین مرحله به شناسایی عوامل و مسیرهای اصلی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی و تبیین مؤلفه‌های هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود؛ در مرحله دوم، وزن نسبی هریک از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی (عوامل اصلی و معیارهای مستخرج در درخت تحلیل سلسله‌مراتبی) با استفاده از روش AHP تعیین و در مرحله نهایی نیز در شاخه خود و همچنین به صورت کلی اولویت‌بندی می‌شوند.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند در رابطه با تأثیر متقابل دین و اقتصاد، پژوهش‌هایی انجام شده است، اما طبق بررسی‌های صورت گرفته، پژوهشی که به صورت جامع به بررسی طرق و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی پرداخته باشد، به چشم نمی‌خورد. از این رو در ادامه به برخی از مطالعاتی که قرابت بیشتری با موضوع مقاله دارند، اشاره می‌شود.

قنبری نیک (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه دین و توسعه با تاکید بر آموزه‌های دینی» نقش آموزه‌های دینی بر اصل توسعه را بررسی نموده و به بررسی دیدگاه دین اسلام در این رابطه می‌پردازد. طبق نتایج این مقاله، آموزه‌های اسلام و دیگر ادیان الهی در موارد متعدد بر ابعاد توسعه تأکید داشته و داعیه‌دار این نکته است که منجی آخر نیز به مرز جغرافیایی محدود نیست و مسئولیت برپایی نظام الهی را در سطوح جهانی برعهده دارد.

مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، ضمن بیان اینکه از منظر قرآن کریم خداوند برای اداره جهان دو سازوکار مادی و مشهود و سازوکار جهان غیب و غیرمادی در اختیار دارد، معتقدند که آنچه بشر از راه کشف علمی بدان دست می‌یابد، سازوکار جهان مادی و محسوس است، اما سازوکار جهان غیب از طریق وحی به انسان می‌رسد. ایشان مؤلفه‌های غیرمادی رشد

اقتصادی را از گروه دوم دانسته که باید با استفاده از وحی الهی بدان دست یافت و در این مقاله آثار مؤلفه‌هایی از قبیل ایمان و تقوا، شکر، اقامه حدود و احکام الهی، استغفار و توبه و استقامت در راه حق بر روی رشد اقتصادی را تبیین می‌نماید.

یوسفی شیخ‌رباط و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه مذهبی (اخلاق) بر رشد اقتصادی»، «سرمایه مذهبی» را در کنار «سرمایه انسانی» و «سرمایه اجتماعی» به عنوان مکملی برای «سرمایه فیزیکی» در توضیح رشد اقتصادی کشورها در نظر می‌گیرند. ایشان با ارائه مدلی برای رشد اقتصادی، نشان داده‌اند که سرمایه مذهبی به عنوان یک متغیر کلیدی باید وارد مدل‌های رشد شود و انباشت سرمایه مذهبی می‌تواند به عنوان محرکی در جهت رشد درونزای اقتصادی عمل کند.

هادوی‌نیا (۱۳۹۸) در مقاله «تربیت اخلاقی و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام» به بررسی چیستی و چگونگی تأثیر تربیت اخلاقی اسلامی بر رشد اقتصادی می‌پردازد. براساس یافته‌های تحقیق، تربیت اخلاقی مورد بحث مشتمل بر تربیت عقلانی در گستره عقل نظری، تربیت عقلانی در گستره عقلانیت ذاتی، تربیت عقلانی در گستره عقلانیت ابزاری، زهدگرایی اسلامی و افزون‌طلبی است. تحقق تربیت اسلامی در هر یک از این مراحل اثری مثبت بر رفتارهای اقتصادی داشته و باعث تقویت رشد اقتصادی می‌شود.

فراهانی‌فرد و زنگی‌نژاد (۱۳۹۹) پارامترهای غیرمادی موثر بر رشد را با تأکید بر عوامل استخراج شده از قرآن کریم به صورت مفهومی و ریاضی وارد مدل رشد کرده و آثار این متغیرها بر رشد اقتصادی را بررسی می‌نمایند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که با وارد کردن عوامل غیرمادی منتج از آموزه‌های دینی در مدل رشد می‌توان بهره‌وری عوامل تولید و به دنبال آن موجودی انواع سرمایه و درنهایت تولید ملی را افزایش داد به صورتی که پایه تولید ملی افزایش یافته و نرخ رشد آن به صورت غیرخطی و فزاینده درمی‌آید.

غفاری‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) معتقدند که عقاید مذهبی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر تولید و رشد اقتصادی مؤثر واقع شود؛ زیرا نگرش مذهبی افراد یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که باعث ایجاد اخلاق و نوع رفتار آتی آنان می‌شود. از این‌رو هدف این پژوهش بررسی اثر شاخص‌های ترکیبی سرمایه مذهبی در اقتصاد با تأکید بر رشد اقتصادی طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۱ در استان‌های ایران با استفاده از روش پانل

دیتا است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های ترکیبی سرمایه مذهبی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی (GDP) در استان‌های مورد مطالعه دارد.

در مطالعات خارجی نیز وبر^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۰۵ میلادی، تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را در تفاوت دین آنها دانست. ایده او در سال‌های اخیر توسط افراد مختلفی (هال^۲، ۱۹۸۶؛ لال^۳، ۱۹۹۸ و لاندز^۴، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۶) توسعه یافته است. (اشرف و گالور^۵، ۲۰۱۱، ص. ۵)

گویی^۶ و همکاران (۲۰۰۳) با تحلیل داده‌های ۶۶ کشور، نشان داده‌اند که گرچه در ادیان گوناگون تفاوت‌هایی وجود دارد، اما در مجموع دینداری با نگرش‌هایی که منجر به افزایش درآمد سرانه می‌شوند (اعتماد به دیگران، دولت و سیستم قانونی، قانون‌گریزی پائین و ...) در ارتباط است.

بارو و مک‌کلیری^۷ (۲۰۰۳) با تحلیل داده‌های ۵۹ کشور مختلف در بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱، نشان داده‌اند درحالی‌که ارتباط بین میزان شرکت در مناسک دینی و عملکرد اقتصادی منفی است، اما بین باورهای دینی همچون اعتقاد به زندگی پس از مرگ، خدا و روز جزاء (بهشت و جهنم)، با متوسط رشد درآمد ملی ارتباط مثبتی وجود دارد.

نولاند^۸ (۲۰۰۵) در یک مطالعه بین‌المللی با تحلیل داده‌های چند ده سال اخیر، این فرضیه را که درصد جمعیت دیندار^۹ با عملکرد اقتصادی بی‌ارتباط است، رد کرده است. این مطالعه هم در سطح تک تک کشورها و هم در سطح بین‌المللی (با در نظر گرفتن مجموع داده‌های کشورها) انجام گرفته و نشان داده است که نه تنها اسلام مانع رشد اقتصادی نیست، بلکه تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. (نولاند، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۱۵)

مک‌کلیری و بارو (۲۰۰۶) در یک مطالعه بین‌المللی و با تحلیل داده‌های ۷۸ کشور و

-
1. Weber
 2. Hall
 3. Lal
 4. Landes
 5. Ashraf & Galor
 6. Guiso
 7. Barro, McCleary
 8. Noland
 9. Religious affiliation

بدنبال آن‌ها تورگلر^۱ (۲۰۰۹) اقدام به آزمون تئوری وبر نموده‌اند؛ نتیجه تحلیل داده‌های آن‌ها نشان می‌دهد که مطابق با ادعای وبر دین بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارد؛ تحلیل مک‌کلیری برخلاف نظریه وبر، بین پروتستان‌ها و دیگر ادیان تفاوتی نشان نداد، درحالی‌که تورگلر نظریه وبر در خصوص تاثیر پروتستان‌تیسیم بر افزایش عملکرد اقتصادی را تأیید کرد. (تورگلر، ۲۰۰۹، صص. ۴-۵)

سامانتا^۲ (۲۰۱۱) در یک مطالعه کمی و با استفاده از تحلیل داده‌های آماری کشورهای عضو اوپک، نشان داده است که دو متغیر فساد کمتر و حاکمیت ارزش‌های اسلامی، بر افزایش عملکرد اقتصادی در سطح ملی که با استفاده از تولید ناخالص ملی سنجیده شده است، تاثیر مثبت دارد.

عمر^۳ و دیگران (۲۰۱۵) بر مبنای داده‌های ۴۲ سال (۱۹۶۹-۲۰۱۱) نشان داده که دین اسلام بر رشد اقتصادی مالزی در این بازه زمانی تاثیرگذار بوده است. او شاخص اسلامی‌سازی^۴ را برای سنجش دین اسلام و شاخص سرانه تولید ناخالص ملی را برای رشد اقتصادی بکار برده است.

همانگونه که مشاهده می‌شود، هرچند در برخی مقالات برخی از عناصر و مؤلفه‌های اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، اما پژوهشی که همه موارد را با هم احصاء نموده و همچنین به بررسی مقایسه آن‌ها و رتبه‌بندی هر یک از این عناصر و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی پرداخته باشد، وجود ندارد که این مهم نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف رشد

افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین را رشد اقتصادی می‌گویند (متوسلی، ۱۳۸۲، ص. ۱۱) که در مفهوم کلی خود، صرفاً پدیده‌ای کمی است. تودارو (۱۳۷۸، ص. ۱۱۷) نیز رشد اقتصادی را «فرایند پایداری که در اثر آن

1. Torgler

2. Samanta

3. Omar

4. Islamization index

ظرفیت تولید اقتصادی طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش درآمد ملی می‌شود، می‌داند. لیکن از نظر کوزنتس رشد اقتصادی مفهومی دقیق‌تر دارد. براساس تعریف وی، افزایش بلندمدت ظرفیت تولیدی به منظور عرضه کالاهای هرچه متنوع‌تر اقتصادی به مردم را رشد اقتصادی می‌گویند. درواقع طبق نظر وی، رشد اقتصادی هر جامعه، بیانگر رشد مداوم تولید است که در اغلب موارد با افزایش جمعیت و یا معمولاً با تغییرات زیربنایی همراه است. (کوزنتس، ۱۳۷۲، ص. ۱۱)

۲-۲. اهمیت رشد اقتصادی

می‌توان ادعا نمود که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته است، مگر آن‌که رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های اقتصادی آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن باشد (یوسفی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۹). از این‌رو شناسایی مؤلفه‌های اساسی رشد همیشه به‌عنوان یکی از اهداف اصلی اقتصاددانان مطرح بوده است. (مشیری و التجائی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۵) این هدف حتی در هر سه مکتب اقتصادی اسلام، سرمایه‌داری و مارکسیسم مشترک است؛ البته با این تفاوت که رشد اقتصادی در مکاتب مادی به‌عنوان هدف نهایی و در اسلام به‌عنوان هدف متوسط (رفع نیازهای انسان در مسیر تکامل و تعالی) در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، رشد اقتصادی مطلوب است، زیرا اولاً، بهبود آشکاری در وضعیت معاش شمار زیادی از مردم پدید می‌آورد؛ ثانیاً، باعث افزایش محدوده انتخاب انسان در زندگی می‌شود؛ ثالثاً، سبب می‌شود میلیون‌ها نفر از انجام کارهای طاقت‌فرسای جسمی بی‌نیاز شوند و در وقت انسان‌ها صرفه‌جویی شود؛ رابعاً، موجب شکوفایی استعدادها و به‌کارگیری قوه ابتکار و خلاقیت در زمینه علوم مختلف گردد و درنهایت قدرت سیاسی- نظامی کشور را افزایش می‌دهد. (جهانیان، ۱۳۸۸، صص. ۳۶-۳۷) از این‌رو مطالعه در باب عوامل رشد اقتصادی خصوصاً از منظر آیات قرآن ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۲. راه‌ها و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی

بین دین و اقتصاد یک ارتباط دو طرفه وجود دارد. مطالعاتی که دین را متغیری وابسته در نظر گرفته‌اند، به دنبال پاسخ به این سوال بوده‌اند که رشد اقتصادی چگونه بر نسبت

دیندار به بی‌دین و نیز باورهای دینی در جامعه تاثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، مطالعاتی که دین را به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند، به دنبال بررسی چگونگی اثرگذاری دین بر ویژگی‌های افراد همچون اخلاق شغلی، صداقت، درجه مقصد بودن افراد و در نتیجه عملکرد اقتصادی آنها بوده‌اند. (مک‌کلیری و بارو، ۲۰۰۶، ص. ۴۹) در اینجا هدف این نیست که ادیان را به لحاظ میزان تاثیر مثبت یا منفی آنها بر عملکرد اقتصادی مقایسه و رتبه‌بندی کنیم؛ بلکه فرضیه ما این است که اشتراکاتی در همه ادیان وجود دارد که از طریق این اشتراکات دین به‌طورکلی بر عملکرد اقتصادی در بلندمدت تاثیر مثبت می‌گذارد. عمده تحلیل‌های آماری در سطح ملی و بین‌المللی نشان‌دهنده تاثیر دین بر رشد و توسعه اقتصادی هستند که در قسمت پیشینه پژوهش به برخی از آنها اشاره شد. در این رابطه تذکر چند نکته ضروری است:

اول اینکه اعتقاد به تاثیر معنویات در اقتصاد، هرگز به معنای نفی یا تضعیف نقش اسباب مادی و رها ساختن استفاده از این عوامل نیست؛ بلکه مقصود این است که در کنار عوامل مادی همچون سرمایه، فناوری و نیروی کار ماهر، عوامل معنوی مانند اعتقادات دینی صحیح و اخلاق نیز در رشد اقتصادی موثر است. چنین باوری که عناصر معنوی را مبادی رشد اقتصادی می‌داند، بی‌تردید از منظر مکاتب اقتصادی معاصر به دیده شگفتی و انکار نگریسته می‌شود. (ایروانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۸-۱۰۹) با اینکه ما بخش عمده این پیوندها را درمی‌یابیم بخشی از آن از حیطه درک و دانش بشری خارج است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۹، ص. ۱۲۳) روشن است که در نیافتن تاثیر باورها و رفتارها بر رشد اقتصادی با تحلیل‌های رایج هرگز دلیل بر عدم تاثیر آن نخواهد بود و انکار آن با معیارهای علمی سازگار نیست.

دوم اینکه ارتباط بسیاری از باورها، اخلاق و رفتارها بر رشد یا رکود اقتصادی امری نیست که به دشواری دریافت شود. تاثیر ارزش‌هایی همچون احساس مسئولیت و وجدان کاری، نظم، صبر و استقامت و مانند آن بر اقتصاد و نیز نقش موثر آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری همانند ظلم، هواپرستی، تن‌پروری، احتکار، دزدی و خیانت در رکود و عقب‌ماندگی به روشنی قابل درک و اثبات است؛ بنابراین پیوند یاد شده، تنها ارتباطی ناشناخته و غیبی نیست؛ بلکه می‌توان قسمت عمده آنرا با معیارهای طبیعی و اسباب و

علل مادی بررسی کرد. پاره‌ای از ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نیز هرچند به ظاهر تاثیر مستقیمی بر فعالیت‌های اقتصادی ندارند، در واقع زمینه رشد یا رکود اقتصادی را فراهم می‌آورند و به گونه‌ای غیر مستقیم بر آن تاثیر می‌نهند. برای نمونه، احیای فرهنگ ارزشمند انفاق در جامعه، به توزیع عادلانه ثروت در جامعه کمک می‌کند.

نکته آخر نیز اینکه به طور کلی، ارتباط با خداوند و گرایش به معنویات، نهادینه شدن فضیلت‌های اخلاقی در جامعه و پرهیز از خصلت‌های ناشایست، عناصری هستند که در کنار تامین آرامش روحی افراد، موجب تقویت همگرایی اجتماعی و ایجاد فضای مناسب در تثبیت امنیت و عدالت می‌شوند که این فضا بستر مناسبی را برای رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می‌سازد. (ایروانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۹-۱۱۱)

اما نکته حائز اهمیت در این زمینه این است که تأثیر دین بر عملکرد اقتصاد و بهبود رشد اقتصادی را می‌توان از طریق مسیرهایی تصویر نمود که در ادبیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق. در واقع ضمن بررسی و تدقیق در ادبیات مربوط به این مسئله، می‌توان ادعا نمود که بیشتر مطالعاتی که قائل به اثرگذاری دین بر اقتصاد هستند را می‌توان ضمن این مؤلفه‌ها دسته‌بندی نمود. از این‌رو در ادامه به‌صورت مختصر به بررسی ادبیات مربوطه و چگونگی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی از مسیر مؤلفه‌های اساسی فوق پرداخته شده است.

۲-۳-۱. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی نهفته در ارتباطات اجتماعی است که افراد از طریق آن توانایی کار گروهی برای رسیدن به یک هدف جمعی را بدست می‌آورند. (اسمیت^۱، ۲۰۰۳، ص. ۲) در طول دهه گذشته توجه‌ها همواره از انواع سنتی سرمایه (سرمایه انسانی و فیزیکی) به سمت سرمایه اجتماعی به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی معطوف شده است. و مطالعات فراوانی تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی را بر رشد اقتصادی نشان داده‌اند. (کاوواس^۲، ۲۰۱۳) درواقع ارتباط همراه با اعتماد به دیگران نوعی سرمایه است که

1. Smidt

2. Kouvavas

همچون سرمایه‌های فیزیکی و انسانی قادر به ایجاد ارزش افزوده می‌باشد. به این سرمایه ارتباطی، سرمایه اجتماعی اطلاق می‌گردد.

بانک جهانی در سال ۱۹۹۸ سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای مفروض در برگیرنده نهادها، رابطه‌ها و ارزش‌هایی است که بر کنش‌ها و واکنش‌های مردم حاکم هستند و در توسعه اقتصادی و اجتماعی سهمی دارند.» طبق تعریف بانک جهانی، سرمایه اجتماعی دربرگیرنده نهادهای رسمی و غیررسمی، نهاد خانواده، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. کنش‌ها و واکنش‌ها که در حقیقت پدیدآورنده نهادها هستند، خود بر پایه قاعده‌هایی سامان می‌یابند که بیان‌کننده ارزش‌ها هستند. (نظریور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷، ص. ۴۱) سرمایه اجتماعی از طریق کاهش نابرابری و فقر، افزایش کارایی بازار، رشد اقتصادی، کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی سایر سرمایه‌ها، ایجاد نهادها و سازمان‌های اقتصادی و بهبود عملکرد آن‌ها، توسعه بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش اشتغال، افزایش معاملات و نیز افزایش نوآوری و فناوری بر عملکرد اقتصاد تأثیر می‌گذارد. (عسگری و توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶، ص. ۲۰۹)

شواهد و مطالعات بسیاری در زمینه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی وجود دارد. دیندا^۱ (۲۰۰۸)، با ارائه شواهد تجربی فراوان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه‌های انسانی و رشد اقتصادی تأثیر مهمی دارد. تحلیل داده‌های مرتبط با ۱۱ کشور در آمریکای شمالی و جنوبی بین سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۱۴ نشان‌دهنده تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در این کشورهاست. (آگولرا^۲، ۲۰۱۶) تامپسون^۳ (۲۰۱۵) نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی از طریق افزایش نوآوری اقتصادی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت می‌گذارد. زمانی که سرمایه اجتماعی در گروه‌های رسمی بالا باشد، هزینه کار جمعی کاهش یافته، تعامل افراد تسهیل شده و افراد این اطمینان را پیدا می‌کنند که روی فعالیت‌های جمعی سرمایه‌گذاری کنند. در چنین شرایطی افراد کمتر تمایل به رفتارهای غیرقانونی و تخریب منابع برای کسب منافع زودگذر پیدا می‌کنند. (پرتی^۴،

1. Dinda
2. Aguilera
3. Thompson
4. Pretty

۲۰۰۳) بوسما^۱ (۲۰۰۴) با بررسی کسب و کارهایی در هلند گزارش داد که افزایش سرمایه‌های اجتماعی سبب بهبود عملکرد کسب و کار (سازمان) می‌شود. باتجارگال^۲ (۲۰۰۳)، با مصاحبه رودرو با ۷۵ کارآفرین روس، تاثیر سرمایه اجتماعی این افراد را بر عملکرد کسب و کار آنها بررسی نمود. نتایج نشان داد که دو بُعد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی این افراد بر عملکرد کسب و کار آنها اثر مثبت دارد. آنچه که از برخی مطالعات دیگر نیز می‌توان به دست آورد این است که افزایش سرمایه اجتماعی سبب افزایش بهره‌وری در سطح فردی و گروهی می‌شود. (پاتنام، ۲۰۰۰، ص. ۱۶) به عنوان نمونه کارمندان و مدیرانی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، دسترسی بهتری به اطلاعات و منابع مورد نیاز سازمان داشته و با ذینفعان سازمان شبکه ارتباطی قدرتمندی را شکل می‌دهند. بنابراین این افراد ارزشی فراتر از توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش فردی خود دارند و قادر به ایجاد یک شبکه یادگیری هستند. (دس^۳، ۲۰۰۱)

در واقع ادعا این است که دین ضمن تقویت این سرمایه، عملکرد در سطوح فردی، گروهی و سازمانی را افزایش داده و باعث رشد اقتصادی می‌گردد. به عنوان نمونه شرکت در مراسم دینی (کلیسا) موجب افزایش سطح سرمایه‌های اجتماعی شده که موجب کاهش احتمال ورشکستگی کسب و کار شده و در نتیجه بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت می‌گذارد. (هانسن^۴ و هانسن، ۲۰۰۸) این مهم در شواهد تجربی بسیار دیگری نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ابستین کینگ^۵ (۲۰۰۴)، با بررسی ۷۳۵ دانش‌آموز آمریکایی، گزارش می‌دهد که افزایش فعالیت‌های دینی در این جوانان منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود. پاتنام^۶ (۲۰۰۰)، گروه‌های ایمانی را مهمترین منبع ایجاد سرمایه اجتماعی در امریکا معرفی می‌کند. واثنو^۷ (۲۰۰۲)، با انجام مطالعه‌ای در سطح ملی در امریکا (جامعه آماری بیش از ۵۶۰۰ نفر) نشان می‌دهد که عضویت در گروه‌های دینی یا رهبری این گروه‌ها موجب افزایش سرمایه اجتماعی افراد می‌شود. اسمیت (۲۰۰۱) نیز شواهدی را

-
1. Bosma
 2. Batjargal
 3. Dess
 4. Hansen
 5. Ebstyn King
 6. Putnam
 7. Wuthnow

ارائه می‌دهد مبنی بر اینکه گروه‌های دینی در نیوهام انگلستان منبع ایجاد سرمایه اجتماعی در این منطقه هستند.

۲-۳-۲. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود عملکرد شغلی

در سال ۱۹۰۴ ماکس وبر تئوری معروف خود اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری را ارائه داد و در آن توسعه اقتصادی در اروپای شمالی را ناشی از ظهور ارزش‌های مذهب پروتستان دانست؛ تقدس کار به عنوان یک مأموریت دینی، انباشت سرمایه، سرمایه‌گذاری مولد و فعالیت‌های کارآفرینانه. (ایر^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱، ۴، ۵) در این رابطه لوتر، زوئینگلی، و کالوین^۲ سه الیهیدانی بودند که در اصلاحات دینی و مقدس نمودن کار از نظر دین تأثیر بسزایی داشتند. زمانی که لوتر کار را به‌عنوان راه رستگاری و مأموریتی مقدس معرفی نمود، کار به عنوان یک فعالیت دنیوی برای سپاسگزاری از خداوند در نظر گرفته شد. زوئینگلی تلاش شغلی را تا این حد تقدس بخشید که کارگران سخت‌کوش را شبیه‌ترین به خداوند معرفی نمود. به دنبال این دو، کالوین نیز ستایش و تأیید کار توسط دین را به این صورت بیان نمود: «هر فردی برای معنا بخشیدن به زندگی و رهایی از سرگردانی باید شغلی را (که مأموریتی مقدس از جانب خداست) انتخاب کند.» (برنشتاین^۳، ۱۹۸۶، ص. ۸) البته برای ارائه یک فهم عمیق و کامل از چگونگی تأثیر دین بر عملکرد اقتصادی حتماً باید متغیرهای میانجی نیز لحاظ شوند و نباید فقط به اثر مستقیم این فعالیت‌ها بر عملکرد اقتصادی کوتاه‌مدت اکتفا نمود. (شیموزو^۴ و دیگران، ۲۰۱۵، ص. ۱۸)

دستورات و توصیه‌های بسیاری در منابع دینی خصوصاً در دین مقدس اسلام وجود دارد که بر تقدس کار و فعالیت اقتصادی تأکید نموده و افراد را به درستکاری، احساس مسئولیت، انجام وظیفه به بهترین صورت، تعهد و ... فرا می‌خوانند که همگی تأثیر مثبتی بر بهبود عملکرد شغلی و در نهایت رشد اقتصادی دارند. به‌عنوان نمونه در صورتی که فرهنگ کار و تلاش در جامعه حاکم باشد و کسب رضایت خداوند به‌عنوان پشتوانه معنوی وجدان جمعی برای افراد جامعه در جایگاه مهمی قرار داشته باشد، می‌توان سطح

1. Iyer
2. Luther, Zwingli, Calvin
3. Bernstein
4. Shimazu

بالایی از کارآمدی را در جامعه مشاهده نمود. (مرادی حقیقی، ۱۳۹۴، ص. ۷۵) همچنین توصیه دین به رعایت نمودن قوانین و مقررات باعث می‌شود تا هزینه‌های اجرای قانون در جامعه کاهش یابد که باعث رشد اقتصادی جامعه می‌گردد (عزتی و شفیعی، ۱۳۹۲) و علاوه بر این رعایت انصاف و عدالت که از توصیه‌های اصلی هر دینی است، روحیه کارکنان را بالا می‌برد و آنان با اعتماد و اطمینان به آنکه حقشان ضایع نمی‌شود با دلگرمی بیشتر به ارائه خدمات می‌پردازند.

این مهم در مطالعات تجربی نیز مورد بررسی قرار گرفته که نتیجه آن، تأیید اثر مثبت دین بر بهبود عملکرد کاری است. به عنوان نمونه در مطالعه‌ای نشان داده شد که اختصاص زمانی برای ارتباط با خدا در محیط کار، روابط بین کارکنان را بهبود داده، نرخ خروج از خدمت را کاهش داده و بهره‌وری کارکنان را نیز افزایش می‌دهد. (مک‌کارتی^۱، ۲۰۰۷، ص. ۹۷) با مطالعه‌ای که بر روی یک جامعه آماری متشکل از ۶۹۵ نفر مهاجر ژاپنی در امریکا صورت گرفت، نقش متغیرهای دینی (همچون مشارکت در فعالیت‌های دینی، هویت دینی، میزان دینداری خانواده فرد) و متغیرهای غیر دینی (همچون طبقه اجتماعی خانواده فرد و میزان تحصیلات) بر موفقیت اقتصادی افراد ارزیابی شد. نتایج حاکی از آن بود که متغیرهای دینی تأثیر قوی بر درآمد و میزان خوداشتغالی افراد داشته‌اند. (وودرام^۲، ۱۹۸۵، صص. ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۹) همچنین در مطالعه‌ای که بر روی یک جامعه آماری ۱۷۴۰ نفری متشکل از کارمندان و مدیران در مالزی انجام شد، مشخص شد که دینداری (نماز اول وقت، پرداخت منظم زکات، وفای به عهد، قرائت روزانه قرآن حتی در روزهای کاری پُر مشغولیت) بر عملکرد شغلی تأثیر مثبت دارد. (عثمان-گانی^۳ و دیگران، ۲۰۱۳، ص. ۳۶۰) همچنین توماس^۴ با بررسی ۱۳۲ مدیر از ۱۵ سازمان مختلف نشان داد که سازمان‌هایی که دستورالعمل‌های اخلاقی مکتوب بیشتری داشته و سطح دینداری در مدیران آن‌ها بالاتر است، عملکرد سازمانی موفق‌تری داشته‌اند. (توماس، ۱۹۹۰، صص. ۵۸ و ۸۹)

-
1. McCarty
 2. Woodrum
 3. Osman-Gani
 4. Thomas

۲-۳-۳. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق ایجاد سرمایه دینی

سرمایه دینی با دین تفاوت دارد؛ سرمایه دینی به اثرات اعتقادی و اعمال مذهبی اطلاق می‌گردد. در سال‌های اخیر سازه‌ای به نام سرمایه‌های دینی مفهوم‌سازی شده ولی از آن برای تبیین ارتباط بین دین و رشد اقتصادی به صورت گسترده‌ای استفاده نشده است. به عبارتی سرمایه دینی مفهوم نسبتاً جدیدی است که عمدتاً برای تعهد مذهبی، تغییرات سازمانی در سطح فرد و خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهمترین ویژگی سرمایه دینی افزایش تعهد مذهبی است که افراد را به اجتماعات دینی پیوند می‌دهد. (بارکر^۱، ۲۰۰۸، ص. ۲)

مفهوم سرمایه دینی برای اولین بار توسط استارک و فینک^۲ (۲۰۰۰، ص. ۱۲۰) به این صورت تعریف شد: سرمایه دینی متشکل از دو بُعد است: ۱- میزان آشنایی و دانش فرد از یک فرهنگ دینی خاص. ۲- میزان تعلق و وابستگی فرد به آن فرهنگ دینی. با بررسی سایر تعاریف سرمایه دینی مشخص می‌شود که نقطه اشتراک همه آن‌ها و مهمترین کارکرد سرمایه دینی چیزی نیست جز هویت‌بخشی دینی به افراد از طریق ایجاد احساس تعلق، وابستگی و تعهد به جامعه دینی، به وسیله مشارکت در انجمن‌های دینی که موجب هم‌افزایی سرمایه دینی در سطح فردی و اجتماعی می‌شود که البته هر دو سطح از هویت دینی (شخصی و جمعی) متضمن میزانی از دینداری است. (یزدانی‌فرد، ۱۳۹۹، ص. ۳۸)

در واقع دین به عنوان یک سرمایه معنوی از طریق ایجاد شبکه‌های دینی در جامعه، نقش تاثیرگذاری را در توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند. توماس آکوئیناس در آثارش^۳ ایده‌هایی را مرتبط با دین و توسعه اقتصادی مطرح کرده است. برخی بر این باورند که اصطلاحاتی چون «خیر مشترک جهانی» و «جامعه مدنی جهانی» که توسط او مطرح شد، از مهمترین عوامل کاهش فقر، جهانی‌سازی و توسعه انسانی در دنیای امروز است. ارتباط دین و توسعه اقتصادی در اثر معروف جوزف شومپتر^۴، تاریخ تحلیل اقتصادی (۱۹۵۴) نیز به چشم می‌خورد. او معتقد بود مفهوم برزخ یک انگیزاننده دینی ضروری برای توسعه سرمایه‌داری در قرون وسطی بوده است. (ایر، ۲۰۰۷، صص. ۱، ۴، ۵)

1. Barker

2. Stark & Finke

3. Aquinas's Summa Theologica (1265-72)

4. Joseph Schumpeter

یکی از دلایل عمده که سرمایه دینی می‌تواند بر رشد اقتصادی جوامع اثرگذار باشد، کاهش نااطمینانی از رفتارهای پیش‌بینی نشده افراد دینی است که سبب می‌شود به آینده با اعتماد بیشتری نگریست و ریسک تصمیم‌گیری را پایین آورد. همچنین سرمایه مذهبی می‌تواند بر بسیاری از شاخص‌های سلامت اثرگذار باشد. (یکی از توصیه‌های مستقیم اسلام دوری از شرب خمر و دخانیات و الکل است) (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹) علاوه بر این سرمایه دینی سبب ایجاد بسیاری از زیرساخت‌های اجتماعی، پیشرفت و توسعه بسیاری از نهادهای اجتماعی و زمینه‌ساز توسعه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی یک جامعه می‌شود. (عزتی و عاقلی، ۱۳۸۷) به طور کلی سرمایه دینی با کاهش هزینه‌های مبادله و نظارت، بهبود سلامت در جامعه و اثرگذاری بر دیگر سرمایه‌های جامعه سبب رشد اقتصادی یک جامعه می‌شود. (غفاری فرد و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۳۷۰)

۲-۳-۴. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق بهبود سرمایه انسانی

تعاریف بسیاری برای مفهوم سرمایه انسانی بیان شده است از جمله لیو و ونگ (۲۰۱۲) سرمایه انسانی را به قابلیت کارکنان در فکر کردن، خلق کردن و شبکه‌سازی و نیز تجارب، مهارت‌ها، انگیزه و تعهد اطلاق می‌کنند. از این نظر، سرمایه انسانی درون افراد قرار دارد. هادسون نیز سرمایه انسانی را به عنوان ترکیبی از وراثت ژنتیکی، تحصیلات، تجربه و نگرش به زندگی و کسب و کار تعریف می‌کند و نورما سرمایه انسانی را تحت عنوان دانش فردی، مهارت‌ها و توانایی‌ها و تجارب موجود در افراد جهت ایجاد ارزش و حل مسائل کسب و کار تعریف کرده است. اکثر نظریه‌پردازان سرمایه انسانی را در سطح فردی در نظر گرفته و آنچه را که در بافت سازمان موجود است در نظر نگرفته‌اند. در مجموع می‌توان به کلیه عناصر و خصوصیات منابع انسانی شامل دانش و تخصص، نگرش، استعدادها، شایستگی‌ها، تجربیات و مهارت‌ها، خلاقیت و دانش ضمنی افراد، سرمایه انسانی گفت. (مجیدی، ۱۳۹۷، ص. ۵۲)

رشد و توسعه در نگاه دینی، از درون افراد سرچشمه می‌گیرد. از این رو، ادیان تلاش می‌کنند با ارتقای درونی و تعالی فرد، او را به مولدی تبدیل کند که هدفش، نه تنها رشد خود یا جامعه‌اش باشد؛ بلکه به رشد جامعه انسانی و توسعه جهانی با توجه به ملاک‌های

عقلی و اخلاقی بپردازد. (قنبری‌نیک، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۷) گروهی از پژوهشگران (مانند ماکس وبر، هانتینگتون^۱، ۲۰۱۱، و لاندز، ۲۰۰۴) ادعا دارند که دین از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی افزایش عملکرد اقتصادی است و تاثیر آن بر عملکرد اقتصادی از طریق باورها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی همچون صداقت، ذخیره ثروت و سرمایه‌گذاری آن (مقتصد بودن)، نگرش قدسی به کار، سخت‌کوشی و ... که از مؤلفه‌های سرمایه انسانی هستند، می‌باشد. (بدناریک و فیلیپوا^۲، ۲۰۰۹، ص. ۳)

دین به طرق مختلفی از طریق سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان نمونه فعالیت‌های دینی والدین بر شکل‌گیری سرمایه‌های انسانی در کودکان آن‌ها تاثیر مثبت دارد. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد دین بر دستاوردهای آموزشی کودکان نیز تاثیر مثبتی دارد. بسیاری از ادیان بر ویژگی‌هایی چون سخت‌کوشی، صداقت، جدیت و مسئولیت‌پذیری تاکید ویژه‌ای دارند. این ویژگی‌ها بر مهارت‌های شناختی و غیرشناختی کودکان تاثیر مثبت دارند. (استرادا^۳ و دیگران، ۲۰۱۹، ص. ۴) بکر و لاجر^۴ (۲۰۰۹) نیز تاثیر دین بر رشد اقتصادی را از طریق تاکید دین بر آموزش و در نتیجه تقویت سرمایه‌های انسانی می‌دانند. در مجموع نیروی انسانی موجود در جامعه دینی، به سبب اعتقاد به مبدا و معاد و تربیت توحیدی، خداوند را ناظر بر رفتارهای خود می‌داند و از این‌رو امانت‌دار، مسئولیت‌پذیر و با وجدان کاری بالا است و درنهایت از بهره‌وری بالاتری برخوردار است که همگی از معیارها و مؤلفه‌های سرمایه انسانی به شمار می‌آیند. (رجائی و هاشمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۳)

۲-۳-۵. تأثیر دین بر رشد اقتصادی از طریق تقویت اخلاق

آدام اسمیت در اثر معروفش تحقیقی در باب ماهیت و علت ثروت ملل^۵، یکی از مهمترین کارکردهای اقتصادی باورهای دینی را فراهم نمودن پایه‌های اخلاقی برای جامعه مدنی می‌داند: صداقت، نیک‌خواهی، پرهیز از خشونت و ... (مونتگمری^۶، ۲۰۱۵، ص. ۳۰) بر

1. Huntington

2. Bednarik & Filipova

3. Estrada

4. Becker & Ludger

5. An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations

6. Montgomerie

مبنای تئوری مزیت منابع، فوس^۱ (۲۰۱۲، ص. ۸) اخلاق را منبعی برای افزایش رفتارهای سازنده اجتماعی و کاهش ناسازگاری‌های غیرسازنده در مبادلات دانسته و در نتیجه بر افزایش رشد اقتصادی موثر می‌داند.

مهم‌ترین توصیه اخلاقی را می‌توان در نظر گرفتن خدا در تمامی امور دانست که حداقل نتیجه آن می‌تواند انضباط کاری (سازمان‌پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و اجتناب از بی‌نظمی در کار)، مسئولیت‌پذیری، رعایت انصاف و عدالت، تعهد و ... باشد که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در مسیر رشد اقتصادی به حساب می‌آیند. (پاینده و عین‌علی، ۱۴۰۰) آموزه‌های دینی گرچه ممکن است به صورت فردی در تحقق هدف کلان بهره‌برداری از منابع کمک نکنند، اما با سوق دادن جامعه به سمت این ارزش‌ها، نقش بسیار مؤثری در کارآمد بودن مدل‌های رشد اقتصادی خواهند داشت. (آقاجانی و خیری‌دوست، ۱۳۹۴، صص. ۱۳۵-۱۳۶) این مهم به این دلیل است که رفتار انسان‌ها از ارزش‌ها، باورها و اعتقاداتشان نشأت می‌گیرد و این باورها و اعتقادات هستند که به اثرگذاری تمامی نهادهای تولید جهت می‌دهند (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۰).

به‌لحاظ تجربی نیز مطالعات بسیاری این مهم را تأیید می‌کند. بالان و استفان^۲ (۲۰۱۱، ص. ۳۴) داده‌های ۷۴ کشور را تحلیل کرده و نشان می‌دهند ترکیب اخلاق- سرمایه انسانی با عملکرد بالای اقتصادی در ارتباط است. به عبارت دیگر، وجود سازمان‌های توانمندی که تولید محصولات مناسب برای جامعه (اخلاق) را فدای سودآوری نمی‌کنند، موجبات عملکرد بالای اقتصادی (افزایش تولید ناخالص ملی) را فراهم می‌آورند. کیم و بریجش^۳ (۲۰۱۸، ص. ۱۲) نیز نشان دادند یک ارتباط علی بین رفتارهای اخلاقی و عملکرد اقتصادی وجود دارد، اما عکس آن صادق نیست، یعنی عملکرد بالای اقتصادی اثر علی بر رفتارهای اخلاقی ندارد.

۳. روش تحقیق

فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، یکی از معروف‌ترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری برای

1. Foss

2. Balan & Stephen

3. Kim & Brijesh

چندین شاخص است که در حوزه‌های متنوعی بکار رفته و نتایج قابل قبولی به دنبال داشته است. این روش، مسائل پیچیده را براساس آثار متقابل آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌ها را به شکلی ساده تبدیل نموده و سپس به حل آن‌ها می‌پردازد. بدین صورت که با توجه به شاخص‌هایی که تصمیم‌گیرنده تعیین می‌کند، (شاخص می‌تواند کمی باشد یا کیفی) این روش به منظور تصمیم‌گیری و انتخاب یکی از گزینه‌های تصمیم بکار می‌رود. در تحلیل مسائل AHP تاکید بر کسب نظرات خبرگان است. (آذر، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۵) در واقع این روش زمانی مفید است که عمل تصمیم‌گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم‌گیری روبرو باشد. مهم‌ترین قابلیت روش تحلیل سلسله‌مراتبی در توانایی تبدیل ساختار سلسله‌مراتبی یک مسئله پیچیده چند شاخصه به ساختار بسط داده شده، برای درک بهتر تصمیم‌گیرنده از مساله تصمیم‌گیری است. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است. (دلبری و داودی، ۱۳۹۱)

اما به کارگیری این روش مستلزم چهار گام عمده است که در ادامه به صورت مختصر اشاره می‌شود. (آذر، ۱۳۷۹) گام نخست مدل سازی است که طی آن، ارتباط عناصر تصمیم که شامل شاخص‌های تصمیم‌گیری و گزینه‌های تصمیم است، به صورت سلسله‌مراتبی مشخص می‌شود. در گام دوم عناصر هر سطح نسبت به سایر عناصر مربوط خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه شده و به نحوی ماتریس‌های مقایسه زوجی تشکیل می‌شود. تخصیص امتیازهای عددی مربوط به مقایسه زوجی اهمیت دو گزینه یا دو معیار براساس جدول ۱ صورت می‌گیرد. از این جدول به منظور تعیین اهمیت نسبی هر مؤلفه نسبت به سایر مؤلفه‌ها استفاده می‌شود.

جدول ۱. مقایسات زوجی براساس کمیت‌های ترجیحی توماس ال ساعتی

نوع ترجیح	مقدار عددی
کاملاً مهم	۹
مهم‌تر	۷
مهم	۵
اندکی مهم	۳
اهمیت یکسان	۱
ترجیحات بینابین	۲، ۴، ۶ و ۸

در این مرحله براساس هر شاخص بین گزینه‌های مختلف تصمیم، مقایسه صورت می‌پذیرد که نتیجه آن محاسبه وزن نسبی بین عناصر است. این کار با مقایسه‌های دو به دو بین عناصر هر سطح (مقایسات زوجی) از طریق تخصیص اعدادی که اشاره شد صورت می‌گیرد. این ماتریس دارای دو ویژگی است: نخست اینکه قطر این ماتریس عدد ۱ است، به این معنا که نسبت ترجیح هر عامل در مقایسه با خودش برابر یک است و ویژگی دوم اینکه ترجیح عوامل نسبت به یکدیگر خاصیت معکوس پذیری دارد.

در گام سوم براساس یک فرایند سلسله‌مراتبی، وزن و اهمیت عناصر تصمیم برای هر گزینه، از مجموع حاصل ضرب هر معیار در امتیاز گزینه مورد نظر به دست می‌آید. در این مرحله، وزن هر یک از عناصر تصمیم معطوف به اطلاعات ماتریس‌های مقایسه‌های دو به دو تعیین می‌شود. در گام چهارم نیز با ادغام وزن‌های نسبی، گزینه‌های تصمیم رتبه‌بندی و گزینه برتر تعیین می‌گردد. وزن نهایی هر گزینه از مجموع حاصلضرب وزن هر شاخص در وزن گزینه مربوط از آن شاخص به دست می‌آید.

۴. رتبه‌بندی عوامل دینی مؤثر بر رشد اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، بسیاری از مطالعات نظری و تجربی، موید تأثیر دین بر رشد اقتصادی هستند. در این پژوهش با تحلیل مضامین پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دین و عملکرد اقتصادی، نشان داده شد که دین به عنوان یک پدیده چند بُعدی، از طریق متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، عملکرد شغلی، سرمایه دینی، سرمایه انسانی و اخلاق بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است. طبق بررسی‌های محققان با استفاده از منابع و تحقیقات اسلامی، معیار و شاخص‌هایی برای عوامل فوق شناسایی گردیده که در ادامه ذکر شده است. در رابطه با چگونگی انتخاب مؤلفه‌ها باید به این نکته اشاره نمود که مولفین پس از بررسی تمامی مطالعات موجود در رابطه با عوامل اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی، ضمن تبیین و تحلیل محتوای مطالب و مضامین آن‌ها، به دسته‌بندی و تنظیم آن‌ها ذیل عناوین مذکور اقدام نموده‌اند. در واقع استخراج مؤلفه‌های دینی مؤثر بر رشد اقتصادی ماحصل مطالعات اسنادی و تحلیل مضمون و محتوای آن‌ها و درنهایت دسته‌بندی آن‌ها ذیل عنوان واحد بوده است.

در رابطه با جمع‌آوری نظرات نخبگان در مورد اهمیت هر یک از شاخص‌ها و مؤلفه‌های

ذیل هر یک از این عناوین نیز باید اشاره نمود که در این مسیر پرسشنامه‌ای تنظیم گردید تا تنی چند از کارشناسان حوزه اقتصاد اسلامی و همچنین برخی طلاب سطوح عالی که مطالعات مرتبط در زمینه اقتصادی داشتند، آن را تکمیل کنند. این پرسشنامه شامل مقایسه زوجی بین ۵ عامل اصلی و نیز جداولی برای مقایسه زوجی مؤلفه‌های هر عامل نسبت به یکدیگر تنظیم گردید. در مرحله بعد پرسشنامه برای حدود ۵۰ نفر از کارشناسان و استادان حوزه اقتصاد اسلامی ارسال گردید که در نهایت ۳۰ پرسشنامه عودت داده شد. مطابق با آنچه که در بخش روش تحقیق بیان گردید، ساختار ذیل درواقع ماحصل اجرای گام اول در روش AHP محسوب می‌شود.

▪ مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی:

- (۱) تعاون و همکاری
- (۲) ایثار و خیرخواهی (نوع دوستی)
- (۳) اعتماد
- (۴) وفای به عهد
- (۵) تکافل اجتماعی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

▪ مؤلفه‌های عملکرد شغلی:

- (۱) وجدان کاری و تعهد
- (۲) اهمیت و جایگاه کار و فعالیت اقتصادی (تقدس کار)
- (۳) روحیه کارآفرینی و سخت‌کوشی
- (۴) ارتقای آموزش و مهارت
- (۵) التزام به قوانین و مقررات

▪ مؤلفه‌های سرمایه دینی:

- (۱) آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی
- (۲) تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی
- (۳) مشارکت در فعالیت‌های دینی و انجام مناسک فردی و اجتماعی
- (۴) رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی
- (۵) تولید، عرضه و مصرف کالاهای دینی

▪ مؤلفه‌های سرمایه انسانی:

- (۱) علم و معرفت (تحصیلات، مطالعه، اطلاعات دینی و...)
- (۲) تأمین معاش (حد کفاف، تکافل اجتماعی و...)
- (۳) بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان
- (۴) توانایی و مهارت‌های رفتاری (همکاری، امانتداری و...)
- (۵) توانایی و مهارت‌های ارتباطی (وفای به عهد، گفتار مؤثر و...)

▪ مؤلفه‌های اخلاق:

- (۱) اتکای نهادها بر اصول اخلاقی
- (۲) ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق
- (۳) اتکای قوانین بر اخلاق
- (۴) رعایت اصول و فضایل اخلاقی

در ادامه برای رتبه‌بندی عوامل دینی مؤثر بر رشد اقتصادی و اولویت‌گذاری در تحقق آن‌ها از دیدگاه اسلام، معیارهای یاد شده و زیرمعیارهای آن‌ها طی فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) اهمیت‌سنجی گردید. بدین صورت که مطابق با گام دوم آن، عوامل و متغیرهای دینی مؤثر در رشد اقتصادی به صورت دو به دو توسط نخبگان مقایسه و اهمیت‌سنجی گردید و ایشان در پرسشنامه براساس اعداد جدول ۱ به هریک از عوامل و شاخص‌ها وزن دادند. نمونه‌ای از ماتریس مقایسه زوجی که توسط یکی از نخبگان تکمیل شده است را می‌توان در جدول ۲ مشاهده نمود.

جدول ۲. نمونه ماتریس زوجی طراحی و تکمیل شده

اخلاق	سرمایه انسانی	سرمایه دینی	عملکرد شغلی	سرمایه اجتماعی	
۱	۶	$\frac{۱}{۶}$	۵	۱	سرمایه اجتماعی
$\frac{۱}{۶}$	۵	$\frac{۱}{۵}$	۱		عملکرد شغلی
۹	۶	۱			سرمایه دینی
$\frac{۱}{۵}$	۱				سرمایه انسانی
۱					اخلاق

سپس براساس پرسشنامه‌های تکمیل شده، وزن نسبی متغیرهای تأثیرگذار در رشد اقتصادی رتبه‌بندی و اولویت‌گذاری گردید. براین اساس وزن عامل‌های پنجگانه مؤثر بر رشد اقتصاد مطابق جدول ۳ محاسبه گردید که طبق آن عامل‌های سرمایه دینی و اخلاق، بیشترین وزن و عامل‌های عملکرد شغلی و سرمایه انسانی کمترین وزن را دارند.

جدول ۳. وزن نسبی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی

رتبه هر عامل	وزن نسبی عوامل	عوامل
۳	۰/۲۰۲	سرمایه اجتماعی
۴	۰/۱۷۴	عملکرد شغلی
۱	۰/۳۰۴	سرمایه دینی
۵	۰/۱۱۴	سرمایه انسانی
۲	۰/۲۰۶	اخلاق

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۳۳: نرخ ناسازگاری)

در جدول‌های ۴ تا ۸ نیز وزن‌های به دست آمده برای مؤلفه‌ها با توجه به پاسخ‌های خبرگان در زیرگروه‌های ۵گانه ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، نرخ ناسازگاری همه جداول به دست آمده کمتر از ۰/۱ می‌باشد که بیانگر اعتبار نظرسنجی‌ها است.

جدول ۴. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

رتبه هر عامل	وزن نسبی عوامل	عوامل
۲	۰/۱۹۴	تعاون و همکاری
۴	۰/۱۶۴	ایثار و خیرخواهی
۳	۰/۱۸۳	اعتماد
۱	۰/۳۱۲	وفای به عهد
۵	۰/۱۴۵	تکافل اجتماعی و ...

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۵۲: نرخ ناسازگاری)

جدول ۵. وزن نسبی مؤلفه‌های عملکرد شغلی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
وجدان کاری و تعهد	۰/۳۵۱	۱
اهمیت و جایگاه کار	۰/۱۶۳	۴
روحیه کارآفرینی و سخت کوشی	۰/۱۷۰	۳
ارتقای آموزش و مهارت	۰/۱۳۲	۵
التزام به قوانین و مقررات	۰/۱۸۲	۲

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۰۰۷: نرخ ناسازگاری)

جدول ۶. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه دینی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی	۰/۲۲۲	۲
تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی	۰/۲۱۶	۳
مشارکت در فعالیت‌های دینی	۰/۱۵۷	۴
رعایت هنجارهای دینی و حدود	۰/۲۸۴	۱
تولید و مصرف کالاهای دینی	۰/۱۱۹	۵

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۰۰۷: نرخ ناسازگاری)

جدول ۷. وزن نسبی مؤلفه‌های سرمایه انسانی

عوامل	وزن نسبی عوامل	رتبه هر عامل
علم و معرفت	۰/۲۶۷	۱
تامین معاش	۰/۲۵۲	۲
بهداشت و سلامت جسم و روان	۰/۲۰۲	۳
توانایی و مهارت‌های رفتاری	۰/۱۵۸	۴
توانایی و مهارت‌های ارتباطی	۰/۱۱۸	۵

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۰۰۱: نرخ ناسازگاری)

جدول ۸. وزن نسبی مؤلفه‌های اخلاق

رتبه هر عامل	وزن نسبی عوامل	عوامل
۱	۰/۳۱۲	اتکای نهادها بر اصول اخلاقی
۲	۰/۲۴۴	ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق
۴	۰/۲۰۹	اتکای قوانین بر اخلاق
۳	۰/۲۳۳	رعایت اصول و فضایل اخلاقی

منبع: یافته‌های تحقیق
(۰/۱ ≤ ۰/۲۲: نرخ ناسازگاری)

جداول فوق در واقع بیانگر وزن هر یک از مؤلفه‌ها براساس قضاوت نخبگان است که متوسط وزن هر شاخص را نشان می‌دهد. نکته قابل توجه اینکه با توجه به تعدد پژوهشگران، از میانگین هندسی نظرات آن‌ها برای محاسبه وزن‌های نسبی استفاده شده است.

درنهایت نیز مطابق گام چهارم، وزن نهایی هر یک از مؤلفه‌ها، محاسبه شده و بر این اساس، رتبه‌بندی نهایی مؤلفه‌های ۲۴ گانه مؤثر بر رشد اقتصادی در جدول ۹ ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، بیشترین اهمیت در بین مؤلفه‌ها به رعایت هنجارهای دینی، آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی، تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی، اتکای نهادها بر اصول اخلاقی و وفای به عهد مربوط است. همچنین مؤلفه‌های توانایی و مهارت‌های ارتباطی و رفتاری، بهداشت و سلامت جسم و روان، ارتقای آموزش و مهارت و تأمین معاش در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، اهمیت کمتری دارند.

جدول ۹. اوزان نهایی ۲۴ شاخص مؤثر بر رشد اقتصادی در آموزه‌های اسلامی

رتبه	وزن نهایی	وزن مؤلفه‌ها در زیرگروه	مؤلفه‌ها	وزن عامل	عوامل
۱۱	۰.۰۳۹	۱۹۴/	تعاون و همکاری	۰/۲۰۲	سرمایه اجتماعی
۱۴	۰.۰۳۳	۱۶۴/	ایثار و خیرخواهی		
۱۲	۰.۰۳۷	۱۸۴/	اعتماد		
۵	۰.۰۶۳	۳۱۲/	وفای به عهد		
۱۸	۰.۰۲۹	۱۴۶/	تکافل اجتماعی و ...		

عوامل	وزن عامل	مؤلفه‌ها	وزن مؤلفه‌ها در زیرگروه	وزن نهایی	رتبه
عملکرد شغلی	۰/۱۷۴	وجدان کاری و تعهد	۰/۳۵۲	۰.۰۶۱	۶
		اهمیت و جایگاه کار	۰/۱۶۴	۰.۰۲۹	۱۹
		روحیه کارآفرینی و سخت‌کوشی	۰/۱۷۰	۰.۰۳	۱۶
		ارتقای آموزش و مهارت	۰/۱۳۲	۰.۰۲۳	۲۱
		التزام به قوانین و مقررات	۰/۱۸۲	۰.۰۳۲	۱۵
سرمایه دینی	۰/۳۰۴	آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی	۰/۲۲۳	۰.۰۶۸	۲
		تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی	۰/۲۱۶	۰.۰۶۶	۳
		مشارکت در فعالیت‌های دینی	۰/۱۵۷	۰.۰۴۸	۸
		رعایت هنجارهای دینی	۰/۲۸۴	۰.۰۸۶	۱
		تولید و مصرف کالاهای دینی	۰/۱۱۹	۰.۰۳۶	۱۳
سرمایه انسانی	۰/۱۱۴	علم و معرفت	۰/۲۶۷	۰.۰۳	۱۷
		تامین معاش	۰/۲۵۲	۰.۰۲۹	۲۰
		بهداشت و سلامت جسم و روان	۰/۲۰۲	۰.۰۲۳	۲۲
		توانایی و مهارت‌های رفتاری	۰/۱۵۹	۰.۰۱۸	۲۳
		توانایی و مهارت‌های ارتباطی	۰/۱۱۸	۰.۰۱۴	۲۴
اخلاق	۰/۲۰۶	اتکای نهادها بر اصول اخلاقی	۰/۳۱۲	۰.۰۶۴	۴
		ابتنای روابط و رفتارها بر اخلاق	۰/۲۴۴	۰.۰۵	۷
		اتکای قوانین بر اخلاق	۰/۲۰۹	۰.۰۴۳	۱۰
		رعایت اصول و فضایل اخلاقی	۰/۲۳۴	۰.۰۴۸	۹

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی گسترده مبانی نظری موجود در زمینه تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی و همچنین بررسی تجربی برخی کشورها، راه‌ها و مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی تبیین گردید. مهم‌ترین این مسیرها و مؤلفه‌های اصلی هر یک از آنها را می‌توان در نمودار ۱ مشاهده نمود.



نمودار ۱. عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذاری دین بر رشد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

در وهله بعد اهمیت هر یک عوامل و مسیرهای اصلی اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی و هر یک از مؤلفه‌های آنان با استفاده از نظرات خبرگان با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی مشخص گردید. براین اساس در میان عوامل و مسیرهای اصلی، سرمایه دینی با وزن نسبی ۰/۳۰۴ بیشترین اهمیت را دارا است که با توجه به موضوع اصلی پژوهش یعنی تأثیر دین بر رشد اقتصادی، قابل پذیرش می‌باشد. در رتبه بعدی عوامل اخلاقی با وزن نسبی ۰/۲۰۶ و سرمایه اجتماعی با وزن نسبی ۰/۲۰۲ قرار دارند. درنهایت نیز طبق نظر نخبگان عملکرد عملی با وزن نسبی ۰/۱۷۴ و سرمایه انسانی با وزن نسبی ۰/۱۱۴ کمترین اهمیت بر رشد اقتصادی را دارند. در تحلیل وزن‌های نسبی به دست آمده می‌توان گفت که با توجه به اینکه

پژوهش حاضر به دنبال رتبه‌بندی مسیرهای اثرگذاری دین بر رشد اقتصادی بوده است، طبیعی است که سرمایه دینی در این رابطه دارای بیشترین اهمیت باشد و رتبه نخست را طبق نظر نخبگان کسب نماید. همانگونه که اشاره شد سرمایه دینی عبارت است از اثرات اعتقادی و اعمال مذهبی که دارای دو بعد اصلی آشنایی و تعلق فرد به فرهنگ دینی است. در واقع هر چه که در جامعه‌ای نسبت به آشنایی عموم مردم با فرهنگ دینی اهتمام بیشتری وجود داشته باشد به نحوی که در ثمره آن، مردم تعلق بیشتری به هنجارها و ارزش‌های دینی داشته باشند، انتظار می‌رود که تأثیر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی بیشتر باشد. در وهله دوم عوامل اخلاقی قرار دارند که باز از میان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی اهمیت بیشتری دارد چرا که آموزه‌های اخلاقی از مهم‌ترین مسائلی هستند که در هر دینی مورد اشاره و تأکید قرار می‌گیرند و با توجه به تأثیراتی که بر بینش و رفتار افراد می‌گذارند، می‌توانند بیشترین همسویی و هماهنگی را در مسیر رشد اقتصادی ایجاد نمایند. به عنوان نمونه توصیه به مسئولیت‌پذیری، تعهد، انصاف، انضباط کاری و ... از جمله ابتدایی‌ترین آموزه‌های اخلاقی هستند که توجه به آن‌ها، تأثیرات شگرفی بر نهاده‌های تولید از جمله نیروی انسانی خواهد گذاشت و مسیر رشد اقتصادی را هموارتر خواهد نمود. سرمایه اجتماعی با وزن نسبی نزدیک به آموزه‌های اخلاقی در رتبه سوم قرار گرفته است. همانگونه که پیشتر نیز اشاره شد، سرمایه اجتماعی از آنجا که بر کنش‌ها و واکنش‌های جمعی مردم در همه امور از جمله امور اقتصادی حاکم است، می‌تواند سهم بسیاری در رشد اقتصادی داشته باشد. در واقع استفاده از سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌هایی است که از طرقی مانند کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، بهبود کارایی و ... رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد. شاید علت تأثیرگذاری بیشتر این سه عامل نسبت به دو عامل دیگر یعنی عملکرد شغلی و سرمایه انسانی این باشد که سه مؤلفه نخست شمولیت بیشتری دارند بدین معنا که سه عامل نخست می‌توانند بر اقسام مختلف نهاده‌های تولید مؤثر باشند ولی دو عامل عملکرد شغلی و سرمایه انسانی تنها به بعد سرمایه انسانی توجه دارند.

در مرحله آخر نیز وزن نهایی هر یک از مؤلفه‌های عوامل پنجگانه محاسبه گردید. بدین صورت که وزن نسبی هر یک از مؤلفه‌ها در وزن نسبی عامل اصلی آن ضرب گردید. براین اساس مطابق با نظر نخبگان، رعایت هنجارهای دینی و حدود شرعی (با

وزن نسبی (۰/۰۸۶) دارای بیشترین اهمیت تشخیص داده شد. مؤلفه‌های آشنایی و آگاهی از فرهنگ دینی (۰/۰۶۸) و همچنین تعلق و وابستگی به فرهنگ دینی (۰/۰۶۶) نیز در مرتبه‌های بعدی قرار گرفتند. همانگونه که مشاهده می‌شود هر سه این مؤلفه‌ها، از جمله مؤلفه‌های سرمایه دینی هستند که با توجه به ضریب بالای سرمایه دینی در بین ۵ عامل موجود، انتظار چنین مسئله‌ای می‌رفت. اما در تحلیل این مؤلفه‌ها باید گفت که مؤلفه نخست یعنی رعایت هنجارهای دینی اذعان به این مسئله دارد که تنها آشنایی و تعلق به سرمایه دینی کفایت نمی‌کند؛ بلکه این رعایت هنجارها است که می‌تواند ثمره سرمایه دینی را در مسیر رشد اقتصادی محقق سازد. مؤلفه‌های رتبه دوم و سوم نیز همان دو عنصر اصلی سرمایه دینی هستند که در تعریف سرمایه دینی بدان اشاره شد. در واقع با وجود این دو مؤلفه، سرمایه دینی شکل می‌گیرد از این‌رو این دو مؤلفه بیشترین تأثیر را در بین ۲۴ مؤلفه موجود به دست آورده‌اند. در انتهای طیف نیز مؤلفه‌های مربوط به سرمایه انسانی یعنی بهداشت و سلامت جسم و آرامش روح و روان (۰/۰۲۳)، توانایی و مهارت‌های رفتاری (۰/۰۱۸) و توانایی و مهارت‌های ارتباطی (۰/۰۱۴) دارای کمترین اهمیت شناخته شدند که علت اصلی آن، همان پایین بودن وزن نسبی مربوط به عامل سرمایه انسانی است که پیشتر بدان اشاره گردید.

کتابنامه

- آذر، عادل (۱۳۷۹). تحلیل پوششی داده‌ها و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی، مطالعه تطبیقی. مطالعات مدیریت، ۷ (۲۸)، ۱۲۹-۱۴۶.
- آقاجانی، معصومه و خیری‌دوست، و معصومه (۱۳۹۴). توسعه پایدار در کنار عدالت و اخلاق در اقتصاد اسلامی اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳ (۱۰)، ۱۱۱-۱۴۶.
- پاینده نجف‌آبادی، ابراهیم و عین‌علی، دنیا (۱۴۰۰). تأثیر اخلاق کسب‌وکار در توسعه پایدار کسب‌وکار. دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی پایداری کسب‌وکار. اهواز: دانشگاه شهیدچمران.
- پورفرج، علیرضا، گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی و انصاری سامانی، حبیب (۱۳۹۴). دینداری و رفتار اقتصادی؛ روش‌شناسی اقتصاد آزمایشگاهی برای مطالعه انسان

- اقتصادی اسلام. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۷ (۱۴)، ۳۳-۶۸.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم (غلامعلی فرجادی، مترجم). تهران، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ هشتم.
- دلبری، سیدعلی و داودی، سیدعلیرضا (۱۳۹۱). کاربرد تکنیک فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی. تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، ۹ (۳۳)، ۵۷-۷۹.
- رجائی رامشه، سیدمحمدکاظم و هاشمی، سیدمحمدتقی (۱۴۰۰). نحوه اثرگذاری معنویت بر رشد و پیشرفت اقتصادی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۲ (۲۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- عسکری، محمدمهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۰). دین و اقتصاد. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- عسگری، حشمت‌اله و ابراهیمی، سیداحمد (۱۳۹۹). واکاوی اقتصاد رفتاری در آیات قرآن. اقتصاد اسلامی، ۲۰ (۸۰)، ۲۵-۵۰.
- عسگری، محمدمهدی و توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۶). تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی. جستارهای اقتصادی، ۴ (۸)، ۱۰۱-۱۲۱.
- غفاری‌فرد، محمد؛ فلاح، جان‌محمد و خاشعی، محمدیوسف (۱۴۰۰). اثر سرمایه دینی بر رشد اقتصادی استان‌های مختلف ایران. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹ (۳۴)، ۲۶۳-۲۸۳.
- قنبری‌نیک، سیف‌اله (۱۳۸۸). رابطه دین و توسعه با تاکید بر آموزه‌های دینی. فرهنگ پژوهش، ۲ (۵)، ۱۳۷-۱۵۸.
- کوزنتس، سیمون (۱۳۷۲). رشد نوین اقتصادی (مرتضی قره‌باغیان، مترجم)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- مرادی حقیقی، فائزه (۱۳۹۴). کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۸ (۳۱)، ۶۹-۹۶.
- نظرپور، محمدنقی و منتظری‌مقدم، مصطفی (۱۳۸۷). فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۷ (۳۱)، ۳۷-۶۸.
- هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۹۸). تربیت اخلاقی و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام. معرفت

اقتصاد اسلامی، ۱۱ (۲۱)، ۱۸۵-۲۰۱.

یزدانی فرد، فاطمه (۱۳۹۹). تاثیر سرمایه دینی بر توسعه اقتصادی با تاکید بر آموزه‌های اخلاقی دین اسلام. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
 یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۶). نظام اقتصاد علوی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ اول.

- Aghajani, M. and Khairidoost, M. (2014), Sustainable development along with justice and ethics in Islamic economy, *Islamic Economics and Banking*, 3 (10), 111-146 (In Persian).
- Aguilera, J. C., (2016), Department of Economics, Social capital and Economic growth, Master's Thesis, LUND UNIVERSITY.
- Asgari, H. and Ebrahimi, S. A. (2019), Analysis of Behavioral Economics in the Qur'anic Verses, *Islamic Economy*, 20 (80), 25-50 (In Persian).
- Asgari, M. M. and Tohidinia, A. (1386), Effect of social capital on economic growth and development, *Economic Surveys*, 4 (8) (In Persian).
- Ashraf, Q. & Galor, O. (2011), Cultural Diversity, Geographical Isolation, and the Origin of the Wealth of Nations, NBER Working Papers 17640, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Askari, M. M. and Derakhshan, M. (2019), *Religion and Economy*. Tehran: Imam Sadegh University (In Persian).
- Azar, A. (1379), Data overlay analysis and hierarchical analysis process, a comparative study, *Management Studies*, 7 (28), 129-146 (In Persian).
- Balan, D. & Stephen K. (2011), *The Correlation between Human Capital and Morality and its Effect on Economic Performance: Theory and Evidence*, World Bank Policy Research Working Paper Series.
- Barker, M. (2008), The role of religious capital in relating religion and economic development, *Third Sector Review*, 14 (1). 1-8.
- Barro, R. & McCleary, R. (2003), Religion and Economic Growth, *American Sociological Review*, 68 (46), SourceRePEc, Rachel.
- Batjargal, B. (2003), Social Capital and Entrepreneurial Performance in Russia: A Longitudinal Study, *Acoustics, Speech, and Signal Processing Newsletter*, IEEE 24 (4), 535-556.
- Becker, S. & Ludger, W. (2009), Was Weber Wrong? A Human Capital Theory of Protestant Economic History, *Quarterly Journal of Economics*, 124.
- Bednarik, R. & Filipova, L. (2009), The role of religion and political regime for human capital and economic development, *MPRA Paper* 14556, University Library of Munich, Germany.
- Bernstein, E. M. & Putnam, F. W. (1986), Development, reliability, and validity of a dissociation scale, *The Journal of nervous and mental disease*, 174 (12), pp.727-735.

- Bosma, N.; Van Praag, M.; Thurik, R. & Wit, G. (2004), The Value of Human and Social Capital Investments for the Business Performance of Startups, *Small Business Economics*, 6 (23), 227-236.
- Delbari, S. A. & Davodi, S. A. (2019), Using the Hierarchy Analysis Process Technique in Ranking the Evaluation Indicators of Tourist Attractions, *Research in Operations and Its Applications*, 9 (33), 57-79 (In Persian).
- Dess, G. & Shaw, J. (2001), Voluntary turnover, social capital, and organizational performance, *The Academy of Management Review*, 26 (3), 446-457.
- Dinda, S. (2008), Social capital in the creation of human capital and economic growth: A productive consumption approach, *Journal of Socio-Economics*, 37 (5), 2020-2033
- Ebstein King, P. & Furrow, J. (2004), Religion as a Resource for Positive Youth Development: Religion, Social Capital, and Moral Outcomes, *Developmental Psychology*, 40 (5), 703-713.
- Estrada, C. A.; Lomboy, M. F.; Gregorio, E.; Amalia, E.; Leynes, C.; Quizon, R. & Kobayashi, J. (2019), Religious education can contribute to adolescent mental health in school settings, *Int J Ment Health Syst* 13 (28).
- Foss, N. (2012), *Linking Ethics and Economic Growth: a Comment on Hunt, Contemporary Economics*, ISSN 2084-0845, Vizja Press & IT, Warsaw, 6 (3), 4-9.
- Ghafariard, M.; Fallah, J. M. and Khashai, M. Y. (1400), Effect of religious capital on the economic growth of different provinces of Iran, *Islamic Economy and Banking*, 9 (34), 263-283 (In Persian).
- Guiso, L. & Sapienza, P. & Zingales, L. (2003), People's opium? Religion and economic attitudes, *Journal of Monetary Economics*, Elsevier, 50 (1), 225-282.
- Hadavi Nia, A. A. (2018), Ethical education and economic growth from the perspective of Islam, *Knowledge of Islamic Economics*, 11 (21), 185-201 (In Persian).
- Hall, J. A. (1986), *Powers and Liberties: The Causes and Consequences of the Rise of the West*, University of California Press, Berkeley, CA.
- Hansen, B. & Hansen, M. E. (2008), Religion, Social Capital, and Business Bankruptcy in the United States, 1921-1932, Working Papers 2008-15, American University, Department of Economics.
- Huntington, S.P. (2001), *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*, Praha.
- Iyer, Sriya (2007), *religion and economic development*, In: *Economic Growth*, Palgrave Macmillan, University of Cambridge, pp.222-228.
- Kim, M., and Brijesh T. (2018), Relationship of Ethical Leadership, Corporate Social Responsibility and Organizational Performance, *Sustainability*, 10 (2).
- Kouvavas, O. (2013), Political Budget Cycles Revisited, the Case for Social

- Capital, MPRA Paper 57504, University Library of Munich, Germany, revised.
- Kuznets, S. (1372), *Modern Economic Growth*, Morteza Qarabaghian, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance (In Persian).
- Lal, D. (1998), *Unintended Consequences: The Impact of Factor Endowments, Culture and Politics on Long-Run Economic Performance*, The MIT Press, Cambridge, MA.
- Landes, D. S. (1998). *The Wealth and Poverty of Nations: Why Some Are So Rich and Some So Poor*, Norton & Co., New York, NY.
- Landes, D. S. (2006), Why Europe and the West? Why Not China?, *Journal of Economic Perspectives*, 20(2).
- Landes, D.S. (2004), *The Wealth and Poverty of Nations*. Prague: BB/art, ISBN 80-7341-291-8.
- McCleary, R., & Barro, R. (2006), Religion and Economy, *Journal of Economic Perspectives*, 20 (2), 49-72.
- Montgomerie, T. (2015), *Prosperity for All Restoring Faith in Capitalism Economics of Prosperity*, London: egatum Foundation.
- Moradi Haghighi, F. (2014), The social and cultural function of religion in the economic development of Malaysia, *Journal of International Relations*, 8 (31), 69-96 (In Persian).
- Motavasseli, M. (2012), *economic development*, Tehran: Samit, first edition (In Persian).
- Nazarpour, M. N. and Montazeri Moghadam, M. (2008), Culture that builds trust in religious thought and its role in economic development, *Islamic Economy*, 7 (31), 37-68 (In Persian).
- Noland, M. (2005), Religion and economic performance, *World Development*, 33 (8), 1215-1232.
- Omar, A.; Hussin, F.; Golam H., Asan A. (2014), The Trend Analysis of Islamization in Malaysia Using Islamization Index as Indicator, *Asian Economic and Financial Review* 4 (10), 1298-1313.
- Osman Gani, A.; Hashim, J. & Ismail, Y. (2013), Establishing linkages between religiosity and spirituality on employee performance, *Employee Relations*, 35 (4), 360-376.
- Payandeh Najafabadi, E. and Ain Ali, D. (1400), The impact of business ethics on sustainable business development, *the second national conference and the first international conference on business sustainability*. Ahvaz: Shahid Chamran University (In Persian).
- Poorfaraj, A., Gilak Hakimabadi, M. T. and Ansari Samani, H. (2014), Religiosity and Economic Behavior; Laboratory Economics Methodology for the Study of Islamic Economic Man, *Islamic Economic Studies*, 7 (14), 68-33 (In Persian).
- Pretty, J. (2003), social capital and collective management of resources, *science* 32: 1912-1914. 302 (5652).

- Putnam, R. (2002), *Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*, Oxford: Oxford University Press.
- Qanbari Nik, S. (2008), The relationship between religion and development with an emphasis on religious doctrines, *Research Culture*, 2 (5), 137-158 (In Persian).
- Rajaei Ramsheh, S. M. and Hashemi, S. M. (1400), How Spirituality Influences Economic Growth and Progress, *Marafet Islamic Economy*, 12 (24), 175-192 (In Persian).
- Samanta, S. (2013), Corruption, religion and economic performance in OPEC countries: an analysis, *International Journal of Economics, Management and Accounting*, 19 (2).
- Schumpeter, J. (1954), *History of Economic Analysis*. London: Oxford University Press.
- Shimazu, A.; Schaufeli, W.; Kamiyama, K. & Kawakami, N. (2015), Workaholism vs. work engagement: the two different predictors of future well-being and performance, *International Journal of Behavioral Medicine*, 6 (22), 18-23.
- Smidt, C. (2003), *Religion as social capital: producing the common good*, Baylor University Press, Waco.
- Stark, R. & Finke, R. (2000), *Acts of Faith: Explaining the Human Side of Religion*, California: University of California Press.
- Thomas, C. C. (1990), *The Responsive Organisation: Re-engineering New Patterns of Work*, Policy Publications.
- Thompson, M. (2018), Social capital, innovation and economic growth, *Journal of Behavioral and Experimental Economics* (formerly The Journal of Socio-Economics), Elsevier, 19 (73), 46-52.
- Todaro, M. (1378), *Economic Development in the Third World*, translated by Gholamali Farjadi, Tehran: Higher Institute of Research in Planning and Development, 8th edition (In Persian).
- Weber, M. (1904). *The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*, trans. T. Parsons, London: Routledge, 1992.
- Woodrum, E. (1985), Religion and Economics Among Japanese Americans: A Weberian Study, *Social Forces* 64 (1), 191-204.
- Wuthnow, R. (2002), Religious Involvement and Status-Bridging Social Capital, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41 (4), 669 – 684.
- Yazdani Fard, F. (2019), *the impact of religious capital on economic development with an emphasis on the moral teachings of Islam*, master's thesis, Qom University, Faculty of Management and Economics (In Persian).
- Yousefi, A. A. (2008), *Alevi Economic System*, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought, 2008, first edition (In Persian).



The Role of Religiosity in Financial Literacy and Its Impact on Financial Satisfaction and Hopelessness of Pre-Service Teachers

Abbas Ramazani: Assistant Professor, Department of Educational Administration, Farhangian University, Tehran, Iran.

a.ramezani@cfu.ac.ir | 0000-0002-1634-3708

Anita Omidinia: M.A Student of Human Resource Development, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding author).

a.omidinia@modares.ac.ir | 0009-0009-0534-5546

Ladan Hajianvari: B.A Student in Elementary Education, Department of Educational Science, Farhangian University, Zanjan, Iran.

l.hajianvari@cfu.ac.ir | 0009-000-6086-4744

Abstract

The current study examines Islamic financial literacy (IFL) and its determinants among students at Farhangian University in Zanjan. The research aims to investigate the impact of IFL on factors such as hopelessness, religiosity, and financial satisfaction. As most existing studies focus on conventional financial literacy, this research seeks to address this gap and enhance understanding of IFL. The study is quantitative and applied in nature, with a descriptive approach to data collection and a causal-comparative method. Data was gathered through a structured questionnaire from 294 students at Farhangian University in Zanjan, which was then analyzed using exploratory factor analysis in SPSS software. The results revealed that only seven components of IFL demonstrated reliability, with despair showing the highest variance, followed by religiosity and financial satisfaction. The findings highlight the significance of religiosity as a key factor in financial resource management, indicating that students with higher religiosity levels may be more adept in managing their finances in alignment with Islamic teachings. Additionally, the study shows that IFL influences financial frustration and satisfaction, underscoring the importance of incorporating Islamic financial principles into educational programs to guide students in making informed financial decisions.

Keywords

Islamic Financial Literacy, Students, Hopelessness, Religiosity, Financial Satisfaction.

نقش دینداری در سواد مالی و تاثیر آن بر رضایت مالی و ناامیدی دانشجویان معلمان

عباس رمضانی: استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.ramezani@cfu.ac.ir
آینتا امیدنی: دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه منابع انسانی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول). a.omidinia@modares.ac.ir
لادن حاجی انوری: دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، زنجان، ایران. l.hajianvari@cfu.ac.ir

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی سواد مالی اسلامی و عوامل تعیین کننده آن در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان زنجان می پردازد. هدف این پژوهش بررسی تاثیر سواد مالی اسلامی بر عواملی چون ناامیدی، دینداری و رضایت مالی است. با توجه به اینکه بیشتر تحقیقات موجود بر سواد مالی متعارف تمرکز دارند، پژوهش حاضر به دنبال پر کردن این خلأ و ارتقاء درک از سواد مالی اسلامی است. پژوهش کمی حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد و روش گردآوری داده ها توصیفی از نوع علی-مقایسه ای می باشد. داده ها از طریق یک پرسشنامه ساختاریافته بین ۲۹۴ نفر از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان زنجان جمع آوری و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که تنها هفت مؤلفه در ساختار سواد مالی اسلامی قابلیت اطمینان را نشان می دهند که در این میان، ناامیدی بالاترین واریانس را داراست و دینداری و رضایت مالی در رده های بعدی قرار دارند. یافته های این پژوهش بر اهمیت دینداری به عنوان یک عامل مؤثر در مدیریت منابع مالی تأکید می کند و نشان می دهد که دانشجویانی که دینداری بالایی دارند، بهتر می توانند منابع مالی خود را بر اساس آموزه های اسلامی مدیریت کنند. همچنین یافته ها حاکی از آن است که سواد مالی اسلامی بر ناامیدی و رضایت مالی تاثیرگذار می باشد و سیاست گذاران و برنامه ریزان بایستی گنجاندن اصول مالی اسلامی را در برنامه های آموزشی برای هدایت تصمیم گیری مالی آگاهانه دانشجویان بگنجانند.

واژگان کلیدی: سواد مالی اسلامی، دانشجویان، ناامیدی، دینداری، رضایت مالی.

مقدمه

اسلام تاکید دارد که رفتار اقتصادی مردم بایستی در چارچوب ارزش‌ها، هنجارها، الگوهای اخلاقی و رفتاری باشد (احمدی و عباسپور، ۱۳۹۵). با رعایت قوانین دین، مسلمانان مجاز هستند تجارت خود را گسترش داده و فرصت‌آفرین شوند. از رسول اکرم (ص) نقل است: «همانا خدای تعالی، بنده مؤمن پیشه‌ور را دوست دارد» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳: ۳۰۵). همان‌طور که از آیه ۳۹ سوره نجم دریافت می‌شود، هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است؛ و انسان‌ها مکلف به انجام وظیفه‌اند، نه حصول نتیجه. سعی و تلاش (با رعایت اصول و قواعد اسلامی) وظیفه انسان‌هاست (قرائتی، ۱۳۹۵: ۳۳۵). «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى؛ و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست». در اسلام، سود حلال (مطابق با قوانین دین) تشویق شده است. به عبارت دقیق‌تر، سود حلال به عنوان نتیجه فعالیت‌های کسب و کاری صحیح، منطبق با قانون به‌شمار می‌رود. امام جعفر صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَ أَفْضَلُهَا جُزْءًا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ عبادت هفتاد قسمت دارد و برترین آن پی‌روزی حلال رفتن است» (معانی الأخبار، ج ۱: ۳۶۶). پیامبر (ص) همچنین می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ؛ بهترین کارها، کسب حلال است» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۳: ۲۲۸). در همین راستا، امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «اتَّجِرُوا بِأَرْكَ اللَّهِ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الرِّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي التِّجَارَةِ وَ وَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا؛ تجارت و خرید و فروش کنید، (تا) خدا به شما برکت دهد، چرا که شنیدم رسول الله (ص) فرمود: روزی ده جزء است و نه جزء آن در تجارت است و یک جزء در غیر آن است» (بحار الأنوار، ج ۱۰۳: ۱۳). همچنین رسول خدا (ص) فرمودند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ در پی مال حلال بودن، بر هر مرد و زن مسلمان، لازم و واجب است» (جامع الأخبار، ج ۱: ۱۳۹). آن حضرت همچنین می‌فرماید: «الْكَادُّ لِعِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای اداره زندگی خانواده‌اش تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند» (بحار الأنوار، ج ۱۰۳: ۱۳). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ أَعْوَنُ لَكَ عَلَى دِينِكَ؛ به دست آوردن روزی حلال را رها مکن؛ زیرا روزی حلال

تو را در دینت بیشتر کمک می‌کند» (الأمالی، ج ۱: ۱۹۳). ایشان همچنین به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «مَنْ بَاتَ كَالًا مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ؛ کسی که به دنبال روزی حلال، روز خود را خسته و درمانده سپری کرده، (بداند که) شب خود را (نیز) با گناهان آمرزیده سپری خواهد نمود» (بحار الأنوار، ج ۱۰۳: ۲).

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: طلب علم بر هر مسلمانی واجب است (اصول کافی، ج ۱: ۳۵). بنابراین، مسلمانان باید در امور مربوط به عبادات و نیز امور مربوط به امور دنیوی زندگی از جمله تجارت، اقتصاد و همچنین معاملات مالی، از آگاهی کافی برخوردار باشند. سواد مالی اسلامی وظیفه دینی هر مسلمان است، زیرا پیامدهای بیشتری در تحقق الفلاح (موفقیت واقعی) در دنیا و آخرت دارد. به ویژه، یک مسلمان باید به قوانین و مقررات مختلف حاکم بر معاملات اقتصادی و مالی خود آگاه باشد.

در روایت آمده است: «کسی که سربار جامعه باشد، نفرین شده است» (وسائل الشیعه، ج ۱۲: ۱۸)؛ در حقیقت به گفته رسول خدا (ص): «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ؛ کسی که بار زندگی خود را بر دوش مردم بیندازد مورد لعن است». همچنین نقل است از امام صادق (ع) که: «لَمَّا قَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ خَيْرَ النَّاسِ؛ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ، فَكُنْ نَافِعًا لَهُمْ؛ شخصی به پیامبر خدا (ص) عرض کرد: دوست دارم که بهترین مردم باشم؛ حضرت فرمود: بهترین مردم کسی است که به حال مردم سودمند باشد؛ پس تو برای آنان سودمند باش» (کنز العمال: ۴۴۱۵۴). وجه ممیزه و مشخصه زندگی ائمه معصومان (ع) تاکید بر کار سخت به جهت خودکفایی، استقلال، بی‌نیازی از دیگران و کوشش برای کسب حلال است، به نحوی که نتایج آن به جز خود فرد عاید جامعه هم بشود؛ نکته مهم این است که آن حضرات کار و فعالیت اقتصادی را نوعی عبادت تلقی می‌کرده‌اند؛ عبادتی که نتیجه آن فردی نیست بلکه جامعه‌ای را منتفع می‌کند، پس ارزش این عبادت از هر عبادت دیگری بالاتر است (ولوی، ۱۳۸۲). این مهم نیازمند برخورداری از سواد مالی است تا با بهره‌گیری از اصول اسلامی به کسب درآمد پرداخت و رفاه مالی را افزایش داد. افزایش سواد مالی منجر به کاهش اشتباه در تصمیم‌گیری میشود لذا میتوان از سواد مالی به‌عنوان کلید تصمیم‌گیری یاد کرد (Muslichah & Sanusi., 2019).

سواد مالی اصطلاحی است که برای توصیف درک افراد از مفاهیم مالی و توانایی آنها برای تصمیم‌گیری آگاهانه بر اساس آن دانش استفاده می‌شود (Omidinia & Ramezani, 2024). آموزش‌های مالی می‌تواند توانایی توسعه یک روند و روال از تصمیم‌گیری‌های درست و مدیریت موفق بودجه و سرمایه‌های فردی باشد. سواد مالی توانایی به‌کارگیری دانش و توانمندی‌ها و قابلیت‌های لازم را دارا است. در حقیقت تمرکز اصلی سواد مالی نه تنها شامل دانش است بلکه شامل رفتارها و حرکت‌های مالی و رویکردهای آن است (Walstad et al., 2017). در سال‌های اخیر، کشورها و اقتصادهای توسعه‌یافته و نوظهور توجه زیادی به سطح سواد مالی مردم‌شان کرده‌اند. این توجهات توسط بحران‌های مالی برجسته می‌گردد چون که فقدان سواد مالی، به تصمیمات مالی بیمارگونه کمک می‌کند و این تصمیمات به نوبه خود تاثیر زیادی بر تشدید شدن بحران‌ها دارد. از این رو، کمبود دانش مالی یا فقدان آموزش مالی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری مالی غیربهبه‌توسط افراد شود و در نتیجه منجر به مشکلات مالی شود (Omidinia & Ramezani, 2024). لذا در حال حاضر سواد مالی به عنوان یکی از عوامل مهم ثبات و توسعه اقتصادی و مالی در سراسر جهان شناخته می‌شود (Toghyani & Moradi Basiri, 2016).

توجه روزافزون به نقش مهم سواد مالی به افزایش سطح بدهی در بین جوانان نسبت داده می‌شود. به گفته ادریس و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، ترجیحات برای تجمعات سبک زندگی، آنها را به خرج کردن فراتر از محدودیت‌ها سوق داده است تا جایی که حاضرند بدهکار شوند. درحالی که این، برخلاف آموزه‌های اسلامی است که اعتدال در مصرف را ترویج می‌کند و همچنین استفاده از بدهی را فقط برای نیازهای واقعی محدود می‌کند. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «از قرض‌ها برحذر باشید که غم شب و ننگ در روز است» تأکید می‌کند که بدهکاری نه تنها موجب افزایش بار مالی می‌شود، بلکه می‌تواند بار عاطفی نیز ایجاد کند. این مساله دلیل تشویق بسیار قرآن به اعتدال در انفاق را شفاف می‌سازد، چنانکه در سوره فرقان آیه ۶۷ آمده است: «کسانی که به هنگام انفاق، اسراف نکرده و بخل هم نمی‌ورزند، بلکه احسان آنها در حد عادلانه می‌باشد».

مطالعات انجام شده در مالزی نشان داده است که سطح پایین سواد مالی در بین

دانش‌آموزان با مهارت‌های ضعیف مدیریت پول مرتبط است (Ibrahim et al., 2009). به ویژه، اکثر آنها تمایل دارند برای مقاصد غیر آکادمیک به طور تهاجمی هزینه کنند و به احتمال زیاد با دریافت بورس تحصیلی خود پس‌انداز نمی‌کنند (Sabri et al., 2008).

به‌کارگیری تصمیم‌های مالی درست، جز از طریق داشتن سطح مناسبی از سواد مالی امکان‌پذیر نیست. سواد مالی و درک مفاهیم آن برای دانشجویان نیز اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا تصمیمات مالی اتخاذشده توسط آنها در دوره دانشجویی تأثیر با اهمیتی بر وضعیت مالی آنها پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه دارد. علاوه بر این موقعیت مالی آنها در دانشگاه می‌تواند عملکرد دانشگاهی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (Pashaei et al., 2023). با توجه به نگرانی‌های نامبرده شده، این مطالعه با هدف تمرکز بر ارزیابی سواد مالی اسلامی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام شد. به طور خاص، سواد مالی اسلامی از جمله حوزه‌های نوظهور محسوب می‌شود که پیشینه تحقیقاتی بسیار محدودی دارد و با وجود اینکه تقاضا برای ایجاد چهارچوب سواد مالی اسلامی وجود دارد، هنوز تلاش کافی در این زمینه صورت نگرفته است (Abdullah & Anderson, 2015). بنابراین، هدف پژوهش حاضر، توسعه سازه‌های سواد مالی اسلامی و عوامل تعیین‌کننده آن، یعنی، ناامیدی، دینداری و رضایت مالی است. از این رو فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

- ۱) دینداری بر سواد مالی اسلامی تأثیرگذار است.
- ۲) سواد مالی اسلامی بر ناامیدی تأثیرگذار است.
- ۳) سواد مالی اسلامی بر رضایت مالی تأثیرگذار است.

۱. پیشینه تحقیق

۱-۱. سواد مالی اسلامی

بررسی سواد مالی اسلامی مفهوم جدیدی است که وارد حوزه سواد مالی شده و به دلیل تازگی آن، در حال حاضر هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای از سواد مالی اسلامی وجود ندارد (Abdullah & Chong, 2014). به همین ترتیب، با توجه به پیشینه محدود در این حوزه، بررسی‌ها در این مطالعه عمدتاً مبتنی بر تحقیقات معاصر در زمینه سواد مالی است. بنابراین، این مطالعه با حفظ ارتباط نزدیک خود با تعریف کلی سواد مالی، تعریف مفهومی سواد

مالی اسلامی را به عنوان «توانایی فرد در استفاده از دانش، مهارت و نگرش مالی (OECD, 2012) در مدیریت منابع مالی بر اساس قوانین اسلامی» بیان می‌کند. از منظر OECD، سواد مالی یکی از راهکارهایی است که از آن می‌توان به منظور بهبود امنیت اقتصادی افراد، بهبود رقابت و افزایش نوآوری در بازارهای مالی، ارتقا سطح پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی استفاده کرد (اسلامی بیدگلی و کریم‌خانی، ۱۳۹۵). با این حال، وجود برخی عناصر غیرقانونی مانند علاقه به سازه‌های سواد مالی موجود، که با فلسفه زیربنایی مالی اسلامی همخوانی ندارد، نیاز حیاتی به توسعه ساختارهای ارزیابی سواد مالی اسلامی را برجسته می‌کند. بنابراین، مطالعه حاضر سعی دارد این خلأ را با توسعه سازه‌های مناسب برای سواد مالی اسلامی پر کند.

۲-۱. عوامل تعیین‌کننده سواد مالی اسلامی

سواد مالی اسلامی به عنوان دانش، مهارت و نگرش در تصمیم‌گیری برای مدیریت منابع مالی بر اساس آموزه‌های اسلامی تعریف می‌شود (Kaban & Purnawarman, 2024). اقتصاد رفتاری و روانشناسی سرمایه‌گذاری، بیانگر این واقعیت است که رفتار افراد می‌تواند اثربخشی برنامه‌های سوادآموزی مالی را بهبود بخشد؛ افراد هنگامی که درک کنند که رفتارهای خاص سرمایه‌گذاری آنها باعث ایجاد رفاه خواهد شد، به برنامه‌ریزی سواد مالی خود بیشتر علاقه نشان خواهند داد (رحمانی نوروزآباد و محمدی، ۱۳۹۸). از این رو شناسایی عوامل تعیین‌کننده (اثرگذار و اثرپذیر) آن می‌تواند موجب آگاه‌سازی افراد و علاقه‌مند ساختن آنان به ارتقای سواد مالی خود خواهد شد.

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی برای ارائه شواهد نظری و تجربی در مورد سواد مالی انجام شده است. اما، بیشتر این مطالعات بر روی عوامل جمعیت‌شناختی مؤثر بر سواد مالی متمرکز بودند. از این رو، این پژوهش سعی دارد سایر عوامل مؤثر بر سواد مالی اسلامی یعنی ناامیدی، دینداری و رضایت مالی را مورد بررسی قرار دهد.

دینداری به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده سواد مالی اسلامی است و به‌عنوان میزان پایبندی فرد به اعتقادات مذهبی، ارزش‌ها و اعمالی که در زندگی روزمره خود تجلی می‌یابد، تعریف می‌شود (Shukor & Jamal, 2013). مذهب، اغلب نقش اساسی در تأثیرگذاری بر

نحوه برخورد افراد با تصمیمات مالی دارد. به عبارت دیگر، سر و کار داشتن فرد با امور مالی به شدت متأثر از آموزه‌های دینی اوست. بررسی رفتار سرمایه‌گذاران عربستان سعودی که حاکی از ارتباط مثبت بین دینداری و سواد مالی بود به خوبی این مسئله را اثبات می‌کند (Anood Bin Kalli & Al-Tamimi Hassan, 2009). از این رو عامل دینداری در پژوهش حاضر به‌عنوان عامل اثرگذار بر سواد مالی اسلامی در نظر گرفته شد.

عامل تعیین‌کننده دیگر ناامیدی است. ناامیدی به تأثیر منفی بر چندین مؤلفه رفتار مالی و رفاه اشاره دارد (Murphy, 2013). به عبارت دیگر، افسردگی در میان افراد بدهکار به‌طور جدی اغلب منجر به تصمیمات و اقدامات عجولانه با پیامدهای وحشتناک می‌شود. در واقع، ناامیدی به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که بسیاری از مردم با آن مواجه هستند (Bolland, 2003). ناکافی بودن سواد مالی افراد، باعث تصمیمات نادرست آنان در زمینه‌های مالی می‌شود که در نتیجه، تزلزل و ناامیدی در مواجهه شدن با مشکلات زندگی را در پی خواهد داشت (اشرف‌گنجوئی و نایب‌زاده، ۱۳۹۳). مطالعات انجام شده در ایالات متحده بیانگر آن بود که بین ناامیدی و سواد مالی همبستگی منفی وجود دارد (Murphy, 2013). از این رو عامل ناامیدی در این پژوهش به‌عنوان عامل اثرپذیر از سواد مالی در نظر گرفته شد. عامل تعیین‌کننده نهایی در این مطالعه، یعنی رضایت مالی، به میزان ثروتی که فرد برای انجام تعهدات زندگی خود به دست آورده و در اختیار دارد، اشاره می‌کند. مطالعات اخیر همبستگی مثبتی را بین رضایت مالی و سواد مالی نشان داده است (Falahati et al., 2012). فردی که از سواد مالی بالایی برخوردار است، احتمالاً تمایل به سرمایه‌گذاری پول مازاد، کشف فرصت‌های متعدد و همچنین جمع‌آوری دانش بیشتر در مورد فرصت‌های مالی مختلف دارد و در نتیجه از وضعیت مالی خود راضی است. بنابراین سطوح بالاتر سواد مالی منجر به رفتار مالی مسئولانه‌تر شده که به نوبه خود بر رضایت مالی افراد تأثیر می‌گذارد و موجب افزایش رضایت آنان می‌شود (Sajid et al., 2024; Iqbal et al., 2023).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش کاربردی حاضر با رویکردی کمی، مبتنی بر فلسفه اثبات‌گرا^۱ به بررسی سواد

مالی اسلامی و عوامل تعیین کننده آن در بین دانشجویان پرداخت. برای اندازه گیری سواد مالی اسلامی از ابزار هفت گویه ای دینک و همکاران^۱ (۲۰۲۱) استفاده شد. عوامل تعیین کننده سواد مالی اسلامی نیز بر اساس مطالعات قبلی تعیین شدند که ارتباط بین سواد مالی و سه عامل ناامیدی (Murphy, 2013)، دینداری (Alam et al., 2011) و رضایت مالی (Ali et al., 2015) را مشخص کردند. از بین این عوامل دو عامل ناامیدی و رضایت مالی به عنوان عوامل اثرپذیر بر سواد مالی اسلامی و دینداری به عنوان عامل اثرگذار بر آن در نظر گرفته شد، که در تعامل با یکدیگر از عوامل تعیین کننده سواد مالی اسلامی به شمار می روند.

پرسشنامه در طیف لیکرت پنج گزینه ای از ۱ «کاملاً مخالفم» تا ۵ «کاملاً موافقم» تدوین شد. روایی صوری پرسشنامه ابتدا توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام شد. برای اطمینان از سازگاری با حوزه سواد مالی اسلامی و همچنین زمینه مطالعه، برخی گویه ها اصلاح شدند. با استفاده از فرم CVR، روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان تایید شد. پس از بررسی روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه مذکور در بین نمونه پژوهش توزیع شد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان زنجان (پردیس شهید بهشتی و الزهرا (س)) در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به تعداد ۱۲۰۰ بود. حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی مطابق نظر کلاین^۲ (۲۰۱۶) باید بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر باشد و همچنین با توجه به حجم جامعه و بر اساس فرمول کوکران ۲۹۴ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبتی انتخاب شدند. برای سنجش پایایی ابزار نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد، و بر اساس این ضریب پایایی پرسشنامه محقق ساخته تایید شد. لازم به ذکر است همه پاسخ دهندگان مسلمان و شیعه بودند. سپس داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و عملیات آماری بر روی آن انجام گرفت.

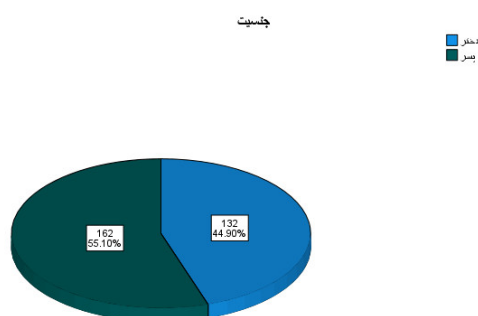
۴. یافته های پژوهش

در این بخش یافته های پژوهش به منظور دستیابی به اهداف پژوهش ارائه می شود. پس از تدوین پرسشنامه محققین اقدام به جمع آوری داده ها از نمونه پژوهش نمودند. سپس

1. Dinc et al
2. Kline

داده‌ها وارد نرم‌افزار گردید و پیش‌پردازش‌های لازم انجام شد، در نهایت ۲۹۴ کیس قابل تحلیل وارد تجزیه و تحلیل این پژوهش شدند.

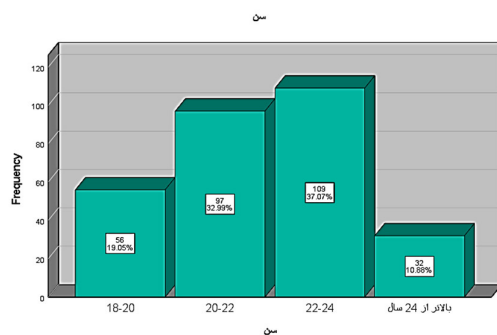
از مجموع ۲۹۴ نفر دانشجویانی که در این مطالعه مشارکت نمودند، ۱۶۲ نفر (۵۵/۱۰٪) از پاسخ‌دهندگان پسر و در پردیس شهید بهشتی و ۱۳۲ نفر (۴۴/۹۰٪) از پاسخ‌دهندگان دختر و در پردیس الزهرا (س) مشغول به تحصیل می‌باشند (شکل ۱).



شکل ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب جنسیت

منبع: یافته‌های پژوهش

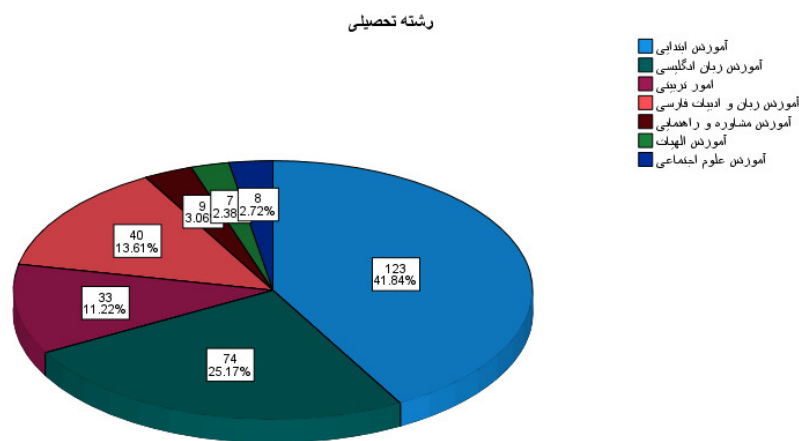
نتایج بدست آمده در خصوص سن نشان می‌دهد که از کل نمونه آماری ۵۶ نفر (۱۹/۰۵٪) از پاسخ‌دهندگان ۱۸-۲۰ سال، ۹۷ نفر (۳۲/۹۹٪) ۲۰-۲۲ سال، ۱۰۹ نفر (۳۷/۰۷٪) ۲۲-۲۴ سال و ۳۲ نفر (۱۰/۸۸٪) بالاتر از ۲۴ سال دارند (شکل ۲).



شکل ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب سن

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج بدست آمده در خصوص رشته تحصیلی نشان می‌دهد ۱۲۳ نفر (۴۱/۸۴٪) از پاسخ‌دهندگان در رشته آموزش ابتدایی، ۷۴ نفر (۲۵/۱۷٪) آموزش زبان انگلیسی، ۳۳ نفر (۱۱/۲۲٪) امور تربیتی و ۴۰ نفر (۱۳/۶۱٪) آموزش زبان و ادبیات فارسی، ۹ نفر (۳/۰۶٪) آموزش مشاوره و راهنمایی، ۷ نفر (۲/۳۸٪) آموزش الهیات و ۸ نفر (۲/۷۲٪) در رشته آموزش علوم اجتماعی مشغول به تحصیل می‌باشند (شکل ۳).



شکل ۳. توزیع درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان بر حسب رشته تحصیلی

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل مؤلفه‌های اصلی^۱ بر روی همه موارد با چرخش واریماکس انجام شد. آزمون KMO، کفایت نمونه‌گیری را برای تجزیه و تحلیل تأیید کرد ($KMO=0/863$). علاوه بر این، آزمون کرویت بارلت مقدار معنی‌داری ۰/۰۰۰ را نشان داد. بنابراین، استفاده از تحلیل عاملی برای این پژوهش مناسب است (جدول ۱).

جدول ۱. آزمون کفایت حجم نمونه و کروییت^۱ (سواد مالی اسلامی)

۰/۸۶۳	آزمون شاخص کفایت نمونه برداری کایرز-مایر-آلکین	
۱۹۶۶/۵۳۷	مجذور کای ^۲	آزمون کروییت بارتلت
۲۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

منبع: یافته‌های پژوهش

پرسشنامه سنجش سواد مالی اسلامی شامل ۷ گویه بود. بر اساس جدول ۲، مقدار ویژه برای این ضریب ۴/۹۹۵ است و ۷۱/۳۵۸ درصد از واریانس را با بار عاملی بین ۰/۷۹۷ و ۰/۹۰۴ توضیح می‌دهد. آزمون پایایی سطح قابل قبولی از آلفای کرونباخ را در سطح ۰/۹۳۲ نشان داد.

جدول ۲. تحلیل عامل برای سواد مالی اسلامی

بار عاملی	مقدار	ضریب بارگیری
۰/۷۹۷		سرمایه‌گذاری در کسب و کاری که شرایط قرارداد به وضوح تعریف نشده باشد قابل قبول نیست.
۰/۸۲۸		سرمایه‌گذاری در کسب و کاری که برای مردم و محیط‌زیست مضر باشد قابل قبول نیست.
۰/۹۰۲		موسسات و ابزارهای جایگزین بدون بهره برای سرمایه‌گذاری پس‌انداز وجود دارد.
۰/۹۰۴		من می‌توانم پس‌انداز کنم تا زمانی که مقدار مشخصی از وجوه را جمع‌آوری کنم.
۰/۸۵۰		من می‌توانم وجوه خود را بدون درگیر شدن در منافع مدیریت کنم.
۰/۸۱۷		بهره، توزیع درآمد را مختل می‌کند.
۰/۸۰۹		بهره تأثیر منفی و نامطلوبی بر اقتصاد دارد.
	۴/۹۹۵	مقدار ویژه
	۷۱/۳۵۸	درصد مغایرت

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تجزیه و تحلیل بیشتر یافته‌ها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. فرض صفر بیانگر این است که دانشجویان سواد مالی اسلامی قابل قبولی ندارند و فرض مقابل بیانگر

1. KMO and Bartlett's Test
2. Approx. Chi-Square

این است که سواد مالی قابل قبولی دارند. جدول ۳ خروجی این آزمون است. در بررسی سواد مالی دانشجویان، میانگین هر مؤلفه محاسبه شده و با میانگین مورد انتظار ۳ مقایسه شد و سطح معنی داری بر طبق جدول ذیل برای کلیه مؤلفه‌ها ۰/۰۰۰ بدست آمد. همچنین نتایج نشان داد در هر زیرمؤلفه میانگین بدست آمده از میانگین مورد انتظار بالاتر است و تفاوت معنی داری با ۳ دارد پس دانشجویان مشارکت کننده در این پژوهش در تمام مؤلفه‌های موثر در سواد مالی اسلامی، سطح قابل قبولی دارند.

جدول ۳. آزمون تی تک نمونه‌ای سواد مالی اسلامی

مؤلفه‌ها	میانگین	درجه آزادی	آماره تی	سطح معنی داری
سرمایه‌گذاری در کسب و کاری که شرایط قرارداد به وضوح تعریف نشده باشد قابل قبول نیست.	۳/۵۳	۲۹۳	۱۲/۰۴۳	۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری در کسب و کاری که برای مردم و محیط زیست مضر باشد قابل قبول نیست.	۳/۶۲	۲۹۳	۱۳/۹۶۷	۰/۰۰۰
موسسات و ابزارهای جایگزین بدون بهره برای سرمایه‌گذاری پس انداز وجود دارد.	۳/۵۵	۲۹۳	۱۱/۴۷۲	۰/۰۰۰
من می‌توانم پس انداز کنم تا زمانی که مقدار مشخصی پول جمع‌آوری کنم.	۳/۵۵	۲۹۳	۱۱/۴۱۵	۰/۰۰۰
من می‌توانم وجوه خود را بدون درگیر شدن در منافع مدیریت کنم.	۳/۵۶	۲۹۳	۱۱/۷۵۴	۰/۰۰۰
بهره، توزیع درآمد را مختل می‌کند.	۳/۹۸	۲۹۳	۱۸/۴۶۲	۰/۰۰۰
بهره تأثیر منفی و نامطلوبی بر اقتصاد دارد.	۳/۸۰	۲۹۳	۱۶/۶۳۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

چون مقدار آماره تی از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است و سطح معنی داری برای تمام متغیرها کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، در نتیجه فرض صفر رد می‌شود بنابراین می‌توان گفت دانشجویان در مؤلفه‌های فوق مربوط به سواد مالی اسلامی در سطح قابل قبولی قرار دارند. طبق جدول ۳، سواد مالی اسلامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان زنجان مقدار قابل قبولی را نشان می‌دهد. البته باید در نظر داشت این سواد در حیطه نظر است،

بدین معنا که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان دانش قابل قبولی در خصوص اصول سرمایه‌گذاری در کسب و کار، پس‌انداز و بهره در اسلام دارند اما این دانش می‌بایست در عمل نیز پیاده شود و افراد توانایی استفاده از این دانش در عمل برای مدیریت منابع مالی بر اساس قوانین و اصول اسلامی را داشته باشند.

از سوی دیگر، عوامل تعیین کننده سواد مالی اسلامی حاوی ۲۱ گویه تدوین شد. تحلیل مولفه اصلی با چرخش واریماکس روی تمام موارد اعمال شد.

طبق جدول ۴، شاخص کفایت حجم نمونه و کروییت نشان داد که مقدار نمونه برای تحلیل کافی بود ($KMO = 0/840$). آزمون کروییت بارتلت $x^2(210) = 5028/679$ و $P = 0/000$ نشان می‌دهد که همبستگی بین گویه‌ها برای تحلیل مؤلفه‌های اصلی به اندازه کافی گسترده بود. یک تحلیل اولیه برای به دست آوردن مقدار ویژه برای هر جزء در داده‌ها اجرا شد.

جدول ۴. آزمون کفایت حجم نمونه و کروییت (عوامل تعیین کننده مالی اسلامی)

آزمون شاخص کفایت نمونه‌برداری کایز-مایر-آلکین	۰/۸۴۰
آزمون کروییت بارتلت	مجذور کای ^۱
	۵۰۲۸/۶۷۹
	درجه آزادی
	۲۱۰
	سطح معناداری
	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵ نشان می‌دهد سه مولفه با مقدار ویژه روی معیار کایز^۲ ۱ وجود دارد که حدود ۶۴/۸۰۷٪ از متغیر را با بار عاملی بین ۰/۶۲۶ و ۰/۹۷۲ توضیح می‌دهد. ناامیدی بیشترین میزان تغییرپذیری را دارد و بعد از آن دینداری و رضایت مالی قرار دارند. با توجه به قابلیت اطمینان سازه، میزان اعتبار تمام عوامل بسیار بالا و طبق ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۷۴ تا ۰/۹۳۷ متغیر است.

1. Approx. Chi-Square
2. Kaiser

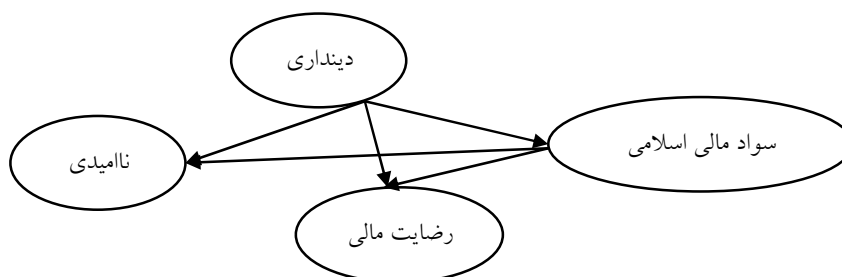
جدول ۵. ماتریس سوالات و عامل‌ها بعد از چرخش واریماکس

متغیر			مؤلفه
نامیدی (امتیاز آلفای کرونباخ: ۰/۹۳۷)			رضایت مالی
احساس می‌کنم هرگز نمی‌توانم به اهدافی که برایشان تلاش می‌کنم برسم.	۰/۷۰۰		
امیدی به آینده ندارم و فکر نمی‌کنم چیزی عوض شود.	۰/۶۶۰		
انتظار ندارم به خواسته‌هایم برسم.	۰/۹۷۲		
تلاش برای رسیدن به خواسته‌هایم بی‌فایده است چون احتمالا محقق نمی‌شود.	۰/۸۳۸		
تنها چیزی که پیش رویم می‌بینم چیزهای بد است.	۰/۸۶۸		
بهتر است بی‌خیال شوم چون نمی‌توانم شرایط را تغییر دهم.	۰/۹۶۷		
هیچ‌وقت به خواسته‌هایم نمی‌رسم پس احمقانه ست که خواسته‌ای داشته باشم.	۰/۹۱۶		
دینداری (امتیاز آلفای کرونباخ: ۰/۸۸۵)			
به خدایی معتقدم که سرنوشت ما را از پیش مقدر کرده است.	۰/۷۵۴		
خداوند انجام امور مغایر با اسلام را حرام کرده است.	۰/۸۵۳		
بیشتر به خاطر حس آرامش و امنیت نماز می‌خوانم.	۰/۸۰۶		
از دینم قدرت و آرامش می‌گیرم.	۰/۶۸۹		
سعی می‌کنم در تمام جنبه‌های زندگی از باورهای مذهبی پیروی کنم.	۰/۷۸۳		
همیشه از کسب مال از راه حرام دوری می‌کنم.	۰/۸۳۷		
به عنوان یکی از بندگان خدا، اعمالم را به جا می‌آورم.	۰/۶۲۶		
رضایت مالی (امتیاز آلفای کرونباخ: ۰/۸۷۴)			
به ندرت پیش می‌آید پول کم بیاورم.	۰/۷۳۱		
در حال حاضر از وضعیت مالی خود راضی هستم.	۰/۸۰۸		
اگر مشکل مالی داشته باشم، می‌توانم طی مدت مشخص آن را کنترل کنم.	۰/۶۶۳		
با توجه به موقعیت مالی که دارم، در صورت نیاز به وام، به راحتی می‌توانم وام بگیرم.	۰/۷۲۴		
از توانایی خود در برآورده کردن نیازهای مالی راضی هستم.	۰/۸۷۲		
تلاش می‌کنم وضعیت مالی خودم را بهتر کنم.	۰/۸۰۳		

مؤلفه			متغیر
رضایت مالی	دینداری	ناامیدی	
۰/۷۰۰			گاهی احساس می‌کنم مقدار وامی که می‌گیرم برای برآورده کردن هزینه‌های زندگی کافی است.
۳/۰۵۷	۴/۳۶۳	۶/۱۹۰	مقدار ویژه
۱۹/۸۹۱	۲۰/۲۵۳	۲۴/۶۶۳	درصد مغایرت
۶۴/۸۰۷	۴۴/۹۱۵	۲۴/۶۶۳	درصد تصاعدی

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه با استفاده از تحلیل مسیر، مدل عوامل تعیین‌کننده سواد مالی اسلامی (شکل ۴) رسم شد.



شکل ۴. عوامل تعیین‌کننده سواد مالی اسلامی

منبع: یافته‌های پژوهش

جهت تفسیر برازش سازه، بررسی شاخص‌های پیشنهاد شده (Hu & Bentler, 1999) انجام شد. در جدول ۶ شاخص‌های برازش تحلیل عاملی مرتبه دوم سازه مورد استفاده در این پژوهش ارائه شده است. با توجه به معنی‌دار بودن تمام شاخص‌های برازش، برازش مدل ارائه شده مطلوب است و می‌توان به داده‌ها و خروجی تحلیل آماری اطمینان داشت.

جدول ۶. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی

شاخص‌ها	نماد	تطابق معقول	برآورد
نسبت مجذور خی به درجه آزادی	CMIN/DF	< ۵	۳/۷۲۶
شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده	RMSEA	< ۰/۰۵	۰/۰۲۹
شاخص نیکویی برازش	GFI	≥ ۰/۹۰	۰/۹۴
شاخص نیکویی برازش تطبیقی	CFI	≥ ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص برازش توکر-لویس	TLI	≥ ۰/۹۰	۰/۹۰
شاخص برازش افزایشی	IFI	≥ ۰/۹۰	۰/۹۲
شاخص برازش نسبی	RFI	≥ ۰/۹۰	۰/۹۱
شاخص نسبت اقتصاد	PRATIO	> ۰/۵۰	۰/۷۸۶
شاخص برازش هنجار شده مقتصد	PNFI	> ۰/۵۰	۰/۵۵۹
شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	> ۰/۵۰	۰/۵۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف ایجاد چارچوبی برای ارزیابی سواد مالی اسلامی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، با تمرکز بر عوامل تعیین‌کننده سواد مالی اسلامی یعنی ناامیدی، دینداری و رضایت مالی انجام شد.

نتایج نشان داد تنها هفت مورد در ساختار سواد مالی اسلامی قابلیت اطمینان را نشان می‌دهند که ناامیدی بالاترین واریانس را دارا بوده و به دنبال آن دینداری و رضایت مالی قرار دارد. یافته‌های این مطالعه از این جهت حائز اهمیت است که اکثر تحقیقات معاصر بر سواد مالی متعارف تمرکز دارند که با اصول مالی اسلامی همخوانی ندارد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، دینداری نقش مهمی در تعیین سواد مالی اسلامی ایفا می‌کند و بر اهمیت ترکیب ارزش‌ها و اصول اسلامی در تصمیم‌گیری مالی تأکید می‌کند. این بدان معناست که دینداری به عنوان عامل اثرگذار بر سواد مالی اسلامی می‌تواند میزان این سواد را در افراد تعیین کند، از این رو بر اساس نتایج می‌توان بیان کرد دانشجویانی که سطح بالایی از دینداری را دارند، بهتر می‌توانند منابع مالی خود را بر اساس آموزه‌های اسلامی مدیریت کنند. این مطالعه نیاز به درک جامع از سواد مالی

اسلامی در بین دانشجویان را برجسته می‌کند، چرا که برای رفاه مالی و موفقیت آنها حائز اهمیت است. نتایج همچنین بر اهمیت ادغام اصول مالی اسلامی در برنامه‌های آموزش مالی برای ترویج رفتار مالی مسئولانه تأکید می‌کند. یافته‌های این مطالعه پیامدهای عملی برای سیاست‌گذاران، مربیان و موسسات مالی دارد. آنها باید سواد مالی اسلامی را در برنامه‌های درسی و برنامه‌های خود بگنجانند تا دانشجویان را به دانش و مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری آگاهانه مالی که با ارزش‌های اسلامی همسو هستند مجهز کنند. یافته‌های پژوهش ساپیر و وان احمد^۱ (۲۰۲۰) و منصور و جلاسی^۲ (۲۰۱۴) بر نتایج این مطالعه صحه می‌گذارد.

همچنین نتایج این مطالعه حاکی از آن است که سواد مالی اسلامی پایین می‌تواند نارضایتی مالی را تشدید کند و فرد از آنجا که مدیریت منابع مالی خود را به نحو احسن انجام نمی‌دهد از وضعیت مالی خود رضایت نداشته و دائماً خود را درگیر با مشکلات مالی می‌بیند. با این وجود اگر فرد سواد مالی بالایی داشته باشد، به ندرت دچار مشکل مالی شده، می‌تواند منابع مالی خود را مدیریت کند و از در نهایت احساس رضایت نسبت به شرایط خواهد داشت و از هیچ تلاشی برای بهبود شرایط مالی خود فروگذار نخواهد کرد. نتایج این مطالعه با پژوهش داولینگ و همکاران^۳ (۲۰۰۹) و شکربلین کریش و همکاران^۴ (۲۰۱۷) همسو و همراستاست.

همچنین یافته‌های این مطالعه بر تاثیر سواد مالی بر ناامیدی افراد صحه می‌گذارد. یعنی اگر فرد از سطح پایین‌تری از سواد مالی اسلامی برخوردار باشد، در مواجهه با شرایط مالی نامساعد احساس ضعف کرده و ناامید می‌شود. این فرد آمیدی به آینده نخواهد داشت و از آنجا که تلاش برای دستیابی به خواسته‌های خود را بیهوده می‌یابد دست از تلاش خواهد کشید و صرفاً به تعدیل استانداردها و خواسته‌های خود خواهد پرداخت و از بسیاری از آرزوها و آمال خود صرف نظر خواهد نمود. نتایج پژوهش‌های مورفی (۲۰۱۳) و لمبرگ و همکاران^۵ (۲۰۱۰) نیز این یافته‌ها را تایید می‌کند.

1. Sapir & Wan Ahmad

2. Mansour & Jlassi

3. Dowling et al

4. Škreblin Kirbiš et al

5. Lamberg et al

نتایج این مطالعه نه تنها برای سیاست‌گذاران و مربیان حائز اهمیت است، بلکه بر ضرورت ادغام اصول مالی اسلامی در برنامه‌های آموزشی تأکید دارد. با وجود نتایج مثبت این مطالعه، برخی از پژوهش‌ها به نتایج متفاوتی اشاره کرده‌اند. برای مثال، تحقیقی که توسط ستیاواتی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) انجام شده، نشان می‌دهد که سواد مالی اسلامی ممکن است تحت تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی دیگر نیز قرار گیرد. و علاوه بر این، به این نکته نیز اشاره دارند که سواد مالی اسلامی ممکن است تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و تحصیلات غیررسمی قرار گیرد. این مطالعات پیشنهاد می‌کنند که باید به جنبه‌های مختلف زندگی دانشجویان توجه شود تا تصویر جامع‌تری از سواد مالی اسلامی ارائه گردد.

در نتیجه، این مطالعه به توسعه چارچوبی برای ارزیابی سواد مالی اسلامی در بین دانشجویان کمک می‌کند و بر اهمیت ناامیدی، دینداری و رضایت مالی در تعیین سواد مالی اسلامی تأکید می‌کند و همچنین نیاز به درک جامع سواد مالی اسلامی و ادغام آن در برنامه‌های آموزش مالی به منظور ارتقای رفتار مالی مسئولانه و رفاه مالی در بین دانشجویان را مورد توجه قرار می‌دهد. نتایج تحقیق اشرف‌گنجوئی و نایب‌زاده (۱۳۹۳) بیانگر آن بود که دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور علاوه بر جوانی، به عنوان قشر تحصیل‌کرده و سرمایه‌های انسانی بالقوه و بالفعل جامعه، نقش زیادی در پیشرفت کشور دارند. مسئولان دانشگاه‌ها و مراجع علمی کشور باید این مهم را در برنامه‌ریزی‌های خود در نظر داشته باشند که افزایش سطح سواد و دانش مالی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی، نه تنها در بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی شخصی افراد موثر است بلکه در سطح کلان اقتصادی نیز موجب ارتقا و پیشرفت اقتصادی کشور نیز می‌شود.

پژوهش حاضر نقش مهم سواد مالی اسلامی را به ویژه در بین دانشجویان فرهنگیان برجسته می‌کند. لازم به ذکر است که اهمیت سواد مالی اسلامی به خصوص برای مسلمانان نادیده گرفته می‌شود. مطالعه حاضر نشان‌دهنده تلاش اولیه برای کشف مفهوم سواد مالی اسلامی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی است. به‌ویژه، با توسعه یک ابزار معتبر

برای سواد مالی اسلامی و عوامل تعیین‌کننده آن، به مطالعات فعلی کمک می‌کند. امید است مطالعه حاضر بتواند یاریگر سایر محققین در جهت گسترش بیشتر دانش در زمینه سواد مالی اسلامی باشد.

کتابنامه

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *معانی الأخبار* (ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی). تهران: دارالکتب اسلامیه.
- احمدی، علی؛ و عباسپور، احسان (۱۳۹۵). بازاریابی اسلامی رویکردی نوین در اقتصاد جهانی. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*. اسلامی بیدگلی، سعید؛ و کریم‌خانی، میثم (۱۳۹۵). سواد مالی؛ زمینه‌های سیاسی-اقتصادی پیدایش و جایگاه آن در اقتصاد بازار. *تحقیقات مالی*، ۱۸(۲)، ۲۷۴-۲۵۱.
- اشرف‌گنجوئی، اسما؛ و نایب‌زاده، شهناز (۱۳۹۳). بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، ۷(۲۳)، ۵۵-۴۵.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳). *نهج‌الفصاحه: سخنان و خطبه‌های رسول مکرّم اسلام*. قم: انتشارات انصاریان.
- حراملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). *وسائل‌الشیعه*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- رحمانی نوروآباد، سامان؛ و محمدی، اسفندیار (۱۳۹۸). پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۲(۴۱)، ۱۱۳-۱۲۳.
- شعیری، تاج‌الدین محمد بن محمد (۱۲۶۷ق). *جامع‌الأخبار*. نجف: المطبعة الحیدریه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*. قم: دارالثقافه.
- قراّتی، محسن (۱۳۹۵). *تفسیر نور*. تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). *اصول کافی* (جلد ۱) (ترجمه حسین استادولی). تهران: دارالتقلین.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار‌الأنوار*. بیروت: مؤسسه‌الوفاء.

ولوی، علی محمد (۱۳۸۲). فرهنگ کار در اسلام (پژوهشی در قرآن و سیره معصومان(ع)). تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Abdullah, M. A., & Anderson, A. (2015). Islamic Financial Literacy among Bankers in Kuala Lumpur. *Journal of Emerging Economies & Islamic Research*, 3(2), 79-94. <https://doi.org/10.24191/jeeir.v3i2.9061>
- Abdullah, M. A., & Chong, R. (2014). Financial literacy: An exploratory review of the literature and future research. *Journal of Emerging Economies and Islamic Research*, 2(3), 32-41. <https://doi.org/10.24191/jeeir.v2i3.9631>
- Ahmadi, A., & Abbaspur, E. (2016/1395 SH). *Islamic Marketing: A New Approach in the Global Economy*. International Conference on New Research in Management, Economics and Humanities. (In Persian)
- Ali, A., Rahman, M. S., & Bakar, A. (2013). Financial Literacy and Satisfaction in Malaysia: A Pilot Study. *International Journal of Trade, Economics and Finance*, 4(5), 319-324. <https://doi.org/10.7763/IJTEF.2013.V4.309>
- Ashraf Ganjouie, A., & Nayebyzadeh, S. (2014). Investigating the relationship between religious beliefs and Islamic financial literacy among master's degree students. *Financial knowledge Securities analysis (Financial studies)*, 7(23), 45-55. (In Persian)
- Bell, H. L. (2009). *Funding the golden age: The effect of financial planning choices on anticipated retirement satisfaction, retirement adjustment and overall retirement satisfaction*. Masters dissertation in Applied Psychology, University of Canterbury.
- Bolland, J. M. (2003). Hopelessness and risk behaviour among adolescents living in high-poverty inner-city neighbourhoods. *Journal of adolescence*, 26(2), 145-158. [https://doi.org/10.1016/s0140-1971\(02\)00136-7](https://doi.org/10.1016/s0140-1971(02)00136-7)
- Dinc, Y., Çetin, M., Bulut, M., & Jahangir, R. (2021). Islamic financial literacy scale: an amendment in the sphere of contemporary financial literacy. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 13(2), 251-263. <https://doi.org/10.1108/IJIF-07-2020-0156>
- Dowling, N., Tim, C., & Hoiles, L. (2009). Financial management practices and money attitudes as determinants of financial problems and dissatisfaction in young male Australian workers. *Journal of financial counseling and planning*, 20(2), 5-13.
- Eslami Bidgoli, S., & Karimkhani, M. (2016). Financial Literacy; Political and Economic origins and its Function in Market Economy. *Financial Research Journal*, 18(2), 251-274. <https://doi.org/10.22059/jfr.2016.61591> (In Persian)
- Falahati, L., Sabri, M. F., & Paim, L. H. (2012). Assessment a model of financial satisfaction predictors: Examining the mediate effect of financial behaviour and financial strain. *World Applied Sciences Journal*, 20(2), 190-197. <https://doi.org/10.5829/idosi.wasj.2012.20.02.1832>
- Hassan Al-Tamimi, H. A., & Anood Bin Kalli, A. (2009). Financial literacy and investment decisions of UAE investors. *Journal of Risk Finance*, 10(5), 500-516. <https://doi.org/10.1108/15265940911001402>

- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff Criteria for Fit Indexes in Covariance Structure Analysis: Conventional Criteria versus New Alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6(1), 1-55. <http://dx.doi.org/10.1080/10705519909540118>
- Ḥurr al-Amili, M. (1983/1403 AH). *Wasail al-Shia*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (In Persian)
- Ibn Bābūyah, M. (1998/1377 SH). *Maani al-Akhbar* (trans. Abd al-Ali Muḥammadi Shahrudi). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (In Persian)
- Ibrahim, D., Harun, R., & Isa, Z. M. (2009). A Study on Financial Literacy of Malaysian Degree Students/Une Étude Sur Les Connaissances Financières Des Étudiants Malaisiens. *Cross-cultural communication*, 5(4), 51-59. <https://doi.org/10.3968/j.ccc.1923670020090504.006>
- Idris, F. H., Krishnan, K. S. D., & Azmi, N. (2013). Relationship between financial literacy and financial distress among youths in Malaysia-An empirical study. *Geografia: Malaysian journal of society and space*, 9(4).
- Iqbal, M., Saeed, A., & Rehman, S. (2023). Impact of Financial Literacy on Financial Satisfaction: Mediating Roles of Investment Decisions & Moderating Role of Risk Attitude. *Journal of Social Research Development*, 4(2), 274-283. <https://doi.org/10.53664/JSRD/04-02-2023-04-274-283>
- Kaban, R., & Purnawarman, D. (2024). How Gender, Region, And Lifestyle Effect The Decision to Islamic Financial Literacy of Millennial Generation in Greater Jakarta. *Jurnal Ilmiah Manajemen dan Bisnis*, 8(3), 14-26. <https://doi.org/10.22441/indikator.v8i3.28104>
- Kulayni, M. (2014/1393 SH). *Uṣul al-Kaḥf, Vol. 1* (trans. Ḥusayn Ustadwali). Tehran: Dar al-Thaqalayn. (In Persian)
- Lamberg, T., Virtanen, P., Vahtera, J., Luukkaala, T., & Koskenvuo, M. (2010). Unemployment, depressiveness and disability retirement: a follow-up study of the Finnish HeSSup population sample. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 45, 259-264. <https://doi.org/10.1007/s00127-009-0063-z>
- Majlisi, M. B. (1983/1403 AH). *Biḥar al-Anwa*. Beirut: Mu'assasat al-Wafa. (In Persian)
- Mansour, W., & Jlassi, M. (2014). The effect of religion on financial and investing decisions. *Investor behavior: The psychology of financial planning and investing*, 135-151. <https://doi.org/10.1002/9781118813454.ch8>
- Murphy, J. L. (2013). Psychosocial factors and financial literacy. *Social Security Bulletin*, 73(1), 73-81.
- Muslichah, I., & Sanusi, S. (2019). The Effect of Religiosity and Financial Literacy on Intention to use Islamic Banking Products. *Journal of Islamic Management*, 85-92.
- OECD (2012), *Measuring Financial Literacy: Questionnaire and Guidance Notes for Conducting an Internationally Comparable Survey of Financial Literacy*. Paris: OECD Publishing.
- Omidinia, A., & Ramezani, A. (2024). Can Spending Management mediate the relationship between financial literacy, English Teacher's Risk Tolerance, and financial anxiety? *Iranian Journal of Finance*, 8(3), 73-97.

- <http://dx.doi.org/10.30699/ijf.2024.424727.1440>
- Pashaei, A., Hassani, M., Mohajeran, B., & Shahbazi, K. (2023). INVESTIGATING THE CAUSAL RELATIONSHIP BETWEEN CONOMICS EDUCATION AND FINANCIAL LITERACY, DECISION-MAKING SKILLS AND ENTREPRENEURIAL INTENTION OF STUDENTS. *Iranian Journal of Engineering Education*, 25(97), 1-23.
- Payandeh, A. (2004/1383 SH). *Nahj al-Faṣāḥa: Sayings and Sermons of the Holy Prophet of Islam*. Qom: Ansariyan Publications. (In Persian)
- Qaraati, Muḥsin. (2016/1395 SH). *Tafsir-i Nur*. Tehran: Dars-haiaz Quran Cultural Institute. (In Persian)
- Rahmani Noorozabad, S., & Mohammadi, E. (2019). The consequences of financial literacy on investor decisions and investment performance. *Financial knowledge Securities analysis (Financial studies)*, 12(41), 113-123. (In Persian)
- Sabri, M. F., MacDonald, M., Masud, J., Paim, L., Hira, T. K., & Othman, M. A. (2008). Financial behavior and problems among college students in Malaysia: Research and education implication. *Consumer Interests Annual*, 54(5), 166-170.
- Sajid, M., Mushtaq, R., Murtaza, G., Yahiaoui, D., & Pereira, V. (2024). Financial literacy, confidence and well-being: The mediating role of financial behavior. *Journal of Business Research*, 182(1), 1-14. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2024.114791>
- Sapir, A. S. B., & Wan Ahmad, W. M. (2020). Financial literacy among Malaysian Muslim undergraduates. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIABR-10-2017-0149>
- Setiawati, R., Nidar, S. R., Anwar, M., & Masyita, D. (2018). Islamic financial literacy: Construct process and validity. *Academy of Strategic Management Journal*, 17(4), 1-12.
- Setyowati, A., Harmadi, H., & Sunarjanto, S. (2018). Islamic financial literacy and personal financial planning: A socio-demographic study. *Jurnal Keuangan dan Perbankan*, 22(1), 63-72.
- Shah Alam, S., Mohd, R., & Hisham, B. (2011). Is religiosity an important determinant on Muslim consumer behaviour in Malaysia? *Journal of Islamic marketing*, 2(1), 83-96. <https://doi.org/10.1108/17590831111115268>
- Shu'ayri, Taj al-Dīn Muḥammad ibn Muḥammad. (1850/1267 AH). *Jami al-Akhbar*. Najaf: al-Maṭbaa al-Haydariyah. (In Persian)
- Shukor, S. A., & Jamal, A. (2013). Developing scales for measuring religiosity in the context of consumer research. *Middle East Journal of Scientific Research*, 13(1), 69-74. <https://doi.org/10.5829/idosi.mejsr.2013.13.1884>
- Škrebliin Kirbiš, I., Vehovec, M., & Galic, Z. (2017). Relationship between Financial Satisfaction and Financial Literacy: Exploring Gender Differences. *Društvena istraživanja: časopis za opća društvena pitanja*, 26(2), 165-185. <https://doi.org/10.5559/di.26.2.02>

- Taghiani, Moradi Basiri, & Amin. (2016). Critical analysis of the conventional model of public financial literacy education from the perspective of Islamic economics. *Islamic Economic Studies*, 8(2), 227-260.
- Tusi, M. (1993/1414 AH). *al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafah. (In Persian)
- Valavi, A. M. (2003/1382 SH). *Work Culture in Islam: A Study of the Qur'an and the Life of the Infallibles*. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Walstad, W., Urban, C., J. Asarta, C., Breitbach, E., Bosshardt, W., Heath, J., ... & Xiao, J. J. (2017). Perspectives on evaluation in financial education: Landscape, issues, and studies. *The Journal of Economic Education*, 48(2), 93-112.



Modeling the Financing of Innovation and the Knowledge-Based Economy within the Islamic Financial System

AbdolMohammad Kashian: Assistant Professor, Faculty of Economics, Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

Abstract

The ecosystem of innovation and knowledge-based economics has certain characteristics that make it more sensitive to financing. High intensity of asymmetric information between investor and innovator, high investment risk and uncertainties, uncertainty of NPV and high share of intangible assets are the most important of these characteristics. This is why financing models in innovation and the knowledge-based economy take on different forms. On the other hand, the Islamic financing system has special rules and regulations that many investors in Islamic countries have a strong emphasis on them. The present study examines and enumerates the different types of financing of the innovation ecosystem and the knowledge-based economy, using the conventional ijthihad method in the analysis of Islamic financial markets, analyzes their nature from the perspective of Islamic financing frameworks and in case of incompatibility between them, proposed alternative solutions. Has modeled. analyses of data show that in many cases it is possible to adapt between Islamic contracts and innovation financing models, but in cases of conflict, it is possible to use contracts such as Murabaha, Mosharekah, Joallah and other exchange and partnership contracts, as Meets the needs of technology financing within the framework of the Islamic financing system. As result many models of financing the innovation ecosystem and the knowledge-based economy in a new legal framework based on the Islamic financial system can be used in Islamic countries.

Keywords

Innovation, Knowledge-Based Economics, Islamic Financing, Investment, Islamic Economics.

مدل سازی تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در چارچوب نظام مالی اسلامی

عبدالمحمد کاشیان: استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

چکیده

اکوسیستم نوآوری و اقتصاد دانش بنیان، دارای ویژگی های خاصی است که نسبت به سایر حوزه های اقتصادی تأمین مالی آن را با حساسیت ها و الزامات خاص خود مواجه می سازد. شدت بالای اطلاعات نامتقارن میان سرمایه گذار و نوآور، بالا بودن ریسک سرمایه گذاری و عدم قطعیت ها، مشخص نبودن NPV و بالا بودن سهم دارایی های نامشهود از مهم ترین این ویژگی هاست. همین موضوع سبب شده است که مدل های تأمین مالی در نوآوری و اقتصاد دانش بنیان گونه های متفاوتی را به خود ببیند. هدف از پژوهش حاضر مدل سازی تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در چارچوب نظام مالی اسلامی است چرا که نظام تأمین مالی اسلامی دارای قواعد و قوانین خاصی است که بسیاری از سرمایه گذاران در کشورهای اسلامی تأکید جدی بر رعایت آن دارند. پژوهش حاضر ضمن بررسی و احصاء گونه های مختلف تأمین مالی اکوسیستم نوآوری و اقتصاد دانش بنیان، با استفاده از روش اجتهادی مرسوم در تحلیل بازارهای مالی اسلامی به تحلیل ماهیت آن ها از منظر چارچوب های تأمین مالی اسلامی پرداخته و در صورت عدم تناسب میان آن ها، راهکارهای پیشنهادی جایگزین را مدل سازی کرده است. تحلیل داده ها نشان می دهد در بسیاری از موارد امکان انطباق میان عقود اسلامی و مدل های تأمین مالی نوآوری وجود دارد، اما در موارد تداخلی و تعارضی، امکان بهره گیری از عقود به مانند مرابحه، مشارکت، جعاله و سایر عقود مبادله ای و مشارکتی وجود دارد، به گونه ای که نیازهای تأمین مالی فناوری را در چارچوب نظام تأمین مالی اسلامی پاسخ می دهد. در نتیجه بسیاری از مدل های تأمین مالی اکوسیستم نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در چارچوب حقوقی جدید و مبتنی بر نظام مالی اسلامی قابل استفاده در کشورهای اسلامی خواهند بود.

واژگان کلیدی: نوآوری، اقتصاد دانش بنیان، تأمین مالی اسلامی، سرمایه گذاری، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

بررسی سیر تحولات اقتصادی در طول تاریخ، دلالت بر آن دارد که در عصر حاضر دانش به عنوان مهم ترین عامل مزیت ساز نقش بسیار مهمی در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها دارد. از این رو ترویج و توسعه اقتصاد دانش بنیان به عنوان یک راهبرد اساسی مورد توجه دولت ها و از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. بر خلاف منابع طبیعی، نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی که در طول زمان با استهلاک مواجه می شوند، دانش و فناوری هر روز مسیر ترقی و رشد را پیموده و مرزهای جدیدی را می شکافد. شاید از همین منظر است که ثروت حاصل از دانش ارزش و اهمیت بالاتری نسبت به ثروت های حاصل از منابع طبیعی، نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی است و آینده اقتصاد جهانی را می توان در بستر اقتصاد دانش بنیان تحلیل کرد.

معمولاً بخش مهمی از رشد و توسعه اقتصاد دانش بنیان در قالب یک چرخه اکوسیستمی اتفاق می افتد. شکل گیری مجموعه های فناوری در کنار یکدیگر، هم افزایی گسترده میان آن ها و معمولاً قرار گرفتن آن ها در یک منطقه جغرافیایی خاص سبب شده که این مجموعه ها به اکوسیستم نوآوری معروف باشند. اکوسیستم نوآوری شامل یک چارچوب چند لایه است که در آن مؤسسات برای توسعه و به اشتراک گذاری اطلاعات و دانش مورد نیاز برای توسعه فرآیندهای نوآوری جدید به هم متصل می شوند. این سیستم به منظور ایجاد هم افزایی و مشارکت شرکت ها برای ارائه راه حلی منسجم برای پاسخگویی به چالش های طرف تقاضا است.

بخش مهمی از اکوسیستم نوآوری متعلق به نهادهای مالی و یا سرمایه گذارانی است که نقش بسیار مهمی در پویایی و رشد این مجموعه ها دارند. نهادهای مالی به مثابه قلب اکوسیستم رفتار می کنند و با تأمین مالی واحدهای فناور و شرکت های دانش بنیان امکان ادامه حیات و پویایی آن ها را فراهم می آورند.

ساختار و نهاد دانش بنیانی در اقتصاد ایران تا حد زیادی متأثر از نهادهای مشابه در کشورهای توسعه یافته است و از این رو بخش مهمی از شیوه های تأمین مالی آن ها نیز از این کشورها الگو برداری شده است. این در حالی است که الگوهای حاکم در کشورهای توسعه یافته اغلب بر اساس نظام مالی ربوی است و اساساً با اشکالات متعددی از جمله

ربوی بودن و یا غرری بودن همراه است. در حالی که نظام مالی اسلامی با تأکید بر ممنوعیت ربا، با ارائه الگوهای جدیدی از تأمین مالی، نه تنها مسیر همواری را پیش روی نهاد دانش‌بنیانی قرار می‌دهد بلکه به طور هم‌زمان با ارائه یک طیف متنوع از عقود اسلامی، امکان انتخاب از میان گزینه‌های مختلف حسب اقتضاء موضوع را فراهم می‌آورد. از این رو بر شماردن مدل‌های تأمین مالی در اقتصاد دانش‌بنیان، معرفی عقود تأمین مالی در اقتصاد اسلامی و بررسی پیوندهای آن‌ها، میسر اصلی مقاله را مشخص کرده و مدل‌های تأمین مالی واحدهای فناور و دانش‌بنیان را در چارچوب اقتصاد اسلامی تبیین می‌نماید. بر این اساس مقاله حاضر ابتدا به بررسی شیوه‌های تأمین مالی در نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان پرداخته و در ادامه به بررسی الگوهای تأمین مالی در نظام مالی اسلامی خواهد پرداخت. بخش چهارم مقاله به تطبیق مدل‌های تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان با الگوهای اسلامی خواهد بود که از این مسیر مدل‌های بهینه برای تأمین مالی استخراج خواهد شد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. تأمین مالی نوآوری: نظریه

زمانی که ارزش فعلی پروژه‌های اقتصادی (NPV) مثبت است، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی آن‌ها امری رایج و جاری تلقی می‌شود. مسئله زمانی دارای پیچیدگی می‌شود که ماهیت موضوع مانع از ارائه یک درک درست از ارزش خالص فعلی پروژه‌های اقتصادی شود. نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان، ویژگی‌هایی را با خود به همراه دارد که اصطکاک‌های عمیقی را متوجه تأمین مالی حوزه دانش‌بنیان می‌کند و عموماً منجر به محدودیت‌های مالی برای شرکت‌هایی می‌شود که قصد انجام تحقیق و توسعه را دارند و از این‌رو امکان ارائه یک NPV دقیق را نمی‌دهد. به همین دلیل تأمین مالی نوآوری دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی است که آن را از سایر مدل‌های تأمین مالی متمایز می‌کند. ۴ ویژگی اصلی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان که وجه تمیز آن با سایر مدل‌های تأمین مالی است به شرح ذیل است. (ناندا و کر^۱، ۲۰۱۴، ص ۴۴۵)

1. Kerr و Nanda

۱- فرآیند نوآوری ذاتاً نامشخص است. نایت^۱ (۱۹۲۱) تأکید می کند که عدم قطعیت اساساً با ریسک متفاوت است و نه تنها احتمالات مرتبط با پیامدها را نمی دانیم بلکه حتی اشکال پیامدهای بالقوه نیز مشخص نیست. فضای نوآوری فضایی پر از عدم قطعیت است و اساساً نه تنها احتمالات وقایع، بلکه نوع پیامدها نیز به راحتی قابل پیش بینی نیستند. در چنین شرایطی و از منظر یک سرمایه دار، این امر ارزیابی نوآوری بالقوه را بسیار دشوارتر می کند. پروژه های فعالی که ممکن است نیاز به بودجه داشته باشند، به ویژه از آنجایی که اغلب تنها راه برای یادگیری در مورد پتانسیل یک رویکرد خاص، سرمایه گذاری در آن است، این احتمالات قابل توجهی را برای محدودیت های تأمین مالی ناشی از تأمین مالی نوآوری ایجاد می کند. علاوه بر این، بازده های مرتبط با سرمایه گذاری و نحوه ساختار آن (به عنوان مثال بدهی در مقابل حقوق صاحبان سهام) می تواند تأثیرات مهمی بر آنچه تأمین مالی می شود و چگونگی شکل دهی سرمایه گذاران به سمت تحقیق و توسعه و نوآوری داشته باشد.

۲- چالش سرمایه گذاری در مواجهه با عدم قطعیت شدید با این واقعیت ترکیب می شود که بازدهی حاصل از فرآیند نوآوری به شدت ناهموار است. (شرر و هارhoff^۲، ۲۰۰۰) در واقع شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه توزیع سود حاصل از نوآوری ممکن است ویژگی های توزیع پارتو را داشته باشد، جایی که واریانس وجود ندارد یا در نمونه های بزرگ همگرا می شود. بنابراین، روش های استاندارد ارزیابی پروژه ها بسیار دشوار است و اغلب به واسطه های تخصصی نیاز دارد تا چنین سرمایه گذاری هایی را انجام دهند به ویژه آنهایی که از شرکت های نوپا و جوان حمایت می کنند. این واسطه ها در مورد اینکه آیا پروژه ها را بر اساس اکتشافات خود تأمین مالی کنند، قضاوت می کنند. علاوه بر این، پیشینه ها و انگیزه های آن ها ممکن است آن ها را به تفسیر و عملکرد متفاوت اطلاعات سوق دهد و سرمایه داران را وادار کند که تأثیری درجه اول بر نوآوری داشته باشند. (کر

1. Night

2. Scherer & Harhoff,

و ناندا، ۲۰۱۴)

۳- اگرچه اغلب اوقات نه مبتکر و نه تأمین کننده مالی از پتانسیل واقعی پروژه اطلاعاتی ندارند، اما هنوز ممکن است مبتکر بیشتر از سرمایه‌گذار در مورد پروژه بدانند. اغلب اندازه‌گیری دقیق ورودی‌ها در فرآیند نوآوری غیرممکن است (هولمستروم^۱، ۱۹۸۹) و نمی‌توان قراردادهای کامل و مشروط دولتی را زمانی که حتی نمی‌داند خروجی آن ممکن است بنویسد. (گروسمن و هارت^۲، ۱۹۸۶؛ هارت و مور^۳، ۱۹۹۰؛ آگیون و تیرو^۴، ۱۹۹۴) این شرایط باعث می‌شود که هزینه‌های نمایندگی در تأمین مالی نوآوری به طور قابل توجهی بیشتر از هزینه‌های موجود در تنظیمات استاندارد بین سرمایه‌داران و کارآفرینان باشد.

۴- شرکت‌های درگیر در نوآوری دارای درصد بالایی از دارایی‌های نامشهود هستند که در آن دانش در سرمایه انسانی کارکنان شرکت تعبیه شده است. این منبع کلیدی در صورت خروج یا اخراج کارکنان از بین می‌رود. (هال و لرنر^۵، ۲۰۱۰) بنابراین شرکت‌ها تمایل دارند که هزینه‌های تحقیق و توسعه را در طول زمان هموار کنند.

این ویژگی‌های خاص تحقیق و توسعه تأثیر مهمی بر نحوه تأثیر بخش مالی بر نوآوری که توسط شرکت‌ها انجام می‌شود دارد.

۲-۱. شکست بازار و لزوم مداخله دولت

بخش مهمی از تأمین مالی و سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نوآوری از طریق بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خطر پذیر انجام می‌گیرد. معمولاً سرمایه‌گذاران در قالب سرمایه‌گذاری شخصی از طریق صندوق‌های خطرپذیر و امثال آن اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. با این حال بازارها معمولاً کمتر از آنچه که از نظر اجتماعی مطلوب است برای نوآوری منابع مالی فراهم می‌کنند. به همین دلیل است که بسیاری از دولت‌ها از انواع مختلف

1. Holmstrom
2. Grossman & Hart
3. Hart & Moore
4. Aghion & Tirole
5. Hall & Lerner

مداخله برای افزایش میزان تأمین مالی برای فعالیت های نوآوری استفاده می کنند. ابزارهای مختلفی وجود دارد که سیاست گذاران می توانند برای افزایش دسترسی به منابع مالی برای نوآوری استفاده کنند. این ها شامل:

۱- تأمین مالی مستقیم مانند کمک های مالی یا گرنت تحقیق و توسعه و قراردادهای پیش خرید محصول.

۲- طرح های اشتراک ریسک بدهی (به طرح های بدهی و اشتراک ریسک مراجعه کنید) مانند طرح های تضمین اعتبار.

۳- سیاست های مالی مانند اعتبارات مالیاتی تحقیق و توسعه و کسر مالیات برای سرمایه گذاران مرحله اولیه.

۴- سایر مداخلات برای افزایش در دسترس بودن منابع مالی سهام برای شرکت های نوآور مانند طرح های سرمایه گذاری خطرپذیر.

صرف نظر از منطق مداخله، تصمیم برای مداخله باید مزایا و خطرات را وزن کند؛ زیرا چندین شکست دولتی وجود دارد که می تواند مداخله عمومی را غیرعملی یا حتی معکوس کند.

۳-۱. شیوه های مرسوم در تأمین مالی نوآوری

تأمین مالی نوآوری چه از طریق بخش دولتی و چه از طریق بخش خصوصی می تواند در قالب های مختلفی انجام گیرد. در ادامه به بررسی هر یک از این روش ها پرداخته و چارچوب آن تبیین می شود.

۴-۱. سرمایه گذاری خطرپذیر (در ازای رویالیتی)

از آنجا که تبدیل کردن یک نوآوری به محصول تجاری و کسب درآمد فرآیندی پیچیده و دشوار است و معمولاً مستلزم تحمل ریسک بالا و هزینه های قابل توجه است، بسیاری از صاحبان نوآوری نیاز به تأمین مالی از طریق منابع دیگران خواهند داشت. از این رو سرمایه گذاران جسور، صندوق های خطرپذیر و شتاب دهنده ها، بعد از شناسایی ایده و ارزیابی آن سعی می کنند با ارائه حمایت های لازم از آن ایده، مالک بخشی از سهام آن شرکت شوند و یا اینکه در ازای خدماتی که ارائه می دهند، درصدی از میزان فروش و

درآمدهای شرکت را مطالبه نمایند. بنابراین یک مخترع یا مالک اصلی نوآوری ممکن است تصمیم بگیرد که در ازای حمایت‌هایی که برای محصول خود دریافت می‌کند، حق امتیاز با بخشی از درآمدهای آتی را که محصول ممکن است ایجاد کند، به حامی واگذار کند. حق امتیاز یک پرداخت قانونی الزام‌آور است که به یک فرد یا شرکت برای استفاده مداوم از دارایی‌های آن‌ها از جمله آثار دارای حق چاپ، حق امتیاز و منابع طبیعی پرداخت می‌شود و شامل چند مؤلفه کلیدی است: (اینوستوپدیا^۱، ۲۰۲۱)

- ۱- حق امتیاز مبلغی است که شخص ثالث برای استفاده از آن محصول یا حق اختراع به صاحب یک محصول یا پتنت پرداخت می‌کند.
- ۲- شرایط پرداخت حق امتیاز در توافقنامه مجوز تعیین شده است.
- ۳- نرخ حق امتیاز یا مقدار حق امتیاز معمولاً درصدی بر اساس عواملی مانند انحصار حقوق، فناوری و گزینه‌های موجود است.
- ۴- قراردادهای حق امتیاز باید هم برای مجوز دهنده (شخص دریافت کننده حق امتیاز) و هم برای دارنده مجوز (شخصی که حق امتیاز را پرداخت می‌کند) مفید باشد.
- ۵- سرمایه‌گذاری در حق امتیاز می‌تواند درآمد ثابتی داشته باشد و نسبت به سهام سنتی ریسک کمتری دارد.

از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع از تأمین مالی آن است که برای نوآور بسیار کم ریسک و برای سرمایه‌گذار بسیار پر ریسک است، چرا که در صورت شکست طرح، نوآور هیچ هزینه‌ای پرداخت نخواهد کرد و همه هزینه‌ها توسط سرمایه‌گذار پرداخت می‌گردد. از طرفی چنانچه طرح به نتیجه مطلوب برسد، معمولاً عایدی آن بسیار بالاست و همین موضوع سرمایه‌گذار را ترغیب می‌کند که چنین ریسک بالایی را بپذیرد. با این وجود مهم‌ترین معضل این نوع از تأمین مالی مربوط به نوآور است که در این معامله بخشی از سهام خود را از دست می‌دهد و ناچار به پذیرش شریک در حوزه کاری خود می‌شود.

۵-۱. سرمایه گذاری فرشتگان

بسیاری فکر می کنند که سرمایه گذاران فرشته و سرمایه گذاران خطرپذیر یکسان هستند، اما یک تفاوت جدی وجود دارد. در حالی که VC ها شرکت هایی هستند (معمولاً بزرگ و مستقر) که با معامله سهام در مقابل سرمایه در کسب و کار شما سرمایه گذاری می کنند. یک سرمایه گذار فرشته فردی است که احتمال بیشتری دارد در یک کسب و کار نوپا یا در مراحل اولیه سرمایه گذاری کند که ممکن است رشد قابل توجهی مانند VC نداشته باشد. پیدا کردن یک سرمایه گذار فرشته نیز می تواند به روشی مشابه به دست آوردن سرمایه از VC خوب باشد البته در سطح شخصی تر. ویلبرت وینبرگ، کارآفرین و سخنران مستقر در سنگاپور، گفت: "آن ها نه تنها بودجه را فراهم می کنند، بلکه معمولاً شما را راهنمایی و در طول مسیر نیز به شما کمک می کنند." "به یاد داشته باشید قرض گرفتن پول فقط برای از دست دادن آن بعداً فایده ای ندارد. این افراد تجاری باتجربه می توانند در درازمدت هزاران پول برای شما پس انداز کنند."

۶-۱. ایجاد بدهی

یکی از مهم ترین روش های تأمین مالی که جایگاه بالایی در حوزه نوآوری دارد، اعطای تسهیلات است. بخش مهمی از نظام تأمین مالی در دنیا بر این اساس استوار شده است. عمده تاً این تسهیلات به صورت وام در اختیار نوآور قرار می گیرد و وام دهنده در ازای آن مبلغی را به عنوان بهره دریافت می کند. این نوع از اعطای تسهیلات دقیقاً شبیه وام های بانکی است که بسیاری از نوآوران ترجیح می دهند از این وام ها بهره ببرند. از مهم ترین ویژگی های این وام ها ریسک پایین آن برای وام دهنده و ریسک بالای آن برای وام گیرنده است. چرا که وام دهنده در هر صورت اصل پول و سود خود را دریافت می کند در حالی که وام گیرنده ممکن است در پروژه با شکست مواجه شود و در عین حال ناچار باشد اصل مبلغ و سود را بازپرداخت نماید. این موضوع در حوزه نوآوری که احتمال شکست پروژه ها بسیار بالاست، ریسک بیشتری را متوجه وام گیرنده می کند.

۷-۱. فاکتورینگ (تأمین مالی فاکتور)

فاکتور یک عامل واسطه ای است که با خرید حساب های دریافتی شرکت ها وجه نقد

آن‌ها را تأمین می‌کند. یک عامل اساساً منبع تأمین مالی است که موافقت می‌کند ارزش یک فاکتور را منهای تخفیف کمیسیون و کارمزد به شرکت بپردازد. فاکتورینگ می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا با فروش مطالبات خود در ازای تزریق وجه نقد از شرکت فاکتورینگ، نیازهای نقدی کوتاه مدت خود را بهبود بخشند. این عمل به عنوان فاکتورینگ، فاکتورینگ مالی و تأمین مالی حساب‌های دریافتی نیز شناخته می‌شود. سه طرف مستقیماً در معامله‌ای که شامل یک فاکتورینگ است درگیر هستند: شرکتی که حساب‌های دریافتی خود را می‌فروشد. عاملی که مطالبات را خریداری می‌کند و مشتری شرکت که اکنون باید به جای پرداخت به شرکتی که در اصل بدهکار بوده، مبلغ دریافتی را به فاکتور بپردازد. (اینوستوپدیا، ۲۰۲۱)

۸-۱. بدهی قابل تبدیل به سهام

اوراق قابل تبدیل شکلی از بدهی کوتاه‌مدت است که معمولاً همراه با دور بعدی تأمین مالی شرکت به سهام تبدیل می‌شود. در واقع سرمایه‌گذار پولی را به استارت‌آپ قرض داده و به جای بازگشت به صورت اصل و بهره پول، سهام شرکت را دریافت خواهد کرد. مزیت اصلی اوراق قابل تبدیل این است که صادرکنندگان و سرمایه‌گذاران مجبور به تعیین ارزش شرکت در حالی که ممکن است واقعاً نتوان ارزش شرکت را ارزیابی کرد، نیستند. در بعضی موارد شرکت ممکن است فقط یک ایده باشد. این ارزیابی معمولاً در طول تأمین مالی سری A صورت می‌گیرد، زمانی که اطلاعات بیشتری برای ارزیابی بر اساس آن‌ها وجود دارد. (سیداینسوت^۱، ۲۰۲۱)

هنگام ارزیابی یک ورقه قابل تبدیل، چند پارامتر کلیدی وجود دارد:

- ۱- نرخ تخفیف: نشان دهنده تخفیفی است که نسبت به سرمایه‌گذاران دور بعدی دریافت می‌کند که ریسک بیشتر سرمایه‌گذاری زودتر را جبران می‌کند.
- ۲- سقف ارزش‌گذاری: سقف ارزش‌گذاری پاداشی اضافی برای تحمل ریسک زود هنگام است. سقف ارزش‌گذاری به طور مؤثر سقف قیمتی که اوراق به سهام تبدیل می‌شوند را تعیین می‌کند و به طریقی از دارندگان این اوراق در برابر صعود

انفجاری ارزش شرکت محافظت می کند.

۳- نرخ بهره: اوراق قابل تبدیل از لحاظ تکنیکی قرض هستند، بنابراین دارای نرخ بهره هستند. اگرچه این بهره به جای پول نقد به صورت سهام اضافی پس از تبدیل اوراق پرداخت می شود.

۴- تاریخ سررسید: نشانگر تاریخی است که اوراق سر رسید می شوند و شرکت در آن تاریخ مستلزم بازپرداخت آن ها است.

۹-۱. گرنت های فناورانه

همان طوری که پیش تر اشاره شد، بازارها معمولاً کمتر از آنچه که از نظر اجتماعی مطلوب است، برای نوآوری منابع مالی فراهم می کنند. به همین دلیل است که بسیاری از دولت ها از انواع مختلف مداخله برای افزایش میزان تأمین مالی برای فعالیت های نوآوری استفاده می کنند. یکی از مهم ترین این حمایت ها گرنت فناوری است. گرنت فناوری در واقع اعتبار مالی برای توسعه فناوری از سوی دولت و نهادهای عمومی است. به عبارت بهتر یک سازوکار اجرایی و مالی است که بخشی از منابع مالی فعال در عرصه توسعه فناوری و نوآوری را در یک چرخه کاری هدفمند به حوزه توسعه و تجاری سازی فناوری در مراکز دانشگاهی و پژوهشی مخصوصاً آن بخش از تحقیقات این مراکز که در مرحله تبدیل به سطح بالاتر فناوری هستند، هدایت می کند. این حمایت ها می تواند صورت های مختلفی داشته باشند که از جمله مهم ترین آن ها تسهیلات بلاعوض، تسهیلات قرض الحسنه و تسهیلات با بهره کم است.

۱۰-۱. تسهیلات تجاری سازی

بسیاری از سرمایه گذاران بجای پذیرش ریسک سهامداری، مترصد فرصت هایی برای تأمین سرمایه و کسب سود از مسیر تجاری سازی هستند. در این شیوه سرمایه گذار در حین فرآیندهای تجاری سازی، سرمایه مورد نظر نوآوران را به انجای مختلف تأمین کرده و خود را در سود نوآور شریک می کند. دو مورد مهم این نوع از سرمایه گذاری تأمین سرمایه در گردش نوآور حین سفارش های بزرگی است که فناور به تنهایی از عهده آن بر نمی آید و دیگری اسپانسر حضور در نمایشگاه ها است که بر اساس آن سرمایه گذار

با تقبل تمامی هزینه‌های فناور، مالک بخشی از فروش این واحد در قراردادهای مبتنی بر نمایشگاه می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

سجودی و دیگران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر تأمین مالی صندوق‌های سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر بر سود شرکت‌های دانش‌بنیان مستقر در پارک علم و فناوری استان آذربایجان شرقی پرداخته است. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و برای تحلیل داده‌ها از روش پانل دیتا به کمک نرم‌افزار STATA استفاده شده است. مطابق یافته‌ها مشخص شده که دو متغیر تسهیلات صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر و اندازه شرکت، تأثیر مثبت و معناداری بر سود شرکت دارند در حالی که متغیرهای وام از بانک‌های تجاری، عمر و نیز سرمایه انسانی شرکت، اثری معنادار بر سود شرکت‌ها ندارند. همچنین هزینه‌های تحقیق و توسعه اثر منفی بر سودآوری دارند اما با توجه به اینکه این متغیر بلافاصله اثرگذار نبوده و اثرگذاری آن با وقفه ظهور می‌یابد ممکن است نتایج آن طی چند سال آینده دیده شود که با توجه به دوره کوتاه این مطالعه نمی‌توان عنوان نمود که این متغیر به طور قطع اثر منفی بر سودآوری دارد.

حاجی اصغری و دیگران (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف طراحی مدلی برای جمع‌سپاری در بانک کشاورزی با محوریت شرکت‌های دانش‌بنیان انجام داده‌اند. با استفاده از روش تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه، نتایج نشان می‌دهد مؤلفه‌های اصلی برای جمع‌سپاری در بانک کشاورزی با محوریت شرکت‌های دانش‌بنیان شامل عوامل ایجادکننده جمع‌سپاری (عوامل ساختاری، عوامل رابطه‌ای)، پدیده جمع‌سپاری (عوامل شناختی، هوشمندسازی فرآیندهای سازمانی، هوشمندسازی منابع مالی، هوشمندسازی منابع انسانی، هوشمندسازی اطلاعاتی)، عوامل تسریع‌کننده و یا کندکننده جمع‌سپاری (عوامل بافت بیرونی و مشتریان)، عوامل زمینه‌ساز جمع‌سپاری (عوامل روان‌شناختی و انگیزشی و عوامل درون‌سازمانی)، راهکارهای توسعه‌دهنده جمع‌سپاری (طراحی نظام مدیریت یکپارچه منابع انسانی کارآفرینانه، طراحی نظام حمایت از سرمایه‌های فکری و معنوی مبتنی بر ترکیب و تبادل گنجایش‌ها، طراحی سیستم پاسخگویی اجتماعی، طراحی

نظام خلق ارزش‌ها) و نتایج حاصل از جمع سپاری (سطح فردی، سطح سازمان، سطح جامعه) می‌باشد.

حاجی غلام سریزدی و دیگران (۱۳۹۷) با تأکید بر روش‌های تأمین مالی جمعی، بر این امر تأکید دارند که با توجه به ارائه پلتفرم‌هایی که تاکنون برای تأمین مالی جمعی شرکت‌های دانش بنیان ایجاد شده است، می‌بایست ضمن بررسی عوامل مؤثر بر این روش، به توسعه آن کمک کرد. از آنجا که تأمین مالی جمعی پدیده‌ای نو و جدید می‌باشد ضرورت دارد تا با روشی مناسب ضمن تعیین عوامل مؤثر بر این روش در جهت حمایت از کسب و کارهای نوپا، به آگاهی بخشی از آن در جامعه پرداخت. روش مدل سازی جمعی مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی و وب ۲ با هدف شناخت پدیده‌های جدید می‌باشد. آن‌ها در مقاله خود با استفاده از مدل سازی جمعی به احصاء عوامل مؤثر بر تأمین مالی جمعی در ایران در راستای حمایت از شرکت‌های نوپای حوزه IT پرداخته‌اند.

قاضی نوری و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله خود موفقیت در تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان را منوط به دسته بندی شرکت‌ها بر اساس متغیرهای مؤثر بر تأمین مالی و به تبع آن پیشنهاد ابزارهای مناسب برای هر گروه دانسته‌اند. ایشان با تحلیل خوشه‌ای ۲۵۱ شرکت دانش بنیان، ساختار خوشه‌ای جدیدی مشتمل بر چهار خوشه تازه کاران، تولیدکنندگان کوچک، خدمات دهندگان کوچک و قدیمی‌ها ارائه و با شناسایی ویژگی‌های مالی این خوشه‌ها (به کمک پرسشنامه و همچنین بر اساس داده‌های صورت‌های مالی) ابزارهای مناسب تأمین مالی هر یک را به طور مجزا پیشنهاد داده‌اند.

شفیعا و دیگران (۱۳۹۳) معتقدند حساس ترین چالش حمایت از شرکت‌های دانش بنیان نوپا چگونگی تأمین مالی آن‌ها می‌باشد. این شرکت‌ها به دلیل ویژگی‌های خاص خود از گزینه‌های تأمین مالی محدودی برخوردارند؛ اغلب آن‌ها یا وثایق کمی داشته و یا اصلاً ندارند. در نتیجه تأمین مالی از طریق بدهی برای آن‌ها مشکل بوده و بیشتر به تأمین مالی از طریق سرمایه یا فروش سهام تمایل دارند. تعیین ارزش شرکت دانش بنیان را می‌توان در زمره مشکلات جدی تأمین مالی از طریق فروش سهام تلقی کرد. در پژوهش آن‌ها با مرور مطالعات روش‌های مختلف ارزش گذاری فناوری و بیان مزایا و محدودیت‌های هریک و همچنین با توجه به ویژگی‌های شرکت‌های دانش بنیان نوپا،

روش ارزش گذاری تنزیل جریان نقدینگی به عنوان رویکردی مناسب برای ارزش گذاری این قبیل شرکت ها طی فرایند تأمین مالی از طریق سرمایه معرفی شده است. پترو و پوکالا (۲۰۱۹) در مطالعه خود، امکان به کارگیری روش AHP در فرآیند تصمیم گیری مدیریتی در خصوص انتخاب منابع تأمین مالی نوآوری توسط شرکت های معدنی را مورد بررسی قرار می دهد. از نظر آن ها این گونه شرکت ها که در فضای پرتلاطم بازار با رقابت فزاینده فعال هستند، به دنبال ابزارها و راه حل های جدید برای حمایت و بهینه سازی فعالیت خود هستند. توسعه و اجرای نوآوری ها عمدتاً با هدف بهبود اثربخشی عملیات شرکت و کاهش هزینه های عملیاتی، ابزار کارآمدی برای کسب مزیت رقابتی است. همان طور که توسط مطالعات نشان داده شده، روش ارائه شده می تواند ابزار مناسبی برای انتخاب منابع تأمین مالی برای یک شرکت باشد. تحلیل های انجام شده نشان داد که توافق نامه های برداشت می تواند روشی بهینه برای تأمین مالی نوآوری در شرکت های معدنی مطابق با نظر کارشناسان شرکت کننده در مطالعه باشد.

۳. روش تحلیلی

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش اجتهادی مرسوم در تحلیل بازارهای مالی اسلامی است. طراحی مدل های تأمین مالی بر اساس مبانی نظام مالی اسلامی نیازمند یک بررسی اجمالی از شیوه های تأمین مالی در نظام مالی اسلامی است. به طور کلی فعالیت تأمین مالی در نظام مالی اسلامی از طریق نهادهای واسطه مالی و به دو دسته غیرانتفاعی و انتفاعی صورت می گیرد. در این بخش ضمن بررسی ماهیت این نوع از شیوه های تأمین مالی، به مصادیق آن اشاره خواهد شد.

۴. عقود غیرانتفاعی

عقود غیرانتفاعی در تأمین مالی اسلامی به دسته ای از عقود گفته می شود که هدف صاحبان سرمایه نه کسب سود بلکه مشارکت در یک امر خیر و یا همکاری از باب مسئولیت اجتماعی است. به طور کلی مهم ترین و شناخته شده ترین این عقود عبارت اند از قرض الحسنه، وقف و هبه.

۴-۱. قرض الحسنه

عقدی است که به موجب آن، نهاد تأمین مالی می تواند به عنوان قرض دهنده، مبلغ معینی را طبق ضوابط مقرر به افراد یا شرکت ها به قرض واگذار نماید و گیرنده متعهد می شود معادل مبلغ دریافتی را بازپرداخت نماید. نهاد مورد نظر بابت منابع قرض داده شده سودی دریافت نمی کند و فقط در مقابل هزینه های اعطای قرض الحسنه در حد ۲ تا ۴ درصد کارمزد دریافت می کند. ویژگی اصلی این روش، غیرانتفاعی و خیرخواهانه بودن قرارداد قرض الحسنه است. (شعبانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۳۸) نمودار زیر مدل قرض الحسنه را نشان داده است.



نمودار ۱: مدل تأمین مالی بر مبنای قرض الحسنه

منبع: یافته های پژوهش

۴-۲. وقف

یکی دیگر از مدل های تأمین مالی غیرانتفاعی در اقتصاد اسلامی وقف است. وقف در اصطلاح فقها، عبارت از عقدی است که ثمره آن حبس اصل و تسبیل منافع است، یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است. (نجفی، بی تا، ج ۲۸، ص ۳) به بیان روشن تر، وقف مقدار مالی است که فرد یا افرادی با اختیار خود از مالکیت خود خارج می کنند تا مورد استفاده عموم قرار بگیرد و منافع آن در راه تأمین نیازمندی های مردم مصرف شود. یکی از جنبه هایی که از وقف می توان یاری جست تأمین مالی نوآوری است. بر اساس نمودار ۲ صاحبان سرمایه

یا خیرین وجوهات خود را از طریق صلح یا وکالت در اختیار نهاد واسطه مالی قرار داده تا در جهت منافع متقاضیان سرمایه وقف نمایند.



منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳. هبه

یکی دیگر از مدل‌های تأمین مالی اسلامی بر اساس عقود غیرانتفاعی، هبه است. «هبه» عبارت است از خارج ساختن مال از ملک خود و به ملک دیگری در آوردن به طور رایگان و آن قراردادی است که به ایجاب و قبول احتیاج دارد، به هر لفظی که مقصود را برساند. (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶) بر اساس نمودار ۳ صاحبان سرمایه یا خیرین وجوهات خود را از طریق صلح یا وکالت در اختیار نهاد واسطه مالی قرار داده تا در جهت منافع متقاضیان سرمایه هبه نمایند.



منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. عقود انتفاعی

این دسته از عقود در تأمین مالی اسلامی مبتنی بر سود تعریف شده‌اند و هدف صاحبان سرمایه، کسب سود ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است. به طور کلی این عقود در دو دسته عقود مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم‌بندی شده‌اند که در ادامه به بررسی ماهیت هریک آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۵. عقود مبادله‌ای

عقودی هستند که در آن مؤسسه اعتباری تمام یا بخشی از منابع مالی مورد نیاز را به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف کردن نیاز یک خانوار تأمین می‌کند. این دسته از عقود دارای ویژگی‌های انتفاعی بودن قرارداد، معین بودن سود، تملیکی بودن قرارداد، عدم نیاز به نظارت و کنترل هستند. از جمله عقود مبادله‌ای می‌توان به مرابحه، اجاره به شرط تملیک، فروش اقساطی، سلف، خرید دین، جعاله و استصناع اشاره کرد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵)

۴-۶. مرابحه/فروش اقساطی

در این مدل از تأمین مالی مشتری تقاضای خود به کالای مشخص را با بیان نوع و مقدار و معرفی تولیدکننده یا فروشنده اظهار داشته، متعهد می‌شود که در صورت فراهم نمودن نهاد مالی، آن را از بانک خریداری کند. بانک نیز با بررسی تقاضا، کالای مورد نظر را خریداری کرده، با احتساب سود بانک متناسب با مدت بازپرداخت، به صورت اقساطی به مشتری می‌فروشد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷). به همین صورت مرابحه نیز قراردادی است که به موجب آن عرضه‌کننده بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی، نسبه دفعی یا اقساطی، به اقساط مساوی و یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. (ماده ۸۱، قانون عملیات بانکی بدون ربا)



نمودار ۴: مدل تأمین مالی بر مبنای مرابحه

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۷. اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که در آن شرط می‌شود مستأجر در پایان مدت

اجاره در صورت عمل به شرایط قرارداد، عین مستاجر را مالک گردد. در این نوع از تأمین مالی متقاضی بعد از تعیین کالایی که نیاز دارد به نهاد مالی تعهد می‌سپارد به محض اعلام نهاد مالی در مورد آماده بودن کالای مورد تقاضای وی، نسبت به انعقاد قرارداد اقدام نماید. پس از آن که کالا توسط بانک فراهم شد به عنوان اجاره تحویل متقاضی می‌گردد و در صورت وفای به قرارداد، در پایان مدت قرارداد، به مالکیت مستاجر در می‌آید.

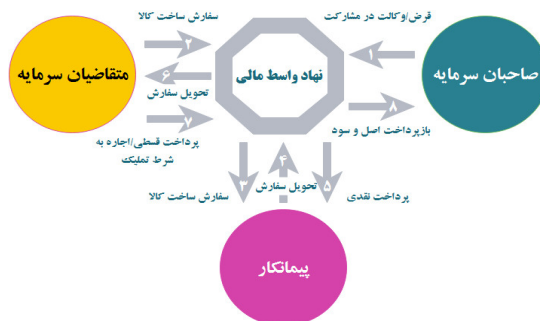


نمودار ۵: مدل تأمین مالی بر مبنای استصناع

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۸. استصناع

استصناع عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین در مقابل مبلغی معین، متعهد به ساخت (تولید، تبدیل و تغییر) اموال منقول و غیرمنقول، مادی و غیرمادی با مشخصات مورد تقاضا و تحویل آن در دوره زمانی معین به طرف دیگر می‌گردد.

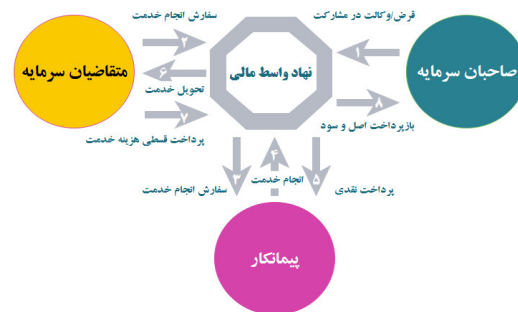


نمودار ۶: مدل تأمین مالی بر مبنای استصناع

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۹. جعاله

در این شیوه از تأمین مالی، متقاضی تسهیلات با نهاد واسطه جعاله‌ای منعقد می‌کند مبنی بر این که واسطه کار خاصی را برای او انجام دهد و جعل را به صورت نسیه اقساطی از



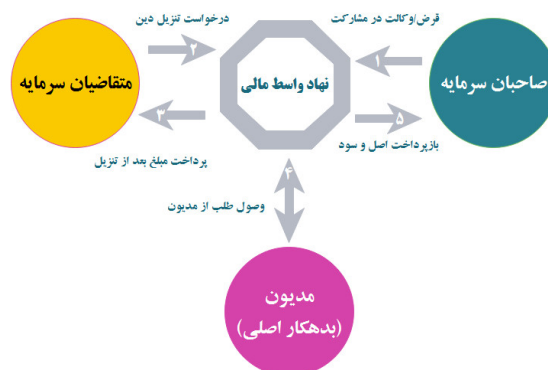
نمودار ۷: مدل تأمین مالی بر مبنای جعاله

منبع: یافته‌های پژوهش

او دریافت کند، سپس بانک در قرارداد جعاله دیگری که به صورت نقد است، انجام کار را به عامل دیگری می‌سپارد. از نظر فقهی چون دو قرارداد مستقل از هم بوده و طرفین معامله متفاوت هستند، زیادی جعل قرارداد اول نسبت به قرارداد دوم اشکالی نخواهد داشت.

۴-۱۰. تنزیل دین

تنزیل دین عبارت است از خرید اسناد و اوراق تجاری مدت دار توسط بانک به مبلغی کمتر از مبلغ اسمی به صورت نقدی. نهادهای مالی می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور کلیه بخش های اقتصادی اسناد و اوراق تجاری حاصل از معاملات مدت دار آن ها را طبق ضوابط تنزیل نمایند. (ماده ۱ و ۲، آئین نامه بانکداری بدون ربا)

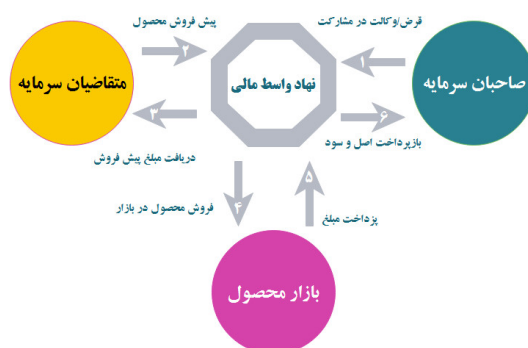


نمودار ۸: مدل تأمین مالی بر مبنای تنزیل دین

منبع: یافته های پژوهش

۴-۱۱. سلف

پیش خرید نقدی محصولات تولیدی (صنعتی، کشاورزی، معدنی) به قیمت معین است. تولیدکننده ای که در جریان تولید کالا یا فرآورده دچار کمبود سرمایه در گردش می شود یا به دنبال پوشش ریسک قیمت است می تواند از طریق پیش فروش قسمتی از تولید خود نیازش را تأمین نماید. خریدار هم معمولاً به دنبال تأمین کالای مورد نیاز خود به قیمت کمتر یا اطمینان از توانایی تأمین کالا (پوشش ریسک) در زمان نیاز است.



نمودار ۹: مدل تأمین مالی بر مبنای سلف

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۱۲. عقود مشارکتی

عقودی هستند که در آن‌ها فرد و یا مؤسسه مالی، تمام یا بخشی از منابع مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده سود فعالیت به درصدی که از قبل تعیین شده است، تقسیم می‌شود. از جمله ویژگی‌های این قراردادها عبارتند از انتظار انتفاعی بودن قرارداد، متغیر بودن نرخ سود قرارداد، اذنی بودن قرارداد و نیاز به نظارت و کنترل. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۶) در قراردادهای مشارکتی، افزون بر مسئولیت احراز صحت قرارداد، بانک مسئولیت دارد اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای پروژه بر کیفیت به‌کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حق و حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند. (اکبرزاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۶؛ موسویان، ۱۳۸۴، ص. ۵۳) برخی از مهم‌ترین عقود مشارکتی عبارت‌اند از مضاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی.



نمودار ۱۰: مدل تأمین مالی بر مبنای عقود مشارکتی

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. تحلیل نتایج و ارائه یافته‌های پژوهش

بخش دوم مقاله به بررسی ۷ مورد از مهم‌ترین روش‌های تأمین مالی نوآوری پرداخت و همچنین بخش سوم، روش اجتهادی مرسوم در تأمین مالی اسلامی را بر اساس عقود متعدد تحلیل کرد. در این بخش به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود.

۵-۱. سرمایه‌گذاری خطرپذیر در چارچوب عقود اسلامی

همان‌طوری که پیش‌تر اشاره شد، در این مدل از تأمین مالی سرمایه‌گذاران جسور، صندوق‌های خطرپذیر و شتاب‌دهنده‌ها، بعد از شناسایی ایده و ارزیابی آن سعی می‌کنند با ارائه حمایت‌های لازم از آن ایده، مالک بخشی از سهام آن شرکت شوند و یا اینکه در ازای خدماتی که ارائه می‌دهند، درصدی از میزان فروش و درآمدهای شرکت را مطالبه نمایند. از ماهیت این نوع تأمین مالی بر می‌آید که عمده هدف سرمایه‌گذار مشارکت در سود و زیان واحد فناور است. از این‌رو مهم‌ترین مدلی که در این راستا قابل بهره‌گیری است مدل‌های مشارکتی شامل مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی است. به طور عمده این نوع از تأمین مالی در قالب مشارکت فردی قابل تحقق است و از بعد فقهی سرمایه‌گذار می‌تواند با تأمین بخشی از سرمایه مالک بخشی از شرکت شده و در سود و زیان شریک شود. از ویژگی‌های عقد مشارکت این است که یکی از طرفین می‌تواند به منظور جلب اطمینان طرف مقابل کل یا بخشی از ضرر را بر عهده گیرد که این امر در

کاهش ریسک سرمایه گذاران می تواند مؤثر باشد. (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷)

مدل دیگر مشارکت سرمایه گذاران خطرپذیر، مشارکت در درآمد شرکت و نه سهام دار شدن است. در واقع سرمایه گذار می تواند با سرمایه گذاری اولیه بر روی محصول نوآورانه، این تعهد را از صاحب محصول بگیرد که برای مدت زمان مشخصی مالک بخشی از درآمد باشد. این نوع از قرارداد در قالب عقد مشارکت مدنی و عقد صلح قابل تأیید است.

۲-۵. سرمایه گذاری فرشتگان در چارچوب عقود اسلامی

پیش تر اشاره شد که یک سرمایه گذار فرشته فردی است که در یک کسب و کار نوپا یا در مراحل اولیه سرمایه گذاری کند که ممکن است رشد قابل توجهی مانند VC نداشته باشد. همان طوری که واضح است از لحاظ حقوقی تفاوتی میان سرمایه گذاری خطرپذیر و سرمایه گذاری فرشتگان وجود ندارد. از این جهت همان مدل قراردادی که در بخش قبلی در خصوص سرمایه گذاری خطر پذیر مطرح شد، همان چارچوب برای سرمایه گذاری فرشته قابل تحلیل است.

۳-۵. ایجاد بدهی

همان طوری که در تحلیل ایجاد بدهی مطرح شد، این تأمین مالی به صورت وام در اختیار نوآور قرار می گیرد و وام دهنده در ازای آن مبلغی را به عنوان بهره دریافت می کند. این نوع از اعطای تسهیلات دقیقاً شبیه وام های بانکی است که بسیاری از نوآوران ترجیح می دهند از این وام ها بهره ببرند. از آنجا که ایجاد بدهی صرفاً مبتنی بر سود ثابت انجام می گیرد، عقود پیشنهادی برای این نوع از تأمین مالی در قالب عقود مبادله ای صورت خواهد پذیرفت؛ مرابحه، اجاره به شرط تملیک، جعاله، استصناع، سلف. به عنوان مثال چنانچه مقصود واحد فناور از دریافت وام خرید تجهیزات سرمایه ای مورد نیاز باشد، این امر از طریق عقود متعددی از جمله مرابحه، استصناع و اجاره به شرط تملیک انجام می گیرد. همچنین اگر قصد فناور تأمین مالی خدمات مورد نیاز باشد، این مهم از طریق مرابحه و جعاله صورت می پذیرد. چنانچه قصد واحد فناور خرید تجهیزات و مواد مصرفی باشد، این مهم از طریق عقد مرابحه انجام خواهد پذیرفت. از طرفی چنانچه واحد فناور به نیت تأمین سرمایه در گردش اقدام به دریافت وام نماید، این موضوع از طریق عقود همچون سلف و تنزیل دین انجام می گیرد.

تنوع عقود اسلامی در عقود مبادله‌ای به قدری بالاست که کلیه نیازهای واحد فناور از طریق آن قابل تحقق است.

۴-۵. فاکتورینگ (تأمین مالی فاکتور)

مهم‌ترین کارکرد فاکتورینگ این است که به شرکت‌ها کمک می‌کند با فروش مطالبات خود وجوه نقدی مورد نیاز خود را زودتر از موعد هرچند با مبلغی کمتر دریافت کنند. از لحاظ فقهی این قرارداد مصداق تنزیل دین (بیع دین) است. نظر مشهور فقها که مأخذ و منبع قانون‌گذار در ایران نیز بوده است، صحت عقد خرید دین در اکثر موارد و اقسام است، (محقق داماد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۳) فروش دین را چه به خود بدهکار و چه به شخص ثالث، چه به قیمت اسمی دین و چه به کمتر از آن جایز می‌دانند. (شعبانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳)

ماهیت بیع دین در بخش دوم مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با این حال شرایطی در تحقق بیع دین باید رعایت شود که به شرح ذیل است: (مبین و امیرحسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵)

- نقدی بودن خرید دین

- حقیقی بودن دین موضوع اسناد تجاری

با فرض تحقق این دو شرط، مطلوب‌ترین مدل برای تأمین مالی نوآوری، تنزیل دین است. واحدهای فناور می‌توانند اسناد تجاری قابل تنزیل خود را که سررسید آن در آینده است، تنزیل نموده و مشکلات ناشی از نقدینگی خود را مرتفع نمایند.

۵-۵. بدهی قابل تبدیل به سهام

خوانش حقوقی این نوع از قراردادها، این بیان را به همراه دارد که در این شیوه از تأمین مالی سرمایه‌گذار پولی را به استارت‌آپ قرض می‌دهد و به عنوان شرط ضمن عقد این حق را دریافت می‌کند تا در زمان سررسید بین پس گرفتن پول خود و تبدیل آن به سهام شرکت استارت‌آپی تصمیم بگیرد. مقایسه این ماهیت حقوقی با قوانین اسلام دلالت بر آن دارد که این شیوه تأمین مالی مصداق شرط نفع در قرض است و ربا محسوب می‌شود. چرا که قرض دهنده در حین قرض دادن شرط منفعت برای خود دیده است، در حالی که قاعده فقهی دلالت بر ربوی بودن نفع ناشی از شرط در قرض است.

راه کاری که در چارچوب نظام تأمین مالی اسلامی مناسب به نظر می رسد این است که نوآور با جلب رضایت سرمایه گذار، اقدام به مشارکت در پروژه سرمایه گذاری می کند و برای جلب اطمینان سرمایه گذاری تمامی ضرر احتمالی را می پذیرد. چنانچه پروژه با شکست مواجه شود، سرمایه گذار سرمایه خود را از دست نداده است، چرا که نوآور ضرر احتمالی در پروژه را پذیرفته است. اگر پروژه به سرانجام رسد، حسب توافق اولیه سرمایه گذار مالک بخشی از پروژه و عوائد حاصل از آن خواهد بود. پیاده سازی این مدل یک تفاوت اساسی به مدل مرسوم در بدهی قابل تبدیل به سهام دارد و آن این است که درصد مشارکت سرمایه گذار می بایست از ابتدای پروژه تعیین شود، در حالی که در بدهی قابل تبدیل به سهام بعد از اتمام پروژه قیمت گذاری صورت می گیرد. هر چند تعیین سقف قیمتی برای پروژه اساساً به معنای تعیین حداقل سهم برای سرمایه گذار است.

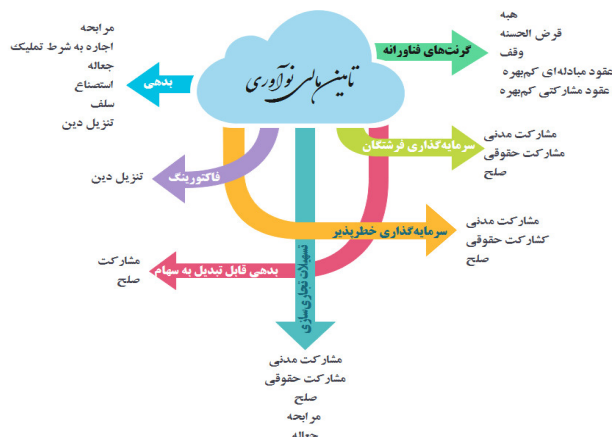
۶-۵. گزینش های فناورانه

گزینش های فناورانه شامل تسهیلات بلاعوض، تسهیلات قرض الحسنه و تسهیلات با بهره کم دولت ها و نهادهای عمومی است که عمدتاً با هدف ارتقای سطح سرمایه گذاری در حوزه نوآوری اعطا می شود. از منظر نظام تأمین مالی اسلامی این تسهیلات می تواند در قالب هبه (تسهیلات بلاعوض)، تسهیلات قرض الحسنه و سایر تسهیلات مبادله ای و مشارکتی باشد و دولت یا نهادهای متولی حوزه فناوری بر اساس سیاست های حمایتی خود، نرخ سود دریافتی را به حداقل ممکن رسانند. در این نوع از تأمین مالی تمامی عقود مورد استفاده در نظام تأمین مالی اسلامی قابلیت استفاده دارند.

۷-۵. تسهیلات تجاری سازی

بسیاری از سرمایه گذاران بجای پذیرش ریسک سهامداری، مترصد فرصت هایی برای تأمین سرمایه و کسب سود از مسیر تجاری سازی هستند. در این شیوه سرمایه گذار در حین فرآیندهای تجاری سازی، سرمایه مورد نظر نوآوران را به انحای مختلف تأمین کرده و خود را در سود نوآور شریک می کند. دو مورد مهم این نوع از سرمایه گذاری تأمین سرمایه در گردش نوآور حین سفارش های بزرگی است که فناور به تنهایی از عهده آن بر نمی آید و دیگری اسپانسرینگ حضور در نمایشگاه هاست که بر اساس آن سرمایه گذار با تقبل تمامی هزینه های فناور، مالک

بخشی از فروش این واحد در قراردادهای مبتنی بر نمایشگاه می‌شود. از لحاظ فقهی این نوع از مبادلات در قالب صلح، مشارکت، مرابحه، سلف و جعاله قابل تفسیر است.



نمودار ۱۱: مدل تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان در نظام تأمین مالی اسلامی

منبع: یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی

پژوهشی حاضر به مدل‌سازی تأمین مالی نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان در چارچوب نظام مالی اسلامی پرداخته است. اکوسیستم اقتصاد دانش‌بنیان دارای اقتضائات و ویژگی‌های خاصی است که سبب شده سرمایه‌گذاران روش‌های متفاوتی را برای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری انتخاب کنند. این روش‌ها در سراسر جهان مورد پذیرش سرمایه‌گذاران و نوآوران قرار گرفته است و از جمله در اکوسیستم دانش‌بنیانی ایران نیز این روش‌ها به‌وفور مورد استفاده قرار گرفته است. مسئله اصلی که علت نگرش این پژوهش بوده است، تمایزات میان نظام تأمین مالی اسلامی و نظام تأمین مالی متعارف است که در نتیجه تفاوت‌هایی بنیادی و مهمی را تأمین مالی اکوسیستم نوآوری ایجاد می‌کند. از آنجا که کشورهای اسلامی و خصوصاً ایران بر رعایت اصولی از جمله منع ربا، ضرر، غرر و اکل مال به باطل تأکید دارند، نظام تأمین مالی نوآوری نیز می‌باید مبتنی بر این اصول باشد تا مورد پذیرش سرمایه‌گذاران و نوآوران قرار گیرد. پژوهش حاضر ۷ مدل مهم که

بیشترین کاربرد را در تأمین مالی اقتصاد دانش بنیان دارد احصاء کرده و هر یک را در چارچوب نظام تأمین مالی اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در صورت عدم تناسب میان آنها، راهکارهای پیشنهادی جایگزین را مدل سازی کرده است. نتایج حاصل نشان می دهد در بسیاری از موارد امکان انطباق میان عقود اسلامی و مدل های تأمین مالی نوآوری وجود دارد، اما در موارد تداخلی و تعارضی، امکان بهره گیری از عقود مانند مرابحه، مشارکت، جعاله و سایر عقود مبادله ای و مشارکتی وجود دارد به گونه ای که نیازهای تأمین مالی فناوری را در چارچوب نظام تأمین مالی اسلامی پاسخ می دهد. از این رو بسیاری از مدل های تأمین مالی اکوسیستم نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در چارچوب حقوقی جدید و مبتنی بر نظام مالی اسلامی قابل استفاده در کشورهای اسلامی خواهند بود.

کتابنامه

- اکبرزاده، معین (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی عقود مبادله ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آنها در نظام بانکداری اسلامی. فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱(۴)، ۱۶۱-۱۹۸.
- اکبرزاده، معین (۱۳۹۳). آسیب شناسی تحول عقود از مبادله ای به مشارکتی در روند اعطای تسهیلات بانکی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- حاجی اصغری، س.و. میرابی، و.و. مهرمنش، و. فلاح شمس (۱۳۹۸). ارائه مدلی برای تأمین مالی شرکت های دانش بنیان از طریق جمع سپاری مالی در بانک کشاورزی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۱۲(۴۱)، صص ۲۴۳-۲۵۶.
- حاجی غلام سریزدی، علی، رجب زاده قطری، علی، مشایخی، علی نقی، حسن زاده، علیرضا (۱۳۹۷). تعیین عوامل مؤثر بر تأمین مالی جمعی شرکت های دانش بنیان، نشریه فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران، شماره ۳۷، صص ۱-۱۷.
- سجودی، سکینه، محمدزاده، پرویز، فاتح، امیر (۱۳۹۹). بررسی اثر تأمین مالی از صندوق های ریسک پذیر بر سودآوری شرکت های دانش بنیان، سیاست علم و فناوری.

شماره ۱۳(۲)، صص ۲۹-۴۰.

شعبانی، احمد، (۱۳۹۴)، درآمدی بر بانکداری اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

شفیعا، محمدعلی و بنیادی نائینی، علیرضا و فتاحی، کامیل و سبزیان، حسین، (۱۳۹۳)، روشهای تأمین مالی شرکت‌های دانش بنیان نوپا و نقش ارزش گذاری در سرمایه گذاری خطرپذیر: روش تنزیل جریان نقدینگی، اولین کنفرانس بین المللی ابزار و تکنیکهای مدیریت، تهران.

قاضی نوری، سیدسروش، بامدادصوفی، جهانیار، ردائی، نیلوفر (۱۳۹۶). چارچوب انتخاب ابزارهای تأمین مالی بر اساس خوشه بندی شرکت‌های دانش بنیان. شماره ۹(۲)، صص ۱۳-۳۰.

مبین، حجت، امیرحسینی، امین (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور، دانشنامه حقوق اقتصادی. شماره ۲۲(۷)، صص ۹۴-۱۲۷.

محقق داماد، سیدمصطفی، شبیری، جمشید، قاسمی، فروغ (۱۳۹۵)، خرید دین در نظام بانکداری اسلامی، آموزه‌های فقه مدنی. شماره ۸(۱۳)، صص ۳-۲۸.

موسویان، سید عباس، و میثمی، حسین. (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی (ویرایش ششم). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴). ارزیابی قراردادهای شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۵(۱۹)، صص ۴۵-۷۰.

Aghion, P., & Tirole, J. (1994). The management of innovation. *Quarterly Journal of Economics*, 109(4), 1185-1209.

Akbarzadeh, Moein. (2013). Comparative analysis of exchange-based and participatory contracts and identification of their challenges and benefits in Islamic banking system. *Islamic Economics and Banking Quarterly*, 1(4), 161-198. (In Persian)

Akbarzadeh, Moein. (2014). Pathology of transformation from exchange-based to participatory contracts in the process of granting banking facilities. M.A. Thesis, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)

- Ghazinoori, Seyed Soroush; Bamdadsofi, Jahanyar; & Radaei, Niloofar. (2017). Framework for selecting financing instruments based on clustering of knowledge-based firms. *Journal of Science and Technology Policy*, 9(2), 13–30. (In Persian)
- Grossman, S. J., & Hart, O. D. (1986). The costs and benefits of ownership: A theory of vertical and lateral integration. *Journal of Political Economy*, 94, 691–719.
- Haji Asghari, S.; Mirabi, V.; Mehrmanesh, V.; & Fallah Shams, V. (2019). Presenting a model for financing knowledge-based companies through crowdfunding in Agricultural Bank. *Journal of Financial Knowledge and Securities Analysis*, 12(41), 243–256. (In Persian)
- Haji Gholam Sarizdi, Ali; Rajabzadeh Ghotari, Ali; Moshayekhi, Ali Naghi; & Hassanzadeh, Alireza. (2018). Identifying factors affecting crowdfunding of knowledge-based companies. *Iranian Journal of Information and Communication Technology*, 37, 1–17. (In Persian)
- Hall, B., & Lerner, J. (2010). The financing of R&D and innovation. In *Handbook of the Economics of Innovation* (pp. 609–639). Elsevier.
- Hart, O., & Moore, J. (1990). Property rights and the nature of the firm. *Journal of Political Economy*, 98, 1119–1158.
- Holmstrom, B. (1982). Managerial incentive problems - A dynamic perspective. In *Essays in Economics and Management in Honor of Lars Wahlbeck*, Helsinki: Swedish School of Economics.
- Holmstrom, B. (1989). Agency costs and innovation. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 12(3), 305–327.
- Kerr, W. R., & Nanda, R. (2014). Financing Innovation. *Annual Review of Financial Economics* 7, 15, 445–462.
- Knight, F.H. (1921). *Risk, Uncertainty, and Profit*. Boston, MA: Houghton Mifflin.
- Mobin, Hojjat, & Amirhosseini, Amin. (2015). Jurisprudential and legal analysis of discounting commercial documents with emphasis on national banking regulations. *Encyclopedia of Economic Law*, 22(7), 94–127. (In Persian)
- Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa; Shiri, Jamshid; & Ghasemi, Forough. (2016). Debt purchase in Islamic banking system. *Civil Jurisprudence Teachings*, 8(13), 3–28. (In Persian)
- Mousavian, Seyed Abbas, & Meisami, Hossein. (2018). *Islamic Banking (1): Theoretical Foundations and Practical Experiences* (6th ed.). Tehran: Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of Iran. (In Persian)
- Mousavian, Seyed Abbas. (2005). Evaluation of contracts and methods of granting facilities in interest-free banking. *Islamic Economics Quarterly*, 5(19), 45–70. (In Persian)
- OECD (2011), *Business Innovation Policies: Selected Country Comparisons*, OECD Publishing.
- Petrova, M. (2019). Application of the AHP method to select an optimal

- source of financing innovation in the mining sector. E3S Web of Conferences, 105, 04034.
- Petrova, M. J. E. S. W. C. (2019). Application of the AHP Method to Select an Optimal Source of Financing Innovation in the Mining Sector. *105*, 04034. *Research Policy*, 29(4-5), 559-566.
- Sajoudi, Sakineh; Mohammadzadeh, Parviz; & Fateh, Amir. (2020). The impact of venture capital financing on profitability of knowledge-based firms. *Science and Technology Policy*, 13(2), 29-40. (In Persian)
- Scherer, F. M., & Harhoff, D. (2000). Technology policy for a world of skew-distributed outcomes. *Research Policy*, 29(4-5), 559-566.
- Shabani, Ahmad. (2015). *An Introduction to Islamic Banking*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian)
- Shafiea, Mohammad Ali; Bonyadi Naeini, Alireza; Fattahi, Komeil; & Sabzian, Hossein. (2014). Financing methods for startup knowledge-based firms and the role of valuation in venture capital investment. *Proceedings of the First International Conference on Management Tools and Techniques*, Tehran. (In Persian)

Contents

■ Investigating the trade value of cryptocurrencies and ranking them based on Islamic economics criteria.....	1
<i>Mahdi Hajaghabozorgi and hossein Eivazlou</i>	
■ Islamic Banking Approach to Inherent Instability of Fractional Reserve Banking.....	45
<i>Meysam Khosravi</i>	
■ Analysis of Iran's Stock Market hedging risk Potential in International Sukuk market	77
<i>vahid Nekouei and mahdi Ghaemi asl</i>	
■ Economic Forecasting in Confrontation with Divine Traditions: From Difficulty to Possibility	111
<i>Ghasem Tarkhan, Ali-Asghar Hadavineia and Ali Asghar Ghaeminia</i>	
■ Zakat in The Path of Economic Prosperity: Content Analysis of Articles	135
<i>Hamidreza Radfar and Nayere Jafari Far</i>	
■ Just Price as a Theological Institution: Investigating the Experience of the Scholastic Theologians and Lessons for Islamic Economics	167
<i>Mohammadhosein Bahmanpour-Khalesi and Mohammadjavad Sharifzadeh</i>	
■ Investigating the asymmetric effects of financial risk components and economic complexity on sukuk market development in Iran (Nonlinear Autoregressive Distributed Lag Model Approach).....	195
<i>Bahman Khanalizadeh, Ashkan Rahimzadeh, Mohammad Dalmanpour and Majid Afsharirad</i>	
■ Estimating the Development Index of Production Cooperatives as one of the Institutions of Resistance Economy and Macroeconomic Factors Affecting It	233
<i>Kiomars Sohaili and Maryam Nafisi Moghadam</i>	
■ A Systematic Review of Domestic Studies on the Democratization of the Economy	363
<i>Saeed Seyed Hoseinzadeh</i>	
■ Investigating and Ranking the Influence Paths of Religion on Economic Growth Using Analytic Hierarchy Process (AHP).....	317
<i>Mostafa Kazeminajafabadi and Mahdi Roayaei</i>	
■ The Role of Religiosity in Financial Literacy and its Effect on Financial Satisfaction and Hopelessness of Pre-Service Teachers.....	353
<i>Abbas Ramazani, Anita Omidinia and Ladan Hajianvari</i>	
■ Modeling the financing of innovation and the knowledge-based economy in the framework of the Islamic financial system.....	377
<i>AbdolMohammad Kashian</i>	

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

31

Islamic Economics Studies

Bi-quarterly Journal of Islamic Economics Studies, Research Article
Vol.16, No.1 (Serial 31), Autumn & Winter 2023-2024

Publisher: Imam Sadiq University
Managing Director: Mohammad Hadi Zahedi Vafa
Editor in Chief: Mohammad Mahdi Askari
Editorial Board & Manager Assistant: Mohammad Ghaedamini
Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Masoud Derakhshan

Professor (Expertise: Mathematical Economics & Optimization) Allameh Tabatabaei University

Karim Eslamluian

Professor (Expertise: International Economics) Shiraz University

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Hosein Ali Sadi

Professor (Expertise: Economic Jurisprudence) Imam Sadiq University

Mohammad Mahdi Askari

Professor (Expertise: Mathematical Economics) Imam Sadiq University

Mohammad Ali Fallahi

Professor (Expertise: Economics) Ferdowsi University

Kazem Yavari

Professor (Expertise: International Economics & Development) Tarbiyat Modarres University

Abbas Arabmazar

Associate Professor (Expertise: Econometrics & Development) Shahid Beheshti University

Mohammad Hadi Zahedi Vafa

Associate Professor (Expertise: Economics) Imam Sadiq University

Hossein Eivazlou

Associate Professor (Expertise: Monetary Economics) Imam Sadiq University

Persian Editor, Voter: Ali Reza Allahdadi

The Articles in this Publication do not Necessarily Reflect the Views of the University
The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran

P.O. Box: 14655-159

Management of Technical and Printing: Deputy of Research and Technology,

Telfax: +9821-88094915

Management of Scientific & Editorial Affairs: Islamic Sciences & Economics Faculty,

Tel: +9821-88081404 Fax: +9821-88579988

Address of the Dedicated Journal System: <https://ies.isu.ac.ir>

Email(1): ies@isu.ac.ir Email(2): ies.sadiqjournals@gmail.com